اطلاعات

پنجشنبه ۲۴ بهمن ۱۳۹۸ – ۱۸ جمادی الثانی ۱۴۴۱ – ۱۳ فوریه ۲۰۲۰ – سال نودوچهارم – شماره ۲۷۴۹۹ – ۱۶ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه – تک شماره ۲۰۰۰ تومان

معاون رئیس جمهوری: لایحه پالرمو تعارضی با قانون اساسی ندارد

* لعیا جنیدی در حاشیه جلسه هیأت دولت: پیش‌نویس لایحه همه‌پرسی نظارت استصوابی به زودی به هیأت دولت ارسال می‌شود
* وزیر ارتباطات: ماهواره ظفر ۲ خرداد سال آینده در مدار قرار می‌گیرد

صفحه ۴

«فالح الفیاض»: الحشد الشعبی را همانطور که شهید سلیمانی می‌خواست، ارتقا می‌دهیم

* رئیس الحشد الشعبی عراق در آیین بزرگداشت «شهید سلیمانی» و «المهندس» از فداکاری‌های این شهدا تمجید کرد
* الحشد الشعبی خواست و ساخته مرجعیت عالیقدر عراق است

صفحه ۱۶

دستور رئیس جمهوری به ۴ وزیر برای خدمت‌رسانی فوری به مردم مناطق برفگیر

* حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی به وزرای راه و شهرسازی، نیرو، ارتباطات و فن‌آوری اطلاعات و کشور دستور داد تمامی امکانات را برای تسریع در روند خدمت‌رسانی به مردم و کاستن از مشکلات ناشی از بارش سنگین برف در مناطق برفگیر بکار گیرند
* رئیس جمهوری در گفتگوی تلفنی با استاندار گیلان، از وی خواست همه امکانات استان را برای کمک‌رسانی به مردم بکار گیرد
* معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان برنامه و بودجه دیروز به منظور بررسی وضع امدادرسانی به مردم، به گیلان سفر کرد
* محمد باقر نوبخت از اختصاص ۵۰ میلیارد تومان برای جبران خسارات ناشی از برف در گیلان خبر داد
* ۲۵۵ روستا در استان اردبیل همچنان در محاصره برف و کولاک هستند
* ۹ نفر در استان‌های گیلان و البرز بر اثر حوادث ناشی از بارش برف و همچنین برودت هوا جان باختند
* سیف‌الله مسرور بازرس کل استان گیلان: با مدیرانی که وظایف‌شان را به نحو صحیح انجام نداده‌اند، در چارچوب قانون برخورد می‌کنیم
* مهرداد لاهوتی نماینده مردم لنگرود: آب در شرق گیلان قطع شده است و فقط ۳۰ درصد از مشترکان سایر نقاط استان از آب لوله‌کشی می‌توانند استفاده کنند
* مرتضی سلیمی رئیس سازمان امداد و نجات جمعیت هلال‌احمر: در چهار روز گذشته ۵۴۴۰ نفر متأثر و در راه مانده از برف و کولاک در ۲۱ استان کشور از خدمات اسکان اضطراری هلال‌احمر بهره‌مند شدند

صفحه ۱۳

فعالیت‌های تبلیغاتی نامزدهای نمایندگی مجلس آغاز شد

* رئیس ستاد انتخابات کشور: اسامی داوطلبان تائید صلاحیت شده انتخابات مجلس به فرمانداری‌ها ابلاغ شده است که تعداد آنها به ۷ هزار و ۱۴۸ نفر می‌رسد
* عرف: در این دوره «عدم احراز صلاحیت» وجود ندارد

صفحه ۲

دعوت شورای هماهنگی تبلیغات از مردم برای حضور در مراسم اربعین سردار سلیمانی

* مراسم اربعین سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی و سردار ابومهدی المهندس و یاران وفادارش، امروز همزمان با اذان و اقامه نماز جماعت مغرب و عشا در مصلای بزرگ تهران برگزار خواهد شد

صفحه ۲

سردار دل‌ها
ویژه‌نامه اربعین شهید سپهبد سلیمانی

ضمیمه روزنامه امروز

مکتوب هفته

ارادهٔ اِحیا

دکتر محمد علی فیاض بخش

صفحه ۲

محک — خوشش بود گر محک تجربه آید به میان — ابوالقاسم قاسم‌زاده

تغییر سیمای خاورمیانه!

صفحه ۲

گزارش

دنبال مقصر اصلی نگردید، همه مقصرند

صفحه ۵

وادی ادبیات

یادی از حسن محجوب

جهان به شمارگان برپا نیست!

علی تقی‌زاده

صفحه ۶

اقتصادی

سدسازی یا آبخیزداری با کدام اولویت‌ها

صفحه ۷

روابط بین‌الملل

معامله قرن؛ تقلای ناکام صهیونیسم برای شکست دادن آرمان فلسطین

صفحه ۱۲

محک

خوش بود گر محک تجربه آید به میان

ابوالقاسم قاسم‌زاده

تغییر سیمای خاورمیانه!

دو اقدام ترامپ، یکی اجرای حمله نظامی در خاک عراق و ترور سردار قاسم سلیمانی، سردار ابومهدی المهندس و همراهان آنها ، دوم اعلام علنی طرح «معامله قرن» همراه جنجال وسیع خبری ـ تبلیغاتی درباره آن، که تا اینجای کار، هیچ کشوری آن را تأیید نکرده و فلسطینیان متحد آن را رد کرده‌اند و موجی از اعتراض‌ها و نفرت علیه آمریکا را به راه‌انداخته است، در عمل نه تنها برای نتانیاهو و رژیم صهیونیستی که برای حامی اصلی آن ترامپ بحران آفرین شده است. اکنون در سراسر کشورهای منطقه، همه خواهان اخراج نظامیان آمریکایی شده‌اند؛ تا آنجا که برخی از دولت‌های حاکم عربی که دلارهای نفتی بسیار به جیب ترامپ ریخته‌اند و ترامپ همواره این غارت دلارهای نفتی را برای موفقیت سیاست‌های خاورمیانه‌اش همراه با تحقیر شیوخ حاکم در خلیج فارس در داخل آمریکا بهره‌گیری می‌کند، اکنون با دو مشکل عمده مواجه شده‌اند.

مشکل اول، خطر کشته‌شدن نظامیان آمریکا در این کشور که می‌رود به یک فرهنگ عمومی مردم‌پسند تبدیل شود. دوم، خطر جنگ ویرانگر در حالی که از بستر این تهدیدهای مداوم، آمریکا مجبور به برچیدن پایگاه‌های نظامی‌اش می‌شود. چنانکه در عراق، بعد از مدتی ترامپ مجبور به اعلام پذیرش خارج کردن سربازان آمریکا از این کشور شده است، آمریکا در سوریه، اگرچه همچنان هزینه می‌کند، اما دست آوردی ندارد و مسیر حوادث در این کشور عربی، به استقرار کامل حاکمیت دولت سوریه سوق پیدا کرده است. دیر یا زود، ترامپ سربازان خود را از خاک سوریه نیز بیرون خواهد برد. در افغانستان نیز بعد از سال‌های سال از سیاست نظامی‌گری آمریکا، اکنون ترامپ می‌گوید، می‌خواهد هرچه زودتر همه سربازان آمریکایی مستقر در افغانستان را به خانه خود در آمریکا برگرداند. در حالی که تلاش خود را معطوف به مذاکره و رسیدن به توافق با طالبان تا مرز پذیرش حاکمیت آنها بر افغانستان کرده است، طالبان نیز شرط اصلی توافق را خارج شدن کامل ارتش آمریکا از افغانستان اعلام کرده‌اند!

در مورد ایران، ترامپ طرح تحریم را با اجرای «فشار حداکثری» علیه جمهوری اسلامی برای تمکین و تسلیم به اجرا درآورد و در آغاز گفت: «تا سه ماه آینده ایران در محاصره کامل مالی ـ اقتصادی از سوی آمریکا تسلیم خواهد شد!» اکنون بعد از سه‌سال، اجرای این سیاست پاسخ مطلوب را نداده و در سال انتخابات ریاست جمهوری از اصلی‌ترین نقدها علیه ترامپ و سیاست تحریم او علیه ایران شده است.

روابط آمریکا با ترکیه و اردوغان هم چندان گرم و هماهنگ نیست.

نزدیکی اردوغان به پوتین در عمل، معادله روابط کاخ سفید با رئیس جمهور ترکیه را به هم ریخته است.

در بحران یمن، ترامپ نتوانست برای پیروزی سعودی‌ها و اماراتی‌ها در جنگ با یمن کار چندانی انجام دهد و این بحران به یک فاجعه بشری با کشتار زنان، کودکان، سالخوردگان و مردم عادی یمن در سازمان ملل به محکومیت سیاست‌های ترامپ رسیده است.

از آخرین تلاش‌های وزیر خارجه ترامپ پُمپئو ایجاد آشفتگی و هرج و مرج داخلی در عراق و لبنان است تا در این دو کشور دولت جدیدی مستقر نشود، اما این سیاست نیز جواب نداده است. اگرچه هنوز دلارهای سعودی و اماراتی‌ها برای ادامه هرج و مرج در این دو کشور عربی در راستای طرح‌های نتانیاهو، به کار گرفته می‌شود.

دو نظر در اغلب نوشته‌های تحلیلگران سیاسی برجسته غرب در رصد شرایط کنونی خاورمیانه دیده می‌شود. نظرپردازی اول بر این باور است که «ترامپ» طراحی سیاست مستقل و همه‌جانبه درباره خاورمیانه ندارد. او نبض این سیاست را در اختیار نتانیاهو قرار داده است و حاکمیت سیاسی و استراتژیکی کلی رژیم صهیونیستی بر همه خاورمیانه را خواهان است. تقابل او با ایران و ارائه طرح «معامله قرن» در این راستا دیده شده است. این نظریه‌پردازان معتقدند سیمای خاورمیانه در حال تغییر است. تغییری که همچنان در انتخاب جنگ جدید یا استقرار نظم منطقه‌ای جدید می‌چرخد. هدف نتانیاهو، بسترسازی برای جنگی نیابتی از سوی ترامپ در این منطقه است تا از محصول آن تثبیت قدرت رژیم صهیونیستی در منطقه خاورمیانه را به دست آورد. اما این سناریو هزینه مالی ـ سیاسی و حتی امنیتی سنگینی خواهد داشت که آمریکا چنین ریسکی نمی‌کند و تا اینجای کار از پذیرش آن اجتناب دارد.

نظر دوم، نیز محوریت تغییر سیمای خاورمیانه را اجتناب‌ناپذیر می‌شمارد، اما بر این باور است که ادامه بحران در این منطقه، اولاً، کل خاورمیانه را به سوی رادیکالیسم تخریبی سوق می‌دهد، ثانیاً، هیچ کشوری چه در داخل منطقه و چه در خارج آن سودی از آن بدست نمی‌آورد، به ویژه که خلیج‌فارس، قلب انرژی دنیا است و رادیکالیسم تخریبی در عمل برای جریان عبور نفت و گاز و مسیر امن بهره‌برداری از آن، مرگ فاجعه‌بار مواجه خواهد شد. این دو نگاه است که همه دولت‌های منطقه را برای تغییر سیمای خاورمیانه از تهدیدها به استقرار و ثبات بر اساس سیاست منطقه‌ای صلح‌آمیز شایق کرده است. جمهوری اسلامی ایران اکنون وارد فاز فعال‌سازی هر چه وسیع‌تر سیاست منطقه‌ای خود شده است تا تغییر سیمای خاورمیانه را در راستای همزیستی مسالمت‌آمیز منطقه‌ای رقم بزنند. سه محور، یکی اتحادیه اروپا و بصورت عمده سه دولت اصلی آن، انگلیس، آلمان و فرانسه؛ دوم، چین و ژاپن و سوم شاید مهم‌تر از آن دو، پوتین و روسیه را باید رصد کرد.

سه کشور اصلی، اتحادیه اروپا اگرچه در پی تنش‌زدایی و بسترسازی مصالحه به ویژه در روابط ایران و آمریکا هستند، اما نگاه آنها معطوف بر جریان انتخابات در آمریکا است و محور اصلی سیاست کنونی آنها خرید زمان است و به‌قول معروف با خرید زمان در این فاصله بازی سیاسی می کنند. چین و روسیه دو قدرت مهم دیگر هستند. چینی‌ها در حالیکه خود گرفتار سیاست‌های خسارت‌بار ترامپ هستند و آن را برنمی‌تابند، اما در صدر سیاست‌های خود از خاورمیانه، تعریف اقتصادی و گسترش روابط اقتصادی با همه کشورهای خاورمیانه را دارند و به شدت جنگ گریزند. روسیه و پوتین که چند سالی است چتر حضور فعال خود را در خاورمیانه باز کرده است، تا اینجا از حماقت‌های سیاست‌های ترامپ در منطقه سود برده است و به‌نظر می‌رسد مایل به انتخاب مجدد نتانیاهو به نخست‌وزیری در اسرائیل و ترامپ به ریاست‌جمهوری در آمریکا باشد. پوتین دریافته است که هر چه رادیکالیسم تخریبی در خاورمیانه شدت بیشتری پیدا کند منافع استراتژیکی روسیه در این منطقه گسترده‌تر خواهد شد.

کلام آخر اینکه، اصل تغییر سیمای خاورمیانه به مرحله ظهور و بروز رسیده است. پرسش این است آیا این تغییر سیما منجر به جنگ فراگیر یا مصالحه و صلحی همه جانبه خواهد شد؟!

پیام تبریک «اسماعیل هنیه» به رهبر معظم انقلاب

رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس در پیامی به رهبرمعظم انقلاب، سالروز پیروزی انقلاب اسلامی را تبریک گفت و از مواضع ایران در حمایت همیشگی از مسأله فلسطین قدردانی کرد.

به گزارش مرکز اطلاع رسانی فلسطین، متن پیام به شرح زیر است:

حضرت آیت الله سید علی خامنه‌ای (حفظه الله)

رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران

السلام علیکم و رحمه الله و برکاته،

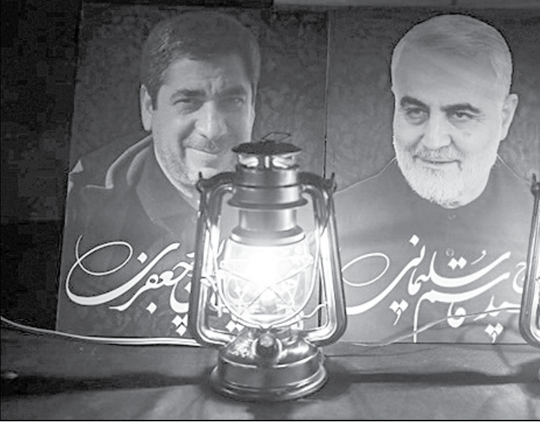
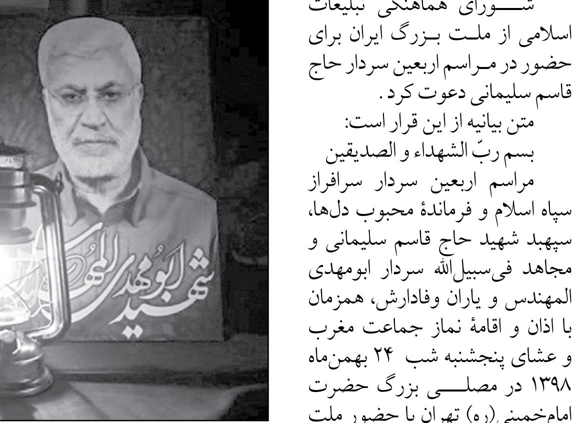
سلام و درودی صمیمانه و بعد،

برای ما در جنبش مقاومت اسلامی حماس مایه خرسندی است که خالصانه‌ترین و صادقانه‌ترین تبریک‌های خود را به مناسبت چهل و یکمین سالروز پیروزی انقلاب مبارک اسلامی جمهوری اسلامی ایران خدمت شما تقدیم نماییم.

ما در جنبش حماس همراه با ملت فلسطین ضمن ابراز شادی و سرور در کنار ملت دوست ایران به این مناسبت مبارک و به افتخار این پیروزی بزرگ، عمیقا از مواضع گرانقدر شما در حمایت از فلسطین و مساله عادلانه آن و همبستگی مردم ایران با ملت فلسطین در زمینه دفاع از حقوق مشروع خویش و حمایت از شهر قدس اشغالی و مسجد مبارک الاقصی و حمایت از مقاومت قهرمان فلسطین در مقابله با رژیم اشغالگر صهیونیستی تقدیر کرده و نهایت افتخار و خرسندی خود را نسبت به پیوندهای دوستی میان دو ملت ایران و فلسطین ابراز می‌داریم.

این فرصت نیک را غنیمت می‌شمارم تا به نمایندگی از خود و برادرانم در جنبش حماس از نقش بارز و مواضع اصولی شما در همراهی همیشه با فلسطین و حمایت از ملت و مقاومت فلسطین تقدیر کرده و بار دیگر بر تمایل خود برای تقویت این مواضع و همکاری‌ها تاکید می‌کنم و از درگاه خداوند صحت و سلامت را برای شما و پیشرفت و شکوفایی هرچه بیشتر را برای جمهوری اسلامی ایران و ملت بزرگوار آن خواستارم.

دعوت شورای هماهنگی تبلیغات از مردم برای حضور در مراسم اربعین سردار سلیمانی

شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی از ملت بزرگ ایران برای حضور در مراسم اربعین سردار حاج قاسم سلیمانی دعوت کرد.

متن بیانیه از این قرار است:

بسم ربّ الشهداء و الصدیقین

مراسم اربعین سردار سرافراز سپاه اسلام و فرماندهٔ محبوب دل‌ها، سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی و مجاهد فی‌سبیل‌الله سردار ابومهدی المهندس و یاران وفادارش، همزمان با اذان و اقامهٔ نماز جماعت مغرب و عشای پنجشنبه شب ۲۴ بهمن‌ماه ۱۳۹۸ در مصلی بزرگ حضرت امام‌خمینی(ره) تهران با حضور ملت قدرشناس و فهیم و خانواده‌های معظم شهدا، جانبازان، رزمندگان و مسئولان عالیرتبهٔ کشوری و لشکری برگزار خواهد شد.

با تقدیر و سپاس مجدد قلبی از عظمت ملت رشید در خلق حماسهٔ شکوه بصیرت و اقتدار در آوردگاه راهپیمایی یوم‌الله ۲۲ بهمن، از عموم مردم عزیز ایران اسلامی دعوت می‌کند، تا با حضور پرشور و شعور خود در ویژه مراسم چهلمین روز شهادت این شهیدان گرانقدر، ضمن گرامیداشت نام و یاد و زنده نگاه داشتن خاطرهٔ آنان، اعلام کنند که گرچه شهید حاج قاسم سلیمانی دیگر کنار ما نیست اما راه و اندیشه های راهبردی او پر طرفدار و پر حرارت تر از قبل توسط مردمان حماسه ساز این سرزمین و تمامی وفاداران و فرزندان برومند مکتب نورانی شهید سلیمانی در «جبههٔ بیداری و مقاومت اسلامی» در منطقه و سراسر جهان تا پاک کردن هرگونه ظلم و استکبار در سطح جهان و محو کامل غدهٔ سرطانی رژیم اشغالگر قدس از صحنهٔ روزگار ادامه خواهد داشت.

تشکیل «ستاد سردار سلیمانی» در وزارت امور خارجه

سخنگوی وزارت خارجه در تشریح پیگیری‌های انجام شده در پی ترور سردار شهید سلیمانی، از تشکیل ستاد سردار سلیمانی در وزارت خارجه خبر داد که کمیته حقوقی آن اخیرا تشکیل جلسه داده است.

سید عباس موسوی درباره پیگیری‌های انجام شده در پی ترور سردار سلیمانی گفت: بعد از ترور شهید سپهبد قاسم سلیمانی ستاد ویژه‌ای به نام «ستاد سردار سلیمانی» در وزارت خارجه تشکیل شده است و همه ارگان‌ها و نهادهای مرتبط در خارج از وزارت خارجه در آن دخیل هستند. این ستاد به ریاست «صادق خرازی» مشاور وزیر خارجه فعالیتش را آغاز کرده است و در وزارت خارجه تشکیل جلسه می‌دهد و محلی هم در وزارت خارجه برای این ستاد در نظر گرفته شده است.

وی افزود: این ستاد دارای کمیته‌های مختلفی است، از جمله کمیته حقوقی که اولین جلسه آن هفته گذشته با حضور حقوقدانان برجسته کشور تشکیل شد. در این جلسه ابعاد مختلف حقوقی موضوع از جمله مسئولیت، عاملان این اقدام تروریستی و ... مورد بررسی قرار گرفت تا از طریق محاکم داخلی و بین‌المللی پیگیری‌های لازم در این زمینه صورت گیرد.

بقیه در صفحه ۱۴

پیام قدردانی رئیس جمهوری از ملت ایران

رئیس‌جمهوری در پیامی خطاب به مردم هوشیار و همیشه در صحنه ایران اسلامی، تاکید کرد که حضور پرشور و آگاهانه شما ملت غیور و انقلابی ایران در راهپیمایی یوم‌الله ۲۲بهمن، بار دیگر با درخششی متفاوت و چشمگیر، ماندگارترین صحنه‌های وحدت، یکدلی و میثاق ملی را در مقابل دیدگان جهانیان به نمایش گذاشت.

در پیام حجت‌الاسلام والمسلمین حسن روحانی آمده است:

مردم هوشیار و همیشه در صحنه ایران اسلامی!

حضور پرشور و آگاهانه شما ملت غیور و انقلابی ایران در راهپیمایی یوم‌الله ۲۲بهمن، یک بار دیگر با درخششی متفاوت و چشمگیر، ماندگارترین صحنه‌های وحدت، یکدلی و میثاق ملی را در مقابل دیدگان جهانیان به نمایش گذاشت.

مشارکت صمیمی، یکدل و هوشمندانه مردم سراسر کشور در باز آفرینی این روز خجسته که امسال با اربعین شهادت سردار سپهبد حاج قاسم سلیمانی تقارن داشت، موجب برکت و شکوهی مضاعف شد و به ویژه در شرایط امروز کشور، پافشاری و پایبندی به آرمان‌های نظام اسلامی و وفاداری به ارزش‌های تعالی‌بخش آن را بیش از همیشه نمایان کرد.

از سوی دیگر در آستانه انتخابات مجلس شورای اسلامی، این نمایش وحدت و همدلی، نشانهٔ تدبیر و زمان‌شناسی ملتی آگاه است که می‌خواهد یکبار دیگر با مشارکت پرشور و آگاهانه، به وظایف دینی و انقلابی خویش عمل کرده و فصل جدیدی از حیات سیاسی و فرهنگی ایران اسلامی را رقم بزند.

اینجانب در این دوران حساس و سرنوشت‌ساز حرکت پرمعنا، وحدت‌آفرین و با عظمت ملت شریف و همیشه در صحنه کشورمان را گرامی می دارم و از آحاد ملت، گروه‌ها و احزاب سیاسی که در این جشن ملی با اتحاد و همبستگی مستحکم خود، موجبات مباهات نظام و یأس دشمنان را فراهم کردند، تقدیر و تشکر می کنم و سعادت، سربلندی و بهروزی همگان را در مسیر دستیابی کامل به آرمان‌های والای انقلاب اسلامی، از درگاه خداوند متعال مسألت دارم

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام: اکنون نوبت شفافیت و پاسخگویی مسئولان است

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: مردم وظیفه خود را با حضور حداکثری در راهپیمایی یوم الله بیست و دوم بهمن انجام دادند و حالا نوبت شفافیت و پاسخگویی مسئولان است.

به گزارش ایسنا، سید مرتضی نبوی در برنامه رهیافت رادیو اقتصاد افزود: مردم همواره وفادار به انقلاب، نظام و اسلام بوده و هستند و همیشه در صحنه های مختلف از جمله در مراسم با شکوه ۲۲بهمن، انتخابات و دیگر مناسبت ها با حضور جدی و معنادار خود حماسه خلق کرده و می کنند.

وی ادامه داد: اکنون نوبت مسئولان است که پاسخگویی مناسب داشته باشند و با تلاش‌های صادقانه و مجدانه مشکلات مردم را برطرف کنند.

این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: بخشی از چالش های اقتصادی مملکت مربوط به تحریم ها، فشارها و محدودیت های بین المللی است.وی افزود: ناگفته نماند خود تحریم ها منجر به این شده است که کشور از خام فروشی و در آمدهای نفتی بیشتر فاصله گیردو به سمت تولید انبوه در داخل و صادرات غیر نفتی حرکت کند.

نبوی بیان داشت:اگر مسئولان زمینه‌های لازم را برای فعالیت‌های اقتصادی در جامعه فراهم کنند، مردم می‌توانند چرخ‌های اقتصادی مملکت را به حرکت درآورند .

وی ادامه داد: بخشی از مشکلات فضای کسب و کار کشور مربوط به قوانین دست و پاگیر، بازدارنده، متعارض و غیر شفاف است و بخشی دیگر هم به مباحث بروکراسی کاذب اداری و نظایر این ربط پیدا می کند.

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: مسئولان امروز به کمک فناوری اطلاعات می توانند به راحتی دستگاه را شفاف، روان، تسریع و در عین حال جلو بسیاری از فسادها و رانت ها را بگیرند و رضایتمندی مردم را بیش از پیش حاصل کنند .

وی افزود: بارها مسئولان قول اجرای دولت الکترونیک را به مردم داده اند، اما تاکنون به نحوه باید و شاید در جامعه نمود عملی پیدا نکرده است.

نبوی اظهارداشت: مسئولان باید همت به خرج دهند تا این مهم با سرعت هرچه بیشتری در کشور عملیاتی شود.متاسفانه در بدنه دستگاه‌های اجرایی کشور احساس می‌شود کسانی که منافع نامشروعی دارند در مسیر توسعه دولت الکترونیک سد ایجاد می‌کنند و اگر این سدها و موانع برداشته و دستگاه های اجرایی به سمت شفافیت و پاسخگویی حرکت کنند مردم به سرعت می‌توانند کسب و کارها و فعالیت‌های اقتصادی را توسعه دهند .

وی ادامه داد: سیاست‌های کلی نظام در حوزه‌های مختلف تبدیل به قوانین لازم‌الاتباع شود و همچنین قوانین هم به آیین‌نامه‌های اجرایی جریان پیدا کند. در دستگاه‌های اجرایی و قضایی متاسفانه این فرآیند مناسب و کارآمدی نیست.

نبوی اظهارداشت: رهبر معظم انقلاب از مجمع تشخیص مصلحت نظام خواسته‌اند سیاست‌های کلی نظام را مورد بازنگری و تنقیح قرار دهد.اکنون انتقاداتی به خود سیاست های کلی هم از این که حجم آن زیاد است، وجود دارد.

درحالی که سیاست های کلی باید نقش کاربردی داشته باشد و جهت های کلی را مشخص کند.

وی اظهارداشت: وقتی سیاست های کلی چنین خاصیتی داشت باید زمینه ها به نحوی فراهم شود که به سرعت قوانین مغایر با این سیاست ها اصلاح، حذف و خلاء های قانونی برطرف تا دستگاه های اجرایی بتوانند به خوبی پاسخگویی داشته باشند.

نبوی ادامه داد: به طور باید و شاید نه قوانین، مقررات و آیین‌نامه‌های خوبی در مملکت وجود دارد و نه خوب اجرا می‌شود.

وی گفت: مردم با حضور حداکثری خود در پای صندوق های رای با انتخاب افراد شایسته، متعهد، متدین، دلسوز و فرهیخته مجلس کارآمدی تشکیل دهند تا با تصویب قوانین مناسب و تاثیر گذارو در عین حال نظارت موثر بتوان مشکلات مملکت را یکی پس از دیگر رفع کرد.

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام افزود: وقتی قانون حاکم باشد و اصل شفافیت در نظام اداری رعایت شود، هم جلو فساد و رانت گرفته و هم کسب و کارها در جامعه شکوفاتر می شود و هم برنامه های دشمن برای لطمه وارد کردن به اقتصاد کشور یکی پس از دیگر به شکست منجر خواهد شد.

صالحی: آژانس انرژی اتمی سمت گیری سیاسی نداشته باشد

علی اکبر صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی در دیدار با رافایل گروسی مدیرکل جدید آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مقر این نهاد در وین بر ادامه همکاری‌های دو جانبه تاکید کردوافزود: روابط با آژانس بین المللی انرژی اتمی بسیار خوب و براساس تفاهم متقابل است و این سازمان به عنوان یک مرجع بین المللی نباید سمت گیری‌های سیاسی در تصمیماتش اثرگذار باشد.

به گزارش مهر وی روابط ایران و آژانس را بسیار خوب و سرشار از همکاری و تفاهم ارزیابی و ابراز امیدواری کرد این رابطه همچنان پابرجا بماند.

صالحی تاکید کرد که ایران اهل مذاکره و منطق است؛ اما تحت هیچ فشاری تصمیم نخواهد گرفت.

وی همچنین گفت: تا زمانی که مسائل مبتنی بر مقررات و قوانین و تعهدات ایران و زمینه‌های فنی و مستند آن کامل باشد و در چارچوب پادمان و پروتکل الحاقی که مورد پذیرش قرار گرفته‌اند، باشد، مثل گذشته همکاری‌ها را ادامه خواهیم داد.

رئیس سازمان انرژی اتمی‌در دیدار با همتای فرانسوی خودهم با گلایه از کم توجهی فرانسه به موضوع گداخت هسته‌ای، به سه کشور اروپایی عضو برجام توصیه کرد از پیچیده‌تر شدن اوضاع جلوگیری کنند.

صالحی به انتظار ایران از فرانسه بعد از برجام و آغاز همکاری‌های صلح آمیز هسته‌ای با این کشور اشاره و ضمن آنکه شروع روند را موفقیت‌آمیز توصیف کردبه گلایه از کم توجهی طرف فرانسوی به موضوعات مورد همکاری از جمله در زمینه گداخت هسته‌ای پرداخت.

رئیس سازمان انرژی اتمی‌با تشریح روند اقدامات ایران پس از خروج آمریکا از برجام اتخاذ گام‌های کاهشی در تعهدات را با هدف حفظ توافق و ایجاد توازن در آن، توصیف کرد.

وی تاکید کرد که در صورت تداوم روند کنونی هیچ یک از طرف‌ها نمی‌توانند انتظار رضایت از این توافق را داشته باشند.

معاون رئیس جمهوری با اشاره به این که ایران از این روند خوشنود نیست و با وجود گزارش‌های پیاپی از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی‌مبنی بر تائید انجام تعهدات ایران منطبق بر برجام و عدم دستیابی به حداقل انتظارات از دستاوردهای این توافق اعلام کرد: افکار عمومی‌در کشور بشدت ناراضی است و انتظار اقدام متقابل دارد.

ژاک هم در این دیداربا اعلام حمایت فرانسه از برجام چون گذشته، خروج آمریکا از توافق را مایه تاسف خواند و در عین حال از گام‌های کاهش تعهدات ایران ابراز نگرانی کرد.

وی تاکید کرد که مقامات کشورش در ملاقات با مقامات آمریکا ابراز تاسف خود را ابراز داشته‌اند.

در ادامه صالحی گفت: استمرار شرایط موجود به نفع هیچ‌کس نیست و نباید فراموش شود که برجام منافع امنیتی برای اروپا دارد و حفظ آن براساس آنچه که خانم موگرینی بارها تاکید می‌کرد برای امنیت اروپا ضرورت دارد.

وی افزود از این رو توصیه می‌کنم کشور فرانسه جانب احتیاط را در پیش گرفته و در کنار دیگر کشورهای اروپایی از پیچیده‌تر شدن اوضاع جلوگیری کند.

در پایان طرفین تاکید کردند که در مناسبت‌های آتی رایزنی‌های دو جانبه را ادامه دهند.



روسیه: گزینه تمدید تحریم تسلیحاتی ایران در قطعنامه ۲۲۳۱ نیست

ازسوی دیگر،به گفته مدیر اداره کنترل تسلیحاتی و عدم اشاعه وزارت خارجه روسیه،شورای امنیت سازمان ملل برنامه‌ای برای تمدید تحریم تسلیحاتی ایران ندارد.

بنا بر گزارش اسپوتنیک، «ولادیمیر ارماکوف» در مصاحبه با این رسانه گفت: « می‌توانم به شما اطمینان بدهم که هیچ رایزنی و بحث رسمی‌درباره بازنگری قطعنامه ۲۲۳۱شورای امنیت سازمان ملل وجود ندارد؛ نه در شورای امنیت و نه در هیچ جایگاه دیگر».

مدیر اداره کنترل تسلیحاتی و عدم اشاعه وزارت خارجه روسیه افزود: «البته این موضوع را هم دوست دارم مطرح کنم، در قطعنامه مذکور (۲۲۳۱) که در رابطه با فرایند مرتبط با ارائه تسلیحات و مهمات نظامی‌به ایران یا صدور تسلیحات از ایران به خارج است، مکانیسم یا حتی گزینه‌ای برای تمدید (تحریم تسلیحاتی ایران) وجود ندارد».

این مقام روس با تاکید بر این که مفاد قطعنامه ۲۲۳۱با هدف «محدود کردن حقوق قانونی ایران» طراحی نشده است، افزود: «هدف (این قطعنامه) ایجاد شرایط مناسب برای روشن شدن برخی از سئوالات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی‌بود؛ سئوالاتی که می‌خواست از تهران بپرسد. موضوع همه سئوالات کاملا بسته شد و در دسامبر ۲۰۱۵از دستور کار خارج شدند و این موضوع در اسناد آژانس و تصمیمات شورای حکام هم منعکس شده است».

ارماکوف افزود: «روسیه همیشه همه مسائل مطرح شده در قطعنامه ۲۲۳۱شورای امنیت سازمان ملل را در نظر گرفته است».

این اظهارات چند روز بعد از صحبت‌های «لوان جاگاریان» سفیر مسکو در تهران درباره تحریم تسلیحاتی ایران مطرح شد. سفیر روسیه گفته بود، محدودیت‌های تسلیحاتی ایران رو به اتمام است

مکتوب هفته

اراده‌ی اِحیا

دکتر محمدعلی فیاض‌بخش

در اخبار خواندم که استاندار تهران از کمبود دوازده‌هزار کلاس درس در استان خبر داده‌است. در آستانه‌ی چهل‌ودو سالگی انقلاب، برای منِ معلم، هرخبری از کاستی‌ها و نارسایی‌ها می‌توانست حمل بر وجوهی شود که عادت کرده‌ایم و ناگزیرشان باور. مثلا در یک‌کلام به پای دشمنی‌های مستمر زنجیره‌ی دشمنان بیرونی بگذارم و بگویم: فعلا مشکلات ما عمده گره‌ی کورش در دشمنی‌هایی است که یک نقطه را هدف گرفته، و آن هم استقلال کشور است و ناگزیر در فشار بیرونی هستیم.

...اما در امر آموزش و پرورش هنوز من بیش‌از چهل‌سال معلمی‌کرده نمی‌توانم بفهمم، زمانی که در تحریم‌ها در طول بیش از چهل‌سال، هزاران برج‌وباروی اولترا لاکچری برای مسکن و پاساژ و تالار گردهم‌آیی و مجتمعات تشریفات ساخته‌شد، کلاس درس بچه‌های این کشور چرا هنوز در کمبود و فقر است؟

اگر آهن و سیمان مشمول تحریم و لاجرم گرانی و کمبوداست، چرا در صف اول قربانیان، شاگردهای مدرسه‌ای باید بایستند؟ و اگر زمین و خاک و آجر نیز در فهرست اقلام تحریمی‌است، اقتصاددانان بگویند این سه قلم تحریم را چگونه دور بزنیم!؟

واقعیت آن است که در کنار همه‌ی تحریم‌های بیرونی، ما خود به یک خودتحریمی درونی مبتلاییم، و آن هم بن‌بست اراده و عزم برای گشودن کوچه‌خاکی آموزش و پرورش است، که هیچ ماشین راه‌سازی نمی‌تواند از این کوچه عبور کند. تازه این خودتحریمی سخت‌افزاری‌است. در خودتحریمی نرم‌افزاری، یعنی بن‌بست‌های ارادی، مثنوی هفتادمن کاغذ است؛ از تربیت معلم ماهر بگیرید، تا نظام آموزشی کارآمد و موریانه‌ی کتاب‌های کمک‌آموزشی و اختاپوس صنعت کنکور؛ که مهتاب‌شبی باید!

کسانی که در صبح پیروزی انقلاب زاده‌شدند، امروز فرزندان در آستانه‌ی دبیرستان و بالاتر دارند و بر خودشان چه‌گذشته، بماند؛ فرزندانشان همچنان در فقر و فاقه‌ی کمبود کلاس سر می‌کنند.

ده‌ها بار در این ستون، مشکل کلیدی آموزش و پرورش را به زعم خود گفته‌ام: فقدان «اراده و نیت» در حل مشکل.

تصور کنید که دشمنان کشور تا لب مرزها پیش‌آمده‌اند(و البته این را حتی در تصورم نمی‌گنجانم؛ چرا که جز خباثت‌های جنگ سایبری آمریکا، توان و جربزه‌ای برای کسی نمی‌بینم که امروزه تا لب مرز ما پیش بیاید)؛ در این صورت، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ پاسخ این سؤال را از سال ۶۰ تا ۶۸ دریافت کرده‌اند و کرده‌ایم؛ زیرا اراده‌ی دفاع از آب و خاک، امروز و فردا بَردار نبود و «اراده» در آنجا حرف اول و آخر را می‌زد.

آیا برنامه‌ریزی زمان‌بندی‌شده برای نجات آموزش و پرورش از وضعیت فعلی و اقدام گام‌به‌گام برای حل این مشکل، در چهل و یک سال ناممکن بود؟ در سی سال بعد از جنگ تحمیلی میسر نبود؟ بود؛ آنچه نبود، اراده بود!

آیا بُود که در آغاز چهل‌ودوسالگی، این حلقه‌ی مفقوده، یعنی «اراده‌ی احیای» آموزش و پرورش، یافته‌شود؟

نشست خبری رئیس جمهوری یکشنبه برگزار می‌شود

معاون ارتباطات و اطلاع رسانی دفتر رئیس جمهوری اعلام کرد: نشست خبری رئیس جمهوری یکشنبه هفته آینده با حضور رسانه های داخلی و بین المللی برگزار می‌شود.

معزی در حساب کاربری خود در توییتر از برگزاری این نشست خبر داد.

آخرین و سیزدهمین نشست خبری حجت الاسلام و المسلمین حسن روحانی رئیس جمهوری با حضور رسانه‌های داخلی و خارجی ۲۲مهرماه امسال برگزار شد.

دبیر شورای نگهبان: نمایندگان همه جناح‌ها در انتخابات حضور دارند

دبیر شورای نگهبان با اشاره به پایان گرفتن مراحل بررسی صلاحیت داوطلبان گفت: شورای نگهبان تا اعلام نتایج نهایی انتخابات از سلامت انتخابات و آرای مردم صیانت خواهد کرد و اجازه نخواهد داد که کسی در آرای مردم دخالت کند.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی شورای نگهبان، آیت‌الله احمد جنتی در جلسه این شورا با تاکید بر این که امکان تقلب در انتخابات وجود ندارد گفت: مردم به سلامت انتخابات اعتماد دارند و چهل سال انتخابات سالم در این کشور با همکاری همه دستگاه‌ها برگزار شده و امکان تقلب در انتخابات وجود ندارد با این حال ناظران مردمی‌شورای نگهبان، عوامل قضایی، انتظامی‌و امنیتی همه باید هوشیار باشند و در امانتداری از رأی مردم جدیت داشته باشند.

دبیر شورای نگهبان با بیان این که مسئولان باید در امانتداری از رای مردم جدیت داشته باشند، گفت: از مسئولان اجرایی و عوامل نظارتی می‌خواهیم تا در زمان برگزاری انتخابات از هیچ یک از داوطلبان و جناح‌های سیاسی جانبداری نکنند.

آیت‌الله جنتی با بیان این که انتخابات دوم اسفند از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است، گفت: دشمنان به دنبال تحریم انتخابات و کاهش مشارکت مردم هستند؛ همه مردم و مسئولان باید برای افزایش حضور مردم در انتخابات تلاش و دشمن را ناامید کنند.وی افزود: اگر مشارکت مردم در انتخابات بالا باشد و داوطلبان شایسته و کارآمد توسط مردم انتخاب شوند، شاهد تشکیل یک مجلس قوی خواهیم بود و این امر منجر به افزایش همبستگی ملی و رفع مشکلات مردم می‌شود.آیت‌الله جنتی یادآور شد: برخلاف برخی اظهارات نادرست، انتخابات آتی کاملا رقابتی است و نمایندگان همه جناح‌ها در انتخابات حضور دارند.

وی با بیان این که گزارش‌های تخلفات انتخاباتی توسط ناظران شورای نگهبان تنظیم می‌شود و توسط نهادهای ذی‌ربط با این تخلفات برخورد می‌شود، تاکید کرد: مسئولان اجرایی و عوامل نظارتی باید دقت داشته باشند که در طول زمان برگزاری انتخابات از هیچ یک از داوطلبان و جناح‌های سیاسی جانبداری نکنند و دستگاه‌های دولتی از بیت المال به نفع آنان سوء استفاده نکنند.آیت‌الله جنتی افزود: داوطلبان هم باید توجه داشته باشند که در ایام تبلیغات از دلسرد کردن مردم، سیاه‌نمایی، تخریب رقبا، تخلف از قوانین تبلیغات و شعارهای دروغ و فریبنده خودداری و در چارچوب وظایف قانونی یک نماینده عمل کنند.

سفیر ایران در قطر: به دنبال همکاری سازنده با کشورهای منطقه هستیم

سفیر ایران در قطر با اشاره به تلاش‌های آمریکا برای ایجاد ناامنی و تنش در منطقه، اعلام کرد: جمهوری اسلامی به دنبال همکاری سازنده با کشورهای منطقه است.

به گزارش خبرگزاری فارس، محمدعلی سبحانی همچنین با اشاره به افزایش تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، خاطرنشان کرد: سیاست ایران در ارتباط با کشورها و امور بین‌الملل براساس اصل مشارکت و همکاری سازنده است.سفیر ایران با اشاره به سیاست فشار حداکثری و تحریم‌هایی که دولت آمریکا علیه ملت ایران اعمال کرده است، یادآور شد: این فشارها و تحریم‌ها، شرایط دشواری را برای تامین دارو و مواد ضروری ایجاد کرده وکمبود داروها جان بسیاری از شهروندان ایرانی را تهدید می‌کند.

سبحانی با بیان این که برجام می‌توانست منجر به صلح و امنیت در منطقه شود، ولی خروج آمریکا از آن منجر به ایجاد تنش در منطقه شده است به طرح صلح هرمز که از سوی حسن روحانی در نشست مجمع عمومی سازمان ملل رونمایی شد،اشاره وخاطرنشان کرد: معتقدیم این طرح بهترین راه‌حل برای صلح در منطقه است.دیپلمات ارشد ایران در دوحه همچنین به ترور سردار قاسم سلیمانی فرمانده سابق نیروی قدس سپاه اشاره کرد و گفت: سردار سلیمانی از سوی دولت عراق برای گفتگو و مشورت درباره کنترل اوضاع و یافتن راه‌هایی برای رفع تنش‌ها در عراق رسما به این کشور دعوت شده بود و ترور وی یک اقدام تروریستی و جنگ علیه کشور ما (ایران) بود که می‌توانست به جنگی عظیم منجر شود . سفیر ایران همچنین روابط تهران و دوحه و رفت و آمدهای اخیر بین مقامات دو کشور را مورد اشاره قرار داد و گفت: روابط دو کشور در سال‌های اخیر در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی ، فرهنگی و همکاری مرزی پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشته است.

سبحانی با اشاره به هفتمین نشست کمیسیون مشترک دو کشور که قرار است در اواسط آوریل در تهران برگزار شود، گفت: امیدواریم علیرغم برخی مشکلات و موانع روابط را در همه سطوح گسترش دهیم.

روی خط انتخابات

تبلیغات انتخاباتی از امروز مجاز است

ستاد انتخابات وزارت کشور با انتشار اطلاعیه ای اعلام کرد که فعالیت‌های تبلیغاتی همه نامزدهای تایید صلاحیت شده از بامداد پنجشنبه ۲۴ بهمن آغاز و در ساعت ۸ صبح پنجشنبه اول اسفند یعنی ۲۴ ساعت قبل از شروع اخذ رای پایان می‌یابد.

در این اطلاعیه آمده است:

در اجرای ماده ۵۶ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی‌و ماده ۴۰ آیین‌نامه اجرایی آن در خصوص زمان شروع و پایان فعالیت‌های تبلیغاتی نامزدهای انتخابات مجلس ، به آگاهی ملت شریف ایران و تمامی‌نامزدهای نمایندگی انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی‌می‌رساند، فعالیت‌های تبلیغاتی همه نامزدهای تائید صلاحیت شده از بامداد روز پنجشنبه مورخ ۲۴– ۱۱– ۹۸ آغاز و در ساعت ۸ صبح روز پنجشنبه مورخ ۱–۱۲–۹۸ یعنی ۲۴ ساعت قبل از شروع اخذ رای پایان می‌یابد.

در همین رابطه، سخنگوی ستاد انتخابات کشور با بیان این که همکاران ما در استان‌های مختلف تمام فعالیت کاندیداها را رصد می‌کنند گفت: در حال بررسی سقف هزینه تبلیغات کاندیدا بر اساس شاخص‌های قانونی هستیم که بلافاصله بعد از تائید شورای نگهبان سقف هزینه تبلیغات را اعلام می‌کنیم.

پیش از این عباسعلی کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان در حساب توییتر خود نوشته بود: با شروع زمان قانونی تبلیغات و نزدیک‌تر شدن به روز انتخابات، نظارت شورای نگهبان بر تخلفات انتخاباتی به منظور جلوگیری از دخالت در آراء مردم و تضمین یک انتخابات سالم بیشتر می‌شود.برای انجام این مهم ناظران مردمی‌شورای نگهبان آماده‌اند.

تعرفه‌های جدید در انتخابات دوم اسفندماه

رئیس ستاد انتخابات استان تهران از تحویل تعرفه‌های رای انتخابات یازدهمین دوره مجلس و نخستین میاندوره ای پنجمین دوره مجلس خبرگان رهبری به مراکز حوزه‌های انتخابیه استان خبر داد و گفت: امسال این تعرفه‌ها با تعرفه‌های انتخابات دوره‌های گذشته مجلس تفاوت‌های جدی دارند و کار رای‌گیری را سرعت می‌بخشند.

شکراله حسن بیگی به ایرنا گفت: در این تعرفه‌ها، ثبت مشخصات افراد رای دهنده نسبت به گذشته کمتر شده است و به جای آن، کد ملی افراد ثبت می‌شود.پس از آن، رای دهنده یک کد دریافت می‌کند که باید در بخش مشخصات تعرفه‌ها نوشته شود.

حسن بیگی با بیان این که تعرفه‌های یادشده با حضور اعضای شعب اخذ رای، هیاتهای نظارت و اجرایی و نمایندگان نامزدها در زمان آغاز رای گیری در ساعت ۶ صبح فک پلمب خواهد شد، گفت: اقلام انتخاباتی از جمله انواع مهر و تعرفه‌های رای به صورت پلمب شده و با بسته بندی کارتنی با حضور نمایندگان هیاتهای نظارت و اجرایی تحویل مراکز حوزه‌های انتخابیه شده است و تا روز برگزاری انتخابات در اماکن امن و مطمئن نگهداری می‌شود.

وی افزود: تعرفه‌های یادشده دو ساعت قبل از آغاز رای گیری در روز دوم اسفند با حضور نمایندگان هیات‌های نظارت و اجرایی انتخابات از بسته بندی خارج و به صورت پلمب شده در اختیار شعب اخذ رای قرار خواهد گرفت.

رئیس ستاد انتخابات استان تهران تعداد کل شعبه‌های اخذ رای را در این استان ۶ هزار و ۶۵۹ شعبه اخذ رای با ۱۳ هزار و ۳۱۸ صندوق رای برای انتخابات همزمان مجلس شورا و مجلس خبرگان رهبری بیان کرد و گفت که مراکز اخذ رای مانند گذشته مدارس، مساجد، حسینیه‌ها و مراکز اداری خواهد بود .

صدا و سیما و منبرهای نماز جمعه حق ندارند به نفع یا بر ضد کاندیداها کار کنند

رئیس مرکز مدیریت عملکرد و امور بازرسی وزارت کشور گفت: صدا و سیما، منبرهای نماز جمعه و تمام افرادی که به عنوان نماینده دولت کار می‌کنند حق ندارند به نفع یا برضد نامزدی در نهاد یا سازمان خود کار کنند. باید مراقبت کرد که از امکانات دستگاه‌های دولتی در این راستا استفاده نشود.

به گزارش ایسنا، علی طالبی در همایش بازرسان انتخابات یازدهمین دوره مجلس در کرج از تحریکات کنونی دشمن در فضای مجازی برای اینکه نظام را ناکارآمد نشان دهد سخن گفت و افزود: فضای مجازی و صداهای اجنبی نمی‌توانند ما را از مسیر ولایت و امامت خارج کنند.

طالبی با بیان این که انتخابات یک امانت و حق الناس است گفت: بازرسان باید تلاش کنند که رای مردم در صحت کامل به مقصد برسد تا فرد اصلح و شایسته به عنوان نماینده برای مردم انتخاب شود.

وی با بیان اینکه وزارت کشور مامور کنترل صحت و حسن انتخابات است گفت: بر مواردی از جمله تبلیغات زودهنگام نظارت خواهیم کرد، دستگاه‌های دولتی حق ندارند که از جایگاه خود به نفع یا علیه کاندیدایی استفاده کنند، صدا و سیما و منبرهای نماز جمعه و تمامی‌افرادی که به عنوان نماینده دولت کار می‌کنند حق ندارند به نفع یا علیه نامزدی در نهاد یا سازمان خود کار کنند، باید مراقبت کرد که از امکانات دستگاه‌های دولتی در این زمینه استفاده نشود .

طالبی با تاکید بر این که طبق ماده ۶۵ قانون، داوطلبان یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی‌و طرفداران آنها فقط می‌توانند شایستگی‌های خود را معرفی کنند، عنوان کرد: آنها حق ندارند علیه نامزدی دیگر صحبت کرده یا توهینی نسبت به آنها داشته باشند، اگر کسی حیثیت نامزدی دیگر را زیر سئوال ببرد با وی برخورد قانونی می‌شود.

وی افزود: گاهی کاندیداها در مواردی مانند حوزه تقسیمات کشوری قول‌هایی به مردم می‌دهند؛ در حالی که در حیطه تصمیم گیری آنها نیست و برای این موارد کمیته کشوری تصمیم گیری می‌کند.

جریمه خودروهایی که برای نامزدهای انتخابات تبلیغ می‌کنند

رئیس اداره آموزش ترافیک راهنمایی و رانندگی استان کرمان با اشاره به تخلفات خودروها در ایام انتخابات گفت: ماموران پلیس موظفند رانندگان متخلف را به مبلغ ۳۰۰ هزار ریال اعمال قانون کنند و تا زمان پاک کردن بدنه وسیله نقلیه از هرگونه نوشتار و عکس، از تردد آن در معابر شهری و برون شهری جلوگیری به عمل می‌آید.

سرگرد رضا شهسواری به ایسنا گفت: با توجه به آغاز انتخابات کاندیدهای نمایندگی مجلس شورای اسلامی، کاندیداها باید برخی مسایل را مد نظر خود قرار دهند و در تبلیغات براساس آیین نامه راهنمایی و رانندگی رفتار کنند.

او ادامه داد: طبق ماده ۲۰۷ آیین نامه راهنمایی و رانندگی، نصب هر نوع علایم و همچنین الصاق یا نصب یا نقش هر نوع آگهی، نوشته، عکس و نوشتن عبارات و ترسیم نقوش روی شیشه‌ها یا بدنه درونی و بیرونی وسایل نقلیه به منظور تبلیغ و نمایش، ممنوع است.

انصراف از انتخابات به دلیل تأخیر در تائید صلاحیت

محمدعلی افشانی از فعالان سیاسی اصلاح طلب طی نامه‌ای به فرماندار تهران انصراف خود را از داوطلبی انتخابات مجلس اعلام کرد.

به گزارش ایسنا، در بخشی از نامه محمدعلی افشانی آمده است:

اینجانب سید محمدعلی افشانی با توجه به پیشینه فردی، اجتماعی و مدیریتی و اصرار فراوان اشخاص و احزاب، داوطلب نمایندگی مجلس شورای اسلامی‌از حوزه انتخابیه تهران شدم . متأسفانه تأیید دیرهنگام شورای محترم نگهبان امکان برنامه ریزی، سازماندهی و حضور موثر در این دوره از انتخابات را از اینجانب سلب نمود، همچنین احزاب اصلاح طلبی که داوطلب تأیید صلاحیت شده دارند نتوانستد به اتفاق لیست واحد انتخاباتی ارائه نمایند. بنابراین مستند به ماده ۴۶ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی‌انصراف خود را از داوطلبی نمایندگی دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی‌اعلام می‌دارم.

حضور پرشور در انتخابات ضامن امنیت و اقتدار کشور است

معاون اول قوه قضاییه با اشاره به این که بیشتر مشکلات کشور در چهار دهه گذشته با حضور مردم حل شده است، گفت: حضور پرشور در انتخابات دوم اسفند ضامن امنیت و اقتدار کشور است.

حجت الاسلام و المسلمین غلامحسین محسنی اژه ای به ایرنا گفت: اگر مردم با نشاط برای تعیین سرنوشت خود با مشارکت حداکثری پای صندوق‌های رای حاضر شوند، قطعا در افزایش امنیت و اقتدار کشور موثر خواهد بود.

او با اشاره به تهدیدات و تحریم‌ها و مشکلات کشور در بیش از چهارده‌ه گذشته گفت: اکثر قریب به اتفاق مشکلات با حضور مردم حل شده است.

محسنی اژه‌ای حضور مردم را در افزایش اقتدار و امنیت ملی کشور بسیار موثر و ضروری ارزیابی کرد و گفت: وقتی مردم با این شور و احساس در عرصه‌های دفاع از کشور حضور پیدا می‌کنند، اولین آثارش این است که دشمن می‌فهمد با کل مردم نه یک حزب و جریان خاص مواجه است.

رقابت انتخاباتی مردم را پای صندوق می‌آورد

عضو فراکسیون امید مجلس گفت آنچه که می‌تواند مشارکت مردم را در انتخابات تقویت کند انتخابات رقابتی است که در مردم انگیزه ایجاد می‌کند تا به پای صندوق‌های رأی حاضر شوند.

الیاس حضرتی با تاکید بر ضرورت مشارکت حداکثری مردم در انتخابات به ایسنا گفت: مشارکت حداکثری مردم در انتخابات جزء اساس کار و به عنوان پشتوانه امنیت ملی کشور است. مردم باید تصویری قوی از مشارکت خود را به دنیا مخابره کنند و این، امنیت کشور را تامین می‌کند.

وی افزود: برای داشتن انتخابات رقابتی باید به همه جریان‌ها و تفکرات موجود نظام و تمام آن‌هایی که دلشان برای تمامیت ارضی و اصل انقلاب می‌تپد میدان داده شود تا قوی ترین نیروها باهم رقابت کنند. در واقع، در مسابقه قوی‌ترین تیم‌هاست که شاهد مشارکت حداکثری هستیم. هر چقدر رقابت ضعیف تر باشد انگیزه افراد برای مشارکت کمتر خواهد بود.

فعالیت‌های تبلیغاتی نامزدهای نمایندگی مجلس آغاز شد

رئیس ستاد انتخابات کشور از رقابت بیش از ۷ هزار نفر برای ورود به مجلس خبر داد و گفت: اسامی داوطلبان تائیدصلاحیت شده انتخابات مجلس به فرمانداری‌ها ابلاغ شده که تعداد آنها به ۷ هزار و ۱۴۸ نفر می رسد و در روز دوم اسفندماه برای ۲۹۰ کرسی نمایندگی در مجلس رقابت می کنند .

به گزارش خبرگزاری صدا و سیما، جمال عرف با بیان این که در این دوره «عدم احراز صلاحیت» وجود ندارد، گفت: صلاحیت نامزدها یا تایید و یا رد شده است که طبق اعلام شورای نگهبان، صلاحیت ۷ هزار و ۱۴۸ نفر در کل کشور تائید و صلاحیت ۷ هزار و ۲۹۶ نفر رد شده است.

رئیس ستاد انتخابات کشور با بیان اینکه پهن کردن سفره‌های بزرگ جزو تخلفات تبلیغاتی در انتخابات محسوب می‌شود، تصریح کرد: براساس قانون، امکان خلع افراد از شرکت در انتخابات مجلس به عنوان نامزد به دلیل جرایم تبلیغاتی وجود دارد و اگر کسی مرتکب جرم انتخاباتی شود ممکن است برای یک یا دو دوره از شرکت در انتخابات به عنوان داوطلب محروم شود.

وی افزود: در تمام کشور هیات‌های بازرسی را موظف کرده ایم که به مردم اعلام کنند هر کس هر تخلفی را می‌بیند به این هیات اطلاع دهد؛ البته گزارش‌ها باید مستند باشد و نباید در فضایی قرار بگیریم که افراد برای خارج کردن رقیب از گردونه پرونده سازی کنند؛ چرا که این موضوع در دوره‌های قبل مصداق داشته است.

عرف درباره تصویب قانون شفافیت مالی نامزدهای انتخابات مجلس هم گفت: منطق این قانون رصد و مدیریت ورود و خروج پول در عرصه انتخابات و پیشگیری از جرائم این حوزه است. البته این قانون کمی دیر ابلاغ شد بنابراین آنچه این دوره می‌توانیم به آن عمل کنیم چند بند از قانون است.

بقیه در صفحه ۱۴

ایران من، بخند

افشین علا

ایـــران زخـــم دیده غمگیـــن، کمی بخند
دف مـــی زنم برای تـــو، با من دمی بخند
زانـــوی غم گرفته در آغـــوش تا به کی؟
یـــک دم بدون هیچ مـــلال و غمی بخند
تا چشـــم دشمن تو شـــود کور، شاد باش
بگـــذار تـــا نگاه کنـــد عالمـــی، بخند
ای ســـرو باســـتانی من، کم نمی‌شـــود
چیزی ز ریشـــه‌ات که ز بن محکمی، بخند
بـــا بته جقه‌های لباســـت چـــو دختران
چرخـــی بزن، به نغمه زیـــر و بمی بخند
دنیا اگر به قصد تو برخاســـت، غم مخور
ایران من! تو کشـــور جـــام جمی، بخند
اوج و نشـــیب‌های فراوان چـــو دیده‌ای
از پیـــچ و خم نترس، به پیچ و خمی بخند
هـــر شـــادمانی و طربی ابتذال نیســـت
مهـــد بنـــان و پایـــور و خرمـــی، بخند
تـــا چنـــد انتظار گشـــایش؟ بلند شـــو
تـــا کی به یـــاد حادثه و ماتمـــی؟ بخند
خواهـــی که انتقام بگیـــری ز غم؟ برقص
خواهی به زخم خویش نهی مرهمی؟ بخند
دیـــدی اگرچـــه داغ جوانان بی‌شـــمار
چون غرق عشرتند شـــهیدان، همی بخند
پیراهن ســـه رنـــگ برای تـــو دوختیم
با نقش خوش نگار چنین پرچمی بخند ...

پاسخ جمعی از هنرمندان به دعوت «محک» برای پیوستن به کمپین کنترل جهانی سرطان

بیش از ۱۵۰تن از هنرمندان مطرح و چهره‌های محبوب کشـــورمان در حمایت از کودکان مبتلا به سرطان محک به کمپین انجمن کنترل جهانی سرطان پیوستند.

به گزارش ایسنا و بنابر اعلام روابط عمومی موسسه خیریه محک، هدف اصلی کمپین انجمن کنترل جهانی سرطان (UICC) آگاهی و اطلاع‌رسانی نسبت به این بیماری است؛ پیام جهانی IAmAndIWillنیز با اتکا به این امر مهم که هر فرد یا گروهی با تعیین نقش در این دغدغه جمعی می‌تواند زمینه‌ساز پیشگیری و تشخیص به موقع سرطان باشد، مشخص شده است. برهمین اساس هنرمندان نیز با شعار اصلی «من یک هنرمندم و تلاش می‌کنم نقشی هنرمندانه در زندگی کودکان مبتلا به سرطان ایفا کنم» فعالیت خود را آغاز کردند؛ آغازی که قصه‌ای شنیدنی داشت.

اولیـــن حضـــور را «صابر ابر» رقم زد و پس از آن دیگر هنرمندان نیز به دعوت محک پاسخ دادند و به این کمپین پیوستند؛«سید علی صالحی»، شاعر و نویسنده معاصر ایرانی با پیام «من یک شاعر، شنیده‌ام یک جایی هست حدس هوای رفتنش آسان است، تو هم بیا.» به این کمپین پیوست؛ بنیانگذار جریانِ شعرِ گفتار و شعر فراگفتار در شعر معاصر ایران، شعری نیز برای حمایت از کودکان مبتلا به ســـرطان ســـرود که در مصرع اول آن آمده است: «همه زخم‌ها شفا می‌یابند؛ بگو آمین!»

«آناهیتا درگاهی»، نقاش و بازیگر ســـینما و تئاتر ایران از تصمیمش برای راه‌اندازی نمایشگاه نقاشی برای کودکان مبتلا به سرطان خبر داد. «رضا گوران» و «بابک چمن‌آرا» که از نزدیک بیماری سرطان را در بین نزدیکان خود لمس کرده‌اند از تلاش خود برای افزایش آگاهی جامعه نســـبت به موضوع ســـرطان خبر دادند. مهدی سلطانی سروستانی، پرویز پرستویی و اکبر زنجانپور نیز علاوه بر حضور در این کمپین، با ارائه پیام همراهی خود، محک را به حضور بیشتر خود دلگرم ساختند.

روابط عمومی محک اعلام کرد که محک امانتدار هنر انسان‌دوستی نیکوکاران ایران زمین و هنر هنرمندانی است که حمایت خود را در ربع قرن فعالیت این سازمان با به اشتراک گذاشتن هنر و اعتبار و محبوبیت خود، از کودکان مبتلا به سرطان دریغ نکردند تا محک بتواند دغدغه کودکانش را با بیان هنرمندانه آنها به گوش جهانیان برساند. به امید روزی که همه ما نقشی هنرمندانه در زندگی کودکان مبتلا به سرطان ایفا کنیم.

کوتاه فرهنگی

از سیراک ملکونیان تا لوریس چکناواریان در «ایراناهایر»

نمایشگاه «ایراناهایر» با آثاری از هنرمندان ایرانی ـ ارمنی در نگارخانه مهرسان برپا می‌شود.

به گزارش ایسنا، این نمایشگاه آثاری متشکل از نقاشی، چاپ دستی، مجســـمه و عکس است و در کنار آن مفاخر موسیقی و هنرهای نمایشی ایرانی ـ ارمنی هم معرفی خواهند شد. نمایشگاه«ایراناهایر»باهمکاری‌سفارت جمهوری ارمنســـتان در جمهوری اسلامی ایران، شورای خلیفه‌گری ارامنه تهران و موزه مانوکیان برگزار می‌شود. آرتاشس تومانیان، سفیر فوق‌العاده و تام‌الاختیار جمهوری ارمنستان و سیبوه سرکیسیان، مقام اسقف اعظم ارامنه تهران در این نمایشگاه حضور خواهند داشـــت.«ایراناهایر» جمعه (۲۵بهمن) ساعت ۱۶در نگارخانه مهرسان افتتاح خواهد شد و تا ۱۷فروردین ۱۳۹۹ادامه خواهد داشت.

گزارش جایزه کتاب سال منتشر شد

گزارش سی و هفتمین جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی و بیست و هفتمین جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از سوی مؤسسه خانه کتاب منتشر شد.

به گزارش روابط عمومی معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به نقل از مؤسسه خانه کتاب، گزارش سی و هفتمین جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شامل نمایه اجمالی آثار برگزیده، نمایه تفصیلی آثار برگزیده، نمایه اجمالی آثار شایســـته تقدیر، آیین‌نامه جایزه کتاب سال جمهوری اســـلامی ایران، گزارش روند اجرایی، داوران، جدول‌های آماری، فرم‌های داوری، فراخوان، پوستر و دعوت‌نامه از سوی مؤسسه خانه کتاب منتشر شد. مؤسسه خانه کتاب همچنین گزارش بیست و هفتمین جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شامل گزارش اجمالی این جایزه و معرفی آثار برگزیده به زبان فارسی و انگلیسی را منتشر کرده است.

ویراست جدید کتاب «آینه دوران؛ گزارش سی‌وشش دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران» نیز در دو دفتر منتشر شده است؛ دفتر اول شامل دوره‌های یکم تا بیستم و دفتر دوم شامل دوره‌های بیست‌ویکم تا سی‌وششم می‌شود. نمایه‌های بیست دوره جایزه کتاب سال و نمایه شانزده دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران به ویرایش جدید این کتاب اضافه شده‌اند. ویرایش جدید مجموعه دو جلدی «آینه دوران؛ گزارش سی‌وشـــش دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران» به بهای ۱۷۰هزار تومان از سوی مؤسسه خانه کتاب منتشر شد.

اهدای بیش از ۱۲ میلیارد کتاب در ایام دهه فجر

اداره کل چاپ و نشر به مناسبت چهل و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی؛ مبلغ ۱۲ میلیارد و ۲۱۰ میلیون ریال کتاب به کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد و مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه اهدا کرد .

به گزارش روابط عمومی معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به نقل از اداره کل چاپ و نشر، این کتاب‌ها با هدف گسترش فرهنگ دینی و اسلامی به مراکز یاد شده اهدا شده‌اند. کتاب‌های اهدایی به مبلغ ۴میلیارد و ۳۵۰میلیون ریال برای کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد و مبلغ ۷میلیارد و ۸۶۰میلیون ریال برای مراکز مدیریت حوزه‌های علمیه بوده‌اند.

فرآیند اهدا و توزیع کتاب‌های یاد شده توسط هیأت انتخاب و خرید کتاب اداره کل چاپ و نشر انجام شده است.

نگین خاتم؛ جشن بزرگ دانشجویان دختر دانشگاه‌های تهران

اداره کل فرهنگی و امور اجتماعی نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها با همکاری دانشـــگاه علوم پزشـــکی ایران، جشن بزرگ دانشجویان دختر دانشگاه‌های تهران را با عنوان «نگین خاتم» برگزار می‌کند.

مرکز ارتباطات و اطلاع‌رســـانی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها دیروز اعلام کرد؛ جشن بزرگ دانشجویان دختر دانشگاه‌های تهران با عنوان «نگین خاتم» با سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین مصطفی رستمی در تالار رازی دانشگاه علوم پزشکی ایران برگزار می‌شود. نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری از همه دانشجویان دختر دانشگاه‌های تهران برای حضور در این جشن دعوت کرده است. این جشن روز یک‌شنبه ۲۷بهمن ماه ۹۸ساعت ۱۸:۳۰در تالار رازی دانشگاه علوم پزشکی ایران برگزار می‌شود. روز شنبه ۲۶بهمن‌ماه مصادف با ۲۰جمادی‌الثانی روز میلاد حضرت فاطمه (س) روز مادر نامگذاری شده است. جشن نگین خاتم همزمان با هفته بزرگداشت مقام زن و روز مادر برگزار می‌شود.

نماینده یونسکو در ایران: هدف گردشگری فرهنگی جلوگیری از زوال سنت‌هاست

نماینده دفتر منطقه ای یونسکو در تهران گفت: باید به شـــکلی از گردشگری فرهنگی دست یابیم که از پایگاه‌های میراث ملموس، آداب و رسوم و سنت‌ها حفاظت کند.

به گزارش میراث آریا در جریان برگزاری مراسم افتتاحیه سیزدهمین نمایشگاه بین‌المللی گردشگری و سی‌وســـومین نمایشگاه ملی صنایع‌دســـتی که دیروزدر سالن خلیج‌فارس نمایشگاه بین‌المللی تهران برگزار شد، برند ملی گردشگری رونمایی شد. این برند با توجه به اهمیت ظرفیت گردشگری و تدوین سند توسعه گردشگری کشور به رشد گردشگری و توسعه صنعت گردشگری در کشور کمک می‌کند.

علاوه‌بـــر رونمایی از الواح و طرح‌ها و برندهای گردشـــگری، از ظرف سه لایه تمام کریستال، لوگوی برند ملی گردشگری و سند راهبردی گردشگری که به‌تصویب رسیده است، نیز رونمایی شد.

ســـوتان سوتکوفسکی، سرپرست دفتر منطقه‌ای یونســـکو در تهران در این مراسم بـــا قرائت پیامی ســـخنانش را با اهمیت و چالش‌های گردشـــگری و رابطه آن با صنایع دســـتی از دیدگاه یونسکو آغاز کرد و گفت: ما در یونسکو عمدتاً به گردشگری فرهنگی می‌پردازیم که به معنای حرکت افراد به سمت جاذبه‌هـــای فرهنگی که از محل زندگی افراد دور است و تجربیات جدید در جهت اغنای نیازهای فرهنگی است. گردشگری فرهنگی شامل گردشگری در مناطق و جاذبه‌های شهری به ویژه در شهرهای بزرگ و تاریخی از جمله موزه‌ها یا محل‌های نمایشی است. گردشگری فرهنگی همچنین شامل گردشگری در مناطق روستایی است که به آنالیز ارزش‌ها و سبک‌های زندگی روستایی می‌پردازد.

او در ادامه افزود: گردشـــگری پایدار که هدف نهایی مدیران گردشـــگری است نیز به نوعی از گردشـــگری اطلاق می‌شود که برای مســـافران از کشورهای دیگر در نظر گرفته می‌شـــود و به دنبال فراهم آوردن تعطیلات شـــگفت‌انگیز و آموزشی است که برای افراد کشور میزبان نیز مفید خواهد بود.

سوتان سوتکوفسکی به میراث فرهنگی ناملموس یا زنده اشاره کرد و توضیح داد: این نوع میراث فرهنگی، بیانگر روحیات افراد است و این شکل از میراث فرهنگی به سنت‌هایی اشاره دارد که از نسل‌های گذشته به ما ارث رسیده‌اندو به آیندگان منتقل می‌شوند که شامل هنرهای سنتی، نمایشی، اجتماعی، آداب و رسوم مذهبی و جشن‌هاســـت که به جوامع هویت می‌بخشد و حاصل کار آن سوده نیست.

او اظهار کرد: امروزه به نظر می‌رسد اهداف صنایع گردشگری خلاف این امر باشند. صنعت گردشگری، صنعتی مبتنی بر تجارت و اهداف اقتصادی است. گردشگر آن را می‌طلبد، بنابراین آن را توسعه می‌دهیم و وقتی دوستش ندارد، آن را حذف می‌کنیم. پس ما چطور می‌توانیم دو مفهوم را با هم آشـــتی دهیم تا به شکلی پایدار از گردشگری فرهنگی دست یابیم که از پایگاه‌های میراث ملموس، آداب و رسوم و سنت‌ها پاسداری کرد؟

سوتان سوتکوفسکی تصریح کرد: برای انجام آن نیاز به یک چارچوب مدیریتی پایدار در جامعه داریم. هدف ما باید جلوگیری از بین رفتن سنت‌ها باشد.

او افـــزود: بـــاور دارم نیروهای بالقوه گردشگری و صنایع دستی به صورتی شایسته در این نمایشگاه بین‌المللی حضور دارند و طی سالیان گذشته دفتر منطقه‌ای یونسکو در تهران نیز دست در دست با وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی در جهت حمایت از تلاش‌ها و پروژه‌های مختلف گام برداشتند و امیدوارم این همکاری‌ها در ســـال‌های آتی ادامه پیدا کنند.

وزیر میراث‌فرهنگی، گردشـــگری و صنایع‌دســـتی نیز در این مراسم با بیان اینکه گردشگری غیر از کارکرد اقتصادی، کارکردهای دیگری نیز دارد گفت:گردشگری موجب انتقال فرهنگ‌ها و مودت بین ملت‌ها می‌شود.

دکتر علی‌اصغر مونسان با بیان این مطلب درمراسم‌افتتاحیه‌سیزدهمین‌نمایشگاه‌بین‌المللی گردشگری و سی‌وســـومین نمایشگاه ملی صنایع‌دستی که با حضور مسؤول دفتر منطقه‌ای یونســـکو در تهران، معاونان این وزارتخانه، تعدادی از سفرای کشورهای خارجی، جمعی از مسؤولان و مدیران بخش دولتی و خصوصی صنعت گردشگری و صنایع‌دستی، نمایندگان مجلس، تعدادی از اســـتانداران و مدیران کل میراث‌فرهنگی، گردشـــگری و صنایع‌دستی ۳۱ اســـتان کشور در محل سالن خلیج‌فارس نمایشگاه بین‌المللی تهران برگزار شد، اضافه کرد: اعتقاد دارم صنعت گردشگری ابعاد فراتری از بعـــد اقتصادی دارد و ابعاد مهم فرهنگی و اجتماعی را نیز دربر می‌گیرد و یکی از مهم‌ترین کارکردهای گردشـــگری معرفی فرهنگ‌ها و انتقال آنها است که به مودت و ارتباط خوب بین کشورها کمک می‌کند.

وزیر میراث‌فرهنگی، گردشـــگری و صنایع‌دســـتی با اشاره به‌اینکه گردشگری هم بـــه موضوعات اجتماعی می‌پردازد و هم به موضوعات فرهنگی و در کنار آن کارکردهای اقتصادی نیز از طریق این صنعت تحقق می‌یابد، اظهار کرد: فرهنگ بخش مهمی اســـت که اگـــر موردتوجه قرار نگیرد ، به‌خوبی منتقل نمی‌شـــود و از بین خواهد رفت؛ گردشگری با معرفی فرهنگ‌ها موجب رونق فرهنگی و ارتقای دستاوردهای بشری که میراث ملموس و ناملموس است می‌شود. بنابراین به اعتقاد من گردشگری قبل از این‌که نگاه اقتصادی داشته باشد، نگاه انسانی و فرهنگی دارد.

مونســـان ادامه داد: هرجا که گردشگری رونق دارد، دولت‌های آن کشـــورها نیز با هم ارتباط خوبی دارند چراکه گردشگری فراتر از ابعاد اقتصادی است و ابعاد مهمی مانند ابعاد فرهنگی و اجتماعی را نیز در برمی‌گیرد.

او ضمـــن بیان اینکه ســـازمان جهانی گردشـــگری به امر توسعه پایدار توجه جدی دارد و ما نیز تمامی تلاش‌مان را می‌کنیم که گردشـــگری ابزاری برای معرفی تمدن کهن کشـــور و داشته‌های مهم فرهنگی و تاریخی ایران باشد، اضافه کرد: در کنار آن به‌طور حتم ابعاد اقتصادی و تشکیل شغل نیز شکل خواهد گرفت که از اهمیت بالایی برخوردار است.

مونسان در پایان صحبت‌های خود تأکید کرد: شک ندارم اگر قرار باشد اقتصاد دیگری در کشور به وجود آید که وابستگی ما را به نفت کاهش دهد، با توجه به ظرفیت‌هایی که در کشور وجود دارد به‌طور حتم این اقتصاد، گردشگری است.

یادداشت

ناتان خردمند

رضا بابایی

در ۱۵ فوریه سال ۱۷۸۱ میلادی (۲۶ بهمن سال ۱۱۵۹ خورشیدی)، یکی از بزرگ‌ترین نویسندگان عصر روشنگری اروپا درگذشت. اگرچه امروز در کشور ما جنبش روشنگری آلمان را با نام امانوئل کانت و موزس مندلسون می‌شناسند اما اغـــراق نخواهد بود اگر بگوییم در قرن هجدهم میلادی، گوتهلد اِفریم لسینگ، برجسته‌ترین شخصیت رُوشنگری در آلمان بود. مـــردی که تا پایان عمر به آرمان روشـــنگرانهٔ خود وفادار ماند و هیچگاه اسیر جزم‌اندیشی‌های سنتی یا مدرن نشد؛ زیرا نزد او انسانیت بالاتر از هر چیز، بالاتر از عقل و دین، معیار زندگی بود.

لسینگ در طول زندگی‌اش با ترویج تسامح دینی، بارها خشم بزرگان کلیسا را برانگیخت اما بنا بود که پس از مرگش، این‌بار دوستان روشنگر مســـیحی‌اش را از خود برنجاند آنجا که با انتشـــار نامه‌های او به یکی از دوســـتانش آشکار شد که دینداری او از مرزهای مسیحیت نیز عبور کرده بود. شاید منتشرکننده این نامه‌ها انتظار داشت با انتشار عقاید لسینگ در باب همه‌خداباوری، از اعتبار او نزد آلمانی‌ها بکاهد اما نتیجه چیزی دیگر بود. اقبال به عقاید لسینگ گسترش یافت، زیرا آن کسی که از چارچوب دینداری مسیحی گذشته بود حیاتی بس مؤمنانه‌تر از حامیان دین سنتی و روشنگران دینی داشت. لسینگ به مردم آلمان نشان داد که دینداری جز از راه نوع‌دوستی و عبور از جزم‌اندیشی ممکن نیست.

مشهورترین اثر او، نمایشنامهٔ «ناتان خردمند»، تندیس درخشان رواداری و تسامح دینی است. نمایشنامه‌ای که در آن سرنوشت تمامی ادیان به یکدیگر گره می‌خورد و باری دیگر در آموزهای الهی و برادرانه به یکدیگر می‌پیوندد. داستان نمایشنامه مربوط به دوران جنگ‌های صلیبی و اوج کشمکش مسلمانان، مسیحیان و یهودیان بر سر اورشلیم است . دقیقاً در دل چنین تنش بزرگی در میان ادیان ابراهیمی، لسینگ ندای صلح سر می‌دهد و زندگی را به جای مرگ می‌نشاند. صلاح‌الدین ایوبی، حاکم مسلمانان، از خون یک جوان صلیبی می‌گذرد زیرا چهره آن جوان او را به یاد برادرش می‌اندازد و جوان صلیبی، فرزندخوانده ناتان یهودی را نجات می‌دهد و ناتان در بحران دربار به کمک صلاح‌الدین می‌شتابد. ادیان یکدیگر را نجات می‌دهند و تمامی شخصیت‌های اصلی نمایشنامه در پایان متوجه پیوند خانوادگی خود با یکدیگر می‌شوند. شاید اوج نمایشنامه آنجایی باشد که صلاح‌الدین از ناتان خردمند می‌پرسد که کدام یک از ادیان بر دیگری برتری دارد؟ ناتان در پاسخ داستانی قدیمی را نقل می‌کند که خلاصه آن چنین است:

حاکمی بود که انگشتری عقیق داشت و به یُمن آن انگشتر، نزد خدا و مردم عزیز بود و از انواع نعمت‌ها بهره‌مند. آن مرد سه پسر داشت و می‌دانست که در پایان عمر باید انگشـــتر خود را برای یکی از آنان میراث گذارد، اما قدرت انتخاب از بین آنها را نداشت؛ تا به سن پیری رسید. در این زمان پیش زرگری رفت و دو انگشتر عقیق مشابه با انگشتر خود سفارش داد؛ به گونه‌ای که خود نیز تشخیص نمی‌داد انگشتر قدیمی‌تر کدام است. پس در خفا به هریک از آن پسرها انگشتری داد و گفت تا پیش از مرگ من این انگشتر را آشکار نکن. پس از مرگ او هرکدام از پسرها به واسطه انگشتر، داعیه رهبری بر مردم را کردند اما آنگاه بود که متوجه شدند پدر به هرکدام از آنها انگشتری مشابه داده است. در بین برادران نزاعی در گرفت و هر سه به نزد قاضی رفتند. قاضی گفت که نمی‌تواند بین آنها قضاوت کند. شاید هر سه انگشتر تقلبی باشد و هیچ‌یک انگشتر اصلی نباشد. اما اگر برادران به جای قضاوت دنبال نصیحت هستند، بدانند که پدر، آنان را به یکسان دوست داشته و نمی‌خواسته هیچکدام از آنها تحت فرمان و برده دیگری باشد.

لسینگ هنرمندانه این داستان قدیمی را در اختلاف ادیان و مذاهب به کار می‌گیرد و به آنان یادآوری می‌کند که ادامه ســـتیز و قضاوت، فقط به معنای از دست رفتن انگشتر پدری، یعنی ایمان به خدا است. جهان امروز در میانه این چرخه خشونت‌های بی‌پایان باید باری دیگر این آموزه را به یاد بیاورد که ادیان و مذاهب فقط به کمک یکدیگر نجات می‌یابند و دست شستن از جنگ با دشمنان خیالی در واقع صلح کردن با برادری است که از یاد برده‌اند.

توصیه وزارت بهداشت برای مقابله با کرونا در مدارس

معاون بهداشت وزارت بهداشت، گفت: یکی از زنگ‌های تفریح مدارس به صورت نمادین در هر روز زنگ شستشوی دست‌ها شود، زیرا این کار تا ۹۰درصد از ابتلا به کرونا جلوگیری می‌کند.

به گزارش مهر، علیرضا رئیسی با اشاره به اینکه هیچ کروناویروسی حتی «سارس» و «مِرس» به این اندازه در جهان کشته نداده است، گفت: در عین حال باید توجِه داشت که کروناویروس جدید اگرچه نسبت شیوع بالاتری نسبت به کروناویروس‌های قبلی دارد ولی نسبت مرگ افراد در آن بسیار کمتر از بقیه و در حد دو درصد است.

معاون بهداشت وزارت بهداشت، بار دیگر با تأکید بر اینکه کرونا وارد کشـــور نشده است، از معاونان بهداشت دانشگاه‌های علوم پزشکی به ویژه دانشگاه‌های علوم پزشکی مرزی خواست حداکثر تلاش خود را در جهت تمهیدات لازم برای پیشگیری از ابتلا به کرونا به کار گیرند.

رئیسی تصریح کرد: پرواز مسافرتی به چین ممنوع شده و هموطنانی که آنجا هستند هم با داشتن کارت سلامت و اعلام اسامی‌شان به وزارت بهداشت توسط نهادهای ذی‌ربط و تحت کنترل می‌توانند وارد کشور شوند.

وی توضیح داد: ۵۷ دانشـــجوی ایرانی در «ووهان» تحت تدابیر لازم قرنطینه بودند و ۶ روز است وارد کشور شده‌اند و هیچ مشکلی ندارند؛ در عین حال یک هفته دیگر در قرنطینه می‌مانند.

رئیسی افزود: تمامی ضوابط یک قرنطینه کامل از درون هواپیما تا ورود و اقامتشان در کشور برای آنان اجرا و برای اطمینان حتی پسماندهای هواپیما و محل اقامتشان، بی‌خطرسازی و امحاء می‌شوند.

معاون بهداشـــت وزارت بهداشـــت گفت: در فرودگاه امام (ره) علاوه بر تب‌ســـنجی، دوربین‌های حرارتی نصب شده که این کار در فرودگاه‌های بین المللی مشهد، شیراز، اصفهان و تبریز نیز انجام گرفته یا در دست انجام است.

رئیسی از معاونان تربیت بدنی و سلامت آموزش و پرورش استان‌ها نیز خواست با آموزش سراسری به دانش‌آموزان، شرایط برای شستشوی مداوم دست‌ها با مایع مخصوص در تمامی مدارس تدارک دیده و یکی از زنگ‌های تفریح را به صورت نمادین در هر روز زنگ شستشوی دست‌ها قرار دهند؛ زیرا این کار تا ۹۰درصد از ابتلا به کرونا جلوگیری می‌کند.

در ادامه مهرزاد حمیدی، معاون تربیت بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش هم ضمن اشاره به هماهنگی‌های به عمل آمده برای آموزش پیشگیری از کرونا ویروس اظهار کرد: وزارت آموزش و پرورش با همکاری وزارت بهداشت برای پیشگیری از ابتلا به کرونا ویروس آمادگی کامل دارد.

وی گفت: ادارات کل آموزش و پرورش تمامی اســـتان‌ها هماهنگ با دانشـــگاه‌های علوم پزشکی در راه ارتقاء سلامت دانش‌آموزان گام خواهند برداشت.

فهرست دانشگاه‌های خارجی مورد تأیید وزارت بهداشت اعلام شد

فهرست جدید دانشگاه‌های خارجی مورد تأیید وزارت بهداشت برای ورودی‌های ســـال تحصیلی ۲۰۲۱–۲۰۲۰منتشر شد. انتقال از دانشگاه‌های خارج به داخل کشور از دی ماه ۹۷همچنان ممنوع است.

به گزارش مهر، مرکز خدمات آموزشی وزارت بهداشت جدیدترین دانشگاه‌های مورد تأیید وزارت بهداشت برای ورودی‌های سال تحصیلی ۲۰۲۱–۲۰۲۰را منتشر کرد.

فهرست دانشـــگاه‌های خارج از کشور مورد تأیید وزارت بهداشت با بررســـی های کارشناســـی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و در نظر گرفتن ســـه نظام رتبه‌بندی معتبر بین‌المللی QS، Times و Shanghai به منظور اطلاع ورودی‌های ســـال تحصیلی ۲۰۲۱–۲۰۲۰در رشته های مرتبط با علوم پزشکی و بر اساس رأی صادره در دویست و چهل و چهارمین جلسه شورایعالی ارزشیابی مدارک دانش‌آموختگان خارج از کشور، اعلام شده است.

این فهرست لیست سالانه مورد بازبینی و بازنگری قرار گرفته و در سال تحصیلی مذکور صرفاً دانشگاه‌های موجود در این فهرست برای ادامه تحصیل مورد تأیید وزارت بهداشت هستند.

با توجه به مصوبه هفتادمین جلسه شورایعالی برنامه‌ریزی علوم پزشکی، امکان انتقال دانشجویان به داخل کشور که از ابتدای سال ۲۰۱۹ (۱۱دی ماه ۱۳۹۷) تحصیل خود را در یکی از دانشگاه‌های مورد تأیید خارج از کشورآغاز کرده‌اند، ممنوع شده است و در صورت اتمام تحصیل این افراد، مدارک صادره طبق ضوابط اعلام شده قابل ارزشیابی است.

مرکز خدمات آموزشی وزارت بهداشت تأکید کرده است کالج های وابســـته به دانشـــگاه اصلی ذکر شده در این فهرست و شعب آن در سایر کشورها مورد تأیید نبوده و مدارک صادره از آنها قابل ارزشیابی نیستند.

فهرست اسامی دانشگاه‌های خارجی در ایسنا قابل دریافت است.

با همکاری ایران و آلمان، نشست «سه سرزمین، یک زبان» برگزار می‌شود

دیدار رایزن فرهنگی آلمان در ایران با معاون فرهنگی مؤسسه شهر کتاب به گفتگو درباره برگزاری دهمین نشست «سه‌سرزمین، یک‌زبان» در سال آینده انجامید.

به گزارش مهر، اشتفان رایتسه، رایـــزن فرهنگی آلمـــان با حضور در مرکز فرهنگی شـــهر کتاب، با علی‌اصغر محمدخانی، معاون فرهنگی و بین‌الملل شهر کتاب، دیدار و درباره همکاری‌های فرهنگی ایران و آلمان گفتگو کرد.

محمدخانی در این دیدار به تشریح فعالیت‌های فرهنگی و بین‌الملل شهر کتاب پرداخت و گفت: مرکز فرهنگی و بین‌المللی شـــهر کتاب تاکنون با ۴۰کشور جهان پل ادبی تشکیل داده که در تبادل و رودررویی و پیوندهای فرهنگ‌های گوناگون بسیار مؤثر بوده اســـت و با کشورهای آلمانی زبان، یک‌برنامه ثابت دارد که ســـال آینده دهمین نشست «سه‌سرزمین، یک‌زبان» در فروردین ماه برگزار می‌شـــود و مانند نه سال گذشته، سه نویسنده از کشورهای آلمان، اتریش و سوئیس به شهر کتاب می‌آیند و از تحولات ادبی معاصر کشورشان می‌گویند و داســـتان‌های خود را برای مخاطبان ایرانی می‌خوانند .

وی افزود: آلمان در مقایســـه با فرانســـه و انگلستان و کشورهای مهاجرپذیـــری نظیر آمریکا و کانادا، پایاپایی محدودی با اقوام و فرهنگ‌های غیراروپایی داشته و ادبیات این کشور نیز تا حدود زیادی درگیر درون‌مایه‌ها بوده است. اما مجموعه اوضاع تاریخی و اجتماعی پس از جنگ جهانی دوم، برای گسترش ارتباطات بینافرهنگی و حضور فزاینده مهاجران در این کشور زمینه‌ای مناسب فراهم کرده است .

معاون فرهنگی و بین‌الملل شهر کتاب در ادامه توضیح داد: شهر کتاب در ســـال‌های گذشته تاکنون به‌طور پیوســـته به معرفی و تحلیل ادبیات، فلسفه و هنر آلمان پرداخته است و در ســـال جاری با برگزاری همایش «سعدی و شیلر»، برنامه‌های گفتگوی حافظ و گوته به مناسبت دویستمین سال انتشـــار دیوان شرقی و غربی گوته و نشست‌های مختلف به معرفی برخی فیلسوفان از جمله هگل، فیشته، هایدگر، بولتمان و ... پرداخته است.

در این‌نشست، اشتفان رایتسه ضمن ابراز خوشحالی از حضور در ایران و همکاری‌های بخش فرهنگی ســـفارت آلمان با مرکز فرهنگی و بین‌الملل شهر کتاب، گفت: من مدت شش‌ماه است که در ایران هستم و از خونگرمی و علاقه‌مندی مردم ایران شگفت‌زده شدم و همه چیز برای من جالب است. چهار ماه اول حضورم، به مناسبت هفته گوته و حافظ در شیراز برنامه داشـــتیم و دیدم که مردم ایران تا چه‌حد به شاعران کلاسیک خود علاقه دارند و همه‌جا حرف از سعدی، حافظ، مولوی، فردوسی، خیام و دیگر شـــاعران است و ادبیات تا چه حد می‌تواند دو ملت را به هم پیوند دهد و خوشحالم که پروژه «سه‌سرزمین، یک زبان» نه سال است که هر ساله در شـــهر کتاب برگزار می‌شود و از فعالیت‌های گسترده شهر کتاب تعجب کردم و علاقه‌مندم که همکاری‌های بیشتری در عرصه ادبیات و فلسفه دو کشور داشته باشیم.

وی ضمن خوشحالی از تشکیل پـــل ادبی ایران و آلمان، اظهار کرد: امیدوارم در پنج سال آینده گفتگوها و رفت‌وآمدهای نویسندگان و شاعران و اهل فرهنگ دو کشور افزایش یابد و آثار بیشتری از ادبیات معاصر فارسی به آلمانی ترجمه و منتشر شود.

رئیس سازمان آموزش و پرورش استثنایی: ۲۱۰مدرسه استثنایی نیاز داریم

رئیس ســـازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور گفت: حوزه استثنایی پنج برابر آموزش عادی نیاز به فضا و اعتبار دارد و بر اساس آمایش سرزمینی ۲۱۰مدرسه استثنایی در کشور نیاز است تا به استاندارد آموزشی در این زمینه دست یابیم.

ســـیدجواد حســـینی در گفتگو با ایرنا افزود: اکنون ۲۵۳هزار دانش‌آموز با نیازهای ویژه در ۱۶۰۰مدرسه استثنایی کشور مشغول تحصیل هستند که تعداد دانش‌آموزان از زمان تأسیس تاکنون ۱۷برابر افزایش پیدا کرده است.

وی اظهار کرد: اعتبار مورد نیاز این مدارس برای هر مدرسه چهار تا پنج میلیارد تومان است تا به استانداردهای لازم برای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه برسیم.

حسینی گفت: برای ساخت این تعداد مدرسه در کشور به سراغ خیران و نیکوکاران در حوزه مدرسه‌سازی رفته‌ایم تا بتوانیم نیاز دانش‌آموزان به این مدارس را تأمین کنیم. بر همین اساس اولین مراسم با عنوان «آغاز خوب برای یک انجام» با سرمایه‌گذاری هفت میلیارد تومانی یک خیّر با عنوان آیین خشت‌گذاری و آغاز عملیات ساخت مجتمع آموزشی استثنایی سردار شهید سپهبد قاسم سلیمانی با حضور وزیر آموزش و پرورش در فشـــافویه تهران در نهمین روز دهه مبارک فجر کلنگ‌زنی شد. وی تصریح کرد: این مجتمع با شش کلاس درس و تجهیزات کامل مورد نیاز دانش‌آموزان استثنایی ساخته و پیش‌بینی می‌شود به بیش از هفت میلیارد تومان اعتبار نیاز باشد که تمامی اعتبار این مجتمع توسط خیّر مدرسه ساز، حاج اکبر ابراهیمی به طور کامل تأمین و تجهیزات آن نیز خریداری خواهد شد.

رئیس سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور ادامه داد: با توجه به اینکه بر اساس آمایش سرزمینی در تمامی پهنه کشور ۲۱۰مدرسه استثنایی نیاز داریم، این اقدام به عنوان اولین قدم برای تأمین این مدارس در سراسر کشور در دهه فجر انجام شد که امیدواریم با کمک خیران مدرسه‌ساز این نیاز دانش‌آموزان در سال‌های آینده برطرف شود.

وی خاطر نشـــان کرد: به همین منظور قرار اســـت ۱۴مدرســـه برای دانش‌آموزان دارای اوتیسم ساخته شود کـــه تمامی این اقدامات نیازمند همکاری و کمک خیران مدرسه‌سازی است که همیشه یاور و یاریگر وزارت آموزش و پرورش بوده و هســـتند. حسینی ادامه داد: البته مدارس استثنایی کشور برای داشتن دانش‌آموزان با نیازهای ویژه، نیازمند تجهیزات خاص است که از نظر اعتباری باید اعتبارات بیشتری برای احداث این مدارس تأمین شود. خوشبختانه با همکاری مجمع خیران و نیکوکاران مدرسه‌ساز قرار است گام‌های بلندی در این زمینه برداشته شود.

وی زمان پیش‌بینی شده برای ساخت این تعداد مدرسه در سراسر کشور برای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه را بیش از پنج ســـال عنوان کرد و گفت: به طور یقین همکاری وزارت آموزش و پرورش و خیران مدرسه‌ساز در این راستا می‌تواند بسیار اثربخش و کمک کننده باشد.

رئیس آموزش و پرورش استثنایی در ادامه با بیان اینکه ســـرانه فضای آموزش استاندارد ۸.۳ متر و این میزان در کشور ما ۵.۳ است، توضیح داد: اعتبار، فضا و وقت‌گذاری برای آموزش و پرورش اســـتثنایی باید پنج برابر آموزش عادی باشد که با این حساب فضای آموزشی استاندارد و مطلوب دانش‌آموزان استثنایی ۲۲.۵متر است. این میزان در کشور در حال حاضر ۱۰متر است.

جشنواره موسیقی فجر به دنبال پیوند فرهنگی و گسترش ارتباطات بین‌المللی است

مدیرکل دفتر موسیقی و رئیس سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر در پیامی به مناسبت آغاز این جشنواره عنوان کرد: جشنواره موسیقی فجر با دعوت از هنرمندان داخلی و خارجی به دنبال پیوند فرهنگی و گســـترش ارتباطات بین‌المللی اســـت تا بتواند بیش از گذشـــته در معرفی موسیقی ایرانی و موسیقیدانان ارزشمند کشور گام بردارد.

به گزارش ســـتاد خبری سی و پنجمین جشـــنواره موسیقی فجر، محمد اله‌یاری، مدیر کل دفتر موسیقی و رئیس ســـی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر در پیامی به این جشنواره آورده است: این جشنواره با هدف به عرصه آوردن هنر هنرمندان موسیقی در برابر نگاه هوشمندانه مردم و فراهم کردن زمینه ارتقای موســـیقی کشور برگزار می‌شـــود؛ جشنواره‌ای که با دعوت از هنرمندان داخلی و خارجی به دنبال پیوند فرهنگی و گســـترش ارتباطات بین‌المللی اســـت تا بتواند بیش از گذشـــته در معرفی موسیقی ایرانی و موسیقی‌دانان ارزشمند کشور گام بردارد. در بخشـــی دیگر از این پیام آمده است: جشنواره سی و پنجم در حالی برگزار می‌شود که شهادت سپهبد حاج قاسم سلیمانی و سانحه هوایی جانگداز جان باختن هموطنان عزیزمـــان، داغ عمیقی بر دل تمامی ایرانیان وارد کرد. هنرمندان و تمامی دست‌اندرکاران اجرای این رویداد نیز با قلبی پر درد، اما گام‌هایی مصمم‌تر از گذشـــته و با تلاشی بی‌دریغ در برپایی جشنواره قدم برداشتند تا بتوانند از طریق صدای هنر و موسیقی، پیام صلح و آزادیخواهی جامعه ایرانی را به گوش سایر ملل برسانند و مردم را به احساس زندگی عادی برگردانند.

دبیر سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجرهم در آستانه برگزاری جشنواره پیامی منتشرکرد.

درپیام شاهین فرهت آمده است: موسیقی پیوستگی عمیق احساسی با زندگـــی هر فـــرد دارد و آن را نیرو می‌بخشد. ســـرزمین پهناور ایران از موســـیقی‌های مختلف تشکیل شده است. موســـیقی نواحی، نمایشگر احساسات عمیق مردم این سرزمین است و از طرف دیگر موسیقی ردیف دستگاهی یا موسیقی شهری با نظم مشـــخص آن، نشان‌دهنده گسترش ملودی‌های دل‌انگیز و احساسات پاک ایرانیان است. با ایجاد مراکز آکادمیک موسیقی، شناخت آهنگسازان بزرگ‌نیز فراهم شده است و در نتیجه قدرت خلاقیت و درک جوانان ایران را بالا برده است.

در بخشی دیگر از این پیام آمده است:رویدادها‌و جشنواره‌های‌موسیقی از جمله جشنواره موسیقی فجر فرصتی هستند تا شناختی از وضعیت موسیقی و ظرفیت‌های هنرمندان و جوانان و اجرای آثارشان فراهم شود و گونه‌های مختلف موسیقی متناسب با سلایق متنوع کنار هم ارائه شوند.

سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر و حضـــور گروه‌هایی در انواع موســـیقی بیانگر بالندگی و پویایی موسیقی است که در متن جامعه امروز ما جریـــان دارد و ضرورت دارد با شناخت نیازها و توانمندی‌های آن به آینده موسیقی ایران بیندیشیم.

هیأت انتخاب آثار و گروه‌های ســـی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر با تشـــکیل ۱۷ جلسه و با نگاه کارشناســـی، تخصصی و جامع به موســـیقی و جشنواره، گروه‌هایی را برای حضور در جشنواره انتخاب کرد. از همراهی این عزیزان سپاسگزارم و از تلاش همکاران عزیز ستاد جشنواره قدردانی می‌کنم. یاد هنرمندانی که امروز نیستند اما در دل‌های ما جای دارند، گرامی باد.

امروز آخرین مهلت ثبت‌نام کنکور

مشاور عالی سازمان سنجش آموزش کشور با بیان اینکه تاکنون بیش از ۵۸۱هزار نفر برای شرکت در آزمون سراسری سال ۹۹ثبت‌نام کرده‌انـــد، گفت: این فرصت امروز پنج‌شنبه ۲۴بهمن‌ماه پایان می‌پذیرد.

دکتر حسین توکلی در گفتگو با ایســـنا، ضمن اعـــلام این خبر اظهار کرد: ثبت‌نام برای شـــرکت در آزمون سراســـری سال ۱۳۹۹به منظور پذیرش دانشجو در رشته‌های با آزمون دوره‌های روزانه، شـــبانه، نیمه‌حضوری، مجازی و پردیس‌های خودگردان دانشگاه پیام‌نور، مؤسسات آموزشی غیرانتفاعی و غیردولتی و همچنین رشته‌های با آزمون دانشگاه آزاد از روز چهارشنبه، ۱۶بهمن ماه جاری منحصرا از طریق ســـایت سازمان سنجش آموزش کشور آغاز شد.وی در ادامه با بیان اینکه تعداد ۵۸۱هزار و ۳۴۰داوطلب در کنکور ۹۹شرکت کردند، تصریح کرد:ثبت‌نام برای آزمون سال ۱۳۹۹تا ساعت ۲۴ پنج‌شـــنبه، ۲۴بهمن‌ماه ادامه دارد و داوطلبان در مهلت تعیین‌شده باید نسبت به ثبت‌نام اقدام کنند. همچنین دفترچه راهنما و اطلاعیه تکمیلی درباره ثبت‌نام رشـــته‌های با آزمون دانشگاه‌ها برای سال ۱۳۹۹همزمان با شـــروع ثبت‌نام از طریق سایت سازمان سنجش آموزش کشور قابل دسترسی است.

به گفته توکلی، گزینش دانشجو در رشته‌های با آزمون کنکور ۹۹بر اساس نمره کنکور و سوابق تحصیل (معدل‌دیپلم)، صورت‌خواهد گرفت. داوطلبانی که دارای دو مدرک دیپلم هستند، می‌توانند بر اساس شرایط اعلام شده در دفترچه اقدام کنند.

مشاور عالی سازمان سنجش آموزش کشـــور یادآور شد: تمامی داوطلبان واجد شرایط می‌توانند در این آزمون ثبت‌نام کنند. اخذ دیپلم نظام آموزشـــی جدید ۳–۳–۶، دارا بودن مدرک پیش‌دانشگاهی یا اخذ مدرک پیش‌دانشـــگاهی، دارا بودن دیپلم نظام قدیم یا مدرک کاردانی (فوق دیپلم) دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی که تا ۳۱شـــهریور ۹۹اخذ شـــود، از مدارک مورد نیاز است.

درهای موزه هنرهای معاصر اوایل سال آینده باز می‌شود

با گذشت بیش از یک سال از آغاز فرآیند بازسازی موزه هنرهای معاصر تهران، هم‌اکنون بخش گنجینه موزه در حال ترمیم اســـت و به گفته رئیس این موزه، فرآیند بازســـازی همچنان ادامه دارد و درهای موزه سال آینده به روی مخاطبان باز می‌شود.

احسان آقایی ـ رئیس موزه هنرهای معاصر تهران ـ در گفتگویی با ایسنا درباره فرآیند بازسازی این موزه اظهار کرد: با توجه به اینکه آثار کاملا از گنجینه خارج شده‌اند، هم‌اکنون در حال بازسازی بخش گنجینه هستیم.

او درباره زمان پایان این پروژه نیز بیان کرد: ما برای خودمان زمان‌بندی مشـــخصی را در نظر گرفته‌ایم، اما از آنجا که می‌خواهیم بدقول نشویم این زمان‌بندی را اعلام نمی‌کنیم؛ اما به طور کلی فرآیند بازسازی موزه امسال تمام نمی‌شود و امیدواریم در ماه‌های نخست سال ۹۹، درهای موزه باز شود.

موزه هنرهای معاصر تهران یکی از مهم‌ترین گنجینه‌های هنر مدرن محسوب می‌شود که آثار هنری زیادی از دوره تاریخـــی پایان جنگ جهانی دوم تا دهه ۱۹۸۰دارد. گفته می‌شود این مجموعه یکی از کامل‌ترین مجموعه‌های هنر اکسپرسیونیسم انتزاعی در جهان است که همه جنبش‌های هنری قرن ۱۹و ۲۰را پوشش می‌دهد.

در این مجموعه، آثار مختلفی از دوره‌های متفاوت کاری پابلو پیکاسو وجود دارند. همچنین «نقاشی دیواری روی زمینه قرمز هندی» اثر جکسون پولاک دیگر اثر شاخص موزه است که مشهورترین کار موزه و به لحاظ قیمتی، گران‌ترین اثر این مجموعه است. مجموعه بسیار معروف «مائو» و اثر «خودکشی» از اندی وارهول نیز از دیگر آثار شاخص موزه است. همچنین آثاری از بهمن محصص، پرویز کلانتری، حسین زنده‌رودی، محمود فرشچیان و مارکو گریگوریان در بخش نقاشی هنرمندان ایرانی وجود دارد.

دکتر اکبری: نقش آلودگی هوا و استرس در بروز سرطان قطعی است

تغییر در سیمای بروز سرطان‌ها، محرومیت ۴۰درصد مرکز درمانی کشور از دستگاه‌های رادیوتراپـــی، تبلیغ دروغین روغن‌های حاوی ویتامیـــن D و ... از جمله مباحث مطرح در نشســـت خبری دیروز رئیس مرکز تحقیقات ســـرطان دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی بود.

دکتر محمد اســـماعیل اکبری با اشاره به اینکه آلودگی هوا می‌تواند در بروز سرطان‌ها مؤثر باشـــد، گفت: البته این موضوع بیانگر این نیست که علت قطعی سرطان‌ها آلودگی هواست؛ بلکه موضوعی است که می‌تواند در درازمدت در ابتلا به سرطان مؤثر باشد.

وی با تأکید بر اینکه امواج الکترونیکی که با نام پارازیت ممکن است به بدن انسان وارد شوند، به هیچ عنوان سرطان‌زا نیستند، گفت: البتـــه نمی‌توانیم منکر عوارض اینگونه امواج الکترونیکی شویم، اما به ما ثابت شده که این امواج سرطان‌زا نیستند.

مشاور وزیر بهداشت همچنین با بیان اینکه اســـترس‌های درازمدت و کهنه نیز می‌توانند علتی برای بروز سرطان باشند، تأکید کرد: تا سال گذشته وقتی در مورد سرطان‌ها صحبت می‌کردیم از آنها به عنوان سومین علت مرگ و میر در کشور یاد می‌کردیم، اما امسال رتبه مرگ و میر ســـرطان‌ها به رتبه دوم رســـیده است. یکی از علت‌های این موضوع، افزایش تعداد ســـرطان‌ها و کاهش سوانح و حوادث است. میزان مرگ و میر حوادث ترافیکی، قتل، خودسوزی و خودکشی کمتر شده است و به جایگاه ســـوم رفتند و جایگاه دوم به سرطان اختصاص یافته است.

اکبری ادامه داد: خوشـــبختانه وضعیت درمان سرطان در کشور به شکل اعجاب‌آوری رو به بهبود اســـت. حدود ۱۰سال قبل نسبت بروز مرگ در اثر سرطان‌ها در طول یک سال ۷۰به ۳۰بود؛ یعنی ۷۰درصد مبتلایان جان خود را از دســـت داده و ۳۰درصد زنده می‌ماندند. اما امروز این رقم وارونه شده است؛ به شکلی که ۷۰درصد مبتلایان به سرطان زنده مانده و فقط ۳۰درصد فوت می‌کنند.

وی با بیان اینکه توفیقات به دست آمده در حوزه تشخیص و درمان سرطان با وجود تحریم‌ها به دســـت آمده است، تصریح کرد: اینکه آمریکا می‌گوید حوزه سلامت را تحریم نکرده اســـت، یک دروغ ۱۰۰درصدی است؛ اکنون چند ماه است که دستگاه رادیوتراپی که حین انجام عمل از آن اســـتفاده می‌کردیم در مرکز تحقیقات سرطان ما خاموش شده است. حتی با اینکه این دستگاه آمریکایی نیست اما اروپایی‌هـــا جرأت نمی‌کنند برای تعمیر آن به ایران بیایند و به این موضوع ورود کنند. این تحریم‌ها به شـــکل حساب شده‌ای به ضرر مردم عمل می‌کنند؛ به شکلی که گاهی بسیاری از داروهای گران‌قیمت و کم اثر را در کشور پیدا می‌کنیم، اما داروهای ارزان‌تر و پرکاربردتر نایاب می‌شوند.

رئیس مرکز تحقیقات ســـرطان دانشگاه علوم پزشـــکی شهید بهشتی در ادامه سخنان خود با انتقاد از ناکارآمدی و غلط بودن برخی از گایدلاین‌های تدوین شـــده توسط وزارت بهداشـــت درباره سرطان گفت: باید اینگونه گایدلاین‌ها اصلاح شوند. اکنون گایدلاینی که برای مبتلایان به سرطان پستان استفاده می‌شود از نظر اقتصادی و درمان مؤثر نیست و سود قطعی آن فقط شش درصد است. پیش از این آمار نشان می‌داد که هزینه‌های حوزه سلامت هشت درصد مردم را به سمت زیر خط فقر سوق می‌دهد، اما اکنون این رقم به ۱۲درصد رسیده است. پس باید بسیار حساب شده به فکر تجویز دارو و درمان باشـــیم تا حداکثر بهره‌وری را داشته باشیم.

اکبری در همین راستا توضیح داد: به طور مثال در تشخیص اولیه سرطان پستان وقتی از دستگاه MRIاستفاده می‌کنیم، فقط ۴۷.۵درصد اثربخشی را شاهد هستیم؛ در حالیکه حداقل بهره‌گیـــری از ایـــن روش در دنیا ۸۵درصد است.

وی ادامه داد: بیشترین بار اقتصادی متوجه شیمی درمانی اســـت و این روش کمترین اثربخشـــی را دارد، اما میزان اســـتفاده از آن بالاست.

مشـــاور وزیر بهداشت با تأکید بر اینکه استفاده از دستگاه‌های رادیوتراپی در تشخیص و درمان بسیار مؤثرند، گفت: امروزه نزدیک به ۴۰درصد از کشور از داشتن دستگاه رادیوتراپی محروم هستند. با اینکه تقریبا تمامی مراکز استانی این دســـتگاه را دارند اما نمی‌توان از درصدی که از داشتن دستگاه رادیوتراپی محرومند غافل بود. این افراد مجبور می‌شوند برای استفاده از خدمات این دستگاه گاهی به شکل مکرر از شهرهای خودشان به شهری دیگر سفر کنند.

مشـــاور وزیر بهداشت با تأکید بر اینکه دســـتگاه‌های تشـــخیصی و درمانی سرطان پیچیدگی‌های فراوانی دارند، بیان کرد: یکی از دستگاه‌هایی که در ایران برای تشخیص میزان برداشت از غدد لنفاوی سرطانی ساخته شد، اکنون در حال استفاده است. همچنین دستگاه دیگری برای اولین بار در دنیا در ایران ساخته شـــد که به شکل الکترونیکی کار تشخیص سلول‌های ســـرطانی را در اتاق عمل انجام می‌دهد که مورد تقدیر نیز قرار گرفت. اما سایر دستگاه‌ها از جمله دستگاه رادیوتراپی همچنان به شکل کامل در کشور تولید نشده‌اند و فقط یک شـــرکت در استان اصفهان در حال انجام مراحل ساخت آن است.

رئیس مرکز تحقیقات ســـرطان دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، با اشاره به اینکه دو مؤلفه اصلی «بالا رفتن ســـن» در جامعه و ریسک فاکتورهایی مانند «دخانیات» در بروز سرطان مؤثرند، گفت: اکنون در تلویزیون شاهد تبلیغات دروغین برخی کالاها مانند روغن‌های دارای ویتامین D هستیم؛ اما چه کسی می‌داند که هر گرم از این روغن می‌تواند چهار کالری انـــرژی ایجاد کند و در درازمدت باعث بروز سرطان‌ها شود.

معاون رئیس جمهوری: لایحه پالرمو تعارضی با قانون اساسی ندارد

پیش نویس لایحه همه پرسی نظارت استصوابی در معاونت حقوقی تهیه شده و بزودی به هیات وزیران ارسال خواهد شـد. این لایحه به پشـتوانه قانون اساسی و به منظور صیانت از حق انتخاب ملت در تمامی امور تدوین شده و قرار است پس از تصویب در هیات دولت به مجلس شورای اسلامی تقدیم شود.

خانم دکتر لعیا جنیدی معاون حقوقـی رئیس جمهوری دیروز در حاشـیه نشسـت هیأت دولت در جمع خبرنگاران درباره تدوین لایحه همه پرسی افزود: این لایحه چارچوب نظارت استصوابی را مشخص می کند و چون باید در قالب همه پرسـی درآید، کوتاه و روشن و به صورت آری و خیر اسـت؛ بنابراین طولانی نیسـت.وی درباره رویکرد لایحه همه پرسـی گفت: بیشتر رویکرد ما حالت تقنینی دارد و مهم این اسـت که بتوان در مرحله اجرا به خوبی عمل کرد چون وقتی موضوعی مبهم مطرح شود، در مرحله اجرا مشخص نیست که به چه ترتیب پیش می رود.

معاون رئیس جمهوری اضافه کـرد: بخشـی از آن که مربوط به معاونت حقوقی است، چون تصریح شده که با تسریع انجام شود، این اتفاق افتـاده و خیلی زود تحویل خواهیم داد و منطقـا مـی تواند به مجلس حاضر برسد.

وی در پاسخ به سوال دیگری مبنی براینکه برخی معتقدند اساسا اصـل نظارت اسـتصوابی و نظر تفسیری که شورای نگهبان در سال ۷۱ داده است، یک عضو هیأت نظارت این نظریه تفسیری را از شورای نگهبان درخواست کرده، در حالی که مجلس یا فقهای شورای نگهبان می توانستند این درخواست را داشته باشند. آیا در این خصـوص دولت ایده‌ای دارد، گفت: از لحاظ تفسیری قطع نظر از مبدأ و منشأ که مطرح شده، به نظر می رسد که تفسیر در جایی باید مطرح شـود که ابهام وجود دارد و بعد هم تفسیر باید مبتنی بر اصول کلی حاکم بر قانون اساسی باشد.

جنیدی ادامه داد: حق اساسـی مشارکت به عنوان یکی از اصول قانون اساسی باید چراغ راهنمای تفسیر باشد بنابراین در اصل تفسـیر باید حدود رعایت شود. همچنین هر تفسیر باید در مقـام اجرا هم حدود را رعایت کند و اگر موجب منع، محدودیت و ایجاد تضییع حق می شود، حداقل در نظر گرفته شـود و اصل حق مدنظر قرار گیرد.وی همچنین در پاسخ به سوالی درباره آخرین وضعیت لوایح پالرمو و CFT در مجمع تشخیص مصلحـت نظام گفت: لایحه پالرمو طبق قانون اساسی ایرادی ندارد و این تصمیم نهایی اسـت و باید شورای نگهبـان و مجلس توافقی روی این موضوع داشته باشند و به عنوان امر مصوب که حقا اینطور بوده، به دولت بفرستند

معاون حقوقی رئیس جمهوری همچنین دربـاره آخرین وضعیت بررسی لوایح و پیوستن به FATF اظهارداشت: در مورد معاهدات هم مجمع تشخیص مصلحت نظام باید در این خصوص تصمیم بگیرد و دولت هم تلاش می کند تا مجمع بررسی کنـد، به ویژه در مورد پالرمو که از نظـر ما هم مجلس تصویب کرده و هم شورای نگهبان ایرادهایی که گرفته بود، رفع کرده است.

وی خاطرنشـان کرد: به پایان مهلت FATF نزدیک می شـویم و دولـت همه تلاش خـود را انجام داده تـا با مجموع مقرراتی که برای پولشویی و آیین نامه ها و قوانینی که نوشته است، در ارزیابی نهایی نهادهای ذیربط بین المللی را توجیه کند که تمام تلاش مقابله با تامین مالی تروریسم و پولشویی توسط ایران انجام شده و تلاش می کند تا زمان بگیرد و باید دید که آیا موفق خواهد شد یا نه.

این مقام مسئول در پاسخ به اینکه آخرین جلسه مشترک دولت و مجمع تشخیص مصلحت چه زمانی بوده، گفـت: با مجمع حدود یک ماه قبل جلسـه ای داشتیم و در مورد جلسه بعدی باید مجمع تشخیص مصلحت نظام دعوت کند.

وی در ادامـه دربـاره آخرین وضعیت کارگروه بررسـی سقوط هواپیمای اوکراینی گفت: برای اعلام نظرهای رسـمی در این خصوص وزیر راه و شهرسـازی مکلف شده است.در همین زمینه کمیته حقوقی هم منظم جلسـه داشته و تمام ابعاد حقوقی این پرونده را بررسی می کنیم و همه جنبه های مسـئولیت کلی و بیـن المللی، جزایی و مدنی مربوط به حوزه خسارت به همه کسانی که آسـیب دیده‌اند را مورد توجه قرار داده‌ایم.جنیدی با تاکید بر اینکه دیدگاه کلی حاکمیت و دولت این است که خسارات آسیب دیدگان جبران شود و با تسـاوی هم برخورد شود و با بیشترین امکان حمایت هم باشد، در پاسخ به اینکه آیا عدم ارائه جعبه سیاه به اوکراین یا کانادا قانونی است، گفت: این جزییات فنی اسـت و به لحاظ مقررات باید وزیر راه و شهرسازی و رئیس سازمان هواپیمایی دراین زمینه توضیح دهند.

البته اینکـه امکانات ما درباره جعبـه سـیاه در کشور فراهم هست یا نه همچنین از این نظر که آیا این امکانات قابل فراهم شدن هست یا نه موضوع هایی فنی است و اگر شرایط فراهم باشد چون این حادثه در ایران رخ داده، در داخل بررسی می شود.

وی در پاسـخ به اینکه آیا عدم اطلاع دولت درباره علت سـقوط هواپیمـای اوکراینی قابل پیگیری و شکایت است، گفت: از لحاظ مقررات حتما اشکال داشته اما آنچه به کمیته ارجاع شده مربوط به آثار و آسیب های زیان دیدگان اسـت ولی در مورد نظـارت انضباطی و اداری می تواند هیأتی مقرر شود و در این خصوص از رئیس جمهوری استعلام می کنم.

ماهـواره ظفر ۲ در مدار کره زمین قرار می‌گیرد

مهندس محمدجـواد آذری جهرمی وزیـر ارتباطات و فناوری اطلاعات هم پس از خاتمه نشست هیأت وزیران از در مدار قرار گرفتن ماهواره ظفر ۲ در خرداد سال آینده خبر داد.

وی افزود: طراحی و آزمایش‌های ماهواره ظفر ۲ به پایان رسیده است و همان قابلیت‌های ماهواره ظفر یک را دارد که البته دوربین‌های آن دقت بیشتری دارد و ۱۶ متری است.

وزیر ارتباطات با بیان اینکه این ماهواره بنابر برنامه ریزی‌های انجام شـده خرداد سال آینده پس از آماده شدن ماهواره بر سیمرغ در مدار قرار می‌گیرد، ضمن تکذیب ادعای نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی در مورد دخالت این کشـور در ناکامی پرتاب ماهواره ظفر یک گفت: نتانیاهو توهمات خود را اعلام کرده و هیچ نقشی در این رویداد نداشته است.

وی همچنیـن نقش احتمالی رژیم صهیونیستی در حمله هکری به شبکه اینترنت کشور را رد کرد و گفت: حمله هکری روزهای اخیر هیچ ارتباطی به رژیم صهیونیستی ندارد.

شایان ذکر است: هکرها دیروز هم برای سومین روز پیاپی در ساعات اولیه بامداد به شبکه اینترنت کشور حمله و ارتباط برخی سـایت های داخلی را مختل کردند.

آذری جهرمی در پاسـخ به سوالی مبنی بر اینکه علت نرسیدن ظفر به سرعت مورد نیاز چه مسئله‌ای بوده است، گفت: صرفا ۱۲ثانیه لازم بود که این کار به اتمام برسد.

وی با بیان اینکه در ۱۲ثانیه آخر باید سوخت و توان ماهواره افزایش پیدا می‌کرد که به سرعت لازم برسد، ادامه داد: این مشکل هم می‌تواند به کیفیت سـوخت و هم وزن ماهواره بازگردد.

وزیـر ارتباطـات تاکید کرد: مشخص است که اگر ۱۲ثانیه دیگر موتور فعالیت و سوخت آن کفایت می‌کـرد، قطعاً ماهواره در مدار قرار می‌گرفت و اشـکال مرحله قبل که در ماهواره پیام داشـتیم هم برطرف شده بود.

بـه صورت کلی باید گفت که ۹۵درصد این اقدام موفقیت آمیز بود و ان شـاءالله این مشکل ۱۲ثانیه در مرحله بعدی حل خواهد شد.

وی درباره طرح بحث خرابکاری در ارسال ماهواره ظفر اظهار داشت: خیر؛ چنین موضوعی نیست و کاملاً برنامه و سنسورها و چارچوب‌هایی که برای ماهواره سیمرغ بودند، ثبت کرده و مشخص است که مشکل چه چیزی بوده است و هیچ ارتباطی با دخالت سرویس‌های جاسوسی خارجی در این موضوع دیده نمی‌شود.

آذری جهرمی با اشاره به اینکه ما دو سال کار فشرده انجام دادیم و در چند سال اخیر ۳۰۰هزار مشترک پهن باند موبایل را به بیش از ۷۰میلیون رسانده‌ایم، تصریح کرد: اینترنت در کشور پیشرفت بسیار چشمگیری کرده است.وی تاکید کرد: اما مطالبه مردم جـدا از بحث کمیت، بحث کیفیت است که همه مجموعه سازمان تنظیم مقررات و وزارت ارتباطات روی آن کار کردند و فکر می‌کنم تأثیر بی‌نظیری بر کیفیت اینترنت دارد که به زودی اعلام می‌شود.

ادامه تحقیقات ماهواره‌ها در ایران

امیر سرتیپ امیر حاتمی وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح هم پس از پایان جلسه دولت به خبرنگاران گفت: برنامه‌هـای تحقیقاتی مان را درباره ماهواره‌ها تا جایی که به حالت ثبات و پایدار برسیم، ادامه می‌دهیم و اوایل سال آینده ماهواره ظفر ۲ پرتاب خواهد شد.

سـرتیپ حاتمی در پاسخ به سـوالی مبنی بر اینکه چرا پرتاب ماهواره ظفر از سوی برخی دشمنان بر خلاف مقررات بین المللی اعلام شده است؟ افزود: موضوع پرتاپ ماهواره و ماهواره بر در دنیا روشن است و هیچ ارتباطی با بحث موشکی ندارد.

وی گفت: در بحث موشـکی هم آنچه که منع شـده پرداختن به موشک‌هایی با قابلیت حمل کلاهک هسـته‌ای اسـت که در جمهوری اسـلامی ایران چنین چیزی وجود ندارد و ما به موشک هایمان که افتخار می‌کنیـم، مولفه مهم قدرت دفاعی ونظامی جمهوری اسـلامی است و در آن از سرجنگی متعارف استفاده می‌شود.

وزیر دفاع بـا تاکید بر اینکه دقت موشـک‌های ما بسیار بالاست و آمریکایی‌ها ایـن موضوع را در عین‌الاسـد به خوبی لمس کردند و نیازی به چیز دیگری نداریم، گفت: اما موضوع ماهواره و ماهواره بر ارتباطی به این بحث ندارد و آن یک موضوع غیر نظامی اسـت و البته امکان دارد ماهواره‌ای با اهداف دفاعیِ هم استفاده کنیم، اما ماهواره بر کاملاً غیر دفاعی است و حق مسلم و قطعی ملت ایران اسـت و در این چارچوب با قدرت برنامـه خود را پیش می‌بریم و هیچ منعی در دنیا برای آن وجود ندارد.

وی در پاسـخ به سوالی مبنی براینکه ماهواره ظفر ۲ که قرار است با ماهواره بر سـیمرغ پرتاب شود چه زمانـی در مدار قرار می‌گیرد؟ افزود: ماهواره‌های ما همچنان موضوع تحقیقاتی ماسـت و تا جایی که به ثبات برسد و کار به طور پایدار انجام شود، ادامه خواهد یافت و فکر می‌کنم اوایل سـال آینده بتوانیم این کار را انجام دهیم.

اسـتعفای رئیـس جمهوری صحت ندارد

دکتر علی ربیعی سـخنگوی دولـت هم به خبرنـگاران گفت: اسـتعفای رئیس جمهوری صحت ندارد و دولت تا ۱۲ مرداد ۱۴۰۰ در کنار مردم است.وی با اشاره به اینکه نگاه دولت رو به آینده اسـت، تاکید کرد: دولت در مدت باقیمانده خود خواهـد ماند و قطعا از این پس هم هر چه شایعه در مورد دولت است، پیشاپیش تکذیب می‌شود.

ربیعی در ادامه گفت: همانگونه که امام خمینی فرمودند، جمهوری اسلامی نه یک کلمه بیشتر و نه یک کلمه کمتر؛ ما همان را می‌خواهیم و هدف ما این است که همیشه آن را دنبـال کنیم همان جمهوری که امام فرمودند، اساسش رای ملت و انتخاب آزادانه باشد.وی افزود: اگر از نو بودن یک جمهوری بحث می‌شـود، این نو بودن به این معناسـت که همواره با انتخابات‌ها فصل‌های جدیدی را تجربه می‌کنیم و فرصت صندوق‌ها همیشه باید برای مردم باشد.

سخنگوی دولت گفت: رئیس جمهوری جمله‌ای گفتند که جمله مهمی بود و آن اینکه هر جا پایه‌های تغییر در جامعه وجود داشـته باشد، آن جامعه با ثبات روبرو می‌شود و ما حسنی که داشتیم نظام صندوق باور بودیـم؛ بنابراین همه آن‌هایی که در مورد صندوق‌ها و اینکه چگونه مردم مشارکت کنند، تصمیم می‌گیرند باید به این امر وفادار باشند که صندوق‌ها پایه تغییر نظر مردم است.

سـخنگوی دولت با اشاره به اینکه صندوق محوربودن تحولات سیاسـی اجتماعی در کشور چیزی است که ثبات ما را تضمین می‌کند و موجب پایداری توسعه و پیشرفت ایران می‌شود، گفت: اگر اصراری در بحث صندوق‌ها بوده، این است که به هرحال در هر جامعه‌ای مردم اگر از صندوق‌ها ناامید شوند، آن جامعه روز خوش نخواهد دید و ما انقلابمان ۴۰ سال با صندوق‌ها بوده.

انقلاب اسلامی ما نوعی انتخاب بود و حضـرت امام هم در همان اوایل انقلاب پایه‌های صندوق رای را بنا گذاشتند. اگر بحثی هم هست در همین حدود است و چیزی اضافه بر این نبوده است.

وی در خصـوص زمان ابلاغ قانون شفافیت انتخابات از سوی رئیس جمهـوری هم تصریح کرد: الان از زمان ابلاغ این قانون اطلاعی ندارم و خواهم پرسید و در اختیار خبرنگاران می‌گذارم.

سـخنگوی دولت همچنین از حضور پرشور مردم سراسر کشور در راهپیمایی یوم الله ۲۲ بهمن ماه تقدیر کرد و افزود: این راهپیمایی برای همه ما اهمیت فوق العاده‌ای داشت و در کنار تمامی مشکلات ناشی از تحریم‌ها و جنگ اقتصادی علیه مردم نشان داد که کماکان مردم در صحنه بوده و در اصول اساسی هم نظر هستند و این برای دولت مغتنم است.

ربیعی گفت: بحث بارش برف در برخی مناطق کشور و مشکلات ناشـی از آن امروز در جلسه دولت مطرح شد و خوشبختانه تلاش‌های بسیار زیادی صورت گرفته که راه‌های اصلی باز شود هرچند هنوز هم مشکل هست، اما عمده راه‌های اصلی کشور باز شده است.

وی افزود: گاز در روستاها قطع نشده و برای حل مشکلات برق هم تامین اعتبار شد و از تمام استان‌های کشور به مناطق برفگیر نیرو اعزام شد برای اینکه به روستاهایی که در آنها برق وجود ندارد، کمک کنند.

سخنگوی دولت گفت: ۹۰ هزار روستا بر اثر بارش برف دچار مشکل شده بودند که در حال رفع مشکلات آنها هستیم و براساس گزارش وزیر نیرو، به زودی مشکلات برق روستاها مرتفع شـود و بـا اقداماتی که در حال سامان دادن است، مشکلات کم خواهد شد.

وی افـزود: در دولت بحثی صورت گرفت و توصیه می‌شود که مسافرت‌های غیرضروری انجام نشود. پیش بینی بارش‌های فروردین هم در دولت مطرح شـد و استان‌هایی که احتمـال بارش در آنها وجود دارد، اعلام خواهد شد.

ایـن عضو کابینه دولت اضافه کرد: پیش بینی‌های سـه ماهه با ۷۰ درصد تعقیب معمولا درست بوده و ممکن است برخی استان‌ها دوباره در بارش‌ها دچار مشکل شوند که رئیس جمهوری بر اتخاذ تدابیر لازم تاکید کرد و وزیر نیرو هم از تدابیر لازم بر روی سدها و رها کردن آب در زمان بارندگی‌ها گزارش داد.

وی همچنیـن از افزایـش فوق‌العاده جذب کارکنان شهرداری‌ها بـا مصوبه هیات وزیران خبر داد و با اشـاره به مصوبات جلسه اخیر هیـأت دولت گفت: ابهام مربوط به مصوبه‌ای در خصوص ایثارگران در این جلسه رفع شد. ما قبلا مصوبه‌ای داشتیم که صندوق توسعه ملی مکلف شـده بود ۱۵ درصد از منابع خود را به ایثارگران تخصیص دهد.ربیعی تصریح کرد: در این جلسـه تصمیم خوبی به پیشنهاد بنیاد شهید اتخاذ و مقرر شد شرکت‌هایی که بیش از ۵۰ درصد سهام آن‌ها متعلق به ایثارگران است، بتوانند مشمول این تسهیلات قرار گیرند. این حکم مشروط بر این اسـت که تا پایان دوره بازپرداخت سـهم ایثارگران کمتر از ۵۰ درصد نباشد.وی همچنین تصمیم گیری در خصوص فوق العاده جذب کارکنان شهرداری را از دیگر مصوبات اخیر هیات دولت ذکر کرد و گفت: کارکنان رسمی و ثابت شهرداری‌ها ۳۰ درصد فوق العاده جذبشان افزایش پیدا کرد. در این جلسـه همچنین اساسنامه جامعه مشـاوران رسمی مالیاتی هم اصلاح شد و رشته‌های حسابداری و حسابرسـی به آن اضافه شدند و پروانه کار حرفه‌ای برای آنها صادر خواهد شد.

سخنگوی دولت در ادامه گفت: پیش بینی می‌شـود بین ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفراز فارغ التحصیلانی که ما قبلا داشتیم در این رشته‌ها بتوانند بازار کار جدیدی پیدا کنند.

کرونا وارد کشور نشده است

دکترسعید نمکی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشـکی هم در حاشیه جلسه هیات دولت در جمع خبرنگاران با بیان اینکه به مردم اطمینان می دهیم کرونا وارد کشـور نشده اسـت، افزود: ۳۶ مبادی ورودی به کشور از طریق زمینی، هوایی و دریایی برای پیشگیری از ویروس کرونا کنترل می شود.

وی ادامـه داد: ویروس کرونا برای جهان و ما تهدید جدی است و اکنون تمام پروازهای مستقیم چین به کشور متوقف شده و به وزارت امور خارجه اعلام کردیم اگر ایرانیانی که می خواهند از چین وارد کشور شوند از قبل فهرست آنها را به ما بدهند تا بررسی کنیم.

وزیر بهداشت تاکید کرد: افرادی که از ووهان به ایران آمده بودند، در قرنطینه بوده و بر اساس آزمایش های متعدد تسـت آنها در مورد ویروس کرونا منفی و حالشان خوب است، در روز چهاردهـم پس از قرنطینه با دعوت از خانـواده های این افراد نشستی برگزار خواهیم کرد.

وی گفت: نماینده سازمان جهانی بهداشت هم از اقدامات ما در مورد قرنطینه این افراد و انجام آزمایش‌ها بازدید داشته و مطلوب ارزیابی کرده اسـت.نمکی با بیان اینکه مردم نیاز متداول به ماسـک ندارند، گفت: بر اسـاس مکاتبات با گمرک واردات پارچه های مخصوص ماسک و ماسک را متوقف کردیم و با پارچه های تولید داخل، ماسک تهیه می کنیم و استفاده از آن را بطـور متداول به مردم هم توصیه نمی کنیم.

وی خاطرنشان کرد: بارها اعلام کردیم هر گونه مورد مثبت ویروس کرونا در کشـور را به مردم اعلام خواهیم کرد.همچنین حتی پروازی از خارج به کشـور داشتیم که یک فرد چینی در آن بود که پرواز را ردیابی کرده و آن را در قرنطینه قرار دادیم؛ مردم هم نگران نباشـند و همه چیز در کنترل است.

خانم دکتر جنیدی: پیش نویس لایحه همه پرسی چارچوب نظارت استصوابی را مشخص کرده و به صورت آری و خیر است

نفت ، طلا ، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۵۱/۱۵ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۵۵/۶۳ دلار
متوسط سبد نفت کشورهای اوپک	۵۴/۱۶ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۵۶۵/۷۸ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۵۰۹۲۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۵۱۳۵۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶گرم)	۲۶۱۳۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۱۶۱۳۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۹۳۵۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۵۲۲۰۰۰ تومان
دلار آمریکا(نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۴۲۰۰ تومان
دلار آمریکا(سامانه سنا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۱۳۵۳۸/۷ تومان
دلار آمریکا(نرخ صرافی)	۱۳۷۱۰ تومان
یورو(نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۴۵۸۳/۴ تومان
یورو(سامانه سنا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۱۵۰۲۱ تومان
یورو(نرخ صرافی)	۱۵۱۰۰ تومان
پوند انگلستان(نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۵۴۴۲/۸ تومان
پوند انگلستان(سامانه سنا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۱۷۴۹۴/۹ تومان
پوند انگلستان(نرخ صرافی)	۱۸۲۴۵ تومان
درهم امارات (نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۱۱۴۳/۷ تومان
درهم امارات (سامانه سنا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۳۷۰۸/۷ تومان
درهم امارات (نرخ صرافی)	۳۸۵۲ تومان

همتی: اقتصاد کشور در حال خروج از رکود است

شاخص‌های مهم اقتصاد کلان از قبیل رشد بخش غیرنفتی، تورم و سایر متغیرها همگی خبر از ثبات نسبی و روند بهبود تدریجی اوضاع و خروج اقتصاد از رکود دارد.

به گزارش مهر، عبدالناصر همتی رئیس کل بانک مرکزی در صفحه شخصی خود در اینستاگرام نوشت: با اینکه عده‌ای تلاش می‌کنند تا شرایط اقتصادی کشور را وخیم و آینده سـخت‌تری را ترسـیم کنند اما با تدابیر اتخاذ شده، بر اساس داده‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شاخص‌های مهم اقتصاد کلان از قبیل رشد بخش غیرنفتی، تورم و سایر متغیرها همگی خبر از ثبات نسبی و روند بهبود تدریجی اوضاع و خروج اقتصاد از رکود دارد.

وی با اشـاره به اینکه این در مقایسـه با آنچه دشمنان دنبال آن بودند و تصور آن را داشتند، فوق العاده است، افزود: در چهل و یکمین سالگرد انقلاب، شاهد حضور پرشور مردم در دفاع از آرمان‌های انقلاب اسلامی بودم، باوجود تمامی مشکلات و سختی‌های اقتصادی و آسیب خوردن رفاه قشر عظیمی از مردم، همچنان شاهد حضور پرقدرت، عمدتاً، همین بخش از مردم در دفاع از انقلاب هستیم.

رئیس کل بانک مرکزی ادامه داده است: آمریکا و متحدانش باوجود تحمیل فشـارهای مضاعف اقتصادی، به یمن مقاومت و ایستادگی مردم، نتوانستند به اهداف خود دست پیدا کنند. وی افزوده است: به عنوان یکی از مسئولین اقتصادی قبول دارم که با وجود تلاش و فعالیت مداومی که داریم، به علت سنگینی فشار تحریم‌های ظالمانه و همچنین ساختار نامناسب اقتصاد و برخی ناهماهنگی‌های داخلی، خصوصاً زیاده خواهی و رانت جویی گروهی از افراد جامعه که منافع خود را در ملتهب نگه داشتن بازارها می‌بینند، آن گونه که باید و شاید، نتوانسته‌ایم در شأن ملت بزرگ ایران نتیجه بگیریم.

همتی همچنین در گفتگو با رادیو اقتصاد اظهارداشت: متاسفانه در جنگ و فشار اقتصادی و تحریم‌های همه‌جانبه دشمنان خارجی ما درگیر عده‌ای فرصت طلب و رانت‌خوار هستیم که سعی بر ایجاد التهاب در جو روانی جامعه دارند.

به گزارش فارس، وی از تلاش بانک مرکزی در مقابله با پولشـویی و اختلاس های داخلی خبر داد و افزود: با اقدامات مناسب و شفاف سازی سعی می‌شـود از رانت، پولشویی و ثروت اندوزی فرصت طلبان جلوگیری به‌عمل آوریم و آسایش و رفاه را برای مردم فراهم کنیم.وی با اشاره به حضور میلیونی مردم در راهپیمایی یوم الله ۲۲ بهمن گفت: عشق به سردار شهید سلیمانی شوق حضور مردم را در این روز، مضاعف و ثابت کردند که هنوز هم پای انقلاب اسـلامی و آرمان های خود ایسـتاده اند.همتی گفت: ما با آگاهی از فشارهای اقتصادی مردم طی تلاش‌های شبانه روزی سعی داریم اقتصاد را به سوی بهبود و کاهش وابستگی به نفت پیش ببریم.

آغاز بهره‌برداری آزمایشی از فاز نخست آزادراه تهران ـ شمال

تردد آزمایشی خودروها از فاز اول آزاد راه تهران- شمال دیروز آغاز شد. قرار است افتتاح رسمی این آزادراه اوایل اسفند با حضور رئیس جمهوری انجام شود.

بـه گزارش خبرنگارما، قطعه اول آزادراه تهران – شمال حد فاصل دهکده المپیک تهران تا منطقه دوآب شهرستانک مقارن ظهر دیروز با حضور معاون وزیر راه و شهرسـازی و معاون بنیاد مستضعفان به بهره برداری آزمایشی رسید، امـا حجم انبوه خودروهایی که از صبح دیروز در محل ورودی این آزادراه تجمع کرده بودند، باعث ایجاد ترافیک سـنگین در بزرگراه شهید همت تهران شد.

سرعت مجاز در طول این مسیر ۸۰ کیلومتر در ساعت و در تونل ها ۷۰ کیلومتر در ساعت خواهد بود و فعلا فقط روزانه ۲ سـاعت (از سـاعت ۱۲ تا ۱۴) به خودروها اجازه تردد در این مسیر داده می شود.

آزادراه تهران–شمال به طول ۱۲۱ کیلومتر شامل چهار قطعه است که مراحل مطالعاتی آن از سـال ۱۳۵۳ آغاز شده و حدود ۲۰ سال از اجرای عملیات ساخت آن می‌گذرد، قطعه اول از تقاطع غیر همسـطح بزرگراه شهید همت و بزرگراه آزادگان شروع می‌شود و در امتداد دره کن پس از عبور از حاشیه روستای سولقان به تدریج از منطقه کوهستانی توچال عبور کرده و سپس توسط تونل بلند تالون به طول ۴۸۷۰ متر این رشته کوه را قطع کرده و در دامنه های شمالی آن در منطقه دو آب شهرستانک قرار می‌گیرد.

از آن پس، مسـیر به موازات جاده قدیم کرج– چالوس امتداد می یابد و در دره سرهنگ وارد تونل البرز بطول ۶۴۰۰ متر شده و در پل زنگوله خارج می شود، سپس با عبور از ارتفاعات البـرز به موازات جاده موجود کرج – چالوس تا شهر چالوس ادامه یافته و در نهایت با یک تقاطع غیر همسطح به کمربندی چالوس–تنکابن متصل می‌شود.

کوتاه شدن ۶۵ کیلومتری مسیر، کاهش زمان سفر، ایجاد راه ارتباطی سریع و ایمن برای چهار فصل سال، افزایش ظرفیت عبور نسبت به راه فعلی، صرفه جویی در مصرف سوخت، کاهش آلودگی هوا ناشـی از بهبود وضعیت ترافیک، توسعه صنعت گردشگری و صنایع کشاورزی و تبدیلی و اشتغالزایی از مهم ترین مزیت های بهره برداری از این آزاد راه است.

آزادراه تهران – شـمال دارای ۲ خط (در فرازهای تند ۳ خط) در هر باند است و حداکثر شـیب طولی مسـیر ۶ درصد، حداقل شعاع قوس ها۴۰۰ متر و میانگین سـرعت سیر ۸۰ کیلومتر در ساعت است.

دکتر خیرالله خادمـی معاون وزیر راه و شهرسـازی و رئیس شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل و نقل کشور هنگام بهره برداری آزمایشی از این آزاد راه به خبرنگاران گفت: با بهره‌برداری از قطعه اول آزادراه تهران– شمال، مسافت تهران تا چالوس یک ساعت و نیم کاهش می‌یابد.وی با اظهار اینکه با توجه به زمان کوتاه برای بهره برداری آزمایشی، کل مسیر برف روبی و ایمن سـازی شده و پلیس هم آمادگی عبور خودروها را تایید کرده اسـت،افزود: دریافت عـوارض در این آزادراه به صورت الکترونیک خواهد بود اما در دوره بهره برداری ازمایشـی، عوارضی دریافت نمی‌شود.

معاون وزیـر راه تاکید کرد: ارزش روز قطعه اول آزادراه تهران– شمال ۱۰ هزار میلیارد تومان است.

منوچهر خواجه‌دلویی معاون بنیاد مستضعفان هم در این مراسم با تاکید بر اینکه روشنایی مسیر و تهویه تونل ها برقرار اسـت، گفت: سازه و ورودی های تونل ها نقش ایمنی برای ریزش دارد و در عین حال به گونه ای طراحی شده که زیبایی مسیر را بیشتر کند. این سازه ها علاوه بر آنکه خطر ریزش را کاهش می دهد، همچنین بستر رودخانه کن را ایمن می کند.

همچنین نورالله خـادم رئیس پلیس راه فرماندهی انتظامی تهران بزرگ در این مراسـم با اشاره به اینکه پلیس تهران بزرگ دو ایستگاه موقت تعبیه کرده است، گفت: با افتتاح رسمی این پروژه یک پاسگاه پلیس هم در مسیر ایجاد خواهد شد.

وی سرعت عبور خودروها در این محور را ۸۰ کیلومتر و در تونل ها ۷۰ کیلومتر در ساعت ذکر کرد و خاطرنشان کرد: کوهستانی بودن و رعایت ایمنی، دلیل پایین بودن سرعت است.

دژپسند: ثبت سرمایه گذاری خارجی ۵۰ درصد بیشتر از ۱۰ ماهه پارسال است

وزیر امور اقتصادی و دارایی با تاکید بر اینکه دشمن در این شرایط تمام تلاش خود را معطوف کرده که سرمایه گذاران خارجی سرمایه های خود را وارد ایران نکنند، گفت: ثبت سرمایه گذاری خارجی در کشور به رغم تمامی کارشکنی ها، ایجاد موانع و محدودیت ها از سوی دشمن ۵۰ درصد بیشتر از ۱۰ ماهه سال گذشته بوده است.

دکتر فرهاد دژپسند در گفتگو با رادیو اقتصاد با اشاره به اینکه کشور در دوسـاله اخیر شرایط بسیار سـخت و دشواری را تجربه کرده است، اظهارداشت: دشمن پس از ۴۰ سال از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران همچنان به خیال خام خود به دنبال این است که نظام را دچار چالش جدی کند اما حضور پررنگ مردم در اقتصاد کشـور مانع از این شـد که دشمن به اهداف خود برسد.

وی گفت: اینکه دشمن صادرات نفت ایران را تحریم می کند و سعی دارد حتی یک بشکه هم نفت صادر نشود و همینطور صادرات غیر نفتی در حوزه پتروشیمی، فولاد و کالاهای دیگر را مورد تحریم قرار می دهد به سبب اینکه کشور نتواند ارز مورد نیاز خود را تامین کند ودر عین حال شتاب حرکت تجارت خارجی را کند کرده و به یک معنا پویایی ونشاط از اقتصاد مملکت رخت بربندد.

وزیر امور اقتصادی و دارایی افزود: حجم تجارت خارجی کشور در ۱۰ ماهه سال جاری مشابه ۱۰ ماهه در سال ۹۷ بوده و این نشان می دهد برنامه های دشمن در این زمینه به شکست انجامیده است.

وی با بیان اینکه دشـمن در این شرایط تمام تلاش خود را معطوف کرده که سرمایه گذاران خارجی سرمایه های خود وارد ایران نکنند، ادامه داد: بورس ایران در شـرایط فعلی تحرک بسـیار خوبی داشته بطوری که روزانـه ۷ تـا ۱۰ هزار میلیارد تومان خرید و فروش سـهام در این بازار صورت می گیرد.

دژپسند با اشاره به اینکه تمامی این دستاوردها نشان می دهد برنامه های دشـمن به شکست انجامیده اسـت، اظهارداشت: تحریم ها، فشارها و محدودیت ها نه اینکه اثر نداشته بلکه اثر داشته اما همت و مقاومت مردم در کنار مسـئولان سـبب شده برنامه های دشمن یکی پس از دیگری با ناکامی روبرو شود.

وی ادامه داد: بر اسـاس پیش بینی سازمان های جهانی مثل صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، شرایط اقتصادی ایران از نظر رشد اقتصادی و تورم در سال آینده بهتر خواهد بود.

وزیر امور اقتصاد و دارایی گفت: پایه و اسـاس انقلاب اسلامی این بوده که امور مردم به خود مردم واگذار شـود؛ حال اگر در اقتصاد هم تلاش ها برای مردم بنیان کردن اقتصاد ادامه یابد بطورحتم به نتایج مطلوبی خواهیم رسید.

وی افزود: اگر دولت سیاست گذار و ناظر باشد و امور به مردم واگذار شود بدون شک اقتصاد مملکت در مسیر رشد و بالندگی قرار خواهد گرفت و تمامی برنامه های دشمن را با شکست مواجه می کند.

اعلام جزئیات برگزاری نمایشگاه‌های فروش بهاره

سخنگوی ستاد تنظیم بازار با اعلام جزئیات برنامه ویژه برگزاری نمایشگاه‌های فروش بهاره درکشور گفت : تدابیر ویژه ای برای آرامش بخشـی به بازار و تامین اقلام مورد نیاز مردم در این ایام پیش بینی شده است .

به گزارش شاتا، محمدرضا کلامی با تاکید بر اینکه برنامه فروش فوق العاده در اکثر استان‌ها مصوب شده است، تاکید کرد: عرضه کالاها با تخفیف مناسب در این نمایشگاه‌ها و برنامه‌های فروش فوق العاده صورت می گیرد و برآوردها حکایـت از آن دارد کـه تاکنون برنامه ویژه برگزاری ۳۷ نمایشگاه در سراسر کشور تدوین شده است .

وی درباره محل برگزاری نمایشـگاه‌های تهران هم گفت: نمایشگاه‌های تهران در مکان‌های حکیمیه، بوستان ارم، فرهنگسـرای خاوران، بوستان ولایت، مصلای تهران، شهر آفتاب و بوستان گفتگو برگزار خواهد شد.

سخنگوی ستاد تنظیم بازار افزود: به منظور استمرار آرامش و ثبات نسـبی بازار و جلوگیری از سوء استفاده برخی فعالان و واسطه‌ها، افزایش تقاضا در ایام پایانی سال و تامین مکفی مایحتاج عمومی، دستورالعمل تشدید بازرسی و نظارت ویژه ایام پایانی سال به تمامی اتاق‌های اصناف سراسر کشور ابلاغ شده است.

وی درباره زمان برگزاری این نمایشگاه‌ها توضیح داد: تاریخ برگزاری نمایشگاه ها بسته به استان از ۱۰ لغایت ۲۵ اسفند متفاوت خواهد بود و در تهران از نیمه اسفندماه آغاز خواهد شد.کلامی با تاکید بر اینکه نمایشگاه ها با هدف حمایت از تولید کننده و مصرف کننده برگزار می‌شود،گفت: عرضه کالاهای خارجی در نمایشگاه ها ممنوع است و در صورت عرضه کالای خارجی، برخورد قانونی از سـوی مراجع نظارتی صورت گرفته و غرفه عرضه کننده با هماهنگی سازمان‌های تعزیرات حکومتی و حمایت مصرف کنندگان و تولید کنندگان جمع آوری خواهد شد.

وی به الزام سـازمان های صنعت، معدن و تجارت استان ها به تامین مکفی و حداکثری کالاهای اساسی در نمایشگاه‌ها اشاره کرد و گفت: غرفه ویژه بازرسی اصناف در تمامی نمایشـگاه‌ها پیش بینی شده و نمونه کالاهای قیمت‌گذاری شده به صورت پلمپ در معرض دید مردم و خریداران در غرفه بازرسـی قرار می گیرد تا به عنوان مبنای قیمت کالا باشد.

سخنگوی ستاد تنظیم بازار افزود: در خصوص توزیع میوه و تره‌بار در ایام پایانی سـال با هدف ارتقاء سـطح سلامت شهروندان از طریق عرضه محصولات تازه، با کیفیت، قیمت مناسب و کنترله ای بهداشتی تمهیداتی صورت گرفته اسـت .وی اعلام کرد: برای رفاه حال شهروندان ساعت کار مراکز عرضه در ایام پایانی سال افزایش خواهد یافت و میوه تنظیم بازار (سیب و پرتقال) ایام پایانی سال تامین وآماده توزیع است.

کلامی خاطرنشان کرد: خدمات انبارها و سردخانه‌ها، ارائه خدمات خبازی‌ها و خشکشـویی و قالیشویی هم درآستانه نوروز مورد نظارت قرار می‌گیرد.

درهمین حال، سیدقاسم گل‌گواهی معاون مرکز امور اصناف و بازرگانان وزارت صنعت در گفتگو با فارس از در نظر گرفتن تخفیف ۵۰ درصدی برای غرفه های عرضه‌کننده کالاهای اساسی درنمایشگاه های بهاره خبر داد و گفت: نمونه کالاهای حاضر در نمایشگاه‌های بهاره توسط اتحادیه های صنفی قیمت‌گذاری و پلمب می‌شوند.

معلولانی که سهمیه بنزین دریافت نکرده‌اند، به بنیاد معلولین مراجعه کنند

ممکن است سهمیه افرادی که معلول هستند ولی پلاک معلولین ندارند، شارژ نشده باشد؛ این افراد باید ابتدا به بنیاد معلولین مراجعه کنند تا پلاکشان اصلاح شود.

فاطمه کاهی مدیر روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی در گفتگو با فارس افزود: سـهمیه معلولین بدین صورت است که ۶۰ لیتر سهمیه شخصی آنها بوده است و ۴۰ لیتر هم سهمیه اختصاصی آنها اسـت. در نتیجه کل سهمیه درنظر گرفته شـده برای آنها ۱۰۰ لیتر در ماه است.

وی ادامه داد: سهمیه معلولین برای خودروهایی شارژ می‌شود که پـلاک معلولین دارند و تعداد آنها حدود ۲۷ هزاردسـتگاه بوده است. اسـامی این افراد وخودروها طبق لیسـتی بود که ما از بنیاد معلولین دریافت کردیم و سـهمیه معلولین برای افراد این لیسـت شارژ شده است. در نتیجه ممکن است سهمیه افرادی که معلول هستند ولی جزو پلاک معلولین نیستند، شارژ نشده باشـد.مدیر روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی گفت: افرادی که سهمیه معلولین دریافت نکردنـد باید ابتدا به بنیاد معلولین مراجعه کنند تا پلاکشان اصلاح شود. سپس این موضوع باید با پیگیری‌های بنیاد به وزارت کشـور اطلاع داده شود. در مرحله بعدی این اطلاعات از وزارت کشـور به ما می‌رسد و ما این سـهمیه را برای آنها در نظر می‌گیریم.

معافیت ۵۰ درصدی مالیات حقوق یکی از اولیای دارای فرد معلول

آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از حقوق معلولان ابلاغ شـد که براساس آن حقوق و مزایا یا دستمزد مشمول مالیات یکی از اولیای افراد دارای معلولیت شـدید و خیلی شـدید ۵۰ درصد معاف از مالیات می‌شود.

به گزارش مهر، ماده سوم این آئین نامه هم تصریح دارد: سازمان امور مالیاتی موظف اسـت پس از تعیین نوع و شدت معلولیت افراد دارای معلولیت، به درخواست یکی از اولیا و حسب بررسی‌های صورت گرفته و تأیید مراتب، گواهینامه‌ای صادر و شدت معلولیت، مشخصات کارفرما و محل اشتغال و مسئولیت پرداخت هزینه‌های مترتب بر فرد دارای معلولیت توسط یکی از اولیا را تأیید کند.

بر این اساس، کارفرما مکلف اسـت پس از صـدور گواهینامه موضـوع مـاده (۳) این آئین نامه در زمـان پرداخت حقوق، مزایا و دسـتمزد، با ضمیمه کردن اسناد مربوط به فهرست حقوق پرداختی، معافیت مذکور را بر اساس مقررات، در درآمد مشـمول مالیات حقوق مشمولان این آئین نامه اعمال کند.

لازم به ذکر اسـت در رابطه بـا تبصره ماده چهار این آئین نامه، کارفرمایان اشخاص ذی‌نفع می‌توانند حسب درخواست کارکنان، پس از هماهنگی با اداره امور مالیاتی مربوط نسـبت به جبران اضافه پرداختی مالیات هر سـال برای هریک از حقوق بگیران خود بر اساس فهرست مالیات حقوق ماه‌های بعد تا پایان همان سال اقدام کنند.

ضمناً در مواردی که معافیت موضوع ماده ۸۴ قانون مالیات‌های مستقیم قابل کسر از درآمد مشمول مالیات حقوق باشد، معافیت موضوع مـاده ۲۵ قانون حمایت از حقوق معلولان پس از کسر معافیت مذکور اعمال شود.

تخصیص ۳۰میلیارد تومان برای خسارات برف گیلان

رئیس سازمان برنامه و بودجه مصوبه تخصیص ۳۰میلیارد تومان اعتبار برای جبران خسارات ناشی از برف در استان گیلان را ابلاغ کرد.

به گزارش مهر، از سوی محمدباقر نوبخت معاون رئیس جمهوری ۳۰میلیارد تومان بابت تأمین هزینه‌های ضروری اولیه و بازسازی زیربناها و تأسیسات عمومی آسیب دیده ناشی از برف استان گیلان تخصیص یافت.در همین حال دکتر نوبخت همچنین به نمایندگی از سوی رئیس‌جمهوری برای رسیدگی و بررسی مشکلات آسیب‌دیدگان بارش سنگین برف در استان گیلان به این استان عزیمت کرد.

دکتر فرهاد حمزه‌زاده مدیرعامل بیمارستان میلاد تهران شد

به گزارش روابط عمومی و امور بین‌الملل بیمارسـتان تخصصی و فوق تخصصی میلاد، در مراسـمی با حضور دکتر امیرعباس منوچهری معاون درمان سـازمان تأمین اجتماعی، دکتر عباس حاتمی مدیرعامل هلدینگ درمان سازمان و اعضای هیأت مدیره این هلدینگ و بیمارسـتان میلاد از زحمات دکتر محمودرضا فیاض تقدیر و دکتر فرهاد حمزه‌زاده به عنوان مدیرعامل جدید بیمارستان میلاد تهران منصوب شد.

دکتر حمزه‌زاده پزشک متخصص و جراح ارتوپدی بوده و پیش از این مدیرعامل بیمارستان میلاد البرز بوده است.

نگاهی به وضعیت ادبیات خبر (بخش دوم و پایانی)

دنبال مقصر اصلی نگردید، همه مقصرند

اشاره:
بخش اول گزارش «وضعیت ادبیات خبر» اختصاص پیدا کرد به شیوه‌های نگارش در ادبیات رسانه‌ای و کشیده‌شدن رسانه‌ها به سمت ادبیات کوچه‌بازاری.
در بخش پایانی توجه خوانندگان گرامی را به ادامه گزارش جلب می کنیم.

داود نعمتی انارکی ،عضو هیأت علمی دانشگاه صداوسیما معتقد است: یکی از عوامل اصلی وضعیت این روزهای زبان فارسی، رسانه‌ها بوده و همواره سهم مهمی در این امر داشته‌اند. چه رسانه‌های مکتوب و چه رادیو و تلویزیون راهبردهایی برای نحوه نگارش و بیان زبان فارسی نداشته و به ضرورت تدوین معیارهای شاخص برای درست‌نویسی و بیان کلمات و واژگان نرسیده‌اند.

این عضو هیأت علمی دانشگاه صداوسیما درباره وضعیت این روزهای ادبیات فارسی به عنوان زبان مرجع در رسانه‌ها، با اعتقاد بر اینکه در این سال‌های اخیر هم در دانشگاه‌ها و مدارس و هم در رسانه‌ها با نوع خاصی از بی توجهی به زبان فارسی مواجه بوده‌ایم، اظهار می کند: به اعتقاد من در وضعیت به وجود آمده همه به نوعی مقصرند.دنبال مقصر خاص و واحد نباید باشیم، اگر به اصل موضوع توجه کنیم، متوجه می‌شویم که سهم همه نهادها از نظام آموزشی گرفته تا نظام خانواده، نظام اداری و نهاد رسانه در وضعیت پیش آمده نسبت به زبان فارسی آشکار است و باید پذیرفت که در این ارتباط کوتاهی کرده‌ایم.

وی در عین حال یادآور می‌شود: به اعتقاد من حتی فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی نیز کوتاهی کرده است و بی‌شک بهتر از این‌ها می‌توانست در مقابله با وضعیت پیش آمده اثرگذار باشد.

نعمتی انارکی بااعتقاد بر اینکه رسانه‌ها سهم زیادی در پدید آمدن این وضعیت دارند، توضیح می دهد: یکی از عوامل اصلی وضعیت این روزهای زبان فارسی، رسانه‌ها بوده‌اند و سهم مهمی داشته‌اند. چه رسانه‌های مکتوب و چه رادیو و تلویزیون راهبردهایی برای نحوه نگارش و بیان زبان فارسی نداشته‌اند و به ضرورت تدوین معیارهای شاخص برای درست‌نویسی و بیان کلمات و واژگان نرسیده‌اند. اخیراً در صداوسیما رئیس ستاد حفظ و ترویج زبان و ادب فارسی منصوب شده است که این اتفاق نشان می‌دهد رسانه ملی نیز به تازگی به اهمیت این موضوع پی برده است. هرچند که بی‌توجهی رسانه‌ها اثرات نامطلوب خود را گذاشته است؛ اما هر اقدامی برای حفظ کیان زبان و ادبیات فارسی می‌تواند منجر به کاهش آسیب‌ها شود.

این عضو هیأت علمی دانشگاه صداوسیما سپس چنین می گوید: من معتقدم چندگانگی که در استفاده نادرست از زبان فارسی در رسانه‌ها وجود دارد، بر پدید آمدن این وضعیت نابهنجار اثرگذار بوده است. آنچه که ملموس است اینکه رسانه‌های مکتوب، دیداری و شنیداری هر یک روشی خاص برای نگارش زبان فارسی دارند و همین چندگانگی نگارش باعث شده که اشتباهات فاحش در متن‌های رسانه‌ای که یا در رسانه‌های مکتوب به چاپ می‌رسند یا توسط گویندگان و مجریان برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی خوانده می‌شوند، وجود داشته باشد. علت چنین وضعیتی را باید در کم‌اطلاعی یا کم‌توجهی نویسنده و رسانه در صحیح نوشتن و صحیح گفتن دید.

نعمتی انارکی با بیان اینکه اگر نگاه حرفه‌ای در نگارش متون رسانه‌ای مورد توجه باشد، هر متنی قابلیت انتشار پیدا نخواهد کرد، از دوران خبرنگاری و خبر روایتی دارد و در این زمینه یادآور می‌شود: خاطرم هست که در دوران دانشجویی وقتی با مطبوعات همکاری می کردم و خبر و گزارش تهیه می کردم تا منتشر شود، بارها که متن تهیه شده من و بسیاری دیگر از روزنامه‌نگاران مبتدی توسط سردبیران باتجربه و خبره پاره می‌شد و به قول معروف سر از سطل آشغال درمی‌آورد و ما مجبور بودیم که در نوشتن متن با توجه به اصول نگارش، توجه بیشتری کنیم تا به دوباره‌کاری مجبور نشویم؛ آیا اکنون این سخت‌گیری‌ها وجود دارد؟ ظاهراً در حال حاضر بنا به دلایل مختلف خبرنگاران، گزارشگران، دبیران، سردبیران و نویسندگان کمتر مشتاق و علاقه‌مند رعایت اصول نگارش هستند؛ البته امیدوارم این حرف من موجب ناراحتی نشود، اما به نظر می‌رسد که چندان هم از واقعیت دور نیست.

وی کم‌اطلاعی نسبت به اصول نگارش و ویرایش متن، دقت را فدای سرعت کردن و کم دقتی در نگارش را دلیل ادبیات نادرست در رسانه‌ها عنوان می کند و توضیح می دهد: باید بپذیریم کسی که وارد حرفه تولید پیام در رسانه می‌شود باید از تسلط کافی به زبان فارسی برخوردار باشد؛ مسأله‌ای که در رسانه‌های ما توجه چندانی به آن نشده است.

نعمتی انارکی با بیان اینکه رسانه‌های مختلف در به وجود آوردن این وضعیت نامطلوب نقش داشته‌اند، اظهار می کند: با این وجود نقش و تأثیر رادیو و تلویزیون در اصلاح این وضعیت بیشتر از رسانه‌های دیگر است. در واقع اثرگذاری این دو رسانه بر زبان گفتاری مردم بسیار است. نویسندگان برنامه‌های مختلف این دو رسانه، مجریان، گویندگان و کارشناسان آن باید در حفظ ساختار زبان گفتاری دقت لازم را انجام دهند. زبان فارسی اگر در متن و کلام ما اصلاح نشود و همین روند را طی کند به وضعیتی می‌رسد که دیگر نمی‌توان انتظار داشت زبان فارسی همانی باشد که در شاهکارهای ادبی ما استفاده شده است و کم‌کم زبان رسمی کشور دچار تغییراتی خواهد شد که با زبان اصلی فارسی فاصله‌ای عمیق دارد.

وی ادامه می‌دهد: در دیگر کشورها نیز زبان و ادبیات آنها دچار آسیب‌هایی شده است اما نکته‌ای که اهمیت دارد، این است که مدیران رسانه‌ای آن‌ها اجازه ورود تغییرات محاوره‌ای را به زبان رسانه نمی‌دهند. تحقیقی که چند سال پیش در ارتباط با زبان رسانه و نزدیکی آن با زبان معیارشان درباره برخی از کشورها از جمله انگلیس و آمریکا انجام دادم، نشان داد که آنها اجازه ورود زبان کوچه و بازاری را به رسانه چه در زبان گفتاری و چه در متن نمی‌دهند، یعنی تلاش می‌کنند که زبان جامعه را از آسیب‌های تغییرات کوچه بازاری دور نگه دارند. یکی از سردبیران ارشد BBC که در اواخر دهه ۸۰ برای یک دوره آموزشی در دانشگاه صداوسیما حضور داشت، عنوان می‌کرد که سردبیران و خبرنگاران BBC موظف هستند تا نسبت به نگارش متون خود بر اساس دستورالعمل زبان معیارشان عمل کنند و حتی باید با ویراستاری متن نیز به‌خوبی آشنا باشند تا بتوانند متن خود را ویرایش کنند تا از خطای کمتری برخوردار باشد. چنین اعمال سیاستی تا چه اندازه در رسانه‌های ما جایگاه دارد؟ همه افرادی که در رسانه‌ها کار می‌کنند باید دستی در ادبیات داشته باشند، آیین نگارش و دستور زبان فارسی بدانند و با سبک‌های نگارشی آشنا باشند.

وی در پاسخ به اینکه نقش روزنامه‌نگاری آنلاین و رسانه‌های اجتماعی را در پدید آمدن این وضعیت با توجه به این که عمر زیادی از فعالیت آنها نگذشته، تا چه‌اندازه‌می‌دانید؟ اظهارمی کند: روزنامه‌نگاری آنلاین و به ویژه رسانه‌های اجتماعی از وضعیتی نامناسب‌تر در ارتباط با رعایت اصول زبان فارسی برخوردارند. در روزنامه‌نگاری آنلاین می گویند که پایین‌تر از سطح سواد خواننده بنویسید یا اینکه متن باید به گفتار نزدیک باشد، با این وجود باید گفت که تمامی این موارد به این معنی نیست که اصول نگارش زبان رعایت نشود. در فضای مجازی شاهدیم که زبان پالایش شده‌ای وجود ندارد و هرکس با توجه به شناخت محدود خود از زبان فارسی اقدام به نگارش متن می کند که اکثرا با اشتباهات فاحش همراه هستند.

این مدرس دانشگاه صداوسیما در پایان به این پرسش که آیا بهتر نیست رسم‌الخط واحدی برای رسانه‌ها درباره زبان فارسی تهیه و ابلاغ شود تا از آسیب بیشتر به زبان فارسی جلوگیری شود؟ پاسخ می دهد: برای زبان معیار با توجه به نظم و نثر بودنش و با توجه با اصول نگارش و گفتار باید دستورالعمل مشخصی تهیه و به رسانه‌ها ابلاغ شود تا ملاک قرار گیرد، در غیر این صورت و استمرار وضعیت موجود آسیب‌های زیادی را در حوزه زبان شاهد خواهیم بود.

آنچه که ملموس است اینکه رسانه‌های مکتوب، دیداری و شنیداری هر یک روشی خاص برای نگارش زبان فارسی دارند و همین چندگانگی نگارش باعث شده که اشتباهات فاحش در متن‌های رسانه‌ای که یا در رسانه‌های مکتوب به چاپ می‌رسند یا توسط گویندگان و مجریان برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی خوانده می‌شوند، وجود داشته باشد

رسانه‌ها نسبت به ادبیات فارسی بی‌اعتنا شده‌اند

مینو بدیعی ،روزنامه‌نگار باسابقه نیز درباره ادبیات رایج در رسانه‌های کشور، معتقد است: وضعیت نظم و نثر زبان فارسی در رسانه‌های مکتوب و غیرمکتوب، رسانه‌های تصویری و شنیداری، سایت‌ها و پایگاه‌های خبری بسیار نابهنجار است؛ همچنین مهم‌ترین مسأله که به باور او بیشتر در شبکه‌های اجتماعی هم دیده می‌شود، نبود زبان پالایش‌شده دستور زبان فارسی و داشتن رسم‌الخط معین است.

او درباره وضعیت این روزهای ادبیات فارسی (زبان مرجع) در رسانه‌ها اظهار می کند: من از گذشته نه چندان دور شروع می کنم؛ گذشته‌ای که فکر می کنم همه دانشجویان رشته علوم ارتباطات و روزنامه‌نگاری و سایر دانشجویانی که می خواستند دستی در ادبیات داشته باشند، از ابتدا چه در دانشگاه و چه مدارس آیین نگارش می‌آموختند، دستور زبان فارسی یاد می گرفتند و در عین حال ضمن مرور ادبیات کهن و کلاسیک زبان فارسی، ادبیات معاصر را هم به شکل صحیح می‌آموختند. در آن زمان آیین نگارش یکی از دروس اولیه دانشجویان ارتباطات و روزنامه‌نگاری در دانشگاه‌ها بود و حداقل به مسأله نوع نگارش، رعایت دستور زبان فارسی و غلط ننوشتن تاکید زیادی می‌شد.

این روزنامه‌نگار تصریح می کند: امروز بی‌اعتنایی خاصی نسبت به نگارش ادبیات فارسی در رسانه‌ها به وجود آمده و بیشترین بی‌توجهی‌ها در این زمینه دیده می‌شود؛ به عنوان مثال در مورد گزارش‌نویسی ما بنا را بر این داشتیم که گزارش‌نویسی نثر خاص خودش را می‌خواهد؛ نثری که با مقاله‌نویسی متفاوت است؛ با نثر خبرنویسی هم متفاوت است و این آموزش داده می‌شد. در گزارش‌نویسی که در دانشکده در دوره لیسانس می‌آموختیم، اول از گزارش‌نویسی نوع نگارش ابوالفضل بیهقی شروع می کردیم تا به ادبیات معاصر می‌رسیدیم. درواقع ادبیات بیهقی پیش زمینه‌ای برای تسلط کامل دانشجویان به مسأله ادبیات و زبان فارسی بود. اما حالا در سطح دانشگاه‌ها اگر هم چنین کارهایی انجام شود، آنچه که در خروجی رسانه‌ها می‌بینیم در حد زیادی به باد می‌رود.

بدیعی بیان می کند: به غیر از چند روزنامه رسمی و رسانه‌های شناخته‌شده، در رسانه‌ها، در اکثر موارد به آیین نگارش ادبیات فارسی کم‌توجهی می‌شود. دستور زبان فارسی در گذشته‌های نه چندان دور در کنار زبان و ادبیات فارسی در مدارس تدریس می‌شد و یا انشاء که پیش‌زمینه نوشتن بود، به عنوان یکی از دروس مهم در دبستان مطرح بود. در دوره متوسطه قدیم مسأله نوشتن انشاء بسیار مهم بود به این دلیل که دانش‌آموزان علاوه بر اینکه بتوانند ادبیات کلاسیک را خوب یاد بگیرد، در کنار آن دستور زبان و ادبیات فارسی را هم می آموختند. الان می‌بینیم که این بسیار کم رعایت می‌شود، در حالی که وقتی زبان انگلیسی، زبان دوم را می‌بینیم پی به این می‌بریم که چه میزان به گرامر و اصول نگارششان ـ چه از نظر املایی و چه انشایی ـ اهمیت می‌دهند. اما زبان فارسی که زبان کهن ماست بیش از هزار سال است که قدمت دارد اما به این زبان کاملاً بی‌توجهی می‌شود.

این روزنامه‌نگار با بیان اینکه زبان محاوره این روزها وارد زبان رسانه شده است، توضیح می‌دهد: زبان محاوره و شکسته صرفاً برای دیالوگ به کار می‌رود نه اینکه نوشته‌ای که جنبه توصیفی دارد را به زبان محاوره بنویسیم. زمانی که ما وارد دفتر روزنامه می‌شدیم، روزنامه‌ها خودشان یک رسم‌الخط مشخصی داشتند.

او همچنین نقش شبکه‌های اجتماعی بر روی نگارش و ادبیات در رسانه‌ها را بی‌تأثیر نمی داند و می گوید: هر رسانه امروز باید رسم‌الخط داشته باشد و طبق آن آیین نگارش فارسی را رعایت کند. ما متأسفانه برخی نگارش‌های غلط را نه تنها در رسانه‌ها، بلکه از زبان مقامات هم می‌شنویم و اینها در حقیقت پالایش نشده است.

بدیعی در پایان می گوید: در سال‌های نه چندان دور، تمامی رسانه‌ها رسم‌الخطی را برای نگارش در نظر می گرفتند، در حالی که باز هم باید یک سیستم واحدی وجود داشته باشد که توسط استادان زبان و ادبیات فارسی در اختیار تمامی رسانه‌ها قرار بگیرد. همچنین دوره‌های مختلف آموزش زبان و ادبیات فارسی برای کارکنان رسانه‌ها باید برگزار شود؛ به‌ویژه برای خبرنگاران و مترجمان و گزارشگران. این شیوه باید به روز شود. باید به نقش ویراستاران و دبیران و سردبیران گروه‌ها هم توجه بیشتری کرد و آدم‌های متخصص این رشته‌ها را به کار گرفت. اگر خبرنگار اشتباهاتی می کند این کار دبیران گروه‌ها و ویرستارهاست که این اشتباهات را تصحیح کنند.

رشد عوام‌زدگی رسانه‌ای

حسن بهشتی‌پور ،کارشناس رسانه و مدیر پیشین شبکه العالم ، درباره وضعیت این روزهای ادبیات فارسی (زبان مرجع) در رسانه‌ها می گوید: تمایل برای مطالعه ادبیات فارسی و متون عمیق و دقیق متأسفانه در رسانه‌ها کم شده و از طرفی تمایل برای کوتاه‌نویسی و عامیانه‌نویسی باعث شده است یک نوع عوام‌زدگی مطبوعاتی و رسانه‌ای در ایران رشد کند.

حسن بهشتی‌پور درباره وضعیت این روزهای ادبیات فارسی (زبان مرجع) در رسانه‌ها می گوید: یک بحث این است که متولی زبان و ادبیات فارسی یعنی فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی آن‌طور که باید و شاید به جایگاه خودش توجه ندارد و در عمل تمایل چندانی به مداخله در این بازار آشفته ندارد و وزن و جایگاهش در اندازه‌ای نیست که در این زمینه راهگشا باشد. اما از بعد رسانه، به موازات تکثری که رسانه‌ها دارند و پیش از این محدود بودند، در دو دهه اخیر شاهد جهش زیادی در تکثر رسانه‌ای در ایران هستیم. به ویژه در پنج سال گذشته که با آمدن اپلیکیشن‌های مختلف و آمدن شبکه‌های اجتماعی که بعضا مورد استقبال قرار گرفته است، چنان حرکت توفنده‌ای ایجاد شده است که اصولاً مهار آن کار بسیار دشواری است. از طرفی تمایل برای مطالعه ادبیات فارسی و متون عمیق و دقیق متاسفانه در رسانه‌ها کم شده است. تمایل برای کوتاه‌نویسی و عامیانه‌نویسی باعث شده است یک نوع عوام‌زدگی مطبوعاتی و رسانه‌ای در ایران رشد کند.

مدیر پیشین شبکه العالم دلیل این اتفاق را اینگونه عنوان می کند: یک دلیل این است که متولیان خود رسانه‌ها انگیزه‌های کافی را نداشته‌اند که با این حرکت مقابله کنند و از طرفی مشتریانی که خوانندگان روزنامه‌ها، شنوندگان رادیو، بینندگان تلویزیون یا خوانندگان سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی هستند، دغدغه‌شان بیشتر حفظ میراث مشترک ما ایرانیان که زبانمان هست نبوده بلکه عمدتاً تحت تأثیر مسائل سیاسی و اجتماعی موجود قرار گرفته‌اند و در نهایت وضعیت به این شکل درآمده است و حتی در مواردی می‌بینیم که در شبکه‌های اجتماعی و حتی در ارتباط پیامکی افراد از الفبای فارسی استفاده نمی‌شود. باید به این توجه داشته باشیم که ریشه همه این اتفاقات به تولید ادبیاتی که درخشان باشد برمی گردد. متأسفانه ادبیات تولید می‌شود ولی تولید ادبیات درخشان به معنای اینکه بتواند طیف وسیعی از افراد جامعه را تحت تأثیر قرار دهد و بتواند موجی ایجاد کند، نبوده است. ما تولید ادبیات درخشان و گسترده، کم داریم و این خود موجب می‌شود در این زمینه رسانه‌ها هم با چالش جدی مواجه شوند؛ چرا که ابتدا باید ادبیات تولید شود و بعد خواننده پیدا کند و آن واژگان را به کار گیرد. منتها آسان‌خواهی و ساده‌طلبی ما را وادار کرده است به جای مطالعات وسیع و گسترده از ادبیات عامیانه استفاده کنیم.

بهشتی‌پور با بیان اینکه ادبیات فارسی در رسانه‌ها تحت تأثیر واژه‌های وارداتی قرار گرفته است، می گوید: ما باید در این زمینه مقاومت کنیم و تلاش کنیم که به ادبیاتمان عمق ببخشیم و در برابر آن متعهد باشیم؛ چرا که زبان مشترک همه ما ایرانیان است. در ارتباط با ادبیات خبر در رسانه‌ها، در ابتدا صاحبان رسانه باید مجهز به سواد رسانه‌ای و سواد ادبیات فارسی باشند و به همکاران خود در رسانه‌ها فشار بیاورند که در نوشتار مراعات کنند و دوره‌ای را برای افراد بگذارند که متعهد به ساختارهای زبان فارسی باشند.

وی با اشاره به ورود ادبیات وارداتی به ادبیات خبر در رسانه‌ها، یادآور می‌شود: بخشی از اشکالاتی که در ادبیات خبر می‌بینیم وبه نوعی در آن ادبیات وارداتی را شاهدیم، به مترجمانی برمی گردد که یک نوع اعجاز زبانی به وجود آورده‌اند. واقعیت این است که همکاران مترجم در این زمینه مقصر نیستند، بخشی از این مسأله هم به خود دبیران خبر و نویسندگان خبر برمی گردد که مشرف به زبان ادبیات فارسی نیستند و ما می‌بینیم که همچنان جای فعل و فاعل در خبر به درستی استفاده نشده است. در حالی که کوتاه‌نویسی که در رسانه خیلی مهم است که تبدیل به جملات ناقص نشود. گاهی اوقات باید فکر کنی تا متوجه شوی منظور نویسنده چه چیزی است. به عنوان مثال ساختار «در پی حمله به فلان جا...» را ما از فرانسوی‌ها گرفته‌ایم. یا مثلاً «در طی» یا «برعلیه» عباراتی است که به غلط در رسانه‌ها به کار برده می‌شوند. «حیاط خلوت» با «ت» دونقطه نوشته می‌شود در حالیکه معنی آن در روابط بین‌الملل منطقه نفوذ کشور مورد است. ما بارها و بارها مفهوم استراتژیک را به کار می‌بریم بدون اینکه به عقبه آن پی ببریم. ما واژه‌هایی چون کنفرانس و سمینار یا کنگره، میزگرد و... را در ادبیات فارسی اشتباه به کار می‌بریم. در حالی که شما در سمینار شرکت می کنید انتظار ندارید قطعنامه‌ای صادر شود و تصمیمی گرفته شود. اما ما در خبرها می‌بینیم که درست به این اصطلاحات پرداخته نمی‌شود. فرق بین گفتگو و مذاکره را نمی‌دانیم که هر کدام دستور کار و هدف جداگانه‌ای دارند. این اشتباهات در رسانه‌ها فراوان مرسوم است، به دلیل اینکه اطلاعات کافی نسبت به آن وجود ندارد و از طرفی رسم‌الخط مشخصی برای به کار بردن این واژه‌ها و اصطلاحات وجود ندارد.

بخشی از اشکالاتی که در ادبیات خبر می بینیم و به نوعی در آن ادبیات وارداتی را شاهدیم، به مترجمانی برمی گردد که یک نوع اعجاز زبانی به وجود آورده‌اند

بهشتی‌پور در بخش پایانی گفتگوی خود، می گوید: واقعاً باید یک فرهنگستان فارسی رسانه تشکیل شود که بعد از وحدت نظر شاید به جایی برسیم. متأسفانه این اتفاق برای پذیرش عمومی هم سخت است. اگر اقدامی صورت بگیرد که برخی کلمات و اصطلاحات راحت‌تر نوشته شوند و از طرفی خزانه لغات افزایش پیدا کنند که نسل جوان با آن راحت‌تر ارتباط برقرار کنند، برای یکدست شدن ادبیات رسانه‌ای اتفاق بهتری خواهد افتاد. متاسفانه به دلیل تکثر رسانه، آموزش‌ها ناکافی است.

گروه گزارش

جدول

طراح: غلامحسین باغبان

۲۳۸۹۱

افقی:
۱ـ آن بخش از دریاها و اقیانوس‌ها که قلمرو کشور معینی نیست ـ پسر رستم
۲ـ یکتا و تنها ـ گرو گذاشتن ـ قضاوت
۳ـ نام مردانه فرنگی ـ غاری در نزدیکی مکه ـ شهر سیستان و بلوچستان
۴ـ منع کردن ـ یگان نظامی ـ رودی طویل در سیبری روسیه ـ پیشوند نفی
۵ـ مخلوقات ـ نام «پورحیدری» اسطوره استقلال ـ صدمه و لطمه
۶ـ تازه بنا شده ـ شیخ نشین امارات ـ نژاد و تبار
۷ـ رسید مژده که ...... و سبزه دمید/ وظیفه گر برسد مصرفش گل است و نبید ـ قبیله ـ لبریز
۸ـ غم ـ آخرین لایه اتمسفر ـ فوری
۹ـ حرف پیروزی ـ نسبتا خوب ـ جابرانه
۱۰ـ بیگناه ـ خاکسپاری ـ نوعی شوت در بسکتبال
۱۱ـ خرمن ماه ـ پرده سینما ـ واحد شمارش گردو
۱۲ـ دوش و کتف ـ طایفه ـ از آلات رصد ـ هر اداره ستاد ارتش
۱۳ـ از آثار تاریخی آذربایجان شرقی ـ جامعه شناس آلمانی مولف اقتصاد و جامعه ـ تکرار اولین حرف
۱۴ـ بنجل و نامرغوب ـ نشانه ـ دالان
۱۵ـ مقابل اکثریت ـ فیلمی از ایرج کریمی

عمودی:
۱ـ سپاسگزاری ـ پارچه خشک کردن دست و صورت ـ نیروها
۲ـ به زیردستان با محبت رفتار کردن ـ شیوه‌های رفتاری هر فرد
۳ـ کارگاه بافندگی ـ نام گلی ـ نوعی وکالت دادن
۴ـ میراث ـ اولین سلسله پادشاهی ایران ـ نوزاد گوسفند ـ گوسفند قربانی
۵ـ ترکیب ید با عنصری دیگر ـ ماهی دریای جنوب ـ شکوه شخصیت
۶ـ درس کشیدنی ـ ضربه مشت از بغل ـ کلمه پرسشی
۷ـ طلا ـ آسیای دهان ـ از پرسنل زحمتکش شرکت های نفتی
۸ـ تصدیق عامی ـ اثر موسیقی مرتضی حنانه ـ قسمت سخت افزار رایانه
۹ـ منسوب به این جهان ـ نام دخترانه ـ پشته خاک
۱۰ـ ناحیه صنعتی آلمان ـ همکار کلید ـ جدید انگلیسی
۱۱ـ گیاهی وحشی با دانه‌های غلافی ـ از بیماری‌های خونی ـ به زور و اجبار
۱۲ـ کلام هشدار ـ دشمن ـ نخستین امپراتوری جهان ـ جوانمرد
۱۳ـ نابینا ـ تصور و خیال ـ خدای درویش
۱۴ـ عامل گروه های خونی ـ مخفیانه عمل کردن
۱۵ـ یک ترکی ـ بیماری سگ ـ گروهبان نیروی دریایی

حل جدول ۲۳۸۹۰

رشد کمّی شعر فاطمی؛ فرصت یا تهدید؟

رضا اسماعیلی

درباره شعر فاخر و ارجمند«فاطمی» بسیاری از حرف‌ها گفته شده و بسیاری از حرف‌ها هنوز ناگفته مانده است که در این یادداشت – به اختصار– به بعضی از ناگفته‌ها در این باب اشاره می‌کنم.

شعر فاطمی را می توان به موجودی تشبیه کرد که روز به روز جسمش پروار شده، ولی روحش همچنان نحیف و رنجور باقی مانده است. و صد البته این گفته به معنای نفی درخشش‌های معدودی از شاعران اصیل آیینی نیست. شاعران روشن اندیش، توانمند و کاربلدی که با اشراف به دقایق و ظرایف شعر فاطمی و به پشتوانه دانش و بینش ادبی و دینی خود، از دل این بحر بیکران گوهرهایی بی‌بدیل فراچنگ آورده‌اند.

اما بحث ما بر سر این است که بعد از گذشت چهل سال، بین کمیت و کیفیت در این عرصه، توازن و تناسب معقولی برقرار نیست. بین وضع «موجود» و وضع «موعود». بین «آنچه که هست» و «آنچه که باید باشد». و این نقیصه ای است که برای اصلاح آن باید چاره ای اندیشید.

این که بعد از انقلاب اسلامی، شعر فاطمی از نظر کمّی – همچون شعر عاشورایی، علوی، رضوی و مهدوی – از دیگر زیرشاخه‌های شعر آیینی سبقت گرفته و پیش افتاده؛ امری بدیهی و غیر قابل انکار است. ولی افزایش کمی، فی نفسه امر مقبولی نیست، مگر آن که با غنا و گشایش کیفی آثار همراه باشد.

این که بگوییم سالانه هزاران هزار عنوان مجموعه شعر با پیشانی نوشت شعر آیینی و فاطمی چاپ و منتشر می شود، به تنهایی قابل افتخار نیست. زمانی این اتفاق مایه افتخار و مباهات است که آثار منتشر شده، از نظر درونمایه، محتوا و مؤلفه‌های زیباشناختی نیز قابل دفاع باشند و مطالعه آنها باعث ارتقاء معرفت دینی مخاطبان گردد.

اگر از این منظر به مجموعه اشعار منتشر شده این حوزه نگاه کنیم، با کمال تأسف با این حقیقت تلخ روبرو خواهیم شد که حجم بیشتر این آثار، فاقد مضمون و محتوای ارجمند و تلاشی ابتر با هدف «کتاب سازی»است. مجموعه اشعاری بی بهره از ساختار منسجم ادبی و مؤلفه‌های زیباشناختی و سرشار از کژتابی‌های مضمونی و اعتقادی که گویا جز تحریک احساسات مخاطبین خویش، هیچ رسالت دیگری ندارند.

در شعرها و نوحه‌های مورد اشاره، رستاخیزی از«های و هیاهو»است. در این شعرها – که به تولید انبوه نیز رسیده اند! – در واقع حضرت«فاطمه» به عنوان یک «اسوه حسنه»،غایب است و سخنی از آنچه که از فاطمه باید آموخت نیست.

اشعار، نوحه‌ها و مرثیه‌هایی غیرمستند و کوچه بازاری که با شگرد «زبان حال گویی» در کار بازتولید«خواب و خیال و خرافه»اند و با سوءاستفاده از احساسات دینی و مذهبی مردم، ذهن و زبان معصوم آنان را مسموم می کنند و بر صورت باورهای ارجمند و اصیل دینی، خاک تحریف می‌پاشند. کاری که این شعرها، نوحه‌ها و مرثیه‌های بازاری با روح و روان جامعه دینی ما می کنند، فاجعه بار است.

این نوحه‌ها و مرثیه‌ها مصداق بد دفاع کردن از اسلام ناب محمدی است. اعتراف تلخی است، ولی باید شجاعت این اعتراف را داشته باشیم که با کمال فروتنی بگوییم ما نتوانسته‌ایم این انسان‌های کامل را آن گونه که شایسته و بایسته است، به نسل امروز معرفی کنیم.

ما خاندان رسالت(علیهم السلام)را به نسل هوشمند و کمال جوی امروز با صفات و تعابیری که با روح فرهنگ شیعی در تضاد و تقابل است،متأسفانه،«بد» معرفی کرده‌ایم و چه ظلمی بزرگتر از این؟ بزرگی گفته است اگر می‌خواهید حقیقتی را خراب کنید،«خوب به آن حمله نکنید»،«بد از آن دفاع» کنید! و این بلایی است که ما – خواسته یا ناخواسته – بر سر مفاخر اسلام آورده ایم.

«دین زدگی» به جای «دین مداری»

رشد کمیت بر کیفیت تا حدود زیادی در«دین زدگی» جامعه ما ریشه دارد. توجه کنید: گفتم «دین زدگی»، نه «دین مداری». چرا که «دین زدگی» مثل «سیاست زدگی»،امری مذموم است و مانع بلوغ و بالندگی دینی جامعه می شود. دین زدگی یعنی توجه افراطی به پوسته و برونه دین و غفلت از باطن و درونه دین. دین زدگی یعنی غفلت از زیرساخت‌های اعتقادی و توجه افراطی به «نقش ایوان».

دین زدگی یعنی این که در صورت مسلمان باشیم و در سیرت دشمن سلمان! دین زدگی یعنی چون «خوارج» کاغذ پاره‌ها را دیدن و «علی» را ندیدن! دین زدگی یعنی «حسین» را برای رضای خدا کشتن! دین زدگی یعنی پشت کردن به کرامت «سلمان» و بیعت کردن با جهالت«طالبان». دین زدگی یعنی «تقدیس جهل» و«تکفیر خردورزی». و در حوزه شعر فاطمی، دین زدگی یعنی هجده بهار فاطمه را ندیدن و نپرسیدن و بانوی کوثر و خیر کثیر را تنها در فصل زرد «دیوار ودر»، «فدک» و«بیت الاحزان» خلاصه کردن!

راه برون رفت از این وضعیت نابهنجار و نابسامان، گذشتن از منزل ظواهر و شعائر و رسیدن به سرمنزل«حکمت و معرفت»دینی است. گذشتن از«صورت» و رسیدن به «سیرت» است. پیوند«مذهبیت» و«معنویت»است. برگشتن از مسیر«فصل»و گام زدن در بزرگراه«وصل» است. تغییر ریل «تفریق» به «تقریب» است. چنان که حضرت مولانا فرموده است:

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش
باز جوید روزگار وصل خویش

آری، برای احصای جان و جهان دین، باید از برزخ «فصل» و «فاصله» بگذریم و به «فصل» و «اصل» بیندیشیم. به همدلی و همزبانی، همنوایی و هم افزایی، و هم کیشی و معرفت اندیشی.

شعر فاطمی نیز برای رسیدن به سرمنزل مقصود، باید از این مسیر روشن بگذرد. رسالت امروز شاعران اصیل فاطمی، تدبر و تامل در فلسفه هستی و تبلیغ خداپرستی است. امروز شاعر فاطمی، پیش و بیش از آن که به دنبال «قبر»فاطمه باشد، باید به دنبال«قدر»فاطمه باشد. شعر امروز فاطمی ما نباید کشکولی انباشته از واژگانی چون: «فدک، بیت الاحزان و دیوار و در» باشد. چرا که پرداختن صرف به این موضوعات، ارائه تصویر محو، نیمرخ، و ناقص از بانوی بزرگواری است که به تعبیر حضرت قرآن «کوثر کثیر» است.

رسالت شاعران فاطمی در دنیایی که پوستین وارونه به تن اسلام کرده، برداشتن نقاب دروغین اسلام از چهره داعشیان متوحش است. رسوا کردن چهره منفور کفر و شرک و نفاق است. افشای تثلیث شوم «زور و زر و تزویر» است. هشدار از فرو افتادن در دامچاله دجاله جهل و ظلمت، و نور افکندن بر چهره حقیقت است. رسالت شاعران فاطمی در دنیای امروز، پایین کشیدن پرچم «نفاق» و به اهتزار درآوردن درفش خجسته «وفاق» و «اتفاق» است.

شعر آیینی، در مرحله «پروانگی»

و اما با یک ارزیابی اجمالی از وضعیت کنونی شعر فاطمی، می توان گفت که علیرغم همه مقاومت‌ها، مخالفت‌ها، فشارها، تهمت‌ها، تهدیدها، و... کاروان شعر آیینی در حال پشت سر گذاشتن دوران «افراط و تفریط»، فاصله گرفتن از برزخ «غالی گری»، حرکت به سمت «وضعیت مطلوب» – و نه ایده آل – و بازگشت به «نقطه اعتدال» است. پشت سر گذاشتن مرحله کودکی و«پیلگی»، و رسیدن به ملکوت بلوغ و«پروانگی». با این تاکید که هنوز تا رسیدن به «نقطه مطلوب» و «وضعیت ایده آل»،راه زیادی باقی مانده است.

با آرزوی اعتلاء و ارتقای کمی و کیفی شعر آیینی و فاطمی، و پالایش و پیرایش جان و جهان آن از کژتابی‌های مضمونی و اعتقادی، به عنوان حسن ختام، شما را به زمزمه فاطمی سروده ارجمند و تاثیرگذاری از«حسین منزوی» دعوت می کنم. شاعری که هرچند در زمان حیاتش پیشانی نوشت شاعر دینی(آیینی) نداشت، ولی با نمونه‌های درخشانی که از خود در این عرصه به یادگار گذاشت، اثبات کرد که روح آموزه‌های اصیل دینی را بیش از بسیاری از ما که ادعای دینداری داریم، دریافته است. روحش شاد و یادش گرامی باد.

با هیچ زن جز تو دل دریا شدن نیست
یارایی درگیر توفان‌ها شدن نیست
درخورد تو، ای هم تو موج و هم تو ساحل!
جز ناخدای کشتی مولا شدن نیست
تو نور چشم مصطفی و کس به جز تو
در شأن شمع محفل طاها شدن نیست
تو مادر سبطینی و غیر از تو کس را
اهلیّت صدّیقه کبری شدن نیست
جز تو زنی را شوکت در باغ هستی
سرو چمان عالم بالا شدن نیست
جز با تو شأن گم شدن از چشم مردم
وآنگاه در چشم خدا پیدا شدن نیست
نخلی که تو در سایه اش آسودی او را
در سایه تو، حسرت طوبا شدن نیست
ای عالم امکان خبر، تو مبتدایش
آن جمله ای که در خور معنا شدن نیست
سنگ صبور مردی از آن گونه بودن
با هیچ زن ظرفیت زهرا شدن نیست

به مناسبت ۹۱ سالگی استاد حسن محجوب؛ پیشکسوت فرهنگی در حوزه نشر

جهان به شمارگان بر پا نیست!

علی تقی‌زاده

سال گذشته بود که اصحاب فرهنگ و اساتید بزرگ: محمدرضا شفیعی کدکنی، فریدون مجلسی و محمد مهدی جعفری، گرد آمدند و جایگاه بلند فرهنگی استاد «حسن محجوب» را ستودند. حسن محجوب که عمر پربرکتش را در راه اعتلای فرهنگ گذرانده، در جواب به سخنان بزرگان که در وصف او ایراد گردید، به همین بسنده کرد:

«کارهایی که تا به حال کردم، همهٔ اینها را وظیفهٔ خودم می دانستم و وظیفهٔ هر انسانی این است که هر کاری که یاد گرفته و توانایی آن کار را دارد، برای جامعهٔ خود انجام دهد.»

حسن محجوب، متولد ۱۳۰۷ در شهر تهران است. پدرش صاحب داروخانه محبت بود و مادرش در مدرسه طیبات به شغل معلمی اشتغال داشت. از کودکی به کار در حوزه نشر روی آورد و در دوره جوانی با همت بلند،به چاپ کتاب پرداخت.

از همان دوران در اداره شرکت سهامی انتشار که مؤسسان آن عبارت بودند از: مهندس مهدی بازرگان، دکتر یدالله سحابی، دکتر کاظم یزدی و آیت‌الله طالقانی، مشغول به کار شد و همچنان مدیریت آن نشر را به عهده دارد. شرکت سهامی انتشار، در طول شش دهه فعالیت، یکی از موفق‌ترین ناشران ایران بوده است.

استاد محجوب در دوران مدیریتش کتاب های متعددی درحوزه فرهنگ، ادبیات، تاریخ، حقوق،علوم سیاسی و جامعه‌شناسی عرضه کرده است. در سالهای اخیر هم از ناشران پرکار بوده و آثار مهمی را به چاپ رسانده است. برای معرفی جایگاه فرهنگی استاد محجوب، بهتر آن است که به سراغ مکتوبات استادان فرهنگ شناس برویم و آنچه در باب وی به قلم آورده‌اند را مرور کنیم.

همت بلند در فرهنگ

«دکترمحمدعلی اسلامی ندوشن»در یادداشتی ارسالی از شهر تورنتو به تاریخ دی ۱۳۹۷ می‌نویسد:

«باعث خوشحالی است که از خدمات فرهنگی آقای حسن محجوب، قدردانی می‌شود. من آقای محجوب را از سال های دور می‌شناسم. ایشان در زمینه چاپ و نشر کتاب، از ناشران چیره‌دست است. تعدادی از کتاب های من و دوستان ما در این سال ها با همت ایشان منتشر شده است.

تجدید چاپ کتاب«شهرزاد قصه گو»که سالها قبل نوشته بودم، با افزودن گفتگوی دوست ما آقای مصطفی ملکیان، همین ایام به دستم رسید که باید اینجا از ایشان و آقای محجوب تشکر کنم. آقای محجوب در وضع ناگواری که پیش آمده و کتاب مشتری زیادی ندارد، با همت بلند، شرکت سهامی انتشار را سر پا نگه داشته است. فرهنگ، پایه کار یک جامعه است و قدردانی از آقای محجوب که همه عمر در کار فرهنگ بوده، قدری دیر شد،اما بالاخره توسط دوستانش انجام شد.»

خادم آزاداندیش فرهنگ

«فریدون مجلسی»،نویسنده و مترجم،درباره جایگاه استاد محجوب می‌نویسد:

«حسن محجوب،چهره‌ای از خادمان فرهنگی ایران است که هرچند در دایره محدود اهل فرهنگ و کتاب نامدار است، اما خارج از این دایره فرهنگی، شهرتی درخور خدماتش ندارد. او چهره‌ای به راستی محجوب است که گویی در سایه و در پس حجاب کتاب‌هایی قرار گرفته است که دست کم در شصت سال گذشته در خلق شان حضور فعالانه داشته است.

این روزها اصطلاح«سلبریتی»،یعنی درشمار اشخاص سرشناس بودن،رایج است. قرارگرفتن در شمار سلبریتی‌ها نوعی سرقفلی به همراه دارد. معمولاً فوتبالیست‌ها، خوانندگان، هنرپیشگان و قهرمانان ورزشی،در صورتی که اسمی درکنند، در شمار این گونه سلبریتی‌ها قرار می‌گیرند.

استادان و اهل فرهنگ هم به دلایل علمی و تأثیرگذاری فرهنگی و دانشگاهی، خصوصاً در رشته‌های ادبی و علوم‌انسانی، ممکن است نامدار شوند و آثارشان مورد اقبال اهل فرهنگ و سیاست قرار گیرد؛ولی شمار مخاطبان آنان در مقایسه با سلبریتی‌های ورزشی و سینمایی، کمتر و به همین اندازه، سرقفلی اقتصادی‌شان هم کمتر است؛ اما می‌توانند دلخوش به نوعی سرقفلی معنوی باشند.

با این حال،برخی خادمان فرهنگی آنچنان درسایه می‌مانند که آن دلخوشی هم از آنان دریغ می‌شود. شاید بتوان آقای حسن محجوب را در شماراینگونه خادمان تولید کتاب دانست. در حالی که برادرشان استاد محمدجعفر محجوب به‌دلیل حضور پرشور در عرصه دانشگاهی و آن سلطه ادبی و شعردانی و شعرشناسی در شمار نامدارترین‌ها قرار دارد.

نام«حسن محجوب» با نام«شرکت سهامی انتشار»گره خورده است. شرکتی که دقیقاً شصت سال پیش به همت خادمان فرهنگی خوشنامی همچون مرحومان: مهندس مهدی بازرگان، دکتر یدالله سحابی، آیت‌الله‌طالقانی و کاظم یزدی با سهامداران بسیاری که به ندای آنان پاسخ دادند، در مکانی تاریخی از یادگارهای نهضت ملی تشکیل شد.

همکاری آقای حسن محجوب با شرکت سهامی انتشار،به همان آغاز باز می‌گردد و پس از یک دوره مدیرعاملی آقای مهندس عزت‌الله سحابی تا حال حاضر مدیرعاملی آن را بر عهده داشته است. تعدد سهامداران نشان می‌دهد که توسعه فرهنگی هدف اصلی بوده است.

دخالت آقای محجوب، منحصر به مدیریت سالم نبوده،بلکه خواندن و گزینش و ویرایش صدها جلد کتاب برگزیده –که در گزینش کتاب‌ها نیز توجهی به مواضع سیاسی متفاوت نداشته– او را به شخصیتی فرهیخته، با سوادی گسترده تبدیل کرده است.

جای خوشوقتی است که ایشان در ۹۰ سالگی با تسلط کامل به‌کار خود، خصوصاً در زمینه اصلاح و ویرایش ادامه می‌دهد و ویرایش ارزنده شش کتاب از این نگارنده شاهدی بر این مدعاست.»

فرزانگی و فروتنی

«دکترعلی فردوسی»،استاد دانشگاه نتردام درسانفرانسیسکو،درباره استادمحجوب می‌نویسد:

«سنتی درعرفان است که ریشه‌های تاریخی‌اش به پیش از این سنت می‌رسد و می‌گوید جهان به شمارگان برپا نیست و اگر نبودند اولیایی که هرگز شمارشان از شمار روزهای یک سال بیشتر نیست جهان از هم فرومی‌پاشید.

وجود آنان است که نمی‌گذارد شیرازه جهان در همهمه کشمکش‌های کور انسان و طبیعت از هم بگسلد، وگرنه اگر مشیت بر آن قرار گرفته بود که کار جهان به انبوه عوام و سردمداران‌شان سپرده شود،جهان دمی دوام نمی‌آورد. من در این لحظه به دریافت ژرف این سنت از شکل حضور آگاهی و خوبی، حقیقت و درستی، نیاز و تکلیف، در ازدحام جهان می‌اندیشم.

همین امسال بود که من از سعادت ملاقات با جناب آقای محجوب برخوردار شدم. من که سعادت شاگردی اخوی‌شان را داشته‌ام. همانجا بود که به یاد این سنت افتادم. زیرا همانجا حس کردم که در حضور آن وجودی که انگار می‌خواست در شمایل خودش حکمتی را بیان کند،مصداقی بر آن دریافت ژرف سنت عرفانی دیده‌ام. آن لحظه حس کردم که سعادت مانند کبوتری سپید دراتاق به پرواز درآمده است و من بخت مشاهده آن را دارم.

همین سنت می‌گوید که این اولیاء که انسجام جهان به خاطر وجود آنان است، اغلب چنان محجوب‌اند که جز تنی چند، سعادت شناخت ایشان را نمی‌یابند. همانجا در دل به خود گفتم که چه اسم با مسمّایی و در دل لبخندی زدم که مطمئناً آقای محجوب، ردّ آن را بر لبانم دیدند. چون یکی دیگر از علایم این اولیاء آن است که ردّ دل ها را بر رفتار آدمیان می‌بینند.

جناب آقای محجوب! بنده با کمال فروتنی و باوجود دوری از شما و از وطنم، از خدمات‌تان به فرهنگ این سرزمین قدردانی می‌کنم و از اینکه با حضورتان آرمان‌های والای انسانی را به‌صورت زنده و در عمل برای ما و نسل های آینده،همچنان درخشان و دعوت‌کننده، نگه داشته‌اید، صمیمانه دستانتان را می‌بوسم. وجود شما سعادت ماست. وجودتان پایدار باد.»

تأسیس شرکت سهامی انتشار

«محمدمهدی جعفری»،محقق و نویسنده، در سخنرانی یی که در بنیاد موقوفات افشار در باب آشنایی با استاد محجوب ایراد کرده بود، اظهار داشت: «درشیرازدانشجو بودم. در سال ۳۷ شنیدم در تهران یک شرکت انتشاراتی به نام شرکت سهامی انتشار تأسیس شده است. بعدها از برخی از آثار این شرکت در شیراز برخوردار شدیم.

اصل آشنایی من در سال ۴۰ با آقای مهندس بازرگان بود که به شیراز و منزل جناب آقای محلاتی تشریف آورده بودند. من به منزل آقای محلاتی رفتم و ایشان گفتند که خوب شد آمدی. چون آقای مهندس بازرگان آمده‌اند شیراز و به انجمن اسلامی دانشجویان بگو بیایند و ایشان را ببینند.

همه آمدند و آقای بازرگان گفتند که امسال قرار است کنگرهٔ انجمن‌های اسلامی ایران در تهران تشکیل شود و شما هم به عنوان انجمن اسلامی نماینده بفرستید و نمایندگان تعیین شدند. ازجمله خود بنده که به تهران آمدیم و دیدیم کنگره در جاهای مختلف از جمله شرکت انتشار هم تشکیل شده است.

همان سال ها من لیسانسم را گرفتم و به تهران برای ادامهٔ تحصیل آمدم. چون جایی نداشتم، درشرکت انتشار استخدام شدم. نیمی در شرکت بودم و نیم دیگر در دبیرخانه‌های کنگره‌های انجمن اسلامی. آن زمان آقای دکتر کاظم یزدی، مدیر عامل شرکت بودند. اما اولین آشنایی من با آقای محجوب،وقتی بود که کتاب«عشق و پرستش یا ترمودینامیک انسان»آقای بازرگان را ایشان شخصاً منتشر کردند. با ایشان آشنا شدم و بعدها دیگر آقای محجوب مدیر عامل شرکت شدند. محل کنونی شرکت سهامی انتشار هم به همت آقای محجوب خریداری شد.»

در آستانه گرامیداشت روز زن و مقام مادر

جایگاه لالایی در ادبیات عامه

علی خوشه چرخ آرانی ـ مدرس دانشگاه ـ بخش نخست

پیش درآمد:

«ادبیات عامه» اصطلاحاً به آثار تخیلی و ذوقی توده مردم که به طور شفاهی و سینه به سینه، از فردی به فرد دیگر و از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته است، گفته می شود. ادبیات عامه، «ادبیات شفاهی»، «هنر زبانی عامه» و یا «هنر کلامی عامه» هم نامیده می شود.

ادبیات عامه، بخش مهمی از فولکلور یا فرهنگ عامه یا فرهنگ مردم هر قوم و گروه اجتماعی و میراث معنوی نسل‌های گذشته مردم یک جامعه را تشکیل می دهد که این میراث فرهنگی، معنوی، عبادی و ... نشان دهنده تخیّل نیرومند و احساس مردم جامعه‌های خُرد و بزرگ در دوره‌های مختلف بشری است.

به دیگر عبارت، منظور از «فولکلور»، کلیه مفاهیم و مصادیقی است که زندگی توده مردم هر کشوری را در بر می گیرد و مراد از زندگی واقعی، همه جنبه‌ها و خصایص و ویژگی‌های زندگی است که از بدو طفولیت شروع و به مرگ ختم می شود. از زمانی که طفل زاده می‌شود، غذایی به او می دهند، لالایی خواندنی‌ها و حتی قصه‌های عامیانه؛ همه و همه جزو فرهنگ و ادبیات عام است.

نخستین کسی که کلمه «folklore»را پیشنهاد کرد، عتیقه شناس انگلیسی به نام «دبلیو– جی– تامس» بود که در ماه اوت ۱۸۴۶ میلادی با نام مستعار «آمبروازمرتن» که این واژه را خود وضع کرده بود، در نوشته‌هایش به کاربرد (عمرانی، ۱۳۸۱، ۱۳). این کلمه از دو بخش «folk» به معنای مردم، توده و عوام و خلق و «lore» به معنای دانش و دانسته‌ها تشکیل یافته است که در فارسی توامان «دانش عوام» معنی می شود. (همان، ۱۳)

لفظ folk یا توده یا عوام، می تواند به دسته‌ای از مردم هر طبقه و گروهی که می‌خواهد باشد، اطلاق می شود. به شرط آن که لااقل در یک چیز مشترک باشند. فولکلور در مجموع، آن دسته از آداب و سننی است که به اجتماع، شخصیت و هویت و موجودیت مخصوص خودش را می دهد. (لوریمر، ۱۳۵۳، ۱۴– مقدمه)

با این توضیحات و پس از آشنایی با واژه ادبیات عامه(folklor)،اگر این شاخه ادبیات را به دو بخش نظم و نثر تقسیم نماییم؛ شعر نظم ادبیات عام از لحاظ صورت و شکل بیان به انواعی همچون: دو بیتی، تصنیف، نوحه، مرثیه و لالایی تقسیم می شود که در این میان، جایگاه «لالایی» بسیار برجسته و نمایان است.

«لالایی»، گونه ای از ادبیات عام است که فراخور فهم و درک و مطابق ذوق و علاقه کودکان است و برای آنها نقل و بیان می شود و به اصطلاح بخش بزرگی از ادبیات کودکان و نوجوان را تشکیل می دهد و در قدیم الایام، بیشتر مادرها و مادربزرگ‌ها و گاهی پدربزرگ‌ها، دایه‌ها و خدمتگزاران پیر، برای فرزندان خردسال خانواده بازگو و نقل می کردند.

کودکان با یاری این بخش از ادبیات عامه، با پدیده‌های پیرامون و طبیعت و ویژگی‌های فرهنگی جامعه ای که در آن زندگی می کنند، آشنا می شوند و راه اندیشیدن و عمل کردن را طبق الگوهای فرهنگی جامعه خود می آموزند. آهنگ و وزن دلپذیر لالایی‌ها جهان زیبا و خیال پرور داستان‌ها، همراه با نغمه گیرای مادران و کلام افسونگر آنها، اندیشه و احساس کودکان و عاطفه کودکانه را می پروراند و حتی در شکل دادن به شخصیت فرهنگی آنان نقش مهم و اساسی و حساس دارد.

الف: تعریف لالایی

از قدیم ترین، مرسوم ترین و زیبا ترین نمونه ترانه‌های عامیانه «لالایی» است که با آوازی شاد و یا حزین برای خواباندن و گاهی هم برای نوازش کودکان خوانده می شود. لالایی‌ها همانند همه انواع ادبی عامه، سرشار از زندگی و واقعیت‌های آن است. مادر در لالایی، ضمن نوازش کودک و تشبیه او به زیباترین جلوه‌ها و مظاهر طبیعت و زندگی، از ظلم و ستم روزگار ناله و از همراهی زمانه شادی‌ها می نماید. مادر همه زیبایی‌ها را برای کودک می خواهد. آهنگ این ترانه‌ها، حرکت ملایم رفت و آمد گهواره را در یاد زنده می‌کند.

لالایی، نخستین موسیقی و اولین کلام ادبی است که گوش طفل با آن آشنا می شود و نخستین کلام ادبی و آهنگین است که از گهواره با نوای دلنشین لالایی، وزن و آهنگ را می آموزد. واژه «لالا» به معنای غلام و بنده و خدمتکار و شکل تحریف واژهٔ آن «لَلّه» به پیر مردی که مربی و خدمتگزار بزرگزادگاَن است، اطلاق می گردد.

دهخدا در لغتنامه می نویسد: «مربی مرد طفل، چنان که خدمتکار قدیم و پیر از کنیزکان را دادا گویند و لالایی ترانه ای بوده که لالاها و لَلّه‌ها برای خواباندن طفل به کار برده و واژه «لالاَ» به معنای خفتن در زبان اطفال نیز باید از همانجا گرفته شده باشد.» (دهخدا، ۱۳۲۵، ذیل واژه)

«لالایی» صوتی است که بدان طفل را در گهواره خوابانند. (معین،۱۳۶۴، ۳۵۳۶، ذیل واژه). نیز امروز در بسیاری از نقاط ایران و به ویژه خطه فارس اصطلاحاً برای خوابانیدن و آرام کردن طفل از این کلمه ساده استفاده می شود و معطوف داشتن این کلمه به لالا به معنای غلام و خدمتکار می باشد (محمدبن خلف تبریز، ۱۳۵۲، ذیل واژه)

ب: مضامین لالایی

۱ـ محبت مادران

اولین و عمده ترین مضمون لالایی‌ها، عشق مادری است که سرچشمه ساخته شدن همه آنها را می توان غریزه مادری و مهر و علاقه وصف ناپذیر مادر به فرزند دانست.

لالالالا، حبیب اله/ ازی کوچه مروبالا/ که دشمن‌های بد داری/ سرت را می برن از/ را/ گلم در خواب، گلم بیدار/ گلم هرگز نشه بیمار/ اگر خواه شو بیمار/ خداوندا نگاهش دار/ (شکورزاده، ۱۳۴۶، ۳۴)

۲ـ تشبیهات

مادران عموماً در لالایی‌ها فرزندان خود را به زیبا ترین نمادها که می شناسند، تشبیه می‌نمایند. نمادهای زیبای طبیعت، گل‌ها، پرندگان و ... برای شیرین ترین رویاها و آرزو که در سر می پرورانند.

اُلالالا، گل خشخاش/ اُلالالا، گل پنبه/ اُلالالا،گل دشتی/ اُلالالا، گل خیری

همینطور گل پونه، گل سوسن، گل گلشن، درخت سیب و زردآلو و .... نمونه‌هایی از تشبیهات به گل‌ها هستند.

و یا در لالایی، اُلالالا، گلم لالا/ عزیز و بلبلم لالا/ اُلالا بلبلم لالا/ بخواب جون دلم لالا/ چرا از بی کسی نالم/ که همچی بلبلی دارم/ اُلالا بلبلی با غم/ تو هستی مرهم داغم/ اُلالالا گل پنبه/ بخوابه بلبل عمه/ اُلالالا گلم باشی/ به کاچو بلبلم باشی/ اُلالای، لالالایی/ بخواب ای کبک صحرایی/ که در مجموعه لالایی‌های کرمان آورده شده است طفل شش بار به بلبل و یک بار به کبک تشبیه شده است.

از دیگر موارد تشبیهات، تشبیه اطفال به جواهر قیمتی و پارچه‌های نفیس است.

اُلالالا، عزیز دونه/ عزیزم لعل و مرجونه/ اُلالالا، خدا دادست/ خدا گنجی به ما دادست./ (عبدالسلامی، ۱۳۴۱، ۱۵۹)

۳ـ قربان صدقه

دسته دیگر از لالایی‌ها، لالاهایی هستند که در آن مادر صریحاً علاقه خود را به فرزند ابراز می دارد و یا اصطلاحاً قربان صدقه فرزندش می رود.

اُلالالا که لالاتم/ اسیر قدر و بالاتم/ اُلالالا گل زردم/ به قربون تو می گردم/ اُلالالا، گل سوسن/ سرت خم کن لبت بوسم/ اُلالالا، حبیب من/ به هر دردی طبیب من/ (لوریمر، ۱۳۵۳، ۴۲)

۴ـ نگرانی‌ها

بخش دیگری از لالایی‌ها، آنهایی هستند که مادر فرزند خویش را از خطر بر حذر می‌دارد و به او هشدار می دهد که مراقب خود باشد و البته هشدارها گاهی هم با لحن خشونت همراه است.

اُلالالا، گل نعنا/ از این کوچه مرو تنها/ که این کوچه همه شوخن/ سرت را می برند از راه. (همان)

۵ـ دلگرمی

در بعضی از لالایی‌ها مادر فرزند خود را تسلی و نوید می دهد و پدر را به پشتیبانی او می فرستد.

اُلالالا، انار و به/ خدا عمری به طلفم ده/ که رود من پدر داره/ که خنجر بر کمر داره/ من از خنجر نمی ترسم/ که قرآن در بغل داره/ (همان، ۶۰)

۶ـ آرزوها

دسته دیگری از لالایی‌ها که ناشی از مهر و محبت مادران است، شامل آرزوهایی است که برای فرزندان ذکر می گردد. آرزوهایی مثل سلامتی، طول عمر، زندگی و تحصیل و زیارت اماکن مقدس.

اُلالالا، خدا یارت/ خدا باشه نگهدارت/ (همایونی، ۱۳۷۵، ۸۵)

البته گاهی هم آرزوهایی هستند که جنبه مادی آن قوی تر است و مادر در آن برای فرزند چیزهای قیمتی می طلبد و او را با شاهان و شاهزادگان هم طراز می داند؛ مثلاً فرزند را به ململ ملوس تشبیه می کند و کمربند زمرد و لباس قلم کار برای او می خواهد و برای او کاخی از مروارید می سازد:

اُلالالا، ملوس ململ/ که گهوارت چو صندل/ کمربندت زمرد کار/ که روپوشت قلمَ کار/ (لوریمر، ۱۳۵۳، ۷۱)

ادامه دارد

خلوت انس

تار طلایی

نورالدین میرفخرایی

۲۶ بهمن ۹۸، شصت و هفتمین سالروز تولد استاد«داریوش طلایی»،موسیقیدان مبرّز معاصر است. قطعه ای را که به همین مناسبت در تکریم مقام شامخ او سروده ام، تقدیم می کنم:

چون طلایی به تار دست بَرَد
از دلم غصّه هرچه هست بَرَد
زخمهٔ تار توست روح افزا
از نوای تو کار ما به نوا
تار تو مرهم شب تار است
بهر تو تار،بهترین یار است
بعد شهناز، آن جلیل نواز
هست ساز تو در صلابت و ناز
تار تو همچو تار شهنازی
می بَرَد دل به لطف و طنّازی
«دود عود»و نوای آن محبوب
کرد با زخمهٔ تو جلب قلوب
در«شب وصل»با تو سر کردم
تا ز سر غصّه را به در کردم
قدرت پنجهٔ تو بی مانند
از خدا خواهمت مصون ز گزند
داریوش عزیز! شادان زی
در پناه خدای رحمان زی

با همه دل شکستگی

غزل تاجبخش

با همه دل شکستگی، آمده ام به راهِ تو
کیست بشارتم دهد،عشق من و نگاهِ تو
سنگ نه و حباب نه، کفتر چه، شتاب نه
تکه به تکه می شوم آن تهِ ته، به چاهِ تو
من که فقط سپید را رنگ خدا شناسمش
داد زدی مرا که هی... کی بزنم سیاهِ تو؟
گیج و غریب و شرمگین، دل شده ای نگاربین
عشق دهد نشانی ام، یکسره روی ماهِ تو
شادترینِ ذرّه ام، سبزه ی شیبِ درّه ام
عاقبتش چه کاره ام؟ این همه ماتِ شاه تو
داد زند به کوچه ها، آنچه شکسته می خرم
این دلِ دل شکسته را کی بَرَدش پناهِ تو؟
بخت خوش دویده ام یا که به خواب دیده ام
دوست گرفت دست من، گفت: منم، گواه تو
شبنم گل چشیده ام، نور نگاه دیده ام
واژه اگر غزل نشد، این که نشد گناهِ تو!

نقطه چین ها ....

ناتاشا شعبانی

یاد گرفتیم
جهان به اندازه یک نقطه کوچک است
و قلب های رنجور ما
به اندازه یک جهان، بزرگ
جهان از نقطه آغاز می شود
و با نقطه تمام
ونقطه چین ها........
تکثیر قلب های رنجورند

هوای تو...

زهره سجادی

هوای توست
که مرا این گونه که هستم
نگاه داشته است
راه می روم ، حرف می زنم
می خندم
و گاه گاهی بال هایم را زیر پوستم
حس می کنم من زنده ام!
***

آوارها....

تو آن رنج عظیمی
که چون رنج های دیگرم
نفسش می کشم
چون درد های پنهان دیگرم
– ذره ذره
جان مرا خواهی گرفت
و هیچ معلوم نیست
جنازه آواره ام را چه وقت
از لابه لای کدام آوار
بیرون خواهند کشید؟...

زندگی

نسرین آقاپور

چون عسل شیرین تو بودی کام تلخ زندگی را
دادی ای نامهربان، پیغام تلخ زندگی را
در کفن پیچیدم و در گور حسرت ها نهادم
در سرای سینه ام آلام تلخ زندگی را
با تمام پختگی هایی که از دنیا نصیب است
خورد باید لقمه های خام تلخ زندگی را
آنقدر بدحالم از دنیای بعد از رفتن تو
می کشم سر با رضایت جام تلخ زندگی را
می سپارم گوش از دست سیاه روزگارم
بعد از آن بی حرمتی دشنام تلخ زندگی را
از همین آغاز وارون شد قطار شادکامی
پیش بینی می کنم فرجام تلخ زندگی را
در سکوت مرگ رؤیاهای بی پایان عمرم
می زنم با خستگی خط نام تلخ زندگی را

جایگاه سد و آبخیز در مهار سیلاب ها

سدسازی یا آبخیزداری؛ با کدام اولویت ها

آنچه در پی آمده است نگاهی دارد به موضوع جایگاه سدسازی و آبخیزداری در مهار سیلاب ها که بخش اول آن را دیروز ملاحظه کردید و اینک بخش دوم و پایانی را می خوانید:

***

معاون مدیرکل دفتر کنترل سیلاب و آبخوان‌داری سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور ادامه داد: بر مبنای تکالیفی که قانون‌گذار تعیین کرده و در برنامه‌های پنج‌ساله برای ما تعریف شده، یک بخشی از فعالیت‌های خودمان را به این موضوع اختصاص داده‌ایم که بخش‌های مازاد از روان‌آب‌های سطحی که به شکل سیلاب از دسترس خارج می‌شدند را به انحای مختلف به لایه‌های زیرین و در حقیقت همان منابع آب زیرزمینی تزریق کنیم تا بتوانیم بخشی از کسری تراز را جبران کنیم.

وی در تشریح نقش آبخیزداری و آبخوان داری در مهار و مدیریت سیلاب‌ها گفت: آبخیزداری از بالادست و از شاخه‌های بسیار کوچک شروع می شود و با توجه به حجم، گستره و هزینه کار انجام می‌شود؛ برای اینکه بتوانیم آب را از محلی که وارد سطح زمین می شود به کنترل خودمان درآوریم و نگذاریم به مرحله‌ای برسد که تبدیل به سیلاب شده و تخریب به همراه داشته باشد؛ از این رو فعالیت‌های ما از خط‌الرأس‌ها شروع می شود تا به آبراهه‌های با درجات بالاتر برسد.

وی افزود: در ادامه فعالیت‌های آبخیزداری، قطعه بعدی پازل با وزارت نیرو است که در سطح رودخانه‌های بزرگ و دائمی فعالیت‌های خودشان را انجام دهند.

این مقام مسئول تصریح کرد: آنچه مسلم است در فعالیت در دامنه و بالادست آن با توجه به اینکه حجم آبی که در واحد زمان وارد می شود کمتر است، کنترل آن هم ساده‌تر و امکان پذیرتر است.

وی افزود: در فعالیت‌هایی که ما در بخش های بیولوژیک، بیومکانیک و همچنین مکانیکی انجام می دهیم و درجاهایی که با فقر پوشش گیاهی مواجه هستیم با برنامه‌های مدیریتی که اعمال می کنیم، سعی و تلاش مان بر این است که روان‌آبی را که ناشی از بارش باران به اشکال مختلف صورت می گیرد، به شکل کنترل شده به سرمنزل مقصودش که رودخانه‌ها و دریاها و دریاچه‌ها هست، برسانیم و در نتیجه از شدت سیلاب و قدرت سیلاب که می تواند در پایین دست شکل بگیرد، بکاهیم و خسارت کمتری به مردم و ابنیه وارد شود.

فاطمی در پاسخ به اینکه آیا می توان برآوردی از حداکثر نقش آبخیزداری در کنترل سیلاب داشته باشیم و اگر آبخیزداری را در حد اعلا در بالادست یک حوضه آبریز داشته باشیم و سیلابی بزرگ اتفاق بیفتد، آبخیزداری چقدر در کاهش این سیلاب موثر است؟، گفت: در این زمینه پژوهش‌های مختلفی چه در داخل کشور ما و چه در سایر کشورها انجام شده و می‌توان گفت نهایت تأثیر آبخیزداری در کاهش سیلاب‌های مخرب و شدید ۳۰ درصد است؛ یعنی اگر آبخیزداری در حد متعارف انجام شود، می تواند ۳۰ درصد از دبی سیلاب های بزرگ را کاهش دهد.

پورمقدم، مدیر دفتر مطالعات طرح‌های برق‌آبی شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران با بیان اینکه اهداف احداث یک سد با توجه به مکان ساخت آن متفاوت است، گفت: سد از نقطه‌ای که احداث می شود، برای پایین دست مدیریت و برنامه‌ریزی می کند.

وی افزود: اگر پایین دست سد، دشتی مثل دشت خوزستان یا مرودشت شیراز باشد، اهم هدف ساخت سد در اینجا، بحث تأمین آب برای کشاورزی است؛ چون طبق قانون اساسی کشور وظیفه تأمین آب، چه در بحث شرب، چه در بحث صنعت و چه در بحث کشاورزی را قانون‌گذار بر عهده وزارت نیرو گذاشته است.

پورمقدم با بیان اینکه بحث مدیریت و توزیع آب در بخش مصرف آب کشاورزی برعهده وزارت جهاد کشاورزی است، گفت: اگر سدی در نقطه‌ای احداث شود که در پایین دست آن اهم فعالیت‌ها در بخش کشاورزی باشد، هدف اصلی از ساخت این سد، تأمین آب بخش کشاورزی خواهد بود.

وی ادامه داد: اما با توجه به اینکه سدها در هر نقطه‌ای که احداث شوند، حوزه آبخیز بالادست خود را به گونه‌ای کنترل می‌کنند، معمولا بحث کنترل سیلاب در همه سدها دیده می‌شود.

این کارشناس تصریح کرد: در سدسازی ترازهای مختلفی داریم، ترازی که برای رسوب‌گذاری و آوردی که رودخانه با خود به همراه دارد در نظر می گیریم، یک ترازی است که از کف تا آن تراز را حجم مرده نام‌گذاری می کنیم و این حجم، حجمی است که در هیچ یک از برنامه‌ریزی های ما برای اهداف آن سد محسوب نمی شود و با مرور زمان و در طول عمر سد، این حجم رفته رفته با رسوبات انباشته می‌شود.

وی افزود: این بخش رسوب‌گذاری، همان بخشی است که همکاران ما در وزارت جهاد کشاورزی و به صورت خاص در سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری عمدتا با اقدامات آبخیزداری شامل روش های مکانیکی، روش‌های بیولوژیکی، روش های بیومکانیکی و حتی روش‌های مدیریتی منتج به کاهش آورد رسوبی می شوند که در پیکره بزرگ پشت سدها انباشته می شود.

مدیر دفتر مطالعات طرح‌های برق‌آبی شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران با بیان اینکه از تراز حجم مرده تا اولین آبگیری بعدی ما که ممکن است هدف کشاورزی داشته باشد، جزو حجم مفید سد ماست، یعنی حجمی است که ما روی آن حساب می کنیم، گفت: ممکن است سد در جایی ساخته شود که اصلا نیاز کشاورزی نداشته باشد، مثلا در سرشاخه‌های رودخانه بزرگ کارون، سد کارون ۴ با هدف اصلی تولید انرژی پاک برق‌آبی احداث شده است و در کنار آن، هدف کنترل سیلاب را در ذات خود دارد؛ چرا که سد، مخزنی دارد و آن مخزن بزرگ است و می تواند سیلاب‌هایی بسیار بزرگ و البته تا حدود مشخصی را کنترل کند.

وی ادامه داد: در جایی که ما هدف اصلی تأمین آب شرب و کشاورزی را نداریم، هدف اصلی احداث سد، تولید انرژی پاک برق‌آبی تعیین می شود.

پورمقدم خاطرنشان کرد: نیروگاه‌های برق‌آبی، نیروگاه‌های پاکی هستند که نوسانات شبکه برق کشور را کنترل می‌کنند و به فراخور نیاز به سرعت وارد مدار می‌شوند و به سرعت از مدار خارج می‌شوند و در واقع کنترل و پایداری شبکه را برعهده دارند که از این حیث، در شبکه برق کشور بسیار نیروگاه‌های مهمی محسوب می‌شوند.

وی افزود: در این‌گونه سدها، تراز مفید یا حجم مفید، تا تراز ورودی نیروگاه تعیین می‌شود و بالاتر از آن، تراز حداکثر بهره‌برداری است؛ معمولا حجمی که از تراز حجم مرده تا لبه سرریز آزاد سد در نظر می‌گیریم، حجم مفید سد است و بالاتر از آن مربوط به حجم سیلابی سد است.

این کارشناس مدیریت منابع آب اذعان داشت: با فرض اینکه سد تا تراز نرمال که لبه سرریز آزاد است، پر باشد، با ورود سیلاب، یک پدیده هیدرولیکی به نام روندیابی مخزن داریم که بر اساس آن، آب درون مخزن پخش و باز می شود و پیک سیلاب و نقطه حداکثری هیدروگراف سیلاب، در بدترین حالت اگر به دلیل پر بودن مخزن سد، کم نشود، از نظر زمانی با تأخیر همراه می شود و این زمان تأخیر شاید ۱۰ تا ۱۵ ساعت یا حتی بیشتر هم باشد.

وی ادامه داد: در این صورت، با ایجاد یک تیغه آب روی تراز نرمال سد، یک تراز حداکثری ایجاد می شود و از روی سرریز آزاد، این سیلاب شروع به تخلیه شدن می کند.

مدیر دفتر مطالعات طرح‌های برق‌آبی شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران با تأکید بر اینکه اهداف سدها متفاوت است، تصریح کرد: بر اساس اینکه سد کجا ساخته می‌شود و پایین آن چه نیازهایی وجود دارد، می‌تواند برای شرب، صنعت، کشاورزی یا برق آبی طراحی شود.

وی افزود: در کشورهایی به‌غیر از ایران، چون هنوز ما در این زمینه پیشرو نیستیم و ورود زیادی نکردیم، ممکن است در ساخت سدها اهداف دیگری هم مثل ورزش‌های آبی و تفریحاتی برای مردم منطقه و جذب توریست‌های داخلی و خارجی دیده شود.

پورمقدم در پاسخ به اینکه آیا سدی داریم که صرفا برای کنترل سیل طراحی و ساخته شده باشد، گفت: در ایران، سدهایی که تا امروز ساخته شده، معمولا چندین هدف دارند که یکی از این اهداف کنترل سیلاب است و در واقع ذات خود سد هم همواره کنترل سیل را محقق می کند.

وی ادامه داد: در برخی از مصاحبه‌ها که در سال جاری در برخی رسانه‌ها و فضای مجازی منتشر شده، متأسفانه بیان شده بود که در سیلاب‌های فروردین ۹۸ سدها به افزایش و تشدید سیلاب کمک کردند که در این خصوص باید تأکید کنم که این حرف کاملا غلط است و اساسا چنین چیزی از لحاظ هیدرولیکی کاملا مردود است.

این کارشناس خاطرنشان کرد: سد دو حالت دارد، یا ممکن است سدی کاملا پر باشد، یعنی لب به لب تراز نرمال آن با آب پر شده باشد و هیچ جایی برای نگهداشت سیلاب نداشته باشد، به محض اینکه سیلاب از دم دریاچه وارد مخزن می شود تا لحظه ای که می خواهد از سرریز عبور کند و به پایین دست بریزد، حتما پدیده‌ای به اسم روندیابی مخزن داریم؛ یعنی حتی اگر نتواند از حجم سیلاب کم کند که قطعا کم می‌کند، حداقل این است که زمان پیک سیلاب و نقطه حداکثری هیدروگراف سیلاب را به تأخیر می اندازد و این دقیقا همان زمان حیاتی است که ما می توانیم اقدامات مهم و خوبی در پایین دست انجام دهیم؛ می‌توانیم هشدار سیل انجام دهیم که در اکثر سدهای مان در کشور داریم، می‌توانیم با سیستم‌های مختلف اطلاع رسانی مثل صدا و سیما، سیستم‌های مخابراتی، پیامکی و ... مردم را آگاه کنیم و مردم را از نقاط خطر جابه جا کنیم و این زمان حیاتی را در اختیار ما قرار می دهد.

وی افزود: پس تمامی سدها، حتی سدهایی که با هدف کنترل سیلاب ساخته نشده باشند و حتی اگر در تراز حداکثر خودشان باشند، بازهم تأثیر بسیار مفیدی در کنترل و کاهش مخاطرات سیلاب دارند.

پورمقدم با بیان اینکه تا امروز در کشورمان سدی که صرفا با هدف کنترل سیل به صورت یک سد بزرگ مقیاس ساخته شود را نداریم، گفت: بعد از وقوع سیلاب‌هایی که در فروردین امسال رخ داد، مطالعاتی را در شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران به نیابت از وزارت نیرو شروع کرده ایم که صرفا هدف آنها کنترل سیلاب است.

وی ادامه داد: این مطالعات بیشتر در حوزه کرخه و سرشاخه حوزه کشکان بوده که در استان لرستان قرار می گیرد و در سیلاب فروردین ۹۸، آنجا بیشترین خسارت و بیشترین تبعات ناشی از سیل را داشتیم.

مدیر دفتر مطالعات طرح‌های برق‌آبی شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران تصریح کرد: در حوزه کشکان، هیچ‌گونه سدی را به معنای واقعی سد نداریم، یعنی شاخه کشکان در حوزه کرخه کاملا بی دفاع است، ضمن اینکه خود رودخانه کشکان از قدیم الایام به عنوان یک رودخانه وحشی در بین مردم محل پلدختر و خرم‌آباد و حتی بین مهندسان کل کشور معروف بوده و کشکان به عنوان یک رودخانه وحشی با رژیم ناگهانی مشهور است.

وی افزود: علت اینکه ما تا امروز سدی با هدف صرفا کنترل سیل نداشتیم، این است که سدی که قرار است صرفا با هدف کنترل سیل ساخته شود، سدی است که در بیشتر زمان‌های سال خالی است، یعنی حجم قابل توجهی از سد خالی است و اگر بروید روی تاج سد بایستید، پشت سد را خالی می‌بینید که این از لحاظ پذیرش مردم عادی قابل درک نیست و این رسالت خبرگزاری‌های خوب کشور است که این آگاهی را به مردم بدهید که اگر سدی ساخته شد و با هدف کنترل سیل در یک نقطه خاص بود، احتمالا در خیلی از مواقع سال خالی است یا حتی ممکن است در چندین سال پیاپی خالی باشد تا سد آماده دریافت یک جریان سیل‌آسا و بسیار خروشان باشد؛ مثل آنچه امسال در پلدختر اتفاق افتاد و دبی بیش از ۶۰۰۰ و ۶۵۰۰ مترمکعب در ثانیه را صرفا در شاخه کشکان داشتیم.

وی ادامه داد: در صورتی که در شاخه سیمره کاملا شرایط متفاوت بود و ما با سد مخزنی سیمره توانستیم تقریبا بیش از ۷۰ درصد در کنترل سیلاب، مفید واقع شویم.

زمان خودنمایی گوشی های ایرانی رسیده است؟

به اعتقاد کارشناسان، در شرایط تشدید تحریم‌ها علیه ایران، درصورتی که امکان واردات وجود نداشته باشد یا قیمت گوشی‌های خارجی بسیار بالا برود که برای مصرف‌کننده ایرانی مقرون به صرفه نباشد، یک گوشی باکیفیت ایرانی می‌تواند در نقش جایگزین ظاهر شود.

به گزارش ایسنا، تولید گوشی موبایل از زمان ورود نخستین تلفن همراه به کشور تا امروز، همواره یکی از دغدغه‌های صنعت‌مردان ایرانی بوده است. البته پیش از این تنها یک شرکت به‌عنوان تولیدکننده محدود گوشی شناخته می‌شد؛ تولیدکننده‌ای که البته به‌زعم برخی از کارشناسان این حوزه، بیش‌تر مونتاژ کننده قطعات وارداتی گوشی بوده تا این‌که بخواهند صفر تا صد گوشی را در داخل کشور تولید کند.

طی سالهای گذشته، گوشی‌هایی که به انحاء مختلف در داخل تولید شده بودند، در بازار موجود بود. اما موضوع تولید گوشی ایرانی مدتی است که دوباره و پررنگ‌تر از قبل مطرح شد و به‌تازگی بحث تولید گوشی ایرانی بار دیگر داغ شده و اعلام شد ایرادهای گوشی تلفن همراه تولیدکننده داخلی برطرف شده و نسخه آخر گوشی، ظاهرا خوب و قابل رقابت با نوع خارجی‌اش شده است.

به همین دلیل، طرح حمایت از تولید و توسعه زیست‌بوم موبایل تولید داخل به‌تازگی کلید خورد. زیست‌بوم تولید تلفن همراه هوشمند در داخل کشور در معاونت فناوری و نوآوری وزارت ارتباطات با هدف طراحی نقشه راه تبدیل کشور به قطب تولید تلفن هوشمند در منطقه اجرایی شده و با در نظر گرفتن شاخص‌هایی منطبق بر منطق بازار و تخصیص امکانات و فرصت‌ها به تولید داخل شکل اجرایی به خود پیدا کرد.

در حال حاضر هم طبق برآوردهای انجام‌شده، قرار است در مدت دو سال به تولید ۲ میلیون گوشی تلفن همراه برسیم. گوشی‌هایی که به گفته محمدجواد آذری جهرمی وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات مزیت قیمتی نسبت به برندهای خارجی داشته باشند و با وجود برخورداری از کیفیت مناسب، با قیمتی پایین‌تر از نمونه‌های خارجی خود عرضه شوند.

همه اینها در شرایطی است که چندی پیش شرکت سامسونگ به کاربران ایرانی خود ایمیلی ارسال کرد مبنی‌بر این‌که از این پس نمی‌توانند خدمات فروش آنلاین خود را به ایرانیان ارائه کند، اتفاقی که در پی سلسله رویدادهای قطع همکاری سایر شرکت‌های خارجی از جمله اپل و هوآوی با ایران به دلیل تحریم‌های آمریکا رخ می‌دهد و داستان تازه‌ای نیست. اما موج تحریم‌ها علیه ایران این نگرانی را ایجاد می‌کند که هرچند بازار ایران به دلیل مصرف‌کنندگان بالایش، بازار قابل توجهی محسوب می‌شود، در آینده شرکت‌های تولیدکننده هم از فروش گوشی به ایران جلوگیری کنند.

در این زمینه عطا خلیقی کارشناس فناوری اطلاعات در گفتگو با ایسنا با اشاره به موضوع ارسال ایمیل ازطرف سامسونگ به کاربران در جهت عدم فروش برنامه‌های آنلاین اظهار داشت: اظهارات وزیر ارتباطات درباره موبایل ایرانی هم می‌تواند به این موضوع مرتبط باشد، این‌که اگر اتفاقی افتاد و شرکتی به ما سخت‌افزار هم نفروخت، جایگزین داخلی داشته باشیم. چون این شرکت‌ها ممکن است روزی در آینده بگویند ما به دلیل تحریم‌ها اجازه فروش گوشی به ایران را نداریم.

وی در پاسخ به این‌که آیا می‌توان به هدف ۲۰ درصدی گوشی‌های ایرانی رسید، گفت: اگر به جایی برسیم که دیگر گوشی برای استفاده نباشد، جایگزینی گوشی ایرانی اتفاق می‌افتد. جایگزین هم با دو روش ایجاد می‌شود، یا امکان واردات گوشی وجود نداشته باشد یا آنقدر گران باشد که نتوانیم بخریم. همین حالا هم پرچمدارهای گوشی‌های سامسونگ بیش از ۱۰ میلیون تومان قیمت دارند، اما اگر یک گوشی باکیفیت و با قیمت تقریبی ۲ میلیون تومان به بازار بیاید، ممکن است خیلی‌ها آن را بخرند، کما اینکه وزیر ارتباطات هم روی قیمت گوشی‌های داخلی مانور می‌دهد.

درنهایت به نظر می‌رسد جایگزینی گوشی داخلی با نمونه‌های خارجی نیازمند این است که گوشی‌های ایرانی بتوانند نیاز مصرف‌کننده را برطرف کنند، اتفاقی که در سال‌های گذشته با وجود اعمال تعرفه‌های بالای گمرکی برای گوشی‌های خارجی در برهه‌ای از زمان و حتی تحریم‌هایی که شرکت‌ها برای اپلیکیشن‌های ایرانی ایجاد می‌کنند، رخ نداده است و این شرایط نیازمند تحولی است که بازار فروش گوشی داخلی را تکان دهد.

آموزش بورس به زعفران کاران

بورس کالا با توجه به مکانیزمی که دارد، نقش کاملی در استانداردسازی ایفا می کند؛ به عنوان مثال یکی از بارزترین فواید مکانیزم های در حال اجرا توسط بورس کالا، اعلام دقیق جزییات محصول عرضه شده و تضمین کیفیت، کشف قیمت کالا و قطعی کردن قیمت آن است که با ایجاد این شفافیت از رانت هم جلوگیری می کند. به گزارش روابط عمومی بورس کالا، فرهاد سحرخیز عضو هیات مدیره گروه شرکت های زعفران سحرخیز گفت: یکی از اصول و معیارهای توسعه و رشد اقتصادی به ویژه در بازارهای بین المللی، رعایت اســـتانداردهای لازم و تعریف شـــده در زمان تولید و عرضه کالاست.وی به تجربه عرضه زعفران در بورس کالا اشاره کرد و افزود: بورس کالا تجربه خوبی در عرضه و جلب رضایت مشتریان برای محصول زعفران داشته و البته این فرآیند در حال تکامل است اما با توجه به لزوم تبدیل نگاه سنتی به شیوه و مکانیزم مدرن در بخش کشاورزی، این امر زمان بر است اما شروع آن به کمک بورس رضایت بخش بوده است. وی از حضور مستقیم کشاورزان به مرور زمان در بورس کالا خبر داد و گفت: در حال حاضر ظرفیت های خوبی داریم و امیدواریم کشاورزان هم هر چه زودتر به این نوع از معامله روی بیاورند البته در این باره اقدامات خوبی انجام شده که می توان نسبت به پیشرفت معاملات و تاثیر در بهبود شاخص های استانداردسازی امیدوارتر شد.

ســـحرخیز افزود: آموزش هایی را برای کشاورزان از نحوه ورود به بورس و انجام معاملات برای آن ها برگزار می کنیم زیرا ما بر این باور هستیم که کشاورز شروع کننده زنجیره تامین محصول است و اگر پای کار بیاید و با بورس آشنا شود، زعفران در خانه ها حبس نمی شود و در انبارهای استاندارد و در دمای کنترل شده، نگهداری و در نهایت در بورس معامله می شود.سحرخیز افزود: تجربه نشان می دهد که ارائه کالاهایی که هنوز به کیفیت ایده آل و استاندارد نرسیده اند، می تواند جایگاه کشورمان را از لحاظ صادراتی، متزلزل کند و عواملی مانند عدم رعایت یکنواختی برای تولید آن ها و یا نبود تضمین کافی برای کیفیت یک محصول به آن دامن بزنند.سحرخیز درباره نقش بورس کالا در استانداردسازی کالاها گفت: بورس کالا با توجه به مکانیزمی که دارد، نقش کاملی در استانداردسازی ایفا می کند؛ به عنوان مثال یکی از بارزترین فواید مکانیزم های در حال اجرا توسط بورس کالا، اعلام دقیق جزییات محصول عرضه شده و تضمین کیفیت، کشف قیمت کالا و قطعی کردن قیمت آن است که با ایجاد این شـــفافیت از رانت هم جلوگیری می کند.وی معتقد اســـت که رسیدن به ایده آل در تمام ســـطوح اســـتاندارد بین المللی زمان بر است اما می توان در حداقل ترین حالت ممکن یک کیفیت خوب و یکنواخت ارائه کرد کیفیت یکنواخت صرفا کیفیت صددرصد ایده آل نیست اما غالب معیارها و ویژگی های استاندارد را رعایت می کند.

بازار در یک نگاه

شاخص کل

۴۶۰۰۰۰
۴۵۵۰۰۰
۴۵۰۰۰۰
۴۴۵۰۰۰
۰۸:۵۵:۰۰ ۱۲:۵۵:۰۰

آمار معاملات آخرین روز معاملاتی (چهارشنبه ۹۸/۱۱/۲۳)

مجموع حجم معاملات	۶/۹۸۹ میلیون سهم
مجموع ارزش معاملات	۳۷/۹۲۱/۷۱۷ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۷۲۷/۶۲۵ معامله
ارزش بازار	۱۶/۶۹۲/۳۷۰ میلیارد ریال

رکوردشکنی شاخص ها در بورس تهران

بورس تهران طی عمر پنجاه و دو ساله خود همواره به عنوان بازاری به عنوان حلقه اتصال بین سرمایه‌گذاران و ســـرمایه‌پذیران در اقتصاد کشور مورد پذیرش فعالان اقتصادی بوده است، اما بررسی فعالیت سال‌های اخیر این نهاد نشان از گسترش و فراگیر شدن بازارسرمایه با توجه به شرایط تحریمی موجود دارد که حاکی از بروز نقطه عطفی در تاریخ بازارسرمایه است.

به گزارش پایگاه خبری بازار سرمایه (سنا)؛ هرچند سالی که رو به پایان است به نظر تحلیلگران سال دشواری پیش‌بینی می‌شد، اما مدیریت هوشمند در سرمایه‌گذاری مانعی در تحقق پیش‌بینی ها شد؛ این تکیه مالی بر بازار سرمایه در حالی رخ داد که به واسطه اجرای سیاست‌های صحیح پولی و بانکی، امکان جولان نقدینگی در بازارهای موازی مانند طلا و ارز به طور چشمگیر کاهش یافته بود و پول‌های سرگردان راهی جز سرازیر شدن به سمت بورس نمی‌یافتند، به این ترتیب، با بالا رفتن سطح نقدینگی در آن، چرخ‌های صنایع مختلف کشور به گردش مولد درآمد. این نهاد حتی با فراهم کردن بستری مناسب برای تامین مالی بخش‌های خصوصی و دولتی بیش از گذشته مورد توجه نقش‌آفرینان اصلی اقتصادی قرار گرفته است.

سیاست‌گذاران بازار سرمایه هم در این میان به توسعه بســـترهای سرمایه‌پذیری و تنوع بخشی به ابزارها تلاش کردند تا سلایق مختلف موجود در این بازار را پاسخگو باشند. براین اساس، می‌توان گفت در بازار سرمایه تمامی ابزارهای تامین مالی اسلامی موجود است و شرکت های خصوصـــی و دولتی می توانند با تکیه بر این ابزارها به اجرای پروژه های خود بپردازند. به طور مثال مانده اوراق تامین مالی اسلامی از ابتدای دولت یازدهم به طور متوسط ۱۰۷ درصد رشد داشته است و مانده این اوراق تا انتهای آذر ۱۳۹۸ به مقدار ۱۳۷ هزار میلیارد تومان رســـید که نشان از تکیه بیشتر دولت به بازار سرمایه به جای تکیه بر خام فروشی نفت و مواد معدنی است.

در ادامه نگاهی اجمالی بر روند اتفاقات بازار سرمایه طی یک سال اخیر خواهیم داشت:

بر اســـاس آمار موجـــود ارزش بازار اوراق بهادار تهران در پایان آذر ۱۳۹۸ با ۱۱۷ درصد رشد نسبت به پایان آذر پارسال به ۱۸۰۱۳ هزار میلیارد ریال رسید لازم به ذکر است در این عدد سود پرداختی شرکت‌ها لحاظ نمی‌شـــود. در نظر داشته باشید که این رقم نشان دهنده مجموع ارزش روز شرکت‌ها و نشان‌دهنده اندازه و ظرفیت بازار سرمایه است.

ضمن این که بررســـی مجمـــوع ارزش معاملات بورس‌ها شامل بورس تهران، فرابورس ایران، بورس کالا و بورس انرژی در بازه‌های زمانی مورد بررســـی نشان می‌دهد که این ارزش در بازه زمانی یک ساله منتهی به پایان آذر ۱۳۹۸ با ۱۲۰ درصد رشد همراه بوده ؛ همچنین مجموع ارزش معاملات بورس‌ها در ۹ ماهه نخســـت امسال ۵۳ درصد بیشتر از ارزش معاملات بورس‌ها در دوره ۱۲ ماهه سال ۱۳۹۷ بوده است.

این آمارها شتاب رشد شاخصه‌های بازار سرمایه ایران را تنها طی یک ســـال اخیر نشان می‌دهد، این در حالی است که بر اساس آمارها سیل نقدینگی فزآینده هر روز به سمت این بازار جریان می‌یابد و همچنان انتظار رشد بازار را در اذهان تحلیلگران تداعی می‌کند.

اطلاع رســـانی و شفاف‌ســـازی سریع و به موقع، مهمترین رکن در تصمیم‌سازی صحیح برای سرمایه‌گذاران و سهامداران است؛ اصلی که همواره به طور جدی از سوی نهاد ناظر بازار سرمایه کشور پیگیری می شود.

بر این اساس فاکتوری با نام میانگین تعداد روزهای تاخیر در انتشار اطلاعات توسط شرکت‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد و این فاکتور، یکی از مهمترین شاخص‌ها در حوزه شـــفافیت اطلاعاتی در بازار سرمایه محسوب می‌شود.

با توجه به اقدامات انجام شده در این حوزه، میانگین تعداد روزهای تاخیر در انتشار اطلاعات توسط شرکت‌ها از ۱۱ روز در ابتدای ســـال ۱۳۹۷ به یک روز در پایان آذر ۱۳۹۸ کاهش یافته است.

ســـازمان بورس همواره در بحث شفافیت پیشگام بوده و مهمترین برنامه های عملیاتی آن با چند شاخص کلیدی قابل بررسی است.

گفتنی است، طی چهار سال گذشته شاخص ارایه به موقع اطلاعات از ۴۳ درصد به ۹۱ درصد رســـید و شاخص ممانعت از ارائه اطلاعات از ۳۴ درصد به دو درصد رسید.

همچنین، تعداد نهادهـــای مالی تحت نظارت در بازار ســـرمایه از ۵۹۵ نهاد مالی در ابتدای پارســـال با ۹ درصد رشد به ۶۴۹ نهاد مالی در پایان آذر ۱۳۹۸ افزایش یافته است.

به منظور توسعه نهادهای مالی تهیه و تدوین مقررات تامین و فعالیت این نهادها در بازار سرمایه کشور در سال ۹۷ اقداماتی نظیر تدوین، تصویب و ابلاغ مقررات مربوط به صندوق‌های سرمایه‌گذاری انجام شد.

این اقدامات اعم از ایجاد صندوق های سرمایه‌گذاری صندوق در صندوق (FUND OF FUND)، تدوین، تصویـــب و ابلاغ مقـــررات مربوط تأمین مالی جمعی (CROWD FUNDING)، تدوین، تصویب و ابلاغ مقررات مربوط به صندوق‌های سرمایه گذاری جسورانه و خصوصی و نمونه اساسنامه صندوق‌های سرمایه‌گذاری خصوصی، و تصویب و ابلاغ اصلاح دستورالعمل تاسیس و فعالیت موسسات رتبه‌بندی بوده است.

بر این اساس تا انتهای آذر سال ۱۳۹۸، تعداد شش صندوق جسورانه، یک صندوق پروژه ای، یک صندوق زمین و ساختمان و چهار صندوق مبتنی بر کالا در بازار سرمایه مشغول به فعالیت شده اند.

ســـازمان بورس و اوراق بهادار از سال ۹۷ پیشنهاد در نظر گرفتن مشوق‌های مالیاتی انجام افزایش سرمایه از محل سود انباشته (سود تقسیم نشده) را ارائه کرد، اقدامی که به منظور ماندگاری سود ایجادی و جلوگیری از تقسیم سود بیش از توان شرکت‌ها در شرایط تحریم اقتصادی، تمرکز بر منابع داخلی شرکت‌ها به منظور اجرای پروژه‌ها به جای اخذ وام از شبکه بانکی و در عین حال استفادهٔ حداکثری از ظرفیت‌های بازار ســـرمایه حائز اهمیت بود و از این جهت در جلسه مورخ ۱۶ تیر ۹۷ شورای عالی هماهنگی اقتصادی مورد تصویب قرار گرفت.

طبق این بررســـی، ارزش جذب و تجهیز منابع به تفکیک سرمایه‌ای و بدهی در ۹ ماهه منتهی به پایان آذر ۱۳۹۸ با ۱۳۹ درصد رشد نسبت به مدت مشابه پارسال به ۱۲۹۱ هزار میلیارد ریال رســـید؛ لازم به ذکر اســـت عملکرد مجموعه بازار سرمایه در جذب و تجهیز منابع در ۹ ماهه نخست سال ۱۳۹۸ بهتر از عملکرد در دوره ۱۲ ماهه سال ۱۳۹۷ بوده است.

همچنین ارزش انتشار انواع ابزارهای تامین مالی به عنوان بخش بدهی در حوزه جذب و تجهیز منابع، با ۱۰۱ درصد رشد در بازه ۹ ماهه نخست سال ۱۳۹۸ در مقایسه با مدت مشابه در سال ۱۳۹۷ همراه بوده است.

همچنین ارزش مانده اوراق بدهی منتشره در پایان آذر ۱۳۹۸ ۱۳۶۶معادل ۱۰۰۰ میلیارد ریال است که ۴۹ درصد رشد نسبت به پایان آذر ۱۳۹۷ نشان می‌دهد.

یکی از اقدامات مهم انجام شده در جهت صیانت از سرمایه های خرد در بازار سرمایه طی یک سال اخیر، اصلاح قوانین بازار پایه فرابورس ایران بود.

براســـاس بررســـی‌های انجام شده توسط شرکت فرابـــورس ایران و دیدگاه‌های تعدادی از متخصصان و فعالان بازار سرمایه در زمینه لزوم بازبینی در مقررات بازار پایه فرابورس، ســـازمان بورس و اوراق بهادار با اصلاح ضوابط این بازار بنا به پیشنهاد شرکت فرابورس موافقت کرد.این اقدام که در جهت جلوگیری از هر نوع احتمال در دســـتکاری قیمتی در بازار پایه فرابورس انجام شد، کوشید تا از متضرر شدن برخی افراد کم اطلاع به دلیل دامنه باز بازار مزبور جلوگیری کند.

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
صنایع ریخته گری ایران	۲۴۸۹	۲۲۶
بین المللی توسعه ساختمان	۳۲۷۵	۱۸۰
ایران یاساتایرورابر	۷۵۵۵	۴۷۴
بیسکویت گرجی	۲۳۱۸۰	۱۲۳۲
تولیدی فولادسپیدفراب کویر	۳۲۸۲۳	۱۵۶۳
رادیاتور ایران	۵۲۰۱۸	۲۴۷۷
کارتن ایران	۶۲۵۴۰	۲۹۷۸
لنت ترمز ایران	۷۲۸۱۲	۳۴۶۷
پارس سویچ	۶۵۶۵۱	۳۱۲۶
بورس اوراق بهادارتهران	۴۸۱۴۱	۲۲۹۲
فرآورده های نسوزپارس	۷۳۲۴۱	۳۴۸۷
حمل ونقل پتروشیمی(سهامی عام)	۳۱۰۴۴	۱۴۷۸
فولادخراسان	۲۲۹۱۷	۱۰۹۱
صنایع سیمان دشتستان	۲۴۹۱۳	۱۱۸۶
بورسکالاایران	۴۲۳۴۸	۲۰۱۶
شیرپاستوریزه پگاه خراسان	۳۸۱۶۹	۱۸۱۷
ملی سرب وروی ایران	۳۲۵۸۲	۱۵۵۱
داده پردازی ایران	۱۶۳۴۴	۷۷۸
فنرسازی خاور	۱۳۸۰۳	۶۵۷
گروه صنعتی سپاهان	۱۸۰۶۸	۸۶۰
باما	۲۶۴۹۷	۱۲۶۱
پرداخت الکترونیک سامان کیش	۱۴۷۱۰	۷۰۰
رینگ سازی مشهد	۱۳۹۳۹	۶۶۳
بانک پارسیان	۴۹۴۴	۲۳۵
گروه مدیریت سرمایه گذاری امید	۹۸۷۶	۴۷۰
داده گسترعصرنوین-هایوب	۱۱۱۴۹	۵۳۰
پتروشیمی شیراز	۱۵۵۹۵	۷۴۲
سیمان قائن	۳۸۹۶۳	۱۸۵۵
تولیدمحورخودرو	۱۵۸۷۱	۷۵۵
فولادکاوه جنوب کیش	۶۳۲۴	۳۰۱
پتروشیمی شازند	۱۱۹۸۶	۵۷۰
بیمه البرز	۴۷۲۲	۲۲۴
لیزینگ صنعت ومعدن	۳۸۸۸	۱۸۵
آسان پرداخت پرشین	۱۸۱۸۷	۸۶۶
سرمایه گذاری توسعه آذربایجان	۲۲۸۶۹	۱۰۸۹
توریستی ورفاهی آبادگران ایران	۱۱۶۹۱	۵۵۶
معدنی وصنعتی چادرملو	۷۴۹۱	۳۵۶
سرمایه گذاری شفادارو	۱۷۴۰۲	۸۲۵
ماشین سازی اراک	۴۹۱۸	۲۳۴
به پرداخت ملت	۲۴۸۱۸	۱۱۸۱
سیمان خاش	۳۷۱۸۹	۱۷۷۰
کارخانجات تولیدی شهیدقندی	۳۲۷۱۸	۱۵۵۸
صنایع آذرآب	۱۴۴۳۸	۶۸۷
سیمرغ	۱۷۷۸۹	۸۴۷
داروپخش(هلدینگ)	۶۳۵۶۲	۳۰۲۶
فنرسازی زر	۷۴۴۸	۳۵۴
پتروشیمی پردیس	۲۷۸۶۹	۱۳۲۷
کشاورزی ودامپروری مگسال	۱۸۳۹۹	۸۷۶
فرآورده های نسوز آذر	۱۸۶۸۷	۸۸۹
خدمات انفورماتیک	۲۱۶۸۹	۱۰۳۲
افست	۱۶۹۶۴	۸۰۷
سرمایه گذاری غدیر(هلدینگ)	۴۵۱۳	۲۱۴
سرمایه گذاری البرز(هلدینگ)	۸۳۳۸	۳۹۷
گروه صنعتی بوتان	۴۳۸۴۱	۲۰۸۷
سیمان بجنورد	۱۷۶۴۵	۸۴۰
داروسازی کوثر	۱۴۲۴۷	۶۷۸
سرمایه گذاری صندوق بازنشستگی	۵۷۶۱	۲۷۴
معدنی املاح ایران	۴۸۱۷۸	۲۲۹۴
پارس الکتریک	۳۷۱۲۴	۱۷۶۷
پرداخت الکترونیک سامان کیش	۱۴۷۱۰	۷۰۰
فروسیلیس ایران	۱۹۴۰۰	۹۲۳
سرمایه گذاری ساختمان ایران	۱۹۴۱۱	۹۲۴
معدنی وصنعتی گلگهر	۸۷۰۰	۴۱۴
مخابرات ایران	۶۸۴۳	۳۲۵
داروسازی امین	۱۲۷۷۰	۶۰۸
شهدایران	۳۴۳۶۳	۱۶۳۶
نوسازی وساختمان تهران	۵۷۸۹	۲۷۵
بیسکویت گرجی	۲۵۹۶۷	۱۲۳۶
درخشان تهران	۵۲۳۸۱	۲۴۹۴
صنایع لاستیکی سهند	۱۸۰۵۲	۸۵۹
پمپ سازی ایران	۱۵۱۱۸	۷۱۹
س.صنایع شیمیایی ایران	۱۴۳۲۳	۶۸۲
ایران ارقام	۱۰۲۶۵	۴۸۸
بانک پاسارگاد	۳۱۹۵	۱۵۲
تولیدی مهرام	۶۲۳۹۴	۲۹۷۱
البرزدارو	۱۷۰۲۱	۸۱۰
لیزینگ ایران	۱۵۰۴۲	۷۱۶
سیمان ارومیه	۱۴۵۰۱	۶۹۰
کاشی الوند	۲۰۳۵۴	۹۶۹
لبنیات کالبر	۱۳۴۴۶	۶۴۰
داروسازی اسوه	۱۷۳۹۶	۸۲۸
کویرتایر	۱۶۴۱۱	۷۸۱
داروسازی فارابی	۴۱۰۰۴	۱۹۵۲
داروسازی روزدارو	۱۲۰۶۰	۵۷۴
توسعه شهری توس گستر	۵۵۲۹	۲۶۳
سازه پویش	۸۱۴۸۳	۳۸۸۰
دارویی لقمان	۱۱۰۶۲	۵۲۶
تولیدموادولیه داروپخش	۲۸۵۷۵	۱۳۶۰
سبحان دارو	۱۳۲۱۶	۶۲۹
توسعه معادن روی ایران	۱۰۰۹۶	۴۸۰
ایران یاساتایرورابر	۹۴۳۹	۴۴۹
بیمه پارسیان	۸۰۰۳	۳۷۵
قندمرودشت	۳۲۲۹۹	۱۵۳۸
نفت پارس	۲۶۵۰۰	۹۱۳
سالمین	۷۲۱۴۷	۳۴۳۵
فرآوری موادمعدنی ایران	۱۶۹۱۷	۸۰۵
قندهکمتان	۲۹۲۰۹	۱۳۹۰
گروه دارویی برکت	۴۸۰۰	۲۹۴
کشت وصنعت پیاذر	۳۰۶۶۷	۱۴۶۰
شیشه همدان	۱۴۰۶۸	۶۶۵
کربن ایران	۵۳۵۸۳	۲۵۵۱
سیمان بهبهان	۴۳۲۰۴	۲۰۵۷
گروه دارویی سبحان	۱۰۵۹۵	۵۰۴
گلتاش	۲۰۲۰۶	۹۶۲
بهنوش ایران	۳۴۰۲۰	۱۶۲۰
فولادامیرکبیرکاشان	۲۴۹۰۱	۱۱۸۵
پتروشیمی پارس	۶۶۳۹۷	۳۱۶۱
داروسازی زهراوی	۱۱۹۹۸	۵۷۱
تکنوتار	۹۸۰۳	۴۶۶
گسترش صنایع وخدمات کشاورزی	۴۱۳۳۵	۱۹۶۸
ایران دارو	۱۴۸۹۵	۷۰۹
ساپیاشیشه	۱۳۱۹۹	۴۳۱

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
گروه دارویی برکت	۶۵۶۳	۳۱۲
بانک پارسیان	۴۸۲۰	۱۱۱
پشم شیشه ایران	۳۶۴۷۱	۱۷۳۶
سرمایه گذاری سپه	۵۱۷۲	۲۴۶
کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران	۱۵۴۲۹	۷۳۴
پتروشیمی نوری	۶۰۹۳۴	۲۹۰۱
فولادخوزستان	۱۲۲۶۲	۵۸۳
تامین ماسه ریخته گری	۳۸۵۱۵	۱۸۳۴
داروسازی ابوریحان	۳۷۱۵۹	۱۷۶۹
داروسازی زاگرس فارمدپارس	۱۶۹۶۸	۸۰۸
پتروشیمی خراسان	۲۷۱۰۳	۱۲۹۰
کارت اعتباری ایران کیش	۶۵۵۰	۳۱۱
پلی پروپیل نجم-جم پیلن	۳۵۴۰۸	۱۶۸۶
کالسیمین	۱۸۸۶۶	۸۳۰
سیمان مازندران	۶۵۸۶	۳۱۳
فرآورده های غذایی وقندپیرانشهر	۵۲۰۷۱	۱۶۷۰
سیمان ایلام	۸۳۶۲	۳۹۸
سیمان ایلام	۵۹۹۸	۳۴۱
سیمان فارس وخوزستان	۸۱۶۷	۳۵۷
سیمان خوزستان	۸۳۹۷	۳۹۹
لعابیران	۱۷۹۴۱	۸۵۴
بانک خاورمیانه	۵۸۹۳	۲۸۰
شیمی دارویی داروپخش	۲۴۳۵۰	۱۱۵۹
نوردآلومینیوم	۸۷۴۰	۱۲۴
سیمان دورود	۴۸۵۰	۱۱۶
سیمان شرق	۴۰۶۱	۱۹۳
سرامیک های صنعتی اردکان	۲۳۷۴۸	۷۵۵
جام دارو	۳۲۰۰۰	۹۵۳
لامیران	۵۲۸۳۶	۲۵۱۶
بانک صادرات ایران	۷۲۳	۱۹
بانک ملت	۷۹۲۸	۲۲۵
داروسازی سینا	۱۸۹۳۳	۹۰۱
داروسازی جابرابن حیان	۱۳۰۰۰	۴۵۰
دشت مرغاب	۱۱۶۳۷۶	۵۵۴۱
پلاسکوکار	۵۱۸۰	۲۴۶
تامین سرمایه لوتوس پارسیان	۵۱۳۰	۱۸۱
نیرومحرکه	۱۴۶۰۰	۵۲۸
گسترش نفت وگازپارسیان	۷۶۹۴	۳۶۵
حمل ونقل توکا	۱۶۵۴۰	۷۸۷
خوراک دام پارس	۶۴۸۲۱	۳۰۸۶
سیمان صوفیان	۶۲۰۰	۲۴۲
ماشین سازی نیرومحرکه	۹۸۶۱	۴۴۳
صنایع ریخته گری ایران	۳۳۷۷	۱۶۰
سرمایه گذاری صنعت بیمه	۲۹۷۷	۸۷
صنایع پتروشیمی کرمانشاه	۱۲۲۴۹	۵۸۳
دوده صنعتی پارس	۱۲۷۸۳	۶۰۸
پتروشیمی جم	۱۵۲۹۶	۷۰۷
نیروکلر	۲۲۱۸۹	۷۱۸
گروه پتروشیمی س.ایرانیان	۳۸۵۹	۹۴
نیروترانس	۲۶۹۰۰	۱۲۶۱
فراورده های نسوزایران	۳۰۵۰۰	۱۱۹۶
سیمان غرب	۱۱۴۷۰	۲۷۷
سرمایه گذاری گروه توسعه ملی	۶۳۵۱	۱۹۸
پارس مینو	۲۰۶۰۰	۷۵۴
سرمایه گذاری توکافولاد(هلدینگ)	۷۲۳۰	۲۴۳
کنترل خوردگی تکین کو	۲۵۰۳۴	۱۱۹۲
دارویی رازک	۳۲۱۸۰	۱۰۸۴
سیمان فارس	۱۰۲۹۹۹	۳۴۰۰
پتروشیمی پارس	۶۵۱۷۷	۱۹۴۱
سرمایه گذاری پردیس	۳۷۰۰	۱۲۲
توسعه صنایع بهشهر(هلدینگ)	۷۱۹۰	۲۴۸
سرمایه گذاری آتیه دماوند	۶۰۴۵	۱۷۶
گروه صنعتی پاکشو	۱۱۱۹۶۸	۵۳۳۱
سرمایه گذاری توسعه ملی	۵۴۴۷	۱۷۶
صنایع کاغذسازی کاوه	۲۳۶۸۹	۱۰۸۵
صنعتی بهشهر	۱۲۱۲۱	۳۲۵
معادن منگنز ایران	۵۰۵۰۰	۲۰۱۱
مس شهید باهنر	۲۲۴۱۰	۸۳۲
پارس دارو	۳۹۸۰۰	۱۱۰۵
گروه توسعه صنعتی ایران	۷۵۱۳	۲۰۸
سرمایه گذاری آتیه دماوند	۶۱۴۹	۲۸۰
سیمان کرمان	۹۵۴۵	۳۴۰
پارس دارو	۳۹۵۰۲	۸۰۷
لیزینگ رایان سایپا	۳۱۶۶	۶۱
فولادآلیاژی ایران	۹۱۰۰	۲۲۹
بیمه آسیا	۸۳۶۰	۱۲۷
کابل البرز	۱۵۵۶۶	۳۹۸
مارگارین	۱۳۰۸۰	۵۶۵
نفت بهران	۲۷۰۰۰	۷۳۲
سرمایه گذاری دارویی تامین	۳۳۰۶۰	۸۷۸
توسعه معادن وفلزات	۶۶۱۵	۲۷۵
سرمایه گذاری شاهد	۳۳۹۰	۸۲
لابراتوارداروسازی دکترعبیدی	۳۸۳۹۶	۱۳۷۴
ملی صنایع مس ایران	۶۳۴۸	۱۵۶
ایران مرینوس	۳۶۱۱۰	۹۸۸
س.ص.بازنشستگی کارکنان بانک ها	۲۹۰۹	۸۲
کارخانجات قندقزوین	۲۲۳۰۰	۶۳۹
تامین سرمایه امید	۳۱۹۶	۱۲۳
عمران وتوسعه فارس	۴۲۳۵	۴۱
آلومینیوم ایران	۱۱۳۵۰	۱۶۲
محورسازان ایران خودرو	۵۰۵۰	۱۴۲
کارخانجات تولیدی شیشه رازی	۱۰۷۳۴	۵۱۱
لامپ پارس شهاب	۵۴۱۱۶	۲۵۷۶
توسعه معادن وفلزات	۶۴۸۱	۱۴۱
سرمایه گذاری بهمن	۶۰۹۹	۱۴۴
سیمان داراب	۷۹۷۴	۲۵۷
فرآورده های تزریقی ایران	۱۶۷۰۰	۴۷۸
همکاران سیستم	۱۴۱۸۴	۵۰۳
معدنی دماوند	۹۷۰۰۰	۲۴۳۲
حمل ونقل بین المللی خلیج فارس	۴۸۱۹	۷۰
بانک اقتصادنوین	۳۸۶۴	۵۳
فولادمبارکه اصفهان	۴۰۰۰	۸۲
سرمایه گذاری صدرت امین	۴۶۴۰	۱۰۳
پتروشیمی فناوران	۹۴۰۰۰	۲۸۶۲
سرمایه گذاری سایپا	۲۹۱۷	۶۷
تامین سرمایه نوین	۴۸۰۰	۱۷۳
سرمایه گذاری توسعه صنایع سیمان	۴۳۰۰	۱۰۳
آهنگری تراکتورسازی ایران	۶۶۰۰	۹۵
پالایش نفت تهران	۶۹۲۰	۵۹
مبین انرژی خلیج فارس	۱۱۹۵۲	۲۳۲
بین المللی محصولات پارس	۱۳۳۳۹	۱۷۰
تجارت الکترونیک پارسیان	۵۶۲۵	۱۳۲

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
فولادآلیاژی ایران	۷۵۲۰	-۲۴۲
کارخانجات داروپخش	۳۳۵۵۰	۱۲۰۷
سرمایه گذاری صنعت بیمه	۴۵۸۰	۱۰۴
قندلرستان	۲۰۸۸۸	۱۳۹
سرمایه گذاری پارس توشه	۱۲۴۹۹	۲۰۳
سیمان فارس نو	۲۳۹۹۷	۶۱۸
س.نفت وگازوپتروشیمی تأمین	۴۵۰۹	۸۱
فولادمبارکه اصفهان	۴۰۰۰	۸۲
غلتک سازان سپاهان	۱۷۳۰۰	۲۱۹
پتروشیمی خارک	۲۶۴۹۸	۸۰۰
سیمان خزر	۹۸۰۰	-۳۹۹
حفاری شمال	۸۲۵۰	۳۵
بیمه ما	۶۲۶۰	۱۱۳
بانک کارآفرین	۴۱۳۵	۶۸
قندنیشابور	۱۶۲۵۰	۲۶۰
صنایع کاشی وسرامیک سینا	۱۸۰۹۵	۲۹۹
گروه صنعتی بارز	۱۱۷۹۹	۱۵
مدیریت صنعت شوینده ت.ص.بهشهر	۱۷۸۶۸	۳۱۷
تایدواترخاورمیانه	۱۱۵۵۰	۱۸۳
پست بانک ایران	۵۹۵۰	۹۷
توسعه معدنی وصنعتی صبانور	۱۲۱۲۳	۱۸۷
موتوژن	۲۶۴۰۰	۱۹۸
سیمان شاهرود	۸۵۳۰	۱۵۱
گروه مینا(سهامی عام)	۱۴۳۹۹	-۹۱
پاکسان	۱۸۸۰۰	۱۱۱
سرمایه گذاری مسکن شمال شرق	۳۹۳۷	۷۸
پارس خودرو	۲۷۰۲	۲۳
صنایع پتروشیمی خلیج فارس	۱۰۴۵۰	۱۴۳
الکتریک خودروشرق	۸۵۵۰	-۴۱
گروه صنایع بهشهرایران	۶۲۴۵	۱۱
چرخشگر	۷۱۲۴	۲۰
بیمه دانا	۸۰۵۹	۵۴
سیمان کردستان	۴۹۸۰	۳۶
پارس سرام	۹۷۷۰۰	۷۴
فروشگاه های زنجیره ای افق کوروش	۷۷۷۰۰	۱۱۸۵
کمباین سازی ایران	۵۰۹۹	۶۴
شکرشاهرود	۲۳۸۵۵	۹۳
فجرانرژی خلیج فارس	۱۳۹۳۱	۲۶۲
شرکت ارتباطات سیارایران	۱۶۳۹۹	۳۶
صنایع خاک چینی ایران	۴۱۳۰۰	۸۵۰
سرمایه گذاری خوارزمی	۳۳۹۱	-۲۹
سینتا	۱۴۹۴۰۰	۶۶
بانک سینا	۳۸۰۰	۴۲
صنایع شیمیایی سینا	۱۰۷۲۵۳	-۱۱۴۹
کمک فنراینداامین	۱۱۲۰۰	-۱۱۶
سیمان آرتااردبیل	۲۹۴۹۸	۴۰۸
ملی کشت وصنعت ودامپروری پارس	۴۵۴۴۹	-۲۲
زامیاد	۲۹۴۹	۵
پالایش نفت اصفهان	۶۳۵۰	۴۴
مهندسی نصیرماشین	۱۳۷۷۹	-۸
شیرپاستوریزه پگاه اصفهان	۶۱۹۹۹	-۱۴۸۴
لوله وماشین سازی ایران	۱۸۲۵۰	-۱۸۷
سایپاآذین	۴۳۱۲	-۴۶
سرمایه گذاری اعتبارایران	۳۹۱۸	۷۸
سیمان سپاهان	۴۷۴۴	۳۰
تولیدی چدن سازان	۱۱۴۰۰	-۱۱۰
کشت وصنعت چین چین	۴۱۸۵۱	-۵۰۲
سرمایه گذاری صدرت امین	۴۵۵۰	۱۳
سرمایه گذاری نیرو	۲۸۳۰	-۵
سایپا	۳۲۹۶	-۳۸
پالایشنفتتبریز	۳۸۵۴۹	۴۵۴
تراکتورسازی ایران	۱۱۵۱۰	۱۶۸
سرمایه گذاری مسکن	۳۲۶۸	-۱۴
سرمایه گذاری صنایع پتروشیمی	۹۸۵۹	-۳۱
گروه بهمن	۳۴۹۹	-۵
پالایش نفت بندرعباس	۱۱۲۰۰	-۱۲۴
آبسال	۳۲۰۰۰	-۲۷۰
نفت سپاهان	۱۱۱۴۰	-۴۷
شیشه وگاز	۳۳۸۷۰	۷
لیزینگ ایرانیان	۵۰۴۰	-۷۴
واسپاری ملت	۵۱۱۱	-۴۹
سرمایه گذاری ملی ایران	۱۲۴۰۰	۲۳۷
فیبرایران	۴۶۶۰	-۱۱۸
سیمان خزر	۱۰۸۴۶	-۱۹۳
شهد	۲۰۹۱۰	۲۰۸
داروسازی اکسیر	۷۰۵۰۰	۱۵۴۲
سیمان تهران	۳۰۴۹۴	-۵۷
سرمایه گذاری رنا(هلدینگ)	۲۸۲۹	-۱۲
سیمان اصفهان	۶۰۳۵۱	-۵۳۹
سرمایه گذاری بوعلی	۴۴۷۴	-۱۲۰
کیمیدارو	۱۶۳۶۹	-۳۳۵
صنایع شیمیایی فارس	۹۹۹۹	-۲۷
گسترش سرمایه گذاری ایران خودرو	۱۴۴۵۰	-۲۷۷
لیزینگ خودروغدیر	۵۹۵۲	-۱۰۸
سیمان شمال	۶۸۷۵	-۴۳
پگاه آذربایجان غربی	۱۱۱۷۰	۱۸۲
گروه صنعتی ملی(هلدینگ)	۸۹۰۰۰	-۱۶۷۶
ایرکاپارتصنعت	۶۸۶۴	-۷۰
موتورسازان تراکتورسازی ایران	۷۲۴۱	-۱۱۹
صنعتی آما	۱۳۲۱۰	-۲۵۶
پارس خزر	۷۶۳۱۱	-۱۵۸۶
بیمه ملت	۸۳۸۰	۶
قندثابت خراسان	۳۵۵۰۵	۱۴۶
ذغال سنگ نگین طبس	۲۳۰۵۱	-۲۳۷
سیمان شمال	۴۸۷۰	-۷۷
بانک تجارت	۶۸۳	-۱۴
ایران ترانسفو	۱۶۹۹۰	-۶۱۶
کاشی سعدی	۲۲۲۰۰	-۸۷
آلومراد	۵۸۰۶۱	-۸۲
سرمایه گذاری توسعه صنعت وتجارت	۴۵۰۲	-۱۴۹
ایران تایر	۳۰۱۹۱	-۴۰۳
مهرکام پارس	۴۷۹۰	-۶۲
ایران خودرو	۱۱۴۳۴	-۴۶۸
سرمایه گذاری صنعت نفت	۱۱۲۹۰	-۱۹۸
نوردوقطعات فولادی	۵۶۸۹۹	-۱۵۹۲
سرماآفرین	۱۵۲۰۹	-۳۹۲
سیمان هگمتان	۱۷۳۹۸	-۱۵۷
سیمان هرمزگان	۱۲۲۹۹	-۴۲۹
تولیدی کاشی تکسرام	۱۴۰۵۵	-۳۵۵
سیمان سفیدنی ریز	۵۰۷۵۰	-۱۵۰۱
قنداصفهان	۵۵۰۰۰	-۱۶۶۷
صنایع جوشکاب یزد	۷۷۳۹۸	-۳۴۷۰
فیبرایران	۳۶۸۰	-۳۰۹

ادامه در صفحه ۹

مشخصات و شماره تلفن‌های نمایندگی‌های روزنامه اطلاعات استان آذربایجان غربی

شهرستان	نام نماینده	شماره تلفن دفتر	تلفن همراه
ارومیه	رضا دهقانیان	۳۲۲۲۴۷۴۳ ۳۲۲۲۸۴۵۷	۰۹۱۴۳۴۳۹۹۴۲
خوی	جبیری	۳۶۲۲۹۶۴۰	-
سلماس	عاقلی	۳۵۲۴۲۵۷۵	۰۹۱۴۴۴۳۱۱۰۴
میاندوآب	مظفر دوست احمدی	۰۹۱۴۷۹۴۹۰۰۲	۰۹۱۴۹۷۹۳۰۷۱
سردشت	اسماعیل‌زاده	-	۰۹۱۸۸۷۰۸۳۴۳
مهاباد	قبادی	۴۲۲۲۳۰۸۸	۰۹۱۴۴۴۲۷۰۸۹
ماکو	دده خانی	۳۴۲۲۳۳۴۳	۰۹۱۴۳۶۲۲۰۵۹
نقده	کاتب	۳۵۶۲۲۴۷۰	-
سیه‌چشمه	رضایی	۳۴۲۶۲۲۵۵	۰۹۱۴۴۶۲۴۳۹۰
بوکان	قربانی	۴۶۲۳۲۰۲۹ ۴۶۲۳۳۲۵۲	۰۹۱۴۱۸۰۶۱۹۴
شوط ـ ماکو	بایرام‌زاده	۳۴۲۷۶۶۲۲	۰۹۱۴۹۶۰۵۵۸۴
مرز بازرگان	علیزاده	۳۴۳۷۶۰۰۱	۰۹۱۴۴۶۱۸۵۲۳
تکاب	خالقی‌نژاد	-	۰۹۱۴۴۸۲۰۳۲۴
اشنویه	محمدنژاد	۰۹۳۶۹۵۹۰۷۵۳	۰۹۱۴۱۸۸۴۵۳۰
پیرانشهر	درویشی	۴۴۲۲۴۴۴۰	۰۹۱۴۳۴۳۳۰۵۹

وزیر صنعت: ۹۰ درصد پوشاک مورد نیاز مردم در داخل کشور تولید می‌شود

سرویس شهرستان ها: کارخانه تولید شمش طلای بردسکن در مراسمی با حضور وزیر صنعت، معدن و تجارت بهره‌برداری شد.

این کارخانه با سرمایه ۱۲۰ میلیارد تومان ساخته شده است و از این طریق برای ۱۸۰ نفر به طور مستقیم اشتغالزایی می‌کند.

در این مراسم امام جمعه، نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی، فرماندار بردسکن و مدیران صنعت و معدن خراسان رضوی، معاون اقتصادی استاندار خراسان رضوی و جمعی از کارفرمایان و کارگران صنعت شرکت داشتند.

ایران در تولید چادر مشکی خودکفا می‌شود

وزیر صنعت، معدن و تجارت در حاشیه بازدید از طرح توسعه واحدهای نساجی بردسکن گفت: تقویت زنجیره تولید نساجی در دستور کار است و در تلاش هستیم تا واردات را در این حوزه متوقف کنیم و روی خودکفایی تمرکز کرده‌ایم.

رضا رحمانی با بیان این که ۹۰ درصد انواع پوشاک مورد نیاز مردم در داخل کشور تولید می‌شود، افزود: میزان تولیدات در حوزه نساجی و پوشاک باید بیشتر شود و این مهم را در اولویت‌های امسال خود قرار داده‌ایم.

وزیر صنعت، معدن و تجارت یکی از برنامه‌های امسال این وزارتخانه را بهره‌برداری از چند واحد نساجی اعلام کرد و گفت: تقویت زنجیره تولید نساجی در دستور کار است و در تلاش هستیم تا واردات را در این حوزه متوقف کنیم و روی خودکفایی تمرکز کرده‌ایم.

وی با بیان این که پیش از این ۹۰ درصد نیاز کشور به چادر مشکی از خارج کشور تامین می‌شد، تاکید کرد: طرح‌های جدیدی در این حوزه در دستور کار است و طی ماه‌های آتی پارچه داخلی چادر مشکی به بازار عرضه می‌شود؛ دولت هم حوزه نساجی را جزو پروژه‌های اقتصاد مقاومتی قرار داده است.

رحمانی با بیان این که ارائه تسهیلات به بخش تولید از سوی دولت در دستور کار است، افزود: کمبود نقدینگی یکی از مشکلات فعلی است که درصدد هستیم از طریق انتشار اوراق مشارکت و یا تشکیل صندوق‌های خاص این مشکل را رفع کنیم.

مدافع تولیدکنندگان هستیم

وزیر صنعت، معدن و تجارت همچنین در حاشیه بازدید از یک شرکت نساجی واقع در شهرک صنعتی گفت: یکی از اولویت‌های ما ممانعت از واردات است و برای مثال از ورود ۱۵۰۰ مورد تعرفه وارداتی جلوگیری کرده‌ایم و این مورد را صرفا با هدف حمایت از تولیدکنندگان در دستور کار قرار داده‌ایم.

رحمانی با بیان این که با وجود تحریم‌ها خوشبختانه در صنعت آلومینیوم، پتروشیمی و دیگر صنایع افزایش تولید را شاهد بوده‌ایم، تاکید کرد: تحریم‌ها تاثیری بر روند تولید نداشته است و همواره صنایع را در اولویت حمایت خود قرار داده‌ایم.

وی با تاکید بر این که اجازه نمی‌دهیم تولیدکنندگان با مشکل مواجه شوند، ادامه داد: بانک‌های عامل هم به تولیدکنندگان تسهیلاتی ارائه می‌کنند.

رحمانی با تاکید بر این که وزارت صنعت، معدن و تجارت از ورود کالاهای بی‌کیفیت ممانعت می‌کند، افزود: حمایت از صنایع در مسیر اقتصاد مقاومتی از دیگر اولویت‌های وزارت صنعت و معدن و تجارت است.

وی با اشاره به رویه ثبت سفارش کالا اظهار داشت: روند ثبت سفارش به این معنا نیست که هر کس هر کالایی را وارد کند، بلکه کالای مورد نظر باید استانداردهای کیفی لازم را داشته باشد، در غیر این صورت از ورود آن جلوگیری می‌کنیم.

آبادانی مناطق محروم کشور با اجرای ۳۴ هزار پروژه عمرانی برکت

سرویس شهرستانها: تعداد پروژه‌های عمرانی و زیربنایی بنیاد برکت ستاد اجرایی فرمان امام (ره) در مناطق محروم کشور به بیش از ۳۴ هزار پروژه رسید.

امیر حسین مدنی مدیرعامل بنیاد برکت ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره) گفت: این بنیاد بیش از ۳۴ هزار و ۴۲۴ پروژه عمرانی و زیربنایی را در مناطق محروم و کمتر توسعه یافته کشور به بهره‌برداری رسانده است و یا در دست اقدام دارد.

وی افزود: بنیاد برکت برای اجرای این پروژه‌ها بیش از ۲۲ هزار و ۷۰۰ میلیارد ریال اعتبار پیش بینی کرده و تخصیص داده است.

مدیرعامل بنیاد برکت اظهار داشت: ۳۴ هزار و ۴۲۴ پروژه عمرانی و زیربنایی مذکور شامل ۱۷۰۰ مدرسه، ۱۱۶۰ مسجد و مراکز فرهنگی و مذهبی، ۳۱۴ خانه عالم و ۲۸ حوزه علمیه، ۳۰ هزار واحد مسکن محرومین، ۲۲۵ بیمارستان و مرکز جامع سلامت و ۸۱۵ پروژه زیربنایی دیگر شامل آب‌رسانی، ساخت راه و جاده، برق‌رسانی ومرمت قنوات می‌شود.

مدنی اعتبار تخصیص داده شده برای ساخت مدارس برکت، مساجد و مراکز فرهنگی، مسکن محرومین، پروژه‌های زیربنایی، و ساخت و تکمیل بیمارستان و مراکز و خانه‌های بهداشت را به ترتیب ۸ هزار و ۹۸۰، یک‌هزار و ۴۴۰، یک‌هزار و ۴۰، ۴ هزار و ۲۴۰ و ۷ هزار میلیارد ریال اعلام کرد و با اشاره به ساخت ۱۷۰۰ مدرسه برکت با ۹۵۴۰ کلاس درس در مناطق محروم کشور گفت: این مدارس در ۲۶۰۰ روستای محروم ۳۱ استان کشور در دست ساخت است که از این تعداد، ۱۲۴۵ مدرسه به بهره‌برداری رسیده است و ۲۰۰ هزار دانش آموز در آنها مشغول به تحصیل شده‌اند. این بنیاد همچنین نسبت به ساخت ۱۱۶۰ مسجد، حسینیه، مصلی و دارالقرآن در ۲۲۵۰ روستای کشور متعهد است که از این تعداد، ۸۴۰ پروژه را به بهره‌برداری رسانده است و مابقی را در دست احداث دارد.

مدنی افزود: بنیاد برکت ساخت ۳۱۴ خانه عالم وساخت، تجهیز و تکمیل ۲۸ حوزه علمیه را نیز در دستور کار دارد که تا کنون ۲۰۰ خانه عالم و ۲۳ حوزه علمیه را به پایان رسانده است.

وی درباره پروژه‌های عمرانی و زیربنایی بنیاد برکت در حوزه بهداشت و درمان نیز گفت: ساخت ۲۲۵ طرح را در این حوزه در دست اقدام داریم. بنیاد برکت در ساخت و تکمیل ۱۰ بیمارستان در سراسر کشور مشارکت داشته که از این تعداد، ۸ بیمارستان آغاز به کار کرده است.

مدیرعامل بنیاد برکت گفت: این بنیاد در حال ساخت ۴ مرکز تخصصی درمان سرطان با ظرفیت ۵۶۰ تخت و بیمارستان بین‌المللی ۷۴۰ تختخوابی برکت است و همچنین از ۲۱۰ مرکز جامعه سلامت و خانه بهداشت، ۱۴۰ مرکز در ۶۰۰ منطقه محروم و روستایی کشور افتتاح شده است.

مدنی با اشاره به ساخت ۳۰ هزار واحد مسکن محرومان توسط بنیاد برکت با حجم سرمایه‌گذاری یک‌هزار و ۴۰ میلیارد ریال بیان کرد: تا به امروز ۱۱ هزار واحد تکمیل و در اختیار نیازمندان قرار داده شده است.

به گفته وی، بنیاد برکت همچنین ۸۱۵ پروژه عمرانی و زیربنایی دیگر را در حوزه‌هایی نظیر آب‌رسانی، ساخت جاده و پل، برق‌رسانی، راه‌سازی و مرمت قنوات در ۲ هزار روستای محروم کشور در دست اقدام دارد و یا به بهره‌برداری رسانده است.

مدیرعامل بنیاد برکت با تاکید بر این‌که تمامی ۳۱ استان کشور تحت پوشش طرح‌های عمرانی و زیربنایی این بنیاد قرار دارند، اضافه کرد: هر چند بنیاد برکت با توجه به منویات مقام معظم رهبری و تاکیدات و سیاست‌های ابلاغی از سوی ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره) مبنی بر محرومیت‌زدایی و توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی جوامع محروم و کمتر توسعه یافته از طریق ایجاد فرصت‌های کسب و کار، عمده فعالیت‌ها و اقدامات خود را بر اشتغال‌زایی در این مناطق متمرکز کرده است، اما به اجرای طرح‌های عمرانی و زیربنایی در مناطق روستایی و محروم نیز توجه ویژه دارد.

*** ایجاد۲۲۹هزار شغل بنیاد برکت با مشارکت‌های اقتصادی**

بنیاد برکت ستاد اجرایی فرمان امام از طرح اشتغال‌زایی بنگاه‌محور، ۲۲۹ هزار شغل ایجاد کرده است.

معاون تامین نهاده‌ها و مشارکت‌های اقتصادی بنیاد برکت ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره) دراین باره افزود: در قالب طرح اشتغال‌زایی بنگاه‌محور و با هدف محرومیت‌زدایی، توانمندسازی اقتصادی و ایجاد فرصت‌های کسب و کار از طریق مشارکت با واحدهای صنعتی و تولیدی، ۲۲۸ هزار و ۹۰۰ فرصت شغلی در مناطق محروم و کمتر توسعه یافته ایجاد کرده است.

هادی جوهری اظهار داشت: این تعداد اشتغال شامل ۳۸ هزار و ۱۵۰ فرصت شغلی مستقیم و۱۹۰ هزار و ۷۵۰ شغل غیرمستقیم می‌شود و با حجم سرمایه‌گذاری ۵۴ هزار و ۵۰۰ میلیارد ریالی از سوی بنیاد برکت راه‌اندازی شده است.

به گفته معاون تامین نهاده‌ها و مشارکت‌های اقتصادی بنیاد برکت، مدل اشتغال‌زایی بنگاه‌محور یکی از روش‌های این بنیاد برای ایجاد اشتغال در مناطق محروم است که در این مدل، اشتغال‌زایی و محرومیت‌زدایی از طریق مشارکت و توانمندسازی بنگاه‌های اقتصادی دنبال می‌شود.

وی ادامه داد: بنگاه برکت از سال ۱۳۸۷ اقدام به مشارکت با بنگاه‌های اقتصادی در قالب طرح اشتغال‌زایی بنگاه‌محور کرده و تاکنون با ۳۵۰ شرکت مشارکت داشته و از ۲۵۰ شرکت خارج شده است.

جوهری اضافه کرد: کرمانشاه، کردستان، خراسان رضوی، آذربایجان شرقی، کرمان، آذربایجان غربی، خراسان جنوبی و اصفهان از جمله استان‌هایی هستند که بیشترین شرکت‌های مشارکتی بنیاد برکت در آن‌ها واقع شده است.

وی اضافه کرد: شرکت‌های مشارکتی بنیاد برکت عمدتا در صنایع برق، الکترونیک و تجهیزات مهندسی؛ کانی‌های فلزی و غیرفلزی و ساخت فلزات اساسی؛ سلولزی، چوب، کاغذ و مصالح ساختمانی؛ غذایی و دارویی؛ کشاورزی، دامپروری و شیلات؛ شیمیایی؛ تبدیلی، چاپ و بسته بندی و صنایع عمومی مشغول به فعالیت هستند.

معاون تامین نهاده‌ها و مشارکت‌های اقتصادی بنیاد برکت افزود: ۹ شرکت مشارکتی بنیاد برکت در زمینه صادرات محصولات‌شان فعال هستند و تاکنون موفق به صادرات تولیدات خود همچون شمش روی، کاغذ کارتن، شیشه سکوریت، سیم و کابل، کلید و پریز، خرما، ماهی و میگو و تخم مرغ به کشورهای مقصد و از جمله ترکیه، روسیه، چین، هنگ‌کنگ، تایلند، ترکمنستان، افغانستان، عراق و امارات شده‌اند.

جوهری ارزش ریالی و ارزی حجم کل صادرات شرکت‌های مشارکتی بنیاد برکت را به ترتیب ۲۲۵۶ میلیارد ریال و ۴۵/۵ میلیون دلار اعلام و اظهار امیدواری کرد که با رفع موانع صادرات، تعداد و حضور شرکت‌های مشارکتی بنیاد برکت در بازارهای منطقه‌ای بیشتر شود و از این طریق، درآمدهای حاصل از صادرات افزایش یابد.

فرآیند ورود نیروی انسانی به مجموعه اداری کشور اصلاح می شود

قزوین- اطلاعات: دربرنامه اصلاح نظام اداری کشور، فرآیند ورود نیروی انسانی به این مجموعه مورد بررسی قرار می گیرد.

معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور در سفر یک روزه خود به استان قزوین، در جلسه شورای اداری برگزاری مراسم دهه فجر را فرصت مناسبی برای تبیین آرمان‌های انقلاب اسلامی دانست و گفت: شایسته سالاری نظام جمهوری اسلامی حق مردم است و برای بهره بردن از امکانات موجود باید شایسته ترین افراد در خدمت نظام باشند. جمشید انصاری افزود: از این رو در برنامه‌های اصلاح نظام اداری، نخستین برنامه ای که مورد توجه قرارمی‌گیرد، اصلاح فرآیند ورود نیرو به مجموعه نیروهای اداری دولت است . وی تاکید کرد: اصلاح ساختار نیروی انسانی دولت و بهبود منابع انسانی باید از وظایف مدیران باشد.

وی با تاکید بر ضرورت کاهش هزینه های ارائه خدمت به مردم یادآور شد: دولت نهاد اصلی پیش برنده خدمات به مردم است و مدیران وظیفه دارند بهترین خدمات را به آنان ارائه دهند.

انصاری در مورد برنامه ریزی برای اتکا به بخش خصوصی گفت: دولت مسئول تامین خدمات و کالاهای عمومی موردنیاز مردم است و این بخش از خدمات زیربنایی شامل تأمین امنیت، نظم، دادخواهی، بهداشت و درمان، آموزش، توسعه راه ها و تامین انرژی قابل واگذاری به بخش خصوصی نیست.

رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور به توسعه خدمات زیربنایی طی ۴۰ سال گذشته اشاره کرد و گفت : در حال حاضر ۹۵ درصد جمعیت روستایی کشور به انرژی برق دسترسی دارند و ۸۵ درصد از این جمعیت نیز از آب شرب سالم برخوردار هستند.

انصاری، دسترسی ۹۰ درصد از جمعیت کشور به گاز، توسعه ارتباطات و امکانات فضای مجازی و تسهیل در دسترسی به آموزش عالی را مجموعه اقدامات جهت‌گیری شده نظام جمهوری اسلامی برای بهره مندی مردم از امکانات مورد نیاز و گسترش عدالت در جامعه بیان کرد. حجت الاسلام ابوترابی فرد؛ امام جمعه موقت تهران هم در این جلسه گفت: سرمایه عظیم انسانی و توجه به نیروی انسانی و ارتقای وضعیت اقتصادی مردم از رسالت ها و وظایف کلیدی مدیران است.

وی با اشاره به اهمیت توجه به درآمدهای ناشی از وصول مالیات در کشور افزود: مدیریت در کشور مبتنی بر هزینه بوده است و بدون یک اقتصاد مولد و شفاف نمی توان در دریافت مالیات موفق بود.

وی با بیان اینکه در برخی حوزه ها عملکرد مناسبی نداشته ایم، ادامه داد: اگر به درآمد و هزینه ها توجه می شد، نباید تا این میزان هزینه های جاری به کشور تحمیل می شد.

استاندار قزوین هم به جهت گیری سرمایه گذاری های بخش خصوصی در استان اشاره قرار کرد و گفت: فرایند سرمایه گذاری در استان قزوین ، سال آینده تغییر می‌کند و سرمایه‌گذاری های داخلی و خارجی بخش خصوصی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

هدایت الله جمالی پور با بیان اینکه توسعه صنعتی استان قزوین با رویکرد توجه به منابع انجام می شود، تاکید کرد: نیاز است برنامه جامعی مبتنی بر ظرفیت ها و منابع و نیز استفاده از صنایع سازگار با امکانات موجود در استان طراحی شود. با حضور رئیس سازمان اداری واستخدامی کشور به استان قزوین ، بیمارستان ۳۲ تختخوابی «شهدای شهر آبیک» مورد بهره برداری قرار گرفت و از محصولات تولید کننده دستگاه های بانکی و صندوق فروش در شهرک صنعتی کاسپین رونمایی و همچنین اولین مرکز جامع درمان و بازتوانی افراد با اختلال مصرف مواد مبتنی بر تداوم درمان، در شهر آبیک کلنگ زنی شد.

سینما سیار در شهرستان خرم دره افتتاح شد

خرم دره – خبرنگاراطلاعات: به همت اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی خرم دره زنجان و با حضور مسئولین این شهرستان، در دومین روز از ایام گرامیداشت دهه فجر سینما سیار در فرهنگسرای امام خمینی (ره) خرمدره افتتاح شد. این برنامه با هدف گسترش سینما در مناطق فاقد سینمای کشور و به منظور سهولت دسترسی مردم به تماشای فیلم‌های روز انجام شده است. رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان خرم دره در این خصوص اظهار داشت: سینما سیار قابلیت پخش فیلم‌های در حال اکران سینماهای کشور در خرم‌دره و حتی روستاها را به صورت آنلاین دارد.

سینما سیار با هزینه افزون بر یک میلیاردو ۸۰۰ میلیون ریال تجهیز و راه اندازی شده است.

برگزاری دوازدهمین دوره نمایشگاه کتاب و مطبوعات یزد

یزد ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان یزد از برگزاری دوازدهمین دوره نمایشگاه کتاب و مطبوعات محلی و رسانه‌های این استان با گفتمان کودک و نوجوانان از ۲۳ تا ۲۹ بهمن‌ماه سال‌جاری خبر داد.

مجید جوادیان زاده در جمع خبرنگاران به برگزاری دوازدهمین دوره نمایشگاه کتاب و مطبوعات محلی و رسانه‌های استان یزد با محوریت کودک و نوجوان اشاره کرد و گفت: این نمایشگاه در محل جدید نمایشگاه‌های بین‌المللی یزد برگزار شده است.

وی در مورد رویکرد انتخاب کتب کودک و نوجوان و کتاب‌های عمومی در این دوره از نمایشگاه گفت: اصولاً کودکی و نوجوانی بهترین سنین برای شکل‌گیری فرهنگ کتابخوانی و مطالعه است و از طرفی کودکان با توجه به فعالیت شبکه‌های اجتماعی در جوامع امروزی بیشتر از گذشته نیازمند حمایت نهادهای فرهنگی در خصوص معرفی کتاب‌های مفید هستند، لذا گفتمان امسال نمایشگاه را کودک و نوجوان در نظر گرفته‌ایم و حتی برنامه‌های جنبی نمایشگاه نیز با این سمت و سو تعریف شده است.

وی با بیان این که ۲۶۰ غرفه برای ناشران شرکت‌کننده در این نمایشگاه منظور شده است، گفت: در این دوره از نمایشگاه ۷۰ هزار و ۶۸۸ عنوان کتاب از ۱۷۲ ناشر مستقل در بخش‌های عمومی و کودک و نوجوان و ۲۰۷ نمایندگی در بخش‌های مذکور در اختیار علاقمندان قرار گرفته است.او ساعات بازدید از نمایشگاه را ۹ تا ۱۳ و ۱۶:۳۰ تا ۲۱:۳۰ اعلام کرد و گفت: در حاشیه این نمایشگاه شاهد برگزاری برنامه‌های جنبی مرتبط با انتخاب یزد به عنوان پایتخت کتاب کشور در یکسال اخیر هستیم از جمله آنها می‌توان به تجلیل از برگزیدگان و مروجان برتر حوزه کتاب، تقدیر از روستاهای برگزیده دوستدار کتاب استان که امسال از میان آنها روستای گردکوه مهریز جزو برترین‌های کشوری نیز انتخاب شده است، برگزاری جام باشگاه‌های کتابخوانی کودک و نوجوان با عنایت به این که یزد با تشکیل یکهزار باشگاه کتابخوانی در سال جاری رتبه نخست کشور را به خود اختصاص داده است و برنامه‌های دیگری مانند شهر برگزیده خلاق کتابخوانی و کاروان دانایی و سایر موارد اشاره کرد.جوادیان‌زاده از افزایش سقف بُن الکترونیک خرید کتاب در این دوره از جشنواره نیز خبر داد و گفت: در نمایشگاه امسال علاوه بر حذف بخش کتب کمک آموزشی، بخش ناشران خارجی نیز حذف شده است و کتب دانشگاهی نیز با سخت‌گیری‌های بیشتری برای حضور در نمایشگاه پذیرش شده‌اند.

به گفته وی، در نمایشگاه امسال شاهد برگزاری اختتامیه جشنواره مطبوعات محلی استان نیز خواهیم بود و کتابفروشی‌های استان تحت عنوان همراه نمایشگاه حضور دارند.

جوادیان زاده ضمن پاسخ به سؤالات خبرنگاران از دیگر برنامه‌های جنبی نمایشگاه را که امسال با افزایش فضای اجرای این برنامه‌ها همراه است، معرفی کتاب‌های تأثیرگذار، نمایش‌های عروسکی، برنامه هر روز یک قصه‌گو، طرح باشگاه وفاداری کتاب با هدف ترویج فرهنگ وقف کتاب و تقدیر از بانوان فعال کتابخوان برتر و برنامه‌های متعدد دیگر اعلام کرد.

بقیه از صفحه ۸

سند کمپانی وانت نیسان به رنگ آبی مدل ۱۳۸۰ به شماره پلاک ۴۸ب۴۱۶-۲۴ و شماره شاسی ۰۰C۶۹۲۳۵ و شماره موتور ۰۰۱۶۶۸۱۱ به نام خزعل عبادی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. کازرون

برگ کمپانی خودرو سواری لیفت پروتون مدل ۲۰۰۸ شماره شاسی: PL۱CM۶LNL۸G۱۶۸۴۶۸ شماره موتور: S۴PHPD۶۴۹۴ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی (نوبت دوم)
مدرک فارغ التحصیلی اینجانب فرهاد لطیفی فرزند احمد به شماره شناسنامه ۱۵۹ صادره از بناب در مقطع کارشناسی رشته حقوق صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه به شماره ـ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه به نشانی مراغه، اتوبان شهید درخشی، دانشگاه آزاد اسلامی ارسال نماید.

آگهی مفقودی
برگ سبز و برگ کمپانی وانت پیکان مدل ۱۳۸۸ به شماره انتظامی ۶۴-۳۴۹ج۳۹ و به شماره موتور ۱۱۴۸۸۰۳۴۰۴۷ و به شماره شاسی NAAA۳۶AA۸۹G۸۵۶۵۹۱ متعلق به احسان صادقی صادق آباد مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. «یزد»

سند کمپانی و برگ گمرکی سواری تویوتا لکسوس مدل ۲۰۱۰ با شماره موتور ۲GRJ۲۱۰۰۲۱ و شماره شاسی JTHBJ۴۶G۸A۲۳۷۴۲۷۸ به نام حامد خرازی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. کرمان

برگ سبز خودرو سواری پراید مدل: ۱۳۸۶ به شماره شاسی: S۱۴۱۲۲۸۶۳۱۲۷۷۸ به شماره پلاک: ۲۲ ایران ۹۷۹ل۵۸ به نام جواد جعفری اوزمچلویی مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

برگ سبز سواری سمند ال ایکس سفید روغنی مدل ۱۳۸۹ پلاک ۵۹-۱۵۶ج۱۳ شماره موتور ۱۲۴۸۹۰۹۱۴۷۶ شماره شاسی NAACA۱CB۵AF۲۲۳۴۴۸ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. گرگان

برگ کمپانی موتورسیکلت آپاچی CC۱۸۰ مدل ۹۲ شماره تنه: N۲G***۱۸۰P۹۲۱۲۵۲۰ شماره موتور: E۶CD۲۲۰۱۴۷۳۰ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

سند کارخانه، تسلسل اسناد و برگ سبز کامیونت ون نیسان مدل ۷۳ به شماره پلاک ۳۸۶ل۲۱ - ایران ۲۵ و موتور ۹۳۹۰۵۷ و شاسی ۰۰۰۹۸۶۳۹ بنام ارشد معتمدی ینگی کند مفقود و فاقد اعتبار است. (بناب)

برگ سبز سواری سمند مدل ۹۴ به شماره پلاک ۹۶۲ س ۶۱ - ایران ۹۹ و موتور ۱۲۴K۰۶۹۸۱۷۷ و شاسی NAAC۹۱CE۶FF۰۳۲۵۶۳ به‌نام رقیه اسداللهی بناب مفقود و فاقد اعتبار است. (بناب)

آگهی مفقودی
برگ سبز خودرو سواری پژو ۴۰۵ جی ال ایکس مدل ۱۳۷۲ به شماره انتظامی ۵۴-۵۹۲ل۱۵ و به شماره موتور ۲۵۱۷۲۰۱۲۱۴ و به شماره شاسی ۷۲۳۰۲۶۶۱ متعلق به عفت جاویدی علی‌پور خباز مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. «یزد»

کارت دانشجویی سمیه سعیدیان بشماره ۹۱۲۲۰۰۲۷ دانشگاه علوم پزشکی رشته پزشکی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. سنندج

شناسنامه مالکیت خودرو سمند مدل ۱۳۸۳ شماره پلاک ۵۱- ۱۵۵ الف ۱۱ شماره شاسی ۸۳۲۴۶۸۶۰ شماره موتور ۱۲۴۸۳۱۵۵۲۹۸ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

پروانه خودرو سواری لکسوس کوپه تیپ RC۲۰۰T مدل ۲۰۱۶ سفید رنگ ش موتور ۸ARZ۰۳۳۸۷۵ ش شاسی JTHHA۵BC۳G۵۰۰۳۳۴۵ پلاک ۸۶۵۱۹ـ اروند بنام حسن یعقوبیان مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگه کمپانی سواری هاچ بک ام وی ام ۳۱۵ مدل ۹۳ شماره شاسی: NATFBAMD۸E۱۰۱۳۴۳ شماره موتور: MVM۴۷۷FJAE۰۲۱۹۴۶ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

مدرک موقت پایان تحصیلات کارشناسی دانشگاه آزاد پرند متعلق به مرضیه حسینی فرزند محمد مفقود شده است.

کارت خودرو و بیمه‌نامه ثالث و بدنه خودرو سواری ام وی ام ۵۵۰ مدل ۹۴ شماره شاسی: NATGCASLXF۱۰۰۲۸۶۷ شماره پلاک: ۲۰ ایران ۵۸۵ل۶۷ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

شناسنامه مالکیت و سند کمپانی خودرو سمند مدل ۱۳۸۴ شماره پلاک ۱۱ - ۴۱۸ الف ۱۳ شماره شاسی ۱۴۵۴۳۶۹۰ شماره موتور ۱۲۴۸۴۲۳۳۹۷۱ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

کلیه مدارک خودرو شامل سند کمپانی، سند اصلی و سند برگه سبز و کارت خودرو وانت پیکان دوگانه سوز به شماره موتور: ۱۱۴۸۷۰۷۷۶۵۷ شماره شاسی: NAAA۴۶AA۰۹G۰۵۹۵۶۹ شماره پلاک: ۹۹ ایران ۴۳۵ص۶۸ به نام اسفندیار رمضانی والا مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

برگ سبز سواری پژو پارس مدل ۱۳۸۷ به شماره پلاک ۶۵-۲۳۷د۸۲ با شماره موتور ۱۲۴۸۷۰۶۰۶۴۳ و شماره شاسی NAAN۰۱CA۸۸E۷۱۶۵۹۳ به نام فاطمه اسدی عمادآبادی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. کرمان

سند کمپانی خودرو سمند مدل ۱۳۸۴ شماره پلاک ۱۱-۲۵۶ الف ۱۴ شماره شاسی ۱۴۵۴۳۸۸۰ شماره موتور ۱۲۴۸۴۲۳۵۴۹۴ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی خودرو سمند مدل ۱۳۸۴ شماره پلاک ۱۱-۴۲۴ الف ۱۳ شماره شاسی ۱۴۵۴۳۸۸۱ شماره موتور ۱۲۴۸۴۲۳۵۷۲۵ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

اعلام مفقودی
سند کمپانی موتور سیکلت مدل ۹۰ بهرو ۱۲۵ رنگ مشکی شماره موتور: ۳۰۹۰۳۶۸ شماره شاسی: ۹۰۸۱۹۲۸ شماره پلاک: ۳۸۸۵۷ ایران ۸۵۱ به نام محمود بروازه مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. هفتکل

کلیه مدارک به جز کارت سمند سورن شماره موتور ۱۲۴۹۰۲۶۵۴۰۵ شماره شاسی NAACC۱CF۴CF۴۴۰۰۹۴ مدل ۹۰ آبی متالیک شماره پلاک ۱۱۳ ی ۱۲ ایران ۶۶ به نام حسن ابراهیم پور ضیایی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

پروانه تردد و شناسنامه خودرو سواری استیشن دوج تیپ جورنی سفید رنگ مدل ۲۰۱۵ ش شاسی ۳C۴PDCAB۲FT۶۱۸۲۱۲ ش موتور FT۶۱۸۲۱۲ پلاک ۵۳۳۸۲ـ اروند بنام قاسم ظفری جنادله پور مفقود و فاقد اعتبار است.

سند مالکیت و کارت خودرو تیبا مدل ۹۸ به شماره انتظامی ۵۸۹ب۷۲ - ایران ۳۳ و ش شاسی NAS۸۱۱۱۰۰E۵۷۷۷۵۱۹ و ش موتور ۸۱۲۳۶۹۷ متعلق به مرضیه عزیزخانی فرزند حسن به شماره ملی ۰۰۵۸۲۴۶۵۴۱ در تاریخ ۲۰ بهمن ۸۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی موتور سیکلت آپاچی به شماره موتور: E۶GF۲۱۴۲۱۷۲۰ و شماره شاسی: N۲G***۱۸۰P۹۴۲۶۶۱۵ به نام سعید بیات گم شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

پروانه فعالیت باشگاه ورزشی راسپینا به شماره ۲۰۶-۹۶-۳۵۲۶ اداره ورزش و جوانان استان تهران به نام شرکت استواک تجارت به شماره ثبت ۲۷۰۳۳۱ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی پژو پارس سفید ۹۸ شماره موتور ۱۲۴K۱۳۶۴۲۲۶ شماره شاسی Kh۵۱۵۴۵۳ شماره پلاک ۶۲۴م۲۵ ایران ۹۴ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۷۹ شماره پلاک ۶۶-۶۸۸ه۸۸ شماره شاسی ۷۹۳۰۷۰۵۵ شماره موتور ۲۲۵۲۷۹۰۵۴۵۷ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

مفقودی
پروانه بهداشت واحد مرغداری محسن کریمی به شماره ۲/۳۶/۱۵/۷۵۱ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.
هفتکل

شناسنامه و سند کارخانه و وکالتنامه خودرو سواری پراید GTXI صبا مدل ۸۸ رنگ سفید ـ روغنی به شماره پلاک ۸۴-۴۱۲ س ۹۱ شماره موتور ۲۹۶۶۱۴۷ شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۸۲۷۰۷۹۴ به نام سیده سمیه موسوی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (بندرعباس)

سند و برگ سبز موتور سیکلت شماره موتور ۱۲۰۸۰۶۷ شماره شاسی ۸۲۲۷۴۶۴ شماره پلاک ایران ۶۸۹-۱۳۸۳۴ به نام حسین قدیمی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

کارت دانشجویی سوران خالدیان به شماره ۹۷۱۷۰۰۹۱۴۴ دانشگاه کردستان رشته مهندسی برق مفقود و از اعتبار ساقط است. سنندج

برگ سبز و سند کمپانی سواری پراید مدل ۱۳۷۹ به شماره پلاک ۴۵-۷۳۳د۱۵ با شماره موتور ۰۰۲۰۷۵۷۳ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۷۹۶۷۹۶۴۲ به نام مجتبی سلطانی‌نژاد مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. کرمان

آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق العاده (نوبت دوم) شرکت تعاونی مسکن اعضا و کارکنان سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران

عضو گرامی،
بدین‌وسیله به اطلاع می‌رساند، مجمع عمومی فوق العاده (نوبت اول) این شرکت تعاونی در تاریخ چهارشنبه ۹۸/۱۱/۲۳، به علت عدم حصول نصاب لازم رسمیت نیافت، لذا مجدداً از جنابعالی دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق العاده (نوبت دوم) که روز سه‌شنبه ۹۸/۱۲/۶، رأس ساعت ۱۵ در جنت‌آباد شمالی، بالاتر از نیایش (آبشناسان)، بهارستان ۱۸، پلاک ۱۴ برگزار می گردد، حضور به‌هم رسانید یا نماینده تام‌الاختیار خود را جهت اعمال رأی، طبق مقررات، تا تاریخ یکشنبه ۹۸/۱۲/۴ کتباً معرفی نمایید.
دستور جلسه: ـتغییر نشانی محل تعاونی (موضوع ماده ۴ اساسنامه)
باسپاس ـ هیئت مدیره

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مؤسسه مجتمع مسکونی دهکده ساحلی ثبت شده به شماره ۱۲۰ و شناسه ملی ۱۴۰۰۳۲۵۵۲۱۹ «نوبت دوم»

بدینوسیله از کلیه مالکان ویلایی مؤسسه مجتمع مسکونی دهکده ساحلی دعوت به عمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده که در ساعت ۱۰ صبح روز جمعه مورخ ۹ اسفندماه ۱۳۹۸ در نشانی: بندرانزلی، غازیان، مجتمع مسکونی دهکده ساحلی، سالن اجتماعات مجتمع فرهنگیان تشکیل می گردد، حضور به‌هم رسانند.
دستور جلسه: ۱ـ رسیدگی و تصویب عملکرد مالی سال ۱۳۹۷ ۲ـ رسیدگی و تصویب بودجه پیشنهادی سال ۱۳۹۸ ۳ـ انتخاب یک نفر بازرس اصلی و علی البدل ۴ـ مذاکره پیرامون سایر موارد شهرک
قابل ذکر است: طبق ماده ۱۰ اساسنامه، این جلسه که نوبت دوم (آخرین) دعوت مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده است با هر تعدادی از شرکت کنندگان، جلسه رسمی و مصوبات آن برای همه شهروندان محترم لازم‌الاجرا می‌باشد. لذا شرکت هر چه بیشتر شهروندان جهت بررسی و اتخاذ تصمیم در مورد دستور جلسه حائز اهمیت است.
رئیس مجمع عمومی
محمدمهدی رئیس سمیعی
رئیس هیئت مدیره
پرویز گلریز

بسمه تعالی
آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده (نوبت اول) عضو محترم شرکت تعاونی مسکن شماره یک هیات علمی دانشکده فنی دانشگاه تهران

بدینوسیله از سرکار/ جنابعالی عضو محترم دعوت می‌شود تا در مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده نوبت اول این شرکت تعاونی که رأس ساعت ۱۴ روز سه‌شنبه مورخ ۹۸/۱۲/۲۰ در سالن آمفی تئاتر دانشکده مهندسی مکانیک واقع در دانشکده فنی (پردیس ۲) ـ خیابان کارگر شمالی ـ بالاتر از تقاطع جلال آل احمد تشکیل می‌شود حضور به هم رسانید.
ضمناً یادآوری می‌نماید: ـ افراد مایل به عضویت در هیئت مدیره و در سمت بازرس ظرف مدت یک هفته از تاریخ انتشار آگهی دعوت با مراجعه به دفتر تعاونی ضمن ارایه تصویر شناسنامه، کارت ملی، کارت پایان خدمت، مدرک تحصیلی و تکمیل فرم مربوطه اقدام نمایند. طبق ماده ۲۹ در صورتی که حضور عضوی در مجمع عمومی میسر نباشد می‌توانند حق حضور و اعمال رأی از سوی خود را به نماینده تام‌الاختیار خود واگذار نمایند، که وکالتنامه‌ها در محل برگزاری مجمع بررسی می‌گردد.
دستور جلسه: ۱ـ گزارش هیات مدیره و بازرس
۲ـ طرح و تصویب صورت‌های مالی ۱۳۹۳ـ۱۳۹۴ـ۱۳۹۵ـ۱۳۹۶ـ۱۳۹۷
۳ـ انتخاب هیات مدیره
۴ـ انتخاب بازرس
با تقدیم احترام
محمد حسن پیش بین
رئیس هیئت مدیره

آگهی تغییرات شرکت آرمان پردازان نوژن سهامی خاص به شماره ثبت ۵۱۴۷۳۲ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۰۴۳۲۹۸

به‌استنادصورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۲۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای علی قویدل به کدملی ۰۵۳۳۳۶۴۱۳۲ به‌عنوان بازرس اصلی و آقای علی نادری مقدم به کدملی ۰۸۸۹۰۰۶۹۲۱ به‌عنوان بازرس علی البدل شرکت برای یکسال مالی انتخاب شدند. روزنامه اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شد. خانم ها: پوراندخت بنایی زاده به کدملی ۱۳۷۲۷۵۹۳۴۴، کیانا ارجمندی به کدملی ۰۰۱۸۹۹۶۰۲۷، آریانا ارجمندی به کد ملی ۰۰۲۲۵۹۹۸۰۰ آقایان: عباسعلی ارجمندی به کدملی ۰۶۸۰۲۲۴۴۰۸، اشکان قویدل به کدملی ۰۰۱۶۶۰۸۲۵۹ برایمدت دوسال بعنوان اعضا هیئت مدیره تعیین شدند. ترازنامه و حساب سودوزیان سال مالی ۹۷ تصویب گردید.
سازمان ثبت اسناد واملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۷۴۰۹۲۹)

آگهی تغییرات موسسه فراسوی تعالی موسسه غیر تجاری به شماره ثبت ۲۱۸۴۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۴۸۴۰۳۱

به‌استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۵/۰۶/۰۷ و مجوز شماره ۷۴۴۱۹ مورخ ۱۳۹۵/۶/۱۳ وزارت کشور تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ـ محل شرکت در واحد ثبتی تهران به آدرس خیابان شریعتی نرسیده به پل صدر، جنب اداره پست، بن بست کسری، ساختمان سرو، واحد ۱۳ کدپستی ۱۹۳۹۶۱۴۴۷۶ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه بشرح فوق اصلاح گردید.
سازمان ثبت اسناد واملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۷۴۰۹۳۰)

آگهی تغییرات شرکت ایرانیان کمپرسور صبا سهامی خاص به شماره ثبت ۴۹۹۶۴۹ و شناسه ملی ۱۴۰۰۶۲۳۰۹۴۶

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۰۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: سرمایه شرکت از مبلغ ۱۵۰۰۰۰۰ ریال به مبلغ ۱۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال منقسم به ۶۰۰۰ سهم ۲۵۰۰۰۰۰۰ ریالی با نام از محل مطالبات حال شده افزایش یافته و ماده مربوطه در اساسنامه به شرح فوق اصلاح و ذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ فوق الذکر تکمیل امضاء گردیده است.
سازمان ثبت اسناد واملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۷۴۰۹۳۱)

آگهی تغییرات شرکت ایرانیان کمپرسور صبا سهامی خاص به شماره ثبت ۴۹۹۶۴۹ و شناسه ملی ۱۴۰۰۶۲۳۰۹۴۶

به‌استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۱۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: حبیب اله شوقی شماره ملی ۱۱۹۸۹۵۹۷۹۷ به سمت عضو هیات مدیره و مدیر عامل و ابوالقاسم شجاعی حقیقی شماره ملی ۰۰۴۷۰۹۸۶۵۱ به سمت رئیس هیات مدیره و میثم شوقی شماره ملی ۰۰۷۰۰۱۲۰۱۶ به سمت نایب رئیس هیات مدیره و فاطمه حاجی خراسانی شماره ملی ۰۰۴۲۶۲۴۹۸۳ به سمت عضو هیئت مدیره و مریم حقیقیان ردیف شماره ملی ۶۰۱۱۸۶۴۸۶ به سمت عضو هیئت مدیره و نفیسه شوقی شماره ملی ۰۰۶۱۹۳۶۳۷۵ به سمت عضو هیئت مدیره و ندا شوقی شماره ملی ۰۰۸۱۹۱۷۸۹۹ به سمت عضو هیئت مدیره برای مدت دوسال انتخاب گردیدند. کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادها و عقود اسلامی با امضاء آقای حبیب اله شوقی به سمت مدیر عامل همراه با مهر شرکت و نامه های عادی و اداری با امضاء آقای حبیب اله شوقی به سمت مدیر عامل و آقای ابوالقاسم شجاعی حقیقی به سمت رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می باشد. سید فخرالدین خوانیکی به شماره ملی ۲۱۲۱۳۰۳۳۰۸ به سمت بازرس اصلی و بابک صادق عمل نیکوبه شماره ملی ۰۰۶۰۹۲۵۷۶۰ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند.
سازمان ثبت اسناد واملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۷۴۰۹۳۲)

آگهی تغییرات شرکت فیبر بابلسر شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۵۵۱۲۴۱ و شناسه ملی ۱۰۷۶۰۰۵۶۳۹۶

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۸/۱۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ـ سمت اعضاء هیئت مدیره برای بقیه دوره تصدی هیئت مدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند: ـ آقای مجید محمودی به شماره ملی ۵۰۱۰۵۲۰۰۰۱ به نمایندگی از شرکت گروه صنعت سلولزی تامین گستر نوین بشناسه ملی ۱۴۰۰۰۰۲۱۳۰۴ بسمت رئیس هیئت مدیره تعیین گردیدند. آقای منصور یحیی زاده به شماره ملی ۶۲۵۹۸۸۹۰۹۷ به نمایندگی شرکت محصولات کاغذی لطیف بشناسه ملی ۱۰۱۰۱۰۱۶۶۷۷ بسمت نائب رئیس هیئت مدیره تعیین گردیدند. ـ آقای حسن فریدی به شماره ملی ۶۲۵۹۵۰۴۴۱۱ به نمایندگی از شرکت صنایع چوب خزر کاسپین بشناسه ملی ۱۰۱۰۱۲۶۶۱۷۶ بسمت مدیر عامل و عضو هیئت مدیره تعیین گردیدند. امضاء کلیه اسناد تعهد آور از جمله چک، سفته و اوراق بهادار با امضای متفق مدیر عامل و یکی از اعضای هیئت مدیره و ممهور به مهر شرکت و در غیاب مدیر عامل با امضای دو عضو هیئت مدیره و ممهور به مهر شرکت معتبر و نافذ خواهد بود. ـ کلیه مکاتبات شرکت با امضای مدیر عامل و ممهور به مهر شرکت و امضای متفق دو عضو هیئت مدیره و ممهور به مهر شرکت معتبر و نافذ خواهد بود. ـ اختیارات مدیر عامل: بندهایی از ماده ۵۰ اساسنامه (اختیارات هیئت مدیره) در ذیل بعنوان اختیارات مدیر عامل تعیین و به تصویب هیئت مدیره رسید. ۱ـ نمایندگی شرکت در برابر اشخاص ثالث و کلیه ادارات دولتی و مؤسسات خصوصی. ۲ـ انتصاب و عزل کلیه مأموران و کارکنان شرکت و تعیین شغل، حقوق، دستمزد، انعام، ترفیع و تنبیه و تعیین سایر شرایط استخدام و معافیت و خروج آنها از خدمت و مرخصی و بازنشستگی. ۳ـ افتتاح حساب و استفاده از آن بنام شرکت نزد بانکها و مؤسسات. ۴ـ دریافت مطالبات شرکت و پرداخت دیون آن اعم از اصل و سود و متفرعات. ۵ـ مبادرت به تقاضا و اقدام برای ثبت هر گونه علامت تجاری. ۶ـ به امانت گذاردن هر نوع اسناد و مدارک و وجوه در صندوق های دولتی و خصوصی و استرداد آنها. ۷ـ اقامه هر گونه دعوی و دفاع از هر گونه دعوی یا تسلیم به دعوی یا انصراف از آن اعم از حقوقی و کیفری با داشتن تمام اختیارات راجع به امر دادرسی اعم از حق پژوهشی ـ فرجام ـ تعیین وکیل ـ سازش ـ ادعای جعل نسبت به سند طرف واسترداد سند ـ تعیین جاعل ـ ارجاع دعوی به داوری و تعیین داور یا بدون اختیار صلح و بطور کلی استفاده از کلیه حقوق واجرای کلیه تکالیف ناشیه از قانون داوری ـ تعیین وکیل برای داوری و غیره با یا بدون حق توکیل و توکیل در توکیل و لو کراراً و عزل و تجدید انتخاب و یا تعیین وکیل دیگری بجای او یا بدون حق توکیل و توکیل در توکیل غیر و در کراراً ـ تعیین مصدق و کارشناس ـ اقرار خواه در ماهیت دعوی و خواه در امری که کاملاً قاطع دعوی باشد ـ دعوی خسارت ـ استرداد ـ دعوی جلب شخص ثالث و دفاع از دعوی ثالث ـ اقدام به دعوای متقابل ـ و دفاع از آن تأمین دلیل و تقاضای توقیف اشخاص و اموال از دادگاهها ـ اعطای مهلت برای پرداخت مطالبات شرکت ـ درخواست صدور برگ اجرایی و تعقیب عملیات اجرایی و اخذ محکوم به چه در دادگاه و چه در ادارات و دوائر ثبت واسناد. ۸ـ تعیین میزان استهلاک با توجه به قوانین جاریه کشور. ۹ـ تنظیم خلاصه صورت دارایی و قروض شرکت هر شش ماه یکبار و دادن آن به بازرس شرکت. ۱۰ـ تنظیم صورت دارایی و دیون شرکت پس از انقضای سال مالی و همچنین ترازنامه و حساب عملکرد و حساب سود و زیان شرکت. ۱۱ـ دعوت مجامع عمومی عادی و فوق العاده و تعیین دستور جلسه آنها. ۱۲ـ پیشنهاد هر نوع اندوخته. ۱۳ـ پیشنهاد تقسیم سود صاحبان سهام. ۱۴ـ پیشنهاد اصلاح اساسنامه در مواقعی که مفید تشخیص داده شود.
سازمان ثبت اسناد واملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۷۴۰۹۳۳)

آگهی تغییرات موسسه اتاق بازرگانی صنایع و معادن ایران و ایتالیا به شماره ثبت ۶۰۳۷ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۹۰۷۵۸۸

به‌استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۸/۲۰ و مجوز شماره ۴۳/۱۰۶۰۳ ص مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۰۲ اتاق بازرگانی، صنایع معادن و کشاورزی ایران تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای احمد پورفلاح بشماره ملی ۴۸۹۸۸۲۱۳۴۰ بسمت رئیس هیئت مدیره و آقای محمدرضا بهرامن بشماره ملی ۰۰۴۵۹۹۸۶۱۲ به عنوان نایب رئیس ایرانی و آقای فرانکو برجزه کد فراگیر ۶۱۶۹۹۸۷۲ نایب رئیس ایتالیایی، وآقای محمد جعفر برادران بشماره ملی ۴۳۲۲۵۷۲۷۵۸ بعنوان عضو هیئت مدیره و خزانه دار، وخانم لیدا شهابی بشماره ملی ۰۰۴۵۱۱۲۰۰۲ و خانم هماسادات گوشه بشماره ملی ۰۰۳۹۷۸۶۴۰۴ و آقای محمد مهدی رئیس زاده بشماره ملی ۹۳۴۴۱۶۵۳۷ بعنوان اعضای هیئت مدیره و خانم لیدا شهابی بشماره ملی ۰۰۴۵۱۱۲۰۰۲ بسمت دبیر کل تعیین گردیدند. کلیه اوراق و اسناد مالی و تعهدآور از قبیل چک، سفته و اوراق بهادار با امضای رئیس هیئت مدیره و یکی از اعضا هیئت مدیره همراه با مهر اتاق و در غیاب رئیس هیئت مدیره با امضاء دو نفر از اعضاء هیئت مدیره با مهر اتاق و اوراق عادی و اداری با امضاء دبیر کل به تنهایی همراه با مهر اتاق معتبر می باشد.
سازمان ثبت اسناد واملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۷۴۰۹۳۴)

آگهی تغییرات شرکت فیبر بابلسر شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۵۵۱۲۴۱ و شناسه ملی ۱۰۷۶۰۰۵۶۳۹۶

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۸/۱۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ماده ذیل به عنوان ماده ۷۷ اساسنامه شرکت به مواد قبلی اضافه شود: ماده ۷۷: شرکت مجاز می باشد، با رعایت مواد قانونی به عنوان شرکت پذیرنده یا ادغام شونده و یا ایجاد شخصیت حقوقی جدید اقدام نماید. شرایط مذکور در خصوص شرکت پذیرنده و ادغام شونده جدید با تصویب چهار پنجم صاحبان سهام در مجمع عمومی فوق العاده امکان پذیر می باشد.
سازمان ثبت اسناد واملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۷۴۰۹۳۵)

آگهی تغییرات شرکت توسعه تهاتر امین شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۴۹۷۹۹۷ و شناسه ملی ۱۴۰۰۶۱۵۶۳۴۰

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۲۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ـ سمت اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند: ـ شرکت راهبر توسعه تجارت سرمایه طاها به شناسه ملی ۱۴۰۰۳۷۹۸۰۰۲ به نمایندگی آقای حسین حسن زاده سروستانی به شماره ملی ۵۱۴۹۷۷۷۲۶۹ به سمت رئیس هیات مدیره شرکت ـ شرکت مشاوره و خدمات سرمایه گذاری بازرگانی پارسیان امین به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۲۳۶۲۸۰ به نمایندگی آقای بلال وثوق به کد ملی ۳۸۷۵۵۱۶۰۴۴ به سمت نایب رئیس هیات مدیره شرکت ـ آقای جواد باقری خیرآبادی به کد ملی ۱۴۶۵۸۰۳۹۵۵ بعنوان عضو هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت انتخاب ـ حق امضاء کلیه اوراق و اسناد بانکی و تعهدآور از جمله چک، سفته، برات و عقود اسلامی شرکت با امضاء مدیر عامل و یکی از اعضاء هیات مدیره همراه با مهر شرکت و در غیاب مدیر عامل دو نفر از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت می باشد.
سازمان ثبت اسناد واملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۷۴۰۹۳۶)

آگهی تغییرات شرکت توسعه تهاتر امین شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۴۹۷۹۹۷ و شناسه ملی ۱۴۰۰۶۱۵۶۳۴۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: اشخاص زیر برای مدت دو سال بعنوان اعضاء هیات مدیره انتخاب گردیدند: ـ شرکت راهبر توسعه تجارت سرمایه طاها به شماره شناسه ملی ۱۴۰۰۳۷۹۸۰۰۲ ـ شرکت مشاوره و خدمات سرمایه گذاری بازرگانی پارسیان امین به شماره شناسه ملی ۱۰۱۰۲۲۳۶۲۸۰ ـ آقای جواد باقری خیرآبادی به شماره ملی ۱۴۶۵۸۰۳۹۵۵ ـ روزنامه اطلاعات بعنوان روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید. ترازنامه و صورتهای مالی شرکت برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۷/۱۲/۲۹ مورد تصویب قرار گرفت. ـ آقای محمد صادق بهجتی به شماره ملی ۲۸۰۲۴۴۸۶۹۲ بازرس اصلی و آقای کامبیز دانشمند به شماره ملی ۰۰۴۷۷۱۹۳۱۱ بعنوان بازرس علی البدل انتخاب گردیدند.
سازمان ثبت اسناد واملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۷۴۰۹۳۷)

آگهی تغییرات شرکت توسعه تهاتر امین شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۴۹۷۹۹۷ و شناسه ملی ۱۴۰۰۶۱۵۶۳۴۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای محمد صادق بهجتی به شماره ملی ۲۸۰۲۴۴۸۶۹۲ بازرس اصلی و آقای کامبیز دانشمند به شماره ملی ۰۰۴۷۷۱۹۳۱۱ بعنوان بازرس علی البدل انتخاب گردیدند.
سازمان ثبت اسناد واملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۷۴۰۹۳۸)

آگهی تغییرات شرکت بسیار پایا گستر سهامی خاص به شماره ثبت ۱۷۵۷۹۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۸۱۵۵۰

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای غلامرضا درون (کدملی: ۰۵۳۲۲۱۴۱۲۹) به سمت رئیس هیات مدیره و مدیر عامل و خانم فریبا درون (کدملی ۰۵۳۰۷۶۱۰۶۸) به سمت نایب رئیس هیات مدیره انتخاب شدند. ـ کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت به امضاء منفرد مدیر عامل همراه با مهر شرکت دارای اعتبار می باشد.
سازمان ثبت اسناد واملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۷۴۰۹۳۹)

آگهی تغییرات شرکت مهندسین مشاور ره آور سهامی خاص به شماره ثبت ۴۲۷۵۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۸۸۱۲۴۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۳۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به سال ۱۳۹۷ مورد تصویب قرار گرفت. موسسه حسابرسی تدبیر گران مستقل به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۲۳۸۴۶ به سمت بازرس اصلی و مجتبی ولدیگی به شماره ملی ۳۸۰۰۰۴۷۳۳۰ به سمت بازرس علی البدل برای سال مالی ۱۳۹۸ انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی های شرکت انتخاب گردید.
سازمان ثبت اسناد واملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۷۴۰۹۴۰)

آگهی تغییرات شرکت انرژی گستر جم سهامی خاص به شماره ثبت ۳۷۳۷۷۴ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۲۸۵۴۶

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای علیرضا معبودی به کدملی ۰۰۴۲۶۴۸۷۲۶ به جای آقای دکتر اصغر عارفی بعنوان نماینده شرکت توسعه و مدیریت نیروگاهی ایرسا در هیات مدیره انتخاب گردید آقای علیرضا معبودی باکدملی ۰۰۴۲۶۴۸۷۲۶ به نمایندگی از شرکت توسعه مدیریت نیروگاهی ایرسا به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۶۰۰۰۲۰ بعنوان رئیس هیئت مدیره و آقای مهدی مظهری با کدملی ۰۰۴۰۳۶۲۷۲۸ به نمایندگی از شرکت توسعه انرژی شمال و جنوب به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۳۲۴۳۱ به عنوان نایب رئیس هیئت مدیره برای باقیمانده مدت ۲ سال انتخاب گردیدند.
سازمان ثبت اسناد واملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۷۴۰۹۴۱)

آگهی تغییرات شرکت پاسارگاد ماشین پر شیا جنوب شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۳۹۷۸۳۴ و شناسه ملی ۱۰۵۳۰۴۰۷۲۳۱

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۰۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای امین پورزاد کدملی ۲۳۷۱۹۹۳۷۵۱ به سمت مدیر عامل و عضو هیئت مدیره، و آقای امیر پورزاد کدملی ۲۳۷۰۴۶۴۴۷۱ به سمت رئیس هیئت مدیره و خانم شهپر حسن زاده کدملی ۲۳۹۱۱۷۷۱۷۸ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب شدند. کلیه اسناد و اوراق تعهدآور و بهادار شرکت از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادها و عقود اسلامی و اوراق عادی و اداری با امضاء مدیر عامل آقای امین پورزاد یا رئیس هیئت مدیره آقای امیر پورزاد هر کدام به تنهایی همراه با مهر شرکت معتبر است.
سازمان ثبت اسناد واملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۷۴۰۹۴۲)

آگهی تغییرات شرکت آبادیس طب امروز سهامی خاص به شماره ثبت ۴۲۸۷۳۱ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۱۱۵۱۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۷ به تصویب رسید. آقای علیرضا عابدینیان به شماره ملی ۰۰۵۵۰۲۷۸۱۴ به سمت بازرس اصلی و آقای محمد باقر شکرالهی به شماره ملی ۰۰۴۴۸۹۰۹۵۸ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند.
سازمان ثبت اسناد واملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۷۴۰۹۴۳)

آگهی تغییرات شرکت تولیدی شیشه های ایمنی به نور شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۲۱۲۲۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۶۴۷۴۰۳

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۸/۲۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای رضا غلامی با کدملی ۱۹۷۱۴۵۶۹۹۳ به عنوان رئیس هیئت مدیره به نمایندگی از شرکت گسترش سرمایه گذاری ایران خودرو باشناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۰۰۶۸۲ و خانم پریسا کاظم زاده با کد ملی ۲۹۹۱۶۲۲۱۱۳ به عنوان نایب رئیس هیئت مدیره به نمایندگی از شرکت طراحی مهندسی و تامین قطعات ایران خودرو باشناسه ملی ۱۰۱۰۰۸۲۰۹۸۸ و آقای محمد جعفریان باکدملی ۲۰۶۱۸۰۶۵۸۹ و آقای جواد جعفریان باکدملی ۲۰۶۱۹۱۸۳۶۰ و خانم مائده آسودگان با کد ملی ۰۰۶۸۹۰۴۷۲۱ به عنوان اعضای هیئت مدیره برای باقی دوره تصدی انتخاب شدند. هیئت مدیره بالاتفاق آراء آقای محمد جعفریان با شماره ملی ۲۰۶۱۸۰۶۵۸۹ را به عنوان مدیر عامل تا پایان دوره هیئت مدیره انتخاب نمود. کلیه اسناد تعهدآور شرکت با امضاء متفق مدیر عامل و یکی از اعضاء هیئت مدیره و در غیاب مدیر عامل با امضاء متفق دو عضو هیئت مدیره و در هر حال همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود. مکاتبات عادی شرکت با امضاء منفرد مدیر عامل و یا یکی از اعضاء هیئت مدیره و در هر حال همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود.
سازمان ثبت اسناد واملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۷۴۰۹۴۴)

آگهی تغییرات شرکت مانا مد گروه سهامی خاص به شماره ثبت ۴۵۷۱۷۴ و شناسه ملی ۱۴۰۰۴۲۰۸۴۲۳

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۰۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: محل شرکت به استان تهران ـ منطقه ۱۴ شهرستان تهران ـ بخش مرکزی ـ شهر تهران ـ محله پونک کوچه فراز خیابان شهید محمدعلی شفیع زاده (پنجم) پلاک ۱۴ طبقه منفی ۱ کدپستی ۱۴۶۹۹۷۶۸۱۱ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه بشرح فوق اصلاح گردید.
سازمان ثبت اسناد واملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۷۴۰۹۴۵)

آگهی تغییرات شرکت فناوری اطلاعات ناو آکو سهامی خاص به شماره ثبت ۲۴۶۹۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۰۱۵۶۵

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۲۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند: آقای مسعود قنبری موغاری به شماره ملی ۱۱۸۹۹۵۴۳۳۸ به نمایندگی از شرکت گروه مالی بانک مسکن به شماره شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۸۷۸۴۳ به سمت رئیس هیئت مدیره آقای حمید یاری به شماره ملی ۳۸۷۳۹۴۶۵۷۲ به نمایندگی از بانک مسکن به شماره شناسه ملی ۱۰۱۰۰۸۳۰۷۹۲ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره آقای محمدرضا خادم به شماره ملی ۰۰۶۱۵۹۷۳۷۶ به نمایندگی از شرکت آموزشی ورزشی و رفاهی امیدروشن پایتخت به شماره شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۴۴۷۱۰ به سمت عضو هیئت مدیره آقای بابک درویش روحانی به شماره ملی ۴۰۷۲۶۸۰۴۸۶ به نمایندگی از شرکت تأمین نیروی انسانی و خدمات پشتیبانی بانک مسکن به شماره شناسه ملی ۱۰۱۰۲۷۳۸۹۸۴ به سمت عضو هیئت مدیره آقای حامد میرشک به شماره ملی ۰۰۷۹۵۸۰۵۰۵ به نمایندگی از شرکت گروه سرمایه گذاری مسکن به شماره شناسه ملی ۱۰۱۰۱۲۳۶۵۷۱ به سمت عضو هیئت مدیره آقای محمدرضا ضیاءظریفی به شماره ملی ۲۷۰۹۳۰۵۱۳۵ به سمت مدیر عامل (خارج از اعضای هیئت مدیره) کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور از جمله چک، سفته، برات و قرارداد با امضای ثابت مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت و در غیاب یک نفر از ایشان با امضای شخص حاضر و یکی از اعضای هیئت مدیره (مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره)، با امضای دو نفر از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت و در صورت غیاب هر دو نفر شرکت معتبر خواهد بود. همچنین مکاتبات و اوراق عادی و اداری با امضای مدیر عامل همراه با مهر شرکت معتبر است. حدود اختیارات مدیر عامل به شرح ذیل تعیین گردید: ۱) نمایندگی شرکت در برابر اشخاص و کلیه ادارات دولتی و مؤسسات خصوصی ۲) نصب و عزل کلیه مأموران و کارکنان شرکت و تعیین شغل، حقوق، دستمزد، ترفیع، تشویق، تنبیه و تعیین سایر شرایط استخدام، معافیت، خروج از خدمت، مرخصی، بازنشستگی و مستمری وراث آنها در چارچوب آیین نامه جذب و استخدام مصوب هیئت مدیره ۳) افتتاح حساب و استفاده از آن بنام شرکت نزد بانکها و مؤسسات قانونی دیگر با امضای صاحبان امضای مجاز ۴) دریافت مطالبات شرکت و پرداخت دیون آن اعم از اصل و بهره و متفرعات ۵) عقد هر نوع قرارداد و تغییر و تبدیل یا فسخ و اقاله آن در مورد خرید، فروش و معاوضه اموال منقول، غیر منقول، ماشین آلات، مناقصه، مزایده و غیره که جزء موضوع شرکت باشد و انجام کلیه عملیات و معاملات مذکور در ماده پنج اساسنامه در چارچوب آیین نامه معاملات مصوب هیئت مدیره ۶) تعیین میزان استهلاک در چارچوب استانداردهای مربوطه ۷) تنظیم خلاصه صورت دارایی و قروض شرکت هر شش ماه یکبار و دادن آن به بازرس شرکت. ۸) تنظیم صورت دارایی و دیون شرکت پس از انقضای سال مالی و همچنین ترازنامه، حساب عملکرد و حساب سود و زیان شرکت در اجرای ماده ۱۰۶ لایحه اصلاحی قانون تجارت.
سازمان ثبت اسناد واملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۷۴۰۹۴۶)

آگهی تغییرات شرکت سپهر پارس پایا سهامی خاص به شماره ثبت ۲۸۳۲۴۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۶۷۹۹۱

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۱۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ـ محل شرکت در واحد ثبتی تهران به آدرس استان تهران ـ منطقه ۱۹، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، محله کاووسیه، خیابان ولیعصر، خیابان قبادیان، پلاک ۴۶، طبقه همکف کدپستی: ۱۹۶۹۶۱۴۴۱۱ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه بشرح فوق اصلاح گردید.
سازمان ثبت اسناد واملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۷۴۰۹۴۷)

آگهی تغییرات شرکت گسترش صنایع معدنی کاوه پارس شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۷۲۸۰۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۰۵۷۷۰۲

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۲۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ـ روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی های شرکت تعیین شد. ـ ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۷ تصویب شد ـ موسسه حسابرسی مفید راهبر به شماره شناسه ملی ۱۰۸۶۱۸۳۶۵۳۱ به عنوان بازرس قانونی و حسابرس مستقل شرکت برای سال مالی ۱۳۹۸ انتخاب گردید ـ اعضاء هیئت مدیره برای مدت ۲ سال بشرح ذیل انتخاب گردیدند. ـ بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۷۱۹۲۰ ـ شرکت پیوند تجارت آتیه ایرانیان به شناسه ملی ۱۴۰۰۵۲۹۱۶۵۱ ـ شرکت ره نگار خاورمیانه پارس به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۲۳۶۰۹ ـ شرکت مادر تخصصی مالی و سرمایه گذاری سینا به شناسه ملی ۱۰۳۴۰۰۵۸۹۱۷ ـ شرکت انرژی گستر سینا به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۴۵۰۲۲.
سازمان ثبت اسناد واملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۷۴۰۹۴۸)

افتتاح طرح‌های اقتصادی و عمرانی به میمنت دهه مبارک فجر

زاهدان ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرآب و خاک و امور مهندسی سازمان جهاد کشاورزی سیستان و بلوچستان گفت: ۲۱۰ طرح آب و خاک بخش کشاورزی با اعتبار ۵۲۷ میلیارد و ۹۳۰ میلیون ریال همزمان با ایام دهه فجر در این استان به بهره‌برداری رسید.

جعفر زربافتی اظهار داشت: با بهره‌برداری از این طرح‌ها هزار و ۱۵۳ خانوار روستایی سیستان و بلوچستان از مزایای آنها بهره‌مند شدند و ۳۸۱ نفر در این استان با افتتاح این طرح‌های یاد شده مشغول به کار شدند.

مدیر آب و خاک و امور مهندسی سازمان جهاد کشاورزی سیستان و بلوچستان عمده طرح‌های افتتاح شده دهه فجر را اجرای چهار هزار و ۲۳۰ هکتار آبیاری تحت فشار، ۱۰۰ هکتار تجهیز و نوسازی، ۱۰ کیلومتر انتقال آب و مرمت و بازسازی ۶۵ رشته قنات ذکر کرد.

زربافتی گفت: از آنجایی که کشاورزی شغل و معیشت اغلب مردم ساکن در این استان محسوب می‌شود، استفاده درست و بهینه از منابع پایه آب و خاک ضرورت انکارناپذیر است و به همین سبب در برنامه‌ریزی‌ها اعم از ذخیره، انتقال، توزیع و مصرف آب در بخش کشاورزی باید کاملا هوشمندانه عمل کرد.

وی ادامه داد: توجه جدی به مدرن سازی انواع روش‌های آبیاری سطحی موجود در مزارع با توجه به اندک بودن اعتبارات در بخش‌های تجهیز و نوسازی اراضی، منظور کردن اعتبارات از محل ردیف شبکه‌های آبیاری و زهکشی برای اجرای طرح‌های زهکشی و اجرای شبکه‌های انتقال و توزیع آبیاری در سطح مزرعه و اجازه استفاده استان از اعتبارات سامانه‌های نوین آبیاری، از جمله برخی پیشنهادها برای بهبود وضعیت آب و خاک در استان سیستان و بلوچستان است.

بهره‌برداری از ۷۹۵ پروژه در مناطق روستایی و عشایری

رئیس کارگروه روستایی و عشایری ستاد دهه فجر سیستان و بلوچستان نیز گفت: ۷۹۵ پروژه عمرانی و تولیدی به مناسبت چهل و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در مناطق روستایی و عشایری استان به بهره‌برداری رسید.

سید عبدالحسین سجادی اظهار داشت: این طرح‌ها از سوی سازمان جهاد کشاورزی، ادارات کل راه و شهرسازی، نوسازی مدارس، ورزش و جوانان، کمیته امداد خمینی(ره)، شرکت برق منطقه‌ای، اداره کل فناوری اطلاعات، بهزیستی و دانشگاه‌های علوم پزشکی استان راه‌اندازی و برای اجرای این طرح‌ها بیش از ۲۳۷۱ میلیارد ریال اعتبار هزینه شده است، ضمن آنکه ۴۳ هزار و ۷۶۲ خانوار روستایی و عشایری استان از مزایای این طرح‌ها بهره‌مند شده‌اند و برای ۶۶۷۱ نفر شغل ایجاد شده است.

معاون بهبود تولیدات دامی سازمان جهاد کشاورزی استان سیستان و بلوچستان نیز گفت: در حال حاضر ۳ واحد پرورش شترمرغ توأم صنعتی به ظرفیت اسمی ۷۵ قطعه مولد و ۱۱۰۰ قطعه پرواری، ۸ واحد پرورش شتر مرغ گوشتی صنعتی به ظرفیت اسمی ۲۴۵۰ قطعه و ۷ واحد پرورش توأم به صورت سنتی با ظرفیت ۸۴۰ قطعه متعلق به بخش خصوصی و موسسات دولتی فعال هستند و سالیانه ۱۶۰ تن گوشت شتر مرغ و ۴ هزار قطعه جوجه تولید می کنند.

محمدرضا بندانی افزود: طرح توسعه و تکمیل زنجیره تولید و پرورش شترمرغ در استان در قالب برنامه ۴ ساله تدوین و عملیات اجرایی آن از سال ۹۷ شروع شده و تاکنون ۱۲ واحد جایگاه سنتی شتر مرغ گوشتی ۵۰ قطعه‌ای و ۳ واحد جایگاه سنتی شترمرغ مولد ۱۰ قطعه‌ای به صورت مشارکتی احداث شده و تعداد ۷ واحد جایگاه مولد ۱۰ قطعه‌ای نیز در حال احداث است.

بندانی گفت در دهه فجر امسال برای پرورش، توسعه و تکمیل زنجیره پرورش شتر مرغ ۴ پروژه با صرف (۱۱ میلیارد و ۶۰۹) میلیون ریال اعتبار به بهره‌برداری رسیده است.

افتتاح ۴۰ پروژه آبرسانی و آغاز عملیات اجرایی ۲۸ طرح آبرسانی در روستاهای استان گلستان

گرگان ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب روستایی استان گلستان گفت: در دهه فجر امسال ۴۰ پروژه و ۲۸ طرح آبرسانی با اعتباری بیش از ۷۴۲ میلیارد ریال افتتاح و کلنگ‌زنی شده است.

بهزاد هرمزی افزود: ۸۹۴ روستای استان از آب شرب، سالم و بهداشتی و پایدار بهره‌مند هستند و ۷۷ روستا به وسیله ناوگان سیار آبرسانی می‌شوند که با بهره‌برداری از طرح‌های آبرسانی دهه فجر و بهره‌مندی ۴ روستا از آب شرب سالم و بهداشتی، این رقم به ۷۳ روستای فاقد آب شرب کاهش یافته است.

افتتاح ۴ پروژه عمرانی شهرداری بابلسر

بابلسر ـ خبرنگار اطلاعات: در مراسمی باحضور مهندس مهدی رازجویان معاون هماهنگی امورعمرانی استاندار مازندران ۴ پروژه عمرانی شهرداری بابلسر با اعتباری بالغ بر ۹۰۰ میلیون تومان به بهره برداری رسید.

در این مراسم که خانواده معظم شهدا، نماینده مردم بابلسر و فریدونکنار در مجلس شورای اسلامی، امام جمعه، فرماندار، شهردار، رئیس و اعضای شورای اسلامی شهر بابلسر، مدیران دستگاه‌های اجرایی، اقشار مختلف مردم بابلسر و اصحاب رسانه نیز حضور داشتند، پروژه‌های یاد شده پناهگاه حیوانات، ساختمان ایستگاه سواری‌های بابلسر - بابل، زمین ورزشی کاظم آباد و زمین ورزشی شهرک ساحلی بوده است که مورد بهره برداری قرارگرفت ودرباره هریک از آن‌ها، محجوب پروین، رئیس شورای اسلامی شهر بابلسر توضیحاتی ارائه داد.

در آئین افتتاح این ۴ پروژه، معاون استاندار با ابراز خرسندی از پروژه‌هایی که مورد بهره برداری قرار گرفت، از اقدامات انجام شده توسط مهندس رحیمی شهردار بابلسر جهت عمران و آبادانی این شهر قدردانی کرد و اظهارداشت: پروژه‌هایی مانند طرح‌های ورزشی بسیار ضروری و مورد نیاز جوانان است.

حجت الاسلام قلی پور، امام جمعه بابلسر و فاطمه بهار عضو شورای شهر بابلسر نیز از خدمات شهردار بابلسر تشکر و قدردانی کردند.

مهندس رضا رحیمی، شهردار بابلسر گفت: بزودی احداث چند پروژه بزرگ مانند اولین کمپ ورزشی فوتبال، مجموعه فرهنگی ورزشی استخر دو قلو، اصلاح هندسی میدان امام حسین (ع)، تصفیه فاضلاب خانگی (سپتاژ) و چند پروژه دیگر افتتاح خواهند شد که امیدواریم با افتتاح آنها گام‌های بلندی در راه توسعه همه جانبه بابلسر برداریم.

وی از حمایت‌های رئیس و اعضای شورای اسلامی شهر بابلسر از مجموعه شهرداری قدردانی کرد و افزود: تمامی موفقیت‌های ما طی ۱۶ ماه گذشته مرهون همین همدلی‌ها و هم افزایی‌ها است که امیدواریم تداوم داشته باشد.

استقبال از نمایشگاه دستاوردهای تولیدی و خدماتی استان البرز درچهل و یکمین سالگرد انقلاب

کرج ـ خبرنگار اطلاعات: استاندار البرز از استقبال مردم از نمایشگاه نمونه‌هایی از دستاوردهای تولیدی و خدماتی این استان به‌مناسبت چهل و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب در کرج قدردانی کرد.

دکتر شهبازی درآیین افتتاح و دیدار از غرفه‌های شرکت‌های حاضر دراین نمایشگاه گفت: این نمایشگاه توانسته است فقط بخش اندکی از دستاوردهای انقلاب را در معرض دید عموم قرار دهد و این توانمندی‌ها و دستاوردها در حوزه‌های دارویی، کشاورزی، دانش بنیان و شتاب دهنده‌ها در شرایط سخت و تحریم‌ها حاصل شده است. این نمایشگاه، همچنین مشتی از خروارها اقدامات، ابتکارات و خلاقیت‌های فرزندان این مرز و بوم است، و من سراسر استان را به شکل مستمر رصد می‌کنم و از نزدیک شاهد بروز و ظهور دستاوردها در حوزه‌های مختلف هستم.

شهبازی با اشاره به این که شکوفایی فرصت‌های نهفته در استان البرز را وظیفه خود می‌دانم، گفت: یکی از مأموریت‌های اساسی خود را رونق اشتغال و تولید در البرز با توجه با هدف بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود می‌دانم.

استاندار البرز افزود: تولیدات استان البرز برای کشور بسیار اهمیت دارد و گاهی با بررسی تولیدات هایتک جوانان ایرانی در البرز، شگفت زده می‌شویم.

وی افزود: دانش و نظام و دولت در البرز بسیج شده‌اند تا بسترهای خلاقیت و نوآوری برای تحقق اقتصاد مقاومتی طبق منویات مقام معظم رهبری مهیا شود.

شهبازی اضافه‌کرد: البرز در حوزه‌های کشاورزی، صنعت و خدمات ظرفیت‌های بزرگی دارد که به طور قطع در آینده نزدیک نیز با گسترش بسترهای خدماتی از طریق شتاب‌دهنده‌ها، شاهد دگرگونی‌های اساسی در این زمینه خواهیم بود.

وی با بیان این که برندهای شاخص و معتبری در استان البرز مستقر هستند، گفت: بیش از ۷۰ درصد تولید و صادرات داروی کشور از استان البرز صورت می‌گیرد.

بهره‌برداری از طرح‌های عمرانی در قشم

بندرعباس ـ خبرنگار اطلاعات: ۵ طرح عمرانی با هزینه ۱۷۸ میلیارد و ۳۰ میلیون ریال با حضور استاندار هرمزگان در شهرستان قشم به بهره‌برداری رسید.

فریدون همتی استاندار هرمزگان در مراسم بهره‌برداری از این طرح‌ها گفت: این طرح‌ها در حوزه‌های راه و شهرسازی، ورزش و جوانان، آموزش و پرورش، بهداشت و درمان و گازرسانی اجرا شده است.

همتی افزود: جاده دسترسی به ساحل روستای «سهیلی» به طول ۶ کیلومتر، مدرسه خیرساز ۶ کلاسه ابتدایی دخترانه «بانو زینب» با زیربنای ۵۰۰ مترمربع و آسفالت معابر و کانال زه‌کشی به طول چهار کیلومتر با اعتبار ۲۲ میلیارد ریال در روستای لافت امروز به بهره برداری رسیده و با بهره‌برداری از خط لوله‌ای گاز ۳۲ کیلومتری دسترسی انشعاب خانگی گاز برای مردم روستای کووه‌ای فراهم شده است.

همتی گفت: کلینیک تخصصی خلیج فارس نیز با ۷۸۰ مترمربع زیربنا واقع در محوطه بیمارستان قدیم قشم در ۲ طبقه در چارچوب طرح تحول سلامت به بهره‌برداری رسیده است.

با حضور استاندار هرمزگان همچنین ساخت ۵ زمین چمن مصنوعی در سوزا، طبل، قشم، رمکان و لافت با مجموع اعتبار ۹۰ میلیارد ریال آغاز شد که پیش‌بینی می‌شود تا پایان سال آینده به بهره‌برداری برسد. ساخت مرکز توانپزشکی روستای «هلر» با اعتبار ۴۰ میلیارد ریال در زمینی با مساحت یکهزار و ۵۵۰ مترمربع و زیربنای ۸۰۰ مترمربع به صورت خیرساز نیز آغاز شده است.

بهره برداری از ۹ طرح در پارسیان

در ششمین روز از دهه فجر، ۹ طرح عمرانی با اعتبار ۳۲ میلیارد و ۵۸۱ میلیون تومان در پارسیان به بهره‌برداری رسید.

معاون هماهنگی امور اقتصادی استانداری هرمزگان در مراسم بهره برداری از این طرح‌ها گفت: ۵ هکتار گلخانه، طرح‌های برق و مخابرات، افتتاح کارخانه رب گوجه فرنگی و افتتاح شرکت بتن سیال معمولی از جمله این طرح‌ها است.

ایرج حیدری گفت: بلوار ۶۰۰ متری شهرداری کوشکنار، افتتاح فاز اول بوستان خطی کوشکنار، طرح پایش تصویری دشتی و محوطه سازی و تاسیسات پشتیبانی اسکله زیارت، از دیگر طرح‌های بهره برداری شده است.

وی گفت: عملیات تعویض خط انتقال مجتمع ساحلی و تکمیل عملیات آبرسانی جنوب پارسیان و همچنین ساماندهی آبراه شهرداری دشتی به طول هزار و ۶۰۰ متر نیز با اعتبار ۷ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان آغاز شده است.

مشعل‌های گاز ۴ روستای سوادکوه روشن شد

ساری ـ خبرنگار اطلاعات: مشعل‌های گاز ۴ روستای سوادکوه با اعتباری بالغ بر ۷ میلیارد تومان روشن شد

مدیرعامل شرکت گاز مازندران در آئین افتتاح گازرسانی به ۴ روستای منطقه سوادکوه گفت: این پروژه دارای ۲۶ کیلومتر مسیر انتقال، ۲ ایستگاه و قابلیت نصب ۶۰۰ علمک است و با این اقدام بیش از ۹۰۰ خانوار تحت پوشش گازرسانی قرار گرفتند.

جعفر احمدپور تأکید بر عدم توقف اجرای پروژه‌های گازرسانی، به اجرای پروژه‌های گازرسانی دهه فجر در ۱۳۳ روستا و یک شهر در منطقه ساری، ۱۰ روستا در بهشهر، گازرسانی به صنعت نساجی و یک روستا در غرب استان اشاره کرد و افزود: برای گازرسانی به یک روستا، انتقال آن از عسلویه به طول بیش از ۲هزار کیلومتر انجام می‌شود که هزینه دولت برای انتقال گاز به مناطق کشور سرسام‌آور است اما دولت این را مبنا قرار داده است که هر روستای بالای ۲۰ خانوار گازرسانی شود.

وی با اشاره به اینکه مازندران دارای بیشترین روستای گازرسانی شده در کل کشور است، گفت: برای هر روستای بالای ۲۰ خانوار نصب هر علمک تا ۱۲ میلیون تومان هزینه دارد و به ۲هزارو ۱۷۵ از ۳ هزار و ۱۰۰ روستای با قابلیت گازرسانی در استان مازندران گاز رسانی شده و مقرر است تا ۲ سال آینده مابقی نیز گازرسانی شوند.

مدیرعامل شرکت گاز مازندران با اشاره به اینکه از «طالع رودبار» به سمت «گدوک» ۴۷ روستا وجود دارد که باید گازرسانی شود، گفت: مجوزهای لازم برای خط انتقال طالع به ورسک اخذ و انجام پروژه تا ورسک در مرحله اول در ۳ فاز طراحی شده است وامیدواریم با مشخص شدن پیمانکاران، کلنگ این پروژه همراه با آغاز عملیات اجرایی در بهار سال ۹۹ زده شود و با انجام این پروژه، ۴۷ روستای استان مازندران و ۴ روستای استان سمنان گازرسانی خواهند شد.

مراسم گازرسانی به ۴ روستای سوادکوه با حضور فرمانده، معاون فرماندار و بخشدار سوادکوه و نماینده مردم قائم شهر، سوادکوه، جویبار و کایاکلا در مجلس شورای اسلامی و اهالی روستاهای منطقه برگزار شد.

بهره برداری از ۹۰ طرح عمرانی و اقتصادی در خرم دره

خرم دره- خبرنگاراطلاعات: استاندار زنجان در ششمین روز از دهه فجر با حضور در شهرستان خرم دره به طور همزمان ۷۰ طرح عمرانی را با اعتباری بالغ بر ۳۴۲ میلیارد ریال در این شهرستان افتتاح کرد همچنین در این روز ۲۰ طرح اقتصادی با ۸۴ میلیارد ریال سرمایه گذاری و اشتغالزایی نزدیک به ۱۰۰ نفر در شهرستان خرم دره به بهره برداری رسید. از مهمترین طرح‌های اقتصادی افتتاح شده در این شهرستان بهره برداری از کارخانه تولید کنسانتره و خوراک دام و طیور کشت و صنعت بنیاد خرم دره بود.

استاندار زنجان در دیدار با خانواده جانباز آصف عزیزی و خانواده شهید علیرضا ملکی به مقام شامخ شهدا، جانبازان و ایثارگران ادای احترام کرد.

فتح الله حقیقی سپس با یکی از خانواده‌های تحت پوشش بهزیستی شهرستان خرم دره دیدار و دستور لازم برای رسیدگی به مشکلات این خانواده را صادر کرد. آخرین برنامه استاندار زنجان در شهرستان خرم دره حضور در روستای رحمت آباد و شرکت در جشن گرامیداشت چهل و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی بود.

استاندار زنجان با اشاره به طرح بهسازی و آسفالت ۸۸ کیلومتر از راه‌های روستایی استان طی امسال، اظهار کرد: تلاش می کنیم تا فاصله ۴ کیلومتری روستاهای «سوکهریز» و «رحمت آباد» خرم دره نیز در این طرح قرار گیرد.

در ششمین روز از دهه فجر، بهره برداری همزمان از ۱۱ واحد ساختمانی مددجویی کمیته امداد با اعتبار۳۵۵ میلیون تومان، پرداخت۱۲۴ مورد وام خوداشتغالی با اعتبار مجموعاً ۴ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان و اشتغالزایی بیش از ۱۸۰ نفر با حضور امام جمعه، فرماندار و روسای ادارات شهرستان خرم دره نیز به انجام رسیده و همچنین در هشتمین روز از فجر با حضور فرماندار، بخشدار مرکزی و روسای ادارات شهرستان خرم دره، ۳ پروژه جهاد کشاورزی بطورهمزمان افتتاح و از آن‌ها بهره برداری شده است.

اعزام کاروان سلامت به مناطق محروم خراسان جنوبی

بیرجند ـ خبرنگار اطلاعات: معاون داوطلبان جهت هلال احمر خراسان جنوبی گفت: به مناسبت دهه مبارک فجر، تیم‌های بهداشتی درمانی به نقاط مختلف و محروم خراسان جنوبی اعزام شده‌اند.

احمد بخشی با بیان اینکه تاکنون کاروان‌های سلامت به ۶ روستای محروم شهرستان‌های نهبندان، قاین، زیرکوه و سرایان اعزام شده‌اند، گفت: این کاروان‌ها به ۱۶۰ نفر از روستاییان خدمات بهداشتی درمانی ارائه کرده‌اند.

وی ادامه داد: ۹۰ مراجعه کننده در روستاهای عباس آباد کلپ، چشمه زرد، چشمه سیاه نهبندان و عمرویی از سرایان، ۳۰مراجعه کننده در روستای نارنگ‌دل قاین و ۴۰ نفر در روستای معصوم آباد زیرکوه از خدمات درمانی و دارویی این کاروان‌ها بهره‌مند شده‌اند، این کاروان‌ها متشکل از پزشک، ماما، پرستار، تکنسین داروخانه، داوطلبان و پرسنل جمعیت هلال احمر بوده‌اند.

وی با بیان اینکه فعالیت کاروان‌های سلامت در طول سال استمرار دارد، افزود: خدمت به محرومان و ارتقاء سطح سلامت روستاییان مهم‌ترین اهداف اعزام این کاروان‌ها به مناطق محروم استان است.

جایگزینی ۴۵ مدرسه با کانکس های آموزشی

* در مراسمی با حضور استاندار، خراسان جنوبی، مسئولان استانی و شهرستانی و نمایندگان بنیاد برکت، عملیات اجرایی ۴۵ مدرسه با ۵۸ کلاس درس جایگزین کانکس‌های آموزشی در سطح استان، در مجتمع اکبرآباد نهبندان آغاز شد.

مدیر کل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس خراسان جنوبی در این مراسم گفت: ساخت این مدارس به دنبال تحقق تعهد تفاهم منعقدشده بین استانداری خراسان جنوبی، بنیاد برکت و اداره کل نوسازی مدارس استان آغاز شده است.

محمدرضا بیکی با بیان اینکه ۵۸ کلاس درس با اعتبار بیش از ۱۱میلیارد تومان در استان احداث می‌شود، گفت: این مدارس جایگزین کانکس‌های آموزشی در شهرستان‌های بیرجند، درمیان، زیرکوه، سرایان، سربیشه و نهبندان خواهند شد.

وی با بیان اینکه امید است این مدارس در سال تحصیلی پیش رو پذیرای دانش آموزان این مناطق باشند، افزود: کانکس‌های آموزشی بالای ۱۰ دانش آموز در استان حذف خواهد شد.

چند طرح عمرانی با حضور استاندار تهران در فیروزکوه افتتاح شد

فیروزکوه ـ خبرنگار اطلاعات: با حضور انوشیروان محسنی بندپی، استاندار تهران و هیأت همراه و همچنین یدالله صادقی معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت و جمعی از مسئولان استانی و شهرستانی، چند پروژه صنعتی و تولیدی در شهرستان فیروزکوه به بهره‌برداری رسید. استاندار تهران و همراهان در این سفر در منزل شهید الله قلی قدمی، اولین شهید شهرستان فیروزکوه با خانواده او دیدار کردند.

افتتاح شرکت الیک پارت تولیدکننده لنت ترمز، افتتاح شرکت اویشن، بهره‌برداری از ۴۲۶ واحد مسکن مهر در دشت‌ناصر و کلنگ‌زنی مرکز معاینه خودروهای سبک از برنامه‌های سفر یک روزه استاندار تهران به فیروزکوه در دهه فجر بود.

بهره برداری از ۲۷ پروژه عمرانی و خدماتی در نیشابور

نیشابور- خبرنگار اطلاعات: ۲۷ پروژه عمرانی و خدماتی شهرداری نیشابور با اعتبار ۱۵۰ میلیارد ریال همزمان با دهه فجر افتتاح رسمی شد.

به گفته شهردار نیشابور ساخت بوستان خطی فولاد در ضلع جنوب بلوار امام رضا(ع) با مشارکت مجتمع فولاد خراسان با اعتبار ۳۵ میلیارد ریال، خرید دو دستگاه مینی باس شهری با اعتبار ۱۱ میلیارد ریال، ساخت دیوار ساحلی کال جنگل و کال عطار با اعتبار ۱۳ میلیارد ریال، بهسازی محور اصلی باغ ملی با اعتبار ۶ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال از جمله پروژه های افتتاح شده هستند.

علی نجفی همچنین از پیاده راه سازی ضلع شمال جاده دسترسی(کوی یغما) با اعتبار سه میلیارد ریال، پروژه بهسازی و خرید ماشین آلات شامل یک دستگاه لودر و بهسازی و تغییر کاربری دو دستگاه خودرو به کامیون کمپرسی با اعتبار ۱۰ میلیارد ریال، راه اندازی سامانه مدیریت یکپارچه نامگذاری معابر ، ساخت سایت نگهداری موقت سگ های بلاصاحب درطرح زنده گیری با اعتبار ۵ میلیارد ریال، پیاده راه سازی خیابان فردوسی جنوبی با اعتبار ۳ میلیارد ریال، سامانه یکپارچه شهرسازی، شهرنما و خدمات الکترونیک با اعتبار ۳میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال به عنوان دیگر پروژه ها یاد کرد.

افزایش ۳۵ درصدی صادرات نمک املاح معدنی ایران

اراک ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرعامل شرکت املاح معدنی ایران گفت: صادرات نمک این واحد معدنی امسال با ۳۵ درصد افزایش به ۲۸ هزار تن رسیده است.

علی رستمی در جمع خبرنگاران با بیان اینکه صادرات نمک املاح معدنی ایران پارسال ۱۶ هزار تن بود، افزود: با وجود مشکلات اقتصادی، این واحد امسال عملکرد مطلوبی در زمینه صادرات داشته است و پیش‌بینی می‌شود تا پایان سال جاری رقم صادرات نمک از مرز ۳۲ هزار تن عبور کند.

وی با بیان اینکه اغلب محموله‌های نمک صادراتی املاح معدنی ایران امسال به روسیه، عراق، کشورهای جنوبی خلیج‌فارس، ترکمنستان و گرجستان ارسال شده است یاد آورشد: این واحد معدنی تصمیم دارد در زمینه توسعه صادرات، سال آینده برند خود را در کشورهای روسیه و حاشیه خلیج فارس به ثبت برساند و نفوذ خود را در بازارهای بین‌المللی افزایش دهد.

رستمی با بیان اینکه پیش‌بینی می‌شود اواسط سال آینده برند شرکت املاح جای خود را در فروشگاه‌های زنجیره‌ای روسیه و کشورهای عربی باز کند گفت: هم اینک ۴۰ درصد صادرات نمک کشور از سوی شرکت املاح معدنی ایران انجام می‌شود که قرار است به ۶۰ درصد افزایش یابد.

وی با بیان اینکه این واحد معدنی در سال جاری ۷۲ هزار تن نمک خوراکی تولید کرده است افزود: این میزان نسبت به مدت مشابه قبل، ۱۷ درصد رشد داشته است.

وی با بیان اینکه تولید سولفات سدیم این شرکت از ۱۵۴ هزار تن در سال گذشته به ۱۵۷ هزار تن در سال جاری افزایش داشته است اظهارداشت: این میزان ۵ درصد افزایش یافته است.

رستمی با بیان اینکه طرح توسعه این واحد معدنی در دستور کار این شرکت قرار دارد گفت: هنوز ابلاغیه‌ای از سوی محیط زیست یا سازمان صنعت، معدن و تجارت مبنی مخالفت و از دستور کار خارج شدن آن دریافت نشده است.

وی با بیان اینکه بهره‌برداری از مرحله نخست طرح تولید پتاسیم به ظرفیت ۴۰ هزار تن از مهمترین برنامه‌های سال آینده شرکت املاح ایران است افزود: این محصول چهارم این واحد معدنی هم به زودی وارد بازار می‌شود.

وی ادامه داد: مقرر شد این ظرفیت تا مرحله سوم به ۱۲۰ هزار تن افزایش یابد و کشور که هم اینک از بزرگترین واردکنندگان پتاسیم است به خودکفایی برسد و از واردات این محصول بی‌نیاز شود. رستمی با بیان اینکه ۷۰۰ هزار تن از باطله‌های این شرکت در سال جاری برگشت داده شده است گفت: برگشت سالانه یک میلیون تن از باطله‌ها به تالاب میقان جزو تعهدات این شرکت است که با جدیت دنبال می‌شود.

چابهار نقش مهمی در توسعه روابط تجاری ایران و بنگلادش ایفا می کند

زاهدان ـ خبرنگار اطلاعات: سفیر بنگلادش در ایران گفت: ارتباط ۲ طرفه تجار و سرمایه‌گذاران ایران و بنگلادش می‌تواند در رونق تجارت منطقه مؤثر باشد که چابهار ایفا کننده نقش جدی در این ارتباط خواهد بود.

«ای.اف.ام. گوسال اعظم سارکار» در نشست مشترک با مدیرکل بنادر و دریانوردی سیستان و بلوچستان اظهار داشت: بنگلادش متقاضی تجارت دریایی با بندر چابهار است و این بندر فرصتی مناسب برای تجار و سرمایه‌گذاران این کشور است.

وی افزود: خواهان شکل‌گیری تجارت دریایی بنگلادش و بندر چابهار با ایجاد خط مستقیم و مستمر کشتیرانی هستیم.

وی ادامه داد: بنگلادش در حال بررسی بازارهای جدید برای سرمایه‌گذاری و رونق تجارت با دیگر کشورهای منطقه است که در دیدار از بندر چابهار مشخص شد اقدامات توسعه‌ای انجام شده در این بندر فرصت بسیار خوبی برای تجار و سرمایه‌گذاران این کشور است.اعظم سارکار با بیان اینکه بندر چابهار به دلیل موقعیت مناسب جغرافیایی ارتباط خوبی بین ایران با افغانستان و دیگر کشورهای منطقه ایجاد کرده است، افزود: دستاوردهای این سفر در راستای رونق مراودات اقتصادی با ایران و دیگر کشورهای منطقه از طریق بندر چابهار، در اختیار تجار و سرمایه‌گذاران بنگلادش قرار خواهد گرفت.

وی تأکید کرد: ارتباط دو طرفه تجار و سرمایه‌گذاران ایران و بنگلادش می‌تواند در رونق تجارت منطقه مؤثر باشد که چابهار ایفا کننده نقش جدی در این ارتباط خواهد بود.

سفیر بنگلادش در ایران همچنین شکل‌گیری تجارت ۲ کشور بویژه ارتباطات دریایی بنادر بنگلادش و بندر چابهار را با ایجاد خط مستقیم و مستمر کشتیرانی خواستار شد و ادامه داد: بنگلادش متقاضی این است که همچون هند در بندر چابهار فعالیت‌های اپراتوری داشته باشد و از طریق این بندر با دیگر کشورها و از جمله افغانستان در حوزه ترانزیت و ترانشیپ ارتباط برقرار کند.

اعظم ساکار خاطرنشان کرد: اعطای مشوق‌ها و بسته‌های حمایتی برای سرمایه‌گذاران لازمه شکل‌گیری تجارت ۲ کشور است.

مدیرکل بنادر و دریانوردی سیستان و بلوچستان نیز گفت: با توجه به قرار گرفتن بندر چابهار در خارج از حوزه خلیج‌فارس، توسعه این بندر با هدف پیوند با کشورهای منطقه انجام شد که این توسعه بیشتر در حوزه ترانزیت و ترانشیپ بوده است.

بهروز آقایی با اشاره به نبود محدودیت‌های حوزه خلیج‌فارس در بندر چابهار بیان کرد: با توجه به این مهم تفاهم‌نامه‌ای بین ایران، هند و افغانستان با هدف بهره گرفتن از این بندر استراتژیک منعقد شده و توسط حاکمیت این کشورها تصویب شده است.

وی با اشاره به شکل‌گیری تجارت ایران، هند و افغانستان در پی موافقت‌نامه چابهار و تأثیر آن در کاهش هزینه‌ها و زمان تجارت بین ۳ کشور اظهار داشت: امکان پیوستن دیگر کشورها به این موافقت‌نامه وجود دارد در این خصوص کشورهایی از حوزه CIS درخواست‌هایی را ارائه داده‌اند.

مدیرکل بنادر و دریانوردی سیستان و بلوچستان تأکید کرد: درخصوص حضور و اپراتوری شرکت‌ها و کشورهای خارجی در بندر چابهار نیز محدودیتی وجود ندارد، مدل قرارداد با این شرکت‌ها به صورت بلند و میان مدت است و قراردادهای توسعه‌ای نیز بلند مدت خواهد بود.

فعالان اقتصادی بنگلادش علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری در چابهار هستند

سفیر بنگلادش در ایران در دیدار با فرماندار شهرستان چابهار گفت: دولت و فعالان اقتصادی، تجاری و گردشگری بنگلادش علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری در چابهار هستند و امیدواریم حضور بخش خصوصی منجر به توسعه روابط شود.

«اف.م گوسال اعظم سارکار» اظهار داشت: در این سفر ما از جاذبه‌های تاریخی و گردشگری چابهار دیدن کردیم و خوشحالم که این شهرستان ظرفیت‌های خوبی در زمینه سرمایه‌گذاری دارد و ما نیز باید از این فرصت برای بخش خصوصی استفاده کنیم، زیرا با توجه به زیبایی چابهار، این منطقه برای سرمایه‌گذاری جذاب است. سفیر بنگلادش در ایران گفت: ما همواره به توسعه تجارت ایران و بنگلادش فکر می‌کنیم و هر چه بخش تجاری ما اطلاعات بیشتری داشته باشد، رغبت بیشتری برای سرمایه‌گذاری به این شهر خواهند داشت.

اعظم سارکار ادامه داد: بنگلادش و ایران دوستان قدیمی و از نظر دینی و مذهبی بسیار نزدیک هستند. معاون استاندار سیستان و بلوچستان و فرماندار شهرستان ویژه چابهار نیز اظهار داشت: چابهار از ظرفیت‌های زیادی از نظر گردشگری و جاذبه‌های تاریخی برخوردار است و منطقه آزاد و بندر آن یکی دیگر از ظرفیت‌های بزرگ این شهرستان محسوب می‌شود.

رحمدل بامری افزود: منطقه آزاد چابهار از سال ۱۳۷۲ شروع به‌کار کرده و طرح توسعه آن توسط مجلس تصویب شده است و روز به روز توسعه بیشتری پیدا می‌کند و بزودی ۲ اسکله شهید بهشتی و شهید کلانتری به آن اضافه خواهد شد. وی بیان کرد: کلنگ‌زنی بیمارستان ۵۴۰ تختخوابی و فرودگاه بین‌المللی و راه‌آهن چابهار به زاهدان تا یکسال دیگر افتتاح می‌شوند.

معاون استاندار سیستان و بلوچستان گفت: چابهار ظرفیت‌های بی‌نظیری شامل دارا بودن بزرگترین بندر اقیانوسی کشور، ظرفیت‌های مناسب در حوزه‌های شیلاتی، گردشگری و کشاورزی برای سرمایه‌گذاری دارد.

تشییع باشکوه پیکر مطهر نماینده سابق ولی فقیه در مازندران

سرویس شهرستان‌ها: مراسم تشییع پیکر عالم مجاهد مرحوم آیت الله نورالله طبرسی نماینده سابق ولی فقیه در مازندران صبح دیروز از میدان شهید قاسمی ساری با حضور انبوه مردم و مسئولان برگزار شد.

جمعیت عزادار با حضور مسئولان کشوری و استانی و از جمله حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر ناطق نوری عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، محمدباقر محمدی لائینی نماینده ولی فقیه در استان و احمد حسین زادگان استاندار مازندران با ذکر «لا اله الا الله» پیکر پاک نماینده سابق ولی فقیه را به سمت آرامگاه ملا مجدالدین ساری تشییع کردند.

جمعیت با نوحه خوانی و عزاداری پرشور سوگ خود را از وداع با یار مازندرانی رهبر معظم انقلاب نشان دادند و پیکر آن مرحوم را مشایعت کردند.شماری از عزاداران نیز با در دست داشتن تصاویری از مرحوم آیت الله طبرسی، عزاداری و ارادت خود را به این یار دیرین امام خمینی(ره) ابراز کردند.

پیکر مطهر آیت‌الله طبرسی پس از خواندن نماز میت توسط آیت الله العظمی جوادی آملی در گلزار شهدای ملامجدالدین ساری و در کنار مزار پاک شهدای انقلاب و دفاع مقدس به خاک سپرده شد.

آیت الله نورالله طبرسی نماینده سابق ولی فقیه در مازندران پس از تحمل مدت‌ها رنج بیماری شنبه هفته جاری در بیمارستان ساسان تهران درگذشت.

نماینده ولی فقیه در استان مازندران:
دنیای استکبار از بخش لشکری جمهوری اسلامی می ترسد

سرویس خبر: نماینده ولی فقیه در استان مازندران در دیدار رئیس سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع گفت: دنیای استکبار از بخش لشکری ما هراس دارد.

حجت الاسلام و المسلمین محمد باقر محمدی لائینی امام جمعه ساری در دیدار حجت الاسلام آقاجانپور با اشاره به اهمیت وزارت دفاع افزود: هرگاه مسئولان فرمایشات رهبر معظم انقلاب را جدی گرفتند، پیشرفت حاصل شد.

وی با اشاره به پیشرفت‌های چشمگیر در حوزه لشکری ادامه داد: دنیای استکبار از بخش لشکری ما هراس دارد اما در بخش کشوری به رغم تلاش‌های انجام گرفته، هنوز ضعف‌هایی وجود دارد. اگر مسئولان در جهت فرامین رهبر معظم انقلاب پیش روند و اقتصاد مقاومتی را سرلوحه کار قرار دهند، پیشرفت خواهیم کرد.

امام جمعه ساری، با تاکید براهمیت بخش لشکری و پررنگ‌تر شدن دغدغه‌های عقیدتی و سیاسی در این بخش ،ادامه داد: عملیات‌های انجام گرفته مانند عین الاسد سبب اقتدار و غرور ملی شده است و نباید این غرور شکسته شود.

وی با تقدیر از خدمات وتلاش های نیروهای مسلح گفت: نیروهای مسلح ایران نیروهای مکتبی و ولایی هستند.

ارتقای دانش حقوقی و قضایی جامعه با مشارکت رسانه ملی

بندرعباس ـ خبرنگار اطلاعات:رئیس کل دادگستری استان هرمزگان گفت: تفاهمنامه همکاری‌های صدا و سیمای مرکز خلیج فارس و دادگستری کل استان هرمزگان امضاء شد.

علی صالحی در این‌باره گفت: طرفین، این تفاهمنامه همکاری را با هدف افزایش آگاهی‌های عمومی و ارتقای قانون مداری در سطح جامعه امضاء کردند، که شامل همکاری در زمینه اطلاع رسانی به منظور ارتقای دانش حقوقی و قضایی جامعه است .

رئیس کل دادگستری استان هرمزگان برنامه‌های مدون را از مهمترین مفاد این تفاهم نامه اعلام کرد و افزود: سعی می‌کنیم در ارتباط با این تفاهمنامه برنامه‌های متنوعی برای استفاده عموم ساخته شود و مردم با حقوق خود بیش از پیش آشنا شوند.وی ادامه داد: اطلاع رسانی، فرهنگ سازی و مشارکت در تولید و پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، تکریم ارباب رجوع، ترویج قانون مداری و پیشگیری از وقوع جرم در استان هرمزگان از دیگر مؤلفه‌های هدفگذاری شده در قالب این تفاهم نامه همکاری است.

او ابراز امیدواری کرد که در نتیجه امضای این تفاهمنامه یک مسیر تحولی در جهت بهره برداری تمامی مردم گشوده شود و در پرتو ارتقای سطح همکاری‌های دستگاه قضایی و رسانه ملی، کاهش چشمگیر جرایم و آسیب‌های اجتماعی تحقق یابد.

یزد کمترین خاموشی و تلفات برق در کشور را دارد

یزد ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرعامل شرکت توزیع برق استان یزد از جایگاه نخست این استان در کشور به لحاظ کمترین خاموشی برق به میزان ۶۸ دقیقه به ازای هر مشترک در سال خبر داد و افزود: این میزان در کشور به طور متوسط ۸۸۰ دقیقه است و استان یزد در نظر دارد در افق ۱۴۰۴ این میزان را به ۲۱ دقیقه کاهش دهد.

آرش نواب ،یزد را به لحاظ کمترین تلفات برق به میزان ۶,۱۲ درصد نیز در جایگاه نخست کشور خواند و گفت: میزان تلفات شبکه توزیع برق کشور به‌طور متوسط ۱۰,۳ درصد است که با توجه به پراکندگی نسبی شبکه توزیع برق استان یزد رقم ۶,۱۳ درصد بسیار قابل تأمل است.

وی گفت: ۹۴ طرح برق‌رسانی و تأمین روشنایی استان یزد با اعتباری بالغ بر ۳۴۶ میلیارد ریال به بهره‌برداری رسیده است. این طرح‌ها در ۳ محور توسعه و ایجاد شبکه، بهینه‌سازی و تأمین روشنایی در ۲ بخش شهری و روستایی اجرا شده است و با بهره‌برداری از آنها شاهد ارتقای پایداری شبکه، برقرسانی و توسعه خدمات رسانی به مشترکان استان خواهیم بود.وی افزود: با افتتاح طرح‌های دهه فجر امسال در مجموع افزون بر ۲۶ کیلومتر شبکه فشار متوسط، ۳۵ کیلومتر شبکه فشار ضعیف، ۲۳ دستگاه ترانسفورماتور و ۴۳۴ دستگاه چراغ لاک‌پشتی به تأسیسات شبکه‌های توزیع برق اضافه شده است.

او با بیان این‌که در حال حاضر استان یزد فاقد روستای بدون برق است، گفت: تعداد روستاهای برق‌دار استان یزد از ۵۲ روستای قبل از پیروزی انقلاب، اکنون به ۹۲۴ روستا رسیده است و ۹۹,۷ روستاهای استان از نعمت برق برخوردارند.

وی با بیان این‌که تعداد دو هزار و ۱۹۶ چاه کشاورزی استان یعنی ۹۶,۲ درصد از آنها نیز دارای برق هستند، گفت: در حال حاضر استان یزد دارای بیش از ۶۸۷ هزار مشترک است که ۸۰,۳ درصد یعنی ۵۵۳ هزار مشترک آن در بخش خانگی، ۱۳,۴ درصد تجاری، ۱,۷ درصد صنعتی، ۱,۴ درصد کشاورزی، ۸ درصد روستایی و ۲,۳ درصد عمومی هستند.

به گفته وی، استان یزد در شاخص تعداد مشترکین صنعتی با رقم ۱,۷ درصد در قیاس با رقم ۰,۷ درصدی کشور و میزان مصرف برق بخش صنعتی به میزان ۵۴ درصد در مقایسه با ۳۳,۴ درصد در کشور رتبه اول را در میان استان‌های کشور دارد.

به گفته نواب، تاکنون ۹ نیروگاه تولید پراکنده با ظرفیت ۴۲ مگاوات در استان مورد بهره‌برداری قرار گرفته است و در بخش انرژی‌های تجدیدپذیر نیز در مجموع ۲۸۸ نیروگاه کوچک و بزرگ خورشیدی با ظرفیت ۳۸ مگاوات در حوزه شرکت توزیع برق راه‌اندازی شده است که البته ۱۰۱ مورد آنها مربوط به منازل مسکونی است.

وی در این باره یادآور شد: نیروگاه‌های بالای ۷ مگاوات در حوزه فعالیت‌های شرکت برق منطقه‌ای است که استان یزد از این لحاظ با ۸ نیروگاه به ظرفیت قریب ۶۰ مگاوات از مجموع ۱۲۰ نیروگاه بزرگ خورشیدی با تولید بیش از ۷۰۰ مگاوات در کشور جایگاه نخست را دارد، ولی هنوز تا تولید دلخواه در این حوزه بسیار فاصله داریم.

معرفی رئیس شبکه بهداشت و درمان فیروزکوه

فیروزکوه ـ خبرنگار اطلاعات: مراسم معارفه دکتر مهدی رجب ترقی رئیس جدید و تودیع دکتر مجتبی بنداد کرمانی سرپرست پیشین شبکه بهداشت و درمان فیروزکوه با حضور دکتر بهادری، معاون امور بهداشتی و دکتر جانبازی معاون حراست دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و همچنین شبکه بهداشت و درمان فیروزکوه و رئیس بیمارستان امام‌خمینی(ره) و کارکنان این مرکز در سالن اجتماعات شبکه بهداشت و درمان فیروزکوه برگزار شد.

در این مراسم دکتر بهادری از خدمات دکتر بنداد کرمانی در دوران تصدی شبکه بهداشت و درمان فیروزکوه، قدردانی و دکتر مهدی رجب ترقی متخصص اعصاب و روان را از جانب دکتر زالی رئیس دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی به عنوان رئیس شبکه بهداشت و درمان فیروزکوه معرفی کرد.

دکتر مهدی رجب ترقی نیز با تشکر و قدردانی از حضور دکتر بهادری و دکتر جانبازی اظهارداشت: برای تامین و ارتقای شاخص‌های سلامت مردم شریف فیروزکوه از هیچ کوششی دریغ نخواهم کرد و در پایان این مراسم معاون بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و همراهان از مرکز خدمات جامع سلامت شهدای هفتم تیر و ساختمان جدید ستاد شبکه بهداشت و درمان فیروزکوه دیدن کردند.

معامله قرن؛ تقلای ناکام صهیونیسم برای شکست دادن آرمان فلسطین

منازعه اشغال فلسطین، از جنگ ۱۹۶۷ یعنی حدود ۵۰ سال پیش، شاهد چندین دور مذاکره بوده اما نه‌تنها هیچ نتیجه‌ای نداشته بلکه اکنون به طرح «معامله قرن» آمریکا رسیده که پایتختی قدس و حق بازگشت آوارگان را هم لغو کرده است.

۲۹نوامبر ۱۹۴۷بود که سازمان ملل، فلسطین را به دو بخش «یهودی و عربی» تقسیم و رژیم صهیونیستی در ۱۴ماه می ســـال بعد ۱۹۴۸اعلام موجودیت کرد. در سال ۱۹۶۷توسعه‌طلبی رژیم صهیونیستی، منطقه را در آســـتانه جنگ دیگری قرار داد. تل‌آویو در ماه می سال ۱۹۶۷نیروهای خود را به مرز سوریه فرستاد که این کار با اقدام مشابه مصر همراه شد و سرانجام در چهارم ژوئن، کابینه رژیم صهیونیســـتی دستور حمله به مصر را تصویب کرد و در ســـحرگاه پنجم ژوئن، جنگ آغاز شـــد. به دنبال این حمله، سوریه و اردن نیز وارد جنگ شـــدند و پنج روز بعد، جنگ ژوئن ۱۹۶۷که به جنگ شش روزه معروف شد و با پیروزی رژیم صهیونیستی و تصرف کرانه باختری رود اردن و بلندی‌های جولان پایان یافت. عدم پایداری سران عربی، نداشتن امکانات لجستیک و غلبه روحیه سیاست‌بازی بر شهادت‌طلبی، سبب شد تا جنگ شش روزه به یکی از بدترین شکست‌های اعراب در برابر رژیم صهیونیستی تبدیل شود. تسلط این رژیم بر سرزمین‌های کشورهای عربی از این پس، این امکان را به این رژیم داد تا با طرح درخواست معاوضه زمین در برابر صلح، امکان "مذاکره" درباره ماهیت تجاوزپیشه و تحمیلی خود در منطقه را فراهم نماید. منازعه اسرائیلی– فلسطینی، از جنگ ۱۹۶۷یعنی ۵۱سال پیش، به موازات «مقاومت» یک جریان فلســـطینی، شاهد مذاکرات یک جریان دیگر فلســـطینی بوده است. در این مدت و در نتیجه مذاکرات، چندین طرح صلح هم مطرح شـــده است؛ برخــــی از این مذاکره‌ها مانند مذاکرات میان مصر و تل آویو، و تل‌آویو و اردن به پذیرش «اشـــغالگر» و «ســـازش» با آن منتج شد اما به دلیل وجود مقاومت در فلسطین، مذاکرات صلح با فلسطین سرانجامی دگر یافته است.مهم‌ترین طرح‌های صلح که از سال ۱۹۶۷تا کنون مطرح شـــده (بنا به گزارش بی‌بی‌سی عربی) به شرح زیر است:

قطعنامه ۲۴۲شورای امنیت در سال ۱۹۶۷

قطعنامه شـــماره ۲۴۲شورای امنیت در ۲۲نوامبر ۱۹۶۷صادر شـــد و در ایـــن قطعنامه بر ضرورت «عقب‌نشینی نیروهای مسلح اسرائیلی از اراضی اشغال شـــده در نزاع اخیر، احترام به حاکمیت هر کشوری در منطقه، به رســـمیت شناختن آن، استقلال سیاسی، حـــق زندگی همراه با صلح در محدوده مرزهای امن و به رســـمیت شناخته شده» تأکید می‌شود. معروف است که قطعنامه مذکور به زبان انگلیسی، فاقد دقت و وضوح اســـت زیرا در متن آمده «عقب‌نشـــینی از اراضی». اسرائیلی‌ها بر اساس همین عبارت میگویند این به معنای عقب‌نشـــینی از تمام اراضی نیست اما مذاکره‌کننـــدگان عرب می‌گویند این عبارت به معنای عقب‌نشـــینی از تمام اراضی اشـــغالی شده در سال ۱۹۶۷است.این قطعنامه ذیل فصل شش منشور سازمان ملل قرار گرفت و این یعنی اینکه فقط در حد توصیه اســـت. اگر قطعنامه‌ای ذیل هفت منشور سازمان ملل قرار گیرد لازم‌الاجراســـت. بسیاری از طرح‌های صلح به این قطعنامه اشاره می‌کند.

توافق‌های کمپ‌دیوید

پس از جنگ ۱۹۶۷، چندین طرح صلح پیشنهاد شد اما هیچ اتفاقی تا بعد از جنگ اکتبر ۱۹۷۳ (جنگ یوم کیپور) نیفتاد. این جنگ، زمینه را برای ســـازش [صلح] فراهم کرد، همانگونه که در سفر تاریخی «انور ســـادات» رئیس‌جمهور وقت مصر به قدس در نوامبر ۱۹۷۷مشخص شد.«جیمی کارتر» رئیس‌جمهور اسبق آمریکا از آمادگی کامل برای صلح استفاده کرد و انور سادات و «مناخیم بیگن» نخست‌وزیر وقت «اسرائیل» را به مذاکره در «کمپ‌دیوید» واشـــنگتن فراخواند، مذاکـــرات ۱۲روز طول کشـــید و با دو توافق پایان یافت.توافـــق اول «چارچوب صلح در خاورمیانه» نام داشت ، پایه و اساس‌های صلح را با توسعه قطعنامه ۲۴۲بنا کرد و آنچه را که امید می‌رفت راه‌حلی برای مشکل فلسطین باشد، توضیح داد. این توافق همچنین بر ضرورت بســـته شدن معاهده صلح میان مصر و «اسرائیل» و بر امضای معاهدات دیگر میان «اسرائیل» و همســـایگانش تأکید می‌کرد.نقطه ضعف در توافق مذکور، بخش مربوط به فلسطینی‌ها بود. هدف طرح، ایجاد «دولت خودگردان» در کرانه باختری و نوار غزه بود تا در پـــی آن «مذاکرات درباره وضعیت نهایی» باشد اما فلسطینی‌ها «طرفی» در این توافق نبودند.عنوان توافق دوم «چارچوب کمپ دیوید برای پیمان صلح میان مصر و اسرائیل» بود، این توافق مربوط به سال ۱۹۷۹و عقب‌نشینی «اسرائیل» از منطقه سیناست. این توافق برای اولین بار شامل به رسمیت شناخته شدن «اسرائیل» از سوی طرف عربی بود. معاهده ادامه پیدا کرد اما صلح میان مصر و «اسرائیل» چندان گرم نشد زیرا انور سادات ترور شد.

کنفرانس مادرید ۱۹۹۱

نشست مادرید که آمریکا و شوروی سابق بر آن نظـــارت می‌کردند به دنبال آن بود که با الهام‌گیری از معاهده میان مصر و «اسرائیل» ، دیگر کشورهای عربی را نیز به امضای توافق صلح با تل‌آویو ســـوق دهد. اردن، لبنان، سوریه، مصر و «اسرائیل» در این نشست شرکت کردند، فلسطینی‌ها نیز در قالب هیأتی مشترک با اردن و بدون «یاسر عرفات» (رئیس سابق تشکیلات خودگردان) یا دیگر اعضای سازمان آزادیبخش فلسطین «ساف» در نشست مذکور حاضر بودند.در نهایت، این نشســـت منجر به امضای توافق صلحی میان اردن و «اســـرائیل» در ۱۹۹۴شد و چه بسا این سناریو در هر حال اتفاق می‌افتاد. مذاکراتی هم میان «اسرائیل، سوریه و لبنان» برگزار شد اما از آن زمان متوقف شده است.

پیمان اسلو در ۱۹۹۳

در مذاکرات اسلو تلاش شد عنصر غائب در تمام مذاکرات سابق یعنی «مذاکرات مستقیم میان اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها» حل شـــود. اهمیت این مذاکرات در حصول شناســـایی (به رسمیت شناختن) متقابل میان «اسرائیل و سازمان آزادیبخش فلسطین» است.مذاکرات اسلو با نظارت نروژ به صورت کاملا محرمانه برگزار شد و توافقی که دو طرف به آن دست پیدا کردند در ۱۳سپتامبر ۱۹۹۳در کاخ سفید با حضور «بیل کلینتون» رئیس‌جمهور وقت آمریکا امضا شد و پس از آن «یاسر عرفات» و «اسحاق رابین» نخست‌وزیر وقت «اسرائیل» با یکدیگر دست دادند.متن توافقنامه اسلو شامل خروج نیروهای اسرائیلی از کرانه باختری، نوار غزه و ایجاد دولت تشکیلات خودگردان به صورت موقت است تا پس از یک «دوره موقت پنج ساله»، بر اساس قطعنامه ۲۴۲و ۳۳۸به تسویه و راه‌حل همیشگی منجر شود که تا امروز نشده است.این پیمان همچنین بر لزوم پایان دادن به چند دهه درگیری و نزاع و شناسایی حقوق مشروع و سیاسی متقابل هر دو طرف تأکید می‌کند. علی‌رغم اینکه در متن توافق صراحتا «ایجاد دولت مســـتقل فلسطینی» مطرح نشده اما به صورت ضمنی به ایجاد دولت فلسطین در کنار «اسرائیل» اشاره می‌شود.پیام‌هایی میان یاســـر عرفات و اســـحاق رابین رد و بدل شد، عرفات اعلام کرد سازمان آزادیبخش فلسطین «ساف» حق موجودیت «اسرائیل» را به رسمیت می‌شناسد و همچنین گفت، «اسرائیل» تصمیم گرفت که ساف را به عنوان نماینده فلسطین به رسمیت بشناسد. حماس و دیگر گروه‌های فلسطینی (که در مقابل گزینه صرفا مذاکره، از گزینه مقاومت حمایت می‌کردند)، اسلو را نپذیرفتند. برخی گروه‌های اسرائیلی که شهرک‌نشینان آنها را رهبری می‌کردند این توافق را نپذیرفتند و اسلو به صورت جزئی اجرایی شد.

کمپ‌دیوید ۲۰۰۰

تلاش‌های بســـیاری برای تســـریع عقب‌نشینی (خروج اسرائیل از اراضی اشغال شده) و ایجاد دولت تشـــکیلات خودگردان (از جمله توافق طابا مربوط به سال ۱۹۹۵و «وای ریور» مربوط به سال ۱۹۹۸و «شرم الشـــیخ» مربوط به سال ۱۹۹۹) انجام شد و سپس بیل کلینتون ســـعی کرد پرونده‌های باقی‌مانده مانند مشکل مرزها، وضعیت قدس و آوارگان را که توافق اسلو شامل آنها نمی‌شد، حل کند.بنابراین مذاکرات میان «ایهود باراک» نخست‌وزیر وقت «اسرائیل» و یاسر عرفات آغاز شد اما به توافقی معین ختم نشد. دلیلش آن بود بالاترین حدی که «اسرائیل» می‌توانست ارائه دهد از کمترین حدی که فلسطینی‌ها می‌توانستند آن را بپذیرند، کمتر بود. «اسرائیل» پیشنهاد عقب‌نشینی از نوار غزه و بخش‌هایی از کرانه باختری به علاوه واگذاری زمین‌هایی از صحرای نقب به فلسطینی‌ها را داد اما در مقابل می‌خواست شهرک‌های اصلی خود و نیز بخش اعظم قدس شرقی را حفظ کند. «اسرائیل» پیشنهاد نظارت فلسطینی‌ها بر اماکن مقدسه در بخش قدیمی قدس و نیز شـــراکت در صندوق ویژه آوارگان فلسطینی را داد. اما فلسطینی‌ها خواستار بازگشت به مرزهای ۱۹۶۷و به رسمیت شناختن حق بازگشت آوارگان بودند. شکت این مذاکرات منجر به ازسرگیری انتفاضه شد.سال ۲۰۰۰همان سالی است که رژیم صهیونیستی در نتیجه مقاومت در لبنان، جنوب این کشور را برای همیشه ترک کرد و اکنون به مراتب از آن سال مقابل مقاومت لبنان، آسیب‌پذیرتر شده و مقاومت نیز به مراتب قدرتمندتر شده است تا جایی که به گفته ناظران، توازن بازدارندگی ایجاد شده است.

طابا ۲۰۰۱

کلینتون که در آستانه ترک کاخ سفید بود تسلیم این سختی‌ها نشد و پیشنهاد کم کردن شکاف‌ها میان طرفین را داد به همین دلیل مذاکرات بار دیگر در واشنگتن و قاهره و ســـپس در طابای مصر آغاز شد. با اینکه این مذاکرات در ســـطح بالایی برگزار نشد اما برای کمک کردن اختلافات مفید فایده بود و گفته شـــد «اسرائیل» برای قبول قدس شرقی به عنوان پایتخت دولت آینده فلسطین آماده است.

طرح صلح سعودی در سال ۲۰۰۲

پس از شکست این مذاکرات، عربستان در نشست بیروت در سال ۲۰۰۲طرحی برای صلح ارائه داد. در این طرح بر ضرورت عقب‌نشینی «اسرائیل» از مرزهای ۱۹۶۷و ایجاد دولت فلسطینی در کرانه باختری و نوار غزه و نیز راه‌حل عادلانه برای مســـأله آوارگان تأکید می‌کرد تا در مقابل، کشورهای عربی، «اسرائیل» را به رسمیت بشناسند. در سال ۲۰۰۷نشست عربی دیگری در ریاض برگزار شد و بر طرح صلح قبلی عربستان تأکید کرد. عربستان هم‌اکنون از این طرح خود هنوز حمایت می‌کند.

نقشه راه ۲۰۰۳

نقشه راه، طرح صلحی بود که کمیته چهارجانبه شامل آمریکا، روسیه، اتحادیه اروپا و سازمان ملل آماده کـــرده بودند.در این طرح جزئیاتی درباره حل نهایی نزاع اسرائیلی–فلسطینی مطرح نشده بود اما طرح‌های تضمین‌کننده مشکل را پیشنهاد می‌داد. این طرح پس از تحرکات سناتور دموکرات آمریکایی «جرج جی. میچل» برای ازسرگیری مذاکرات صلح در سال ۲۰۰۱مطرح شـــد. قبل از مطرح شدن نقشه راه در ۲۰۰۲، «جرج دبلیـــو بوش» رئیس‌جمهور وقت آمریکا بیانیه‌ای مهم صـــادر کرد، او اولین رئیس‌جمهور آمریکا بود که به ایجاد دولت فلسطین فراخواند. در بیانیه مذکور، جدول زمانی طبقه‌بندی شده‌ای مبنی بر ایجاد امنیت قبل از رســـیدن به تسویه نهایی مطرح شده بود.مرحله الف: دو طـــرف بیانیه‌هایی صادر کنند که راه‌حل کنونی را حمایت کند.مرحله ب: ایجاد دولت فلسطین با مرزهای مشخص در کنفرانسی بین‌المللی.مرحل ج: مذاکراتی درباره توافقنامه‌های نهایی.

توافق ژنو ۲۰۰۳

علی‌رغم از هم پاشیدن مذاکرات رسمی طرفین، دو طرف در سال ۲۰۰۳به شیوه‌ای غیررسمی به توافقی دوجانبه رسیدند. مهم‌ترین موضوعی که در این توافق رخ داد عقب‌نشینی جریان مذاکره‌کننده فلسطینی از «حق بازگشت آوارگان» در مقابل تسلط بر بیشتر بخش‌های کرانه باختری بود.

آناپولیس ۲۰۰۷

جرج بوش پسر در دوره دوم ریاست‌جمهوری‌اش، در راستای تلاش برای ازسرگیری مذاکرات صلح میان فلســـطینی‌ها و اسرائیلی‌ها نشستی در آناپولیس مرکز ایالت مریلند ترتیب داد. «ایهود اولمرت» نخست‌وزیر وقت و «محمود عباس» رئیس تشـــکیلات خودگردان به همراه مقاماتی از کمیته چهارجانبه و نمایندگانی از کشورهای عربی متعدد در این نشست شرکت داشتند. حاصل این نشست یک بیانیه مشترک میان فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها در سال ۲۰۰۷بود که به ورود به مذاکرات فرا می‌خواند و هدف آن رسیدن به صلح کامل تا سال ۲۰۰۸بود. دیدارهای منظمی میان اولمرت و عباس انجام

اما این مذاکره به تحمیل جنگ بر فلسطین منتهی شد. این مذاکرات با آغاز هجوم نظامی «اســـرائیل» به نوار غزه در سال ۲۰۰۸متوقف شد.

۲۰۱۰

«باراک اوباما» رئیس‌جمهور وقت آمریکا مذاکراتی مســـتقیم میان عباس و نتانیاهو را در کاخ سفید کلید زد اما شهرک‌ســـازی اسرائیلی منجر به فروپاشی این مذاکرات شد.

۲۰۱۱

نتانیاهو دعوت اوباما برای ایجاد دولت فلســـطین با مرزهای ۱۹۶۷شامل کرانه باختری، نوار غزه و قدس شرقی را رد کرد. در همین سال کمیته چهارجانبه صلح از طرحی برای ازسرگیری مذاکرات صلح خبر داد که شـــامل آغاز مذکرات طی یک ماه و رســـدن به توافق صلح با پایان ۲۰۱۲بود.در ۳۱اکتبر فلسطینی‌ها عضویت کامل یونسکو را کسب کردند و «اسرائیل» از ایجاد دو هزار واحد (صهیونیست‌نشین) در قدس شرقی، کرانه باختری و نیز بلوکه درآمد مالیاتی مختص به تشکیلات خودگردان خبر داد.

۲۰۱۲

مذاکره‌کنندگان فلسطینی و اسرائیلی محرمانه در اردن دیدار کردند و مسئولی فلسطینی پس از دیدار پنجم اعلام کرد ادامه این مذاکرات بعید است.

۲۰۱۳

در ۳۰آوریل اتحادیه عرب اصلاحیه‌ای بر شروط طرح صلح عربی مربوط به ۲۰۰۲زد که امکان تبادل اراضی میان اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها را فراهم می‌کرد.۱۸ژوئیه: مسئولی فلسطینی اعلام کرد رهبران فلسطینی به طرحی آمریکایی رأی می‌دهند که عدم ارتباط مذاکرات صلح با توقف شهرک‌ســـازی را مطرح می‌کند.۱۹ژوئیه: جان کری وزیر خارجه وقت آمریکا در ششمین سفر خود بـــه خاورمیانه اعلام کرد که دو طرف به توافقی برای ازسرگیری مذاکرات دست پیدا کرده‌اند.۲۸ژوئیه: وزارت خارجـــه آمریکا اعلام کرد طرفین بر ســـر مذاکرات مستقیم در واشنگتن به توافق رسیده‌اند.۲۹ژوئیه: جان کری، «مارتین اندیک» سفیر سابق آمریکا در «اسرائیل» را به عنوان مذاکره‌کننده اصلی در مذاکرات صلح میان فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها تعیین کرد.

۲۰۱۴

آخرین دور مذاکرات صلح میان فلســـطینی‌ها و اســـرائیلی‌ها در سال ۲۰۱۴با نظارت آمریکا برگزار شد و ناکام ماند.

۲۰۲۰

پس از سال‌ها مذاکره، سرانجام فلسطین با طرحی از جانب آمریکا روبه‌روست که نه تنها دولت مستقل فلســـطینی به مرکزیت قدس را قبول ندارد بلکه حق بازگشـــت آوارگان را هـــم در آن لغو کرده و به نظر می‌رسد آن دولت مذکور در این طرح حتی برای دفاع از خود نمی‌تواند نیروی نظامی مسلح داشته باشد.این طرح، در رسانه‌ها معروف به «معامله قرن» است؛ این، طرحی به پیشنهاد دولت آمریکا و رژیم صهیونیستی و حمایت عربستان، برای پایان منازعه «اسرائیل» با فلسطین و مقدمه‌ای برای عادی‌سازی روابط عربی اسرائیلی است. در این طرح و مذاکرات بعدی، مسئله آوارگان با «وطن جایگزین» در خارج از فلســـطین اشغالی حل و «حق بازگشت» آوارگان فلسطینی به کشورشان برای همیشه لغو می‌شود. هیچ گروه فلسطینی از این طرح حمایت نکرده اســـت؛ این طرح آنقدر یکجانبه به سود رژیم اشغالگر است که فردی مانند محمود عباس که سال‌ها مذاکره کرده و حاضر شـــده امتیازات گوناگونی بدهد می‌گوید حاضر است آن را رد کند اما «وطن‌فروشانه» وارد قبرش نشود.

معامله قیم‌مابانه قرن

محمدمهدی مظاهری اســـتاد دانشـــگاه در ایرنا نوشت:گذر زمان نشان‌خواهد داد که غرور ملی و حق تعیین سرنوشت ملت‌ها را نمی‌توان با پول و زورگویی از آن‌ها سلب‌کرد و طرح «معامله قرن» به واسطه تلاش رئیس‌جمهوری آمریکا برای اســـتعمار نوین یک ملت، در حافظه تاریخ ثبت می‌شود.تلاش و مداخله آمریکا بـــرای حل و فصل بحـــران خاورمیانه و پایان‌دادن به درگیری‌ها میان فلسطین و رژیم صهیونیستی سابقه‌ای دیرینـــه دارد.از زمان بوش پدر، تلاش‌هایی ناکام برای درمان این استخوان لای زخم خاورمیانه که خود آمریکا و انگلیـــس در قالب «اعلامیـــه بالفور» آن را در بطن خاورمیانه ایجاد کردند، جریان دارد.هر چند پیمان‌های اسلو با میانجی‌گری بیل کلینتون این توهم را ایجاد کرد که منازعه فلسطین و اسرائیل به زودی خاتمه می‌یابد اما پافشاری رژیم صهیونیستی بر مواضعش و لاینحل ماندن موضوع آوارگان فلسطینی، شهرک‌های اسرائیلی، مســـائل امنیتی و تعیین مرزها نشان داد که این بحران ساخته دست استعمارگران پیر به این سادگی‌ها قابل حل و فصل نیست. اما «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهوری آمریکا صفحه‌ای جدید در تاریخ میانجی‌گری میان فلسطین و اسرائیل ورق زد که تاریخ هیچ‌گاه آن را فراموش نخواهد کرد. رئیس‌جمهوری تاجر مسلک آمریکا که هیچ بویی از اصول دیپلماتیک نبرده، در اقدامی آشکارا جانبدارانه، توهین آمیز و تحقیرکننده، خاطره مناسبات استعماری قرن شانزدهم را زنده‌کرد که در آن کشورهای قدرتمند، ثروتمند و پیشرفته، تصمیم‌گیری برای کشورهای کمتر توســـعه‌یافته را حق مسلم خود می‌دانستند و در مقام قیم برای سرنوشت آن ملت‌ها تعیین تکلیف می‌کردند. فضای جلســـه رونمایی از طرح معامله قرن که ترامپ و نتانیاهوی خندان و راضی را دوشـــادوش هم و در یک قاب نشان می‌داد، با حضور گسترده یهودیان حامی صهیونیسم و غیبت مقامات فلسطینی و حامیان آنها، به حدی مضحک بود که شـــاید تاریخ دولت‌های مدرن تاکنون این سطح از خودشیفتگی را بهَ خود ندیده باشد. یک‌جانبه‌نگـــری، قلدری و نادیده‌گرفتن طرف ضعیف منازعه آن‌قدر در این جلسه موج می‌زد و شگفت‌انگیز بود که دیگر حتی جایی برای بررسی جزئیات این طرح، ماهیت کاسبکارانه و غیرانسانی آن و نقشه جغرافیایی کذایی و غیر عادلانه‌ای که برای کشور آتی فلسطین در نظر گرفته، باقی نمی‌گذارد.

اما به جز ماهیت یک‌طرفه، استعماری و قیم‌مابانه معامله قرن، این طرح از یک جهت دیگر نیز در تاریخ منازعات فلسطین و اسرائیل و میانجی‌گیری آمریکا در این زمینه بی نظیر است و آن این‌که برخلاف طرح‌های گذشته که در زمان ارائه، برخی گروه‌های فلسطینی را به تأمل وامی‌داشت و از جهاتی راغب به پذیرش می‌کرد و گروهی دیگر را شاکی می‌ساخت و در نهایت هم موجب اختلاف و تشتت میان گروه‌های فلسطینی می‌شد، معامله قرن از همان ابتدای رونمایی با مخالفت همه جانبه همه گروه‌های فلسطینی مواجه شد و «محمود عباس» رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین در سخنرانی که بلافاصله بعد از پایان جلسه سخنرانی ترامپ و نتانیاهو برگزار شد، تأکید کرد که «قدس فروشی نیست و معامله قرن دونالد ترامپ توطئه‌ای است که اجرا نخواهد شد».

بنابراین هر چند چهره شـــاداب و خندان نتانیاهو نشـــان می‌داد که وی از حمایت‌های همه‌جانبه آمریکا و طرح صلح ارائه‌شده از سوی ترامپ بسیار راضی و خشـــنود است، اما اگر اندکی هوش و ذکاوت سیاسی در وی باقی‌مانده‌باشد باید بداند که معامله‌هایی تا این حد یک‌طرفه و غیرعادلانه نه تنها صلحی برای یهودیان ساکن سرزمین‌های اشغالی به ارمغان نخواهند آورد، بلکه با افزایش وحدت گروه‌های فلسطینی، حلقه محاصره و فشار بر دور این رژیم غاصب را نیز تنگ‌تر خواهد کرد و چه بسا به آغاز انتفاضه‌هایی جدید و دور جدیدی از خشونت‌ها بین دو طرف ختم شود.نکته بارز دیگر در جلســـه رونمایی از معامله قرن، حضور سفرای سه کشـــور عربی عمان، بحرین و امارات متحده عربی در این حراجی مضحک سرزمین، حیثیت و اعتبار فلسطین بود که هر چند می‌کوشند خود را رفیق قافله فلسطین نشـــان‌دهند، اما در عمل شریک دزد شده‌اند. البته در ســـال‌های اخیر رویکرد و سیاست‌های بسیاری دیگر از کشورهای عربی نیز نشان داده که آنها هم همچون ســـه کشور فوق تمایل زیادی به همراهی با آمریکا و رژیم صهیونیستی دارند، اما از ترس افکار عمومی خود، سیاست‌هایشـــان را در پشت پرده پیش می‌برند.دونالد ترامپ در ســـخنرانی سرشار از غرور و تبختر خویش چهارسال به محمود عباس فرصت داد که برای پیوستن به این طرح و همراهی با آن برای تشـــکیل کشور به اصطلاح مستقل فلسطین تصمیم بگیرد؛ رویکردی که نشان می‌داد وی علی رغم جریان استیضاح، از پیروزی خود در دور آتی انتخابات ریاســـت جمهوری آمریکا نیز مطمئن است و پیشاپیش برای آن برنامه ریزی کرده است.در چنین شرایطی حتی اگر جهان ناچار شود چهار سال دیگر نیز رئیس‌جمهوری متوهم آمریکا را تحمل کند، گذر زمان نشـــان‌خواهد داد که غرور ملی و حق تعیین سرنوشت ملت‌ها را نمی‌توان با پول و زورگویی از آنها سلب‌کرد و طرح معامله قرن به واسطه تلاش رئیس‌جمهوری آمریکا برای استعمار نوین یک ملت، در حافظه تاریخ ثبت می‌شود.

رئیس مجلس ارتحال حجت‌الاسلام و المسلمین حاج سید احمد دعایی را تسلیت گفت

سرویس خبر: رئیس مجلس شورای اسلامی در پیامی ارتحال حجت‌الاسلام و المسلمین حاج سید احمد دعایی را تسلیت گفت.

متن پیام دکتر علی لاریجانی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

انالله و انا الیه راجعون

حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای سید محمود دعایی

درگذشت برادر ارجمندتان، مرحوم مغفور حجت‌الاسلام و المسلمین سید احمد دعایی را به جنابعالی، خاندان معزز و بستگان ارجمند تسلیت گفته، از درگاه خداوند متعال برای آن فقید سعید، رحمت و رضوان واسعه و برای بازماندگان محترم صبر و اجر مسألت دارم.

علی لاریجانی – رئیس مجلس‌شورای‌اسلامی

پیام تسلیت مجمع روحانیون مبارز

مجمع روحانیون مبارز هم در پیامی درگذشت این عالم ربانی را تسلیت گفت.

متن پیام به این شرح است:

بسمه تعالی

جناب حجت‌الاسلام و المسلمین دعایی

با تأسف فراوان درگذشت برادر گرامی حجت‌الاسلام و المسلمین حاج سید احمد دعایی را تسلیت می‌گوییم.

برای آن مرحوم رحمت بی‌پایان الهی و برای جنابعالی وخانواده محترم و علاقمندانشان، صبر و پاداش شایسته از خداوند متعال مسألت داریم.

مجمع روحانیون مبارز

پیام تسلیت دکتر عارف

رئیس فراکسیون امید مجلس هم در پیامی، ارتحال این عالم ربانی را تسلیت گفت

متن پیام دکتر عارف به این شرح است:

برادر بزرگوارم جناب آقای حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمود دعایی

درگذشت برادر گرامی‌تان جناب آقای حجت‌الاسلام والمسلمین سید احمد دعایی موجب تأثر و تألم اینجانب شد. مطمئناً در ضایعه دردناک درگذشت برادر پرهیزکار و بزرگوارتان، همچون گذشته صبورید و لطف ویژه الهی تسلی بخش دل داغدار شما است.

اینجانب این مصیبت را به جناب عالی، خانواده محترم دعایی و بستگان داغدار تسلیت عرض می‌کنم و از درگاه خداوند متعال برای آن فقید سعید آمرزش و رحمت و برای بازماندگان معزّز صبر و اجر و سلامتی و برای جنابعالی طول عمر با عزت توأم با سلامتی مسألت می‌کنم.

محمدرضا عارف

همچنین محمد مخبر رئیس ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره) پیام تسلیتی صادر کرد.

در بخشی از این پیام خطاب به سید محمود دعایی آمده است: درگذشت برادر گرامیتان مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین سید احمد دعایی موجب تأثر و تألم شد. مصیبت وارده را به جنابعالی و بیت معظم تسلیت عرض می‌کنم.

رئیس کمیته ملی المپیک هم ارتحال حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید احمد دعایی را تسلیت گفت.

در بخشی از این پیام خطاب به سید محمود دعایی آمده است: مصیبت وارده را صمیمانه به جنابعالی و بستگان عزادار تسلیت می‌گویم و از پیشگاه حضرت حق جل و علی برای آن فقید سعید آمرزش و رحمت الهی و برای بازماندگان معزز صبر و اجر نیکو و سلامتی مسألت می‌کنم.

دوام عمر با برکت جنابعالی و توفیق خدمت روز افزونتان را به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران از خداوند مسألت می‌نماید.

همچنین مشاور رئیس جمهوری و دبیر شورای عالی مناطق آزاد و تجاری ـ صنعتی و ویژه اقتصادی هم به همین مناسبت پیام تسلیتی صادر کرد. دربخشی از پیام مرتضی بانک به سید محمود دعایی آمده است: درگذشت برادر ارجمندتان، مرحوم مغفور حجت‌الاسلام والمسلمین سید احمد دعایی را به جنابعالی و خاندان محترم تسلیت عرض می کنم، از درگاه خداوند متعال برای ایشان، رحمت و مغفرت و برای بازماندگان ارجمند صبر و اجر مسألت دارم.

بنا به این گزارش محمدجواد فدایی استاندار کرمان، سید محمدرضا موالی‌زاده دبیر شورای فرهنگ عمومی کشور و مسعود فاضل مدیرعامل منطقه ویژه اقتصادی ارگ جدید هم در پیام‌های جداگانه، ارتحال حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید احمد دعایی را تسلیت گفتند.

بنا به این گزارش حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد دعایی از علمای شهر یزد، پس از عمری مجاهدت در راه خدا، یک‌شنبه در سن ۸۹سالگی دارفانی را وداع گفت. مراسم بزرگداشت این عالم جلیل‌القدر ساعت ۱۹ و ۳۰ دقیقه امروز از طرف آیت‌الله ناصری، نماینده ولی فقیه، آیت الله وافی، نماینده مردم یزد در مجلس خبرگان و طالبی، استاندار یزد در مسجد حظیره این شهر برگزار می‌شود.

تولیت آستان قدس رضوی:

هرگز شاهد «سیاست‌زدگی» در مشی امام راحل و رهبر معظم انقلاب نبودیم

سرویس خبر: تولیت آستان قدس رضوی گفت: در مشی امام راحل و رهبر معظم انقلاب هرگز شاهد سیاست‌زدگی، هیجان و خدمت به جریان خاص نبودیم.

حجت‌الاسلام والمسلمین احمد مروی در اجلاسیه سراسری مدیران مدارس علمیه خراسان در مدرسه علمیه سلیمانیه مشهد افزود: انقلاب اسلامی معادلات جهانی استکبار را برهم زد. بعد از رنسانس غرب اعلام کرد پرونده دین و معنویت در دنیا بسته شده و در تفکر نوسازی جهانی، دین، معنویت و خدا هیچ جایگاهی ندارند و ۲۰۰ سال جامعه بدون مبانی دینی و تفکر لیبرال را تبلیغ کرد؛ اما انقلاب اسلامی این تفکر و فلسفه را به چالش کشید و اعلام کرد دین هنوز زنده است؛ دین در جامعه حرف برای گفتن دارد و می‌تواند زندگی بشری را در همه ابعاد اصلاح کند، دلیل دشمنی‌ها با این انقلاب و نظام اسلامی هم همین موضوع است.

تولیت آستان قدس رضوی با بیان این که انقلاب اسلامی این الگوی فکری و عقیدتی غرب را رد کرد، ادامه داد: انقلاب اسلامی نشان داد دین و معنویت توان مدیریت امور مختلف زندگی و جامعه بشری را دارد، لذا غرب بعد از ۲۰۰ سال با چالش جدی مواجه شد؛ انقلاب اسلامی، فلسفه زیربنایی دنیای غرب را پس از سال‌ها زیر سؤال برد.

وی پیام انقلاب اسلامی را تحقق حاکمیت دین و معنویت در جامعه برشمرد و افزود: در چنین شرایطی حوزه‌های علمیه بیش از دیگران در تحقق این هدف نقش دارند. هیچ مبالغه نیست اگر بگوییم، خاستگاه انقلاب اسلامی حوزه‌های علمیه هستند.

مروی با بیان این که پیوندی ناگسستنی از ابتدای انقلاب اسلامی بین حوزه‌های علمیه و جمهوری اسلامی وجود دارد، افزود: همه تلاش دشمن بر جدایی حوزه‌های علمیه از انقلاب اسلامی است. اگر این توطئه محقق شود، هم حوزه ضربه می‌خورد و هم نظام اسلامی پشتوانه و خاستگاه خود را از دست خواهد داد.

وی با اشاره به توطئه‌های استکبار در ایجاد فاصله بین حوزه‌های علمیه و انقلاب اسلامی، تأکید کرد: اگر حتی یک روحانی گمنام، انتقاد و مخالفتی کوچک را با رویکردی از نظام انجام دهد، رسانه‌های استکباری با آب و تاب به آن می‌پردازند و سعی در بزرگ کردن موضوع می‌کنند؛ در مقابل صدها نظر موافق از جامعه روحانیت، علماء و مراجع بزرگ نادیده گرفته می‌شود. برای این که بتوانند از پس چالش روبروی خود در مواجهه با انقلابِ اسلامی برآیند، به دنبال ایجاد جدایی میان حوزه‌های علمیه و انقلاب اسلامی هستند.

نقش فعال روحانیت در همه صحنه‌های تاریخ‌ساز

مروی، نقش روحانیت را در طول تاریخ فعال، حیات‌بخش و حاضر در همه صحنه‌ها معرفی کرد و با تأکید بر اهمیت آسیب‌شناسی، گفت: برای هر چیزی آفتی وجود دارد، حتی دین هم می‌تواند دچار آفت شود. اگر نقش سرنوشت‌ساز اهل بیت(ع) در حفظ مسیر درست وجود نداشت؛ دین و قرآن هم دچار انحراف می‌شدند، لذا حوزه‌های علمیه هم آفت‌هایی دارند که باید مراقب آنها بود.

تولیت آستان قدس رضوی با بیان این که معنی انقلابی‌بودن از افراطی‌گری و سیاست‌زدگی افتراق دارد، یادآور شد: مصداق بارز انقلابی واقعی، حضرت امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب هستند که هرگز در مشی آنها شاهد سیاست‌زدگی، هیجان و خدمت به جریان خاص نبودیم.

شاخصه های حوزه‌های انقلابی

وی با تشریح شاخصه‌های انقلابی بودن حوزه‌های علمیه مبتنی بر تأکیدات رهبر معظم انقلاب گفت: پاسخ به شبهات یکی از این ملاک‌ها است؛ پاسخگویی به‌موقع به انحرافات و تشکیک‌ها از سوی علماء و روحانیت در طول تاریخ، رمز ماندگاری و مقبولیت حوزه‌ها بوده است. امروز هم حوزه انقلابی باید در مواجهه با شبهات مطرح در فضای مجازی و رسانه‌ها فعالانه پاسخگو باشد. مبانی و مبادی انقلاب به شدت مورد هجوم قرار گرفته و نیاز است از مبانی فقهی و با استدلال و عقلانیت به سؤالات، پاسخ داده شود.

مروی با اذعان به مشکلات پیش‌روی روحانیون در این مسیر دشوار گفت: پنجه در پنجه دشمن انداختن و روبه‌روی آمریکا و قدرت‌ها ایستادن و تسلیم نشدن هزینه هم دارد. اگر پاسخ ندهیم یا جوابی برای شبهه‌افکنی‌ها نداشته باشیم، کاری از پیش نخواهیم برد.

تولیت آستان قدس رضوی حساسیت به مسائل پیرامونی ملی و جهانی را دیگر شاخصه حوزه انقلابی برشمرد و افزود: هر حرکت اصلاحی داخلی و خارجی در طول تاریخ ما رخ داده، یک پای آن روحانیت بوده است.

وی تأکید کرد: مقاومت هم یکی از شاخصه‌های انقلابی بودن حوزه‌هاست. مقاومت شهید سردار سپهبد حاج قاسم سلیمانی همه نقشه‌های دشمن را نقش بر آب کرد. نقش حوزه انقلابی در همه زمینه‌های مطرح روز، روشنگری و ارائه تحلیل است. مروی بر ارائه تحلیل درست توسط حوزه‌ها در زمینه مسائل سیاسی تأکید کرد و افزود: روحانیت باید به مردم معیار و ملاک دهد تا خودشان امور را تشخیص دهند، حتی اگر در این مسیر دچار خطا شوند، در عوض به بلوغ می‌رسند.

وی با اشاره به انتخابات پیش روی مجلس، وظیفه روحانیت را ارائه معیارها و شاخص‌ها اعلام کرد.

دستور رئیس جمهوری به ۴ وزیر برای خدمت رسانی فوری به مردم مناطق برفگیر

سرویس حوادث: رئیس جمهوری به وزرای راه و شهرسازی ، نیرو ، ارتباطات و فن آوری اطلاعات و کشور دستور داد تمامی امکانات وزارتخانه های خود را برای تسریع در روند خدمت رسانی به مردم و کاستن از مشکلات ناشی از بارش سنگین برف در مناطق مختلف کشور بکار گیرند.

به گزارش سایت پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری، در جلسه دیروز هیات دولت گزارشی از وضع استان های مناطق شمالی کشور به ویژه پس از بارش های سنگین برف در استان های گیلان و مازندران ارائه شد.

حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسن روحانی رئیس جمهوری پس از ارائه این گزارش به وزرای راه و شهرسازی ، نیرو ، ارتباطات و فن آوری اطلاعات و کشور دستور داد تمامی امکانات وزارتخانه های خود را برای تسریع در روند خدمت رسانی به مردم و کاستن از مشکلات ناشی از بارش سنگین برف در مناطق مختلف کشور بکار گیرند.

گفتگوی تلفنی رئیس جمهوری با استاندار گیلان

رئیس جمهوری در گفتگویی تلفنی با استاندار گیلان، در جریان آخرین گزارش ها درباره مشکلات ناشی از بارش سنگین برف در این استان قرار گرفت و دستورات لازم را برای تسریع در روند خدمت رسانی به مردم و کاستن از مشکلات ناشی از این بارش ها صادر کرد.

روحانی در این تماس تلفنی ،از «ارسلان زارع» خواست تا همه امکانات استان را برای کمک رسانی به مردم بکار بگیرد.

استاندار گیلان هم در این تماس تلفنی، گزارشی از اقدامات انجام شده برای کمک رسانی به کسانی که در جریان بارش سنگین برف در این استان گرفتار شده اند، ارائه کرد.

همچنین معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان برنامه و بودجه دیروز به منظور بررسی وضع امدادرسانی به مردم، به گیلان سفر کرد.

محمدباقر نوبخت در حاشیه بازدید از مناطق آسیب دیده ناشی از بارش برف در جمع خبرنگاران گفت: ۳۰میلیارد تومان تنخواه از سوی دولت برای این استان ارسال شده و ۲۰میلیارد تومان هم برای رفع سریع مشکلات به توانیر اختصاص یافته است.

گیلان در یک قدمی بحران

بارش سنگین برف در کنار ضعف مدیریتی، مناطقی از کشورمان به ویژه استان گیلان را تا مرز بحران پیش برده است؛به نحوی که تاکنون علاوه بر استمرار قطعی آب و برق، ۹ نفر جان خود را از دست داده‌اند و ۱۰۰ نفر هم مجروح و روانه بیمارستان شده‌اند. شمار زیادی از مردم هم در خانه‌های سرد روستایی و در سرمای زیر صفر درجه، در انتظار نیروهای کمک‌رسان به خود می‌لرزند.

بارش برف و برودت هوا که از سه چهار روز گذشته مناطق وسیعی از ایران را به محاصره خود درآورده است، سبب انسداد راه‌های روستایی و قطع برق و آب شده و مشکلات فراوانی را برای مردم رقم زده است.

این موهبت الهی هم مانند بارش باران در کشورمان علاوه بر مشکلات یاد شده، مرگ آفرین هم شده است به نحوی که فقط در دو استان،۹ نفر از ساکنان گیلان و البرز جان خود را از دست دادند.

نکته حائز اهمیت، نبود آمادگی لازم در دستگاه‌های ذیربط به رغم هشدارهای سازمان هواشناسی بود؛ غفلتی که تاکنون و در حوادث مختلف مانند سیل تکرار شده است و به دلیل عدم پیگیری و مجازات متخلفان در انجام وظایف محوله‌شان، همچنان شاهد آن هستیم. نتیجه این بی‌تفاوتی مرگ عده‌ای از هموطنانمان در حوادث مختلف است که در حوادث اخیر ناشی از بارش برف به وضوح قابل مشاهده است.

گیلان در یک قدمی بحران

مردم گیلان به ویژه شرق استان پس از گذشته ساعت‌ها، هنوز با قطعی برق، آب و تلفن دست و پنجه نرم می‌کنند. عصر دیروز هم زلزله‌ای ۴.۵ریشتری استان گیلان را لرزاند و مردم زیادی وحشت‌زده شدند اما به دلیل سرمای بیش از حد و برف‌هایی که راه‌ها را مسدود کرده است، راه به جایی ندارند.

برف سنگین موجب ایجاد شرایط بحرانی در گیلان به ویژه شرق استان شده است به نحوی که قطع برق، افت فشار آب، قطعی آب و قطعی تلفن هم به وقوع پیوسته است و تلفن‌های همراه هم دیگر شارژ ندارند و خاموش شده‌اند.

خانه‌های مردم سرد است

عارف لطفی، ساکن یکی از روستاهای شهرستان لنگرود دیروز و پس از گذشت دو روز از بارش برف در گفتگو با ایسنا گفت: شرایط بسیار بحرانی است. ساعت‌ها از قطع برق و آب می‌گذرد. خانه‌های مردم سرد است، آبی برای خوردن ندارند و با آب کردن برف احتیاجات ضروری خود را رفع می‌کنند.

فرحناز سعیدی، ساکن شهر لاهیجان هم با بیان این که آب و برق قطع است و جریان گاز ضعیف شده است، تأکید کرد: به دلیل افت فشار گاز، آن قدر خانه سرد است که فرزندم دندان‌هایش به هم می‌خورد،لذا مجبور شده‌ام برای ساعاتی او را به داخل خودرو منتقل کنم تا گرم شود اما بنزین هم نداریم و نمی‌توانیم بیش از حد خودرو را روشن بگذاریم.

وی تأکید کرد: سوپرمارکت‌ها و مغازه‌ها تعطیل شده‌اند و ما مجبوریم برف‌ها را بر روی بخاری گرم و از آن برای غذا و دیگر موارد استفاده کنیم.

برق روستاهای شفت هنوز قطع است

معصومه سلیمانی، ساکن شهر شفت از وصل آب و برق در محدوده شهری شفت خبر داد و تصریح کرد: روستاهایی که در ارتفاعات واقع شده‌اند، هنوز برق ندارند.

وی درباره بازگشایی راه‌ها گفت: فقط چند خیابان اصلی بازگشایی شده‌اند و خیابان‌های فرعی و کوچه‌ها پر برف و مسدود هستند.

همچنین فاطمه آشوری، ساکن آستانه اشرفیه به ایسنا گفت: برق شهر آستانه اشرفیه وصل اما روستاهای آستانه ارتباطشان با شهر کاملا قطع شده است و آب و برق ندارند.

انتقاد نماینده گیلان از مسؤولان

نماینده مردم لنگرود در مجلس شورای اسلامی شرایط استان گیلان را بحرانی اعلام کرد و گفت: وزرای کشور و نیرو شخصا باید در استان حضور یابند و مشکلات را مدیریت کنند.

مهرداد لاهوتی که در منطقه حضور پیدا کرده است، قطع برق را اساسی‌ترین مشکل شرق گیلان اعلام کرد و ادامه داد: مدیران کل برق استان توانایی رفع این مشکل را ندارند؛ لذا می‌طلبد وزیر نیرو شخصا در استان حاضر شود و نسبت به رفع قطعی برق اقدام کند.

وی با تأکید بر این که از دو هفته قبل بارش چنین برف سنگینی پیش‌بینی شده بود، افزود: متأسفانه مجموعه مدیریت بحران استان در این باره بسیار ضعیف عمل کردند؛ شرایط استان و شرق گیلان اصلا مناسب نیست. دکل‌های آسیب‌دیده برق هنوز تعمیر نشده‌اند و این در حالی است که زندگی مردم به برق وابسته است.

وی با بیان این که همه راه‌های روستایی مسدودند، اظهار کرد: راه‌های اصلی بازگشایی شده اما راه‌های فرعی کاملا مسدودند و از مردم روستاها هیچ اطلاعی در دست نیست؛ نمی‌دانیم مردم آذوقه و مواد مورد نیاز در اختیار دارند یا خیر؟

به گفته نماینده مردم لنگرود در مجلس، هنوز ۶۵درصد مشترکان با مشکل قطع برق مواجه هستند.

وی با ابراز نگرانی از قطع آب ادامه داد: متأسفانه آب در شرق گیلان کاملا قطع شده و فقط ۳۰درصد از مشترکان سایر نقاط استان از آب لوله‌کشی می‌توانند استفاده کنند.

ارزیابی مثبتی از عملکرد مدیران نداریم

بازرس کل استان گیلان درباره عملکرد مسؤولان در مدیریت اوضاع در بارش‌های اخیر گفت: درباره شرایط پیش آمده ارزیابی مثبتی از عملکرد مدیران نداریم و به عنوان مسؤول نظارتی از شرایط موجود گله‌مند هستم و به نظرم اگر ستاد بحران هم تشکیل نمی‌شد، تفاوتی هم در شرایط موجود ایجاد نمی‌شد. با مدیرانی که وظایفشان را به نحو صحیح انجام نداده‌اند، در چارچوب قانون برخورد می‌کنیم.

سیف‌الله مسرور با بیان این که معاون عمرانی استاندار به همراه شماری از مدیران در مسیر امامزاده هاشم و سراوان حضور یافتند تا مشکلات رفع شود، افزود: متأسفانه این مسیر وضع خوبی نداشت و به مدت ۱۵ ساعت مسدود بود که سبب نارضایتی و رنجش خاطر مردم و مسافران شد.

وی ادامه داد: با توجه به این که وضع موجود، خاص و بحرانی نبود و فقط بارش برف داشتیم، لذا عملکرد مدیران ارزیابی و علل مشکلات بررسی می‌شود و در آینده نزدیک به اطلاع مسؤولان، مردم و اصحاب رسانه می‌رسد.

مسرور با اشاره به مشکلات موجود در سطح برخی شهرها ناشی از بارش برف گفت: از عملکرد مدیریت بحران شهری راضی نیستم و ارزیابی مثبتی هم از عملکرد آنها درباره ساماندهی بارش برف و به‌کارگیری امکانات موجود گزارش نشده است.

بازرس کل گیلان تأکید کرد: برخی مدیران هم طی ۲۴ ساعت در مسیر امامزاده هاشم بوده‌اند که جای تقدیر و تشکر دارد، اما مردم از وضع موجود ناراضی هستند و نتایج مطلوبی حاصل نشده است.

هنوز برق نداریم

فرمانداران رودسر و لنگرود، مشکل اصلی شهرستان‌هایشان را نبود برق برشمردند.

حسین اسمعیل‌پور، فرماندار رودسر، قطعی برق را مهم‌ترین مشکل شهرستان رودسر اعلام کرد و گفت: تعمیراتی که مربوط به اداره برق شهرستان بوده، انجام شده است و منتظر بازگشت برق به مدار توسط استان هستیم.

وی توضیح داد: مردم بچه دارند، مریض دارند؛ نبود برق مشکلات بسیار زیادی را برای آنها به وجود آورده است.

اسمعیل‌پور همچنین با اشاره به قطعی آب در شهرستان گفت: آب بخش عمده‌ای از مشترکان وصل شده اما درحوزه شهری به دلیل یخ‌زدگی شدید لوله‌ها آب قطع است.

وی ارتفاع برف در شهرستان رودسر را حدود یک متر اعلام و درباره بازگشایی راه‌ها اعلام کرد: راه‌های اصلی بازگشایی شده‌اند که تلاش برای بازگشایی راه‌های فرعی و روستایی ادامه دارد.

سیروس شفقی، فرماندار لنگرود هم با اشاره به وصل نشدن برق شهرستان متبوعش گفت: قطعی برق مشکلات دیگری مانند افت فشار آب و قطعی آب در برخی روستاها و نقاط شهری را به دنبال داشته است.

وی به این سؤال که آیا مردم مشکل تأمین نان و مایحتاجشان را ندارند، پاسخ داد: به دلیل قطعی طولانی مدت برق مشکلات بسیاری پیش آمده‌اند اما اینجا باید از مردم بسیار تشکر کنم که خیلی همکاری می‌کنند.

برقراری برق ۸۵ هزار مشترک در گیلان

استاندار گیلان گفت: برق ۲۵۰هزار مشترک گیلانی قطع شده بود که تاکنون برق ۸۵هزار مشترک وصل شده است. البته پارگی سیم‌های فشار قوی در مناطق جنگلی و صعب‌العبور نیاز به ترمیم دارد که وقتگیر خواهد بود. همچنین مشکل قطع آب ۶۰۰۰نفر از ۱۲هزار مشترک آب استان که طی روزهای گذشته با قطعی آب مواجه شده بودند، رفع شده است.

ارسلان زارع، با اشاره به بارش برف سنگین در گیلان و ایجاد مشکل برای مردم، افزود: در ارتفاعات گیلان بیش از دو متر و در شهرهای استان از جمله رشت، لاهیجان و رودسر بیش از یک متر برف بارید که سبب انسداد شریان‌ها و محورهای اصلی استان شد. البته همه محورهای اصلی استان بازگشایی شدند و خودروهای زمینگیر در برف، رهاسازی شدند. فقط محور اسالم – خلخال همچنان مسدود است.

زارع از اسکان اضطراری ۱۶۳۰نفر خبر داد و گفت: کاربازگشایی راه‌های روستایی استان آغاز شده است.

اسکان اضطراری ۵ هزار و ۴۴۰در ۲۱استان

رئیس سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر از امدادرسانی در ۱۴۰ محور کوهستانی برفگیر کشور خبر داد و گفت: در چهار روز گذشته ۵۴۴۰ نفر متأثر و در راه مانده از برف و کولاک در ۲۱استان کشور از خدمات اسکان اضطراری هلال احمر بهره‌مند شده‌اند.

مرتضی سلیمی با اعلام گزارش امدادرسانی در برف و کولاک از ۱۹ بهمن تا صبح دیروز افزود: در چهار روز گذشته استان‌های آذربایجان شرقی و غربی، اردبیل، اصفهان، ایلام، تهران، چهارمحال و بختیاری، خوزستان، خراسان شمالی، زنجان، سمنان، قزوین، قم، کردستان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان، گیلان، لرستان، مازندران و همدان تحت تأثیر برف و کولاک بوده اند که امدادگران در ۱۴۰محور کوهستانی خدمات امدادی لازم را به ۲۰هزار و ۷۱۶نفر از هموطنان و مسافران زمستانی ارائه کرده‌اند.

وی با اشاره به انتقال ۱۰۰نفر از در راه ماندگان برف و کولاک به نقاط امن و ۲۴نفر از نیازمندان به دریافت خدمات درمانی به مراکز بیمارستانی، افزود: با تلاش امدادگران و نجاتگران هلال احمر ۸۰۹خودرو گرفتار در جاده‌ها و محورهای کوهستانی برف‌گیر هم از برف و کولاک رهاسازی شدند.

مرگ ۷نفر در گیلان

خالدی،سخنگوی سازمان اورژانس کشور گفت: بر اثر بارش برف و ریزش بهمن در استان گیلان، ۷ نفر جان باختند که از این تعداد ۵نفر بر اثر ریزش بهمن در رودبار و دو نفر بر اثر سقوط از ارتفاع و ریزش سقف در رشت جان خود را از دست دادند. همچنین۸۵ نفر بر اثر تروما ناشی از سقوط و سرخوردگی به مراکز درمانی منتقل شدند.

مرگ ۲کوهپیما در برف

رئیس جمعیت هلال احمر کرج گفت: ۲نفر که برای کوهپیمایی به کوه‌های مشرف بر منطقه عظیمیه این شهر رفته بودند، جان باختند.

سید فتح‌الله هاشمی‌نژاد افزود: در پی تماس فردی با مرکز ۱۱۲هلال احمر مبنی براین که در ارتفاعات یال شرقی کوه عظیمیه اتراق کرده‌اند و حال مساعدی ندارند و دو همراه وی هم بی‌حرکت هستند، امدادگران امداد و نجات به محل مورد نظر اعزام شدند.

امدادگران پس از حضور در محل در بررسی‌های اولیه درمانی دریافتند دو نفر جان خود را از دست داده‌اند. نفر سوم سپس به دلیل نامساعد بودن وضع جسمانی‌اش، به مراکز درمانی منتقل شد.

خلخال در برف

بابایی، فرماندار خلخال با بیان این که ارتفاع برف در سطح شهر به بیش از ۱/۵ متر و در محور اسالم – خلخال تا ۳ متر هم رسید، افزود: بارش برف همراه با کولاک شدید که در برخی ساعت‌ها به ۸۰کیلومتر در ساعت هم می‌رسید، موجب قطعی برق بسیاری از مناطق در ساعات اولیه شد که با تلاش کارکنان اداره برق در کمترین زمان وصل شد و فقط ۵روستا با قطعی برق داریم که اقدامات برای رفع این مشکل ادامه دارد.

۲۵۵روستا در استان اردبیل در محاصره برف

مدیرکل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای استان اردبیل گفت: در پی بارش برف در چند روز گذشته ۲۵۵روستا در این استان همچنان در محاصره برف و کولاک هستند.

علی رحمتی در بازدید از محور اردبیل – خلخال، افزود: در پی بارش سنگین در دو روز گذشته، راه ارتباطی ۸۰۰روستا در استان با تلاش شبانه‌روزی راهداران بازگشایی شده و راه ارتباطی ۲۵۵روستا همچنان مسدود است.

دربحبوحه برف، زلزله هم آمد

استان گیلان هنوز از بحران برف کمر راست نکرده است که عصردیروز، زمین لرزه ۴/۵ ریشتری بخش احمدسرگوراب شهرستان شفت را لرزاند.

بر اساس اطلاعات مرکز لرزه نگاری کشوری دانشگاه تهران، زمین لرزه در احمد سرگوراب درعمق ۱۸کیلومتری زمین و زمان دقیق وقوع آن ساعت ۱۴و ۲۳دقیقه و ۴۶ثانیه به وقت محلی بود.

نامگذاری تعدادی از یگان‌های مرزی کشور به نام شهید سپهبد سلیمانی

سرویس خبر: فرمانده مرزبانی ناجا از نامگذاری تعدادی از یگان‌های مرزی کشور به نام شهید سردار سپهبد حاج قاسم سلیمانی همزمان با چهلمین روز شهادت این مجاهد اسلام خبر داد.

سردارقاسم رضایی گفت: به مناسبت چهل و یکمین سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران و به پاس تجلیل از سال‌ها مجاهدت‌وایثارگری‌سپهبدحاج‌قاسم سلیمانی در چهلمین روز شهادت این شهید بزرگوار و همرزمانش در جبهه مقاومت، ۱۶پاسگاه مرزی، پنج گردان آموزشی مراکز آموزش مرزبانی و ستاد مرزبانی نیروی انتظامی به نام این شهید تغییر نام دادند. وی با اشاره به خدمات بزرگ و ارزنده شهید حاج قاسم سلیمانی برای مردم کشورمان و حضور در جبهه‌های حق علیه باطل، افزود: نامگذاری برخی از پاسگاه های مرزی به نام این شهید، کمترین اقدام مرزبانان برای قدرشناسی از خانواده این سرباز ولایت است.

خانم معلم مقابل دیدگان دانش آموزانش به دیار باقی رفت

سرویس حوادث: «زویا حاجی‌نژاد»، معلم حق‌التدریس کلاس پنجم دبستان مدرسه دخترانه شاهد نیک‌اندیشان شهر یزد، هنگام تدریس در کلاس درس خود دچار حمله قلبی شد و درمقابل دیدگان دانش‌آموزانش جان خود را از دست داد.

وزیر آموزش و پرورش به همین مناسبت پیام تسلیتی صادر کرد. در این پیام آمده است: بیش از ۷۷۰ هزار معلم در کشور عزیزمان برای آموزش فرزندان این مرز و بوم همه روزه در کلاس‌های خود از عمر و زندگی خویش برای آموزش‌وپرورش کودکان سرزمین عزیزمان صادقانه تلاش می‌کنند و با عشق و علاقه‌ای وصف‌ناپذیر در راه اعتلای نظام تعلیم و تربیت کشور کوشش می‌کنند که در این راه گاه جان خود را برای رسیدن به این هدف مقدس تقدیم می‌کنند. خبر غم‌انگیز درگذشت همکارمان سرکار خانم زویا حاجی‌نژاد، که از معلمان فرهیخته شهر یزد بود در کلاس درس و در حال تدریس به دانش‌آموزان دچار ایست قلبی و فوت شد، موجب اندوه و ناراحتی خانواده بزرگ فرهنگیان کشور شد.

در ادامه پیام تأکید شده است: اینجانب این اتفاق تلخ را به همه همکاران فرهنگی‌ام، به ویژه فرهنگیان شهر یزد، دانش‌آموزان کلاس سرکار خانم زویا حاجی‌نژاد که شاهد این اتفاق و درگذشت معلم عزیزشان بودند و خانواده آن معلم از دست رفته تسلیت می‌گویم و از خداوند بزرگ برای آن مرحومه رحمت و غفران و برای بازماندگان صبر و اجر مسألت دارم.

تکذیب مرگ در اثر کرونا در تهران

سرویس خبر: رئیس مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت بهداشت با تکذیب مرگ زنی مشکوک به کرونا در تهران، گفت: هنوز موردی از ابتلا به ویروس کرونا در ایران مشاهده نشده است.

دکتر کیانوش جهانپور در پیامی در صفحه توئیترش نوشت: تا دیروز(چهارشنبه ۲۳بهمن ماه)، موردی از ابتلا به Covid _۲۰۱۹در ایران مشاهده نشده است. در دو روز اخیر حتی مورد مشکوک به ویروس کرونا هم گزارش نشده است. برخی برای جلب توجه، خواننده و فالوور لطفا راه دیگری انتخاب کنند ...

رئیس مرکز اطلاع‌رسانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی همچنین دیروز اعلام کرد: نتایج آزمایش کرونا از دانشجویان ایرانی بازگشته از ووهان چین منفی است و تا کنون هیچ مورد ابتلا به این ویروس در ایران چه در بین ایرانیان و چه خارجی‌ها نداریم. البته دانشجویان بازگشته از ووهان چین با توجه به این که برخی منابع دوره نهفتگی این ویروس را تا ۱۴روز هم ذکر کرده‌اند، یک هفته دیگر در قرنطینه می‌مانند.

وی افزود: در مورد تکرار آزمایش کرونا برای این دانشجویان هم با توجه به پروتکل و دستورالعمل کنترل کرونا و با نظر مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت عمل می‌شود اما اکنون حال همه این دانشجویان خوب است و هیچ نشانه‌ای از بیماری ندارند.

بنا به این گزارش وزارت بهداشت چین اعلام کرد: شمار قربانیان ویروس کرونای جدید در این کشور به۱۱۱۳ نفر رسیده است.

پاسخی به انتظار پلیس برای ارتقای ایمنی خودروها داده نشده است

سرویس حوادث: رئیس پلیس آگاهی ناجا گفت: در جلسه مشترک مسؤولان وزارت صنعت، معدن و تجارت و فرمانده نیروی انتظامی، مقرر شد تا کارگروهی متشکل از نیروی انتظامی، مسؤولان صنعت خودرو و و وزارت صمت با هدف بررسی و حل ایمنی ضعیف برخی خودروها در برابر سرقت تشکیل شود که تاکنون این کارگروه تشکیل نشده است.

سردار محسن حسن‌خانی افزود: مشکل فعلی و عمده پلیس در حوزه سرقت خودرو، مربوط به خودروهای مربوط به سال ۸۸ به پایین به ویژه پراید است که به دلیل ضعف ایمنی بیشتر از خودروهای دیگر مورد سرقت قرار می‌گیرند.

وی تأکید کرد: حتی از سازمان استاندارد کشور چندین بار تقاضا کردیم تا جلسه‌ای در این مورد با حضور پلیس برگزار شود اما تاکنون خبری نشده است و حتی پاسخ تقاضای پلیس را نداده‌اند.

رئیس پلیس آگاهی ناجا با انتقاد از نداشتن ایمنی برخی خودروها در برابر سرقت، گفت: برخی از خودروها توسط سارقان در ۴۵ثانیه یعنی کمتر از یک دقیقه سرقت می‌شوند. بسیاری از خودروهایی که تولید می‌شوند، ایمنی لازم را ندارند، برخی از خودروها ظرف ۴۵ثانیه سرقت می‌شوند و سارق در مدت زمان بسیار کم، کاپوت خودرو را بالا می‌برد و کامپیوتر آن را سرقت می‌کند؛ این در حالی است که صاحب خودرو همه اقدامات ایمنی اعم از بستن قفل فرمان، قفل پدال و دزدگیر را انجام داده است اما سارق به راحتی با یک تایلیور می‌تواند در خودرو را باز کند و پشت فرمان خودرو بنشیند و برود.

حسن‌خانی ادامه داد: چرا باید ایمنی خودرو این گونه باشد که به راحتی کاپوت خودرو و صندوق عقب خودرو باز شود و سارق به راحتی کامپیوتر خودرو را سرقت کند، سارق که نمی‌تواند موتور خودرو را سرقت کند، کامپیوتر خودرو را سرقت می‌کند و این قسمت مهم خودرو در جایی گذاشته شده است که سارق می‌تواند به راحتی به آن دست یابد، در این زمینه با وزیر صنعت، معدن و تجارت جلسه‌ای داشتیم و پیشنهادهای خود را ارائه کردیم و تأکید داشتیم تا در تولید خودرو نظر پلیس را جویا شوند؛ چرا که پلیس آمار و ارقام سرقت و وضع فعلی را می‌داند. وزیر صنعت، معدن و تجارت در این جلسه پیشنهاد پلیس را پذیرفت اما نمی‌دانیم که آیا خودروسازان به حرف وزیر صنعت گوش می‌دهند یا خیر.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی : ertebat@ettelaat.com

چند نکته درخور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می کنیم:

- موضوع پیام‌ها جنبه‌های خصوصی، حقوقی و یا قضایی نداشته باشد.
- پیام‌ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن‌ها خودداری شود.
- خوانندگان محترم شهرستانی در پیام‌هایشان، نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند .
- چاپ پیام‌ها براساس نوبت است.

با تشکر ـ سرویس ارتباطات مردمی

برای کمک به هموطنان تدابیر دیگری اندیشیده شود

در شرایطی که اکثر کشورهای جهان پروازهای شرکت‌های هواپیمایی خود به کشور چین را لغو کرده‌اند، سازمان هوایی کشوری ما در یک روز ۳ پرواز برای برگشت هموطنان ایرانی مقیم چین انجام داده است، حال آن که برای حفظ جان افرادی که با هدف گردش به چین سفر کرده‌اند و یا مشغول تحصیل در آن کشور هستند، باید تدابیر بی‌خطر دیگری اندیشیده می شد و از جمله بهتر بود این افراد در همان کشور تحت مراقبت و درمان قرار می گرفتند. امیدواریم مسئولان بهداشت و درمان برای انتقال این افراد به ایران نهایت سختگیری و تمهیدات درمانی را انجام داده باشند.

تلفن به خط ارتباطی

برخورد قانونی با شرکت‌های متخلف خودروسازی ضروری است

مدتی است که برای تحویل خودرو تیبا از شرکت سایپا اقدام کرده‌ام و حدود یک سوم قیمت آن را نیز پرداخته‌ام، اما این شرکت طبق قراردادی که با متقاضیان منعقد کرده است، قیمت نهایی خودروها را در زمان تحویل آن‌ها به قیمت روز محاسبه و دریافت می‌کند، در صورتی که پیش پرداخت خرید خودروها حدود یک سال در اختیار شرکت قرار می‌گیرد، آیا این نوع قراردادها از لحاظ شرعی و قوانین صنعت خودروسازی، کار درستی است؟ از دولت انتظار می‌رود که با واگذاری صنعت خودرو به بخش خصوصی، مانع از تخلفات شرکت‌های خودروساز شود و درصدد مقابله با افزایش بی‌رویه قیمت خودروهای تولید داخلی برآید.

مشتری شرکت سایپا

تکلیف سهمیه‌بندی دانشگاه‌ها را مشخص کنند

نظرات و پیشنهادات ارائه شده برای حذف و یا محدودیت سهمیه‌بندی دانشگاه‌ها بعد از چند ماه جنجال و تیتر شدن در روزنامه‌های کشور، بدون نتیجه و پیگیری بایکوت شده است؛ با توجه به این که چند ماه دیگر دوباره یک عده جوان باید برای نشستن بر صندلی‌های دانشگاه‌های معتبر و مطرح کشور به رقابت بپردازند، نباید نگران اجحاف در حق قانونی خود در تحصیل علم باشند، چرا مسئولان نظام آموزش عالی کشور در مورد حذف سهمیه در دانشگاه‌ها اقدام نمی‌کنند؟ نگذاریم بازهم عده‌ای جوان ذی‌حق و با استعداد از ادامه تحصیل در رشته و دانشگاه مورد علاقه‌شان به دلیل سهمیه‌بندی‌ها محروم بمانند.

پدر متقاضی تحصیلات دانشگاهی

تقاضای رانندگان خودروهای میکسر بتن از راهنمایی و رانندگی

مدتی است که پلیس راهنمایی و رانندگی در قانونی نانوشته مانع از ورود خودروهای میکسر بتن به داخل شهر تهران می‌شود که باعث مشکلاتی برای شرکت‌های تولید بتن شده است. با توجه به مشکلاتی که برای تولید کنندگان بتن و خودروهای حمل آن به وجود آمده است، از مسئولان ذیربط انتظار داریم که این مشکل را حل کنند.

راننده میکسر بتن از تهران

درختان جنگل‌های این روستا را شبانه قطع می کنند

مدتی است که درختان جنگل روستای زیبا و ساحلی «لله‌رود» در شهرستان رودسر استان گیلان مخفیانه شب‌ها قطع می‌شود و به تاراج می‌رود و گویا سازمان جنگلبانی، محیط‌زیست و دیگر مسئولان نسبت به این مساله بی‌تفاوت هستند و قطع تعدادی از درختان این جنگل زیبا برایشان مهم نیست، و گرنه برای جلوگیری از آن، قاطعانه اقدام می‌کردند!

از اهالی دوستدار طبیعت روستا

علت افزایش جرایم فقط اقتصادی نیست

شنیدن برخی اخبار سرقت از بانک‌ها، زورگیری با اسلحه‌های سرد و بزهکاری نوجوانان بسیار ناراحت کننده و تأسف برانگیز است، چرا باید در یک کشور اسلامی آمار تخلفات و انحرافات اخلاقی نوجوانان و جوانان روبه افزایش باشد، که به نظر من جدا از مشکلات اقتصادی و اجتماعی، بزرگترین ایراد را باید به آموزش و پرورش و مراکز علمی و فرهنگی کشور بگیریم، چرا باید جوانانمان را به گونه‌ای تربیت کنیم که به جای استفاده از توان و استعدادهایشان برای آموختن حرفه و شغل، به فکر راحت‌ترین راه‌ها برای کسب درآمد و گذران روزهای زندگی خود باشند؟ امیدوارم دولتمردان برای حل معضلات اجتماعی، قاچاق مواد مخدر و مشکلات جوانان و آینده‌سازان کشورمان همت کنند.

شهروندی از قائم شهر

چگونه برای ثبت نام در طرح ملی مسکن اقدام کنیم؟

کل دارایی ما ۴۰ میلیون تومان پول پیش اجاره مسکن مان است و در شرایطی که تحت حمایت‌های کمیته امداد و یا بهزیستی هم نیستیم، دولت چگونه می‌خواهد افرادی امثال ما را که جزو اقشار ضعیف و کم درآمد جامعه هستیم، شناسایی کند؟ افرادی که هیچ سرمایه‌ای برای پرداخت هزینه ثبت نام در طرح ملی مسکن را ندارند، چگونه می‌توانند به خانه‌دار شدن خود در آینده امیدوار باشند؟ از دولت محترم و وزارت راه و شهرسازی تقاضا داریم درباره نحوه ثبت نام متقاضیان مسکن ملی که آورده اولیه برای ثبت نام مسکن را ندارند، از طریق رسانه ها اطلاع‌رسانی کنند.

احمدی ـ متقاضی مسکن ملی

عوارض بزرگراه پردیس کاهش یابد

پرداخت هزینه عوارض بزرگراه تهران ـ پردیس برای ساکنان شهرک پردیس که هر روز به ناچار در این مسیر رفت و آمد می‌کنند، بسیار زیاد است و در ماه رقم قابل توجهی می‌شود، و این درحالی است که رفت و آمد از جاده قدیم به دلیل حجم سنگین ترافیک، زمان بر است از وزارت راه و شهرسازی و فرمانداری پردیس تقاضای رسیدگی داریم.

از ساکنان شهر جدید پردیس

والدین به ضدعفونی کلاس‌های درس مدارس کمک کنند

به دلیل احتمال شیوع بیماری‌های ویروسی در میان افراد جامعه و به ویژه دانش‌آموزان مدارس، بهتر است والدین به فکر ضدعفونی و پاکیزگی کلاس‌های درس فرزندان خود باشند. متأسفانه اکثر کلاس‌های درس مدارس و نیمکت‌ها منبع انتشار آلودگی و بیماری است و با توجه به این که مستخدمان مدارس توانایی نظافت کامل تمامی کلاس‌ها را طی روز ندارند، بهتر است اولیای دانش‌آموزان با هماهنگی یکدیگر هر هفته به نوبت به نظافت و ضدعفونی کلاس‌های درس دانش‌آموزان و نیمکت‌های آن‌ها بپردازند. مسلماً این آلودگی‌ها در کلاس های مدارس دولتی که شلوغ و قدیمی هستند، بیشتر نمایان است.

پدر دانش آموز ـ اسلامشهر

لزوم نظارت بر عملکرد مراکز طب سنتی

مدتی است که تبلیغات گسترده‌ای در زمینه درمان به روش های سنتی از قبیل ماساژ درمانی، حجامت و زالو درمانی در میان افراد جامعه برای مداوای بیماری‌ها رواج یافته است. از مسئولان وزارت بهداشت و درمان انتظار می‌رود که نظارت بیشتری بر عملکرد و رعایت نکات بهداشتی و درمانی در مراکز طب سنتی خصوصی و دولتی داشته باشند. متأسفانه برخی از این مراکز بدون نظارت پزشکان حاذق و با هزینه‌های قابل توجه به مداوای بیماران می‌پردازند.

تلفن به خط ارتباطی

یادداشت سردبیر باید مورد توجه دولتمردان قرار گیرد

یادداشت سردبیر محترم روزنامه اطلاعات با عنوان «ضرورت انجام اصلاحات ساختاری در اقتصاد»، روزنامه اطلاعات ۱۲ بهمن‌ماه و بررسی مشکلات اقتصادی دولت مانند همیشه با قلمی شیوا و رسا نوشته شده بود که باید مورد توجه دولتمردان و اقتصاددانان کشور قرار گیرد، اما در بخشی از این یادداشت ایشان به عدم دریافت مالیات از سلبریتی‌ها، وکلا و پزشکان اشاره کرده بودند که به نظر من پزشکان در مورد پرداخت مالیات تاکنون قصوری انجام نداده‌اند و بیشتر از مالیات تعیین شده در قانون، مالیات‌های خود را پرداخت کرده‌اند. از طرفی در شرایطی که بیمارستان‌ها فقط ۴ درصد بر تعرفه پزشکان خود اضافه کرده‌اند، افزایش ۳۰ درصدی هزینه‌های آنان با تعرفه‌های ابلاغ شده همخوانی ندارد. برای جبران کسری بودجه دولت، افزایش مالیات پزشکان و واحدهای درمانی و خدماتی بدون در نظر گرفتن موقعیت های شغلی و علمی آنان، در شرایط کنونی کشور غیرعادلانه است.

پزشک عمومی

پاسخ مسؤولان

پاسخ شهرداری منطقه ۲ درباره ترافیک خیابان پاتریس لومومبا

احتراما با عنایت به درج پیام‌های مردمی در روزنامه وزین اطلاعات به تاریخ ۹۸/۱۰/۲۶ درخصوص مشکلات ترافیکی خیابان پاتریس لومومبا و ضرورت بازگشایی معبری فاقد نام، به استحضار می‌رساند: با توجه به مشخص نبودن آدرس دقیق محدوده مورد نظر و همچنین استعلام صورت پذیرفته از ناحیه مربوطه (ناحیه ۳) منطقه ۲، معبری با نام ایران زمین‌شناسایی نشد، از اینرو خواهشمند است شهروند محترم ـ نشانی دقیق معبر مورد نظر را به اداره روابط عمومی منطقه ۲ با شماره تماس ۹۶۰۳۲۱۱۲ جهت رفع مشکل مذکور اعلام نماید.

علی طهماسبی ـ رئیس روابط عمومی

اخبار کوتاه داخلی

معرفی بوکسورهای اعزامی به رقابت‌های کسب سهمیه المپیک

هشت بوکسور اعزامی ایران به رقابت‌های گزینشی المپیک معرفی شدند.
به گزارش مهر، تیم ملی بوکس ایران قرار است برای حضور در رقابت‌های گزینشی المپیک، اسفند ماه عازم اردن شود.بر این اساس با تصمیم کادرفنی، ترکیب تیم ملی بوکس اعزامی به این رقابت‌ها عبارت است از:
وزن ۵۲ کیلوگرم: امید احمدی صفا، وزن ۵۷ کیلوگرم: دانیال شه‌بخش، وزن ۶۳ کیلوگرم: اشکان رضایی، وزن ۶۹ کیلوگرم: سجاد کاظم زاده، وزن ۷۵ کیلوگرم: سیدشاهین موسوی، وزن ۸۱ کیلوگرم: احسان روزبهانی، وزن ۹۱ کیلوگرم: طوفان شریفی و وزن به اضافه ۹۱ کیلوگرم: ایمان رمضانپور
رقابت‌های کسب سهمیه المپیک از ۱۲ اسفند به مدت ۸ روز در امان پایتخت اردن برگزار خواهد شد.

قضاوت داوران ایرانی در لیگ قهرمانان آسیا

با اعلام کنفدراسیون فوتبال آسیا موعود بنیادی فر به عنوان داور، دیدار نمایندگان کره جنوبی و تایلند را سوت می‌زند.
به گزارش سایت فدراسیون فوتبال، دیدار دو تیم اف.سی سئول کره جنوبی و چیانگرای تایلند از گروه Eمسابقات لیگ قهرمان آسیا ۲۰۲۰ روز سه شنبه ۱۳ اسفندماه در سئول کره جنوبی در حالی برگزار می‌شود که با اعلام کنفدراسیون فوتبال آسیا تیم داوری از ایران قضاوت این بازی را برعهده دارد. اسامی تیم داوری به شرح زیر است:
داور: موعود بنیادی فر
کمک ها: سعید علی نژادیان – علی میرزابیگی
داور چهارم: پیام حیدری
ناظر داوری: سعد کمال الفدهیل از کویت
نماینده مسابقه: محمدسعید الهتاوی از امارات.

آخرین وضع مصدومیت ترابی و قائدی

هافبک ها پرسپولیس دیروز به طور اختصاصی زیر نظر کادر پزشکی تمرین کرد.به گزارش مهر، تیم فوتبال پرسپولیس دیروز در دیداری تدارکاتی به مصاف الشحانیه قطر رفت.در این دیدار، بازیکنان پرسپولیس که حضور ثابت در ترکیب این تیم مقابل الدحیل قطر داشتند به ریکاوری پرداختند.همچنین مهدی ترابی که در پایان نیمه اول بازی دیروز سرخ ها دچار آسیب دیدگی شد به دویدن و راه رفتن دور زمین و تمرین اختصاصی پرداخت.حقیقت پزشک پرسپولیس درباره میزان مصدومیت هافبک این تیم اظهار داشت: تلاش می کنیم ترابی را به بازی با شارجه امارات برسانیم و هر چه زودتر او را برای تمرینات گروهی در اختیار کادر فنی قرار دهیم.
پزشک تیم فوتبال استقلال هم هرگونه گمانه‌زنی در باره مدت زمان دوری مهدی قائدی از میدان را رد کرد. دکتر کاوه ستوده هرگونه اظهار نظر در باره مدت زمان دوری مهدی قائدی از میادین را گمانه زنی‌های بدون مبنای پزشکی دانست و با رد این گمانه زنی‌ها اعلام کرد که وضع قائدی فقط پس از انجام معاینات کامل پزشکی و مشخص شدن نتایج آزمایشات و MRIمشخص می‌شود.مهدی قائدی در دقیقه ۳۰ دیدار آبی پوشان مقابل الشرطه عراق دچار آسیب دیدگی شد و میدان را ترک کرد.

محرومان هفته بیستم لیگ برتر فوتبال

سازمان لیگ فوتبال ایران، اسامی محرومان هفته بیستم لیگ برتر را به شرح زیر اعلام کرد:
حسین پور امینی از پیکان تهران
مسعود سلیمانی شجاعی از تراکتورسازی تبریز
آرمین سهرابیان از سایپا تهران
امیرحسین موسی زاده از شاهین شهرداری بوشهر
بهنام سراج (مربی) از صنعت نفت آبادان
شاهین ثاقبی، یوسف بخشی زاده (مربی) از ماشین سازی تبریز
مجتبی بیژن از نساجی مازندران.

در هفته نخست لیگ فوتبال قهرمانان آسیا رقم خورد

تکرار یک اتفاق عجیب برای ۳ تیم باشگاهی ایران

ایرنا- در سال ۲۰۱۱ هم همانند امسال در هفته نخست مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا سپاهان حریف خود را شکست داد، استقلال تن به تساوی داد و پرسپولیس باخت. در پایان اما این تنها نماینده اصفهان بود که از گروه خود بالا رفت.
هفته نخست مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا برای نمایندگان ایران با یک پیروزی، یک تساوی و دو شکست به پایان رسید. به جز شهر خودرو که نخستین حضور خود را در این رقابت‌ها تجربه می‌کند؛ سپاهان، استقلال و پرسپولیس سابقه حضور در این تورنمنت را در کارنامه خود دارند. در ادامه مروری می‌کنیم بر عملکرد این تیم‌ها در ادوار قبلی لیگ قهرمانان که در هفته نخست به نتیجه‌ای مشابه رسیده‌اند و این که در پایان چه سرنوشتی برایشان رقم خورد.

سپاهان:

سپاهان سه شنبه شب موفق شد در ورزشگاه هزاء بن زاید امارات با نتیجه چهار بر صفر از سد میزبان خود یعنی العین بگذرد و به بردی شیرین دست پیدا کند. با این حال این نخستین پیروزی و اولین برد چهار بر صفر سپاهان در اولین دیدار خود در مرحله گروهی لیگ قهرمانان نبود.
طلایی‌پوشان در سال ۲۰۰۴ هم موفق شدند نفتچی ازبکستان را در هفته نخست با حساب چهار بر صفر شکست دهند. پیروزی اخیر سپاهان، هشتمین برد این تیم در هفته اول مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا (ACL) بود که رقم خورد.
از این هشت پیروزی، شش پیروزی در مسابقات خانگی و دو برد در بیرون از خانه بوده است. یعنی پیش از بازی با العین، سپاهان فقط یک بار در خارج از خانه بازی اول خود را با پیروزی پشت‌سر گذاشته بود که این اتفاق در سال ۲۰۱۱ مقابل الهلال در عربستان رخ داد. همچنین از این هشت برد، پنج پیروزی مقابل نمایندگان امارات رقم خورده که سهم تیم النصر از بقیه بیشتر است.
بردهای قبلی سپاهان در هفته نخست برایشان چندان در نهایت خوش‌یمن نبود. آنها چهار بار نتوانستند از گروه خود بالا بیایند و سه بار موفق به انجام این کار شدند؛ البته نباید فراموش کرد در سال ۲۰۰۷ سپاهان دیدار نخست خود را برد و در نهایت به فینال رقابت‌ها راه پیدا کرد.

استقلال:

استقلال در نخستین دیدار خود در لیگ قهرمانان آسیادر سال ۲۰۲۰ برابر میزبانش الشرطه عراق به تساوی یک بر یک رضایت داد تا چهارمین تساوی‌اش در هفته اول لیگ قهرمانان آسیا رقم بخورد. پیش از این آنها فقط یک بار به عنوان میزبان به تساوی رسیدند و دو بار دیگر در خارج از خانه مقابل الریان این اتفاق برایشان رقم خورد.
در سه دیدار قبلی که استقلال به تساوی رسید در پایان دو بار از گروه خود بالا رفت و یک بار این اتفاق رخ نداد. جالب این است که هر دو صعود مربوط به تساوی بیرون از خانه‌شان در هفته نخست بود و فقط موقعی که صعود نکردند در هفته نخست مقابل حریف خود در ورزشگاه آزادی بود که متوقف شده بودند؛ حالا باید دید طبق این قاعده شاهد صعود آبی‌پوشان خواهیم بود یا خیر.

پرسپولیس:

پرسپولیس برای دومین مرتبه در هفته نخست مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا شکست خورد. آنها در سال ۲۰۱۱ با نتیجه سه بر یک در عربستان به الاتحاد باختند و حالا بعد از ۹ سال بار دیگر در یک جدال بیرون از خانه بازهم با اختلاف دو گل به الدحیل قطر نتیجه را واگذار کردند. در سال ۲۰۱۱ سرخ‌پوشان تهرانی در گروه خود چهارم شدند و از صعود بازماندند. باید دید این بار هم شاهد حذف پرسپولیس هستیم یا اتفاق دیگری رخ می‌دهد.
در نهایت باید گفت که در سال ۲۰۱۱ دقیقا اتفاقی مشابه با امسال برای سه تیم سپاهان، استقلال و پرسپولیس در هفته نخست مرحله گروهی رخ داد. سپاهان حریف خود را شکست داد، استقلال تن به تساوی داد و پرسپولیس باخت. در پایان اما فقط این سپاهان بود که از گروه خود بالا رفت. آبی‌پوشان تهرانی سوم شدند و پرسپولیس در رده چهارم جای گرفت.آیا این بار بازهم شاهد چنین اتفاقی خواهیم بود یا نتایج دیگری حاصل می‌شود؟

مازندران میزبان رقابت‌های بین‌المللی کشتی جام «موحد» شد

ایرنا- فدراسیون کشتی اعلام کرد: با توجه به جایگاه مازندران در کشتی، رقابت‌های بین‌المللی کشتی جام «عبدالله موحد» به میزبانی این استان برگزار خواهد شد.بر این اساس، مازندران اواخر فروردین ماه سال ۹۹ میزبان رقابت‌های بین‌المللی کشتی که برای نخستین مرتبه با نام عبدالله موحد از نوابغ کشتی ایران برگزار می‌شود، خواهد بود. عبدالله موحد دارنده ۶ مدال طلای المپیک و جهان به‌عنوان مهمان ویژه در این مسابقات حضور خواهد داشت.اتحادیه جهانی کشتی۲۱ بهمن ماه ،برگزاری این رقابت‌ها را با نام «جام عبدالله موحد» تأیید کرد و بزودی زمانبندی این مسابقات در تقویم این اتحادیه درج خواهد شد.پس از تغییر نام جام یادگار امام (ره) به جام عبدالله موحد که با هماهنگی مسئولان فدراسیون کشتی با آیت الله سید حسن خمینی فرزند آن مرحوم انجام شد، احمد حسین‌زادگان استاندار مازندران اعلام کرد: با توجه به این که «عبدالله موحد» اهل مازندران و یکی از مفاخر این استان محسوب می‌شود و کشتی در میان مردم مازندران از علاقه مندی بسیار بالایی برخوردار است، میزبان این رقابت‌های بین‌المللی خواهیم بود.

تیم ملی کشتی فرنگی شنبه عازم مسابقات آسیایی می شود

تیم ملی کشتی فرنگی برای حضور در رقابت‌های قهرمانی آسیا روز شنبه راهی کشور هندوستان خواهد شد.به گزارش مهر، اعضای تیم ملی کشتی فرنگی برای حضور در رقابت های قهرمانی آسیا عصر روز شنبه ۲۶ بهمن ماه راهی کشور هند می شوند.
ترکیب تیم کشتی فرنگی کشورمان برای حضور در این مسابقات به شرح زیر است:
۵۵ کیلوگرم: پویا ناصرپور
۶۰ کیلوگرم: مهدی محسن نژاد
۶۳ کیلوگرم: میثم دلخانی
۶۷ کیلوگرم: حسین اسدی
۷۲ کیلوگرم: امین کاویانی نژاد
۷۷ کیلوگرم: پژمان پشتام
۸۲ کیلوگرم: مهدی ابراهیمی
۸۷ کیلوگرم: بهروز هدایت
۹۷ کیلوگرم: محمدهادی ساروی
۱۳۰ کیلوگرم: امین میرزازاده
سرمربی: محمد بنا
مربیان: حبیب الله اخلاقی- داود اخباری- لقمان رضایی- سیامک قیطاسی
ماساژور: محمد علیزاده/ متخصص تغذیه: دکتر رامین امیرساسان
همچنین داوران اعزامی کشورمان هم همراه با تیم فرنگی راهی این مسابقات می شوند که اسامی آن ها به شرح زیر است:
محمد مصلایی پور- سعید عباسی- نیما صادقی- مهدی بشیری
رقابت های کشتی فرنگی بزرگسالان قهرمانی آسیا روزهای ۲۹ و ۳۰ بهمن ماه در شهر دهلی نو(هند) برگزار می شود.

۱۸ بازیکن به تیم‌ملی بسکتبال دعوت شدند

ایرنا- اردوی تیم‌ملی بسکتبال با دعوت از۱۸ بازیکن از ۲۳ بهمن آغاز می شود .تیم ملی بسکتبال اول و پنجم اسفند در پنجره اول رقابت‌های انتخابی کاپ آسیا به میدان خواهد رفت؛ برهمین اساس کادرفنی تیم ملی از ۱۸ بازیکن برای حضور در اردو دعوت کرده است.
محمد ترابی، محمد جمشیدی، حامد حدادی، محمد حسن زاده، حامد حسین زاده، سعید داورپناه، مایک رستم پور، نوید رضایی فر، آرمان زنگنه، مسعود سلیمانی، امیر صدیقی، آرون گرامی پور، سجاد مشایخی، رسول مظفری، میثم میرزایی، صمد نیکخواه بهرامی، سینا واحدی و بهنام یخچالی نفرات دعوت شده به این اردو هستند.تیم ملی بسکتبال ایران در گروه پنجم انتخابی کاپ‌آسیا با قطر، عربستان و سوریه رقابت می‌کند و اول اسفند به مصاف سوریه می‌رود و ۴ اسفند هم باید برابر قطر بازی کند.

اخبار کوتاه خارجی

مخالفت اولیور کان در پرداخت نجومی به بازیکنان بایرن مونیخ

دروازه‌بان بزرگ تاریخ باشگاه بایرن مونیخ موافق استفاده از استعدادهاست.
به گزارش فارس، اولیور کان از ابتدای ژانویه عضو هیات مدیره باشگاه پرافتخار ژرمن‌ها شد.او که سال‌ها از دروازه تیم ملی آلمان و بایرن دفاع کرد، قرار است تا دو سال به عنوان عضو هیات مدیره فعالیت کند و از سال ۲۰۲۲ به عنوان مدیر اجرایی جانشین کارل هاینس رومنیگه شود.
این چهره در گفتگوهایی که تاکنون با مقامات باشگاه داشته، بر پرورش استعدادها تاکید کرده است. طبق اعلام بیلد، اولیور کان ۵۰ ساله خواهان پرهیز از رقابت با دیگر باشگاه‌ها در پرداخت ارقام نجومی است.

شوچنکو جانشین احتمالی پیولی در میلان

رسانه‌ها می‌گویند در صورتی که آ.ث.میلان به لیگ قهرمانان اروپا راه پیدا نکند، آندری شوچنکو سرمربی روسونری می‌شود.
به گزارش فارس، استفانو پیولی هم‌اکنون تحت فشار است. وی به رغم سرمایه‌گذاری زیاد باشگاه، نتوانسته است نتایج لازم را بگیرد. طبق اعلام کالچو مرکاتو، در صورتی که این مربی نتواند میلانی‌ها را در پایان فصل جاری به رقابت‌های فصل بعد لیگ قهرمانان اروپا برساند، از مقامش کنار گذاشته خواهد شد. در این صورت، مدیریت باشگاه به سراغ آندری شوچنکو، فوروارد اوکراینی پیشین راه‌راه‌پوشان خواهد رفت که هم اکنون سرمربی تیم ملی کشورش است.
در شرایط کنونی و بعد از گذشت ۲۳ هفته، میلان با ۳۲ امتیاز در رده دهم جدول سری آ قرار دارد.

دورخیز کاسیاس برای ریاست فوتبال اسپانیا

دروازه‌بان بزرگ تاریخ فوتبال اسپانیا می‌خواهد رئیس فدراسیون کشورش شود.
به گزارش فارس، ایکر کاسیاس برای آینده برنامه‌ریزی کرده است.گلر سابق تیم ملی اسپانیا خواهان رسیدن به پست ریاست فدراسیون کشورش است.
طبق اعلام الموندو دیپورتیو، این چهره برای ریاست این سازمان نامزد خواهد شد. وی برای ثبت‌نام در انتخابات تصمیم گرفته و اکنون آماده حمایت از تیم ملی و باشگاهی کشورش است.
هنوز زمان برگزاری انتخابات ریاست فدراسیون فوتبال اسپانیا مشخص نشده است. در شرایط کنونی لوئیس روبیالس، از ماه مه ۲۰۱۸ این سازمان را هدایت می کند.

لیورپول آماده تمدید قرارداد با فان‌دایک

لیورپول در حال آماده‌سازی مقدمات تمدید قرارداد فیرجیل فان‌دایک با پیشنهادی جالب است.به گزارش فارس، فان‌دایک در موفقیت‌های سال‌های اخیر تیم آنفیلدی نقش بسزایی داشته است. کارشناسان بی‌شماری با تحلیل عملکرد بازی سرخ‌پوشان این نکته را تایید کردند که یکی از سه رکن موفقیت تیم تحت هدایت یورگن کلوپ، حضور مدافع ۲۸ ساله هلندی بوده که با حضورش ثبات و پایداری را به خط دفاع وارد کرده است.بر اساس اعلام فوتبال اینسایدر، لیورپولی‌ها به هیچ‌وجه حاضر به از دست دادن چنین بازیکن ارزشمندی نیستند و اکنون در حال آماده‌سازی پیشنهادی هستند که با شرایطی خوب، با ملی‌پوش هلندی، قرارداد جدیدی امضا کنند. در صورتی که طرفین به توافق برسند و تفاهمنامه کاری امضا کنند، حقوق فان‌دایک از هفته‌ای ۱۲۵ هزار پوند به ۱۵۰ هزار پوند افزایش خواهد یافت.وی تا سال ۲۰۲۳ با تیم آنفیلدی قرارداد دارد.

روی خط انتخابات

بقیه از صفحه ۲

رئیس ستاد انتخابات کشور افزود: داوطلبان باید منابع پول را مشخص کنند؛ یا پول باید متعلق به نامزد انتخاباتی باشد؛ یا حزب هزینه‌ها را بپردازد و یا یک فرد حقیقی این پول را در اختیار نامزد قرار دهد. همچنین استفاده از برخی اماکن عمومی از سوی نامزدها هم قانونی است؛ غیر از این چهار مورد نباید شاهد ورود هیچ پولی به عرصه انتخابات و تبلیغات نامزدها باشیم.
عرف با تاکید بر لزوم معرفی یک شماره حساب از سوی نامزدهای انتخابات گفت: همچنین هر داوطلب باید فردی را به عنوان مسئول مالی که پاسخگوی وزارت کشور و هیات نظارت مرکزی باشد مشخص کند. با همکاری شورای نگهبان سقف هزینه تبلیغات انتخاباتی هم در قانون مشخص شده که میزان آن در استان‌های مختلف متفاوت است.
رئیس ستاد انتخابات کشور با تاکید بر این که انتخابات باید مبنای وحدت و انسجام ملی باشد گفت: همه نامزدها، احزاب و مردم باید تلاش کنند تا انتخابات و حتی فردای آن فضای کشور فضای وحدت بخش باشد.

روایت یک عضو شورای نگهبان از روزهای بررسی صلاحیت‌ها

عضو حقوقدان شورای نگهبان روایتی از روزهای بررسی صلاحیت داوطلبان مجلس در شورای نگهبان منتشر کرد.
به گزارش ایسنا به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی شورای نگهبان، هادی طحان نظیف در صفحه شخصی خود در اینستاگرام نوشت: مهلت رسیدگی به شکایات داوطلبان از نتایج بررسی صلاحیت‌ها تمام شد. مطالعه چندین هزار برگ پرونده و بررسی یکایک اوراق و اسناد، کار سخت و طاقت‌فرسایی در طی این مدت بود که شب و روز را به هم پیوند داد. در مواردی که همه اسناد و مدارک موید همدیگر بودند مشکلی وجود نداشت، اما وقتی گزارش‌های متناقض با هم تلاقی می‌کرد، کار سخت‌تر می‌شد.گاهی برای تصمیم گیری صحیح، با مراجعی که استعلام داده بودند ارتباط می‌گرفتم و جزئیات و مستندات بیشتری می‌خواستم. گاهی لازم بود با خود داوطلب صحبت کنم و دفاع او در خصوص محتوای پرونده را بشنوم. در برخی موارد که امکان تائید صلاحیت با گزارش‌ها و مستندات موجود نبود صادقانه به خود داوطلب توضیح می‌دادم. همین دقت‌ها کمک کرد تا به نتایج روشن‌تری در بررسی پرونده‌ها دست پیدا کنم. مثلاً در مواردی معلوم می‌شد تشابه اسمی باعث ابهام در صلاحیت فرد شده است، یا پرونده قضایی فردی، منجر به حکم برائت شده که به دلایل مختلف در پرونده موجود نبوده است. هرچند مهلت‌های مقرر در قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی کافی نیست، اما تلاش کردم کوتاهی نکنم و به قدر وسع و زمان اینکار را دقیق انجام دهم.
روزهای اول که پرونده‌ای را برای بررسی بیشتر به کارشناسان بر می‌گرداندم، شاید در ابتدا به خاطر کمبود زمان و انبوه حجم پرونده‌ها گلایه‌مند می‌شدند، اما وقتی با دست پر می‌آمدند و احساس می‌کردند جلو تضییع حقی را گرفته‌اند، احساس خوشحالی و مسرت زیادی داشتند. گاهی می‌گفتند برخی داوطلبان پس از بررسی دقیق‌تر می‌گویند حتی اگر رد هم بشویم به‌خاطر اینکه دیدیم شما این‌گونه و با این حساسیت پیگیر حق ما و جلوگیری از تضییع حق ما هستید، راضی هستیم.
در چندین مورد که با داوطلب تماس گرفتم و گفتم شما با این ویژگی‌های مثبت، با این خدمات و سوابق، بهتر است این نکته را هم مراعات کنید، بسیار خوشحال می‌شدند و تشکر می‌کردند.
ما به اندازه توان و بلکه بیشتر، تلاش کردیم، اما بر اساس مهلت‌های قانونی و ابزارهای موجود به این نتایج اعلام‌شده رسیده‌ایم و توانستیم صلاحیت بیش از ۷۰۰۰نفر را احراز کنیم و البته بدیهی است که این بدان معنا نیست که خدای ناکرده سایرین فاسد یا مسئله‌دار هستند لذا هیچ‌کس حق تعرض، بی‌احترامی و کم لطفی به چنین افرادی را ندارد. شاید بهتر باشد که بگوییم آنان با اوصاف قانونی و در این زمان محدود، صلاحیتشان برای نمایندگی مجلس احراز نشده است.

اقامه نماز جمعه تهران به امامت حجت‌الاسلام‌والمسلمین صدیقی

نماز عبادی- سیاسی جمعه این هفته تهران به امامت حجت‌الاسلام والمسلمین کاظم صدیقی برگزار می‌شود.
به گزارش روابط عمومی ستاد نماز جمعه تهران،در این مراسم که از ساعت ۱۱صبح در مصلی امام خمینی (ره) آغاز می شود،آقای امیر عباسی مداح اهل بیت (ع) به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا (س) پیش از خطبه‌های نماز جمعه مدیحه سرایی می‌کند.

سرلشکر سلامی: ملت ایران در ۲۲بهمن ثابت کرد مسیر انقلاب را با قدرت ادامه می‌دهد

سرلشکر سلامی گفت: امروز ایران اسلامی در قله های اعتبار، منزلت، شکوه ، عظمت و پیشرفت قرار دارد و ملت عزیز ایران در ۲۲بهمن ماه ثابت کردند که مسیر انقلاب را بی‌هیچ تردیدی با قوت و قدرت ادامه می‌دهند.
به گزارش سپاه نیوز؛ فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب در آیین رونمایی از کتاب‌های "روایت پدرخوانده" و "دانشگاه تراز انقلاب اسلامی" که در دانشگاه جامع امام حسین (ع) برگزار شد، با بیان این که بر اساس تدبیر و اندیشه مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا راه سعادت جامعه ما قوی شدن است، گفت : زمانی قوی می شویم که تولید قدرت بر اساس ظرفیت های درونی جامعه اتفاق بیفتد ؛ زمانی که عالم باشیم و به علوم و فنون زمان مسلط شویم.
سرلشکر سلامی رسالت اصلی دانشگاه جامع امام حسین (ع) را پیشگامی در عرصه تولید علم و فناوری‌های جدید بیان و تاکید کرد : دانشگاه جامع امام حسین (ع)علاوه بر رسالت جهانی شدن در عرصه های علم و فناوری، باید پرچمدار و پیشگام تمدن سازی اسلامی هم باشد. وی افزود: دانشگاه تراز انقلاب دانشگاهی است که در لبه مرزهای علم و فناوری قرار دارد و در عین حال به لحاظ فرهنگی، اجتماعی و الگوهای تربیتی دانشگاهی تمدن‌ساز باشد ؛ این رسالت خطیر در کتاب "دانشگاه تراز انقلاب اسلامی" منعکس شده و دانشگاه جامع امام حسین (ع) برای تحقق این هدف بلند برنامه‌ریزی می‌کند.
فرمانده کل سپاه در ادامه اظهارنظر کرد: کتاب دیگر هم "روایت پدر خوانده" است که به استناد اسناد لانه جاسوسی آمریکا وضع رژیم طاغوتی پهلوی که سرشار از استبداد سیاسی و وابستگی در تمامی عرصه ها به آمریکاست ، را بیان می کند.
وی افزود: این کتاب می تواند مبنایی برای این ارزیابی که چرا انقلاب اسلامی شکل گرفت تا کشور را از اسارت طاغوت نجات دهد و به دوران شکوفایی اسلامی که در آن استقلال آزادی و حاکمیت ارزشهای الهی می‌درخشد برساند، باشد.
سرلشکر سلامی با تاکید بر این که مسیر سختی برای تثبیت استقلال ، عزت و سرافرازی این سرزمین طی شده است ،گفت: امروز به فضل الهی ایران اسلامی و به رغم تمامی توطئه ها و خباثت های دشمنان، در قله های اعتبار، منزلت، شکوه ، عظمت و پیشرفت قرار دارد و ملت عزیز ایران در ۲۲بهمن ماه ثابت کردند که مسیر انقلاب را بی‌هیچ تردیدی با قوت و قدرت ادامه می‌دهند و رهبری عزیز و حکیم و ملت ایران و دین مبین اسلام ، بهترین سرمایه ما برای پیشرفت‌های بزرگ است.

معاون وزارت ورزش و جوانان:

سایت ها و کانال های همسریابی مجوز قانونی ندارند

"فعالیت سایت‌ها و کانال‌های همسریابی فاقد مجوز قانونی است زیرا فقط باعث پیوند موقت شده و موجب استحکام خانواده‌ها هم نخواهد شد."
محمدمهدی تندگویان، معاون امور جوانان وزارت ورزش و جوانان در گفتگو با ایسنابااعلام این مطلب ، نسبت به فعالیت این سایت‌ها و کانال‌های همسریابی به جوانان هشدار داد و با بیان اینکه هیچکدام از سایت‌ها، کانال‌ها یا گروه‌های همسریابی، مجوز رسمی ندارند، گفت: به مردم، جوانان، اعضای این کانال ها و ...هشدار می‌دهیم که افراد و گروه‌هایی که در این بسترها اقدام به همسریابی یا ترویج ازدواج موقت می‌کنند، هیچکدام مجوز رسمی از هیچ نهادی ندارند.
وی افزود: ممکن است بعضی از این گروه‌ها به برخی از دفاتر مشاوره مرتبط باشند یا از نهادی برای فعالیت دیگری مجوز دریافت کرده باشند، اما به طور صد درصدی جوانان و مردم مطمئن باشند هیچکدام از این افراد مجوز رسمی تایید شده از نهادهای رسمی و دولتی ندارند. در عین حال این اقدامات از نظر ما نوعی کلاهبرداری هم هست، چراکه به جز آسیب‌های اجتماعی دیگر، برخی از این کانال‌ها و سایت‌ها برای ایجاد لینک ارتباطی مبالغی را از افراد دریافت می‌کنند. معاون امور جوانان ادامه داد: سامانه مالی که به این شکل فعالیت می‌کند هم مورد تایید دولت و هیچکدام از سازمان‌ها نیست. هرکس که چنین مبالغی را پرداخت کند برای احقاق حق خود به هیچ جایی نمی‌تواند مراجعه کند، چرا که این عملا کلاهبرداری است و شکایت افراد وارد فاز حقوقی و دادگاهی می‌شود.
تندگویان در ادامه تصریح کرد: از سوی دیگر پایشی از این موضوع انجام و نتیجه آن برای معاونت جوانان هم ارسال شده بود که براساس این پایش تراکنش‌های مالی قابل توجهی در این فرایند وجود دارد که طی آن کلاهبرداری انجام می‌شود و در عین حال حدود ۱۰۰ درصد این ارتباطات منجر به ارتباطات پایدار و روابط خانوادگی شرعی مدنظر ما نمی‌شود. در بهترین حالت این فرایند روابط شرعی موقت را ایجاد می‌کند که نه فقط باعث استحکام خانواده‌ها نمی‌شود بلکه بیشتر باعث از بین رفتن خانواده‌های سالم و مستحکم موجود هم می‌شود .
وی با اشاره به اینکه موضوع دیگر این است که اطلاعات افراد مراجعه کننده به درستی ثبت و نظارت نمی‌شود و اغلب این کانال‌ها اقدام به واسطه‌گری برای افراد شناخته نشده می‌کنند، اظهار داشت: برای موضوع چندین مرتبه با دادستانی مکاتبه کردیم و هم معاونت جوانان و هم آقای سلطانی‌فر، وزیر ورزش و جوانان در این زمینه مکاتباتی را انجام دادند. دادستانی مدعی بود که ما باید متولی این امر شویم و به این کانال‌ها و سایت‌ها مجوز دهیم ولی ما با استناد به پژوهش‌ها، مدارک و به ویژه گزارش پایش مذکور اعلام کردیم که به هیچ وجه این مدل کار مورد تایید ما نیست زیرا فقط باعث پیوند موقت شده و موجب استحکام خانواده‌ها هم نخواهد شد.
معاون امور جوانان تاکید کرد: همچنین برای ساز و کار مالی این قضیه نه فقط هیچ سیستم نظارتی وجود ندارد، بلکه نمی‌تواند هم وجود داشته باشد. به این ترتیب بستری که بتوانیم میزان تراکنش‌ها را از طریق آن کنترل کنیم، موجود نیست، به همین دلیل حداقل شش ماه پیش آخرین نامه را به امضای آقای وزیر به دادستان ارسال کردیم و در آن صراحتا اعلام کردیم که دادستانی باید با فعالیت‌های مذکور مقابله کند و اجازه توسعه عمکرد آنها را ندهد.
همچنین پلس فتا باید در این زمینه دخالت کند. به نظر ما بعد از این هم هر کسی در این فرایند به فعالیت خود ادامه بدهد باید مورد برخورد رسمی و قانونی قرار بگیرد.

معاون امنیتی وزارت کشور: رفع مشکلات مناطق مرزی اولویت دارد

اولین جلسه روسای کارگروه‌های کارویژه مرز شورای امنیت کشور به ریاست معاون امنیتی و انتظامی و دبیر کارویژه مرز شورای امنیت کشور برگزار شد.
به گزارش ایسنا به نقل از پایگاه اطلاع رسانی وزارت کشور؛ حسین ذوالفقاری، معاون امنیتی و انتظامی وزارت کشور در این نشست با تاکید بر اهمیت استمرار جلسات هم اندیشی رؤسای کارگروه ها، بهره برداری از ظرفیت های آن را مهم برشمرد.
دبیر شورای امنیت کشور با مرور شرایط در مناطق مرزی، بر اولویت رفع مشکلات هموطنان مرزنشین و مناطق مرزی تاکید کرد .
در ادامه این نشست حسین قاسمی، مدیرکل امور مرزی و پدافند غیرعامل وزارت کشور هم باارائه گزارش عملکرد از فعالیت‌های این کارگروه ها، به ارزیابی نقاط قوت آن و همچنین بهبود روش ها پرداخت.
در پایان این نشست روسای کارگروه های هشتگانه پس از بحث و تبادل نظر پیرامون عملکرد کارگروه ها و چالش های پیش‌رو، بر برگزاری مستمر و فصلی این سلسله نشست ها به منظور هم‌افزایی و رفع مسائل و مشکلات مناطق مرزی تاکید کردند.

لایحه جدید مالیاتی موجب کاهش و کنترل قیمت مسکن می شود

لایحه جدید مالیاتی وزارت اقتصاد نه فقط باعث افزایش قیمت مسکن نمی‌شود بلکه موجب کاهش و کنترل قیمت خواهد شد.
محمود علیزاده معاون حقوقی سازمان مالیاتی در گفتگو با تسنیم با اشاره به ماده چهار لایحه پیشنهادی وزارت اقتصاد در مورد مالیات عایدی املاک گفت: مکانیزم این ماده به شکلی است که با اجرای درست آن موجب کنترل فعالیت های سوداگری در بازار مسکن خواهد شد و بیشتر مشوق مصرف کنندگان واقعی مسکن است.
به گفته علیزاده، این لایحه در نظر دارد در ابتدا معافیت های مقرر قانونی را ساماندهی کند و در مرحله بعد تورم و هرگونه سوداگری در بازار سرمایه و اقتصاد کشور را کنترل کند؛ در واقع این لایحه نه فقط باعث افزایش قیمت مسکن نمی‌شود بلکه موجب کاهش و کنترل قیمت خواهد شد.
معاون حقوقی سازمان مالیاتی گفت: در مورد این لایحه ابتدا باید توجه داشت که ارزش خرید واحد ملکی چه در زمان سند غیر رسمی پس از یک ماه و چه در هنگام سند رسمی باید در سامانه ثبت شود و مالیات ما به التفاوت ارزش خرید و فروش بر اساس نرخ مقرر پرداخت شود.
وی گفت: در صورتی که افراد ظرف یک سال نسبت به خرید و فروش مسکن اقدام کنند، نرخ مذکور ۲۵ درصد است. یعنی سوداگران مسکن که به قصد فروش اقدام به خرید می‌کنند و ظرف کمتر از یکسال اقدام به فروش می کنند می‌بایست ۲۵ درصد از سود حاصل از فروش مسکن را به عنوان مالیات عایدی مسکن پرداخت کنند.
علیزاده با تأکید بر اینکه این امر برای کسانی که مسکن را برای مصرف خود خریداری می‌کنند به ازای هر سال دو درصد نسبت به نرخ ۲۵ درصد شامل تخفیف خواهد بود، ادامه داد، این روند ادامه خواهد داشت تا سقفی که از ۱۰ درصد کمتر نشود، درواقع این موضوع بیانگر این است که مالیات عایدی مسکن برای کنترل قیمت مسکن و جلوگیری از سوداگری در بازار مسکن است.
وی همچنین با اشاره به اینکه لایحه اصلاح برخی مواد قانون مالیات های مستقیم در وزارت اقتصاد نهایی و به دولت تقدیم شده است، گفت: بر اساس یکی از بندهای این لایحه سقف معافیت مالیاتی هنرمندان ۱۰۰ میلیون تومان در نظر گرفته شده است.
علیزاده گفت: در حال حاضر این لایحه در دولت بررسی می‌شود و بعد از آن تقدیم مجلس خواهد شد و بعد از وضع اصلاحات مد نظر در قانون، موارد مذکور برای اجرا به سازمان مالیاتی کشور ابلاغ خواهد شد.

دعوت شورای هماهنگی تبلیغات از مردم برای حضور در مراسم اربعین سردار سلیمانی

بقیه از صفحه ۲

نماینده اقلیت‌ها در مجلس: جامعه آشوریان مدیون شهید سردار سلیمانی است

نماینده مسیحیان آشوری و کلدانی ایران در مجلس شورای اسلامی با بیان این که جامعه آشوریان مدیون شهید سردار سلیمانی است، گفت: با تلاش‌های شهید سلیمانی بیش از ۳۰ هزار نفر از آشوریان عراق از حمله داعش جان سالم به در بردند و تلاش‌های شهید سلیمانی در سوریه نیز باعث شد ۲۲۵ نفر از آشوریان که در اسارت داعش بودند، آزاد شوند.
یوناتن بت‌کلیا به فارس گفت: حدود ۳۰۰ نفر از آشوریان در سوریه اسیر داعشیان بودند که ۷۵ نفر آنها توسط داعش به شهادت رسیدند و نهایتاً با اقدامات فراموش نشدنی سردار سپهبد حاج قاسم سلیمانی ۲۲۵ نفر باقی‌مانده از دست تروریست‌های داعشی آزاد شدند. وی با اشاره به دیداری که با شهید سلیمانی داشت، گفت: زمانی که ۳۰۰ نفر از آشوریان سوریه در اسارت داعش بودند من با سردار سلیمانی دیداری داشتم و از ایشان خواستم تا به آشوریان سوریه کمک کنند.
بت کلیا افزود: در عراق هم زمانی که داعش به سمت اربیل حمله‌ور شده بود در اربیل شهرکی وجود دارد که بیش از ۳۰ هزار نفر آشوری در آن زندگی می‌کنند. در حالی که داعش دو ساعت تا اربیل فاصله داشت حضور سردار سلیمانی باعث شد تا داعشی‌ها عقب رانده شوند و این ۳۰ هزار نفر نجات پیدا کردند.
وی در پایان گفت: اگر چه امروز جسم سردار سلیمانی در میان ما نیست اما روح وی در کالبد بسیاری از رزمندگان جبهه مقاومت در منطقه وجود دارد و این گونه نیست که با شهادت سردار سلیمانی آمریکا آسایش داشته باشد.

امارات: ازسیاست کاهش تنش با ایران حمایت می کنیم

وزیر مشاور دولت امارات عربی متحده در امور خارجی مدعی شدکشورش از درخواست‌ها برای تنش‌زدایی با ایران حمایت می‌کند.
به گزارش فارس، «انور قرقاش»، وزیر مشاور دولت امارات عربی متحده در امور خارجی درعین حال ، به طرح ادعاهای اثبات‌نشده علیه ایران در باره یمن پرداخت و مدعی شد که هدف از جنگ آغازشده در این کشور فقیر عربی جلوگیری از «نفوذ ایران» بوده است.
این وزیر اماراتی مدعی شد: «در یمن مداخله کردیم تا در دایره نفوذ ایران نیفتد».
وزیر مشاور دولت امارات بی‌آنکه به کارشکنی و عدم التزام آمریکا به توافق برجام اشاره‌ای کند، از اقدامات ترامپ در این زمینه حمایت کرد و مدعی شد: «توافق وین به این دلیل شکست خورد که این کشور از فعالیت‌های مخرب خود در منطقه دست نکشید».
به گزارش العربیه، قرقاش گفت که برجام فقط محدود به این بود که مانع از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای شود و این «غیرکافی» است.
او مدعی شد که کشورش دعوت به آرامش با ایران را تائید و از دستیابی به راه حل سیاسی حمایت می‌کند.

دولت تأمین مالی طرح‌های مربوط به افراد ایثارگر را تصویب کرد

هیات وزیران در جلسه دیروز به ریاست حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر حسن روحانی، به منظور ایجاد ظرفیت برای بهره مندی از اعتبارات صندوق توسعه ملی از سوی شرکت‌هایی که حداقل ۵۰ درصد از سهام آن‌ها متعلق به ایثارگران است، لایحه تأمین مالی طرح‌های مربوط به افراد ایثارگر را از محل منابع صندوق توسعه ملی تصویب کرد.
براساس این لایحه، پنج درصد از منابع مربوط به سیاستگذاری شورای‌عالی اشتغال و با معرفی کمیته امداد امام خمینی (ره)، سازمان بهزیستی و سایر دستگاه‌های اجرائی مرتبط برای پرداخت تسهیلات اشتغالزایی و کمک به توسعه کسب و کارهای خرد، کوچک و متوسط تخصیص می‌یابد و بانک‌های عامل مکلفند علاوه بر منابع مذکور، حداکثر تا یک برابر آن را از محل منابع داخلی پرداخت کنند.
همچنین بانک عامل مجاز است با اخذ تعهد محضری، پرداخت مبلغ نقدی هدفمندی یارانه‌ها را به عنوان ضمانت بپذیرد و همچنین ۱۵ درصد از منابع مذکور به طرح‌های سرمایه‌گذاری متعلق به ایثارگران و شرکت‌هایی که بیش از ۵۰ درصد سهام آنها متعلق به ایثارگران است منوط به این که سهم ایثارگران تا پایان دوره بازپرداخت تسهیلات کمتر از ۵۰ درصد نشود، اختصاص می‌یابد.

اصلاح مصوبه دریافت عوارض فوب کالا

هیات دولت همچنین به منظور حل مشکل واردکنندگان دارو، مواد اولیه و مواد بیولوژیک و بسته‌بندی و تجهیزات دامپزشکی و لوازم آزمایشگاهی در زمینه دریافت و اخذ عوارض در زمان ثبت سفارش کالا، تصویبنامه مربوط به دریافت عوارض فوب کالا را اصلاح کرد.
مطابق این تصمیم، تعرفه‌های مربوط به تولیدات، واردات و کنترل کیفیت دارو شامل هر قلم دارو، مواد اولیه و مواد بیولوژیک و بسته بندی و تجهیزات دامپزشکی و لوازم آزمایشگاهی (قیمت فوب) به میزان ۱/۶۵ درصد مبلغ فوب، در مرحله ترخیص کالا از گمرک اخذ می‌شود.

تصویب ورود و ترخیص ۲ دستگاه آزمایشگاه سیار اهدایی

هیات وزیران در ادامه با ورود، ترخیص و شماره‌گذاری دو دستگاه آزمایشگاه سیار اهدایی از سوی سازمان بهداشت جهانی به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، بدون رعایت ضوابط فنی واردات خودرو و ثبت سفارش و با سود بازرگانی صفر درصد و معاف از مالیات بر ارزش افزوده موافقت کرد. گفتنی است، با توجه به وقوع سیل اخیر استان سیستان و بلوچستان سازمان جهانی بهداشت نسبت به اهدای دو دستگاه آزمایشگاه سیار به عنوان کمک‌های بشردوستانه اقدام کرد.

تصویب افزایش فوق‌العاده جذب کارکنان شهرداری‌ها

هیات دولت در ادامه به استناد قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت، با افزایش فوق‌العاده جذب مورد عمل کارکنان شهرداری‌ها به میزان حداکثر ۳۰ واحد درصد با تأیید وزیر کشور موافقت کرد.
اعتبار مورد نیاز افزایش فوق‌العاده جذب موضوع این تصویبنامه از محل اعتبارات پیش‌بینی شده از محل منابع داخلی شهرداری‌های مربوط تأمین می‌شود.

اصلاح اساسنامه جامعه مشاوران مالیاتی ایران

اعضای دولت همچنین به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و با توجه به فعالیت جامعه مشاوران رسمی‌مالیاتی از زمان تشکیل تاکنون، به منظور رفع کاستی‌های اساسنامه و رفع نواقص و اداره بهتر جامعه مشاوران مالیاتی، پیشنهادات اصلاحی و الحاقی اساسنامه را تصویب کرد.

ترحیم

به نام اهورا مزدا

پرسه همگانی
ایریستنام اوروانویزه میده

بر فروهر پاک همه درگذشتگان نیک و پارسا درود باد آئین پرسه همگانی اورمزد و اسفندماه از ساعت ۸ تا ۱۱ بامداد روز آدینه ۱۳۹۸/۱۱/۲۵ با حضور خانواده‌های روان‌شادان ذیل در تالار ایرج برگزار می گردد.

با احترام، انجمن زرتشتیان تهران

فیروزه شهریاری کلانتری ـ سهراب نامور ـ فرنوش نمیری ـ فرزاد فلفلی مبارکه ـ منوچهر فلفلی ـ خسرو دینیاریان ـ رستم باستانی پور (نمیرانیان) ـ فرین طهمورس زاده ـ شیرین دولت فلفلی ـ خدامراد دهموبد شریف آبادی ـ تاج خدادادی ـ مهندس ایرج اختر خاوری (گبل) ـ هرمزدیار بیژنی ـ بهرام یزدانی بیوکی ـ کیقباد اردشیری چم ـ بمان خسروی ـ داریوش اجباری ـ دینیار اشتری ـ هرمزدیار خسروی ـ کیاندخت یکتاشناس ـ شهریار بهدینیان ـ پوراندخت خسروی ـ بهرام ولی شریف آباد ـ بهرام خسرویانی ـ مهربان خسروی ـ شاهپور ظهرابی کلانتری ـ دولت بهرامی مبارکه (داستانی) ـ شیرین خسرویانی ـ داریوش کسروی ـ همایون پورجوانمردی (فلفلی) ـ ماه ستی قنسول فارسی ـ سیمیندخت راحتی (نجیب) ـ خداداد بزرگی چم ـ دینیار دانیال خسروی ـ مهیندخت حکیم ـ پرویز وخشوری ـ آزرم دخت یکتاشناس ـ ایرج نیک دین ـ رستم خسرویانی ـ اردشیر بهدینیان ـ رودابه فرارونی ـ سهراب مهدی حسن آبادی ـ رستم کدخدا ـ همایون خسروی ـ مهربان رشیدی فامیل ـ منوچهر گزگینی ـ بهمن خان برومندی ـ گلچهره گشتاسبی حسن آبادی ـ منیژه پوراسفندیاری چم ـ سروش پشوتنی‌زاده ـ گوهر رستگاری ـ خورشید گوشنی ـ پروین صنمی (اختیاری) ـ کیاندخت ربانی ـ پروین واگنر (پولادی) ـ تاج جمشیدی ـ منوچهر کابلی‌زاده ـ فیروزه مهرشاهی ـ بهروز مهربان زاد ـ سرور نوذری ـ رستم‌نمیرانیان ـ آفاق‌هوشنگی کرمانی ـ شیرین جوانمردی راحت آباد ـ داریوش بزرگ چمی ـ سیروس غیبی ـ سهراب کاوسی زین آبادی ـ جهانگیر خوبیار ـ فریدون سیستانی ـ اسفندیار شاهمرادی خرمی ـ کتایون نمیرانیان ـ کتایون هرمزدی ـ گشتاسب بهدین ـ سیمیندخت مبارکه ـ خداداد باستانی ـ شاه بهرام هرمزدی محمدآبادی ـ بانو جویبان (تیراندازیان) ـ گلچهره فرودی قاسم آبادی ـ مهیندخت راوری ـ تیردخت نوذری ـ خورشید شیرویا ـ رستم خضری ـ رستم خدابخشی شریف آباد ـ سهراب عزتی ـ پشوتن نجمی ـ بهمن بهمنی ـ رستم پارسی‌نژاد ـ شیرین دانشمند ـ پروین استقامت ـ هرمزدیار شهریاری ـ مهیندخت دانش پژوه ـ خدابخش یزدانی ـ نرگس عادل ـ گیو نیک منش ـ مهشید شهروین ـ افلاطون آبلی ـ خجسته بانو یادگار جم ـ پری معدن ـ ادخت فلفلی ـ تابنده آذرکیوان ـ جهانگیر شاهد ـ مرزبان مرزبانی ـ روشن ایرانی ـ کاووس کدخدایان ـ مروارید نوشیروانی چمی ـ پرویز اشیدری ـ کیانپور نوذری ـ همایون نمیرانیان ـ هرمز فیروزمند ـ فرهنگ فرهی یزدی.

هوالباقی

افسوس دگر مادر شیرین سخنم در بر ما نیست
آن گوهر یکدانه پر مهر و وفا در بر ما نیست
آن سنگ صبور، ذاکر حق تا دم آخر
افسوس و صدافسوس که دگر سایه‌ی او بر سر ما نیست

با نهایت تأسف و تأثر
درگذشت همسری مهربان و مادری دلسوز

صغری اکبریان

را به اطلاع کلیه دوستان و آشنایان محترم می‌رساند.
مجلس یادبودی در روز جمعه ۹۸/۱۱/۲۵ از ساعت ۱۳:۳۰ الی ۱۵ در مسجد ارشاد واقع در شهرری ـ میدان نماز برگزار می گردد.
حضور پرمحبت شما دوستان و سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحومه و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

ازطرف خانواده‌های: رشیدی، اکبریان، شهبازی، شراهی و سایر دوستان و بستگان

بازگشت همه به سوی اوست

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت هم‌دانشکده‌ای عزیز و گرامی شادروان **جناب آقای مهندس سیروس کنعانی** ورودی سال ۱۳۳۹ را خدمت خانواده محترم آن مرحوم و همه دوستان و هم‌دانشکده‌ای‌های عزیز تسلیت می گوئیم.
مراسم ختم آن فقید سعید در روز جمعه مورخ ۹۸/۱۱/۲۵ از ساعت ۱۶:۰۰ الی ۱۸:۳۰ در سالن مجتمع آموزشی رعد واقع در شهرک غرب، فاز ۲، خیابان پیروزان جنوبی، شماره ۷۴ برگزار می گردد.
حضور سروران و دوستان و هم‌دانشکده‌ای‌های گرامی موجب شادی آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان می گردد.

کانون مهندسین فارغ‌التحصیل دانشکده‌های فنی دانشگاه تبریز

یادبود

روزها رفت و گذشت و در اندیشه باز آمدنت، لحظه‌ها طی شد و مرد!
و نگاهم هر روز، باز هم با همه شوق، کوچه‌ها را پایید.
مثل آن روز که می آمدی از دور... دریغ!
دل من در غم هجران تو ای خوبترین، چه بگویم، چه کشید...

آه پنج سال از درگذشت همسر و پدر عزیزمان **مرحوم میر حسنعلی مشعشع** می گذرد و یاد و خاطرش را گرامی می‌داریم.

از طرف همسر و فرزندان

ما نه آنیم که در بازی این چرخ و فلک
آنکه از دیده ما رفت ز خاطر ببریم

با قلبی اندوهگین و غمی بسیار سنگین ساعت ۱۰ الی ۱۲ روز پنجشنبه ۲۴ بهمن‌ماه ۹۸ یازدهمین سال پرپرشدن فرزند دلبندمان **دوشیزه اخترالسادات میرعلوی** را در بهشت‌سکینه به سوگ می‌نشینیم و یادش را گرامی می‌داریم.

خانواده میرعلوی ـ نامدار دیلمی

با تو ام ای رفته از دست هر کجا باشم
غمت هست فربد جان

بیست سال است که
پر کشیدی ولی رفتنت را
باور نداریم.

توران و سعید لرستانی

تسلیت

همکاران گرامی
جناب آقایان علی و حسین رشیدی

با کمال تأسف و تأثر مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمتان از صمیم قلب تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزد منان برای آن مرحومه غفران الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبائی مسئلت می‌نماییم.

سید علی محمد هاشمی ـ سیدمحمد ویژگان ـ سیدحامد موسوی ـ احمد سلیمانی ـ محمد سلیمانی ـ اکبر کریمی ـ محمدرضا عطائی ـ قیاس مشهدی ـ وحید حیدری ـ ابراهیم یزدانی ـ سید حیدر تقوی ـ مصطفی بشیری ـ جواد مقدسی ـ امید بذلی ـ سید امیر شهابی ـ مهدی سلیمانی ـ علی اصغر نژاد ـ محمد بهرامی ـ نوید نوری ـ محمدرضا پورموسی ـ فرهاد عباسی ـ عباس حاجیلی ـ رضا خان احمد لو ـ محمدرضا شریفی ـ جواد حیدری ـ علی خدائی ـ عادل رضایی ـ علیرضا یوسفی
خانم‌ها: مکرمی ـ شعبانی ـ سیری ـ حیدرزاده ـ حیدری ـ بیگی ـ مقدم‌نژاد ـ میرخانی ـ ولی ـ ملکی

همکاران گرامی
آقایان علی و حسین رشیدی

با کمال تأسف و تأثر مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض می‌نمائیم و برای آن مرحومه آمرزش و برای بازماندگان صبر و شکیبائی آرزومندیم.

امور توزیع و فروش ـ سازمان شهرستان‌ها ـ حمل و نقل ـ امور مشترکین ـ آبونمان ـ شبکه اطلاع‌رسانی ـ امور توزیع و فروش کتاب ـ انبار کتاب ـ مراکز فروش کتاب ـ ساعت کنترل ـ تهران و حومه ـ تعمیرگاه ـ سازمان پخش ـ انبار برگشتی ـ تکفروشی ـ توزیع داخلی

بسمه تعالی

ارتحال عالم ربانی و اسوه تقوا نماینده خبرگان رهبری **حضرت آیت‌الله طبرسی رحمت‌الله علیه** را به عموم بازماندگان خصوصا همسر و فرزندان و دامادهای محترم ایشان تسلیت عرض نموده، غفران و رحمت الهی را برای آن مرحوم و صبر و اجر را برای عموم بازماندگان از خداوند متعال خواهانم.

الاحقر جلالی خمینی

همکاران گرامی
جناب آقایان علی و حسین رشیدی

مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض می‌نماییم.

سازمان آگهی‌های موسسه اطلاعات

همکاران گرامی
جناب آقایان علی و حسین رشیدی

با کمال تأسف و تأثر مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمتان از صمیم قلب تسلیت عرض می‌نماییم و برای بازماندگان صبر و شکیبائی مسئلت داریم.

خدمات موسسه اطلاعات

همکار محترم
آقای علی رشیدی

درگذشت مادر گرامیتان را تسلیت می گوییم و خود را در این غم بزرگ شریک می‌دانیم از درگاه ایزد یکتا می‌خواهیم روان آن مرحومه را غریق دریای غفران بی‌پایانش گرداند و به شما و دیگر بازماندگان صبر عنایت فرماید.

همکارانتان در اطلاعات سیاسی اقتصادی

جناب آقای دکتر مجید نوری
نایب رئیس هیئت‌مدیره بیمارستان کیان

بانهایت تأسف ضایعه غم‌بار درگذشت مادر گرامیتان را خدمت شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای روح پاک آن مرحومه علو درجات و مغفرت الهی و برای خانواده محترم صبر عظیم آرزومندیم.

بیمارستان کیان

جناب آقای مهندس مجید عباس‌زاده
جناب آقای مهندس سعید عباس‌زاده

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت پدر گرامی آن جنابان و پدربزرگ آقای **مهندس علی عباس‌زاده** را تسلیت گفته، غفران الهی برای آن شادروان و طول عمر با عزت بازماندگان محترم را از درگاه ایزد یکتا خواهانیم.

انجمن شرکت‌های راه‌سازی ایران ـ جمعیت طرفداران ایمنی راه‌ها ـ خیرین راه و ترابری

همکار محترم
جناب آقای دکتر رمک هاشمی
خانواده‌های محترم خوئی و هاشمی

مصیبت وارده را تسلیت می گوئیم.

دکتر سید محمود طباطبائی و خانواده

همکار ارجمند
جناب آقای دکتر انتظاری

ما را در غم خود شریک بدانید.

دکتر سید محمود طباطبائی و خانواده

جناب آقایان علی و حسین رشیدی

با کمال تأسف و تأثر مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمتان از صمیم قلب تسلیت عرض نموده، برای آن مرحومه علو درجات و برای بازماندگان محترم صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

همکاران شما در واحد تصحیح روزنامه

سپاسگزاری

هو
۱۲۱

اینک که چهل روز از مصیبت رحلت جانگداز عمو و مولای بزرگوارم **حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده مجذوبعلیشاه (اعلی‌الله مقامه‌الشریف)** می گذرد وظیفه دارم از جانشین منصوص ایشان حضرت آقای حاج سید علیرضا جذبی ثابتعلیشاه. (مدظله‌العالی) و همه بزرگوارانی که به طرق مختلف در مراسم تشییع، تدفین، ختم و چهلم آن بزرگوار حضور یافته و دوستانی که شفاها و کتبا اظهار همدردی نموده و همچنین افرادی که موجب باشکوه برگزار شدن این مراسم شدند تشکر و سپاسگزاری کنم و اجر همه آنان را از درگاه حضرت احدیت مسئلت نمایم.

حاج محمد تابنده

آگهی تغییرات شرکت مهندسی و ساختمانی نام آوران دلوار شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۳۴۰۶۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۷۵۰۲۷۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۲۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۷ تصویب شد ـ موسسه حسابرسی نیک روشان تهران شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۵۹۷۶۰ بعنوان بازرس اصلی و آقای محمود عنایتی به شماره ملی ۵۷۲۹۴۵۸۵۱۷ بعنوان بازرس علی البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب شدند ـ روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید. ـ اعضای هیات مدیره: ـ آقای محمدرضا عباس زاده کد ملی ۳۵۰۰۷۳۲۸۱۱ بعنوان رئیس هیات مدیره و خانم سرنا عباس زاده کدملی ۲۲۹۶۸۳۷۵۲۲ بعنوان نائب رئیس و عضو هیأت مدیره و آقای محسن نجیمی ورزنه کد ملی ۰۰۶۶۷۳۹۳۶۵ بعنوان مدیر عامل و عضو هیات مدیره و آقایان غلامرضا زارع زاده کد ملی ۲۲۹۵۲۸۹۵۱۳ و سعید فرزامی نژاد کد ملی ۲۰۰۲۰۶۸۰۹۷ بعنوان عضو هیات مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند امضاء اسناد و اوراق تعهد آور شرکت و چکها و سفته ها و سایر اوراق تجاری و غیره با دو امضا شامل: امضای اول: رئیس هیات مدیره یا نائب رئیس هیات مدیره و امضای دوم: یکی از اعضای هیات مدیره بهمراه مهر شرکت معتبر می باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۷۴۰۹۴۹)

تاسیس شرکت سهامی خاص توسعه نوآوری نیکی

در تاریخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۵ به شماره ثبت ۵۵۳۲۶۶ به شناسه ملی ۱۴۰۰۸۹۲۲۴۵۷ ثبت و امضا ذیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میگردد. موضوع فعالیت: ایجاد کسب و کارهای کارآفرینانه و خلاق و نوپا (استارت آپ) و همچنین سرمایه گذاری و مشارکت در کنسرسیوم ها و صندوق های مرتبط با پروژه های نوآورانه و خلاق و شرکتهای نوپا (استارت آپ) به منظور خلق ارزش افزوده اقتصادی و جذب سرمایه گذاری خطر پذیر در جهت بهره برداری و تجاری سازی ایده ها و دارایی های فکری و نوآورانه و همچنین فعالیتهای بازرگانی مجاز (واردات و صادرات) و بهره برداری اقتصادی از کلیه دارایی های مشهود و نامشهود از قبیل زمین و ساختمان املاک و مستغلات و اموال منقول و غیر منقول و اخذ وام و اعتبار از کلیه بانک ها و موسسات مالی و اعتباری و گشایش اعتبار برای شرکت و اعطای نمایندگی و ایجاد شعب در داخل و خارج کشور و خرید و فروش سهام و اوراق مشارکت و سایر اوراق بهادار درصورت لزوم پس از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذیربط مدت فعالیت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود مرکز اصلی: استان تهران ـ منطقه ۱۵، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، محله میدان ولی عصر، خیابان شهید استاد نجات الهی، خیابان ورشو، پلاک ۲۱، طبقه ششم، واحد ۱۱ کدپستی ۱۵۹۸۶۸۹۸۲۳ سرمایه شخصیت حقوقی عبارت است از مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال نقدی منقسم به ۱۰۰۰۰۰۰۰ سهم ۱۰۰۰ ریالی تعداد ۱۰۰۰۰۰۰۰ سهم آن بانام عادی مبلغ ۳۵۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال توسط موسسین طی گواهی بانکی شماره ۶۳۰۳۲/۲۵۱ مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۲۳ نزد بانک ملت شعبه نجات الهی شمالی با کد ۶۳۰۳۲ پرداخت گردیده است والباقی در تعهد صاحبان سهام می باشد اعضا هیئت مدیره آقای امیربهادر بهمنی بهمن بیگلو به شماره ملی ۰۴۵۰۱۹۳۳۹۱ و به سمت مدیرعامل به مدت ۲ سال سرمایه گذاری ملی ایران به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۸۶۷۷۹ و به نمایندگی ابوالفضل متین به شماره ملی ۰۰۴۹۱۷۷۶۹۹ و به سمت رئیس هیئت مدیره به مدت ۲ سال کارگزاری سرمایه گذاری ملی ایران به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۸۹۴۷۵۶ و به نمایندگی محمدرضا صادقی مقدم به شماره ملی ۲۵۱۱۳۱۰۰۶۶ و به سمت نایب رئیس هیئت مدیره به مدت ۲ سال مدیریت سرمایه گذاری ملی ایران به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۱۹۵۷۱۰ و به نمایندگی علیرضا صابری انصاری به شماره ملی ۰۵۳۳۱۶۴۷۴۵ و به سمت عضو هیئت مدیره به مدت ۲ سال دارندگان حق امضا: کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادها عقود اسلامی با امضای مدیرعامل و رئیس هیات مدیره با مهر شرکت و در غیاب مدیرعامل با امضای رئیس هیات مدیره و نایب رئیس هیات مدیره با مهر شرکت معتبر است. کلیه نامه های عادی و اداری با امضای مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر خواهد. اختیارات مدیر عامل: طبق اساسنامه بازرسان حسابرسی و خدمات مالی همیار حساب به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۱۳۹۷۰ به سمت بازرس اصلی به مدت یک سال مالی آزمون پرداز ایران مشهود به شناسه ملی ۱۰۸۶۱۶۸۷۶۲۵ به سمت بازرس علی البدل به مدت یک سال مالی روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید. ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۷۴۰۹۵۰)

آگهی تغییرات شرکت سرمایه گذاری اندیشه محوران سهامی خاص به شماره ثبت ۲۰۳۹۷۰ و شناسه ملی ۱۰۴۶۰۰۶۴۱۲۰

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۲۷ و اجازه مجمع فوق العاده مورخ ۹۸/۸/۲۵ و مجوز ۱۲۲/۵۶۷۷۲ مورخ ۹۸/۸/۳۰ سازمان بورس و اوراق بهادار تصمیمات ذیل اتخاذ شد: سرمایه شرکت از مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال به مبلغ ۶۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال منقسم به ۶۰۰۰۰۰ سهم ۱۰۰۰۰ ریالی بانام که تماما پرداخت شده از طریق مطالبات حال شده و سود انباشته افزایش یافت. ماده مربوطه در اساسنامه به شرح فوق اصلاح و ذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ فوق الذکر تکمیل امضاء گردیده است.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۷۴۰۹۵۱)

آگهی تغییرات شرکت سولکلر آریا (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۸۱۷ و شناسه ملی ۱۴۰۰۶۵۰۶۷۶۱

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۱۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: سرمایه شرکت از مبلغ ۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال به مبلغ ۲.۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال منقسم به ۲۱۰۰ سهم ۱.۰۰۰.۰۰۰ ریالی با نام از محل مطالبات حال شده افزایش یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید.

حجت اله قلی تبار سرپرست ثبت شرکتها و مؤسسات غیر تجاری شهرستانهای استان تهران سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری رباط کریم (۷۴۰۹۵۲)

آگهی تغییرات شرکت توسعه صنایع حمل ونقل ریلی گسترش سهامی خاص به شماره ثبت ۸۱۲۰۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۲۵۸۶۴۶

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: محل شرکت در واحد ثبتی تهران به آدرس: استان تهران ـ منطقه ۱۵، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، محله کاووسیه، خیابان بیست و یکم، خیابان آفریقا، پلاک ۵۴، طبقه سوم، واحد جنوبی، کدپستی ۱۵۱۷۸۶۴۹۱۶ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۷۴۰۹۵۳)

آگهی تغییرات شرکت سرمایه گذاریهای خارجی ایران سهامی خاص به شماره ثبت ۱۳۸۴۹۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۱۵۷۸۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۸/۰۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: حسن عبقری به کد ملی ۰۰۴۵۸۵۱۳۰۱ به عنوان مدیرعامل شرکت به مدت دو سال انتخاب گردید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۷۴۰۹۵۴)

آگهی تغییرات شرکت سایپا شیشه سهامی عام به شماره ثبت ۱۳۹۰۶۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۲۱۳۱۹

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۱۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای رضا باقری به ک.م ۰۰۶۰۵۷۵۷۸۶ بنمایندگی شرکت گروه سرمایه گذاری سایپا به ش.م ۱۰۱۰۰۴۱۹۸۲۱ بجای آقای محمد الیکایی به ک.م ۰۰۵۵۹۸۸۸۵۷ بعنوان عضو هیئت مدیره انتخاب شدند. محل شرکت در واحد ثبتی تهران به آدرس استان تهران ـ منطقه ۱۳، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، محله جاده مخصوص، خیابان بیست و سوم، بزرگراه امیر سرلشگر ش حسین لشگری، پلاک ۲۴۵، طبقه دوم، واحد ۱۳، کدپستی ۱۳۹۹۸۳۸۶۲۵ تغییر یافت.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۷۴۰۹۵۵)

آگهی تغییرات شرکت فخر آور تهران سهامی خاص به شماره ثبت ۱۲۰۱۵۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۶۳۶۹۷۶

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۲۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای قدرت فخری کیوج به شماره ملی ۱۷۳۹۶۱۴۰۲۱ به سمت مدیر عامل و عضو هیات مدیره ـ آقای اصغر فخری کیوج به شماره ملی ۱۷۳۹۶۱۱۷۰۵ به سمت رئیس هیئت مدیره ـ آقای نعمت فخری کیوج به شماره ملی ۱۷۳۹۶۱۲۹۵۷ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره ـ آقای غلامحسین فخری کیوج به شماره ملی ۱۷۳۸۴۱۲۷۱۷ عضو هیئت مدیره ـ آقای مصطفی فخری کیوج به شماره ملی ۴۷۱۰۳۰۶۴۸۶ عضو هیئت مدیره ـ آقای محمد فخری به شماره ملی ۱۷۳۹۶۱۶۵۷۱ عضو هیئت مدیره بمدت ۲ سال انتخاب شدند آقای نعمت اله تاجیک شماره ملی ۰۴۲۱۶۹۵۴۰۴ به عنوات بازرس اصلی و آقای حمید حضرتی ءیلانجق به شماره ملی ۰۰۵۶۱۰۲۷۳۹ به عنوان بازرس علی البدل به مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه کثیر الانتشار اطلاعات جهت درج آگهی های شرکت انتخاب گردید. کلیه اسناد و اوراق تعهد آور و اوراق بهادار با امضاء آقای اصغر فخری کیوج رئیس هیئت مدیره به اتفاق آقای نعمت فخری کیوج نایب رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود و کلیه نامه های اداری و اوراق عادی به امضاء آقای اصغر فخری کیوج رئیس هیئت مدیره با آقای قدرت فخری کیوج مدیر عامل همراه با مهر شرکت معتبر می باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۷۴۰۹۵۶)

آگهی تغییرات شرکت پرشیا خودرو سهامی خاص به شماره ثبت ۲۳۶۰۲۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۷۶۹۵۱۸

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: اعضای هیات مدیره برای مدت دو سال به شرح ذیل انتخاب شدند: آقای محمد عبدالحسینی به شماره ملی ۵۳۰۹۸۴۵۳۰۵ مهدی حاجی باقری به شماره ملی ۰۰۴۰۷۶۱۲۳۱ آقای هادی سلیمانی ملکان به شماره ملی ۰۴۵۲۴۴۷۸۹۵ آقای غلامرضا حاجی زاده به شماره ملی ۱۹۵۰۳۶۵۹۷۲ شرکت فرزانگان فارس نیکو به شناسه ملی ۱۰۵۳۰۱۹۶۹۴۸ با نمایندگی آقای مصطفی سلطان بایزیدی به شماره ملی ۴۵۹۰۲۶۱۲۴۳

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۷۴۰۹۵۷)

آگهی تغییرات شرکت پرشیا خودرو سهامی خاص به شماره ثبت ۲۳۶۰۲۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۷۶۹۵۱۸

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: اعضای هیات مدیره به شرح ذیل انتخاب گردیدند: ۱ ـ آقای محمد عبدالحسینی به شماره ملی ۵۳۰۹۸۴۵۳۰۵ به سمت رئیس هیات مدیره آقای هادی سلیمانی ملکان به شماره ملی ۰۴۵۲۴۴۷۸۹۵ به سمت مدیرعامل و نائب رئیس هیات مدیره آقای غلامرضا حاجی زاده به شماره ملی ۱۹۵۰۳۶۵۹۷۲ به سمت عضو هیات مدیره آقای مهدی حاجی باقری به شماره ملی ۰۰۴۰۷۶۱۲۳۱ به سمت عضو هیات

آگهی تغییرات شرکت مشاور سرمایه گذاری دیدگاهان نوین سهامی خاص به شماره ثبت ۴۱۸۹۹۳ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۷۰۸۰۶۱

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۲۴ و مجوز شماره ۱۲۲/۵۶۵۷۰ مورخ ۱۳۹۸/۸/۲۵ سازمان بورس و اوراق بهادار تصمیمات ذیل اتخاذ شد: موارد ذیل به موضوع شرکت الحاق و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید: فعالیت در زمینه تأمین مالی جمعی با رعایت مقررات مربوطه و اخذ مجوزهای لازم.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

آگهی تغییرات شرکت سپهر اندیشه الوند سهامی خاص به شماره ثبت ۵۱۳۳۹۱ و شناسه ملی ۱۴۰۰۶۹۶۶۸۴۲

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۱۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: سرمایه شرکت از مبلغ صد میلیون ریال به مبلغ صد هزار میلیون ریال منقسم به ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ سهم ۱۰۰۰ ریالی بانام از محل مطالبات حال شده سهامداران تامین گردیده افزایش یافت و ماده مربوطه در اساسنامه بشرح مذکور اصلاح شد و ذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ فوق الذکر تکمیل امضا گردیده است.

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ (مؤسسه اطلاعات)
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سر دبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان مصدق جنوبی (نفت سابق)
ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی‌ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی‌ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com
منشور اخلاقی: http://www.ettelaat.com/ftp/manshoor.pdf

اطلاعات

سال نود و چهارم

تقویم اطلاعات

	پنجشنبه ۲۴ بهمن ۱۳۹۸ / ۱۸ جمادی‌الثانی ۱۴۴۱ / ۱۳ فوریه ۲۰۲۰		جمعه ۲۵ بهمن ۱۳۹۸ / ۱۹ جمادی‌الثانی ۱۴۴۱ / ۱۴ فوریه ۲۰۲۰
ظهر شرعی	۱۲ و ۱۹ دقیقه	ظهر شرعی	۱۲ و ۱۸ دقیقه
غروب آفتاب	۱۷ و ۴۳ دقیقه	غروب آفتاب	۱۷ و ۴۴ دقیقه
اذان مغرب	۱۸ و ۰۲ دقیقه	اذان مغرب	۱۸ و ۰۳ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۲۳ و ۳۶ دقیقه	نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۲۳ و ۳۶ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۵ و ۲۹ دقیقه	اذان صبح (شنبه)	۵ و ۲۸ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۶ و ۵۳ دقیقه	طلوع آفتاب (شنبه)	۶ و ۵۲ دقیقه

مخالفان رژیم آل خلیفه، بحرینی‌ها را به اعتصاب عمومی فرا خواندند

سرویس خارجی: همزمان با فرارسیدن سالروز قیام ۱۴فوریه مردم این کشور علیه رژیم آل خلیفه، مخالفان دولت بحرین هموطنان خود را به اعتصاب عمومی دعوت کردند.پایگاه اطلاع رسانی «منامه پُست» گزارش داد که نیروهای مخالف دولت بحرین خود را برای گرامیداشت سالروز قیام مردمی علیه رژیم آل خلیفه آماده می کنند و آنها از مردم خواسته اند تا طی این مدت، دانش‌آموزان و دانشجویان از حضور در کلاس‌های درس خودداری، بازاریان مغازه‌ها را تعطیل و شهروندان از رفتن به مجتمع‌های تجاری و روشن کردن چراغ معابر خودداری کنند.

کوتاه از سراسر جهان

معاون دبیر کل حزب‌الله: هر کس با ایران و مقاومت باشد، پیروز است

تسنیم: معاون دبیرکل حزب‌الله لبنان در سخنانی به‌مناسبت چهل‌ویکمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی ایران گفت: تجربه نشان داده هرکسی با ایران و مقاومت باشد، به پیروزی می‌رسد. «شیخ نعیم قاسم» افزود: هر کس با ایران و محور مقاومت باشد، می‌تواند سرزمین خود را آزاد کند. نعیم قاسم گفت: دشمنان بدانند امکان اینکه به عقب برگردیم و شکست‌ها را متحمل شویم، وجود ندارد. وی تأکید کرد: در این دوره از پیروزی‌ها باید از نیروهای مقاومت تحت فرماندهی ولی فقیه الهام گرفت و با تلاش جدی در همه زمینه‌ها برای شکست طرح صهیونیستی – آمریکایی معامله قرن اقدام کرد.

انفجار ۲ بسته پستی حاوی بمب در هلند

فارس: نیروهای امنیتی هلند از انفجار دو بسته پستی حاوی بمب در دفاتر پستی دو منطقه مختلف هلند خبر دادند که ظاهراً کسی در این حوادث آسیبی ندیده است. نیروهای امنیتی هلند اعلام کردند که انفجاری در یکی از اداره‌های پست «آمستردام» به وقوع پیوست. گفته می شود بمب درون یک بسته پستی جاسازی شده بود و در نتیجه، انفجاری در منطقه «بولستوئن» آمستردام به وقوع پیوست.

افشای مالکیت «سیا» بر شرکت فروشنده تجهیزات رمزگذاری

فارس: یک رسانه آمریکایی و یک رسانه آلمانی با انتشار نتایج یک تحقیق مشترک مدعی شدند که سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) به صورت مخفیانه مالک یکی از بزرگترین شرکت‌های تولید تجهیزات رمزگذاری بوده و این شرکت تجهیزات خود را به کشورهای مختلف از جمله ایران فروخته است. روزنامه واشنگتن‌پست و تلویزیون «زد دی‌اف» آلمان ادعا کردند که شرکت سوییسی «کریپتو ای.جی» به صورت مخفیانه متعلق به سیا بوده و همکاری محرمانه‌ای هم با دستگاه اطلاعات آلمان داشته است.

رئیس‌جمهوری خودخوانده ونزوئلا پس از بازگشت از آمریکا با خشم مردمی مواجه شد

فارس: «خوان گوایدو» رئیس‌جمهوری خودخوانده ونزوئلا پس از بازگشت از سفر به آمریکا که تحریم‌های بیشتری علیه کشورش را به بار آورد، با خشم و اعتراض مردم مواجه شد. گوایدو هنگام ورود به فرودگاه کاراکاس گفت: به همراه خود، تعهد دنیای آزاد را برگرداندم که آماده است به ما برای باز پس گیری دموکراسی و آزادی کمک کند. او پس از این سخنان، با خشم و اعتراض مردم ونزوئلا مواجه شد.

پیشروی برق آسای نیروهای یمنی در استان «مارب»

مهر: نیروهای ارتش و انصارالله پس از درگیری‌های شدید با نظامیان و مزدوران ائتلاف سعودی در استان «مارب»، واقع در شمال شرق یمن ، در این منطقه پیشروی کردند و بر منطقه «الجرف» مسلط شدند.یک منبع نظامی یمنی اعلام کرد: نیروهای ارتش و کمیته‌های مردمی یمن طی عملیات علیه نیروهای دست نشانده سعودی در شمال غرب «مارب» به دستاوردهای جدیدی دست یافتند. در این درگیری که به مدت شش ساعت به طول انجامید، نیروهای ارتش و کمیته‌های مردمی یمن بر ناحیه «الجرف» در منطقه «مدغل الجدعان» در استان «مارب» یمن مسلط شدند. این منبع افزود: نیروهای ارتش و کمیته‌های مردمی یمن همچنین به پیشروی‌ها در منطقه «السحیل» ادامه دادند.

گرهارد شرودر: مرکل اشتباهات مهلکی را مرتکب شده است

ایسنا: صدراعظم پیشین آلمان از تصمیم سال ۲۰۱۸ آنگلا مرکل برای باقی ماندن در سمت صدراعظمی پس از خروج از به عنوان رهبر حزب اتحاد دموکرات مسیحی انتقاد کرد و مشکلات کنونی این حزب را به گردن او انداخت. گرهارد شرودر، گفت آنگلا مرکل با انجام این کار مرتکب اشتباه مهلک شد، خصوصا با توجه به تصمیم ناگهانی «آنگرت کرامپ–کارن‌باوئر» برای کناره‌گیری از سمتش به عنوان رئیس این حزب و خروج از رقابت صدراعظمی ۲۰۲۱. او گفت وضعیت بد متعاقب، کاملا بر عهده مرکل است.

رهبر حماس: قدردان حمایت‌های رهبر و ملت ایران از فلسطین هستیم

سرویس خارجی: رئیس دفتر سیاسی جنبش مقاومت اسلامی فلسطین «حماس» در پیامی به رهبری، سالروز پیروزی انقلاب اسلامی را تبریک و از مواضع ایران در حمایت همیشگی از مسأله فلسطین قدردانی کرد.

متن این پیام به این شرح است: حضرت آیت الله سید علی خامنه‌ای (حفظه الله) رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران،السلام علیکم و رحمه الله و برکاته؛ برای ما در جنبش مقاومت اسلامی حماس مایه خرسندی است که خالصانه‌ترین و صادقانه‌ترین تبریک‌های خود را به مناسبت چهل و یکمین سالروز پیروزی انقلاب مبارک اسلامی جمهوری اسلامی ایران خدمت شما تقدیم نماییم.ما در جنبش حماس همراه با ملت فلسطین ضمن ابراز شادی و سرور در کنار ملت دوست، ایران، به این مناسبت مبارک و به افتخار این پیروزی بزرگ، عمیقا از مواضع گرانقدر شما در حمایت از فلسطین و مساله عادلانه آن و همبستگی مردم ایران با ملت فلسطین در زمینه دفاع از حقوق مشروع خود و حمایت از شهر قدس اشغالی و مسجد مبارک الاقصی و حمایت از مقاومت قهرمان فلسطین در مقابله با رژیم اشغالگر صهیونیستی تقدیر کرده و نهایت افتخار و خرسندی خود را نسبت به پیوندهای دوستی میان دو ملت ایران و فلسطین ابراز می‌داریم.این فرصت نیک را غنیمت می‌شمارم تا به نمایندگی از خود و برادرانم در جنبش حماس از نقش بارز و مواضع اصولی شما در همراهی همیشگی با فلسطین و حمایت از ملت و مقاومت فلسطین تقدیر کرده و بار دیگر بر تمایل خود برای تقویت این مواضع و همکاری‌ها تاکید کنم و از درگاه خداوند صحت و سلامت را برای شما و پیشرفت و شکوفایی هرچه بیشتر را برای جمهوری اسلامی ایران و ملت بزرگوار آن خواستارم.

انتقاد ترکی الفیصل از معامله قرن

رئیس اسبق سازمان اطلاعات سعودی در موضعی غیرمنتظره به انتقاد شدید از طرح «معامله قرن» پرداخت. «ترکی الفیصل» در یک برنامه تلویزیونی در آمریکا انتقادات شدیدی را علیه طرح آمریکایی معامله قرن بر زبان آورد. او به شبکه سی ان بی سی آمریکا گفت: آنچه تا کنون دیده‌ایم این است که این توافق، تلاشی برای تبدیل فلسطین به یک موجود مسخ شده است و این طرح صرفا رؤیایی ظالمانه برای کشور فلسطین است؛ پایتخت قانونی‌اش را جدا می‌کنند و قلبش را از آن می‌گیرند؛ مرزهایش نامشخص است و اینگونه روحش را جدا می‌کنند. او در ادامه، معامله قرن را «فرانکنشتاین» (شخصیت داستانی که اعضای بدنش متشکل از اجساد دیگران است) عصر جدید توصیف کرد. ترکی الفیصل گفت که این توافق به هیچ جا نخواهد رسید و شکست خواهد خورد و تمامی دنیا آن را رد می‌کنند. او معامله قرن را برای فلسطینی‌ها گامی به عقب دانست و آن را به دور از حقایق تاریخی و قوانین بین‌المللی و قطعنامه‌های شورای امنیت اعلام کرد و گفت که طراحان طرح مذکور یک‌سویه به ماجرا نگاه کرده‌اند.

پس از این سخنان، شبکه سی ان بی سی به نقل از یک مقام دولتی آمریکا که نامش را فاش نکرد، گفت: ترکی الفیصل دیگر ارتباطی با دولت سعودی ندارد و نظراتش با این دولت همخوان نیست. همزمان رئیس پارلمان مغرب با تأکید بر حمایت قاطع این کشور از مسأله فلسطین، گفت رباط نمی‌پذیرد که حقوق مشروع ملت فلسطین در تشکیل کشور مستقل به پایتختی قدس، مصادره شود. «الحبیب المالکی» رئیس پارلمان مغرب به طرح صلح تحمیلی آمریکا موسوم به معامله قرن واکنش نشان داد و گفت که صلح نه با مجازات جمعی، نه مصادره اراضی و نه سیاست‌های دیگر حاصل نمی‌شود. وی افزود: آرمان فلسطین، متعلق به حقوق ثابت ملت فلسطین در استقلال و تشکیل کشور مستقل خود بر اساس قوانین بین‌الملل است. وی تصریح کرد که مغرب به حمایت قاطع و غیرمشروط خود از همه بخشهای آرمان فلسطین ادامه می‌دهد و نمی‌پذیرد که حقوق مشروع و ثابت ملت فلسطین در تشکیل کشور مستقل به پایتختی قدس، مصادره شود. در همین راستا یک روزنامه انگلیسی در یادداشتی نوشت، در حالی که اسرائیل در تلاش است خود را به کشورهای عرب منطقه نزدیک کند، معامله قرن، تل‌آویو را بیش از هر زمان در مقابل اعراب قرار داده است. «ایندیپندنت» نوشت، ریاست پارلمان کویت برخلاف جریان کشورهای عربی که برای دوستی با تل‌آویو از هم سبقت می‌گیرند، چند روز قبل مقابل چشمان صدها نفر طرح صلح موسوم به «معامله قرن» را به سطل زباله انداخت. در این گزارش آمده است، مصر و اردن هم در حال حاضر سفارت اسرائیل را در خاکشان پذیرفته‌اند و روابط امنیتی و سیاسی خود را طبق معاهدات چند دهه پیش حفظ کرده‌اند اما هردو کشور همچنان با عادی‌سازی روابط با تل‌آویو فاصله زیادی دارند.

هشدار سازمان ملل و اتحادیه اروپا

هماهنگ کننده ویژه سازمان ملل با تاکید بر اینکه دبیر کل سازمان ملل اقدامات یکجانبه در طرح صلح میان فلسطین و اسرائیل را نپذیرفته و خواهان راه حل دو دولتی است، پیدا شدن یک واسطه مورد توافق طرفین برای تضمین شروع مذاکرات صلح را ضروری خواند. «نیکولای ملادینوف» درباره خطر الحاق بخش‌هایی از کرانه باختری به سرزمین‌های اشغالی فلسطین هشدار داد و بار دیگر بر پایبندی سازمان ملل به راه حل دو دولتی تاکید کرد.

ملادینوف طی نطقی در نشست شورای امنیت درباره معامله قرن آمریکا گفت: روزهای پس از اعلام طرح صلح آمریکا که با مخالفت دولت فلسطین و استقبال مقامات ارشد اسرائیل روبرو شد، شاهد حوادث خشونت باری در کرانه باختری از جمله قدس شرقی، نوار غزه و پیرامون آن بود. او درباره هر گونه تشدید تنش یا اقدام تحریک آمیزی که اوضاع را پیچیده‌تر کند هشدار داد و آن را فقط به نفع کسانی خواند که به تعبیر او می‌خواهند مردم را به افراط گرایی و نابودی تلاش‌ها برای تحقق صلح سوق دهند. این دیپلمات سازمان ملل ادامه داد: مقامات اسرائیلی پس از رونمایی از طرح معامله قرن، از رویکرد اسرائیل برای الحاق بخش‌های وسیعی از کرانه باختری از جمله شهرک‌های اسرائیلی در آنجا و دره اردن خبر دادند و آمریکا هم حمایت خود را از اجرای این برنامه‌ها اعلام کرده است. همزمان مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز از رژیم صهیونیستی خواست از الحاق دره اردن به سرزمین‌های اشغالی خودداری کند. «جوزپ بورل» درباره اعتراضات گسترده فلسطینی‌ها علیه اسرائیل در صورت پیشبرد این طرح هشدار داد و افزود: الحاق دره اردن ممکن است اتفاق بیفتد اما مطمئن باشید که صلح جویانه نخواهد بود. لازم به ذکر است بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی اخیرا اعلام کرد که اگر دوباره انتخاب شود فورا دره اردن را به این رژیم ملحق خواهد کرد. دره اردن بخش بزرگی از کرانه باختری را شامل می‌شود و هرچند که در حال حاضر ضمیمه نشده، اما به دلیل گسترش قابل توجه شهرک‌های صهیونیست‌نشین در آن‌ها، عملا در اختیار صهیونیست‌ها قرار گرفته است. همزمان با این تحولات، «شیخ محمد حسین» مفتی کل قدس و فلسطین، فتوای تحریم معامله قرن را صادر کرد. وی در بیانیه‌ای با اعلام این حکم اظهار داشت: هر کس که با معامله قرن تعامل داشته باشد خائن به پروردگار و رسول اکرم (ص)، مسجدالاقصی، قدس و فلسطین محسوب می‌شود. در ادامه بیانیه گفته شده است: معامله قرن، قدس را از اصحاب مشروع آن سلب و مسلمانان را از سومین مسجدشان و نخستین قبله شان محروم می‌کند. این قرارداد همچنین حقوق آوارگان فلسطینی را از بین می‌برد و حقوق ملت فلسطین و مشروعیت مطالباتشان را نادیده می‌گیرد. مفتی کل قدس خاطرنشان کرد: معامله قرن حق ملت فلسطین در برخورداری از زندگی باکرامت را از بین می‌برد و بخش اعظم اراضی پاک فلسطین که با خون شهدا عطرآگین شده است را به دشمن ظالم غاصب واگذار می‌کند. وی از جهان خواست که در برابر این تجاوز به فلسطین و مقدسات آن بایستند و مانع از اجرای این قرارداد ظالمانه و مملوء از جنایت و نژادپرستی شود.

واکنش‌ها به سخنرانی عباس

گروه‌های مختلف فلسطینی از سخنرانی محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین در نشست شورای امنیت و پافشاری وی بر مذاکرات بیهوده سازش انتقاد کردند. محمد الهندی رئیس اداره سیاسی جنبش جهاد اسلامی تاکید کرد عباس در سخنرانی خود چیز جدیدی ارائه نکرد و تا زمانی که وی از چارچوب مذاکره و شراکت و همکاری با دشمن را ترک نکند و خدمات و همکاری امنیتی با دشمن را متوقف نکند و به دنبال وحدت داخلی نباشد، همچنان در سرابی حرکت می‌کند که راه خروجی ندارد. وی افزود با وجود اجماع تمامی احزاب رژیم صهیونیستی درباره مسائل اساسی، اما عباس همچنان به دنبال یافتن شریک اسرائیلی می‌گردد. داوود شهاب از دیگر رهبران جهاد اسلامی هم با انتقاد از سخنرانی محمود عباس گفت که قرار بود وی پیش نویس قطعنامه‌ای برای محکوم کردن طرح معامله قرن آمریکا با خود ببرد، حال چرا از این اقدام صرف نظر کرد؟ وی افزود جایگزین از نظر عباس مذاکرات سازش است که ما را به این وضعیت رسانده است و شاهد اشغال سرزمین‌های فلسطینی هستیم. وی تاکید کرد که سخنان عباس سبب نمی‌شود اسرائیل این طرح آمریکایی را متوقف کند.

این درحالی است که نخست‌وزیر سابق رژیم صهیونیستی در کنفرانس خبری مشترک با رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین حاضر شد و او را «مرد صلح» و تنها شریک در طرف فلسطینی برای تل‌آویو برشمرد. محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین و «ایهود اولمرت» نخست‌وزیر پیشین رژیم صهیونیستی در کنفرانس خبری مشترک حاضر شدند و علیه بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر فعلی این رژیم، موضع گرفتند. اولمرت که در زمان نخست‌وزیری‌اش یک جنگ علیه لبنان (۲۰۰۶) و یک جنگ علیه غزه (۲۰۰۸) را آغاز کرد، محمود عباس را تنها شریک صلح توصیف و تلاش‌های دولت نتانیاهو برای به حاشیه‌راندن عباس را تقبیح کرد. اولمرت در این کنفرانس خبری که در نیویورک برگزار شد، گفت: عباس مرد صلح است و با تروریسم هم مخالف است لذا وی تنها شریکی است که می‌توانیم با او تعامل کنیم. در چنین شرایطی دبیرکل اتحادیه عرب در جلسه شورای امنیت نسبت به ترور محمود عباس توسط اسرائیل به شیوه یاسر عرفات هشدار داد.

احمد ابوالغیط گفت: اظهارات سفیر اسرائیل مبنی بر اینکه محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین دیگر نمی‌تواند شریک صلح باشد بسیار نگران کننده است و اگر عباس توافقنامه صلح را امضا نکند اسرائیل حتی یک فلسطینی را پیدا نمی‌کند که این توافقنامه را امضا کند. ابوالغیط به دنی دانون، سفیر اسرائیل نگاهی کرد و گفت: ۱۵سال پیش همین حرف را درباره رئیس فقید تشکیلات خودگردان فلسطین شنیدم که آن زمان هم اسرائیلی‌ها گفتند یاسر عرفات شریک صلح نیست و بعد از آن دیدیم چه شد و عرفات به چه سرنوشتی دچار شد.

تظاهرات فلسطینی‌ها در کرانه باختری علیه معامله قرن

هزاران تن از شهروندان فلسطینی در رام‌الله، واقع در کرانه باختری علیه طرح به اصطلاح صلح آمریکا موسوم به معامله قرن تظاهرات کردند. محمد اشتیه، نخست‌وزیر تشکیلات خودگردان فلسطین نیز در کنار حدود ۷۰۰۰ تظاهرکننده مشارکت داشت. تظاهرکنندگان پرچم فلسطین به طول ۲۰متر و همچنین پلاکاردهایی در حمایت محکومیت معامله قرن در دست داشتند.

هاآرتص: «آیپک» هر طور شده باید سندرز را متوقف کند

سرویس خارجی: روزنامه صهیونیستی هاآرتص روزنامه در گزارشی به بررسی سیاست شورای امور عمومی آمریکا و اسرائیل موسوم به (آیپک) علیه «برنی سندرز» نامزد پیشروی دموکرات‌ها برای انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ ایالات متحده پرداخت و اعلام کرد: آیپک باید هر طور که شده سندرز را متوقف کند. هاآرتص در گزارشی با بررسی سیاست بیطرفی آیپک در قبال دو حزب اصلی آمریکا نوشت: اکنون لابی اسرائیل باید به هر بهایی که شده سندرز نامزد پیشروی دموکرات‌ها را متوقف کند. در گزارش هاآرتص آمده است: پس از انتشار تبلیغ فیسبوکی توسط آیپک که در آن برخی از دموکرات‌ها را «افراطی» و «ضد یهودی» توصیف کرده بود، آیپک بابت منتشر شدن این تبلیغ عذرخواهی کرد. این نشریه نوشت: با وجود انتقادها از این اقدام، اما هم اکنون زمان آن است که به این موضوع اعتراف کنیم که در انتخابات ۲۰۲۰ سال جاری، آیپک وظیفه غیرممکن با مسیر ناممکنی برای موفقیت دارد. هاآرتص گفت: اولین چالشی که آیپک برای حفظ وجهه بی طرفی خود در فضای سیاسی آمریکا با آن مواجه است این بوده که دولت ترامپ هم به اسرائیل و هم به دوستان آمریکایی خود بیشتر یا کمتر از آن چیزی داده که هر دولت در کاخ سفید طی ۴۰ سال گذشته داده است.دراین گزارش آمده است: خروج ترامپ از توافق هسته‌ای با ایران، وی را همگام با مبارزه آیپک برای شکست دادن دستاورد سیاست خارجی دولت «باراک اوباما» رئیس جمهوری سابق آمریکا قرار داد. پس از اقدام ترامپ در به رسمیت شناختن بیت‌المقدس به عنوان پایتخت اسرائیل، حمایت از حق حاکمیت اسرائیل برجولان، درخواست از تشکیلات خودگردان فلسطین در متوقف کردن حمایت از خانواده مبارزان فلسطینی و هم اکنون حمایت از طرح صلحی که به شدت به نفع اسرائیل است، هیچ فضایی برای دموکرات‌ها باقی نگذاشته تا به رقابت با وی برای کسب عنوان دوست اسرائیل بپردازند.

هاآرتص افزود: از آن زمان، بخش عمده‌ای از دموکرات‌ها که مدت‌ها خود را حامی اسرائیل می‌دانستند، با این سیاست‌های ترامپ مخالفت کردند این در حالی است که آیپک از سیاست‌های ترامپ درباره ایران و روند صلح اعلام حمایت کرده و همین موضوع سبب شده تا مانع از آن شود که آیپک موضع سنتی خود در قبال دو حزب اصلی آمریکا را حفظ کند. براساس این گزارش، آیپک به طور گسترده‌ای حامی تلاش‌های میانه‌روهای دموکرات است تا مانع از آن شود که حزب آنها توسط چپ‌گراها که رویکرد دوستانه‌ای در قبال اسرائیل ندارند مصادره شود. هاآرتص نوشت: برای دموکرات‌های میانه‌رو طرفدار اسرائیل، مشکل با سندرز این نیست که وی بیشترین انتقادها را از اسرائیل در مقایسه با دیگر دموکرات‌ها دارد بلکه به این دلیل است که طرفداران چپگرا که طرفدار وی هستند رویکرد خصمانه‌ای نسبت به اسرائیل دارند. به گفته این نشریه، آیپک اکنون از فعالیت گروه «اغلب دموکرات‌ها برای اسرائیل» و تلاش‌هایش برای متوقف کردن سندرز حمایت می‌کند. همچنین در صورتی که برنی سندرز به عنوان نامزد نهایی دموکرات‌ها برای انتخابات ریاست جمهوری آمریکا معرفی شود، بسیار سخت خواهد بود تا آیپک همچنان به موضع بی طرف خود در قبال این دو حزب ادامه دهد.

در چنین شرایطی، سناتور «برنی سندرز» با کسب ۷۳ هزار و ۴۹۳ رأی و به دست آوردن ۷/۲۵ درصد آرا پیروز انتخابات درون حزبی دموکرات‌ها در ایالت «نیوهمپشایر» آمریکا شد. سندرزپس از پیروزی در این رقابت‌ها در میان حامیانش در نیوهمپشایر گفت: این پیروزی آغازی بر پایان دونالد ترامپ است.در این حال ترامپ هم که در انتخابات درون حزبی جمهوریخواهان در ایالت نیوهمپشایر با کسب ۸۳ درصد آرا در مقابل تنها رقیبش «ویلیام ولد» به پیروزی رسیده است،گفت: تمایل ندارم با برنی سندرز رقابت کنم زیرا سندرز هواداران واقعی در آمریکا دارد.

از طرفی رئیس جمهوری آمریکا پس از تبرئه شدن از استیضاح، اخراج شماری از کارمندان شورای امنیت ملی کشورش را تایید کرد.

از سویی فایننشیال تایمز در گزارشی با بیان این که ترامپ تهدیدی برای جهان است،گفت:جهان در معرض خطر انتخاب شدن مجدد «ترامپ» قرار دارد.

سندرز پیروز انتخابات درون حزبی دموکرات‌ها در ایالت نیوهمپشایر شد

ارتش سوریه: آماده پاسخ به حملات ترکیه هستیم

سرویس خارجی: فرماندهی کل ارتش سوریه به تهدید رئیس‌جمهوری ترکیه علیه نیروهای سوری واکنش نشان داد و در بیانیه‌ای تأکید کرد که نیروهای ارتش سوریه به حملات خود علیه تروریست‌ها در ادلب ادامه خواهند داد و حمایت ترکیه از تروریست‌ها به جایی نخواهد رسید.

در این بیانیه آمده است که حکومت ترکیه به تنش‌آفرینی و نقض تمامیت ارضی سوریه و نقض قوانین بین‌المللی ادامه می‌دهد و تلاش دارد مانع پیشروی ارتش سوریه و شکست تروریست‌ها در ادلب و حلب شود. فرماندهی ارتش سوریه همچنین اعلام کرد که دولت ترکیه نیروهای نظامی جدیدی را وارد منطقه کرده و به شکل گسترده مناطق مسکونی و نقاط حضور نظامیان سوریه را با توپخانه و موشک هدف قرار می‌دهد و این علاوه بر حمایت از تروریست‌ها برای اشغال اراضی سوریه است. در ادامه این بیانیه آمده است که دولت ترکیه از غیرنظامیان به عنوان سپر انسانی بهره می‌برد و دست به جنایت و تخریب هدفمند زیرساخت‌های سوریه می‌زند. ارتش سوریه در بخش دیگر بیانیه خود تأکید کرد که به حملاتش طبق قانون اساسی و وظیفه ملی خود علیه تروریست‌ها ادامه می دهد و آماده است به تجاوزات نیروهای اشغالگر ترکیه پاسخ دهد. همزمان وزارت خارجه سوریه نیز در پاسخ به تهدیدهای رئیس جمهور ترکیه تأکید کرد که پس از نابودی گروه‌های تروریستی، نقش دولت ترکیه به عنوان ابزاری در دست تروریسم بین‌المللی مشخص شده است. این درحالی است که رئیس جمهوری ترکیه با بیان اینکه تا پایان فوریه جاری، نیروهای اسد را از برج‌های دیدبانی ترکیه در ادلب دور خواهیم کرد، اظهار داشت: از امروز بدون توجه به مفاد روند «آستانه» و «سوچی»، نیروهای اسد را در هر نقطه‌ای هدف قرار خواهیم داد. رجب طیب اردوغان، طی سخنانی در نشست هفتگی حزب عدالت و توسعه در مجلس ترکیه اظهار داشت: در موضوع ادلب اقدامات لازم را فوراً انجام خواهیم داد و منتظر کسی نخواهیم بود و حتی اگر همه، چشم‌های خود را بر رویدادهای ادلب ببندند ترکیه هرگز نسب به آن بی‌تفاوت نخواهد بود. وی اظهار داشت: تا زمانی که سوریه در آرامش نباشد، ترکیه و هیچ کسی در آرامش نخواهد بود. رئیس جمهور ترکیه ادامه داد: در ازای هرگونه آسیبی که به نیروهای ترکیه وارد شود، بدون توجه به مفاد توافق سوچی، عناصر حکومت اسد را در تمامی نقاط هدف قرار می‌دهیم و از این پس هواپیماهایی که در ادلب محل سکونت غیرنظامیان را هدف قرار می‌دادند نخواهند توانست به راحتی چنین اقدامی انجام دهند. اردوغان گفت: با صراحت اعلام می‌کنم، هیچکس نمی‌تواند در جایی که خون سربازان ترکیه ریخته می‌شود در امان باشد و در این زمینه هر اقدام هوایی و زمینی که لازم باشد انجام خواهیم داد و بدون هیچ تردید و درنگی این کار را انجام می دهیم.همزمان وزیر دفاع ترکیه در مصاحبه‌ای اظهار داشت که کشورش هیچ یک از ۱۲پست دیدبانی خود در ادلب سوریه را خالی نخواهد کرد. خلوصی آکار هشدار داد که سربازان ارتش ترکیه دستور دارند هر گونه حمله‌ای از جانب نیروهای دولت سوریه به پستهای نظامی را با قدرت تلافی کنند. وی در مصاحبه با آسوشیتدپرس گفت، بالغ بر چهار پست دیدبانی و دو موضع نظامی این کشور هم اکنون در مناطق تحت کنترل حکومت سوریه واقع هستند.وزارت دفاع ترکیه هم مدعی شد که ۵۱ نقطه متعلق به نیروهای دولت سوریه را در استان ادلب هدف قرار داده است. در بیانیه وزارت دفاع ترکیه آمده که در این حملات، دو تانک و یک سکوی ضد هوایی و یک انبار مهمات تخریب شده و یک تانک نیز به تصرف در آمده است. وزارت دفاع ترکیه دو روز قبل نیز اعلام کرده بود که ۱۱۵هدف وابسته به نظام سوریه را هدف قرار داده است. وزارت دفاع ترکیه در بیانیه دو روز قبل خود اعلام کرد که هدف قرار دادن مواضع نظام سوریه همچنان ادامه دارد و این اقدام را در راستای «حق دفاع از خود» انجام می‌دهد. در بیانیه وزارت دفاع ترکیه آمده که در این حملات سه تانک و دو سکوی پرتاب خمپاره نابود شد و یک بالگرد نیز مورد هدف قرار گرفت و ۱۰۱ سرباز ارتش سوریه بی‌اثر شدند. (در ادبیات نظامی ارتش ترکیه، بی اثر شدن زمانی استفاده می‌شود که طرف مقابل، کشته یا دستگیر شده باشد.)در چنین شرایطی وزیر خارجه آمریکا در ادامه ضدیت غربی‌ها و حامیانشان با عملیات پاکسازی استان ادلب از تروریست‌ها، در یک پیام توئیتری، از مواضع ضد سوری ترکیه حمایت کرد.

موافقت اولیه ترامپ با انعقاد توافقنامه صلح با طالبان افغانستان

سرویس خارجی: مقامات آمریکایی از موافقت اولیه دونالد ترامپ رئیس جمهوری ایالات متحده با انعقاد توافقنامه صلح با طالبان افغانستان خبر دادند.یک مقام عالیرتبه آمریکا گفت: ترامپ موافقت اولیه‌اش را برای انعقاد توافقنامه با طالبان افغانستان در صورت توقف خشونت‌ها، اعلام کرد.

درهمین رابطه روزنامه نیویورک تایمز به نقل از مقامات آمریکایی نوشت: ترامپ به صورت مشروط با عقد توافقنامه صلح با طالبان موافقت کرده است و این توافقنامه در صورت پایبندی طالبان به کاهش خشونت احتمالا به خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان منتهی می شود.به گفته نیویورک تایمز، این توافقنامه تنها در صورتی امضا خواهد شد که طالبان طی یک دوره آزمایشی حدود هفت روزه در آخر این ماه(فوریه/بهمن) تعهد خود به کاهش خشونت را اثبات کند. اگر کاهش خشونت رعایت بشود، آنگاه انتظار می رود توافقنامه آمریکا و طالبان به مذاکرات بین الافغانی منتهی شود.

مشاور نخست وزیر پاکستان: ایستادگی آیت الله خامنه‌ای آرمان‌های امام خمینی را فراگیر کرد

سرویس خارجی:مشاور رسانه‌ای نخست‌وزیر پاکستان ضمن تبریک چهل و یکمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی ایران اعلام کرد: ایستادگی آیت الله خامنه‌ای آرمان‌های امام خمینی«ره» را فراگیر کرد.

«فردوس عاشق اعوان» اظهار داشت:سالروز پیروزی انقلاب اسلامی را به دولت ایران و به‌خصوص به آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب نیز تبریک می‌گویم که در راه آرمان‌های امام خمینی ایستادند و این نیاز به تلاش شبانه‌روزی و قربانیان فراوانی داشت و ایشان به دنیا این پیام را دادند «ایستادگی باعث فراگیر شدن آرمان‌های امام شده است» و پیام مردم ایران به دنیا بود که «ما همه حافظ و پاسبان آرمان‌های امام عالی‌مقام هستیم». وی گفت: دفاع جانانه مردم ایران نشان می‌دهد که همه از انقلاب دفاع می‌کنند و به همین دلیل است که مقابل بزرگترین قدرت‌های جهان ایستادند و سرخم نکردند. عاشق اعوان افزود: امروز مردم ایران نشان دادند که پای آرمان‌های امام خمینی ایستاده‌اند و به دنیا نیز این پیام را دادند که تحریم‌های خصمانه اقتصادی نمی‌تواند مقابل اراده و عظمت یک ملت ایستادگی کند و محکوم به شکست است. فردوس عاشق اعوان همچنین گفت: تمامی این‌ها از برکت رهبری در ایران است، آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب به سراسر جهان اثبات کردند که افکار و نظراتی که به‌عنوان رهبر انقلاب دارند بزرگ و بلندمرتبه است. ایشان وقتی سخنی می‌گویند و از اعتقادات خویش دفاع می‌کنند هیچ قدرتی در جهان نمی‌تواند ایشان را شکست دهد.

«داود اوغلو» رقیب اردوغان در انتخابات ۲۰۲۳ ریاست جمهوری ترکیه شد

سرویس خارجی: «احمد داود اوغلو» وزیر امورخارجه ونخست وزیر پیشین ترکیه،در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۳ این کشور با رجب طیب اردوغان رئیس جمهور فعلی کشورش رقابت می کند.

درهمین رابطه «مصطفی ندیم یمالی» معاون رئیس حزب آینده ترکیه گفت: داود اوغلو در انتخابات ریاست جمهوری آینده نامزد می‌شود.وی افزود: حزب آینده انتظار دارد شهروندان ترکیه در سال ۲۰۲۳ رئیس جمهوری جدید را انتخاب کنند. گفتنی است که داود اوغلو که از سال ۲۰۰۹ الی ۲۰۱۴ وزیر خارجه و برای دو سال پس از آن نیز نخست‌وزیر ترکیه بود، از همپیمانان اصلی رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه و رئیس حزب حاکم این کشور و به نوعی تئوریسین سیاست خارجی ترکیه محسوب می‌شد و شهریورماه گذشته از عضویت حزب عدالت و توسعه استعفا داد و به ریاست حزب تازه تاسیس آینده انتخاب شد.این در حالی است که نتایج نظرسنجی شرکت متروپل نشان می‌دهد که میزان محبوبیت رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه به میزان حدود دو درصد نسبت به دسامبر ۲۰۱۹ کاهش یافته و از ۴۳,۷ درصد به ۴۱,۹ در ژانویه ۲۰۲۰ رسیده است.

«فالح الفیاض»: الحشد الشعبی را همانطور که شهید سلیمانی می‌خواست، ارتقا می‌دهیم

سرویس خارجی:«فالح الفیاض»، رئیس الحشدالشعبی عراق در سخنانی اعلام کرد: این سازمان را همانطور که شهید«قاسم سلیمانی» و«ابو مهدی المهندس»، می‌خواستند، بازسازی و ارتقا می دهیم. رئیس سازمان الحشد الشعبی در سخنانی از ضرورت بازسازی این نیروی داوطلب مردمی عراق بعد از شهادت سپهبد «قاسم سلیمانی» و «ابومهدی‌المهندس» خبر داد و در سخنانی گفت: این سازمان را بر اساس خواسته‌های شهدای مقاومت، شهید سپهبد «سلیمانی» و «ابومهدی المهندس» ارتقا می دهیم. «الفیاض» در آیین چهلم شهادت شهدای مقاومت که در بغداد برگزار شد، گفت : پس از شهادت سرداران پیروزی، حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس، ضرورت ایجاب می کند که در تشکیلات الحشد الشعبی بازنگری شود. مشاور امنیت ملی عراق تاکید کرد: باید الحشدالشعبی آن گونه که این دو سردار شهید و مرجعیت عالی دینی می‌خواستند در زمینه دفاع از عراق و مأموریتی که دارد، ارتقا یابد. وی خاطر نشان ساخت که هیچ نگرانی از آینده این سازمان مردمی وجود ندارد. وی اضافه کرد: الحشدالشعبی ساخت و خواست مرجعیت عالی دینی عراق و انعکاس دهنده وجدان ملت عراق با همه اقوام و طوایف این کشور است و عراق بدون الحشد الشعبی، نه امنیت، نه آینده و نه اعتبار دارد. الفیاض از سپهبد سلیمانی در این آیین به نیکی یاد کرد و گفت: ایشان در زمان حیات خود راضی نبودند کسی درباره او چیزی بگوید اما اینک که در میان ما نیست دوستان و نزدیکان او باید از خصلت‌های نیک و منحصر به فرد این بزرگمرد سخن بگویند و کتاب بنویسند. الفیاض تاکید کرد که باید درباره اخلاق، منش، ارزش‌ها، سخاوت، جوانمردی و شجاعت این مرد بزرگ کتاب‌ها نوشته شود.

رئیس سازمان الحشد الشعبی عراق گفت : فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران آرزو داشت در سرزمین مقدسات به شهادت برسد.او از ابومهدی المهندس نیز به عنوان یک مرد با اخلاق یاد کرد و گفت که او با شیوه پدرانه با همه رفتار می کرد. در این حال، خانواده شهید «ابومهدی المهندس» در بیانیه ای اعلام کرد : انتقام سخت از آمریکا در به شهادت رساندن سپهبد قاسم سلیمانی، المهندس و همرزمان آنها ، با پایان دادن به حضور واشنگتن در منطقه محقق خواهد شد.«منار جمال جعفر»، دختر شهید «ابومهدی المهندس»، معاون رئیس سازمان الحشد الشعبی عراق نیز طی سخنانی اعلام کرد: از آنجایی که پدرم آمریکا را به ستوه آورده بود، این کشور دست به ترور وی زد.در چنین شرایطی، «مارک اسپر» وزیر دفاع آمریکا تاکید کرد: در عراق دنبال تقویت نقش نیروهای «ناتو» و اطمینان از توانایی‌هایمان در رویارویی با چالش‌های موجود هستیم. همزمان، برخی مقامات و دیپلمات‌های ارشد اعلام کردند که « ناتو» در نظر دارد تا در راستای ایفای مسئولیت در ائتلاف ضد داعش به رهبری آمریکا، فعالیت‌های آموزشی نظامی خود را در عراق تقویت کند. در این حال، پایگاه خبری «دویچه وله» گزارش داد که وزرای دفاع «ناتو» در حال بررسی طرحی هستند که براساس آن در راستای مأموریت آموزشی این سازمان، بیش از ۲۰۰ نظامی جدید به عراق اعزام کنند.در تحولات سیاسی و ناآرامی‌های ضد دولتی نیز، رهبر جریان صدر عراق ضمن انحلال نیروهای تحت امر خود موسوم به «کلاه آبی‌ها»، نخست‌وزیر جدید را به عدم حمایت تهدید کرد.«مقتدا صدر» طی بیانیه‌ای کوتاه در حساب توییتری خود، از این اقدام خود خبر داد و نوشت : «انقلاب» در عراق به صورت تدریجی، به رغم برخی کارشکنی‌ها از سوی برخی خرابکاران و حامیان خشونت، به مسیر اول خود در حال بازگشت است، از این رو همزمان با این تحول، کلاه آبی‌ها را منحل می کنم.

الجزیره: رئیس جمهوری مصر «مرسی» را کُشته است

سرویس خارجی:شبکه الجزیره در مستندی اعلام کرد: «عبدالفتاح السیسی»، رئیس جمهوری مصر با قتل خاموش و تدریجی زندانیان در زندان‌های این کشور ، مخالفانش از جمله «محمد مرسی» را از میان برداشت. تحقیقات ویژه‌ای که شبکه تلویزیونی الجزیره می‌گوید انجام داده، به آمار نگران‌کننده‌ای در خصوص شمار زندانیان سیاسی در مصر رسیده است که به دلیل اهمال پزشکی عمدی و شرایط بازداشت غیرانسانی، از زمان کودتای نظامی «عبد الفتاح السیسی» علیه «محمد مرسی» رئیس جمهوری مصر جان باختند.در این مستند آمده که «عبدالفتاح السیسی» مخالفان خود را در زندان با «مرگ تدریجی» می‌کُشد. گفته شده، زندانیان زندان‌های السیسی درباره شرایط ناسالم یا غیرانسانی که در آن زندگی می‌کنند، شهادت داده‌اند. به گفته آنها دهها زندانی در سلول‌هایی تنگ و باریک انداخته می‌شوند که به سختی گنجایش پنج یا شش نفر را دارد.

کابینه جدید لبنان رای اعتماد گرفت

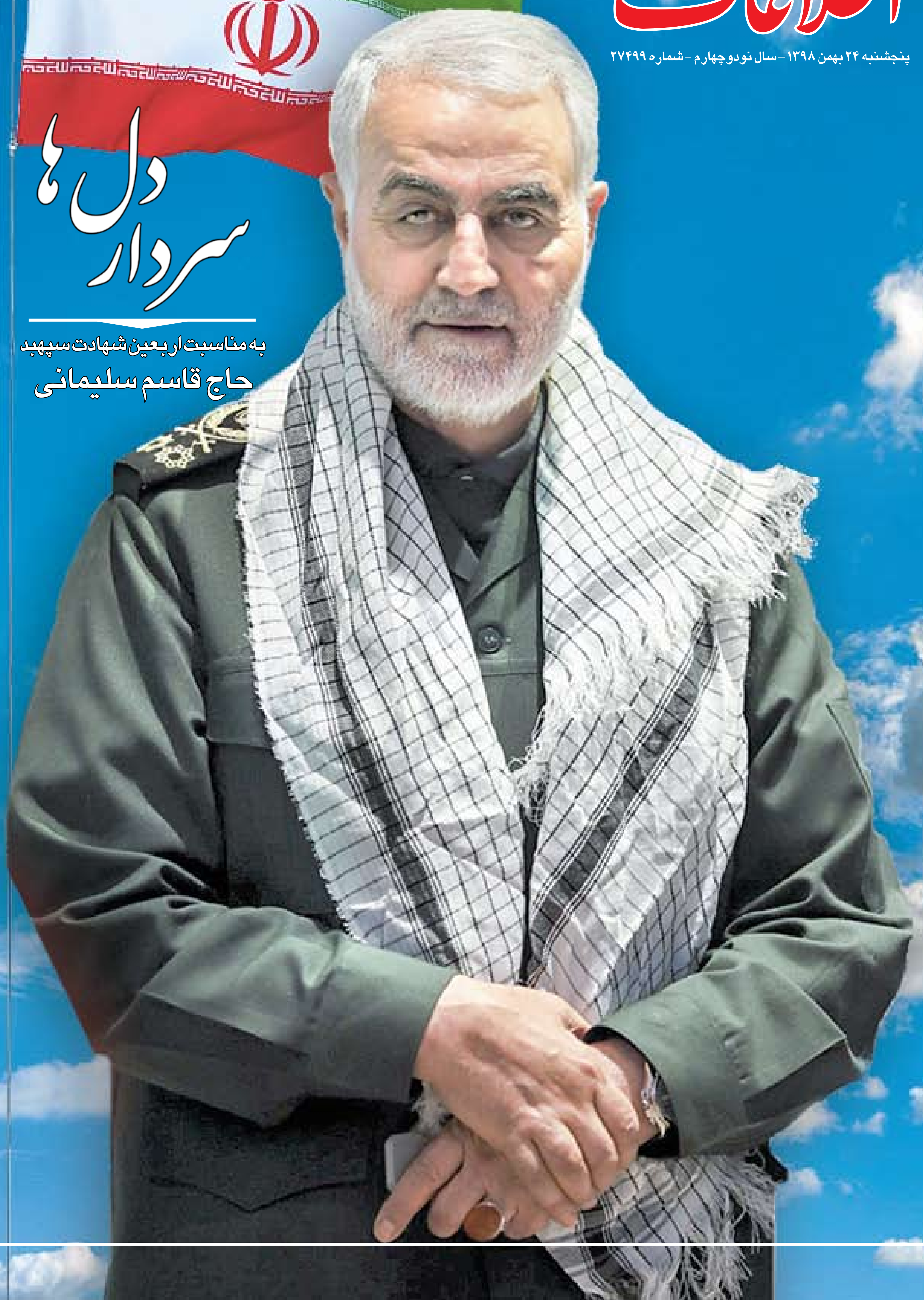
سرویس خارجی: کابینه جدید لبنان به ریاست «حسان دیاب» موفق شد رای اعتماد ۶۳ نماینده از ۸۴ نماینده حاضر در مجلس ملی این کشور را به دست آورد.

به گزارش خبرگزاری ملی لبنان، در جلسه مجلس که به ریاست نبیه بری برگزار شد ۲۰ نماینده رای منفی و یک نماینده رای ممتنع دادند و با این آرا دولت جدید رسمیت پیدا کرد. بر پایه این گزارش، فراکسیون «لبنان قوی» وابسته به جریان آزاد ملی به رهبری «جبران باسیل» وزیر پیشین امور خارجه و هوادارانش در مجلس با ۱۹ نماینده و فراکسیون «پیشرفت و آزادی» وابسته به جنبش شیعی اَمَل به رهبری «نبیه بری» رییس مجلس با ۱۷ نماینده به دولت رای مثبت دادند. همچنین فراکسیون «وفاداری به مقاومت» وابسته به جنبش شیعی حزب الله با ۱۲ نماینده، فراکسیون «گردهمایی ملی» وابسته به «سلیمان فرنجیه» رهبر حزب مسیحی «المرده» با پنج نماینده، فراکسیون «گردهمایی برای مشورت» وابسته به اهل تسنن شمال لبنان به ریاست «عبدالرحیم مراد» با چهار نماینده ، فراکسیون «قومی اجتماعی» وابسته به جریان ملی گرای عرب سوری قومی – اجتماعی با سه نماینده و فراکسیون «ضمانه الجبل» متعلق به جریان دروزی به رهبری «طلال ارسلان» با سه نماینده رای اعتماد دادند.

اما فراکسیون «المستقبل» وابسته به جریان المستقبل به رهبری سعد حریری، فراکسیون «جمهوری قوی» وابسته به «نیروهای لبنانی» به رهبری سمیر جعجع، فراکسیون «گردهمایی دموکراتیک» وابسته به حزب دُروزی «سوسیالیست ترقی خواه» به رهبری «ولید جنبلاط»، فراکسیون حزب «الکتائب» به رهبری «سامی الجمیل»، فراکسیون جریان سُنی «اراده» وابسته به نجیب میقاتی نخست وزیر پیشین و شماری از نمایندگان مستقل، رای ممتنع و رای منفی دادند. نمایندگان پس از بررسی مفاد و محتوای بیانیه رسمی دولت (نقشه راه) که هیات وزیران و رییس جمهوری لبنان پنجشنبه گذشته آن را تصویب کردند به دولت رای اعتماد دادند. مجلس فعلی لبنان با ۱۲۸ نماینده (۶۴ مسلمان و ۶۴ مسیحی) حدود دو سال پیش تشکیل شد و دوسوم کرسی هایش از آن نیروهای «۸ مارس» (هوادار مقاومت) و یک سوم آن در اختیار نیروهای «۱۴ مارس» (مخالف مقاومت و نزدیک به عربستان) است. پس از ترور «رفیق حریری» نخست وزیر فقید لبنان در ۲۶ بهمن ۱۳۸۳ و متهم شدن نیروهای امنیتی دولت پیشین سوریه به دست داشتن در این ترور، رهبران، احزاب و گروه های سیاسی لبنان به دو دسته طرفداران سوریه و ایران (نیروهای ۸ مارس) و مخالفان این دو کشور (نیروهای ۱۴ مارس) تقسیم شدند. نظام سیاسی لبنان، پارلمانی است و پس از انتخابات مجلس، نمایندگان باید رییس آن را از میان شیعیان، نخست وزیر را از میان اهل سنت، رییس جمهوری را از میان مسیحیان مارونی و اعضای کابینه را به شکل مساوی از میان مسیحیان و مسلمانان برای یک دوره چهارساله برگزینند. اما رای اعتماد به دولت جدید در حالی بود که معترضان لبنانی در راستای ممانعت از ورود نمایندگان این کشور به ساختمان پارلمان و تشکیل جلسه رای اعتماد، با نیروهای امنیتی درگیر شدند. نیروهای امنیتی لبنان برای متفرق کردن تظاهرکنندگان به استفاده از گاز اشک آور و آب پرفشار متوسل شدند، این در پی آن بود که معترضان با سنگ زدن به نمایندگان و مسئولان دولتی قصد داشتند مانع از ورود آنها به پارلمان شوند. نیروهای امنیتی هم مسیرهای منتهی به ساختمان پارلمان را بستند و آنجا را تبدیل به پادگان کردند. معترضان نیز از موانع بتنی به سمت مواضع نیروهای امنیتی سنگ پرتاب می‌کردند.

اطلاعات

پنجشنبه ۲۴ بهمن ۱۳۹۸ - سال نود و چهارم - شماره ۲۷۴۹۹



سردار دل‌ها

به مناسبت اربعین شهادت سپهبد

حاج قاسم سلیمانی



مروری بر زندگی شهید سپهبد قاسم سلیمانی

شهید قاسم سلیمانی در اسفند ۱۳۳۵در شهرستان رابُر کرمان چشم به جهان گشود. دوران کودکی و نوجوانی خود را در کنار پدر به کار بنایی گذراند و در سالهای جوانی در سازمان آب کرمان، پیمانکار یکی از بخش‌های آن شد. او پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل سپاه پاسداران به این نهاد پیوست .

با شروع جنگ تحمیلی شهید قاسم سلیمانی چندین گردان از سپاهیان کرمان را آموزش داد و به جبهه‌های جنوب اعزام کرد. کمی بعد، خود در صدر یک گروهان به سوسنگرد اعزام شد تا از پیشروی نیروهای بعثی در جبهه مالکیه جلوگیری کند. او در سال ۱۳۶۰با حکم محسن رضایی فرمانده وقت سپاه پاسداران، به عنوان فرمانده لشکر ۴۱ثارالله منصوب شد؛ یکی از لشکرهای پیاده‌نظام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که نیروهای آن از استان کرمان تأمین می‌شدند و در عملیات های نصر ۴، کربلای ۱، کربلای ۴، کربلای ۵، بدر، خیبر، والفجر ۱، والفجر ۳و والفجر ۴، رمضان، بیت‌المقدس و بیت‌المقدس ۷، فتح‌المبین و طریق‌القدس حضور داشتند. با پایان یافتن جنگ، لشکر ۴۱ثارالله به فرماندهی سردار سلیمانی به کرمان بازگشت و درگیر جنگ با اشراری شد که از مرزهای شرقی کشور هدایت می‌شدند.

فرماندهی سپاه قدس

سردار قاسم سلیمانی در سال ۱۳۷۹از سوی رهبر معظم انقلاب، به فرماندهی سپاه قدس منصوب شد. سپاه قدس پاسداران با هدف افزایش فعالیت برون‌مرزی ایران شکل گرفت و سپهبد سلیمانی پس از سردار احمد وحیدی، دومین فرمانده سپاه قدس ایران شد.

بعد از ظهور داعش در عراق و سوریه، سپهبد قاسم سلیمانی به عنوان فرمانده سپاه قدس با حضور در این مناطق و سازماندهی نیروهای مردمی، به مبارزه با این گروه پرداخت.او و یارانش که «مدافعان حرم» نام گرفتند در بیشتر عملیات‌ها حضور داشتند و از مقام حرم و مردم بی گناه سوریه به دفاع همه جانبه پرداختند.

حاج قاسم سلیمانی ۳۰شهریور ۹۶، در مراسم اربعین شهادت مدافع حرم شهید مرتضی حسین‌پور، گفته بود: «من در پیامی که برای شهادت شهید حججی دادم، گفتم ما انتقام خواهیم گرفت؛ ما باید به وعده خودمان صادق باشیم. انتقام ما این است که کمتر از ۳ماه دیگر، اعلام پایان حکومت داعش در این کره خاکی خواهد بود. سعی می‌کنیم این ۳ماه را به ۲ماه تبدیل کنیم و عمر این شجره خبیثه و این غده سرطانی خطرناک ساخته شده به دست آمریکا و اسرائیل را به پایان برسانیم و جشن آن را در ایران و در بین همه منطقه اعلام کنیم.»

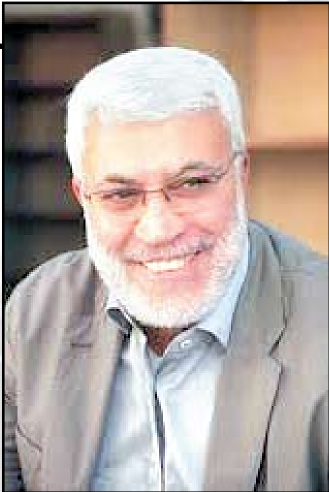
فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران، یک روز قبل از موعد مقرر به وعده خود عمل کرد و روز ۲۹آبان ۹۶پایان حکومت داعش را اعلام کرد.

پس از تکرار بسیار نام «قاسم سلیمانی» در رسانه‌های جهان، خبرگزاری فرانسه خبری را منتشر کرد که از احتمال ترور او به وسیله دولت آمریکا پرده بر می‌داشت. بر اساس این خبر جک کین، فرمانده سابق نیروی زمینی ارتش آمریکا که در نشست استماع کنگره آمریکا حضور داشت با اشاره به طرح ترور مقامات ایرانی به ویژه مقامات ارشد سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران، گفت: «چرا آنها را به قتل نرسانیم؟ آنها قریب به هزار آمریکایی را کشته‌اند، چرا ما عامدانه آنها را ترور نکنیم؟ نمی‌گویم که اقدام نظامی انجام دهیم. من پیشنهاد می‌دهم عملیات محرمانه انجام دهیم. باید فشارهای شدیدی روی آنها اعمال کنیم.»

شهادت؛ پاداش سال‌ها مجاهدت

سه روز پیش از شهادت سردار سلیمانی و در پی حمله‌هایی که به سفارت آمریکا در بغداد انجام شد، ترامپ گفته بود که ایران بابت این رویداد بهایی سنگین خواهد پرداخت و تأکید کرده بود که این موضوع «هشدار نیست، تهدید است .»

سرانجام دشمنان که رشادت سردار سلیمانی را تاب نیاوردند در بامداد جمعه ۱۳دی ۱۳۹۸با حمله موشکی پهپادهای آمریکایی به ۲خودرو حامل سردار قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس –معاون بسیج مردمی عراق (الحشد الشعبی)– و تنی چند از اعضای الحشد الشعبی در اطراف فرودگاه بغداد، آنان را به شهادت رساندند. سردار سلیمانی در پاسخ به تهدید ترور از طرف مقامات آمریکایی همواره می‌گفت: «ترور تهدیدی برای من نیست، کمک به یک شوق قدیمی است. در پاسخ به افرادی که فکر می‌کنند با تهدیدها رعب بر ما حاکم می‌شود، می‌گویم خداوندا! شهادت در راه خودت را به دست دشمنان دینت، نصیب من بگردان .»



مروری بر زندگی شهید ابومهدی المهندس

ابومهدی المهندس از جمله فرماندهان و سیاستمداران شجاع و مبارز عراقی به شمار می‌آمد که در کنار حاج قاسم سلیمانی توانستند با سرنگونی داعش، امنیت و آرامش در منطقه خاورمیانه برقرار سازند و سرانجام به همراه یکدیگر به مقام والای شهادت نایل آمدند .

او پس از فتوای آیت الله العظمی سیستانی مبنی بر لزوم مبارزه مردمی با داعش، با سازماندهی مردم فرمانده نیروهای حشد شعبی (گروه مبارزه مردمی علیه داعش) شد. در آن زمان آمریکا شهید ابومهدی المهندس را در فهرست تروریستی خود گنجانده بود.

ابومهدی که بود؟

جمال جعفر ابراهیم ملقب به ابومهدی المهندس، متولد ۱۹۵۴ میلادی در بصره از پدری عراقی و مادری ایرانی بود که تحصیلات خود را در رشته مهندسی در ۱۹۷۷ میلادی به پایان رساند و پس از سپری کردن دوران خدمت سربازی وارد مؤسسه عمومی آهن و فولاد بصره شد و به عنوان مهندس عمران به کار اشتغال یافت و سپس در رشته کارشناسی ارشد علوم سیاسی فارغ التحصیل شد.

او در اوایل دهه هفتاد میلادی به حزب دعوت اسلامی پیوست و مقدمه های فقه حوزه را در دفتر آیت الله سید محسن الحکیم در بصره فرا گرفت. حزب دعوت اسلامی، سازمان سیاسی اسلام‌گرای شیعه در عراق است که در ۱۹۵۷ میلادی به وسیله سیدمرتضی عسکری و شاگردان و پیروان محمدباقر صدر تأسیس شد. این حزب ابتدا در قامت یک جنبش مذهبی به وجود آمد که به ترویج ارزش‌های اسلامی و مقابله با سکولاریسم می‌پرداخت.

در دهه ۱۹۷۰ میلادی با افزایش نفوذ این حزب در میان جوانان و شخصیت‌های مذهبی و سرکوب آن از طرف رژیم حزب بعث، الدعوه به جریانی انقلابی تبدیل شد که به مقاومت در برابر حکومت می‌پرداخت. دشمنی حزب الدعوه و دولت صدام پس از قتل محمدباقر صدر رهبر معنوی این جنبش در ۱۹۸۰ میلادی به اوج خود رسید.با به قدرت رسیدن صدام حسین در عراق در ۱۶ ژوییه ۱۹۷۹ ، روند سرکوب حزب شدت گرفت.

رژیم صدام، اعضای حزب را دستگیر و صدها تن از آنان را پس از محاکمه‌های فرمایشی اعدام کرد. در این هنگام ابومهدی المهندس مجبور شد در ۱۹۸۰ میلادی عراق را ترک کند و از کویت وارد ایران شد .او در ۱۹۸۵ میلادی در حالی که در ایران بود، عضو شورای مجلس اعلای اسلامی شد.

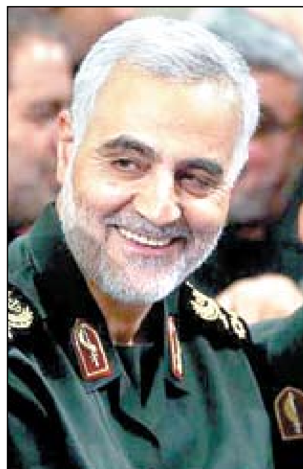
شهید ابومهدی المهندس با فروپاشی رژیم بعث، بار دیگر در عراق وارد کار سیاسی شد، جایی که در تشکیل اتحاد ملی موحد هم نقش مهمی ایفا کرد. وی از پایه‌گذاران فراکسیون ائتلاف وطنی عراق و سپس ائتلاف وطنی کنونی است . پس از تشکیل الحشد الشعبی، المهندس به عنوان جانشین فرمانده انتخاب شد و دائم در همه جبهه های نبرد شرکت می کرد. بسیج مردمی عراق یا حشدِ الشعبی به نیروهای مردمی عراق گفته می‌شود که در کنار ارتش این کشور قرار دارند و با هدفَ مبارزه علیه داعش سازماندهی شده‌اند.

این نیرو از حدود ۴۰ گروه مختلف تشکیل شده است که بیشتر گروه‌های شیعه هستند ،اما گروه‌های سنی، مسیحی و ایزدی هم در آن حضور دارند. بسیاری از این گروه‌های شیعه به‌طور مستقل در عراق و به ویژه علیه نیروهای ائتلاف فعالیت داشته‌اند. در ۲۶ نوامبر ۲۰۱۶ با اکثریت آرای مجلس عراق به عنوان یک سپاه جدا از ارتش رسمیت پیدا کرد.

حیدر عبادی، فرمانده کل بسیج مردمی است و ابومهدی المهندس معاون بسیج مردمی عراق و فرمانده میدانی این نیرو بود . او که پیشتر در زمان حضور نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا، علیه این نیروها فعالیت نظامی داشت به وسیله آمریکا در فهرست تروریست‌های خطرناک جهان قرار داده شد. ابومهدی پس از آن به اتهام عملیات نظامی علیه نیروهای آمریکایی از منصب خود در پارلمان انصراف داد.

شهید ابومهدی المهندس در برنامه ریزی و اجرای عملیات نابودی گروه تروریستی داعش در عراق نقش برجسته ای داشت و تلاش‌های او به همراه شهید سردار سلیمانی در کنار ولایتمداری مدافعان حرم، رمز پیروزی بر داعش عنوان می‌شود. سرانجام در حمله موشکی بالگردهای آمریکایی به ۲ خودرو در اطراف فرودگاه بغداد، سردار قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس و ابومهدی المهندس معاون حشدالشعبی و چند تن از اعضای حشدالشعبی در این حمله هدف قرار گرفتند و به شهادت رسیدند. پنتاگون در اطلاعیه‌ای مسؤولیت این ترور را بر عهده گرفت و تأیید کرد این ترور را به دستور دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا انجام داده است.

بسم الله الرحمن الرحیم





روزنامه اطلاعات
صاحب امتیاز:
مؤسسه اطلاعات
مدیر مسئول:
سیدمحمود دعایی
دبیر ویژه‌نامه:
سیدمصطفی کاظمی
دبیر اجرایی:
امیر طوسی نژاد
با همکاری:
آرزو رستم زاد
محمد داودبیگی
علیرضا بردبار ـ زهره گردان
شیما فتح نجات
زهره رنگ‌آمیز
و امیر طوسی‌نژاد
ویراستار:
وجیهه تیموری
عکس‌ها:
علی آذرنیا ـ احسان کاظم‌لو
محمد نجفی
صفحه‌آرا:
علیرضا کیماسی
سرپرست حروفچینی:
وحید ارزبین
سرپرست تصحیح:
محمدرضا بختیاری
عکس روی جلد:
محمدعلی محمدیان (فارس)
با سپاس ویژه از:
مهندس علیرضا رزم حسینی
استاندار محترم خراسان رضوی
مهدی زین الدینی
مدیرکل حوزه استانداری خراسان رضوی

سخن نخست

راز محبوبیت سردار

سید مصطفی کاظمی

نوشتن درباره مردی که آوازه شجاعت و وطن‌پرستی‌اش جهان را در نوردیده بسیار سخت است. چه کلمات و گفتار توانایی ادای حق واقعی این مرد اسطوره‌ای را ندارد. سردار سلیمانی، هم نزد مردمش بسیار عزیز بود و هم نزد دشمنانش محترم. او کاری کرد که دشمنانش زبان به تحسین شجاعت، هوش و درایتش چه در زمان دفاع مقدس و چه اکنون در مورد بحران‌های منطقه‌ای بگشایند.

در زمان جنگ در خطوط نبرد بهترین طرح‌های حمله را تدوین و طراحی می‌کرد و خود پیشرو در اجرا بود. او فرماندهی بود که خستگی نمی‌شناخت و با هوش بالای خود قویترین لشکر رزمی را که جزو خط شکنان در عملیات‌های دفاع مقدس بود، مدیریت و فرماندهی کرد. بزرگترین عامل موفقیت لشکر ۴۱ ثارالله کرمان در ۸ سال دفاع مقدس به فرماندهی شهید سلیمانی این بود که در زمان عملیات به همرزمانش می‌گفت «بیایید» نه این که بگوید«بروید». دفتر فرماندهی او خط اول نبرد بود. همواره حائل بین نیروهای خودی و دشمن بودو برایش جان نیروهایش بسیار گران و عزیز . برای همین همه طراحی‌های عملیات از شناسایی میدان نبرد و هدایت نیروها را با حساسیت بالا خود به عهده می‌گرفت و پس از بررسی کامل اطلاعات صحنه جنگ و موقعیت دشمن نیروهایش را روانه کارزار می‌کرد. روایت‌های بسیاری از همرزمان او می‌خوانیم که این زاهد شب و شیر روز در طول ۸ سال نبرد چه کرد و وقتی نیروهایش وارد منطقه‌ای می‌شدند نیروهای صدام چه وحشتی بر دلشان حاکم می‌شد. این بی‌باکی و شجاعت در کنار انس و الفتی که با یاران و همرزمان خود داشت، همواره در دل رزمندگان آرامش و اطمینان و در دل متجاوزان عراقی ترس و اضطراب ایجاد می‌کرد.

سردار در سال‌های پس از جنگ هم لباس نبرد از تن بیرون نبرد. به گفته همسر گرامی‌اش از ۳۶۵ روز سال، ۶۰ روز در کنار خانواده دیده می‌شد؛ اگرچه عشق ایشان به خانواده و برادران و خواهران به ویژه مادر و پدر زبانزد خاص و عام است و در این باره روایت‌های شنیدنی بسیار. از بزرگترین ویژگی سردار مردمی بودن وی بود. او در طول این سال‌ها بزرگترین سعادت زندگی‌اش را خدمت به خانواده‌های محروم، جانباز و شهید می‌دانست. چه کسی باور دارد که مردی با این مرتبه نظامی و با این مقام و موقعیت سیاسی و اجتماعی نذر کند هر سال به منزل جانبازی برود و خود او را حمام ببرد و بشوید و برایش غذا بپزد؟ یا در هر سفر به کرمان بی‌تکلف و بی‌مراقبت معمول نزد خانواده‌های شهدا برود و کارهای ساده منزل مادر و پدر و شهیدان را انجام دهد؛ به پای مادر شهیدی بیفتد و کفش او را ببوسد. چه کسی مانند اوست که وقتی برای عامل ترورش حکم محارب زدند دخالت کند وخواستارعفوش شود؟

از دیگر ویژگی‌های بی‌نظیر سردار، اعتدال و میانه‌روی در رفتار بود. در عرصه سیاسی و اجتماعی بسیار میانه‌رفتار می کرد؛ لذا هیچ جناح سیاسی در کشور نمی‌تواند او را از خود نداند یا برای خود مصادره کند.هرگاه در امور سیاسی زبان می گشود دلسوزانه و مشفقانه نظر می‌داد. کسی را یارای مخالفت با او نبود، چون نه عافیت‌طلب بود و نه سودای قدرت داشت. درست در معرکه و میدان عمل ایستاده بود. او مردی به غایت مردمی بود. وقتی ازجنگ فارغ شد برای تامین شرق کشور ازوجود اشرار اگرچه دست به قبضه برد لیکن در نهایت با درایت واستدلال وبه واسه شهرت ومحبوبیتی که داشت به روش منطقی این فتنه راهم پایان داد وآرامش به این مناطق برگشت.در مسائل اجتماعی نگاهی توأم با سمحه وسهله داشت داشت. قدرت جاذبه او بیشتر از قوه دافعه‌اش بود. نگاهش نسبت به نسل جوان جامعه مهربانانه و پدرانه بود . کسی را نصیحت نکردبلکه سعی داشت باهمکلامی وشنیدن نقطه نظرات طرف مقابل به تنیجه برسد . بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی را محصول عملکرد مسؤولان می‌دانست. شاید در مواردی خود را هم در این باره مقصر می‌شناخت، اویی که هرگز میدان رزم و پیکار دشمنان این مرز و بوم را ترک نکرده بود! تصور کنید مردی با این همه سجایای انسانی و اخلاقی و با آن سابقه و عملکرد درخشان در سال‌های جنگ با عراق و پدیده شوم داعش و گروه‌های تروریستی در منطقه وقتی به دیدار خانواده شهیدی از مدافعان حرم می‌رود در پاسخ به درخواست دختر شهید برای اهدای انگشترش به او قسم می‌دهد که در کنار ضریح آقا امام رضا(ع) شهادتش را طلب کند. شهادت‌طلبی این مرد خدا رازی است که جز خود و خدایش کسی از آن خبر ندارد. کمتر کسی هست که نداند سردار برای وصال معشوقش چه تضرع‌هایی نکرد، چه راز و نیازهایی نداشت، چه التماس‌هایی به خانواده‌های شهیدان نکرد و چه جهدی برای در آغوش کشیدن شاهد شهادت نداشت. در کلمه کلمه از سخنان او در جمع دوستان و یاران و خانواده‌های شهیدان و جانبازان، ردی از عشق به رسیدن به دوستان شهیدش هویدا بود. همیشه از یوسف الهی، کاظمی، همت و...باحسرت وآه سخن می‌گفت. گویی اگر به دیدارشان نرود از فوزی عظیم محروم خواهدشد . شاید ساده‌انگارانه یا منفعت‌طلبانه باشد بگوییم خداوند سردار را برای ملت زنده نگه داشت که بزرگترین خطر یعنی داعش را از سر مردم ماومنطقه کم کند و با آرامش خاطر به سوی معبودش برود. کسی چه می‌داند شاید این‌گونه باشد، ولی با کاری که سردار کرد، حقیقتاً بسیاری از کشورهای جهان از شر وجودی جرثومه خبیث یعنی داعش راحت شدند و عجیب است که دنیای غرب که از این پدیده وحشی، خونریز و خطرناک زخم‌های عمیق خورده بود وجهان درآن مقطع دررعب سنگین ازسبوعیت این فرزند ناخلف زر وزور وتزویر فرورفته بود ،در مقابل اقدام غیرانسانی آمریکا سکوت اختیار کرد و حاضر به محکومیت عمل ننگین ترور شهید سلیمانی نشد. اگرسردارسلیمانی نبود تا آن شجره خبیثه را نابود کند امروز اروپا و آمریکا و آسیا در آرامش بودند؟ از مشکلات جهانی بشریت در عصر حاضر، دوگانگی در معیار و سنجه غرب در برخورد با پدیده‌های سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی و.. است. غرب به ویژه آمریکا در موضوع حقوق بشر و تروریسم دوگانه عمل می کند و به طور کلی درباره حاکمیت کشورها نگاه تبعیض‌آمیز دارد. حقوق بشر حاکمیت‌ها و مسأله تروریسم از نظر غرب ماهیتی خوب و بد دارد. با این رویکرد، نهادهای بین‌المللی در خدمت اهداف غرب و وسیله‌ای برای تهاجم به ارزشهای کشورهای مستقل است. در این پیوند، غرب با استفاده از موقعیت برتر نسبت به کشورهای دیگر آنها را در این راه یا همداستان یا وادار به سکوت می‌کند. در چنین شرایطی است که وقتی سردار سلیمانی در عراق به عنوان میهمان عالی‌رتبه، ناجوانمردانه ترور می‌شود، همپیمانان آمریکا چاره‌ای جز سکوت نمی‌یابند، در حالی که این یک عمل صد در صد تروریستی علیه میهمان عالی‌رتبه دولت بغداد از یک سو و نقض حاکمیت این کشور و زیر سؤال رفتن استقلال سیاسی آن به شمار می‌آید.

کلام آخر این‌که سردار سلیمانی بی‌تردید یکی از شخصیت‌هایی مبرز تاریخ این مرزو بوم است که نسبت به این آب تعصب بی‌حد و مرزی داشت و آوازه شجاعت‌ها و قهرمانی‌هایش موجب رشک دشمنانش شده بود تا جایی که اوباما رئیس‌جمهوری سابق آمریکا از ایشان به عنوان دشمن محترم یاد می‌کرد، از آن رو که به اعتقاد او، سردار حتی اگر با دشمن خود توافق می‌کرد، به آن پایبند بود. سردار سلیمانی میهن‌پرستی بود که بی‌مکر و نیرنگ با دشمن این آب و خاک مقابله می‌کرد و بی‌چشمداشت همه داشته‌هایش را در راه حفظ میهن در طبق اخلاص گذاشت و بی‌توجه به ذخارف دنیا و نام و نشان و پست و درجه، بی‌رنگ و ریا کمر به خدمت بست و بند پوتین رزمش تا لحظات آخر حیات پر بار باز نشد و عاقبت به آرزوی دیرینه‌اش رسید. سردار سلیمانی مکتب جدیدی به مردم خویش و همه ملل آزاده جهان عرضه کرد. مکتبی که در آن خود را ندیدن و برای مردم خود فدا شدن یک اصل غیر قابل انکار است.

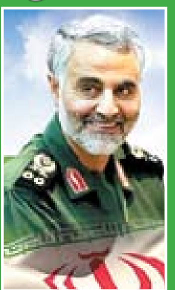
سلیمانی پایه‌گذار مکتبی شد که پایه‌های آن انسان‌سازی، انسان‌دوستی، شجاعت، اقتدار، جهد و تلاش شبانه‌روزی، عطوفت و مهربانی، ساده‌زیستی، فروتنی، مرد عمل بودن، اعتدال و میانه‌روی و جانبازی است و او در طول حیات خویش تمامی این مفاهیم در عمل معنا کرد.

این خصایص نکو که مختص مردان بی‌ادعایی چون سردار سلیمانی است، باعث شده است تا در دل مردم ایران و بسیاری از مردم جهان جای داشته باشد و در ایران و عراق مردم علاقمند آنگونه در آیین تشییع پیکر ایشان حضور عاشقانه یابند و به حق «سردار دلها» نام گیرد.

سردار دل‌ها

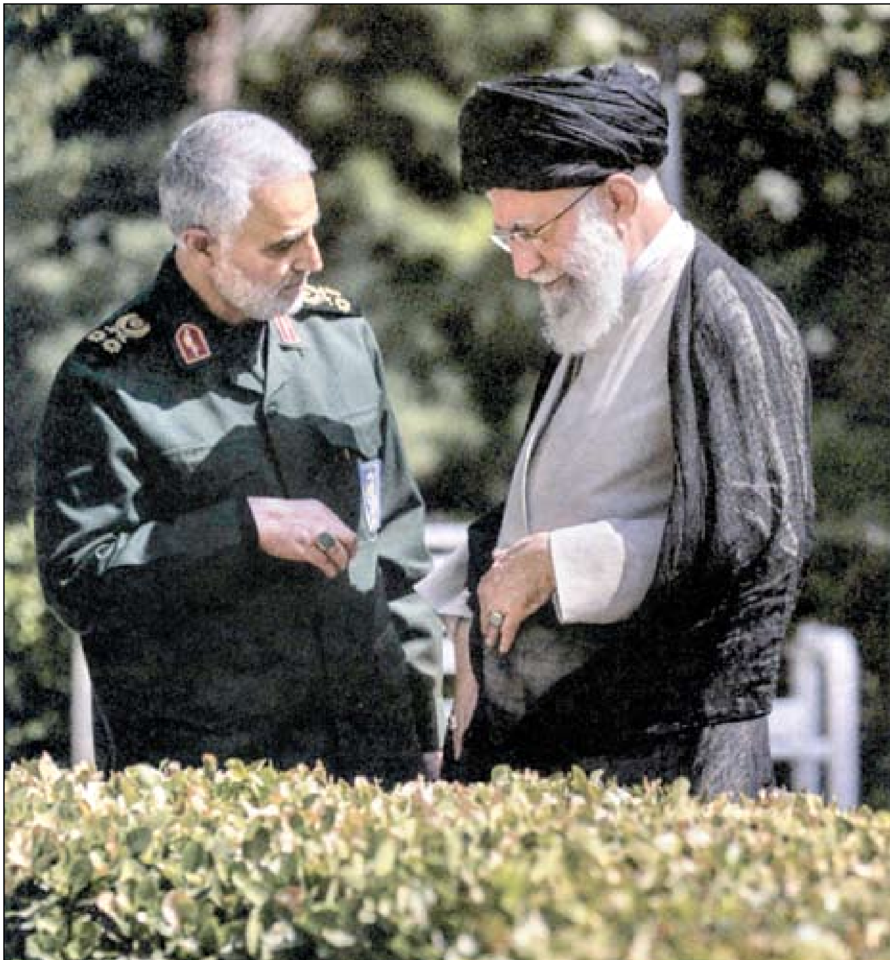


۱
اطلاعات
پنجشنبه
۲۴بهمن ۱۳۹۸
سال نودوچهارم
شماره ۲۷۴۹۹



رفیق خوب عزیز، شجاع و خوش بخت ما

فرازهایی از سخنان رهبر انقلاب در توصیف شهید جاویدان سردار سلیمانی



دو سه مطلب را درباره شهید عزیزمان حاج قاسم سلیمانی عرض کنم؛ یکی درباره شخصیت خود اوست؛ این روزها خیلی درباره این بزرگوار، این رفیق خوب و عزیز ما و شجاع ما و خوش بخت ما که رفت به ملکوت اعلی پیوست، صحبت شده و حرف‌های درستی هم گفته شده آنچه در خصوصیات او گفته‌اند. لکن من چند جمله‌ای می‌خواهم عرض بکنم که به نظر من اینها مهم است.

هم شجاعت هم تدبیر

اولاً شهید سلیمانی، هم شجاع بود، هم با تدبیر بود؛ صرف شجاعت نبود؛ بعضی‌ها شجاعت دارند اما تدبیر و عقل لازم برای به کار بردن این شجاعت را ندارند. بعضی‌ها اهل تدبیرند اما اهل اقدام و عمل نیستند، دل و جگر کار را ندارند. این شهید عزیز ما هم دل و جگر داشت به دهان خطر می‌رفت و ابا نداشت؛ نه فقط در این حوادث این روزها، [بلکه] در دوران دفاع مقدس هم در فرماندهی لشکر ثارالله همین‌جوری بود؛ خودش و لشکرش ـ هم با تدبیر بود؛ فکر می‌کرد، تدبیر می‌کرد، منطق داشت برای کارهایش. این شجاعت و تدبیر توأمان، فقط در میدان نظامی هم نبود، در میدان سیاست هم همین‌جور بود؛ بنده بارها به دوستانی که در عرصه سیاسی فعالند این را می‌گفتم؛ رفتار او را، کارهای او را [می‌دیدم].

در عرصه سیاست‌هم، هم شجاع بود، هم با تدبیر بود؛ سخنش اثرگذار بود، قانع‌کننده بود، تأثیر گذار بود. از همه اینها بالاتر، اخلاص او بود؛ با اخلاص بود؛ این ابزار شجاعت و ابزار تدبیر را برای خدا خرج می‌کرد؛ اهل تظاهر و ریا و مانند اینها نبود. اخلاص خیلی مهم است. ماها تمرین کنیم در خودمان اخلاص را.

متشرع

یک خصوصیت دیگر این بود که هم یک فرمانده جنگاور مسلط بر عرصه نظامی بود، هم در عین حال به شدت مراقب حدود شرعی بود. در میدان جنگ، گاهی افراد حدود الهی را فراموش می‌کنند، می‌گویند وقت این حرف‌ها نیست؛ او نه، او مراقب بود. آنجایی که نباید سلاح به کار برود. سلاح به کار نمی‌برد؛ مراقب بود که به کسی تعدی نشود، ظلم نشود؛ احتیاط‌هایی می‌کرد که معمولاً در عرصه نظامی، خیلی‌ها این احتیاط‌ها را لازم نمی‌دانند [لکن] او احتیاط می‌کرد. به دهان خطر می‌رفت اما جان دیگران را تا می‌توانست حفظ می‌کرد؛ مراقب جان نزدیکانش، اطرافیانش، سربازانش، همکارانش در ملت‌های دیگر که در کنار او بودند، بود.

پرهیز از باندبازی

یک نکته مهم این است که در مسائل داخل کشورـ چون این حرف‌ها غالباً ناظر به مبارزات منطقه‌ای و فعالیت‌های منطقه‌ای او بود ـ اهل حزب و جناح و مانند اینها نبود، لکن به شدت انقلابی بود. انقلاب و انقلابی‌گری خط قرمز قطعی او بود؛ این را بعضی‌ها سعی نکنند کم‌رنگ کنند، این واقعیت او است؛ ذوب در انقلاب بود، انقلابیگری خط قرمز او بود. در این عوالم تقسیم به احزاب گوناگون و اسم‌های مختلف و جناح‌های مختلف و مانند اینها نبود اما در عالم انقلابیگری چرا، به شدت پایبند به انقلاب، پایبند به خط مبارک و نورانی امام راحل (رضوان‌الله علیه) بود.

یک نمونه از تدبیر و شجاعت او که این را دشمنان او خوب می‌دانند ـ شاید بعضی از دوستان ندانند ـ این بود که او به کمک ملت‌های منطقه یا با کمک‌هایی که به ملت‌های منطقه کرد، توانست همه نقشه‌های نامشروع آمریکا در منطقه غرب آسیا را خنثی کند. این آدم توانست در مقابل همه نقشه‌هایی که با پول، با تشکیلات تبلیغاتی وسیع آمریکایی، با توانایی‌های دیپلماسی آمریکایی، زورگویی‌هایی که آمریکایی‌ها روی سیاستمداران دنیا به‌خصوص کشورهای ضعیف دارند، تهیه شده بود قد علم کند و این نقشه‌ها را در این منطقه غرب آسیا خنثی کند.

خنثی‌سازی طرح‌های آمریکایی

آمریکایی‌ها در مورد فلسطین طرحشان و نقشه‌شان این بود که قضیه فلسطین را به فراموشی بسپرند؛ فلسطینی‌ها را در حالت ضعف نگه دارند که جرئت نکنند دم از مبارزه بزنند. این مرد، دست فلسطینی‌ها را پر کرد؛ کاری کرد که یک منطقه کوچکی، یک وجب جا مثل نوار غزه در مقابل رژیم صهیونیستی با آن همه ادعا می‌ایستد، کار و بلایی سر آنها می‌آورد که آنها سر ۴۸ ساعت می‌گویند آقا بیایید آتش‌بس بدهید؛ اینها را حاج قاسم سلیمانی کرد. دستشان را پر کرد. کاری کرد که بتوانند بایستند، بتوانند مقاومت کنند. این چیزی است که برادران فلسطینی ما مکرر در مکرر پیش خود بنده گفته‌اند. البته من می‌دانستم اما آنها هم آمدند پیش ما شهادت دادند. در سفرهای متعددی که این رهبران فلسطینی آمدند، همه آنها این را [گفتند]، آن وقت در جلسه‌ای که ما غالباً با همین مسؤولین مختلف که ارتباط با کار او داشتند داشتیم ـ جلسات رسمی معمولی ـ حاج قاسم یک گوشه‌ای می‌نشست که اصلاً دیده نمی‌شد. آدم گاهی اوقات می‌خواست بداند یا استشهاد کند، باید می‌گشت تا او را پیدا می‌کرد؛ خودش را جلوی چشم قرار نمی‌داد، تظاهر نمی‌کرد.

نقشه آمریکا در عراق، در سوریه، در لبنان به کمک و فعالیت این شهید عزیز خنثی شد. آمریکایی‌ها عراق را مثل رژیم طاغوت ایرانی ـ رژیم پهلوی ؛ ایران در زمان طاغوت ـ یا امروز سعودی می‌پسندند، یک نقطه‌ای باشد پر از نفت، در اختیار آنها که هر کار مایلند بکنند؛ به تعبیر آن شخص «مثل گاو شیرده»؛ اینها عراق را این جوری می‌خواهند. عناصر مومن عراقی و شجاع عراقی و جوانان عراقی و مرجعیت در عراق در مقابل این قضایا ایستادند و حاج قاسم (رضوان‌الله تعالی علیه) به همه این جبهه بسیج به عنوان یک مشاور فعال مدد رساند، کمک رساند، و به عنوان یک پشتیبان بزرگ در آنجا ظاهر شد. شبیه همین قضیه در مورد سوریه هست، در مورد لبنان هست.

در مورد لبنان، آمریکایی‌ها مایلند لبنان را از مهم‌ترین عامل استقلال لبنان ـ یعنی نیروی مقاومت و حزب الله ـ محروم کنند تا لبنان بی‌دفاع در مقابل اسرائیل قرار بگیرد که بیاید تا خود بیروت را بگیرد؛ کما این‌که قبل‌ها و سال‌های قبل آمدند.

حزب‌الله به‌حمدالله روز به روز قوی‌تر شد. امروز، هم دست لبنان و هم چشم لبنان، حزب‌الله است؛ و نقش شهید عزیز ما در این حالت یک نقش ممتاز و برجسته است؛ تدبیر و شجاعت، مجاهد شجاع، برادر دلسوز.

ملت‌ها بحمدالله بیدارند. ملت‌ها امروز بیدارند؛ ولی نقش شهید عزیز و رفقای محلی این شهید [بی‌بدیل بود]؛ مثل همین شهید ابومهدی (رضوان الله تعالی علیه) ـ مرد نورانی، مرد مؤمن، مرد شجاع که انسان وقتی نگاه می‌کرد، چهره او مصداق «و بیض وجهی بنورک» [بود]؛ ابومهدی این جوری بود؛ چهره، چهره نورانی معنوی خدایی ـ شهید سلیمانی با امثال این جور انسان‌های مومن و شجاع و نورانی توانستند کارهای بزرگی را انجام بدهند. این درباره شهید؛ البته بیش از اینها می‌شود درباره شهید عزیزمان صحبت کرد، فعلا بس است.

ملت‌ها بحمدالله بیدارند. ملت‌ها امروز بیدارند؛ ولی نقش شهید عزیز و رفقای محلی این شهید [بی‌بدیل بود]؛ مثل همین شهید ابومهدی (رضوان الله تعالی علیه) ـ مرد نورانی، مردم مؤمن، مرد شجاع که انسان وقتی نگاه می‌کرد، چهره او مصداق «و بیض وجهی بنورک» [بود]؛

سردار دل‌ها



۳
اطلاعات
پنجشنبه
۲۴بهمن ۱۳۹۸
سال نودوچهارم
شماره ۲۷۴۹۹

سپهبد سلیمانی سردار سرباز



احمد جلالی

چون لاله می مَبین و قدح در میانِ کار
این داغ بین که بر دلِ خونین نهاده‌ایم

نیمه‌شبانِ جمعه، سیزدهم دیماه، در این غربت، بی‌تابیِ دردِ جسمانی، مرا به بی‌خوابی کشیده بود. حدود ساعت سه بامداد، ناگهان خبر سخت سنگین شهادت سردار سلیمانی، مثل صاعقه فرود آمد. زد و ســـوخت و برد. در غربت که هستی، این احوال سهمگین‌تر درمی‌رسد. داغی چنان عمیق که اولویت‌های ذهنی آدمی را در یک‌دم کن‌فیکون می‌کند. بنابر سنتی که آموخته‌ایم، به هنگام شنیدن خبر مصیبت فقدان عزیزی، ذکر «انا لله و انا الیه راجعون» بر زبان می‌آید. اما با این خبر، آیه‌ی دیگری بی‌اختیارِ زمزمه‌ی خاطرم شد، هرچند شأن نزولی متفاوت دارد: «یَا أَیُّهَا الْعَزِیزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ!»[۱] او عزیز بود و ما را عزیز می‌خواســـت. سردارِ نامدارِ دفاع مقدس و مقاومت، دست پیرمرد سیل‌زده را هم می‌بوسید و از غرقاب بیرون می‌کشید. هیبت و حشمتش در مهربانی‌اش ذوب شده بود. با چه حسِ نابی از یارانِ شهیدش یادمی‌کرد و فرزندانشان را در آغوش می‌کشید! بزرگ بود اما بزرگی نمی‌فروخت. از خلقِ درمانده روی برنمی‌تافت، دست پس نمی‌کشـــید، پایِ عَلوّ بر زمین نمی‌کوفت، و چشم پاداش نداشت؛ پی خجسته «سواره»ای که «پیاده» می‌شد تا «دَستگیر» پیاده‌ها باشد. این‌ها را دیده‌ایم اما در این سال‌ها، غرقاب‌ها در میان بوده که ما ندیده و نشنیده ایم، و طعم وفاداری‌ها که ما نچشیده‌ایم. جوانمردی هنر بزرگی است کهَ بیانِ جوهر آن در آموزه‌ی بوسعیدِ بوالخیر به ایجازِ تمام در روایتِ عطارَ آمده است: «شوخ ما را پیش چشم ما مَیار»، کاستی‌ها و خطاها و آلودگی‌های‌مان را به رُخ مان مکش!

در دفع ستم و وحشتِ داعشیان، مسلمان و مسیحی و ایزدی صَدایش می‌زدند. می‌شـــنید و اجابت می‌کرد. مردانگی‌اش چنان شهره بود که مخالفانش، و حتی دشمنانش در میدانِ نبرد هم، در تنگناهـــا، روی قولش، وفایش، و مردانگی‌اَش حساب می‌کردند.

همرزمان و یـــاران و نزدیکانِ او البته گفتنی‌ها دارند. من این توفیق را نداشـــته‌ام که یکَی از آنان باشم. اما قبل از هرشنیدنی، دیدنی‌ها دیدیم در جنس و عمق و وسعت واکنش مردم! ترجمان همان آیت قرآنی که «اینان را خدا محبوب دلها می‌کند»! این دل نوشـــت هم، نیازبردن یک هموطن است به داشتنِ قهرمانی چون او، وگرنه، ذکرِ جمیلِ او را به چون منی نیازیَ نیست.

نه من بر آن گل عارض غزل سرایم و بس
که عندلیب تو از هرطرف هزارانند

دلاوری‌هایش البته زبانزد است، اما غنای شخصیتی، تدبیر، دوراندیشی، حکمت، و مهارت‌های دیپلماتیک او کمتر شناخته شده اســـت. مثلا کمتر کسی می داند که او چگونه توانست مشکل اختلاف‌نظرهای فنی و تکنیکی و سیاسی یک پرونده‌ی پیچیده و مهم مشترک ما را با یکی از کشورهای همسایه‌مان برای ثبت در فهرستِ میراثِ جهانی، طـــوری حل کند که نه تنها اختلاف از میان برخیزد، بلکه طرفین با فهم درست منافع ملی و کشفِ منافع مشترک، به حمایت متقابل برخیزند. شـــناختِ او از احوَالِ منطقه، بینش سازنده و راهنمائی‌های خردمندانه‌اش در این امور هم کارگشا بود. شرحش از مجال این مقال خارج است. خیرخواهی و انصافِ جوانمردانه‌اش می توانست مخاطب را آرام و مجاب کند، تا منطقش را بشنود. شخصیتش اعتماد برمی‌انگیخت. موفقیت را در خیر می‌دید. شرطِ پهلوانی هم همین است.

***

بـــا انفجارِ خبر در پهنهٔ ایران، در ســـینه رنجورِ مام سالخورده‌ی میهَن، یکباره امواج متلاطم بی‌ریایِ انسانیَ، حیرت و حسرت، همت و غیرت، خشم و تکریم، اشک و تعظیم برخاست. با یاد و نام این مرد، حقارت‌هایم پیش چشمم صف می‌کشند. «منیّت»ها شرم‌سارانه می گریزند. دیگر نه دردِ جسمانی معنا دارد، نه دغدغه‌های حقیرِ کار و بار و خُرداندیشی‌های احوالِ زمانه‌ی کج‌رفتار. واکَنش خودجوشِ مردم را که تماشا میَ‌کنم می‌گویم: «باز این چه شورش اسَت که در خلقِ عالم است»؟ کاش آنجا می‌بودم. از این خلأ سردِ وهم‌آلودِ غربت می گریختم. و از نَفَسِ مردم قدرشناس وطنم جان می‌گرفتم. قدرشناسی چه زیبَاست. بزرگا وفایِ مردم! مرحبا! چه روزهای عجیبی بر ملک و ملت ما می گذردَ. وقتی حالِ خلق را، و خود و خانواده‌ام را می‌بینم، در تماشای تصویرِ اینَ علمدارِ نازنین‌بالایِ وطنم می‌خوانم:

ای یار آشنا عَلم کاروان کَجاست
تا سر نهیم بر قدم ساربان دوست
دردا و حسرتا که عنانم ز دست رفت
دستم نمی‌رسد که بگیرم عنان دوست

نمی‌دانم چگونه درد و داغ فقدان حاج قاســـم را به خانواده مکرم او، به همرزمان دلسوخته‌اش، به همه مردمی که در درون و بیرونِ ایران برای او گریسته‌اند تسلیت می‌باید گفت؟ بگذارید همه به این تسلا درآویزیم که او چنان رفت که می‌خواست و می‌شایست. این سرباخته و سالها بی‌پا و سر تاخته، بارها شهیدِ عشق و وفا و ایمان خویش شده بود. و چه هنرمندانه، سربازانه مانده بود که سردارانه برود! پرکشید بی‌هیچ حسرتی، و ما ماندیم و داغدار و حسرت‌زده. امروز، عکسِ مِهرِ میهنم بر مُهرِ یک نام افتاده. نامی که نماد شد. به راستیَ رازیَ در میان استَ. سردارِ عارفِ ما از اولیاء بود،

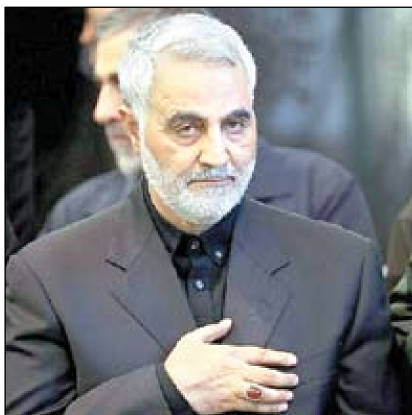
هردم از روی تو نقشی زندم رَاه خیالَ
با که گویم که در این پرده چه‌ها می‌بینم
دوستان عیب نظربازی حافظ مکنید!
که من او را ز محبـــان خدا می‌بینم

در این غربت، پناه بردم به ســـرودن سوگنامه‌ای، نوحه‌ای، برای «سردارِ سرباز»، به رسم عرض ادب و احترام به او و همه‌ی شـــهیَدان و پاکبازان و جانبازانی که در دفاع از امنیت ملی و بنیان‌های اعتقادی و کیانِ این مرز پرگهر، پایمردی‌هاکردند.

***

در قاب‌بندیِ این سوگنامه، افزون بر ماتم ملی، آن‌روز (یکشنبه ۱۵دیماهَ۹۸)، تماشـــایِ دو تصویرَ تکان‌دهنده، نقش‌آفرین بود: یکی عکس دستِ سَردار، بریده، باَ انگشترش! «انگشت‌سلیمانی»!ودیگری، صحنه‌ی‌نوحه‌سرائی‌میلیونی‌در مشهد. اوَلین‌بار بود که دیدم مردم در استقبال از پیکر شهیدی، یکصدا نوائی را سردادند که مختصِ رثای حضرت ابالفضل در عاشورا است: ای اهل حرم، میر عَلمدار خوش‌آمد / سردار حسین سید و سالار خوش آمد / علمدار خوش‌آمد...، و چه هنرمندانه، به تناسبِ موضع و موقع، ترجیع «علمدار نیامد» را به «علمدار خوش‌آمَد» برگردانیدند! و به آهنَگِ ادبیاتِ خاص عاشورائی موضوعیتِ روز بخشیدند. پرطنینَ و پرتپِش! این قال‌ها ترجمانِ حال‌هاســـت. و حال‌ها با اسطوره‌های یک ملت در گفتَ و شنودند. گوئی بار دیگر تاریخ یک‌سرزمین با مردمانش سخن می‌گوید، و همه‌ی علمداران و شهیدان و قهرمانانش را صدا می‌زند. ابالفضل در میدان، و سیاوش در آتشستان! این شعر در چنین حال و هوائی آمد. «پاک‌کن چهره‌ی میهن به سرِ زلف ز اشک»! اشکِ تعظیم، به نشانه‌ی تکریم پاکبازانی که برَای امنیت پایدار و تَمامیت ارضی ما، بر جلوه‌یَ بازارِ سود و زیان چشم فروبستند، و به بِینائی از دام چاهِ جاه فراجَستند. کُنجِ امِن و امان نجُستند. از گنج جان، بهَ پایمَردی دست شستندَ. گردِ نام و نشان از دامان اَفشاندند، و بی‌قرار و سبکبار راندند، و چندان بی‌فسون، فسانه‌ی ایثار خواندند که افســـانه‌ی احرار و ابرار ماندند. چه می‌گویم! «باید اول به تو گفتن که چنین خوب چرائی»!؟ زبانِ حالِ قدرشناســـی مردم، گوئیا پژواکی بود ربانی ازِ این وعده‌ی قرآنی: انّ الّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّالِحَاتِ سَیَجْعَلُ لَهُمُ الرّحْمَـنُ وُدًّا. وصدقَ الله العلی العظَیم.

«انگشتِ سلیمانی»



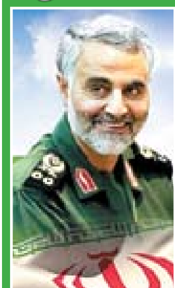
«چو گل هردم به بویت جامه برتن
کنم چاک از گریبان تا به دامن»
روان بر چهره‌ام جویِ گلاب است
که‌درچشمم گلِ‌رویت‌بَرآب‌است
نگینِ سرخِ خون بر دست‌هایت
کشد ملکِ ســـلیمان زیرِ پایت
سلیمانی‌کن و انگشت پیش‌آر
نگینِ بوسه‌ام بر دستِ خویش آر
«گر انگشتِ ســـلیمانی نبیَنم
چه خاصیت دهد نقش نگینم»؟
بنـــازم پرچمِ خونینِ دســـتت
در این میدان، شهادت نازِ شستت
هزاران سر برُست از گردنت باز
تو را زیبنده بادا نامِ «ســـرباز»
تو را تا عشق سردارِ وطن کرد
حدیثت نکته‌ی هر انجمن کرد
پس‌آنگه زین‌قفس تا بی‌کران برد
به اوجِ آسمان، زین خاکدان برد
شـــهیدا، پاکبازا، پـــورِ ایرانَ
ســـیاوش بودی اندر آتشستان
به ماتم مامِ میهن گیسوافشـــان
گریبان چاک کـــرده تا به دامان
شکوهِ مردم از این عشق و این غم
دماوند اســـت و سیلابِ دمادم
برآید از ستیغش تیغِ خورشید
بدرّد شـــب، برآرد صبحِ امید
هزاران سر برُست از گردنت باز
تو را زیبنده بادا نام «ســـرباز»

احمد جلالی، پاریس، ۱۳۹۸/۱۰/۱۵

۱- یَا أَیُّهَا الْعَزِیزُ مَسَّـــنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُّزْجَاه فَـــأَوْفِ لَنَا الْکَیْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَیْنَـــا إِنَّ اللَّـهَ یَجْزِی الْمُتَصَدِّقِینَ (سوره یوسف، ۸۸). شأن نزولَ این آیه، بیَانَ تقاضای برادران یوسف از او به هنگام بی چیزی است. اما، از ایام نوجوانی به یاد دارم که آیت الله حاج شیخ آقا بزرگ اشرفیَ شـــاهرودی این آیه را چون دعائی از سرِ عجز در قنوتِ نماز خود می خواند و چه به دل می نشست. این تلقی و تاثیرِ نَفَسِ آن بزرگوار به یادگار همچنان با این بنده مانده است. رحمَه الله علیه.







۴
اطلاعات
پنجشنبه
۲۴بهمن ۱۳۹۸
سال نودوچهارم
شماره ۲۷۴۹۹

روایت مکتب سلیمانی

چند کلامی با علیرضا رزم‌حسینی؛ همرزم دیرین و جانشین سردار حاج قاسمِ شهید

زهره رنگ آمیز

همرزمان دیروز شهید سلیمانی امروز می خواهند روایتگر نیک مردی ها، مردمداری ها، انسانیت، صلابت و شجاعت فرمانده شان باشند؛ همرزمان و سربازان حاج قاسم، امروز به فرمودهٔ رهبری همنوا شده اند که مکتب سلیمانی را ترویج، تکریم و تشریح کنند و راه او را ادامه دهند. از این روست که در همه جا اعم از مردم کوچه و بازار تا خواص جامعه همه می گویند: «قسم به خون تو ای سربدار قدسیِ ما/ که این دیار پُر از قاسم سلیمانی ست.» در پیش بودن اربعین شهادت سپهبد حاج قاسم سلیمانی، بهانه ای شد تا گفتگویی داشته باشیم با برخی از دوستان و همرزمان سردار دل‌ها و بنشینیم پای گفته‌های نابشان از حاج قاسم. در ادامه هم گپ‌وگفتی با همرزم دیرین و جانشین شهید سلیمانی در دوران دفاع مقدس، استاندار سابق کرمان و استاندار فعلی خراسان رضوی خواهیم داشت؛ گفتگویی ۹۰ دقیقه ای که پیش از ظهر یک روز زمستانی در دفتر کار علیرضا رزم حسینی انجام شدکه ماحصل آن از نظرخوانندگان ارجمند می گذرد.

علیرضا رزم حسینی گفتگو را با یک خاطره آغاز می کند، خاطره ای که روایتگر یک احوالپرسی یک هفته قبل از شهادت حاج قاسم است، او می گوید: روز دوشنبه ۹ دی ماه ساعت ۸:۳۰ دقیقه شب با حاج قاسم تماس گرفتم. از سر و صدایی که از منزل ایشان می آمد متوجه شدم که در حال بازی با نوه هایشان هستند، بعد از احوالپرسی های معمولی که بین ما وجود داشت، حاجی فرمود: فردا (سه شنبه دهم دی ماه) به ماموریت می روم و نیستم ایران. هفته آینده به مشهد می آیم، هم دلم برای امام رضا تنگ شده و هم اینکه می‌خواهم در جوار مضجع شریف و ملکوتی امام رضا (ع) خستگی از تن بیرون کنم. این جمله ایشان شد قرار ما برای هفتهٔ آینده.

رزم حسینی در ادامهٔ گفتگو به یک خواب اشاره می‌کند که قبل از شهادت فرماندهٔ بزرگ اسلام می بیند. «شب من از تهران برگشتم، پایان هفته و پنج شنبه شب (شب شهادت حاج قاسم)خواب دیدم که تابوتی را عده‌ای به منزل ما آوردند، خودشان رفتند و تابوت ماند، از همسرم سئوال کردم که این پیکر و تابوت متعلق به کیست آیا شما می دانید؟ ایشان هم گفتند که نه! من نمی دانم. از خواب برخاستم، نگران بودم که نکند یکی از اقوام و آشنایان به رحمت خدا رفته و مصیبتی وارد شده باشد. سحرگاه جمعه با تماس یک خبرنگار از کرمان مواجه شدم که اطلاع دادند حاج قاسم شهید شده است؛ این مساله برایم غیر قابل باور بود، نه اینکه از باور و اعتقاد حاج قاسم به شهادت اطلاع نداشته باشم، نه اینکه فکر کنم حاج قاسم همیشه در بین ما حضور فیزیکی خواهد داشت، بلکه نمی‌توانستم باور کنم که حاج قاسم کنار ما نباشد.

وی یکی دیگر از ویژگی‌های فرمانده‌اش را وفای به عهد بر می شمرد و می گوید: حاج قاسم مجموعه ای از رفتارهای انسانی بود، مجموعه ای از خوبی‌ها و اهل مودت، دوستی. حاج قاسم در جذب حداکثری آدم‌ها شهره بود، روح بیکرانی که داشت به همان بیکرانگی آدم‌ها را جذب خود می‌کرد. مرد، زن، پیر، جوان، کودک همه حاجی را دوست داشتند. قلب مهربان سردار سلیمانی از چشم ها و زبانش پیدا بود و آخرالامر هم همانی که او می‌خواست شد و به مشهد سفر کرد.

اما سفر حاج قاسم به مشهد را بگویم که ببینید چطور خود حاج قاسم اینجا هم سربازانش را مدیریت کرد. شب شنبه ۱۳ دی ماه در منزل حاج قاسم با همرزمان شهید از جمله آقا رشید، آقای سلامی، محسن رضایی، جعفر اسدی و ... جمع بودیم و هیچ صحبتی از تشییع در مشهد نبود، اما آقای مهدی ایرانمنش و آقای فلاح زاده به من زنگ زدند و گفتند، بعد از اهواز، حاج قاسم را به مشهد می آوریم.

یکشنبه ۱۵ دی ماه یعنی دو روز پس از شهادتش به مشهد آمد، وفای به عهد کرد، ما هم برای بدرقه اش به فرودگاه رفتیم، اما اینقدر خیل جمعیت در خیابان ها گسترده شده بودند که نیمی از راه را مجبور شدیم با موتورسیکلت طی کنیم، بعد پیکر مطهر این شهید عزیز کنار مردم آمد و جمعیتی خود جوش و چند میلیونی پیکر فرمانده را تشییع و بدرقه کردند به سمت مولای او که امام مهربانی‌هاست.

استاندار سابق کرمان و استاندار فعلی خراسان رضوی حرف هایش را این گونه پی می‌گیرد: این بدرقه از فرودگاه مشهد تا رسیدن به باب الجواد حرم مطهر امام رضا(ع) حدود ۵ ساعت طول کشید. بعد از مشهد هم قرار بود پیکرها به تهران انتقال پیدا کنند که به مراسم مصلا برسند. حالا شما در نظر بگیرید جمعیت بی نظیری در خیابان های

مشهد جمع شدند، خیل عظیمی از مردم هم در حرم مطهر رضوی منتظر هستند که پیکرسردار بزرگ اسلام به آنجا برسد، بعد یکدفعه متوجه شدیم دستور داده شده است که پیکرها به فرودگاه مشهد وسپس به تهران انتقال داده شود، غافل از اینکه به خاطر عظمت و شکوه جمعیت در مشهد، برنامهٔ مصلای تهران لغو شده بود. آقایانی بدون هماهنگی با مدیریت اســـتان بلافاصله و بـــدون طواف پیکرهای مطهر شهیدان ســـاعت ۸ شب به سمت فرودگاه مشهد جهت عزیمت به تهران حرکت کردند. تماس‌هایی با افراد مختلف گرفتم که پیکرها نباید از فرودگاه بیرون بروند.به رئیس فرودگاه دستور دادم که هواپیما اجازه پرواز ندارد. حاج قاسم و همرزمانش باید حرم مطهر و مضجع شریف را طواف و بعد مشهد را ترک کنند. مجدد از حرم مطهر به سمت فرودگاه مشهد به همراه سردار تقوی فرمانده نیروی انتظامی خراسان رضوی حرکت کردیم. ما معتقد بودیم که پیکر مطهر شهید حاج قاسم سلیمانی باید به سیل جمعیت عزادارانی که برای تشییع او در شرایط بارانی و هوای سرد زمستانی به حرم رضوی آمده اند، بپیوندد. حاج قاسم با پیکر شهدای همراهش به حرم بازگردانده شد و طوافی بی‌ســـابقه، تاریخی و با اخلاص در میان اشک خادمان رضوی و مردم مشـــهد صورت گرفت و هر ۶ شهید در حرم امام رضا (ع) طواف داده شدند و مراسم با شکوهی برگزار و خواب بنده تعبیرشـــد. به لطف خداوند منان و امام رضا(ع) یکی از بی نظیر ترین مراسم تشییع در تاریخ خراسان در مشهد مقدس هم در طراحی و هم در اجرا با نظم، انضباط و امنیت کامل و بدون هیچ حادثه ای انجام شد که جای دارد از اعضای شورای تامین استان خراسان رضوی تشکر و قدردانی کنم.

رزم حســـینی در ادامه این گفتگو، روایتی دارد از روز دوشنبه ۱۶ دی ماه تشییع پیکر فرمانده در تهران. او می‌گوید: در مراسم تشییع تهران هم با موتورسیکلت خودم را به دانشگاه رساندم. بخشی از مسیر را با کمک خبرنگار صداسیما و بخشی از مسیر را همراه تیم آقای زنگنه (وزیر نفت) که اتفاقی در جمعیت دیدمشان عبور کردم تا توانستم در مراسم نماز بر پیکر شهیدان که به امامت رهبر معظم انقلاب اسلامی اقامه می شد ،حضور یابم.

وی درباره محل خاکسپاری پیکر مطهر شهید حاج قاسم هم روایتی دارد که شنیدن و خواندن آن برای ثبت در

***روز دوشنبه ۹ دی ماه ساعت ۸:۳۰دقیقه شب با حاج قاسم تماس گرفتم. از سر و صدایی که از منزل ایشان می آمد متوجه شدم که در حال بازی با نوه هایشان هستند، بعد از احوالپرسی های معمولی که بین ما وجود داشت، حاجی فرمود: فردا (سه شنبه دهم دی ماه) به ماموریت می‌روم و ایران نیستم. هفته آینده به مشهد می آیم، هم دلم برای امام رضا (ع) تنگ شده و هم این که می خواهم در جوار مضجع شریف و ملکوتی امام رضا (ع) خستگی از تن بیرون کنم. این جمله ایشان شد قرار ما برای هفتهٔ آینده**

*** قلب مهربان سردار سلیمانی از چشم ها و زبانش پیدا بود و آخرالامر هم همانی که او می خواست شد و به مشهد سفر کرد**

تاریخ جالب است وی می گوید: در مسیر انتقال پیکرهای مطهر از تهران به کرمان با آقای قالیباف همسفر بودم. گفتند عبای نماز شب مقام معظم رهبری و لیست شهادتین برای مراسم تدفین را به همراه دارند. درباره محل تدفین حاج قاسم، آقای قالیباف مطرح کردند که قبر دیگری آماده شده با فاصله از محلی که خود سردار خواسته اند (مزار شهید یوســـف الهی). نظر است که در محل جدید خاکسپاری انجام شود ولی آنچه در دل من گذشت این بود که مطمئنم همان که خود حاج قاسم بخواهد، اتفاق می‌افتد.

روز موعود در کرمان فرا رسید. جمعیت دوستداران و عزاداران او، از اولین ساعات روز سه شنبه ۹۸/۱۰/۱۷ از سراسر کشور و استان به کرمان آمده بودند. در بدو ورود به کرمان تصمیم گرفتم مسیری را انتخاب کنم که همراه شهدا باشم، در همراهی با پیکر شهدا یکی دیگر از دوستان حاج قاسم هم حضور داشت. حاج آقای خالقی(روحانی کرمانی ساکن قم) که فرماندهٔ شهید در وصیتنامه اش از او خواسته بود که در تدفین او مشارکت داشته باشد، او از من خواست که کمکش کنم که به سفارش سردار دل ها عمل کند.من هم به آقای خالقی قول دادم او را برای مشارکت در تدفین کمک کنم تا وصیت حاج قاسم انجام شود. البته از آنجا که هیچ مســـئولیت اجرایی در طراحی و نحوه تشییع پیکر شهیدان نداشتم فقط نیت کردم با پیکر شهید عزیز حاج قاسم و شهید «باوفا» حسین پورجعفری تا زمان خاکسپاری همراهی کنم.

سرانجام برای انجام مراســـم تشییع؛ شهدا را روی خودروی مخصوص قرار دادند و ساعت ۹و نیم از میدان آزادی کرمان مراسم بدرقه آغاز شد. در این مسیر تلاش کردم با مسئولان استان کرمان تماس بگیرم و وضع خیابان شریعتی را اعلام کنم ولی موفق نشدم. مسیر خیابان انتخابی اعلام شـــده، بیست متر عرض داشت و خودروی حامل پیکر شـــهیدان با زحمت در میان سیل جمعیت هدایت می‌شد و حرکت می کرد، به طوری که پیکر مطهر حاج قاسم و حسین پورجعفری تا ساعت دو و نیم بعد از ظهر فقط تا میدان شهدای کرمان رسید و این فقط نصف راه بود. به دلیل ازدحام جمعیت و احتمال تلفات بیشتر خبر دادند که شورای تامین استان کرمان تصمیم گرفته که ادامه تشییع پیکر شهدا در مسیر تعیین شده قبلی ادامه پیدا نکند و خاکسپاری به تعویق بیفتد چون احتمال داشت با مشکلاتی رو برو شوند که تصمیم درستی بود. مسیر حرکت خودروی حامل پیکرهای مطهر به خیابان شهید باهنر(ناصریه) تغییر یافت اما باز هم انبوه جمعیت عاشق حاج قاسم خودرو را دنبال می کردند. همانطور که در خیابان شهید باهنر ادامه مسیر می دادیم، در میانه راه، فرمانده لشگر ۴۱ ثارالله آقای سردار عادلی به ما در روی خودروی حامل پیکرهای مطهر شهیدان پیوست. به ایشان پیشنهاد دادم با توجه به اطلاعیه شورای تامین که خاکسپاری را به زمان دیگری محول کرده است و از آنجا که ادامه این مسیر قرارگاه لشگر ۴۱ ثارالله که محل فرماندهی شهید است، در ادامه خیابان قرار دارد و محل مناسبی برای نشست و برخاست بالگرد هم هست، به آن سمت حرکت کنیم و ایشان هم قبول کرد. ازدحام جمعیت لحظه به لحظه افزایش پیدا می کرد و حرکت رو به جلوی خودروی حامل شهدا به سختی انجام می شد. ما حرکت کردیم و مردم هم به مسیر جدید آمدند؛ به سردار





عادلی گفتم که خودرو را متوقف و پشت بلندگو به مردم اعلام کند که به حرمت خون شهید بمانید تا شهید مسیرش را راحت تر ادامه دهد.صحنه عجیبی بود و مردم به احترام شهید ایستادند و خودرو با سرعت بیشتری حرکت کرد تا به قرارگاه فرماندهی لشکر ۴۱ ثارالله که حاج قاسم در میدان صبحگاه در لشگر ۴۱ ثارالله همواره برای رزمندگان در دوره تصدی فرماندهی این لشگر سخنرانی می کردند، وارد شدیم، تعدادی از جوان های کرمانی دوستدارحاج قاسم را که به ماشین چســـبیده بودند اجازه دادیم وارد پادگان شـــوند ، پیکر را طواف کنند و سپس نماز ظهر و عصر را در میدان صبحگاه مقر لشـــگر ۴۱ ثارالله اقامه کردیم.

رزم حسینی اشـــاره ای هم به تماس تلفنی یکی از مســـئولان با وی می کند و می گوید: « معاون اول رئیس جمهوری، آقای دکتر جهانگیری که در مراســـم کرمان تشریف داشتند، با من تماس گرفتند که باتوجه به حادثه پیش آمده، دستور دادند کمک کنید تا مراسم تشییع تمام شود؛ با استاندار کرمان جناب آقای دکتر فدایی تماس برقرار شد و اعلام آمادگی کردم ولی ایشان گفتند تصمیمات لازم گرفته شده است اما بنده از سردار مارانی فرماندهی محترم قرارگاه قدس جنوب شرق که در محل قرارگاه لشکر ۴۱ ثارالله بودند، خواستم که یک بالگرد فراهم کند. ایشان هم با فرماندهی هوانیروز کرمان تماس گرفتند و یک بالگرد به قرارگاه لشکر ۴۱ ثارالله آمد و نشست. به اتفاق سردار مارانی با بالگرد بازدیدی از طول مسیر مزار شهدای کرمان داشتیم. خیل عظیم جمعیت عاشقان حاج قاسم همه نقاط مسیر گلزار شهدا و کوه های اطراف را پر کرده بود. بعد از رصد شرایط منطقه، به قرارگاه بازگشتیم.

جمعیتی بی سابقه و انبوه. حتی در کوه های اطراف گلزار شهدای کرمان مملو از جمعیت بود و با توجه به سیل جمعیت مساله تدفین در شب مطرح شد و برای شرعی بودن از حجت الاسلام و المسلمین علیدادی امام جمعه کرمان مشورت گرفتم؛ سپس با آقای قالیباف تماس برقرار کردم تا عبای مقام معظم رهبری و کفنی که دستشان بود را برای تدفین آماده داشته باشند. امام جمعه کرمان و نماینده ولی فقیه حاج آقای علیدادی تماس گرفتند و گفتند که تدفین در شب مکروه است و بهتر است که خاکسپاری به بعد از اذان صبح روز چهارشنبه ۱۳۹۸/۱۰/۱۸ موکول شود.

در همین حین و در زمانی که پیکرهای مطهرشهدا

***حاج قاسم مجموعه ای از رفتارهای انسانی بود، مجموعه ای از خوبی ها و اهل مودت، دوستی. حاج قاسم در جذب حداکثری آدم ها شهره بود، روح بیکرانی که داشت به همان بیکرانگی آدم ها را جذب خود می کرد**

***در تاریخ ایران سراغ نداریم، فردی از جوانی پوتین مجاهدت بپوشد و ۴۱ سال در جهادو سیاست باقی بماند؛ او در طول دفاع، خودسازی مستمر داشت و همیشه نسبت به سال های قبل خودش متفاوت بود**

***دکتر جلالی طی تماس تلفنی در روز تشییع حاج قاسم از پاریس برایم تعریف کرد که در خارج از کشور نیز افراد از هر طیف و جناحی و هر طبقه ای شهادت این سرباز را تسلیت می گفتند و می گریستند**

در لشکر ۴۱ ثارالله حضور داشت، بسیاری از خانواده‌های معظم شهدا و حدود ۳۳۰ نفر از خدام بارگاه منور رضوی و علمای مشـــهدی که برای شرکت در مراسم تشییع به کرمان آمده بودند، با پیکر شـــهدا وداع کردند. سرانجام حاج قاســـم همانطور که خودش خواست، کنار شهید محمدحسین یوسف الهی، عارف بزرگ به جایگاه ابدی سپرده شد. یعنی در جایگاهی که خودش وصیت کرده بود آرمید و دوست باوفایش سردار شهید حسین پورجعفری، شـــهید باوفا در جوار حاج قاســـم فرمانده عزیزش در جایگاه ابدی اش آرام گرفت. شخصیتی که ۳۸ سال همراه حاج قاسم و یار باوفا و محرم اسرار وی بود. این گونه بود که بزرگترین تشییع پیکر مطهر یک مجاهد نستوه که در جهان بی سابقه بوده است، به پایان رسید.

جانشین سردار ســـپهبد قاسم سلیمانی در دوران دفاع مقدس در ادامه به برخی از ویژگی های شخصیتی این شهید والامقام اشاره می کند و می گوید: خصوصیت برجسته حاج قاسم، سلامت روح و جسم و قدرت بدنی او بود و نیز از لحاظ شـــخصیت، در فداکاری کم نظیر بود. سلیمانی با فرماندهان شهیدی چون خرازی، باکری، حاج همت و احمد کاظمی همردیف بود، اما به خاطر این شخصیت و روحیه جوانمردی و شجاعت و تدبیری که داشت، متمایز شد. در تاریخ ایران سراغ نداریم، فردی از جوانی پوتین مجاهدت بپوشـــد و ۴۱ سال در جهادو سیاست باقی بماند؛ او در طول دفاع، خودسازی مستمر داشت و همیشه نسبت به سال های قبل خودش متفاوت بود. شهید سلیمانی بی ریا بود و اصلا اهل چاپلوسی نبود. حاج قاسم هیچوقت از خودش تعریف نمی کرد، بی ریا و بی‌کینه بود؛ او قاطعیت داشت. ممکن بود کسی از او برنجد اما حاج قاسم از دلش در می آورد، او کینه هیچکس را به دل نداشت و بدی به هیچکسی نکرد و رفاقت و صمیمت از خصلت های برجسته او بود .

رزم حســـینی می گوید: یکی دیگر از ویژگی های مثبت حاج قاســـم این بود که اعتقاد به خانواده شهدا و مادرانشان داشت؛ او بســـیار در این کار صبور بود و ممارســـت داشت. یک‌بار به خاطر داشتن این همه صبر در امور از حاجی پرســـیدم: بگو این صبر را از کجا به دست آورده ای؟ شهید ســـلیمانی گفت: «می دانم که ۱۵۰ مادر شهید در کرمان در نمازشان دعایم می کنند؛ به خاطر همین دعاهای مادران شهداست که خداوند صبر و شکیبایی به من عطا کرده است.» او تعهد خاصی در این موضوع داشت. درکرمان، مشهد و هر جای کشور که بود، از خانواده معظم شهدا سرکشی و کارگشایی می کرد.

او درباره سردار شهید و خصوصیات رفتاری و اخلاقی فرمانده اینطور می گوید: خلوص نیت و ممارست برای انجام کار برای خدا، اهمیت ندادن به تعریف و تمجیدها نیشخند به تشریفات دنیا، همنشینی همیشگی با مردم، اهل محبت و عاطفه بودن در عین قاطعیت از ویژگی‌های بارز فرمانده بود، به همین دلیل سردار و فرمانده دلها لقب گرفت. او همیشه فرماندهٔ دل ها خواهد ماند.

رزم‌حسینی تصریح‌می کند:«حاج‌قاسم‌اهل جناح‌بندی نبود، او شخصیتی فراجناحی داشت؛ شاید هم بتوان گفت که ایشان خودش خط و مشی ویژه ای داشت؛ خط حاج قاسم؛ خطی که فداکاری و خلوص نیت بنیان و اصل آن بود. همهٔ اطرافیان حاجی می دانســـتند که حاج قاسم به اینکه فردی جناح چپ و راست باشد، اهمیت نمی داد و با همه ارتباط می گرفت که چند نمونه در همین جا عرض می کنم. در روز تشییع پیکر مطهرش، دوست مشترکمان



از خارج کشور تماس گرفت، او از بچه های زمان جنگ بود؛ پشـــت تلفن ضمن اینکه بسیار متاثر شده بود برای حاج قاسم می گریست و تعریف می کرد که :«۱۵ سال قبل مشکلی داشتم و آمدم تهران؛ حاج قاسم از من پذیرایی کرد، چون در مقطعی در دوران دفاع مقدس شرکت داشتم و رزمنده جنگ بودم مشکلم را برطرف کرد.» او می گفت این مرد برای من الگوی جوانمردی بود. البته که این فقط یک نمونه نیست؛ نماینده ایران در یونسکو جناب آقای دکتر جلالی طی تماس تلفنی در روز تشییع حاج قاسم از پاریس برایم تعریف کرد که در خارج از کشور نیز افراد از هر طیف و جناحی و هر طبقه ای شهادت این سرباز را تسلیت می گویند و می گریستند.

از دیگر ویژگی هایی که می شود برای حاج قاسم برشمرد این است که ایشان برخلاف برخی مدیران، پای تمامی تصمیماتش می ایستاد؛ امروز برخی نه فقط پای تصمیمی که گرفته اند؛ نمی مانند، بلکه برای تصمیماتی که خودشان گرفته اند هم سلب مسئولیت می کنند. آزادگی، مروت و جوانمردی حاج قاسم اجازه نمی داد که ایشان پای تصمیمات خود نماند و شـــانه از زیر بار مسئولیت خالی کند.

دیگر ویژگی این ســـردار رشید شهید حاج قاسم سلیمانی ثبات قدم و پایبندی به اهداف انقلاب بود که تا آخرین لحظه آن را ادامه داد.

تواضع و فروتنی در شخصیت سردار بزرگ جبهه ملی و بین المللی یکی دیگر از ویژگی‌های این سردار نجیب بود؛ شهید حاج قاسم سلیمانی بسیاری از خصلت‌های نفسـانی خود را شـــهید کرده بوده و یک افتادگی در شخصیت ایشان وجود داشت.

نکته مهم این است که مقام معظم رهبری از ایشان به عنوان یک مکتب یاد کردند، مکتب سلیمانی.

وظیفه امروز ما در قبال نسل حاضر و آیندگان، ترویج مکتب و سبک شهید سرباز قاسم سلیمانی است. اینکه ایشان وصیت کرد تا با عنوان سرباز قاسم سلیمانی اشتهار یابد، یک درس زندگی است و باید به آن توجه کنیم.

یکی دیگر از ویژگی هایی که این ســـردار بزرگ داشت این بود که جلودار بود.به رزمندگان نمی گفت شما بروید من می آیـــم، خودش جلو می رفت و به دیگران می گفت که بیایید. قاســـم سلیمانی مرد میدان بود و در خط مقدم مبارزه با دشمن همیشه حضور داشت. تجارب نظامی، هوش و اســـتعداد بالا از دیگر ویژگی های این سردار بود.

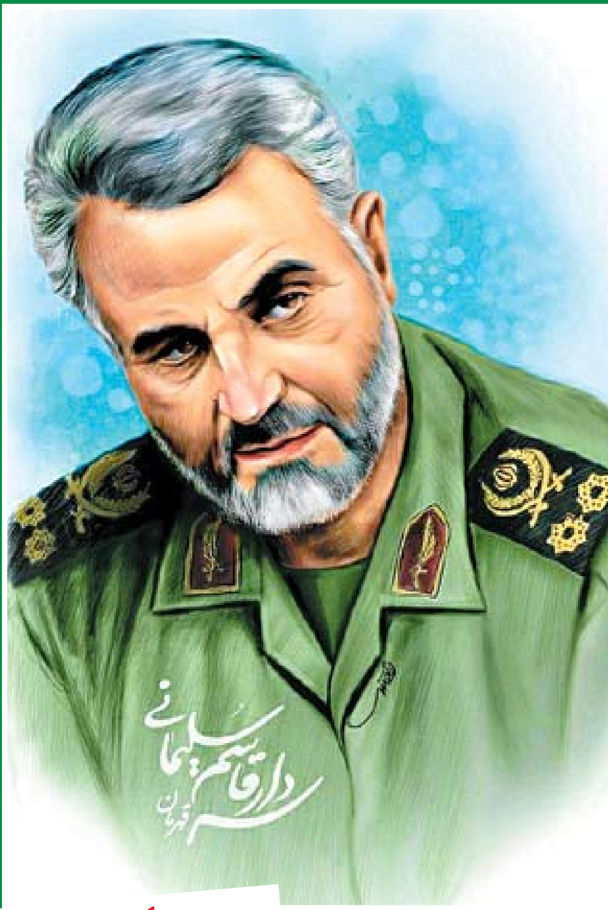
یکی دیگر از ویژگی های شهید حاج قاسم سلیمانی این بود که اعتقاد داشت تمام فرزندان این سرزمین حتی ایرانیان خارج از کشور متعلق به جمهوری اسلامی ایران هستند، لذا دارای جاذبه بود و بسیاری از شخصیت ها در ایران و جهان وی را ستایش می کنند.

رزم‌حسینی‌به‌این‌نکته‌هم‌اشاره‌می‌کند:دستنوشته‌های شهید حاج قاسم ســـلیمانی آنقدر با احساس عمیق و متعهدانه است که اگر روزی منتشر شود، به اندازه شهادت ایشان در عرصه سیاســـت و جهاد قیامت به پا خواهد کرد .

راجع به حاج قاسم و زندگی آسمانی‌اش حرف بسیار اســـت اما رزم حسینی ترجیح می دهد، حرف هایش را خلاصه کند در یک جمله:«شهید سلیمانی ابر مرد میدان های جهاد، آزادمردی، شهادت، سیاست و همراه با تقوا بود ...»

در پایان بخش حرف هایش می گوید: حرف هایی هم وجود دارد که نمی شود گفت و می بایست در سینه ها باقی بماند. سلام و صلوات بر شهیدان و این شهید عزیز ملت ایران؛ شهید سرباز قاسم سلیمانی متعلق به عصرها و نسل های آینده ایران است.

یادآوری رسالتی است که بار آن را اصحاب رسانه، خبرنگاران و تاریخ نویسان باید به دوش بکشند. امید دارد به اینکه با تبیین و ترویج مکتب سلیمانی، مردان عرصه جهاد، سیاست، اقتصاد و علم با تأسی به سیره آزادمردی آن شهید والامقام، در مسیر فتح قله ها گام بردارند.



کوچه‌درکوچه همه‌شهرعزادارشدند

زهرا براتی

اولش حیـــرت و انکار ســـراغم آمد
کم‌کـــم از هر طرفی شـــعلهٔ ماتم آمد
خانه در خانه خبرها تل آوار شـــدند
کوچه در کوچه،همه شهر عزادار شدند
چشممان وا نشده، باز به شب برگشتیم
صفحه‌درصفحه،چهل سال‌عقب‌برگشتیم
خاطره خاطرهٔ جنگ کـــه در یاد آمد
دســـت یاران ســـفرکرده به فریاد آمد
یادمـــان آمـــد از قوم ســـفرها رفتند
گرچه دیری است که از یاد خبرها رفتند
بر ســـر خانهٔ عصیان‌زده آرام شـــدیم
چشم در چشم، همه یکسره تکرار شدیم
چشم در چشم، همه بغض عمیقی بودیم
خیره در ســـرخی تابان عقیقی بودیم
بغض در بغض شکست و همه آزاد شدیم
اوج تاریخ چهل ســـالهٔ فریاد شـــدیم
گرچه ما جنگ ندیدیم، ولی جنگیدیم
صبح یک جمعه‌به‌چشم خودمان‌هم‌دیدیم
صبح یک جمعه که از همهمه بیدار شدیم
همه تعبیر به خونخواهی سردار شدیم...

اما‌توای‌سردار،اوج‌داستانی

زهرا بشری موحد

بـــا کـــودکان زخم‌خـــورده مهربانی
بـــا مـــادران داغ‌دیـــده همزبانـــی
با گریه‌هـــای بی‌پناهان همنشـــینی
لبخند بر لب‌های زخمی می‌نشـــانی
در روزهـــای جنگ،مردی اســـتواری
شـــب‌ها کنـــار مـــردم بی‌خانمانی
آری غریبـــان را غریبان می‌شناســـند
هرشـــام در شـــام غریبـــان میهمانی
غرق امیـــدی گرچه غم هم کم ندیدی
پیداست بشـــر مؤمن و حزنش نهانی
می‌ایســـتی تا فصل پیـــروزی بیاید
باکی نـــدارد ســـرو از بـــاد خزانی
باکـــی ندارد مـــرد از نامـــردی دهر
جنگ است و لای زخم دارد استخوانی
ایـــن ماجرا ماننـــد تو بســـیار دارد
اما تـــو ای ســـردار، اوج داســـتانی
راهی است راه عشـــق، پایانی ندارد...
تا پای جانت عهد بســـتی که بمانی

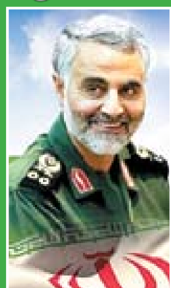
اصلاً‌اگرشهیدنمی‌شد عجیب‌بود

امیرحسن بزرگی متین

در کربلای عشـــق، همیشه حبیب بود
اصلاً اگر شـــهید نمی‌شد،عجیب بود
اهـــل زمین نبـــود، هوایی یـــار بود
پرواز کرد و رفت،دلش بی‌شکیب بود
سجاده شاهد اســـت،برای شهادتش
کارش دعا و گریـــه و أمن یجیب بود
با دشمنان چو صخره و با دوستان چو گل
لبخند او طراوت یک باغ ســـیب بود
با یک نگاه روشـــنش آرام می‌شـــدیم
در چشم او بشـــارت فتحی قریب بود
هرگز نمی‌شـــود که شهیدانه زیست و
از نعمت شهید شـــدن بی‌نصیب بود
ما پیرو توایـــم و اجـــازه نمی‌دهیم
تاریخ،بعـــد تو بنویســـد:«غریب بود»



اطلاعات
پنجشنبه
۲۴بهمن ۱۳۹۸
سال نودوچهارم
شماره ۲۷۴۹۹



اطلاعات
پنجشنبه
۲۴بهمن ۱۳۹۸
سال نودوچهارم
شماره ۲۷۴۹۹

گفتگوی حمید عسگری
همرزم و دوست سردار سلیمانی
با اطلاعات

نگاه غیرنظامی یک رزم آور به آسیب‌های اجتماعی

امیر طوسی‌نژاد– شیما فتح‌نجات



رفع معضلات و آسیب‌های اجتماعی، موضوعی است که طی سال‌های گذشته براساس تأکیدات رهبر معظم انقلاب بیش از پیش مورد توجه ارگان‌ها و سازمان‌های مرتبط با این موضوع قرار گرفته است.

در حقیقت این سازمان‌ها و نهادها براساس قانون و تأکیدات معظم‌له موظفند معضلات اجتماعی و بسترهای ایجاد آنها را از بین ببرند.

در همین زمینه و طی ۳، ۴ سال گذشته جلساتی با حضور رؤسای نهادهای ذیربط در محضر رهبر معظم انقلاب تشکیل و گزارشی از کارها و تدابیر اتخاذ شده، ارائه می‌شود. در حقیقت ایشان با دستور تشکیل چنین جلساتی، بر رفع معضلات و آسیب‌های اجتماعی تأکید دارند و خواستار توجه بیشتر مسؤولان در این عرصه هستند

به اعتقاد کارشناسان و برخی چهره‌های سرشناس کشورمان در بروز و ظهور این معضلات، لازم است برخی روندها و تصمیم‌گیری‌ها در امور اجتماعی اصلاح شوند تا شاهد کاهش آسیب‌ها باشیم. از سوی دیگر، عده‌ای هم معتقدند باید قبل از بررسی‌های کارشناسانه، ابتدا به سراغ مبارزه سرسختانه با متخلفان برویم، یعنی قبل از فرهنگسازی در امور مختلف، برخورد عبرت‌آموز با متخلفان داشته باشیم. یکی از چهره‌های برجسته کشورمان که برخلاف وجهه نظامی‌اش، نگاهی توأم با عطوفت و رأفت به این موضوع داشت، شهید سردار سپهبد قاسم سلیمانی بود. ایشان در مواجهه با برخی آسیب‌های اجتماعی از جمله بدحجابی، هرگز سعی نمی‌کرد با رفتارش، سبب آزردگی خاطر شخصی شود و همواره تأکید داشت باید خودمان را هم در پدیدار شدن آسیب‌ها مقصر بدانیم و با این تفکر، به حذف بسترهای بروز معضلات بپردازیم.

دوستان و نزدیکان این شهید بزرگوار که از نزدیک شاهد اجرای این تفکر حاج قاسم بوده‌اند، بر این موضوع صحه می‌گذارند که هدف ایشان جذب افراد بود و نه دفع. یعنی سردار ابتدا با صحبت و گفتگو با متخلفان، وارد عرصه مبارزه با هر نوع آسیب اجتماعی می‌شد و رفتارهای قهرآمیز را جایز نمی‌دانست.

حمید عسگری، از جمله همرزمان و دوستان صمیمی سردار است که بارها شاهد رفتار مهربانانه این شهید در حوزه رفع آسیب‌ها بوده است.

وی در گفتگو با خبرنگاران ما نگاه شهید سردار سلیمانی به آسیب‌های اجتماعی را چنین تشریح می‌کند: ایشان معتقد بود مردم به‌طور فطری پاک هستند و اگر قصور، تقصیر یا بی‌اعتقادی در بین برخی افراد وجود دارد، ناشی از کم لطفی مدیران است.آقای سلیمانی اعتقاد راسخ داشت به همان اندازه که ما متخلفان را در موضوعی مقصر می‌دانیم، خودمان هم به همان میزان در پدیدار شدن آن معضل، مقصریم و نگوییم هر شخصی حجابش را رعایت نکند، از ما نیست؛ پس این شخص کیست؟

عسگری ادامه می‌دهد: اگر حکومت، خودش را در بروز آسیب‌های اجتماعی مقصر بداند، یک جواب می‌گیریم و اگر خودش را مقصر نداند، جواب دیگری دریافت می‌کنیم. منش و نظر حاج قاسم این بود که ما مقصریم و باید براساس این نگاه با معضلات برخورد کنیم، نه این‌که فرد متخلف را عامل اصلی بروز آسیب‌ها بدانیم.

نحوه برخورد با نظامیان متخلف

پیشکسوت دوران دفاع مقدس به رفتار سردار با متخلفان در حوزه نظامی اشاره می‌کند و می‌گوید: ایشان اغماض زیادی داشت و از روحیه پدرانه بالایی برخوردار بود، ولی در عین حال شخصیت نظامی سردار در برخورد با نظامیان متخلف بر روحیه اغماض ایشان، می‌چربید و از آنجا که برخوردهای ایشان از حب و بغض تهی بود، سبب ایجاد رضایت در شخص مقابل هم می‌شد، زیرا نیروهای حاج قاسم اعتقاد راسخ داشتند که ایشان فقط از روی علاقه، تذکر می‌دهد یا برخورد می‌کند.

حاج قاسم اگر برخوردی با نیروهایش در لشکر ثارالله داشت، پس از مدتی طوری عمل می‌کرد که ناراحتی را از دل طرف مقابل بیرون بیاورد و او را نسبت به خودش راضی می‌کرد.

همرزم حاج قاسم سلیمانی با تأکید بر این‌که باید در گام دوم انقلاب، این شهید را تحلیل و سپس آموزه‌هایمان از ایشان را پیاده کنیم، ادامه می‌دهد: سردار سلیمانی اسوه صبر، استقامت، ایستادگی، رشادت و پایه‌گذار تمدن نوین اسلامی بود.

آشنایی با سردار سلیمانی

سابقه آشنایی عسگری با سردار دل‌ها به مهرماه سال ۵۸ برمی‌گردد؛ زمانی که وارد سپاه پاسداران شد و سه ماه پس از ورود آقای سلیمانی به سپاه، فعالیتش را با ایشان آغاز کرد. در حقیقت آشنایی و همکاری آنها با یکدیگر از مرکز آموزش سپاه آغاز شد و تا سال ۷۶ ادامه داشت.

وی با بیان این‌که تولد سپاه در بحران اتفاق افتاد و ورود ما هم به سپاه در همین زمان رقم خورد، ادامه می‌دهد: آقای سلیمانی ۲۱ ساله بود که وارد سپاه شد و هیچ پیشینه نظامی نداشت. وی پس از گذراندن یک سال دوره آموزشی، قابلیت‌های نظامی‌اش را به مسؤولان نشان داد و مربی نظامی شد.

سردار از سال ۵۹ تا خردادماه سال ۶۰ به عنوان مربی خدمت کرد و پس از آن در عملیات کرخه و طریق‌القدس به عنوان فرمانده به فعالیت خود ادامه داد که در هر دو عملیات هم مجروح شد. در مجموع چهره نظامی ایشان از سال ۵۹ تا ۶۰ شکل گرفت.

همرزم شهید سردار سلیمانی تأکید می‌کند: برای این‌که یک رزمنده، فرمانده شود باید هم در میان نیروهایش مقبولیت داشته باشد و هم سیستم سپاه او را برای انجام این مهم، بپذیرد که ایشان با توجه به توانایی‌هاو محبوبیتی بین بچه‌های رزمنده داشت، ابتدا فرمانده و پس از اجرای چند عملیات، به یک چهره نظامی موفق و کارآمد تبدیل شد.

به قول عسگری، حاج قاسم مصداق آیه شریفه أَشِداءُ عَلَی الکُفار و رُحَماءُ بَیْنَهم بود. مردم مصداق بخش نَخست را طی ۴۰ سال در ایران، سوریه و حوزه مقاومت مشاهده کردند و بخش دوم را پس از شهادت ایشان متوجه شدند.

سردار وابستگی سیاسی نداشت

این پیشکسوت دوران دفاع مقدس در ادامه درباره ویژگی‌های شهید سلیمانی در حوزه سیاسی گفتگو می‌کند و می‌گوید: نخستین ویژگی ایشان در این حوزه این بود که به هیچ جناح سیاسی وابسته نبود ولی در مسائل سیاسی صاحب نظر بود و هیچ وقت علنی نمی‌کرد.

او تفکر نظامی و بینش سیاسی را توأمان داشت که توانست با «پوتین» رئیس جمهوری روسیه گفتگو و او را برای مبارزه با داعش مجاب کند. سردار با این توانایی‌ها، پایتخت کشورهای سوریه، عراق و افغانستان را از لوث طالبان، داعش و سلطه آمریکا پاک کرد و توانست با رفتارهای متفاوت و بعضاً همزمان، چند جبهه را مدیریت کند که این موضوع را دشمنان خیلی بیشتر از خودمان آگاه

* شهید سلیمانی به هیچ جناح سیاسی وابسته نبود
ولی در مسائل سیاسی صاحب نظر بود
و هیچ وقت علنی نمی‌کرد
* حاج قاسم در هر عرصه‌ای
وارد می‌شد، تغییرات فراوانی را رقم می‌زد
و به هر نقطه‌ای که اعزام می‌شد
اراده خود را به دشمن تحمیل می‌کرد

بوده و هستند.

وی تأکید می‌کند: حاج قاسم در هر عرصه‌ای وارد می‌شد، تغییرات فراوانی را رقم می‌زد و به هر نقطه‌ای که اعزام می‌شد، اراده خود را به دشمن تحمیل می‌کرد.

این نکته قابل توجه است که در ۲۰ سال گذشته آمریکا نتوانسته است دولتی را که طرفدار خودش باشد، در عراق بر مسند کار بیاورد و پنج نخست‌وزیر این کشور در این سال‌ها، همگی حامی جمهوری اسلامی بوده‌اند. بنابر این برای آمریکا سخت است که با وجود حضور انبوه نیروهایش و صرف هزینه‌های زیاد مالی، نتواند دولتی را بر مسند بنشاند که حامی‌اش باشد که این موضوع نشان می‌دهد یک نفر به نام قاسم سلیمانی، اراده ضدآمریکایی را در عراق پیاده کرده است.

بنابر اظهارات عسگری، شهادت این شهید بیش از زمان حیاتش، بر مردم عراق تأثیر گذاشت. از سال ۱۹۹۰ تاکنون راهپیمایی سیاسی به وسعت راهپیمایی اخیر در عراق در محکومیت اقدامات آمریکا و تأکید بر اخراج نیروهای این کشور نداشتیم و بذر این وحدت عراقی‌ها در دوران حیات آقای سلیمانی کاشته شد و با خون ایشان به بار نشست.

همچنین زمانی که ۸۰ درصد خاک سوریه اشغال شده بود، حاج قاسم و بشار اسد معتقد بودند می‌توان این کشور را نجات داد؛ آن هم در حالی که در سوریه نیرویی نداشتیم، فقط یک تفکر سیاسی و نظامی داشتیم. یعنی تفکر مبارزه با داعش در سوریه، هم نظامی، هم سیاسی و هم اعتقادی است و همین اعتقاد سه بعدی مبارزه با آمریکا در سوریه، عراق و لبنان توانست جبهه اسلامی را به یکدیگر متصل کند تا در مقابل آمریکا و داعش ایستادگی کنند و آنها را شکست دهند.

وی با تأکید بر این‌که سردار سلیمانی از روحیه‌ای برخوردار بود که هرجا نظام مأموریتی به او واگذار می‌کرد، آن را مهم‌ترین کار می‌دانست، ادامه می‌دهد: برای ایشان جایگاه و محل خدمت تفاوتی نداشت، فقط سعی می‌کرد به وظیفه‌ای که نظام به او محول کرده است، به نحو احسن عمل کند و همه همتش را به کار می‌گرفت تا آن مأموریت به سرانجام خوبی برسد.

*** تفکر مبارزه با داعش در سوریه هم نظامی، هم سیاسی و هم اعتقادی است و همین اعتقاد سه بعدی مبارزه با آمریکا در سوریه، عراق و لبنان توانست جبهه اسلامی را به یکدیگر متصل کند تا در مقابل آمریکا و داعش ایستادگی کنند و آنها را شکست دهند**

*** خداوند پاداش کارهای نیکی که حاجی طی ۴۰ سال انجام داد تألیف قلوب قرارداد و قشرهای مختلف مردم با اعتقادات مختلف اعم از شیعه سنی و زرتشتی به این عزیز علاقه‌مند بودند**

حضور میلیونی مردم در پاسداشت سردار

پیشکسوت دوران دفاع مقدس می‌خواهد از مردمی بودن و خود را از مردم دانستن حاج قاسم به عنوان نخستین ویژگی بارز او بگوید؛ این که آقای سلیمانی هیچ فرقی بین خودش و دیگران اعم از پاسدار یا مردم، نمی‌دید، پاویون، خودرو خاص و گارد محافظتی نداشت و به اندازه‌ای که به خدا نزدیک بود، عزت یافت.

حاج قاسم همچنین مظهر صداقت، تقوا، اخلاص و رسیدگی به محرومان در کنار الهام الهی بود و مردم او را از این جهت دوست داشتند. در حقیقت خداوند پاداش کارهای نیکی که حاجی طی ۴۰ سال انجام داد، تألیف قلوب قرارداد و قشرهای مختلف مردم با اعتقادات مختلف اعم از شیعه، سنی و زرتشتی و... به این عزیز علاقه‌مند بودند و به طور گسترده در مراسم تشییع حضور یافتند.

رفتار سردار با مردم

عسگری درباره نحوه رفتار سردار سلیمانی با مردم می‌گوید: وقتی که مأموریت برقراری امنیت در شرق کشور را در معیت حاجی آغاز کردیم، یک بخش از کار، نظامی بود ولی قبل از این مرحله باید مردمداری می‌کردیم، یعنی همه مردم را اشرار فرض نمی‌کردیم و فقط به دنبال اشرار می‌رفتیم یا حتی مقدمات کشاورزی را برای اهالی فراهم می‌کردیم تا دیگر کسی سراغ قاچاق برای کسب درآمد نرود.

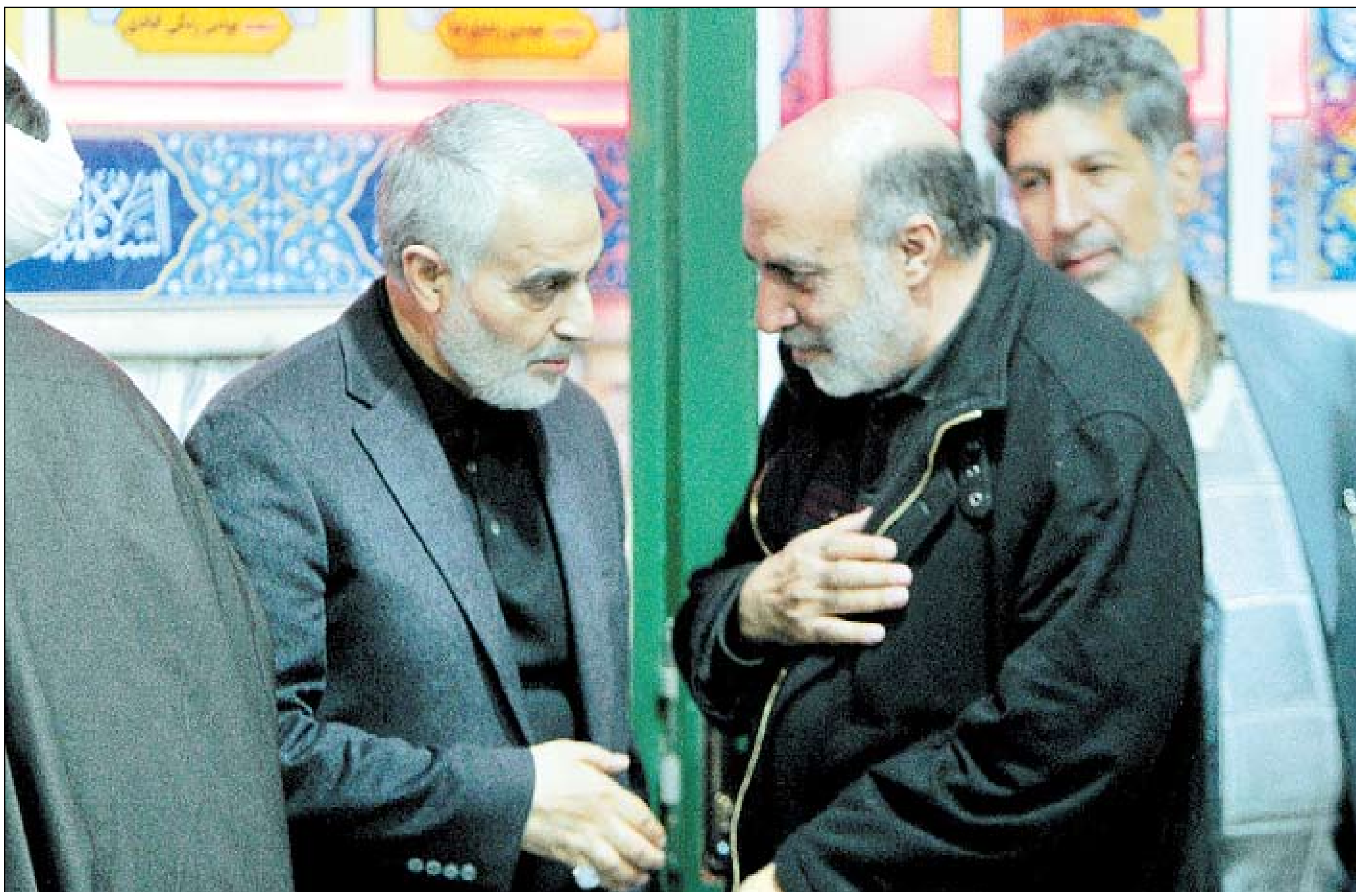
وی برای توضیح بیشتر، خاطره‌ای از نحوه مدیریت بحران در کرمان توسط سردار سلیمانی می‌گوید: در سال ۷۱ یا ۷۲ نیروی انتظامی یک موتورسوار متخلف را تعقیب کرد تا جایی که این فرد هنگام فرار به جدول کنار خیابان برخورد و براثر ضربه مغزی جان باخت. پس از آن برخی مردم، مسائلی را در حوزه ناامنی به راه انداختند. در آن زمان نیروهای مختلف می‌خواستند با دستگیری و شلیک گاز اشک‌آور، وارد میدان شوند و غائله را پایان دهند، ولی آقای سلیمانی با لباس شخصی به میان مردم کرمان رفت و با گفتگو، این موضوع را حل کرد تا از وخیم شدن اوضاع و تخریب بازار، جلوگیری به عمل آید.

همرزم شهید گفتگو را با بیان خاطره دیگری ادامه می‌دهد: ما سال‌ها در لشکر ثارالله کنار هم بودیم و کامل یکدیگر را می‌شناختیم. چند روز قبل از عملیات کربلای ۵، به پیرمردی که ۵ دختر داشت گفتم: در صورت تمایل می‌توانی به مرخصی بروی. در حقیقت می‌خواستم ایشان با رفتن به مرخصی، احتمالا شهید نشود.

آن پیرمرد هنگامی که ساک در دست جبهه را ترک می‌کرد، به‌طور اتفاقی با حاج‌قاسم روبرو شد که گفت: به مقرتان بازگردید؛ نباید مرخصی بروید.

ساعاتی بعد حاجی من را دید و علت موضوع را جویا شد. گفتم می‌خواستم با رفتن ایشان، نیروی جوانی را جایگزین کنم.آقای سلیمانی پاسخ داد: ماجرا این گونه که شما می‌گویید نبوده است، شما می‌خواستید از شهید شدن آن فرد جلوگیری کنید و با خودتان گفتید او ۵ دختر دارد و نکند که شهید شود. اما بدانید که اگر قرار باشد این مرد شهید شود، نمی‌توان جلوی آن را گرفت. خدایی که ایشان را آفریده، مقدرات را هم فراهم کرده است.

این پیرمرد در چند عملیات شرکت کرد و حتی کوچک‌ترین مجروحیت به ایشان وارد نشد و اکنون هم در قید حیات است.







۱۰
اطلاعات
پنجشنبه
۲۴بهمن ۱۳۹۸
سال نودوچهارم
شماره ۲۷۴۹۹

مصطفی مؤذن‌زاده، معاون سردار سلیمانی در عملیات والفجر ۸:

سردار سلیمانی نگاه معتدل‌تری از دیگران به جامعه داشت

آنهایی که سردار سلیمانی را از نزدیک می‌شناختند، همه متفق‌القول از عطوفت او در برخورد با اطرافیان می‌گویند. از شتابزده قضاوت نکردن، همسو نشدن با جوسازی‌های سیاسی و اعتدال در عین بصیرت. مصطفی مؤذن‌زاده، معاون سردار سلیمانی در عملیات والفجر ۸ هم همین عقیده را دارد. او می‌گوید هوش و درک سیاسی سردار سلیمانی آنقدر بالا بود که وارد گرایش‌های سیاسی نشد و در عین حال از تندروی و افراطی‌گری دور ماند. گفتگوی روزنامه اطلاعات را با این همرزم قدیمی شهید سپهبد قاسم سلیمانی بخوانید تا با ابعاد جدیدی از شخصیت این ژنرال برجسته نظامی ایران آشنا شوید.

***

آشنایی ورفاقت شما با سردار چگونه سرگرفت؟

در بهمن ۱۳۶۰ وقتی جبهه رفتم، یکی از دوستان که از دانشگاه بود و با سردار خیلی رفاقت داشت، من را به حاج قاسم معرفی کرد. از آنجا با وی آشنا شدم. به عبارت دیگر زمانی که تازه تیپ‌های سپاه تشکیل می‌شدند و تیپ ثارالله هم در حال شکل‌گیری بود، من مسؤول ستاد تیپ ثارالله و در خدمت سردار سلیمانی بودم. این آشنایی ۵ سال طول کشید و تقریباً در این مدت با هم بودیم. بعد از کربلای ۵ به دلیل کسالت به نوعی ازمسائل نظامی کناره گرفتم و به مجلس و کارهای اقتصادی وارد شدم. آخرین بار هم به اتفاق دوست قدیمی‌مان با ایشان یکی دو ساعتی دیدار و گپ و گفت داشتم.

در آخرین دیدار ایشان که می‌دانست من کسالت دارم، یادآور شد: دستم درد می‌کند اما به دستم گفته‌ام ببین خودت را اذیت نکن، تو باید مرا تحمل کنی؛ مریضی هم باید ما را تحمل کند. درآن دیدار از او پرسیدم: به نظر می‌آید دوستان می‌خواهند شما را برای ریاست‌جمهوری کاندیدا کنند. می‌خواهی کاندیدا شوی؟ سردار به شدت انکار کرد و گفت: دوستانی برای این موضوع آمده‌اند ولی من اصلا قصد و تمایل ندارم وارد حوزه سیاسی و ریاست جمهوری شوم. من کار و مسائل مشخص دارم و دوست ندارم وارد صحنه‌های دیگری شوم.

عدم گرایش سردار سلیمانی به دسته‌بندی‌ها و گروه‌گرایی‌های جامعه چه بود؟

هوش و درک سیاسی ایشان آنقدر بالا بود که تشخیص بدهد وارد گرایش‌های سیاسی نشود. او معتدل و غیر افراطی بود و از تندروی چه در زمان جنگ و چه در سال‌های اخیر پرهیز می‌کرد. مضافا این‌که به دلیل ارتباطات بین‌المللی، در فضای سیاسی و دسته‌بندی‌ها داخل نمی‌شد.

> *در آخرین دیدار، سردار سلیمانی که می‌دانست من کسالت دارم، یادآور شد: دستم درد می‌کند اما به دستم گفته‌ام ببین خودت را اذیت نکن، تو باید مرا تحمل کنی؛ مریضی هم باید ما را تحمل کند
>
> *در دیداری از حاج قاسم پرسیدم: به نظر می‌آید دوستان می‌خواهند شما را برای ریاست جمهوری کاندیدا کنند. می‌خواهی کاندیدا شوی؟ سردار به شدت انکار کرد و گفت: دوستانی برای این موضوع آمده‌اند ولی من اصلا قصد و تمایل ندارم وارد حوزه سیاسی و ریاست جمهوری شوم. من کار و مسائل مشخص دارم و دوست ندارم وارد صحنه‌های دیگری شوم

برای تربیت و پرورش نیروهای خدوم در مسؤولیت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی چه می‌کرد؟

ایشان کارشان اقتصادی وسیاسی نبود، گرچه ممکن بود گوشه‌ای از کارشان به مسائل اقتصادی ، فرهنگی و... برخورد کند و غیر متمرکز درگیر این مسائل شود، اما نه اینکه مدیر اقتصادی وفرهنگی به معنای عام تربیت کند. در مجموع حواشی ایشان خوشبختانه بسیار کم بود.

دربعد فعالیت بین المللی، در ملاقات با آقای لاوروف، وزیر خارجه روسیه به ایشان گفت: در جهان اسلام، شیعه و سنی برخلاف آنچه که فکر می‌کنید دارای مرز نیستند. آنها در بسیاری از اعتقادات وجه مشترک دارند. در واقع ایشان می‌خواست تصویر مثبتی از جهان اسلام به لاوروف نشان دهد. درهمین حال از عکس‌العمل‌های نشریات بین‌المللی و جمع‌بندی آنها و همچنین بازتابی که بعد از شهادت ایشان صورت گرفت، مشخص می‌شود که چه تأثیر بنیادی و پرآوازه‌ای درمنطقه وجهان داشت. حتی مناظره یکی از ژنرال‌های آمریکایی با آقای موسویان را می‌خواندم که ژنرال آمریکایی گفته بود ما دلمان می‌خواست سردار سلیمانی با ما بود؛ زیرا او یک نابغه بود. این گونه تعاریف و تحسین‌ها و عکس العمل‌ها، بهترین بازتاب بین‌المللی است.

تعهد و وظیفه‌شناسی ایشان نسبت به تحقق اهداف نظام و تأثیر این نوع نگاه که خود را در مراسم تشییع پیکر سردار نشان داد، چگونه می‌بینید؟

نوع رفتار ایشان نشان داد که می‌خواسته خدمت کند و احساس مسؤولیت می‌کرده است. ما در جنگ این را شاهد بودیم. در جنگ یک فرمانده می‌تواند سر خط اول، دوم یا سوم باشد، اما ایشان همیشه از جمله در عملیات والفجر ۸ که معاون سردار بودم، حتی از لب اروند عملیات را



اطلاعات
پنجشنبه
۲۴بهمن ۱۳۹۸
سال نودوچهارم
شماره ۲۷۴۹۹

هدایت می‌کرد و همچنین در عملیات کربلای ۱ که مهران را از عراقی‌ها پس گرفتیم.

خاطرم هست می‌خواستیم به سمت قلب جبهه برویم. ســـــردار سلیمانی به اتفاق یکی از بچه‌های اطلاعات عملیات و با موتورسیکلت رفت و منتظر نشد که خط پاکسازی شود؛ در حالی که عراقی‌ها در منطقه پراکنده بودند. این یعنی احساس مسؤولیت در قبال نیروها. تعهد و مسؤولیت ایشان بسیار بالا بود. اگر حمله‌ای از دشمن می‌دید، جلو می‌رفت و واقعاً در میدان جنگ حضور کامل داشت.

تصوری که مردم از یک نظامی دارند، تصور یک آدم خشـــــک و خشن است، اما ایشان رفتاری دوگانه داشت؛ هم در میدان جنگ دارای صلابت بود، هم بسیار احساسی بود.

حتی غذای رزمنده‌ها را به عنوان یک فرمانده کنترل می‌کرد، خانواده یا فرزند شهدا را تحت نظر داشت و با فرماندهان یگان‌ها که اغلب جوان بودند، در کنار صلابت برخوردی دوستانه داشت.

یادم هســـــت در منطقه فاو که بسیار حساس بود و باید کنترل می‌شد، ایشان به یک بسیجی که وظیفه دژبانی ازمقری را داشت گفته بود: هیچ‌کس را به داخل راه نمی‌دهی. شـــــب بعد من و حاج قاسم با خودرویی رفتیم منطقه را ببینیم. رسیدیم به این دژبانی و کلاه‌هایمان را پایین کشیدیم تا ما را نشناسد. گفتیم می‌خواهیم برویم داخل. قبول نکرد. نیم ســـــاعت اصرارکردیم، نشد. حتی گفتیم ما از طرف حاج قاسم سلیمانی نامه داریم، اجازه بده وارد شویم؛ اجازه نداد که نداد. سرانجام کلاه را کنار زدیم و مأمور بسیجی تا ما را دید، اجازه داد عبور کنیم. این نشانه حرف‌شنوی نیروها از سردار از یک طرف و دقت سردار در مسائل حفاظتی ازطرف دیگر بود. آن شب سردار از ماشین پیاده شد، مأمور دژبان را بوســـــید و از او تشکر کرد. این مدل رفتاری ویژه، مختص سرداربود.

وی همچنیـــــن شـــــخصیت جذابـــــی در سخنرانی‌هایش داشـــــت که تلفیقی از استدلال و احساس بود.وی که با خیلی از نیروهای خارجی سروکار داشت، نسبت به افراد و مدیران دیگر، نگاه بازتر و معتدل‌تری به مسائل جامعه داشت.

قدرشناسی مردم از سردار درتشییع میلیونی پیکر ایشان، متجلی شد.

واکنش جامعه نشان داد که اگر انسانی خدمت کند، روح جامعه آن را می‌فهمد و تقدیر و تشکر می‌کند. این عکس‌العمل طبیعی جامعه است. جامعه احساس می‌کند باید تقدیر کند. این معنی آن جمله است که اگر به خلق خدا خدمت کنی، خداوند به شما عزت می‌دهد و خلق خدا هم جبران می‌کند. فکر می‌کنم این عکس‌العمل درست و طبیعی جامعه به خدوم جامعه بود. در واقع جامعه احساس کرد که سردار برایش خدمت و فداکاری کرده است و مردم به دور از هیاهو پاسخ دادند.

راز خاکسپاری سردار در کنار شهید حسین یوسف‌الهی چه بود؟

حســـــین یوسف الهی، مســـــؤول اطلاعات عملیات لشکر ۴۱ ثارالله بود؛ یک بسیجی مخلص و باشعور. این شهید وقتی در«هور» ما را با قایق در موج‌ها می‌برد، مصراعی از مولانا را می‌خواند که «ما را که برد خانه؟ چون کشتی بی‌لنگر، کژ می‌شد و مژ می‌شد.» ملاحظه بفرمایید؛ انسانی که باید برای شناسایی مواضع دشمن برود، چنین روحیه لطیفی داشت و سردار سلیمانی هم ایشان را خیلی دوست داشت. حتی سردار در یک سخنرانی از ایشان خیلی تعریف کرد و گفت: حسین الهی فراتر از این دنیا بود و چنین شد که ســـــردار وصیت کرد در کنار ایشان دفن شود.

روایت حاج محمود خالقی رفیق و همدم سردار از روزهای پایانی حیات شهید سلیمانی و آیین تدفین ایشان

۴۰ سال پوتین از پا درنیاورد...

زهره رنگ آمیز

حاج محمود خالقی رفیق وهمدم ۳۰ ساله حاج قاسم سلیمانی در سال ۵۷ در قم به لباس روحانیت درآمد و از آن زمان تاکنون در جایگاه های مختلف از جمله به عنوان مسئول حوزه علمیه فاطمیه کرمان، مسئول آموزش و پژوهش حوزه علمیه خواهران و همچنین معاون آموزشی مرکز مدیریت حوز های علمیه خواهران کشور فعالیت کرده است.

حاج آقاخالقی در گفتگو با "اطلاعات" درباره سابقه آشنایی اش با سردار می گوید: نخستین بار با سردارسلیمانی در عملیات والفجر ۸ ملاقات کردم و در ادامه در کربلای ۴ با ایشان بیشتر آشنا شدم . در سال ۷۱ در معیت حاج قاسم به حج مشرف شدیم و در مناسک حج با هم بودیم و در مسجدالحرام عقد اخوت با یکدیگر بستیم .

وی می افزاید: سال ۸۲، آقای حسنی سعدی دوست مشترکمان که مدتی فرمانده سپاه کرمان بود، بعد اززلزله بم در یک حادثه رانندگی جان خود را از دست داد . حاج قاسم که در این مراسم حضور یافته بود، برای نخستین بار به من گفت: «اگر اتفاقی برایم افتاد غسل و کفنم را به عهده بگیر». همچنین شش سال قبل در مراسم تدفین یکی از علما، سردار سلیمانی باردیگر به من تاکید کرد :« غسالی من را هم انجام بده و در وصیتنامه ام هم این موضوع را نوشته ام.»

خالقی در ادامه تاکید می کند: معمولاً سعی می کردم در جمع ها چند دقیقه ای با سردار تنها و بحث های عاطفی با ایشان داشته باشم. حاج قاسم یک بار خودشان پیشنهاد دادند که صحبتی خصوصی با هم داشته باشیم .ایشان سپس پارچه ای را آورد و گفت:« این پارچه را که ادعیه استحبابی بر آن نوشته شده است امضا کن». این کار برایم خیلی سخت بود، اگر چه قبلاً هم درباره شهادت صحبت هایی با هم داشتیم ، اما این بار سخت تر بود. خطاب به سردا رگفتم:« مادرم به من برای اظهار علاقه می گفت: «الهی بلاگردونت شوم». حالا من این را به شما می گویم. لطفاً من را از امضا کردن معاف کنید.»



ویژگی های سردار

خالقی در بخش دیگری از این مصاحبه درباره خصوصیات شهید سردار قاسم سلیمانی می گوید: شهید سلیمانی کسی است که جهاد را در زمان غیبت امام زمان(ع) انجام داد. او ۴۰سال هر شب با پوتین خوابید. ۲۲سال نیروی قدس و ۸سال جنگ تحمیلی بخشی از جهاد او بود؛ او فرمانده ای نیست که بخوابد و به نیرویش بگوید برو؛ می گوید: « تعالوا »، یعنی خودش به میدان می رفت و به بقیه می گفت: «بیایید».

وی در ادامه با تاکید بر این که حاج قاسم در وصیتنامه شان بنده را به عنوان وصی معرفی کرده اند، ادامه می دهد: ایشان همچنین وصیت کرده بود که انگشتری که نمازهای شب را با آن خوانده است ، داخل قبر و در کنارشان گذا شته شود.

معاون آموزشی مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران کشور از خصوصیات اخلاقی شهید پور جعفری و همراهی دائمی ایشان با سردار یاد می کند و می افزاید: به حال ایشان غبطه خوردم که تا پای شهادت همراه حاج قاسم بود .

وی ادامه داد: روز تدفین پیکر حاج قاسم در کرمان ترس داشتم به مراسم نرسم ، یا من را نشناسند تا این که با آقای رزم حسینی(استاندار خراسان رضوی و همرزم شهید سردار سلیمانی) همراه شدم و ایشان مرا با پیکر سردار همراه کرد.

خالقی تاکید می کند: ساعاتی را با تابوت پیکرهای مطهر شهید حاج قاسم سلیمانی و شهید حسین پورجعفری سپری و راز و نیاز کردیم، ضمن این که منتظر شدیم از میزان جمعیت کاسته و امکان تدفین فراهم شود که طی مشورتی که انجام گرفت این برنامه به طلوع آفتاب و قبل از نماز صبح فردا منتهی شد.

زمانی که پیکر مطهر ایشان را می‌خواستیم به خاک بسپاریم، عبای رهبر معظم انقلاب را کف قبر پهن کردیم و همراه کفن این سردار بزرگ؛ نامه‌ای از یک دختر شهید به همراه انگشترشان قرار دادیم.

از طرفی رسم است که هنگام خواندن تلقین، سر میت را باید به سمت قبله قرار دهند، اما در پیکر مطهر سردار شهید حاج قاسم سلیمانی سری وجود نداشت و همین موجب شده بود در آن لحظات دشوار منقلب و اندوهگین شوم.

معاون آموزشی مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران کشور با تاکید بر این که شهید حاج قاسم سلیمانی همواره در حوادث گوناگون کشور نفر اول عرصه کمک رسانی بود، ادامه می دهد: شخصیت ایشان به گونه‌ای بود که اگر استشمام می‌کردند کسی دل در گرو انقلاب دارد، زیر چتر حمایتی ایشان قرار داشت و جناح‌بندی برایش معنا نداشت.

خالقی با بیان این که این شهید صدها دفتر نوشتاری و دستنوشته از مسائل روزمره، خاطرات، توصیه‌ها و مباحث محرمانه داشت،تاکید می کند: شخصیت ایشان را باید به گونه‌ای ترویج و تبیین کنیم تا آیندگان بدانند شهید حاج قاسم سلیمانی زمینی آمد و آسمانی شد. ایشان به‌رغم این که به روستایی بودن خود افتخار می‌کرد ،اما یک شخصیت جهانی بود و به همین دلیل شخص اول دنیای استکبار دستور ترورش را صادر کرد.

وی در پایان با بیان این که سردار سلیمانی جامع اضدادی مثل شجاعت و عطوفت، عرفان و جهاد، قلم و سلاح، اجتماع وخانواده بود، ادامه می دهد: در مسائل سیاسی اصولگرایی و اصلاح طلبی برای سردار فرقی نداشت و مهم انقلابیگری و ولایتمداری افراد بود.



اطلاعات
پنجشنبه
۲۴بهمن ۱۳۹۸
سال نودوچهارم
شماره ۲۷۴۹۹



میزگرد اطلاعات با همرزمان رزم آور شهید سپهبد سلیمانی

حاج قاسم؛ مصداق بارز «اشداء علی الکفار و رحماء بینهم»

شهید سپهبد قاسم سلیمانی را مردم فارغ از فعالیت‌های نظامی‌اش، با حضور مردمی و همدلانه او در بزنگاه‌های اجتماعی به یاد می‌آوردند. با دعوتی که همیشه به اتحاد داشت؛ فارغ از نژاد و ظاهر و سمت و سوی سیاسی. با حضور صمیمی‌اش در خانه شهدا و دستبوسی از سیل‌زدگان. این ها اما تنها گوشه‌ای از زندگی ۶۲ ساله مردی بود که ۴۰ سال از عمرش را در مبارزه گذراند. برای شناخت بیشتر ابعاد شخصیتی سردار سلیمانی، چه در زندگی شخصی و چه در عرصه نظامی با ۵ تن از همرزمان سابق او به گفتگو نشستیم.

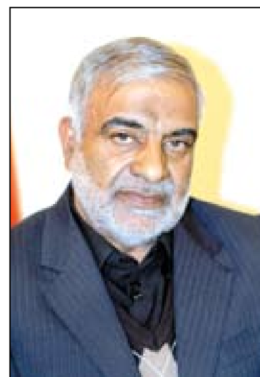
سردار غلامرضا کرمی از اولین روزهای ورود سردار سلیمانی به سپاه با او آشنا بوده است. او فرماندهی سپاه استان کرمان و جانشین سپاه هفتم کرمان رادر زمان فرماندهی سردار سلیمانی در کارنامه دارد و بعدها، نماینده مردم کرمان و راور در دوره‌های هفتم و هشتم مجلس شد. سردار کرمی اکنون مسئول مرکز پژوهش و نشر آثار ستاد بازسازی عتبات عالیات است.

مهندس سید شجاع‌الدین گلسرخی یکی دیگر از همرزمان سردار سلیمانی در دفاع مقدس است که حدود ۶ سال جانشین ستاد لشکر ۴۱ ثارالله بود و در عملیات‌های بسیاری سردار را همراهی کرد . درست مثل سردار محمد حسین کریمیان که از سال ۶۱، وقتی ۱۶ ساله بود با سردار سلیمانی آشنا شد و از همان زمان تا پایان جنگ همرزم سردار فعالیت می‌کرد.

سردار محمدرضا بنی‌اسدی که مسؤولیت آموزش و هماهنگی لشکر ۴۱ ثارالله را در کارنامه دارد در سال‌های جنگ همراه سردار سلیمانی بود. او مسؤولیت طرح توسعه حرم مطهر اباعبدالله الحسین(ع) را هم به عهده داشته و در حال حاضر یکی از مدیران صنایع دفاعی و فولاد و مس است.

سردار علی‌اکبر پوریانی، معاون طرح عملیات تیپ ثارالله بود و در مقطعی دیگر فرماندهی تیپ یکم لشکر ۴۱ ثارالله را به عهده داشت. در عملیات کربلای ۵ فرمانده میدان عملیاتی این لشکر شد و بعدها آن طور که خودش می‌گوید، با توصیه سردار قاسم سلیمانی بعد از عملیات مهران، از جبهه به کرمان رفت و فرمانده کمیته استان کرمان شد . پس از آن هم دوباره با توصیه ایشان به فرماندهی نیروی انتظامی استان کرمان رسید ، اما حالا بعد از سال‌ها، از مسؤولیت‌های نظامی و امنیتی فاصله گرفته و فعالیت اقتصادی دارد.

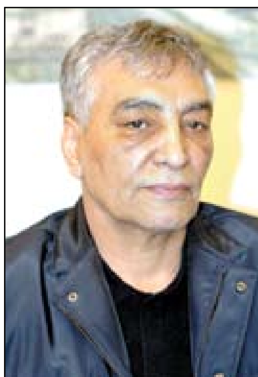
در ادامه خاطرات شنیدنی همرزمان سردار سلیمانی را از سال‌ها همراهی با او می‌خوانید.



سردار غلامرضا کرمی



سردار محمدرضا بنی‌اسدی



سردار علی‌اکبر پوریانی



سردار محمدحسین کریمیان



مهندس سید شجاع‌الدین گلسرخی

شما سال‌ها همراه و هم‌رزم سپهبد قاسم سلیمانی بودید و شاید هیچ‌کس به اندازه دوستان قدیمی ایشان به زوایای شخصیت فردیشان اشراف نداشته باشد. از نحوه آشنایی‌تان با شهید سلیمانی بگویید و ویژگی‌های بارزی که هر کدام در طول این سال‌ها از ایشان شناختید.

سردار کرمی: در تیرماه ۱۳۵۹ فرمانده سپاه شهر رابُر کرمان شدم و طبیعتا با روستای قنات‌ملک که از روستاهای تابع این شهر و محل تولد و زندگی اعضای خانواده شهید قاسم سلیمانی بود هم آشنا شدم و نسبت به ایشان و چگونگی رشد یافتن شخصیت‌شان شناخت پیدا کردم. بخشی از مردم رابُر زندگی کوچ‌نشینی و عشایری داشتند و بخشی دیگر، زندگی شهری. حاج قاسم از طایفه سلیمانی‌ها بودند که هم ترکیب عشایری داشتند و هم در روستای قنات‌ملک، ساکن شده و با کشاورزی و دامداری زندگی می گذراندند. زندگی این گونه از طوایف، دو ویژگی دارد؛ یکی این که قید و بند زندگی شهری و محدودیت و محصور بودن در آن وجود ندارد. یعنی یک فرد عشایر از کودکی با کوه و صحرا و عوامل طبیعی دمخور است؛ بنابراین یکی از خصلت‌های او، شهامت و نترسی است؛ درست برخلاف زندگی شهری که والدین بچه‌ها را از همان ابتدا از زندگی شهری‌می‌ترسانند تا آسیب نبینند. بنابراین شجاعتی که در شخصیت سردار سلیمانی‌می‌بینیم، از همین سبک زندگی نشات می‌گیرد و هر چه جلوتر می‌رویم، یا جلوه‌های آن در سپاه و جبهه‌بیشتر آشنا می‌شویم و می‌بینیم که این شهامت تا آخرین لحظات زندگیشان متبلور است. نکته دوم این که در زندگی عشایری، ارتباطات مردمی، مهمان‌نوازی و صمیمیت نقشی اساسی دارد. این خصلت هم در وجود سردار ما نهادینه شده بود و ارتباط مردمی، رفاقت و نزدیکی‌شان با مردم ساختگی نبود؛ بلکه در ذات او شکل گرفته بود. من این روحیات را در تک‌تک سال‌هایی که ایشان را می‌شناختم، دیده‌ام.

سردار بنی‌اسدی: معتقدم میزان بزرگی انسان‌ها در تحولات جهانی، با اثربخشی آنها مشخص‌می‌شود. بزرگی حاج قاسم سلیمانی با خدمات خالصانه‌ای که به جامعه بشریت کردند، به اندازه طول و عرض جهان است و خون حاج قاسم می‌تواند حرکت‌های موثر و جوانانی را که امروز وارد عرصه شده‌اند را بارور کند.

از نظر من، شاهکار حاج قاسم تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها بود. حدود یک سال قبل در جمع محدودی از دوستان همراه ایشان بودیم و خوب به یاد دارم که می‌گفتند: «باید امام بزرگوار را در همه امور، الگوی خود قرار دهیم. ایشان از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ به مدت ۱۵ سال با برنامه‌هایی که در زندگی فردی و اجتماعی داشتند، کاری کردند که در سال ۱۳۵۷ رژیم دیکتاتوری پهلوی پایان یافت؛ این در حالی بود که ساواک در تمام خانه‌ها لانه کرده و تمام گروه‌ها را از بین برده و صداها را خاموش کرده بود. تمام سران گروه‌ها و احزابی که با رژیم مبارزه می‌کردند از بین رفته بودند. در اوج این تهدید، امام خمینی (ره) فرصتی را خلق کردند و انقلاب اسلامی پیروز شد.» حاج قاسم سلیمانی شاگرد این امام بود و بعد از ایشان هم با ولایی بودن، رهروی مقام معظم رهبری بود. استقامت، دقت، بی‌باکی، تبدیل تهدید به فرصت، خالصانه برای مردم حرکت کردن و بسیاری دیگر از ویژگی‌های شخصیتی امام، الگویی برای حاج قاسم سلیمانی شد.

در طول زندگی سردار سلیمانی، از زمان جنگ که لشکر ۴۱ ثارالله را شکل دادند تا فتوحات جبهه‌ها و برقراری امنیت منطقه جنوب شرق کشور، همه جا «تبدیل تهدیدها به فرصت» در حرکات ایشان دیده‌می‌شود. اوایل که ایشان فرمانده منطقه شرق شده بودند، وضع به گونه‌ای بود که اشرار هر زمان اراده‌می‌کردند باسلاح "دوشکا "وارد شهر کرمان‌می‌شدند و هر که رامی‌خواستند وسط میدان به گروگان می‌گرفتند و بعد از ایجاد رعب و وحشت و رسیدن به مطالباتشان، می‌رفتند؛ اما سردار سلیمانی چنان امنیتی در منطقه کرمان ایجاد کرده بود که دیگر شاهد چنین صحنه‌هایی نبودیم و مردم منطقه جنوب شرق مدیون ایشان هستند. در سپاه قدس هم چنین حرکتی را شاهد بودیم.

> سردار بنی اسدی:
> بزرگی حاج قاسم سلیمانی
> با خدمات خالصانه‌ای
> که به جامعه بشریت کردند
> به اندازه طول و عرض جهان است
> * حاج قاسم با نبوغ نظامی
> بی‌باکی، خلوص و فداکاری
> طوری مقاومت را پیش بردند
> که بزرگترین توطئه قرن (داعش)
> در نطفه خفه شد
> * سردار سلیمانی استراتژیست بودند
> اما مهم این بود که استراتژی‌هایشان
> از نوع «اثربخش» بود

مهندس گلسرخی: حاج قاسم سلیمانی بعد از عملیات کربلای ۵ خطاب به همه رزمنده‌ها اعلام کرده بود: «با زبانی که طهارت آن را ندارد، نمی‌توانم راجع به شهدا صحبت کنم.» من هم از همین جمله وام می‌گیرم و با همه وجودم عرض می‌کنم که زبان من طهارت آن را ندارد که راجع به حاج قاسم سلیمانی صحبت کنم. من از سال ۱۳۶۳ توفیق حضور در محضر سردار سلیمانی را پیدا کردم. قبل از آن مدرسه‌می‌رفتم و بعد از پایان درس، عضو سپاه شدم. سردار سلیمانی را به چهره به عنوان فرمانده لشکر ثارالله می‌شناختیم. یک روز صبح در صبحگاه مشترک لشکر، ایشان صحبت کردند و این جزو ویژگی‌های بارزشان بود که با احساسات و عواطف رزمندگان ارتباط عمیق برقرارمی‌کردند. وقتی قرار بود جوان‌های پرانگیزه را برای عملیات‌های سخت هدایت کند، مستقیم سراغ احساسات و عواطف پاک آنهامی‌رفت و این احساسات را به هیجان می‌آورد و آنها را با روحیه بسیار بالای معنوی درگیر کارمی‌کرد. آن روز با همان روحیه در صبحگاه صحبت کردند و من همانجا با خدای خودم عهد کردم تا وقتی که جنگ ادامه داشته باشد در جبهه بمانم. آن زمان روال این بود که پاسدارها وارد لشکرمی‌شدند و بعد از پایان ماموریتشان برمی گشتند. در واقع جو معنوی که در فرمایشات سردار سلیمانی وجود داشت مرا تحت‌تاثیر قرار داد و الحمدلله توفیق داشتم که به عهدم وفادار بمانم.

از نظر من یکی از بارزترین روحیات سردار سلیمانی، تدبیر ایشان توام با شجاعت بود. تدبیر ایشان نشأت گرفته از اطمینان به نصرت الهی و توکل تمام عیارشان به خداوند در همه ماموریت‌ها بود. لشکر ثارالله یکی از یگان‌هایی بود که در سازماندهی مردم برای حضور در جبهه و جلب کمک‌های مردمی ،در میان دیگر لشکرهای سپاه سرآمد بود. در آن زمان کشور برای اداره جنگ بودجه کافی نداشت. یک روز به عنوان ستاد لشکر ثارالله به قرارگاه کربلا رفتم و از آقای دانایی که معاون عملیات قرارگاه کربلا بود درخواست گلوله آرپی‌جی برای عملیاتی که در پیش داشتیم کردم. ایشان حواله ۳۰۰ گلوله آرپی‌جی را برای لشکری که قرار بود عملیات بزرگی انجام دهد نوشت! این وضع پشتیبانی جنگ و میزان مظلومیت رزمنده‌ها بود. اما در چنین شرایطی حاج قاسم تدبیر خلاقانه‌ای در تاسیس و سازماندهی لشکر ثارالله به کار برد. روش این بود که به ازای هر شهرستان دو گردان رزمی سازماندهی کردند که از بین مردم همان منطقه رزمنده‌ها را تعیین و از میان خودشان فرماندهی تعیین‌می‌شد. خود مسؤولین شهرستان و استان را هم برای پشتیبانی از یگانشان بسیج می‌کردند. به نظر من این اوج تدبیر در وضع آن روزهای جنگ بود.

شهید سلیمانی همین تدبیر را بعدها در سازماندهی نیروهایی که قرار بود در مبارزه طولانی مدتشان در سوریه و لبنان کمک کنند، به کار بردند. حزب‌الله را ایشان سازماندهی کردند. نیروی قدس و سپاه پاسداران از قبل هم بودند، اما ساز و کار و سازمانی که مبتنی بر طرحی مدون و تدبیری مشخص باشد، وجود نداشت. بعد از حضور سردار سلیمانی در نیروی قدس این اتفاق افتاد و ایشان حزب‌الله را به مرحله‌ای از رشد و تکامل رساندند که جنگ ۳۳ روزه را پشت سر گذاشت و بینی اسرائیل را به خاک مالید. وضعی که در سوریه و عراق شاهد بودیم هم به همین منوال بود و همه توفیقاتی که سردار سلیمانی در مبارزه با اسرائیل و داعشی‌های ملعون به دست آورد، ناشی از تدبیری بود که ایشان در بسیج مردم، افکار عمومی و ظرفیت‌ها به کار برد. من این را ناشی از نبوغ ایشان می‌دانم. تجربه عملی ایشان هم به کمکشان آمد و چنین موفقیت‌های بزرگی را رقم زد.

بنی‌اسدی: طراحی هوشمندانه‌ای که سردار سلیمانی در جبهه مقاومت در لبنان انجام داد و جنگ ۳۳ روزه موضوع بسیار مهمی است. همچنین اتفاقی که درجنگ ۲۲ روزه در غزه افتاد و بعد از سال‌ها ظرف ۸ روز، ابهت اسرائیل در منطقه فرو ریخت و دیگر هم نتوانست هیچ حرکتی انجام دهد و هر بار اسرائیلی‌ها مجبور به عقب‌نشینی بیشتر از مواضعشان شدند. سردار سلیمانی در جنگ ۳۳ روزه حضور فیزیکی داشت اما اثرگذاری ایشان فراتر بود و آمادگی‌هایی که از قبل در محور مقاومت ایجاد کرده بود ، آمایش سرزمینی که انجام داده بودن و طراحی هوشمندانه جنگی که داشت منجر به این نتیجه پیروزمندانه شد.

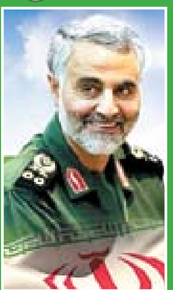
سردار پوریانی: من از سال ۱۳۵۶ با حاج قاسم سلیمانی آشنا شدم. قاسم فردی شبیه جوان‌های دیگر بود؛ با سختی زندگی‌اش را شروع کرد و زیر و بم‌های زندگی عشایری را از سر گذراند. پدرش تعریف می‌کرد که کارگر بودند و روی زمین‌های دیگران کارمی‌کردند. به هر نحوی بود، حاج قاسم به کرمان آمد و مثل همه جوان‌ها که دوست دارند بهتر به چشم بیایند، در کنار کار، ورزش هم می‌کرد. من آن زمان بوکس کارمی‌کردم و حاج قاسم در زورخانه جهان، ورزش بدنسازی و زورخانه‌ای انجام می‌داد و مسابقات بوکس ما را هم از نزدیک تماشامی‌کرد. آشنایی ما از آنجا شکل گرفت و بعد، به مسجد کشیده شد. ماه‌های مبارک پای منبر روحانیون مسجد جامع کرمان‌می‌نشستیم و آنجا ارتباط ما بیشتر شد. سال ۱۳۵۹ بود که حاج قاسم درخواست کرد وارد سپاه شود و قابلیت‌های خود را در مراحل مختلف نشان داد.

کرمی: من آن زمان یکی از مصاحبه‌گران سپاه و از مسئولان تحقیق و بازرسی (گزینش) بودم. پاسدار بودیم و تازه انقلاب کرده بودیم و نگاهمان هم کاملا مکتبی بود. روزی دیدم جوانی از در وارد شد ، موهای فر دارد، قیافه ورزشکاری که پرورش اندام کار کرده، پیراهن آستین کوتاه به تن کرده، کمربند پهنی دارد و سینه ستبر کرده. ظاهرش را که دیدم به ذهنم آمد این جوان مناسب سپاه نیست. نظرم به عنوان یک مصاحبه‌گر منفی بود اما تنها مصاحبه‌کننده من نبودم. بعد از من مصاحبه کننده دیگری با ایشان مصاحبه کرد و در نهایت مسؤولان مربوطه تصمیم گرفتند حاج قاسم جذب سپاه شوند. بعدها برای چندین سال من جانشین ایشان بودم و یک وقت‌هایی که‌می‌خواستند شوخی کنند، می گفتند من همانم که چون آستین کوتاه تنم بود کرمی نمی‌خواست وارد سپاه شوم.

پوریانی: در دوره‌ای که حاج قاسم معاون آموزش سپاه بودند یکی از دوستان همراه ایشان تعریف‌می‌کرد که یک روز دیدیم در محوطه آموزش حاج قاسم دوباره به اصطلاح خوشتیپ کرده. گفتیم تو باز هم آستین کوتاه می‌پوشی؟ گفت :می‌خواهم بپوشم که بگویم نباید بر اساس ظاهر افراد قضاوت کرد.

مثل همان صحبتی که سال گذشته هم سردار مطرح کردند و گفتند «آن دختر کم حجاب هم دختر





من است»...

پوریانی: بله. دقیقا. دو سال پیش هم در جلسات سالانه‌ای که حاج قاسم با رزمندگان داشتند، گفتند: «این شهدایی که می‌بینید، اگر زنده بودند الان یکی طرفدار این جناح بود، یکی طرفدارآن جناح.همان‌طور که خیلی از آنها اگر شهید نشده بودند، امروز سردارانی بودند که عکسشان را در حسینیه نصب می‌کردیم؛ بنابراین، در مقابل هم جبهه نگیریم و با هم رفیق باشیم.» لشکر ثارالله کرمان تنها لشکری بود که همه بچه‌ها با هم ارتباط داشتند و در طول سال بچه‌های همه شهرستان‌های استان سالی یکی دوبار به بهانه روضه یا برای رفع مشکلات دور هم جمع‌می‌شدند که امیدواریم این سنت حسنه با همت بزرگان لشکر ادامه پیدا کند و بتوانیم این انسجام و دوستی و مودتی که بین عزیزان هست راحفظ کنیم.

سردار کریمیان: یکی دو سالی بود که حاج قاسم مدام تاکیدمی‌کردند که «برای من فقط با پیشکسوتان و گروه قاریان قرآن و... جلسه نگذارید. با جوان‌های امروزی که همه فکر می‌کنند مشکل دارند هم جلسه بگذارید. من دوست دارم با آنها دیدار کنم.»

پوریانی: سردار وقتی سوار هواپیمامی‌شد امکان نداشت یک جوان به اصطلاح امروزی را ببیند و آن جوان را کنار خودش ننشاند و تا آخر پرواز با او گرم نگیرد. البته همانقدر که در ارتباطات مردمی منعطف بودند، در امور نظامی بسیار سختگیر و جدی بودند و کسی جرات‌نمی‌کرد دست از پا خطا کند. حتی به خودش هم سختی می‌داد و قاطعیت بسیار زیادی داشت. سراسر زندگی حاج قاسم پر از تلاش و تکاپو بود؛ خلاقیت دیپلماسی او، هنر جنگ، تعیین استراتژی، تاکتیک و... چیزهای کوچک و ساده‌ای نیست که بتوان درباره آن به راحتی صحبت کرد. قاسم همیشه در میدان بود و فرماندهان نظامی آنقدری که او را در میدان دیده بودند، خودشان در میدان حضور نداشتند. در سپاه قدس هم، خلاقیت حاج قاسم را شاهد بودیم. اومی‌توانست هزاران نیروی سپاهی را به دفاع از حرم بفرستد، اما همانجا هزاران نیرو ایجاد کرد. نیاز نبود سپاهی در لبنان و عراق داشته باشیم. این هنر فردی حاج قاسم بود. از سوی دیگر، قدرت مذاکره و دیپلماسی او را با فرماندهان نظامی، عناصر سیاسی و روسای جمهوری دیگر کشورها ببینید. برخورداری از این ویژگی‌ها نیاز به توانمندی‌های بالایی دارد که حاج قاسم از آن برخوردار بود.

> سردار کرمی:
> حاج قاسم هر مأموریتی را که به دوش می‌گرفت آن را بسیار جدی می‌دید و همه ابعاد را خودش مدیریت می‌کرد
> * سردار سلیمانی یک وقت‌هایی که می‌خواستند شوخی کنند، می‌گفتند: من همانم که چون آستین کوتاه تنم بود، کرمی نمی‌خواست وارد سپاه شوم
> * خیلی از فرماندهان ما در دوران دفاع مقدس به شهادت رسیدند اما خداوند می‌خواست حاج قاسم حفظ شود و در مراحل بعدی به نجات کشور بیاید

شما این توانایی سردار سلیمانی را از نبوغ ایشان می‌دانید یا تجربه‌ای که از جنگ و مبارزات پیشین کسب کرده بودند؟

پوریانی: ارتباطات معنوی و اخلاصی که در وجودش بود، باعث این الهامات‌می‌شد. حاج قاسم یک آدم معمولی بود اما برتری‌های او در ابعاد مختلف نمودار شد که به نظر من، جز با وصل بودن انسان به یک قدرت بالای معنوی امکانپذیر نیست. ایشان اصلا روی زمین راه‌نمی‌رفت. زمینی‌ها رانمی‌دید؛ آسمانی بود. به هر حال همه ما روایاتی را از معصومین خوانده‌ایم که می‌توانیم رویدادها را با آنها تطبیق دهیم. گاهی آدم موضعگیری‌ها، برداشت‌ها و روش‌هایی را می‌بیند که باور نمی‌کند زمینی باشند. بعد از شهادت حاج قاسم سلیمانی که از کرمان برمی گشتیم، ماشینی از جلویمان گذشت که پشتش نوشته بود: «سردار سلیمانی قویتر بود یا شهید سلیمانی؟ این سئوال بسیار پرمعنایی است. شهید سلیمانی در زمان حیاتش منشأ اثرات و خدمات بی‌شماری بود و بعد از شهادتش هم اثرات خون این اسطوره رستاخیزی را به پا کرد.

از شهید قاسم سلیمانی به عنوان یکی از گزینه‌های انتخابات ریاست جمهوری در دور بعد یاد می‌کردند. سردار با شما که از نزدیکان ایشان بودید، در این باره صحبتی نکردند؟

پوریانی:یکی دو سال قبل در یک جمع خصوصی از کاندیدا شدن حاج قاسم سلیمانی برای ریاست جمهوری صحبت شد و کسانی که در جمع بودند دلایل و شواهد محکمی‌می‌آوردند که‌می‌خواهند ایشان را کاندیدای انتخابات کنند. حاج قاسم پرسید: به نظر شما این اتفاق خوبی است؟ همه متفق‌القول گفتیم: نه. ایشان گفتند: من هم همین نظر را دارم و هرگز خودم را وارد این ماجراهانمی‌کنم. دلم‌نمی‌خواهد موقعیت و شرایطی را که به من رو کرده است رادستمایه قرار دهم تا کاندیدای ریاست جمهوری شوم.» ۶، ۷ ماه قبل دوباره در جمعی همین بحث مطرح شد و دوستان به ایشان گفتند شرایط امروز خیلی فرق کرده و جدی‌تر شده است و دارند روی شما به عنوان گزینه قطعی ریاست‌جمهوری صحبت می‌کنند. حاج قاسم گفتند : «هرگز چنین چیزی نیست، اگر ولی امر بر این موضوع تاکید داشته باشند با ایشان صحبت می‌کنم و سعی می‌کنم قانعشان کنم که این کار را نکنم؛ اما اگر احساس کنم آبروی من به درد حفظ نظام‌می‌خورد، حاضرم در انتخابات شرکت کنم.»

تعامل سردار سلیمانی با دوستان و همرزمانشان چطور بود؟

پوریانی: حاج قاسم مصداق آیه کریمه «ا شدا ء علی الکفارو رحماء بینهم» بود. همانقدر که با دشمنان سخت می گرفت با دوستان و همرزمانش مهربان بود. همیشه همرزمانش را به هر نحو ممکن، حمایت و مراقبت‌می‌کرد. سه چهار سال قبل که خبردار شده بود یکی از همرزمانش عمل جراحی دارد، از مأموریت برگشت و مستقیم به بیمارستان رفت، ۵ ساعت پشت در اتاق عمل ماند تا آن رزمنده جراحی شود و اگر چیزی نیاز دارد، حاج قاسم در دسترسش باشد. در حل و فصل مشکلات خانوادگی دوستان و همرزمانش هم همین قدر حساس بود. حقی را باطل‌نمی‌کرد اما به عنوان یک فرمانده، وظیفه خودش می‌دانست که تا آنجا که امکان دارد از اطرافیانش حمایت کند.







کریمیان: حاج قاسم سلیمانی در بحث عبادی روز به روز خودساخته‌تر می‌شد و غرور و تکبر را زیر پا گذاشته بود. هر چه بزرگترمی‌شد، عبادتشان بیشترمی‌شد. یکی از بارزترین ویژگی‌های ایشان تواضع بود. ایشان در جوانی و قبل از ورود به سپاه، در سازمان آب کرمان کارمی‌کردند. دو سال قبل –دراین زمان آنقدر معروف شده بودند که همه‌می‌خواستند با ایشان ملاقات کنند و عکس بگیرند– دو نفر از همکاران سابق ایشان به روضه حسینیه ثارالله آمدند و گفتند ما از همکاران حاج قاسم هستیم. من موضوع را به اطلاع ایشان رساندم و حاج قاسم بلافاصله پرسیدند: کجا هستند؟ در چشم به هم زدنی سراغشان رفتند و از آنها خواستند تا شام را در کنار هم بخورند. یعنی نگاهشان این نبود که اکنون جایگاهشان فرق کرده است و دیگر کارگر سابق نیستند. یا مثلا یکی از کارمندان هتل‌های سابق کرمان که حالا دیگر سن و سالی از او گذشته بود و اوضاع شغلی بسامانی هم نداشت، به عنوان پیمانکار آشپزخانه در یکی از جلسات استانداری کرمان حضور داشت. حاجی یک دفعه متوجه حضور ایشان شد، بلند شد سراغش رفت، دست او را گرفت و آورد کنار خود نشاند و به همه معرفی کرد. گفت: «من پیش این آقا کارمی‌کردم و این آقا صاحب‌کار من بوده». یعنی برخلاف خیلی‌ها، گذشته خودش و دوستانش را پنهان‌نمی‌کرد.

یکی از مواردی که ایشان حساسیت ویژه‌ای روی آن داشتند، خانواده و فرزندان شهدا بودند و همیشه سر زدن به آنها را توصیه‌می‌کردند. هر وقتِ خالی‌ای که پیدا می‌کردند، مثلاً در مسیر رسیدن به جلسه، تلفن را برمی‌داشتند و حداقل به ۱۵-۱۰ نفر از مادران و فرزندان شهدا زنگ می‌زدند و احوالشان را می‌پرسیدند. هر بار هم که به منزل خانواده شهدامی‌رفتند، مثل یک مهمان رسمی رفتار نمی‌کردند. عین یک فرزند یا دوست وارد خانه آنهامی‌شدند و با همه اعضای خانواده شوخی می‌کردند. یکی از مواردی که باید به آن اشاره کنم، رفتار حاج قاسم با خانواده شهید علی شفیعی است که برای همه زبانزد بود. شهید شفیعی از خانواده بسیار ضعیفی بود که مادرش تنها دو فرزند داشت و به سختی با کار و تلاش آنها را بزرگ کرده بود. یکی از این دو فرزند، بر اثر ابتلا به حصبه جان باخت و تنها علی ماند که همه زندگی و دارایی آن زن بود و او هم در جنگ شهید شد. حاج قاسم چند ماه اول بعد از شهادت علی، مادرش را به خانه خودشان بردند و پیرزن با خانواده آنها زندگی می‌کرد. بعد هم هر سفری که حاج قاسم به کرمان‌می‌رفتند به ایشان سرمی‌زدند؛ انگار که به دیدن مادر خودشان رفته باشند. یعنی همانقدر احترام می‌گذاشتند، همان قدر زنگ می‌زدند و احوالپرسی می‌کردند. حتی یک بار به من توصیه کردند اگر روزی

> **مهندس گلسرخی: حاج قاسم مستقیم سراغ احساسات و عواطف پاک جوانان می‌رفت و آنها را با روحیه بسیار بالای معنوی درگیر کار می‌کرد**
>
> *** سردار سلیمانی در هر کاری که وارد شد، به بهترین و کامل‌ترین نحو آن را به پایان رساند. برخوردهایشان با یک معضل، مقطعی یا مصداقی نبود بلکه طوری برخورد می‌کردند که آن معضل ریشه‌کن شود**
>
> *** در سال‌های پایانی جنگ محور اصلی همگرایی و بسیجی که میان فرماندهان اتفاق افتاده بود و مانع از سقوط دوباره خرمشهر شد، سردار سلیمانی بود**

مادر شهید شفیعی فوت کرد، به هیچ عنوان نباید کسی حس کند ایشان کسی را نداشته‌اند؛ باید برایشان مراسم آبرومندانه‌ای‌بگیریم.

حاج قاسم سلیمانی خصلتی داشتند که حتی خارجی‌ها هم جذب ایشان می‌شدند. یک روایتی هم شنیده شده بود که اوباما می‌گفت کاش من ژنرالی مثل سردار سلیمانی داشتم.

کریمیان: همین‌طور است. من ماجرای این اظهارنظر اوباما را از خود حاج قاسم سؤال کردم. گفتند آقای سیدحسین شهرستانی که وزیر نفت عراق بود همراه با نخست وزیر این کشور، پیش آقای اوباما رفته بودند و آنجا اوباما گفته بود با این که قاسم سلیمانی دشمن ما است، اما برای او احترام خاصی قائلم.

در جریات مبارزه با داعش مواردی بوده که سپهبد قاسم سلیمانی با آمریکایی‌ها توافق‌هایی کنند؟

پوریانی:خاطرم هست که در یکی از صحبت‌های خصوصی‌مان با حاج قاسم، گفتند زمانی که آمریکایی‌ها در مرحله اول‌می‌خواستند خاک عراق را ترک کنند، فرماندهانشان به حاج قاسم پیغام داده بودند که در حال رفتنیم شما آبروی ما را حفظ کنید. مثلا مراقبت کنید بمب‌گذاری نکنند یا مشکلی در مسیر پیش نیاید و آبرومندانه از منطقه خارج شویم.

توانایی مدیریت و ساماندهی سپهبد قاسم سلیمانی در کنار نفوذی که در افراد داشتند، ایشان را به یک چهره کاریزماتیک تبدیل کرده بود. در سال‌های دوستی و رفاقت، این ویژگی سردار سلیمانی را چطور دیدید؟

پوریانی:پاسخ این سئوال را با یک خاطره می گویم. عملیات بیت‌المقدس بودو در محور عملیاتی بین سیدجابر، فرسته و کرخه‌کور عمل می‌کردیم. سمت چپ ما تیپ بچه‌های دزفول بودند و سمت راستمان تیپ نور بود. قرار بود ما خط را بشکنیم و بعد از آن تیپ‌های جناحین بیایند و به هم ملحق شویم و مرحله دوم عملیات را آغاز کنیم. تَک ما تَک فرعی بود و طبق طرح عملیات، باید دشمن به شدت با ما درگیر شود و تیپ‌ها از دو طرف به دشمن حمله کنند . ما موفق به عبور از خط شدیم اما چون جناحین نتوانستند خط را بشکنند، تمرکز آتش روی ما سنگین بود و امکان این که بتوانیم معبری را برای تدارک‌رسانی باز کنیم، وجود نداشت. بنابراین چند روز فقط از امکانات و تدارکات دشمن استفاده کردیم. یکی دو روز گذشته بود و شرایط آنقدر سخت و آتش سنگین بود که امکان ادامه کار وجود نداشت. یک روز در سنگر خوابیده بودیم که حاج قاسم صبح زود از قرارگاه قدس ـ که ما زیر نظر آن عمل‌می‌کردیم ـ آمد و به من و آقای جواد رزم‌حسینی که مسؤول مخابرات بود، گفت: اتفاقاتی در خط افتاده، شما بروید بررسی کنید. رفتیم و گزارش کردیم که شرایط بسیار استثنایی است و با وجود آتش پرحجمی که شب قبل دشمن روی مامی‌ریخت، اکنون علائمی از حضور نیروهای دشمن دیده‌نمی‌شود. این مربوط به همان ماجرای عقب‌نشینی است که صدام به فرماندهانش مدال داد. تدارکاتی را مهیا کردیم و آمدند میدان مینی باز کردند. در میدان مین پیکر شهدای ما در هر گوشه و کناری بود و هر جا را نگاه می‌کردم‌آرایش مین‌ها رامی‌دیدم و آن را در ذهنم با لحظاتی که حاج قاسم داشت فرمان‌می‌داد و با جذبه و کاریزمای ویژه خودش، نیروها را از پشت بی‌سیم به حرکت درمی‌آورد، تطبیق‌می‌دادم. همین مقاومت، ایستادگی و هدایت خوب حاج قاسم باعث شد خط شکسته شود و بچه‌ها رفتند و مواضع را گرفتند و موفقیت‌های بعدی را تضمین کردند.

یکی دیگر از ویژگی‌های نظامی حاج قاسم این بود که از همان روزهای اول جنگ، حتما خودش باید می‌رفت و معبر را می‌دید و در پاکسازی آن از مین‌ها مشارکت‌می‌داشت. درعملیات فتح‌المبین که قراربودبچه‌ها بروند روی ارتفاعات کمرسرخ مستقر شوند، خودرو حاج قاسم در تعقیب دشمن و در دهانه تنگه ابوغریب روی مین رفته بود. بعد که دنبالشان رفتیم دیدیم همراه شهید کازرونی در حال کاوش زمین هستند تا مین‌هایی را که دشمن کار گذاشته بودبردارند و معبر را باز کنند تا بچه‌ها بتوانند تردد کنند. در عملیات بیت‌المقدس هم که عناصر





اطلاعات معابر را برای عملیات شناسایی می‌کردند، حاج قاسم اصرار داشتند خودشان در شناسایی معبر کمک کنند و ما هر قدر سعی کردیم مانع ایشان شویم، نتوانستیم. معبر ناامن بود و دشمن هم کاملا مسلط؛ اما بالاخره با مهندس جمشیدی، مسئول اطلاعات، به معبر رفتند که در آنجا آقای جمشیدی روی مین رفت و حاج قاسم که ورزیده بود، توفیق پیدا کرد آقای جمشیدی را چند متری به عقب منتقل کند و به ایشان کمک برساند. در جنگ‌های پارتیزانی و مبارزه با اشرار هم‌می‌گفتند همراه نیروی انتظامی می‌آیند تا وضع را ببینند. آن زمان من فرمانده نیروی انتظامی کرمان بودم و در یک درگیری در تنگه‌ای قرار گرفتیم و کمین خوردیم. شرایط بسیار سختی بود؛ کف رودخانه گیر کرده بودیم. آتش از بالا می‌بارید و من پی آن بودم حاج قاسم را به گونه ای از مهلکه خارج کنم. می‌خواهم بگویم حتی در مبارزه با اشرار هم ایشان پیشگام بودند تا نحوه درگیری، معابر، توانایی اشرار و تجهیزات آنها را ببینند و موقعیت را شناسایی کنند. این اواخر هم با وجود آنکه در مدارج عالی نظامی قرار داشتند، باز هم همین روحیه و رفتار را داشتند. همیشه‌می‌گفتند: «بیایید» نمی‌گفتند: «بروید». فکر می‌کنم خداوند به ایشان فرصتی داد تا فداکاری و بزرگ منشی‌شان را در عمل به نمایش بگذارند و وقت شهادت‌شان هم که‌می‌رسد از قبل اعلام‌می‌کنند که مرا چطور و کجا دفن کنید. به هیچ چیز دنیا، عناوین نظامی و... تعلق خاطری نداشت و می‌گفت : مرا به اسم سرباز دفن کنید. نه سنگی جدا از سنگ‌های دیگر می‌خواستند و نه جایگاهی متفاوت از شهدا و همرزمان دیگر. برای همین هم وصیت کردند که کنار شهید یوسف‌الهی به خاک سپرده شوند.

سپهبد قاسم سلیمانی در سپاه قدس و عملیات‌های فرامرزی در عراق و سوریه و لبنان، خودشان استراتژی خلق می‌کردند یا استراتژی خلق شده را مدیریت می‌کردند؟

کرمی: در ۴۰ سالی که ایشان مسؤولیت داشتند من در سه مقطع در خدمتشان بودم. ایشان اعتماد به نفس بالایی داشت. بر همین اساس هر مأموریتی را که به دوش‌می‌گرفت بسیار جدی‌می‌دید و همه ابعاد آن را خودش مدیریت‌می‌کرد و بقیه افرادی که با ایشان کار می‌کردند، چون ایشان همیشه جلوتر از همه بود، بقیه به دنبالشان می‌دویدند. ایشان واقعا دارای نبوغ بودند. در بدو ورودشان به سپاه، هیچ‌کس دور حاج قاسم نبود، نه پارتی داشتند، نه از جایی سفارش شده بودند. از آنجاکه قردی ورزیده و شجاع بودند فرمانده آموزشی شدند، بعد هم که جنگ شروع شده، به دلیل همین ویژگی‌ها توانستند خودشان را ثابت کنند. در واقع ایشان هم طراح و برنامه‌ریز بود و هم نبوغ و توان مدیریتی داشت. زمانی هم که شرق کشور، یعنی استان‌های کرمان، سیستان و بلوچستان و جنوب خراسان در اوج ناامنی بودند، ایشان به دلیل تجربه دوران دفاع مقدس و همین ویژگی‌هایی که به عنوان یک فرمانده قدرتمند داشت، این ناامنی‌ها را هم مدیریت کردند.

در آن مقطع من جانشین ایشان در سپاه کرمان در بعداز جنگ بودم و خاطرات زیادی از شجاعت و مدیریت ایشان دارم. یادم می‌آید به دلیل ناامنی کل منطقه شرق، مسئولان وقت تصمیم گرفته بودند برجک‌هایی در جاده کرمان به سیستان و بلوچستان زده شود و جاده اصلی تحت نظارت و کنترل باشد.

حاج قاسم در این مورد، طراحی بسیار دقیق و درستی انجام دادند که نتیجه‌بخش بود. یا در یک مورد دیگر، اشرار جاده زابل– زاهدان را بستند و نزدیک به ۱۰۰ نفر از نیروهای آموزش‌دیده نیروی انتظامی را که با اتوبوس به زاهدان آورده‌می‌شدند، ربودند و به رباط افغانستان بردند. سردار سلیمانی که آن زمان فرمانده قرارگاه قدس جنوب شرق بودند، با مدیریت سریع و پیغام قاطعانه و تهدیدآمیزی که برای اشرار فرستادند، ماجرا را فیصله دادند و اشرار که از جدیت سردار خبر داشتند و شخصیت ایشان را می‌شناختند، گروگان‌ها را تحویل دادند.

در مقطعی دیگر، در شهرستان‌های جنوب کرمان حدود ۷۰–۸۰ طایفه اشرار در درون طوایف نفوذ کرده بودند و ناامنی در اوج خود بود . حاج قاسم با طراحی عملیاتی، تیپ‌های زاهدان، بم، سیرجان و زرهی کرمان را در سه محور ساماندهی و با کمک هوانیروز کرمان به منطقه هلی‌برد و امنیت منطقه را برقرار کردند. آوازه سردار سلیمانی و این حرکت ایشان در منطقه پیچید و باعث شد اشرار همگی تسلیم شوند.می‌خواهم بگویم ایشان به دلیل همین تجارب و تجربیات پیشین از جنگ، عملا یک استراتژیست بودند و در ماموریت‌های نیروی قدس هم به عنوان یک شخصیت همه بعدی و استراتژیست موثر واقع شدند. خیلی از فرماندهان ما در دوران دفاع مقدس به شهادت رسیدند اما خداوندمی‌خواست ایشان حفظ شود و در این مراحل به نجات کشور بیایند.

> سردار پوریانی:سردار وقتی سوار هواپیمامی‌شدامکان نداشت یک جوان به اصطلاح امروزی را ببیند و او را کنار خودش ننشاند و تا آخر پرواز با او گرم نگیرد
> *حاج قاسم همیشه می‌گفت: در مقابل هم جبهه نگیریم و با هم رفیق باشیم
> *سردار سلیمانی یک آدم معمولی بود اما برتری‌های او در ابعاد مختلف نمودار شد که به نظر من، جز با وصل بودن انسان به یک قدرت بالای معنوی امکانپذیر نیست
> *رئیس جمهوری سابق آمریکا گفته بود با این که قاسم سلیمانی دشمن ما است اما برای او احترام خاصی قائلم

ایشان چه در زمان حضرت امام(ره) و چه در زمان مقام معظم رهبری یک ولایتمدار کامل بودند.

همچنین روی اخلاص خود و ارتباط با ائمه بسیار کار کرده بودند و این که‌می‌بینیم منزل خودشان را بیت الزهرا کرده بودند، نشانه همین اخلاص و حب اهل بیت است. ترکیب اخلاص، مدیریت، توکل، شجاعت، فن‌بیان و تجربه باعث شد سردار سلیمانی با شناخت بسیار دقیق از دشمن وارد عرصه شوند و به زیبایی مردم، مسؤولان و دست‌اندرکاران را در چارچوب ماموریت‌ها به کار بگیرند. ایشان دشمن‌شناس بسیار خوبی هم بودند. زمانی که امریکایی‌ها در عراق حضور داشتند، از ایشان سئوال کردیم امریکایی‌ها را چطور می‌بینید؟ گفتند : «این‌ها هیچی نیستند.» حرفشان احساسی نبود؛ از روی شناخت زوایای وجودی آنهامی‌گفتند.

گلسرخی: تا پایان جنگ سردار سلیمانی هم استراتژیست بود و هم استراتژی فرماندهان ارشد و قرارگاه‌ها را به خوبی اجرا می‌کردند. اصلا یکی از ویژگی‌های لشکر ثارالله این بود که همیشه خیلی سریع خط رامی‌شکست و به خوبی استراتژی‌ها را پیش می‌برد، اما بعد از جنگ و در مبارزه با اشرار جنوب شرق کشور و داعش، سردار سلیمانی واقعا به عنوان یک استراتژیست تمام‌عیار برای مبارزه وارد شدند و دیگران از استراتژی ایشان تبعیت‌می‌کردند. حتی فکر می‌کنم در ستاد کل نیروهای مسلح هم تدوین استراتژی مبارزه با داعش، به عهده ایشان بود.

سردار سلیمانی در هر کاری که وارد شد، به بهترین و کامل‌ترین نحو آن را به پایان می رساند.

برخوردهایشان با یک معضل، مقطعی یا مصداقی نبود، بلکه طوری برخوردمی‌کردند که آن معضل ریشه‌کن شود. در بحث تامین امنیت جنوب شرق کشور هم همین اتفاق افتاد، چون نگاه سردار سلیمانی به تامین امنیت یک نگاه عمومی بود نه بخشی. از همه عوامل ایجاد ناامنی در منطقه هم شناخت کافی یا فتند و هم برای حل آن معضلات و مشکلات راه پیدا کردند. مثلا با تدبیر ایشان چند چاه عمیق در جنوب شرق کشور حفر شد تا اشرار را ساکن کنند و از آن به بعد زندگی این افراد از راه اقتصاد درست تامین شود و دیگر دلیلی برای قاچاق یا اقدامات شرورانه وجود نداشته باشد. این مصداق یک استراتژی اثربخش است.

سردار سلیمانی مهم‌ترین شخصیتی بودند که به مبارزه با داعش و تروریسم پرداختند. در این مسیر چه استراتژی‌ای داشتند؟

بنی‌اسدی: سردار سلیمانی استراتژیست بودند اما استراتژی‌هایشان از نوع «اثربخش» بود. بزرگترین توطئه‌ای که استکبار جهانی و صهیونیست‌ها در عصر حاضر برای شیعه و جمهوری اسلامی داشتند، تشکیل داعش در عراق و سوریه بود. همه به قطعیت‌می‌دانند که قرار بود داعش نیروی پیاده‌نظام دشمن باشد که اگر جنگی با ایران انجام شد، عرصه هوایی را خودشان به دست بگیرند و عرصه زمینی در دست داعش باشد. داعش هم اولین و مهمترین



استراتژی خود را نابودی شیعه به ویژه در ایران تعیین کرده بود. به همین دلیل می گفتند شیعه مظهر ارتداد است و باید از بین برود. همزمان با حرکتی که داعشی‌ها در سوریه و عراق کردند، هسته‌های مقاومتی که سردار سلیمانی از قبل در عراق، لبنان و سوریه شکل داده بودند، ساماندهی و موفق شدند یک تهدید بزرگ را به فرصت تبدیل کنند. یعنی این تهدید به اتحاد امت اسلامی و محور مقاومت (ایران، عراق، سوریه، لبنان) انجامید و حاج قاسم با نبوغ نظامی، بی‌باکی، خلوص و فداکاری طوری مقاومت را پیش بردند که بزرگترین توطئه قرن در نطفه خفه شد.

همچنین با هنر دیپلماسی که داشتند با پوتین وارد مذاکره شده و او را مجاب کردند که نیروی هوایی روسیه را به میدان بیاورد. در نتیجه بر عرصه هوایی هم احاطه پیدا کردند و با یک حرکت جمعی به رهبری سردار سلیمانی موضوع داعش برای همیشه حل و منطقه آزاد شد. معتقدم یکی از علل اصلی که دشمن به این جمع‌بندی رسید حاج قاسم را از صحنه حذف کند ، توانایی ایشان در نقش بر آب کردن توطئه‌های دشمن بود.

سردار سلیمانی قبلا در سخنرانی‌هایشان اشاره کرده بودند که به زودی پایان داعش را اعلام‌می کنند، اما مدت طولانی بعد از این سخنرانی دشمن اقدام به حذف ایشان کرد. فکر می کنید دلیل این فاصله زمانی چه بود؟

کرمی: داعش تنها یکی از تهدیدهایی بود که آمریکایی‌ها در منطقه شکل دادند؛ آنها هنوز در آشوب‌های سوریه و یمن حضور دارند یا در لبنان و عراق طرح‌هایی برای ناامن سازی منطقه دارند.

آمریکایی‌ها می‌دیدند آن کسی که همه منطقه را علیه‌شان سازماندهی کرده حاج قاسم سلیمانی است و طبیعتا به دنبال حذف ایشان بودند. در واقع اگر این تحلیل را بپذیریم که نقش حاج قاسم، شجاعت بخشیدن به جبهه مقاومت در کل منطقه و در جهان بوده، دشمن برای حذف ایشان انگیزه کافی را داشت. البته دشمنان تصورمی‌کنند اگر فقط شخص سردار سلیمانی حذف شود، به اهدافشان‌می‌رسند، در حالی که معتقدیم سردار سلیمانی همان‌طور که حضرت آقا هم فرمودند، یک مکتب و یک تفکر است که آن‌چنان در جامعه نفوذ کرده که چندین نسل را مدیریت خواهد کرد.

کریمیان: حاج قاسم داعش را یک تفکرمی‌دانست. ایشان مبتکر راهپیمایی اربعین بود و تمام تشکیلات ستاد اربعین برای این ایجاد شد که تعداد راهپیمایان به عدد بزرگی برسد تا قدرت جهان شیعه به داعش و دشمنان دیگر نشان داده شود. پایه و اساس ایجاد ستاد بازسازی عتبات عالیات هم همین بود.

در پایان این نشست پررنگ‌ترین خاطره‌ای که از سال‌ها همراهی و رفاقت با سردار قاسم سلیمانی در ذهنتان باقی مانده است ،بفرمایید.

> سردار کریمیان:
> سردار سلیمانی می گفت: برای من فقط با پیشکسوتان و قاریان قرآن و... جلسه نگذارید. با جوان‌های امروزی که همه فکر می‌کنند مشکل دارند هم جلسه بگذارید
> * تنها شخصی که در تاریخ جمهوری اسلامی ایران ۴۰ سال پوتین به پا داشت و تا لحظه شهادت هم همین روال را حفظ کرد سردار سلیمانی بود
> * حاج قاسم سلیمانی در بحث عبادی روز به روز خودساخته‌تر می‌شد و غرور و تکبر را زیر پا گذاشته بود. هر چه ایشان بزرگتر می‌شد، عبادتشان بیشتر می‌شد

گلسرخی: در ماه‌های پایانی جنگ برای یک عملیات بزرگ آماده شده بودیم، اما عملیات به خاطر استعداد بالای دشمن در آن محور عملیاتی لغو شد.

برداشت این بود که عملیات ما لو رفته و حضور پرشمار دشمن در منطقه به همین دلیل است؛ بنابراین به سمت مریوان رفتیم تا در عملیات والفجر۱۰ شرکت کنیم. در آن مقطع دشمن که شجاعت پیدا کرده بود، اول فاو را گرفت، بعد پاتک‌های دیگر را زد و... اما قرارگاه ما در شلمچه تبدیل شده بود به قرارگاه اصلی جبهه در جنوب کشور. همه فرماندهان لشکرها حضور فیزیکی داشتند و محور اصلی این همگرایی و بسیجی که اتفاق افتاده بود و مانع از سقوط دوباره خرمشهر شد، سردار سلیمانی بود.

کریمیان: سردار سلیمانی روحیه‌ای داشتند که اگر همین حالا اینجا نشسته بودند و اعلام می‌شد ماموریتی پیش آمده، بدون هیچ مکثی از همین جا به ماموریت می‌رفتند. یعنی همیشه آماده اعزام بودند.

آن زمان که تلفن و موبایل و امکاناتی نبود هم ایشان همین روحیه را داشتند. من فکر می‌کنم تنها شخصی که در تاریخ جمهوری اسلامی ایران چهل سال پوتین به پا داشت و تا لحظه شهادت هم همین روال را حفظ کرد سردار سلیمانی بود.

ایشان چهل سال یکسره در مبارزه بودند. حاج قاسم ابهت خاصی داشتند، همه دوستشان داشتند اما کسی جرات نمی‌کرد با ایشان شوخی کند یا حرکت جسورانه‌ای در مقابلشان انجام دهد.

در عملیات کربلای ۵ که یکی از سخت‌ترین عملیات‌های دفاع مقدس بود، حاج یونس زنگی‌آبادی که مسئول یکی از محورها بود بدون آنکه هماهنگ کند یا از قبل خبر داده باشد، سراغ حاج قاسم آمد.

حاج یونس آمد و بدون این که حرفی بزند، سرش را روی پای حاج قاسم گذاشت و دراز کشید. چند دقیقه‌ای خوابید و بعد دوباره بدون هیچ حرفی بلند شد و رفت. سردار سلیمانی خیلی تعجب کردند. ساعتی گذشت و عراقی‌ها آتش را بیشتر کرده بودند که در بی‌سیم خبر دادند حاج یونس شهید شده‌اند.

بنی‌اسدی: خاطره‌ای که در ذهن من مانده، مربوط به آخرین روزهای دفاع مقدس است. جنگ برای رزمندگان پایان تلخی داشت و در همان جوش و خروش که حاج قاسم در حال تشکیل و تدارک تیم‌ها بودند، خبر پذیرش قطعنامه رسید. در جبهه غوغایی شد. همه گریه و عجز و لابه می‌کردند که چرا حضرت امام(ره) به نوشیدن جام زهر رضایت دادند.

در این فضا حاج قاسم سلیمانی با آنکه گریه می‌کردند، با جمعی از فرماندهان راهی تهران شدند تا به حضرت امام(ره) اعلام وفاداری کنند. در مسیر خبردار شدند که حضرت امام فرموده‌اند فرماندهان به جبهه برگردند و تهران نیایند. این دفعه وقتی چهره حاج قاسم را دیدیم آرام و معصومانه بود. گفتند: «امام چیزی می‌دانستند که گفتند برگردیم. ما تابع ولایتیم و هرچه گفتند، همان را اجرامی‌کنیم.»

کرمی: خیلی‌ها فکرمی‌کنند جنگ که تمام شدو ما مساله امنیتی جدی‌ای نداشتیم ،در حالی که جنوب شرق کشور همچنان درگیر مشکلات بود. مطلبی را در دفتر خاطراتم نوشته‌ام که مربوط به ۱۴ فروردین سال ۱۳۷۲ است.

ما از چند روز قبل، یعنی در ایام عید، به همراه سردار سلیمانی برای شناسایی یکی از مناطق شمال کرمان که اشرار در آن حضور داشتند، رفته بودیم. ۷۲ ساعت عملیات طول کشید و توانستیم منطقه را پاکسازی کنیم. بعد از آن سردار سلیمانی برای رزمنده‌ها سخنرانی‌ای کردند که گویی هنوز در جبهه‌های جنگ هستیم. گفتند: «اگر خداوند ما را زنده نگه داشته برای همین کارها، یعنی آزاد کردن مردم از اشرار است.

همین برای ما جای شکر الهی را دارد و بدانید که این عملیات شما قلب امام زمان(عج) را خوشحال کرده است.» می‌خواهم بگویم که حاج قاسم سلیمانی بعد از جنگ تحمیلی، همچنان مشغول رزم بود تا شرق را پاکسازی کرد و همچنان مشغول رزم بود تا لحظه‌ای که به شهادت رسید. در تمام این سال‌ها نگاهش آرام کردن مردم، ایجاد امنیت برای مردم (چه در داخل و چه در خارج از مرزها) و جلب رضایت امام زمان(عج) بود.

گفتگو :آرزو رستم زاد







کلید عشق به حاج قاسم در مظلومیت اوست

جواد رزم حسینی، همرزم و دوست دیرینه سردار سلیمانی و مسؤول اطلاعات عملیات لشکر ثارالله، در یک ظهر زمستانی، مهمان تحریریه روزنامه اطلاعات می‌شود تا ناگفته‌هایی درباره سردار بزرگ سپاه قدس – سلیمانی–بازگو کند. او که اهل مصاحبه و گفتگو نیست، صرفا به دلیل علاقه وافرقلبی‌اش به این مرد آسمانی، گفتگو را می‌پذیرد. مصاحبه پیش رو برگ‌هایی از وجوه شخصیتی و دیدگاه‌های سیاسی سردار سلیمانی را می‌گشاید.

آقای رزم حسینی، شما که سال‌ها همرزم سردار سلیمانی بودید، نگرش ایشان به مسائل سیاسی کشور را چگونه می‌دیدید؟

من ۵ سال در دوران جنگ با ایشان همرزم بود و شهادت می‌دهم چه قبل از جنگ، چه حین جنگ و چه بعد از آن، سردار سلیمانی جناح سیاسی خاصی نداشت. مردمداری از خصلت‌های بارز این سردار شهید محسوب می‌شود. ایشان در عین شجاعت، جذبه و فرماندهی، واقعاً مهربان و خوش سخن بود و به دلیل همین خصوصیات اخلاقی بارزی که داشت، در طول ۳۰ سال اخیر سعی نکرد جناح خاصی را مدنظر داشته باشد. خیلی از بچه‌های جنگ به سمت جناح یا گروه خاصی کشیده شدند، ولی ایشان دیدگاه فراجناحی داشت.

خاطرم هست زمانی که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی می‌خواستند کاندیدای ریاست جمهوری شوند، جلسه‌ای در کرمان تشکیل شد که فرماندهان دوران جنگ در آن جلسه حضور داشتند؛ فرماندهانی که هرکدام اکنون جایی مشغول به فعالیت هستند، ولی ایشان با اینکه بیشتر از خیلی افراد در جنگ نقش داشت در جلسه حضور نیافت.

سردار سلیمانی در یکی از سخنرانی‌های خود گفته بود: درست نیست بخواهیم گروه‌های مختلفی در قالب اصلاح‌طلب و اصولگرا ایجاد کنیم. بپذیریم که عقاید سیاسی مختلفند و با آنها کنار بیاییم. مهم‌ترین دیدگاه، شناخت دشمن است. باید دشمن را بشناسیم تا وارد معامله با وی نشویم و مراقب باشیم ضربه‌ای از سوی دشمن نخوریم. برای همین است که حضرت آقا می‌گویند سردار سلیمانی مکتب بود و این جمله بسیار معنادار است.

سردار سلیمانی در تربیت و پرورش نیروهای خدوم برای قرار گرفتن در مسؤولیت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی چه نقشی داشت؟

مطمئناً اگر شخصی شایسته کار بود و ایشان شناخت کافی از وی داشت، از اعتبار خود خرج می‌کرد تا این فرد به کار گمارده شود؛ اما بدون شناخت و به راحتی از اعتبار خود استفاده نمی‌کرد. سردار شهید در طول دوران جنگ، از برخی افراد شایسته بسیار حمایت کرد تا به وزارت یا نمایندگی مجلس رسیدند. او در زمان جوانی خود هم بسیار کارا بود؛ بیست و یکی دو ساله بود که با جوانانی همسن ما که هجده نوزده ساله بودیم کار می‌کرد و می‌دانید که اداره کردن افراد جوان که غرور دارند بسیار دشوار است. طوری که در یکی از جلسات فرماندهی در اهواز، بالاترین سن ۳۲ سال بود و چنین مدیریتی تحسین برانگیز است.

سردار سلیمانی در کمک به دیپلماسی ایران در منطقه از طریق فعالیت‌های نظامی و حتی مذاکرات با مقامات مهم از جمله پوتین بسیارفعال بود. اثرات این فعالیت‌ها راچگونه ارزیابی می کنید؟

سردار سلیمانی به لحاظ شجاعتی که داشت، ۴۱سال برای نظام در حوزه جهادی فعالیت کرد و طاقت آورد که زمان بسیار طولانی محسوب می‌شود، اما در شش سال اخیر و به اعتقاد برخی دیگر در دو سال اخیر شناخته شد. خاطرم هست در اردوگاه‌های آموزشی، سه ماه به افراد آموزش می‌دادیم، اما بعد از آن، گاهی فردی که برای عملیات مهیا شده بود، فقط یک شب طاقت می‌آورد. سردار سلیمانی، آخرین فرد از فرماندهان دوران جنگ بود. در تاریخ هشت ساله دفاع مقدس، لشکرها و فرماندهان بسیاری داشتیم، اما ۴ فرمانده قدر شامل آقایان حسین خرازی، احمد کاظمی، حاج قاسم سلیمانی و حاج همت، از فرماندهان اصلی و همیشه خط‌شکن بودند؛ البته بقیه فرماندهان هم جایگاه قابل احترامی دارند. بعد از عملیات والفجر ۸، سردار حاج قاسم، فرمانده خط‌شکن شد.

در یک نگاه اجمالی به کشورهای عراق، سوریه، افغانستان، لبنان و کشورهای آفریقای جنوبی به غیر از پایگاه‌های دیگر در تمامی دنیا، به این نتیجه می‌رسیم که هماهنگ کردن برنامه همه این کشورها کار ساده‌ای نیست و با درصدی خطا همراه است ولی من از ایشان یک درصد خطا هم ندیدم. سردار سلیمانی در مسائل سیاسی بسیار هوشمند بود و قبل از وقوع حادثه، مسائل را پیش‌بینی می‌کرد و هماهنگی‌ها را انجام می‌داد. مثلا در بحث اعتراض مردم عراق که به خیابان‌ها ریختند، سردار به دیدار آیت‌الله العظمی سیستانی رفت و در این باره با ایشان صحبت کردند تا با آقای مقتدی صدر و مهندس ابومهدی، اطلاعیه صادر و با این حرکت مقابله کنند.

خط قرمز سردار در مباحث سیاسی چه بود؟

اطاعت‌پذیری محض از رهبری. ایشان در دوران جنگ هم همین‌طور بود. در دوره جنگ با هم صحبت می‌کردیم و من می‌گفتم ما عقلمان می‌رسد و می‌توانیم خودمان اقدام کنیم، ولی ایشان می‌گفت: ما باید وظیفه‌مان را انجام دهیم. در یک جمله، ولایت و دفاع از انقلاب خط قرمز ایشان بود. ازطرف دیگر،ویژگی مردمداری سردار و مرام و معرفتی که داشت، مردم را به سمت و سوی نگاه سردار سلیمانی جذب کرد. همه افراد از منظر سردار یکی بودند و کاری نداشت که طرف مقابلش کیست و از چه خانواده و طبقه‌ای است. اگر فردی مشکلی داشت، در حد توان برای رفع آن تلاش می‌کرد. در طول ۴۰ سال گذشته، ایشان هزاران نفر را حمایت کرد و کارهای خیرخواهانه بسیاری انجام داد که دور از دید ماندند. برای اینکه دختری را عروس کند، جهیزیه‌ای تهیه کند و برنامه عروسی تدارک ببیند، تلاش می‌کرد و حتی از آبروی خود برای وساطت استفاده می‌کرد.

خاطرم هست دختر خانمی در کرمان به بیماری ام اس مبتلا بود و از این رو کسی با وی ازدواج نمی‌کرد. ایشان متولی شد و دختر خانم را دید و برای ازدواج وی با پسری که مداح بود، صحبت کرد و به پسر گفت: بیا با خدا معامله کن و با این دختر ازدواج کن. سپس برنامه‌ریزی‌های لازم را انجام داد و آن دو ازدواج کردند .

یا مثلا در نجف‌آباد، جانباز بالای ۷۰ درصد و قطع نخاعی زندگی می‌کرد. سردار سلیمانی نذر کرده بود سالی یک بار، یک روز کامل در خدمت این شخص باشد و کارهایش را انجام دهد. در آن روز، وی لباس‌های این جانباز را می‌شست، حمامش می‌کرد و همه کارهای شخصی وی را مانند پرستار انجام می‌داد تا این که پارسال مجبور شد در آن موعد خاص، برای مأموریت به سوریه برود. در اوج عملیات در سوریه به وی خبر دادند که این جانباز شهید شده است.

از خصوصیات بارز سردار سلیمانی این بود که هیچ کاری را از قلم نمی‌انداخت. با این که مأموریت دشوار بود ولی ایشان با فردی تماس گرفت تا به نجف‌آباد برود و همه کارهای تشییع این شهید را انجام دهد. سردار، فرد خاصی بود که قابل باور نیست و شخصیت چندوجهی داشت.

به نظرمی‌رسد ایشان ازچند سال اخیر به تدریج برای مردم شناخته‌تر شدند.

به صورت عموم، تعداد اندکی از مردم می‌دانستند فردی به اسم سردار سلیمانی، فرمانده جنگ بوده و در منطقه اقدامات مفیدی انجام داده است؛ اما بعد از ظهور داعش و جنایتی که این گروه تروریستی انجام داد و مقابله سردار با داعش، ایشان شناخته شد.

وی با انگیزه دادن به جوانان برای مقابله با داعش، آمادگی ایجاد می‌کرد. فهم این موضوع شاید برای مردم جامعه دشوار باشد، اما برای سردار کار راحتی بود چون در جنگ ایران و عراق حضور داشت و تجربیات بسیاری کسب کرده بود. وی معتقد بود ما باید به فکر مجروحی باشیم که پایش قطع می‌شود یا دستش تیر می‌خورد تا وی آسیب نبیند و عملیات نصفه نیمه نماند؛ در غیر این صورت شرایط سخت می‌شود.

اجتماع عظیم و میلیونی تشییع‌کنندگان سردار چه مفهومی داشت؟

مظلومیت سردار؛ حاج قاسم، قادر است وساطت کند که یک آدم نابینا را بینا کند و این اتفاق خواهد افتاد، به شرط آنکه آن فرد بتواند دلش را همدل کند وگرنه اشکال از فرد است. حاج قاسم، فرد بزرگی است.

مانده‌ام خداوند چه خصلتی درون این فرد قرار داده بود که همه او را دوست داشتند. وقتی مثلا با شما برخورد و احوالپرسی می‌کرد، من احساس نمی‌کردم که شما بیشتر از من به وی نزدیک هستی. همه فکر می‌کردند به حاجی نزدیک هستند، چون ایشان به همه یکسان نگاه می‌کرد. البته سردار با کار تعارف نداشت. اگر دستور می‌داد این کار باید انجام شود، باید انجام می‌شد و اگر تعللی صورت می‌گرفت با فرد برخورد می‌کرد؛ اما بعدا دلجویی می‌کرد.



***اطاعت‌پذیری محض از رهبری، خط قرمز سردار در مباحث سیاسی بود**

***از مهم‌ترین و بهترین خصوصیات سردار این بود که زود قضاوت نمی‌کرد و افراد را با خصوصیات اخلاقی‌شان می‌پذیرفت**

***سردار معتقد بود باید دشمن را بشناسیم تا وارد معامله با وی نشویم**

از مهم‌ترین و بهترین خصوصیات سردار این بود که زود قضاوت نمی‌کرد و افراد را با خصوصیات اخلاقی‌شان می‌پذیرفت. آدم‌ها در حال تغییر هستند. فردی دوست دارد آستین کوتاه بپوشد. خانمی چون جوان است می‌خواهد روی مد باشد و .... سردار از این موضوعات و مراحل گذشته بود و به این موارد نگاه نمی‌کرد. صبر و تحمل بالایی داشت و اجاز می‌داد طرف مقابل صحبت کند.

سردار سلیمانی بسیارساده‌زیست بود. لطفا کمی هم دراین باره سخن بگویید.

مردم باور نمی‌کردند فردی باچنین قدرت و جایگاه، این همه خاکی و افتاده باشد. ایشان مثل بقیه مردم زندگی می‌کرد. وقتی آدمی در جنگ است و سختی‌های آن را می‌بیند، خصوصیات اخلاقی‌اش از بقیه متمایز می‌شود. وقتی هر روز شهادت رفقا و نیروهای خود را می‌بیند، وقتی زخمی‌شدن اطرافیانش را می‌بیند، وقتی مجبور است آب داغ از تانکر بنوشد و وقتی برای نماز خواندن باید پیشانی خود را روی خاک داغ بگذارد، آبدیده می‌شود و نگاهش به زندگی تغییر می‌کند. البته گفتنی است که سردار سلیمانی چون از عشایر بود، در طبیعت با همه چیز سروکار داشت. سردار ساده زیست بود، آنقدر که به ندرت دیدیم ایشان لباس فرم سپاه بر تن کند؛ مگر در شرایط خاص. در جمع‌بندی باید بگوییم کلید عشق به سردار، مظلومیت اوست.

شاید اگر ایشان در خاکریز تیر خورده بود، این جمعیت برای تشییع پیکرش نمی‌آمد، اما وی به دستور کسی که خود ابرقدرت جهان است و با سنگین‌ترین بمب، شهید می‌شود. هر قطعه از این بمب، خود یک بمب بود که علاوه بر خودرو ، همه محوطه را تحت‌الشعاع قرار داد. نوع شهادت و مظلومیت ایشان، مردم را به سوی خود خواند. همسر سردار در خاطراتش می‌گوید: از ۳۶۵ روز، شاید سردار را ۶۵ روز می‌دیدیم و ۳۰۰ روز دیگر در مأموریت و محل کار بود .

دلیل خاکسپاری ایشان در کنار شهید یوسف الهی چه بود؟

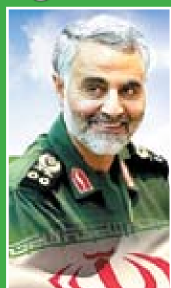
من این را حکمت و قضا و قدر می‌دانم. ما با شهید یوسف الهی از قبل از انقلاب دوست بودیم. موقعی که یوسف الهی به عنوان یک بسیجی به اهواز آمد، از موضوع مطلع شدم. به دنبالش رفتم.

پیدایش کردم. در اهواز با هم ناهار خوردیم و به سمت شلمچه برگشتیم. من از وی برای حضور در واحد اطلاعات عملیات درخواست کردم. یوسف الهی مقاومت کرد و گفت: من آرپی‌جی‌زن هستم، اما بعد گفت به شرطی قبول می‌کنم که چند تن از دوستانم از جمله حاج قاسم هم بیایند و ما هم پذیرفتیم. شاید ایشان این جمله را به حاج قاسم نگفته و مطمئن هم هستم که نگفته است ولی یوسف الهی به خاطر مردانگی و رفاقت با حاج سلیمانی به عرصه آمد، شیمیایی شد و به شهادت رسید.

گفتگو از: محمد داود بیگی – زهره گردان







اطلاعات
پنجشنبه
۲۴بهمن ۱۳۹۸
سال نودوچهارم
شماره ۲۷۴۹۹

نماینده ولی فقیه در سپاه قدس
در گفتگو با اطلاعات

خط قرمز سردار سلیمانی «مردم» بود

علیرضا بردبار– محمد داوود بیگی



حجت‌الاسلام والمسلمین علی شیرازی، نماینده ولی فقیه در سپاه قدس در گفتگویی با «اطلاعات» با برشمردن خصوصیات نظامی، اخلاقی و معنوی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، به دلاوری‌های او در جبهه‌های جنگ با دشمنان و مسؤولیتی که در قبال تشکیل گروه‌های مقاومت در بسیاری از کشورهای اسلامی داشت اشاره کرد. مشروح این گفتگو از نظر خوانندگان می گذرد:

سردار سلیمانی یک مدیریت چند بعدی داشت

توانمندی مدیریتی سردار سلیمانی در بعد سازمانی، اثرگذاری روحی و روانی بر نیروهای تحت امر و ایجاد انگیزه برای رسیدن به اهداف مورد نظر چگونه بود؟

سردار سلیمانی فکر برنامه‌ریزی شده داشت و با یک مدیریت چند بعدی به همه زوایا نگاه می‌کرد؛ به عبارت دیگر ایشان صرفاً نظامی نبود، بلکه به مباحث فرهنگی و معنوی و حتی تفریح و غذای نیروها هم توجه داشت. این موضوع نه فقط در برهه فعلی حتی در دوران جنگ و در میدان عملیات هم مصداق دارد که چطور حاج قاسم به فکر غذای رزمندگان بود تا در میدان عمل، غذای گرم و میوه خوب فصل به آنها برسد. وی حین عملیات و در جنگ با دشمن به این موارد توجه می‌کرد، همان‌طور که به مباحث معنوی نیروها توجه داشت و معتقد بود میزان ارتباط ما با خدا، توان ما را ترسیم می‌کند نه تسلیحات و موشک‌ها.

سردار سلیمانی باتوجه به ابعاد معنوی نیروها و ارتباطشان با خدا تصمیم‌گیری می‌کرد. قبل از عملیات کربلای یک در قرارگاه می گفتیم که اگر بخواهیم تپه‌های قلاویزان را از دشمن پس بگیریم، باتوجه به این که دشمن بر این تپه‌ها تسلط دارد، باید نیرویی داشته باشیم که پاتک‌های دشمن را تحمل کند.

وی به فرمانده قرارگاه کربلا گفت: ما دو گردان داریم که خوب اشک می‌ریزند و ارتباطشان با خدا خوب است و اهل نماز شب هستند؛ لذا من با این دو گردان تپه‌ها را می‌گیرم و این کار را هم کرد.

ایشان در مسیر برنامه‌ریزی خود در جلسات، ابتدا حرف‌ها و نظرات همه را می‌شنید و در نهایت جمع‌بندی می‌کرد و پس از آن حرف‌هایی نو داشت و مباحث نو غیرتکراری را مطرح می‌کرد.

سردار آینده را هم می‌دید و به آینده خوشبین بود و توان دشمن را در برابر ایمان نیروهای مؤمن ناچیز می‌دانست و معتقد بود دشمن نمی‌تواند طرفی ببندد و ترس نداشت. چون فرمانده براساس نگاه خودش برنامه‌ریزی می‌کند و به جنگ دشمن می‌رود، ایشان هم توان نیروهایش را مغلوب‌کننده می‌دید و مطمئن بود به اهدافی که می‌خواهد، می‌رسد. اگر رهبر معظم انقلاب مطالبی را می‌فرمودند، مصر بود که این فرامین و تدابیر حتماً پیگیری و اجرا شوند.

خود را ذوب در ولایت می‌دید؛ چه زمان حضرت امام(ره) و چه پس از ایشان به ولایت عشق می‌ورزید. در وصیت‌نامه خودش هم به این موضوع اشاره دارد. یک بار در یک سخنرانی در سال ۱۳۸۹ در خانوک کرمان، یادواره شهدا به صراحت گفت: من با همه علمای تشیع در کشورها ارتباط دارم اما کسی را مثل مقام معظم رهبری ندیدم. به قول ما کرمانی‌ها، دلی ولایت را پذیرفته بود.

حاج قاسم می‌گفت، من چیزهایی از حضرت آقا دیده‌ام که حاضر نیستم ایشان را با کسی مقایسه کنم. بنابراین، چنین کسی با این نگاه وقتی برای لبنان، سوریه، عراق و آینده آنها برنامه‌ریزی می‌کند، همه جانبه است. مطمئناً در میدان جنگ سختی، دشواری، مجروحیت و شهادت هست اما آن چیزی که او را محکم در صحنه نگه می‌داشت، ایمان به هدف و آرمان‌ها، توان نیروها و مردم بود که سردار سلیمانی را ممتاز کرده بود.

برخی از ویژگی‌های سردار سلیمانی را دیگران هم دارند، اما در برخی زوایا ویژگی‌های سردار سلیمانی بی‌نظیر و کم‌نظیر بود. از دوران جنگ تا پایان جنگ و پایان زندگی‌اش در این دنیا، هر کجا، هر کاری را که می‌خواست انجام دهد پیشتاز بود. در دوره جنگ تا جایی جلو رفت که دشمن یک‌بار او را اسیر کرد و اگر دشمن مطلع می‌شد که او کیست، با شدت برخورد می‌کرد؛ اما او در اسارت، فکرش را به کار انداخت و ضبط صوت پیدا کرد و صدای بولدوزر در حال انجام کار را روی نوار ضبط کرد. سپس صدای ضبط را پخش کرد تا صدا در منطقه بپیچد و دشمن فکر کند بولدوزر دارد کار می‌کند. بعد از آن خودش سوار بر بولدوزر شد و به سمت نیروهای خودی بازگشت.

> *** در دوره جنگ تا جایی جلو رفت که دشمن یک‌بار او را اسیر کرد و اگر دشمن مطلع می‌شد که او کیست با شدت برخورد می‌کرد؛ اما او در اسارت فکرش را به کار انداخت و ضبط صوت پیدا کرد و صدای بولدوزر در حال انجام کار را روی نوار ضبط کرد. سپس صدای ضبط را پخش کرد تا صدا در منطقه بپیچد و دشمن فکر کند بولدوزر دارد کار می‌کند بعد از آن خودش سوار بر بولدوزر شد و به سمت نیروهای خودی بازگشت**

در اوج عملیات‌ها، از جمله قبل از شروع عملیات کربلای۵ در لشکر ثارالله جلسه توجیه عملیات بود. ۴۸ نفر از مسؤولان و فرماندهان در آن جلسه حضور داشتند که ۲۴نفرشان شهید شدند. اگر از بعد مدیریتی به این مسأله نگاه کنیم، قاعده این است که یک مدیر روی این نیروها برای انجام عملیات حساب کند، اما ۲۴نفر از بهترین نیروهای سردار شهید می‌شوند و در آن شرایط خیلی روحیه می‌خواهد که همچنان رو به جلو و با قدرت عمل کند .

حال سردار سلیمانی شهید شد، همه ملت سوختند و برخی از خانواده‌ها می‌گفتند که ما راز این مسأله را نمی‌دانیم که ۴ـ۳ روز است برای شهید سلیمانی گریه می‌کنیم. شما این نکته را به زندگی شهید سلیمانی تعمیم دهید که دوستانی مثل حاج یونس زنگی آبادی، فرمانده تیپ ثارالله شهید شد و همچنین شهید طیاری که شهید سلیمانی او را یک زبده می‌دانست؛ مدیری که ترس نداشت و در مدیریت حرف اول را می‌زد.

در واقع هیچ عملیاتی مانند کربلای ۵ از نظر کشته گرفتن، بمباران و سخت جنگیدن دشمن در شلمچه نبود. در این میدان مدیریت کردن خیلی حساس و اداره جنگ بسیار طاقت فرسا بود؛ همچنین مدیریت در میدان جنگ سوریه و نیروها را در برابر آمریکا، اسرائیل، اروپا و عربستان که از داعش حمایت می‌کردند، وارد کردن و علیه داعش جنگیدن؛ اما سردار سلیمانی به بهترین وجه این عرصه‌ها را مدیریت کرد. برای همین است که همه از کرد، لر، بلوچ، عرب و ... به او عشق می‌ورزیدند. رزمندگان او در جبهه‌های جنگ سوریه و حزب بعث تا حد زیاد عاشق فرمانده خودشان بودند و متقابلاً شهید سلیمانی هم به آنان عشق می‌ورزید. اگر پای رزمنده‌ای زخمی می‌شد، مثل این بود که پای خود سردار سلیمانی زخمی شده است.

اگر کسی نیازی داشت، مادی یا تسلیحات جنگی یا اگر کسی جراحتی پیدا می‌کرد و کسی کوتاهی می‌کرد، محکم برخورد می‌کرد و این دلسوزی به افراد و تلاش

برای حفظ جان نیروها و رسیدگی به مشکلات رزمندگان حقیقت «اشداء علی الکفار و رحمائم بینهم» را آشکار می‌کرد.

همچنین شدت عمل او در برابر دشمن و حضور در منزل شهدا و فرزندان او کاملاً مصداق یتیم‌نوازی شهید سلیمانی بود.

تأثیر حرف‌های سردار سلیمانی بر گروه‌های مقاومت نقش سردار سلیمانی در منطقه و دستاوردهای او چه بود؟

سردار سلیمانی در منطقه، نقش رهبری داشت. او همه نیروها را پدرانه رهبری می‌کرد و همه گوش به فرمان او بودند. در عراق، سوریه و لبنان همه گروه‌ها و جناح‌ها به حرف‌های سردار سلیمانی توجه می‌کردند و او را مؤثر می‌دانستند. اگر دشمن احساس می‌کرد شهید سلیمانی در منطقه است تمامی نقشه‌هایش خنثی می‌شد. اگر بخواهم برایتان نمونه بیاورم باید بگویم در عراق که عشایری است، رهبران عشایر عراقی به سردار سلیمانی ارادت داشتند و در خانه‌هایشان ۳ عکس نصب کردند؛ امام، مقام معظم رهبری و سردار سلیمانی؛ این دستاورد کمی نیست.

وی در عراق کاری کرد که مردم به ایرانی‌ها و ایرانی‌ها به عراقی‌ها عشق بورزند. مدافعان حرم که در عراق شهید شدند، مصداق این نکته بودند که ایرانی‌ها جانشان را برای عراقی‌ها می‌دادند.

در مقابل، عراقی‌ها هم در کشورشان بیشتر رعایت حال ایرانی‌ها را می‌کردند تا هموطنان خود. خاطرم هست به کاظمین می‌رفتم. مأمور عراقی که تفتیش می‌کرد به راننده ما گفت اگر فلانی عراقی است، پیاده شود تا تفتیش کنیم و اگر ایرانی است نمی‌خواهد پیاده شود. دشمن سال‌ها تلاش کرد که دولت ایران و عراق را مقابل هم قرار دهد؛ اما در ایام اربعین، عراقی‌ها با چه شکوهی از ایرانی‌ها استقبال می‌کنند.

در یک کلام، سردار سلیمانی تلاش کرد آنچه را که امام می‌خواست (روحیه انقلابی و شجاعت و جهاد و ایثارگری) صادر کند و موفق شد.

امام می‌خواست سبک زندگی انسان‌ها الهی شود و بسیج جهان اسلام شکل بگیرد. حتی امام در پیام قطعنامه ۵۹۸ نوشتند که ما باید بسیج جهانی اسلام را شکل دهیم که امروز می‌بینیم در پرتو تلاش و مجاهدت سردار سلیمانی، بسیج جهانی اسلام شکل گرفته است و حزب‌الله، انصارالله، حشدالشعبی، دفاع وطنی، زینبیون و فاطمیون تشکیل شده‌اند.

دستاورد دیگر سردار سلیمانی این بود که چهره کریه استکبار و آمریکا و اسرائیل را برای جهان اسلام و مردم منطقه نمایان کرد. وی همچنین خودباوری را برای همه معنا کرد. مردم فلسطین و سوریه باور کردند که می‌توانند رژیم تروریستی اسرائیل را شکست دهند. مردم عراق به این باور رسیدند که می‌توانند کشورشان را از چنگال صدام، تروریست‌ها و داعش نجات دهند. امروزه روحیه مقاومت و مبارزه با دشمن بیمه شده است، به ویژه با خون این شهید؛ مردم دنیا فهمیدند که با مقاومت می‌توانند به اهدافشان دست یابند.

توجه به ابعاد فرهنگی و معنوی نیروها بسیاری از گروه‌های مقاومت با تلاش سردار سلیمانی شکل گرفتند. رمزموفقیت سردار سلیمانی در مقابل دشمنان اسلام چه بود؟

سردار سلیمانی در مواجهه با گروه‌های نظامی، به ابعاد فرهنگی و معنوی هم توجه داشت که توانست مردم را منسجم کند و قدرت ببخشد تا باور کنند که می‌توانند در مقابل طاغوتیان و نیرنگ‌بازان جهان بایستند. دشمن هم باور کرده است که امروز با شکل‌گیری جبهه مقاومت نمی‌تواند به آسانی به اهدافش دست یابد. خیلی از طاغوتیان جهان، اگر این موانع جلویشان نبود، قطعاً گستاخی می‌کردند و نه به ملت‌ها آزادی می‌دادند و نه می‌گذاشتند نام اسلام در جهان حیات داشته باشد. اما، امروز قدرتی شکل گرفته که قادر است به مسلمانان امید و قدرت ببخشد و دشمن

> ***امروز وقتی اسرائیل می‌خواهد با مردم غزه مبارزه کند، ظرف یک هفته تسلیم می‌شود و دست‌هایش را بالا می‌برد؛ این حرکتی است که در جهان شکل گرفته است و باید بگوییم اصل این حرکت مربوط به امام و استمرار آن، توسط مقام معظم رهبری بود که سردار سلیمانی آن را اجرایی کرد**
>
> ***خط قرمز سردار شهید، مردم بود که آسیبی به آنها نرسد؛ چه مردمی که با مقاومت بودند، چه آنهایی که غافل و جاهل بودند و در دام دشمن افتادند. سردار سلیمانی تلاش می‌کرد حتی اگر بشود نیروی داعشی را هم برگرداند و نجات دهد؛ چون داعشی‌ها را انسان‌های فریب‌خورده می‌دانست**

را ناامید کند.

همین توان توانسته است روز به روز عزت امت اسلامی را بالا ببرد و شکست دشمن را تحقق ببخشد و نیروی آنها را تضعیف کند.

امروز توان آمریکا در دنیا در چه حد است؟ آیا توان او مانند دهه ۶۰ و ۷۰ و ۸۰ است؟ توان مسلمانان در چه جایگاهی است؟ امروز وقتی اسرائیل می‌خواهد با مردم غزه مبارزه کند، ظرف یک هفته تسلیم می‌شود و دست‌هایش را بالا می‌برد؛ این حرکتی است که در جهان شکل گرفته است و باید بگوییم اصل این حرکت مربوط به امام و استمرار آن، توسط مقام معظم رهبری بود که سردار سلیمانی آن را اجرایی کرد.

مردم؛ خط قرمز شهید سلیمانی

خط قرمز سردار سلیمانی در مباحث نظامی چه بود؟

خط قرمز سردار شهید، مردم بود که آسیبی به آنها نرسد؛ چه مردمی که با مقاومت بودند، چه آنهایی که غافل و جاهل بودند و در دام دشمن افتادند. سردار سلیمانی تلاش می‌کرد حتی اگر بشود نیروی داعشی را هم برگرداند و نجات دهد؛ چون داعشی‌ها را انسان‌های فریب‌خورده می‌دانست و آنها با ترامپ و امثال او فرق داشتند.

هدف سردار سلیمانی کشتن انسان‌ها نبود. گرچه در

> ***دشمن سال‌ها تلاش کرد که دولت ایران و عراق را مقابل هم قرار دهد؛ اما در ایام اربعین، عراقی‌ها با چه شکوهی از ایرانی‌ها استقبال می‌کنند**
>
> ***سردار سلیمانی چهره کریه استکبار و آمریکا و اسرائیل را برای جهان اسلام و مردم منطقه نمایان کرد. وی همچنین خودباوری را برای همه معنا کرد**
>
> ***با خون این شهید؛ مردم دنیا فهمیدند که با مقاومت می‌توانند به اهدافشان دست یابند**
>
> ***سردار سلیمانی هر زمان که در ایران بود، عصرهای جمعه یک روحانی و یک مداح به منزلشان دعوت می‌کرد تا در تربیت فرزندان مؤثر واقع شوند**

برخی عملیات‌ها ناچار تعدادی افراد کشته می‌شدند. سردار سلیمانی همه امت اسلامی را با یک دید نگاه می‌کرد؛ اگر فردی در جنگ آسیب می‌دید یا دچار فقر مادی شده بود دغدغه رسیدگی به او را داشت و مردم سوریه و عراق این حقیقت را در فرماندهی سردار سلیمانی می‌دیدند.

نیروی قدس درخشان‌تر از قبل خواهد درخشید دوران بعد از سردار سلیمانی را چگونه می‌بینید؟

این نهایت ضعف استکبار جهانی و آقای ترامپ است که در مقابل سردار سلیمانی می‌ایستند؛ یعنی یک فرد بساط استکبار جهانی را به هم ریخته است که متوسل به شهید کردن او می‌شوند. این اوج ضعف دشمن است. دشمن اعتراف و اعلام کرد که قادر نیستیم با سردار سلیمانی، مبارزه کنیم پس باید او را به شهادت برسانیم تا اهداف خودمان را دنبال کنیم. اعتقاد داریم این شهادت، ضعف دشمن را به همگان ثابت کرد و این به نیروهای مقاومت کمک می‌کند که بفهمند دشمن نیروی ناتوانی است. مطلب بعدی این که اعتقاد داریم شهید زنده است. امروز روح سردار سلیمانی حاکم است. یکی از علمای کرمان به من زنگ زد و گفت: خواب سردار سلیمانی را دیدم که در اتاقی نشسته بودیم و درددل می‌کردیم و سردار می‌گفت که من نگران دخترم فاطمه هستم (سردار سلیمانی پنج فرزند دارد؛ سه دختر و دو پسر که فاطمه دختر دوم سردار سلیمانی است). نگفت من نگران زینب و نرگس هستم. گفت من نگران فاطمه هستم که غذا نمی‌خورد و من ناراحت هستم. با همسر سردار سلیمانی تماس گرفتم و گفتم یکی از آقایان چنین خوابی دیده است و سردار سلیمانی گفته که نگران فاطمه است که غذا نمی‌خورد. ایشان گفت: درست است. گوشی را به فاطمه می‌دهم و این مسأله را به او بگویید؛ چون هرچه ما می‌گوییم فایده ندارد. من با فاطمه خانم صحبت کردم و گفتم که پدر شما بر کار شما نظارت دارد.

من قبل از طرح این خواب به سردار قاآنی گفتم که تا دیروز سردار سلیمانی فرمانده سپاه قدس بود، از این به بعد سردار سلیمانی و شما این مسؤولیت را باهم برعهده دارید. او شاهد و ناظر است و حیات دارد. به تعبیر دیگر اگر سردار سلیمانی شهید نمی‌شد، آیا ما پایگاه عین‌الاسد را می‌زدیم؟ این حرکت عظیمی بود که مقام معظم رهبری از آن به عنوان «یوم‌الله» یاد کردند. اگر خون سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس نبود آیا پارلمان عراق، خروج آمریکایی‌ها از عراق را تصویب می‌کرد؟ آیا مردم عراق به خیابان‌ها می‌آمدند و علیه آمریکا راهپیمایی می‌کردند؟ تازه این آغاز کار است. اعتقاد داریم نیروی قدس در آینده درخشان‌تر خواهد شد و بیش از گذشته خواهد درخشید.

سردار قاآنی هم یک نیروی مخلص، متواضع و برخوردار از بسیاری خصوصیات اخلاقی سردار سلیمانی و با تقواست؛ به همه زوایا اشراف و به کوچک‌ترین نکته‌ای که اسلام می‌گوید، دقت دارد.

گاهی به فرزندان سردار قاآنی کتابی اهدا می‌کردم و آنها بلافاصله آن را پس می‌فرستادند و می‌گفتند که این کتاب را دارند و نیازی به آن نیست و هرچه اصرار می‌کردم که این هدیه است، می‌گفتند که چون آن را داریم، نیازی به آن نیست. سردار قاآنی چنین فرزندانی دارد.

سردار سلیمانی هر زمان که درایران بود، عصرهای جمعه یک روحانی و یک مداح به منزلشان دعوت می‌کرد تا در تربیت فرزندان مؤثر واقع شوند. سردار سلیمانی گاهی دو هفته به مأموریت خارج از کشور می‌رفت و در این مدت ۱۰ ساعت هم نمی‌خوابید. چنین فردی وقتی از مأموریت سوریه می‌آمد، فرصت نمی‌کرد به منزل سر بزند؛ در همان فرودگاه جلسه برگزار می‌کرد و سپس بازمی‌گشت.

سردار سلیمانی همواره در معرض خطر بود چرا آمریکا دراین مقطع، شهادت سردارسلیمانی را طراحی واجراکرد؟

دشمن از دوران جنگ به فکر شهادت سردار سلیمانی



بود. در دوران جنگ هر زمان که به رادیو منافقان گوش می‌کردید، دائم به سردار توهین یا او را تهدید به شهادت می‌کردند که پشت صحنه این امور آمریکا بود.

در چند سال اخیر سردار سلیمانی به‌طور جدی تهدید شد. طبیعی هم بود؛ چون تمامی نقشه‌های دشمن در غرب آسیا به هم ریخته بود. قرار بود سردار سلیمانی را همراه عماد مغنیه بکشند و موفق نشدند. روزی که مغنیه شهید شد با سردار سلیمانی در یک ساختمان بودندکه سردار سلیمانی از یک در خارج شد و عماد مغنیه از در دیگر و به شهادت رسید.

بارها در سفرهای سردار سلیمانی، آمریکایی‌ها او را تهدید کردند، داعش بارها او را شناسایی و خمپاره پرتاب کرد و در مدت ۸ ـ۷ سال سردار چه بسیار در معرض آسیب قرار داشت.

در اردیبهشت سال ۱۳۶۷ یک گزارش از انواع تهدیدات آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها تهیه و تقدیم سردار سلیمانی شد که قصد کشتن او را داشتند. بر روی گزارش نوشت: از خداوند می‌خواهم که مرا به دست دشمنان اسلام شهید کند. او عاشق شهادت بود و ۴۰ سال به دنبال شهادت می‌گشت. آمریکایی‌ها هم در به در دنبال او بودند. همین امسال در ایام محرم در کرمان که در بیت‌الزهرا(س) برنامه داشت، برنامه‌ریزی کردند او را بکشند. حتی منزل کنار بیت الزهرا(س) را خریدند و مقدار زیادی مواد منفجره منتقل کردند که در ایام عزاداری، این بیت را منفجر کنند تا سردار سلیمانی را به همراه تعداد زیادی از عزاداران بکشند، اما با تفکر نیروهای با کفایت اسلام، این نقشه هم خنثی شد.

دشمن همواره به دنبال کشتن سردار سلیمانی بود. بارها اسرائیلی‌ها در لبنان، سوریه و عراق او را تهدید کرده بودند و او هم پیوسته می‌گفت میوه رسیده را باید چید و این میوه، سرانجام چیده شد.

راهبرد سردار قاآنی با راهبرد سردار سلیمانی چه تفاوت‌هایی خواهد داشت؟

راهبرد سردار قاآنی با سردار سلیمانی هیچ تفاوتی ندارد. همان اهدافی که سردار سلیمانی داشت، سردار قاآنی هم دنبال خواهد کرد و محکم‌تر هم ادامه خواهد داد؛ چون امروز خونخواه سردار سلیمانی، ابومهدی المهندس و عزیزانی که همراه ایشان بودند هستیم. این ما را مصمم‌تر و محکم‌تر می‌کند و هیچ تغییری در نیروی سپاه قدس ایجاد نخواهد شد. امروز یک توان اضافه هم داریم و دشمن فهمیده است که نیروی قدس، یک سرباز مکتب امام، به‌نام سردار سلیمانی دارد. دشمن امروز فهمیده است که ملت ایران پشتیبان و مدافع نیروی سپاه قدس و جمهوری اسلامی و ملت‌های عراق، سوریه، فلسطین، لبنان، هند و پاکستان است.

امروز اگر دشمن بخواهد آگاهانه فکر کند، نباید دست به کارهای احمقانه بزند و سرداران ما را تهدید کند. اگر صدها سردار سلیمانی و سردار قاآنی شهید شوند، ملت ایران یک قدم از ارزش‌های انقلاب عقب‌نشینی نخواهد کرد.

خاطراتی از سردار سلیمانی

آقای شیرازی گفتگو را با بیان این خاطرات از سردار شهید سلیمانی، پایان می‌دهد: سردار سلیمانی در دوران جنگ در سال ۶۵، فرمانده لشکر بود. لشکر زمان جنگ، عزتی داشت و همه مردم کرمان به سردار سلیمانی عشق می‌ورزیدند. آن زمان من مسؤول تبلیغات لشکر سردار سلیمانی بودم. سردار، اتاقی در هتل فجر در اهواز گرفته بود و این هتل دست خانواده‌های شهدا بود. سردار سلیمانی آن زمان دو فرزند داشت (نرگس و حسین). مادرخانمش هم در غیاب سردار سلیمانی، نزد خانواده او می‌آمد که با سردار سلیمانی پنج نفر در آن اتاق زندگی می‌کردند. سردار سلیمانی تا روز آخر زندگی با همان شرایط زندگی کرد. همه بعد از شهادت به منزل او آمدند و زندگی محقرانه سردار سلیمانی را دیدند. سردار قبل از شهادت، فرمانده لشکر ثارالله نبود؛ فرمانده نیرویی بود که در بسیاری از کشورها و نقاط جهان آوازه داشت و ملت ایران هم عاشقانه او را دوست داشتند و به او عشق می‌ورزیدند. مردم عراق، لبنان، سوریه و فلسطین هم به او عشق می‌ورزیدند. چنین فرماندهی و در چنین جایگاهی، زندگی‌اش چگونه باید باشد؟ سردار سلیمانی در تمامی طول خدمت، یک ریال یا یک دلار حق مأموریت یا اضافه کاری نگرفت. به من می‌گفت اگر هدایای مردم نباشد نمی‌توانم زندگی‌ام را اداره کنم.

این یک افتخار است؛ امام راحل هم همین‌طور بود و با نذورات مردم زندگی می‌کرد و مقام معظم رهبری هم حقوق نمی‌گیرند و با هدایای مردم زندگی می‌کنند. سرباز مکتب امام، باید چنین خصوصیاتی داشته باشد و تلاش سردار این بود که مثل امام و رهبری زندگی کند.

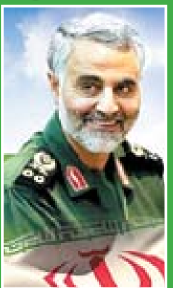
وی وصیت کرد روی قبرش بنویسید: «سرباز قاسم سلیمانی». من ۳۸ سال سردار سلیمانی را می‌شناختم. در دوران جنگ با او بودم و بیش از ۸ سال در نیروی قدس تا لحظه شهادت با او بودم و یک بار از زبان او نشنیدم که بگوید اگر من در سوریه نبودم، سوریه پیروز نمی‌شد؛ او خود را یک سرباز می‌دانست.

لازم است خوانندگان این نکته را هم بدانند که سردار سلیمانی وقتی می‌گوید روی قبرم بنویسید سرباز، قصد ندارد خود را مطرح کند. او همچنین وصیت کرده بود در کنار شهید یوسف الهی دفن شود.

حسین یوسف الهی، مسؤول اطلاعات لشکر ثارالله بود که در عملیات والفجر ۸ شهید شد و سردار سلیمانی از او به عنوان یک عارف یاد می‌کرد. خیلی از مردم ایران شهید یوسف الهی را نمی‌شناسند و سردار سلیمانی قصد داشت با عنوان سرباز زیر چتر او قرار بگیرد تا عظمت شهید یوسف الهی را به مردم ایران و جهان نشان دهد.

سال ۱۳۹۶ جوانی ایرانی نامه‌ای به سردار سلیمانی می‌نویسد و از ایشان می‌خواهد که کاندیدای ریاست‌جمهوری شود. سردار پاسخ می‌دهد: برادر بزرگوارم! از محبت شما عزیز گرانقدر سپاسگزارم. الحمدلله در کشور ما آنقدر شخصیت‌های مهم و ارزشمند گمنام و با نام وجود دارند که نیازی نیست سربازی، پست سربازی خود را رها کند. افتخارم این است که سرباز صفر بر سر پست دفاع از ملتی باشم که امام خمینی(ره) فرمود جانم فدای آنان باد. رها کردن این پست را در شرایطی که گرگ‌هایی در کمین هستند، خیانت می‌دانم. این نگاه سردار سلیمانی است به دنیا و پست و قدرت و این برای همه ما درس است؛ سردار سلیمانی یک مکتب برای همه است؛ لذا این مسیر و راهی را که از سال ۵۹ ترسیم کرد و پیمود، الگویی برای نیروهای مسلح، جوانان، ملت و جبهه مقاومت است.







یدالله علوی راد نخستین فرماندار کرمان پس از پیروزی انقلاب در گفتگو با اطلاعات:

داعشی‌ها همین که شنیدند حاج قاسم می‌آید ۸۰ کیلومتر عقب رفتند

ساده‌زیستی و بی‌توجهی به ظواهر دنیوی از جمله خصوصیات شهید سردار سپهبد قاسم سلیمانی بود. او در دوران حیات پربرکتش فقط به فکر رضای خداوند بود و همه اعمالش را بر همین اساس و نیت انجام می‌داد. دوستان و نزدیکان حاج قاسم در کرمان، به واسطه بیش از چهار دهه‌آشنایی با ایشان، بر ساده‌زیستی حاج قاسم تأکید دارند و از ایشان به عنوان یک فرد وارسته و دلداده خدا یاد می‌کنند.

«یدالله علوی راد» نخستین فرماندار کرمان پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در گفتگو با «اطلاعات» به ساده‌زیستی شهید سردار سلیمانی اشاره و از این موضوع به عنوان یکی از خصایص برجسته این شهید یاد می‌کند.

وی در این باره می‌گوید: اواخر سال ۶۰ به همراه یکی از دوستان که از مبارزان رژیم شاه در کرمان بود، برای ملاقات با سردار سلیمانی که از جبهه به کرمان بازگشته بود، به خانه‌شان در یکی از محلات محروم شهر رفتیم. خانه‌ای بسیار قدیمی که دو اتاق کاهگلی ۳ در ۳ متر داشت؛ اتاق عقب برای اعضای خانواده بود و دید و بازدیدها در اتاق جلویی انجام می‌شد که فقط یک تخته قالی افشاری روی زمین آن انداخته بودند. وی با تأکید بر این‌که حاج قاسم انسانی بسیار متواضع و ساده‌زیست بود و مال دنیا برایش ارزشی نداشت، می‌افزاید: حاج قاسم فقط به رضای خدا فکر می‌کرد و تنها هدفش این بود که با کاری که انجام می‌دهد، در وهله نخست رضایت خداوند را بدست بیاورد و سپس سبب خشنودی خلق خدا شود و همین ویژگی ایشان را به خدا نزدیک کرده بود.

آشنایی با سردار

نخستین فرماندار کرمان، داستان آشنایی‌اش با شهید سردار سلیمانی را چنین تعریف می‌کند: حدود شش ماه از آغاز جنگ نگذشته بود که یک روز در حالی که در فرمانداری مشغول کار بودم، حاج احمد دلیلی که یکی از اعضای گروه مبارزان علیه رژیم شاه بود، به همراه دو جوان حدود ۲۴، ۲۵ ساله وارد دفتر کارم شدند. حاج احمد این دو جوان را قاسم سلیمانی و حمید عسگری معرفی کرد و گفت: این دو عزیز قصد دارند یک گردان زیر نظر تیپ امام حسین(ع) اصفهان ایجاد کنند.

نگاهی به سردار سلیمانی کردم و گفتم: از ما چه می‌خواهید؟ پاسخ داد: به خودرو و پول نیاز داریم.

گفتند که تاکنون در جبهه غرب حضور داشته‌اند و اسم چند فرمانده را در این جبهه آوردند.

به آنها اطمینان کردم و گفتم: استانداری سه دستگاه وانت و جیپ دارد و ۴۰۰ هزار تومان هم در صندوق انجمن سابق هست که می‌توانم در اختیارتان قرار دهم اما به شرط این‌که اگر موفق شوید، همچنان شما را تقویت و پشتیبانی می‌کنم ولی اگر موفق نشوید، همه امکانات و پول را باید برگردانید. قبول کردند و پس از گرفتن این امکانات و پول، برای انجام وعده‌شان، راهی جبهه شدند.

حدود چهار ماه بعد پیغام دادند که آمبولانس و خودرو برای ایجاد خاکریز ندارند که با تلاش فراوان توانستیم یک دستگاه لودر برای آنها تهیه کنیم.

علوی راد به حضورش در جبهه و میان نیروهای شهید سردار سلیمانی اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: فروردین ماه سال ۶۰ که مصادف با اجرای عملیات فتح‌المبین در «دشت عباس» بود، همراه شماری از نیروها به مقر حاج قاسم رفتیم. شب عملیات، سردار بعد از اقامه نماز مغرب و عشاء، درباره این عملیات توضیح داد. همزمان چند نوجوان ۱۴ و ۱۵ ساله به دلیل ممانعت مسؤولان برای حضور در خط مقدم، گریه می‌کردند و وقتی متوجه حضور من شدند، سراغم آمدند و خواستند پادرمیانی کنم که به خط مقدم بروند.

پس از آن، من که از همان روز ورود به جبهه، لباس نظامی به تن کرده و سلاح تحویل گرفته بودم، همراه آقای خوشرو که در دبیرستان علوی تحصیل کرده و از شاگردان خودم بود، برای اعزام به خط مقدم سوار یک نفربر شدیم. دقایقی نگذشت که آقای سلیمانی سراغمان آمد و گفت:آقای فرماندار! به ما دستور داده شده است که مسؤولان را به خط مقدم نبریم.

گفتم: جنگ مسؤول و غیرمسؤول نمی‌شناسد و براساس وظیفه شرعی‌ام در جبهه حضور یافته‌ام.

حاج قاسم نگاهی به من کرد و گفت: من مأمور به ابلاغ دستور بودم و سپس سوار جیپ شد و کنار ما نشست. این بار نوبت من از ایشان پرسیدم کجا می‌آیید؟پاسخ داد که همراه نیروها اعزام می‌شویم.

گفتم که شما فرمانده‌اید، باید در مقر بمانید و از طریق بی‌سیم و تماس با خط مقدم، دستور چگونگی حمله را صادر کنید.

سردار سلیمانی جوابی به من داد که من از ادامه سؤال از ایشان بازماندم. گفت: اگر من در خط حمله حضور پیدا کنم و به نیروهایم بگویم که بیایید، با علاقه خواهند آمد و خودشان را به فرمانده نزدیک می‌کنند ولی اگر در مقر فرماندهی بنشینم و به بچه‌های رزمنده بگویم جلو بروید، دور از انصاف است و نتیجه چندانی نخواهد داشت.

توانایی نظامی سردار

وی، در ادامه از مردمداری سردار و علاقه ایشان به عموم افراد جامعه می‌گوید؛ این که حاج قاسم در ایام فاطمیه با همکاری دوستانش در بیت‌الزهرا(س) مراسم روضه برگزار می‌کرد و جلوی در ورودی می‌نشست و به مهمانان خوش‌آمد می‌گفت. برای حاجی مهمانان هیچ تفاوتی با یکدیگر نداشتند. وی بسیار مردمدار بود و همیشه سعی می‌کرد کسی از او دلخور و ناراحت نشود. به اعتقاد من حاج قاسم یک مسلمان واقعی بود.

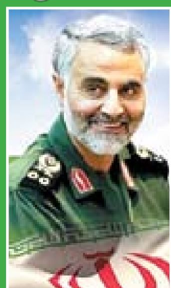
از سوی دیگر آقای سلیمانی به همان اندازه که با مردم مهربان بود، با دشمن قاطع و پشیمان‌کننده برخورد می‌کرد که البته این موضوع مختص دوران دفاع مقدس نبود بلکه در جبهه مبارزه با داعش هم همین گونه بود.

علوی راد خاطره‌ای از قول یکی از همرزمان شهید سردار سلیمانی در جبهه مبارزه با داعش، نقل می‌کند: پس از این‌که اربیل عراق در محاصره داعش قرار گرفت، با آقای سلیمانی تماس گرفتند و موضوع را به ایشان اطلاع دادند که حاج قاسم در آن زمان گفته بود تا فردا صبح به شما ملحق خواهم شد.

وقتی این خبر منتشر شد، داعشی‌ها که حاج قاسم را می‌شناختند بیش از ۸۰ کیلومتر عقب‌نشینی کردند. آنها به شدت از سردار می‌ترسیدند، زیرا با سوابق اقدامات نظامی ایشان در جبهه سوریه و عراق آشنا بودند.

سردار دل‌ها





۲۴
اطلاعات
پنجشنبه
۲۴بهمن ۱۳۹۸
سال نودوچهارم
شماره ۲۷۴۹۹



گفتگو با حمید حسنی
از همرزمان سردار سلیمانی

سردار دل‌ها

شیما فتح‌نجات – امیر طوسی‌نژاد

نحوه رفتار مسؤولان اعم از نظامی یا غیرنظامی با مردم، موضوعی است که همواره زیر ذره‌بین افکار عمومی قرار داشته است و هر اندازه رفتار مسؤولان با مردم صمیمی‌تر و مخلصانه‌تر باشد، آن مسؤول از جایگاه ویژه‌ای نزد مردم برخوردار خواهد بود.

از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون مسؤولانی بوده‌اند که در شعار، خود را از مردم می‌دانستند و پیوسته دم از مردمی بودن می‌زدند ولی در صحنه عمل، متأسفانه مردم را از خود و اقوامشان جدا کردند و در نقطه مقابل ایستادند و هستند مسؤولانی که نه در مقام شعار بلکه در عمل نشان داده‌اند از مردم و از جنس آنانند. برای این دسته از مسؤولان، مردم غنی و فقیر هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند و هدفشان خدمت به خلق خدا و رضای ایزد منان است.

طی چند هفته گذشته و پس از شهادت سردار سپهبد قاسم سلیمانی، معابر شهرهای مختلف کشورمان مملو از عاشقانی بوده است که فقط برای ابراز علاقه به این مسؤول صادق ایرانی، در مراسم تشییع یا پاسداشت او حضور یافتند تا نشان دهند ایرانیان قدر مسؤولان مخلص را می‌دانند و در میان انبوهی از تبلیغات فریبنده و بازی‌های سیاسی و جناحی، انسان صادق را از دیگران تمیز می‌دهند و در پاسداشت او شکی به دل راه نمی‌دهند.

با مردم بودن و خود را فدای مردم کردن، از صفات برجسته مردی بود که در همه حال دلش برای مردم می‌تپید و حتی حاضر نبود محافظانش، سبب ایجاد فاصله بین او و مردم شوند و این گونه شد که حاج قاسم سلیمانی، «سردار دل‌ها» لقب گرفت و این عنوان تا ابد برای این قهرمان کشورمان، جاودانه خواهدماند.

سردار عاشق مردم بود

حمید حسنی از همرزمان و دوستان نزدیک حاج قاسم سلیمانی است. وی در گفتگو با خبرنگاران ما از مردمی بودن به عنوان یکی از ویژگی‌های برجسته سردار دل‌ها یاد می‌کند و می‌گوید: پس از این‌که حاج قاسم به فرماندهی سپاه قدس منصوب شد و به تهران رفت، هر از گاهی در معیت چند نفر از دوستان به گلزار شهدا می‌رفت و با خانواده معظم شهدا دیدار می‌کرد. به خاطر دارم که در سال‌های آخر که مأموریت‌های ایشان سخت و پرخطر شده بود، وقتی به کرمان می‌آمد، من و بقیه دوستان همراه ایشان بودیم و از ایشان در مقابل هرگونه تعرض محافظت می‌کردیم.

رزمنده دوران دفاع مقدس که از ۳۵ سال قبل با سردار دل‌ها آشنایی دارد و همرزم وی بوده است، ادامه می‌دهد: هنگامی که در معیت حاج قاسم به اماکن مختلف می‌رفتیم، سعی داشتیم بدون این‌که ایشان متوجه شود از نزدیک شدن افراد ناشناس به سردار جلوگیری کنیم، چون احتمال تعرض به جان ایشان از سوی دشمنان وجود داشت؛ اماسردار مدام به ما تذکر می‌داد که مانع مردم نشویم و حتی چند بار با ما برخورد کرد ولی ما هیچ‌وقت از وی ناراحت نشدیم، چون اخلاص او را می‌دیدیم و متوجه علاقه متقابل ایشان به مردم شده بودیم.

وی تأکید می‌کند: حاج قاسم از لحاظ نظامی بسیار خبره بود و دوست و دشمن بر این موضوع صحه می‌گذارند اما رسیدن به جایگاهی که هم از لحاظ نظامی تبحر ویژه‌ای داشته باشی و هم از قلب رئوف و پاکی برخوردار باشی، کار هر شخصی نیست. سردار به همه اطمینان داشت و از بچه تا پیرمرد به یک چشم نگاه می‌کرد و هرگز نسبت به دیگران قضاوت و پیشداوری نداشت.

سؤال رهبر معظم انقلاب از سردار

حسنی در ادامه به خاطره سردار از ملاقات‌هایش با رهبر معظم انقلاب، اشاره می‌کند و می‌گوید: حاج قاسم همیشه به همرزمانش تأکید می‌کرد که شما قبل از این که همرزم من باشید، دوست من هستید. یک بار ایشان به خاطراتی از دیدارهایش با رهبر معظم انقلاب اشاره کرد و گفت: پس ازاین‌که برای مأموریت از کرمان به تهران رفتم، رهبر معظم انقلاب چندین‌بار خواستند تا در محضرشان حاضر شوم. در چند دیدار اولیه معظم‌له فقط خطاب به من می‌پرسیدند که با خانواده و بچه‌ها خوب هستید و با آنها به گردش می‌روید؟ همیشه به خودم می‌گفتم چرا آقا این سؤالات را می‌پرسند، چون انتظار داشتم ایشان موضوعات نظامی را بیان کنند که بعدها به این نتیجه رسیدم که هر کسی می‌خواهد به جایگاه ویژه‌ای برسد، باید از خانواده شروع کند.

> * رسیدن به جایگاهی که هم از لحاظ نظامی تبحر ویژه‌ای داشته باشی و هم از قلب رئوف و پاکی برخوردار باشی، کار هر شخصی نیست. سردار به همه اطمینان داشت و از بچه تا پیرمرد به یک چشم نگاه می‌کرد و هرگز نسبت به دیگران قضاوت و پیشداوری نداشت
>
> * پس از دیدارش با مادر، سوار ماشین شد و با حالت عجیبی گفت: از مادرم حلالیت طلبیدم؛ آن دیدار آخرین ملاقات حاج قاسم با مادرشان قبل از فوت ایشان بود
>
> * مردم ما بسیار باهوش هستند و متوجه می‌شوند کدام مسؤول ساده زیست است و کدام مسؤول فقط حرف می‌زند و عمل نمی‌کند

ویژگی‌های سردار

رزمنده دوران دفاع مقدس به ویژگی‌های اخلاقی شهید سردار سلیمانی اشاره می‌کند و با بیان این‌که حاج قاسم اهمیت زیادی برای صله‌رحم قائل بود، می‌افزاید: حاج قاسم هر وقت به کرمان می‌آمد، علاوه بر دیدار با خانواده معظم شهدا و حضور در مزار شهدا، به زادگاهش در روستای «قنات ملک» شهرستان رابُر می‌رفت. سردار به خانه اقوامش می‌رفت و به درد دل همه گوش می‌داد. ایشان اعتقاد راسخی به صله‌رحم داشت و کمتر اتفاق می‌افتاد که در سفرشان به کرمان، سراغ اقوام در قنات ملک نرود.

دوست قدیمی سردار سلیمانی از ابراز محبت ویژه سردار به پدر و مادرش نیز یاد می‌کند؛ این که بارها اتفاق افتاده بود که حاج قاسم نیمه شب به کرمان می‌رسید و همان زمان از ما می‌خواست ایشان را نزد پدر و مادرش در قنات ملک ببریم. یعنی نخستین اقدام حاج قاسم پس از حضور در کرمان، دیدار پدر و مادر بود و سپس به کارهای دیگر می‌پرداخت.

دل سردار غصه‌دار بود

وی ادامه می‌دهد: ایشان وقتی به خانه پدر و مادرش می‌رسید، ابتدا دست آنها را می‌بوسید و سپس پدر را به حمام می‌برد و مراقب بود بیمار نشود.

به خاطر دارم پس از دیدارش با مادر، سوار ماشین شد و با حالت عجیبی گفت: از مادرم حلالیت طلبیدم؛ آن دیدار آخرین ملاقات حاج قاسم با مادرشان قبل از فوت ایشان بود.

پیشکسوت دوران دفاع مقدس که با چشمان اشکبار سخن می‌گوید و با تأکید بر این که حاج قاسم معلم اخلاق بود و دوستانش درس‌های فراوانی از ایشان آموختند، به بیان موضوعی می‌پردازد که مرور آن برای خودش هم خوشایندنیست.

وی دستمالی که در دست دارد روی چشمانش می‌گذارد و لحظاتی سکوت می‌کند. سپس نگاهش را به

طرف پنجره اتاق می‌اندازد و می‌گوید: حاج قاسم یک بار و مدتی پس از فوت پدرشان خطاب به من و دیگر دوستان که همراهش بودیم، گفت: پدرم ما را با نان زحمت‌کشی بزرگ کرده است. من همیشه دست و پای پدر و مادرم را می‌بوسیدم و به این ترتیب به بیان تشکر وافرم از آنها می‌پرداختم ولی یک آرزو داشتم که در دلم ماند. من نتوانستم کف پای پدر را ببوسم. اکنون پدرم از دنیا رفته است و دیگر موفق به انجام این کار نخواهم شد، دلم خیلی از این موضوع غصه‌دار است.

حسنی همچنین درباره رفتار دوستانه سردار با اعضای خانواده‌اش توضیح می‌دهد: وقتی قرار بود ایشان همراه همسرشان به جایی بروند، تا خانم سوار خودرو نمی‌شد، اجازه حرکت نمی‌داد و تأکید می کرد صبر کنید تا همسرم بیاید. همچنین رفتار حاج قاسم با فرزندانش قبل از این‌که پدرانه باشد، رفیقانه بود.دوست صمیمی شهید سردار سلیمانی نمونه‌ای از محبت حاج قاسم نسبت به دخترش را چنین تعریف می‌کند: زینب خانم علاقه زیادی به پدر داشت. یک بار وقتی حاج قاسم از مأموریت به کرمان بازگشت، متوجه شد که دخترش دچار دست درد شده و آن را بسته است. سردار دخترش را نزد دکتر برد و عکس رادیولوژی گرفت و معلوم شد هیچ مشکلی وجود ندارد و دختر برای پدر ناز کرده‌است. پدر هم نه تنها ناراحت نشد، بلکه خندید و دست نوازش بر سر دختر کشید.

وی بر اعتقاد راسخ حاج قاسم به ولایت فقیه تأکید کرد و قول سردار را یادآوری می‌کند که: همیشه پشت سر رهبری خواهم ایستاد و رمز همه پیروزی‌ها، عمل به فرامین ولی فقیه است.

ارتباط نزدیک سردار با مردم

سردار سلیمانی علاقه زیادی به مردم داشت و مصداق آن خاطره‌ای است که همرزمش بیان می‌کند: یک بار که حاج قاسم را در کرمان همراهی می‌کردیم، چند نفر از مردم با شتاب جلو آمدند تا خود را به سردار برسانند که مانع این کار شدیم و حاج قاسم از ما دلخور شد.

در سفر بعدی ایشان به کرمان حاج قاسم ما را تحویل نگرفت، زیرا از آن ماجرا دلخور بود.

در راه یکی از شهرستان‌های استان بودیم تا سردار در مراسمی شرکت و سخنرانی کند. ما بعد از این برخورد، ایشان را ترک کردیم و به طرف شهر کرمان بازگشتیم. یک ساعت بعد حاج قاسم با موبایل یکی از دوستان با ما تماس گرفت و گفت: بازگردید. در راه بازگشت قرار شد یک نفرمان بهانه‌ای بیاورد و به حاج قاسم بگوید برای انجام کاری آنجا را ترک کرده بودیم و اصلا موضوع دلخوری را بیان نکنیم. وقتی به حاج قاسم رسیدیم، از من پرسید :کجا بودید؟ من نتوانستم حرفی بزنم و این ماجرا برای دیگر دوستان هم تکرار شد. حاج قاسم خطاب به ما گفت: هیچ کدامتان نمی‌توانید دروغ بگویید. در حقیقت ایشان تأکید داشت نباید مانع دیدار مردم با او شویم و مردم باید به راحتی با ایشان ملاقات و حرفشان را با او در میان بگذارند.

حسنی ادامه می‌دهد: حاج قاسم در کنار ابهتش، از مهربانی بی‌اندازه‌ای هم برخوردار بود. به خاطر دارم وقتی همراه ایشان به خانه پدری‌اش می‌رفتیم، برایمان رختخواب آماده می‌کرد و تا صبح چند بار به ما سر می‌زد و اگر سردمان می‌شد، لحاف اضافه روی ما می‌انداخت که این رفتار ایشان در آن جایگاه والا، واقعاً استثنایی و پدرانه بود.

ساده زیستی سردار

این رزمنده دوران دفاع مقدس در ادامه موضوع حضور گسترده مردم در مراسم تشییع پیکر شهید سردار سلیمانی را ارزیابی می‌کند و می‌گوید: حاج قاسم بسیار صادق و ساده زیست بود. یک بار ایشان در سفر به کرمان، به خاطر کم خوابی دچار سردرد شدیدی شد و به خانه یکی از اقوام رفت تا استراحت کند، ولی کسی خانه نبود؛ در نتیجه به بیت‌الزهرا(س) رفت. یعنی ایشان خانه‌ای در کرمان نداشت تا برای یک استراحت کوتاه به آنجا برود.

مردم ما بسیار باهوش هستند و متوجه می‌شوند کدام مسؤول ساده زیست است و کدام مسؤول فقط حرف می‌زند و عمل نمی‌کند. سردار سلیمانی یک خانه در کرمان نداشت تا وقتی به زادگاهش می‌آید، کمی استراحت کند. مردم همین صداقت و ساده زیستی را دیدند که با فکرها، ایده‌ها و عقایدمذهبی متفاوت به مراسم تشییع پیکر ایشان آمدند و به یاد سردار دل‌ها، اشک ریختند.

مردی که سراسر عرفان بود

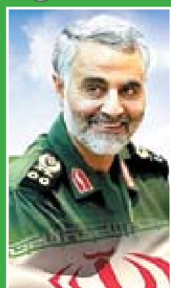
بخش پایانی مصاحبه با دوست و همرزم شهید حاج قاسم سلیمانی به موضوع تدفین این شهید در گلزار شهدای کرمان و در جوار جوان شهید محمدحسین یوسف‌الهی اختصاص دارد. حاج قاسم سلیمانی در زمان حیاتش وصیت کرده بود پیکرش در جوار مزار شهید یوسف‌الهی که از نیروهای لشکر ثارالله بود، دفن شود.

حسنی که از ۳۵ سال قبل همواره به عنوان دوست و همرزم در کنار شهید سپهبد قاسم سلیمانی حضور داشته است، درباره این موضوع و عرفان شهید یوسف‌الهی می‌گوید: این شهید بزرگوار از عرفان خاصی برخوردار بود و برخی اتفاقات جنگ را از شب قبل در خواب می‌دید و سادگی و بی‌ریایی بی‌حد و حصری داشت. حاج قاسم هم به خاطر همین صفات، شیفته او شده بود، لذا دوست داشت در کنار این شهید بزرگوار به خاک سپرده شود. حاج قاسم در حقیقت عاشق و شیفته صداقت یوسف‌الهی بود .وی سخنانش را به خاطره‌ای از اخلاص شهید یوسف‌الهی، مزین می‌کند و می‌گوید: یک بار حاج قاسم، یوسف الهی را احضار کرد تا برای پیگیری موضوعی به سنگرش برود. شهید الهی در آن زمان مشغول اقامه نماز بود و پس از این که نمازش به پایان رسید، با همان لباس و در حالی که جوراب هم به پا نداشت، نزد سردار رفت و ابتدا عذرخواهی کرد و گفت: من با این لباس در محضر خداوند نماز خواندم و اگر بلافاصله با لباس دیگری خدمت شما می‌رسیدم، نشان می‌دادم که از خدا نمی‌ترسم، ولی از شما می‌ترسم .

هنگام خاکسپاری حاج قاسم، یکی از مسؤولان تأکید داشت ایشان در بخش دیگری از گلزار شهدای کرمان و زیر یک گنبد تدفین شود که همسر وی تأکید کرد که همان جایی که حاجی وصیت کرده است، به خاک سپرده شود و به این ترتیب به وصیت حاج قاسم درباره محل دفنش عمل شد.







۲۶
اطلاعات
پنجشنبه
۲۴بهمن ۱۳۹۸
سال نودوچهارم
شماره ۲۷۴۹۹

روایت‌های موحد امیری همرزم سردار در جبهه‌ها و مناطق شرق کشور

تجلی روح خدا در جسم انسانی

شیما فتح‌نجات–امیر طوسی‌نژاد



دوران دفاع مقدس همواره به عنوان میدانی برای نشان‌دادن توانایی‌ها و اخلاص رزمندگان مورد توجه بوده است. شمار زیادی از مدافعان کشورمان در این دوران پرافتخار با حضور در جبهه‌ها، ثابت کردند که می‌توان با تکیه بر ایمان به خدا و اخلاص در عمل، از هر سدی گذشت و به پیروزی دست یافت.

این رزمندگان با شجاعت و تبحر در کارزار با دشمن، توانایی خود را به رخ کشیدند و متجاوزان را پشیمان کردند. شهید سردار سپهبد قاسم سلیمانی از جمله رزمندگانی بود که بدون هیچگونه آموزش خاص نظامی به‌عنوان داوطلب بسیجی وارد جنگ شد اما طولی نینجامید که با فراگیری فنون نظامی و نشان‌دادن توانایی‌هایش، تا سمت فرماندهی لشکر هم پیش رفت و توانست افتخارات فراوانی را برای ایران به ارمغان بیاورد.

او در طول جنگ همواره در صف اول عملیات حضور داشت و هیچ‌وقت خود را جدای از نیروهایش در لشکر ۴۱ ثارالله کرمان ندید. اظهارات همرزمان او در این لشکر، مهر تأییدی است بر رفتار مخلصانه این رزمنده و سرباز ولایت با همه نیروهای تحت امرش.

موحد امیری ازجمله همرزمان حاج قاسم سلیمانی است که از ۳۹ سال قبل با این شهید بزرگوار رابطه دوستی نزدیکی داشته است و در سفرهای سردار به کرمان طی سال‌های گذشته با چند نفر دیگر از همرزمانش، وی را همراهی می‌کرده است.

این رزمنده دوران دفاع مقدس در سال ۱۳۶۰ و به طور داوطلبانه و به عنوان بسیجی به جبهه رفت و یک سال بعد هم وارد سازمان رزم سپاه پاسداران شد. مسؤولیت واحد اطلاعات و عملیات ازجمله سوابق درخشان این همرزم حاج قاسم است.

موحد امیری علاوه بر همراهی شهید سپهبد قاسم سلیمانی در دوران ۸ سال دفاع مقدس، در جنوب شرق کشور هم این شهید بزرگوار را در تأمین امنیت یاری کرد که به گفته خودش در طول این سال‌ها درس‌های فراموش‌نشدنی فراوانی از حاج قاسم فرا گرفته است.

وی در گفتگو با خبرنگاران اطلاعات مانند بقیه همرزمان سردار دل‌ها، از عنوان «حاجی» برای سردار دل‌ها استفاده و تأکید می‌کند: این شهید عزیز با این عنوان نزد بچه‌های جنگ شناخته می‌شد که این موضوع نشأت گرفته از عزت نفس و بزرگی فرمانده‌شان است که هیچگاه خود را غرق در عناوین نکرد و با اطرافیان و همرزمانش صمیمی بود.

پیشکسوت دفاع مقدس در طول این مصاحبه مانند سایر دوستان و همرزمان حاج قاسم هنگام بازگوکردن خاطرات همنشینی با حاجی، تلاش وافری برای کنترل احساسات پاکش نسبت به سردار سلیمانی دارد ولی طولی نمی‌انجامد که اشک در چشمانش حلقه می‌زند و حتی برای لحظاتی بغض خفته در گلو، امان حرف‌زدن را از او می‌گیرد، گویی اخلاص و صمیمیت سردار در همرزمان و دوستانش رسوخ کرده و کمال همنشینی با سردار دل‌ها، بر دل و جان این رزمنده و سایر دوستان و همرزمان او راه یافته است.

امیری که نزد دوستان و همرزمانش با عنوان «موحد» خطاب قرار می‌گیرد، در ابتدای این گفتگو به سفارش و وصیت حاج قاسم مبنی بر تدفینش در جوار شهید حسین یوسف‌الهی اشاره و اظهار می‌کند: شهید یوسف‌الهی از ویژگی‌های بارزی برخوردار بود و سادگی و صداقت در وجود ایشان موج می‌زد و با خدا ارتباط خاصی داشت که مجموع این صفات، حاج قاسم را شیفته او کرد.

این شهید علاوه بر روحیات معنوی که داشت، در میدان نبرد هم به بهترین نحو ممکن به وظایفش عمل می‌کرد و حاج قاسم در حوزه نظامی از او راضی بود تا این که در عملیات والفجر ۸ شیمیایی شد و پس از انتقال به تهران به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

به نظر رزمنده پیشکسوت دوران دفاع مقدس مهم‌ترین ویژگی حاجی، شجاعت ایشان بود؛ این که هیچ‌وقت در میدان نبرد، ترس به دلش رخنه نمی‌کرد و همواره با توکل به خدا، در میدان پا می‌گذاشت. حاجی همچنین از هوش و نظامی ویژه‌ای برخوردار بود به‌نحوی که حتی در صحنه‌های نبرد، به طور آنی با اتخاذ تدابیر ویژه، دشمن را به سمت هدف دیگری می‌کشاند و سپس نقشه‌اش را اجرا می‌کرد و به این ترتیب دشمن را شکست می‌داد.

> * حاجی از جنس مردم و با مردم بود و با همه افراد مانند خودشان رفتار و گفتگو می‌کرد؛ لذا با هر کس که سخن می‌گفت، شخص مقابل به معنی واقعی، احساس دوستی با ایشان پیدا می‌کرد
>
> * حاج قاسم به دنبال رضایت خلق خدا و خوشامد مسؤولان نبود، بلکه فقط سعی می‌کرد عملی را انجام دهد که رضایت حق‌تعالی در آن باشد
>
> * حاج قاسم تحت هیچ شرایطی حاضر نبود نسبت به اجرای دستورات بنیانگذار انقلاب اسلامی کوتاهی کند و حتی پس از ارتحال امام هم به وصیتنامه ایشان عمل می‌کرد

سردار از جنس مردم بود

وی از حضور میلیونی مردم در مراسم تشییع پیکر سردار سلیمانی یاد می‌کند و دلیل این اتفاق را مردمی بودن سردار می‌داند و می‌گوید: حاجی از جنس مردم و با مردم بود و با همه افراد مانند خودشان رفتار و گفتگو می‌کرد؛ لذا با هر کس که سخن می‌گفت، شخص مقابل به معنی واقعی، احساس دوستی با ایشان پیدا می‌کرد.

دوست قدیمی و همشهری حاج قاسم سلیمانی نحوه ورود سردار به عرصه رزم را چنین توضیح می‌دهد: ایشان ابتدا به عنوان داوطلب بسیجی به جبهه اعزام شد. در آن زمان فرماندهان پس از مشاهده نبوغ نظامی حاجی، او را به جبهه کردستان اعزام کردند و حاج قاسم در آنجا با بچه‌های مرکز آموزش، تشکیلات بچه‌های کرمان و استان‌های همجوار را راه انداخت و فرماندهی کرد.

علت ترس دشمن از حاج قاسم

امیری به ترس متجاوزان رژیم بعث عراق از سردار سلیمانی اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: در سیستم‌های نظامی دنیا و در جبهه نبرد آنچه بیش از هر موضوع دیگری مورد توجه دشمن قرار می‌گیرد، فرمانده لشکر است. در زمان جنگ هر وقت در هر عملیاتی لشکر۴۱ ثارالله به فرماندهی حاج قاسم در نوک حمله بود، وحشت بسیاری در یگان مقابل ایجاد می‌شد، زیرا متجاوزان می‌دانستند با فرماندهی روبرو هستند که اولاً راساً در نوک پیکان حمله حضور دارد و عملیات را در صحنه نبرد و نه در پشت جبهه، هدایت و رهبری می‌کند و ثانیاً با توجه به سوابق حاج قاسم در میدان نبرد، می‌دانستند که ایشان توانایی تصمیم‌گیری‌های ناب و آنی را دارد.

رضایت خداوند، یگانه هدف حاج قاسم بود

تنها هدف حاج قاسم این بود که خدا از او راضی باشد. او به دنبال رضایت خلق خدا و خوشامد مسؤولان نبود، بلکه فقط سعی می‌کرد عملی را انجام دهد که رضایت حق‌تعالی در آن باشد.

موحد پس از بیان این ویژگی‌ها از زخم بزرگی که سردار سلیمانی به پیکره آمریکا وارد کرده است، سخن می‌گوید؛ این که آمریکایی‌ها ضربه‌های بزرگی از

حاج‌قاسم خورده بودند به ویژه در ۱۴ سال گذشته و در حوزه مبارزه با داعش در زمان اشغال افغانستان و عراق.حاجی توانسته بود از قدرت گرفتن نیروهای آمریکایی و سیطره آنها در منطقه به ویژه در عراق، افغانستان و سوریه جلوگیری کند که این موضوع دقیقاً همان کار اساسی بود که سردار دل‌ها توانست به نحو احسن انجام دهد و ایران را به یک تصمیم گیرنده اصلی در منطقه تبدیل کند.

وی می‌افزاید: عامل اصلی دشمنی آمریکا با حاج قاسم این بود که آنها نمی‌توانستند از ایشان عبور کنندو حاجی جلوی سلطه‌جویی غرب را گرفت و نقش ویژه‌ای در ضعف نیروهای آمریکایی در منطقه داشت.

حاجی مرید امام راحل بود

رزمنده دوران دفاع مقدس تأکید می‌کند: حاج قاسم در امور سیاسی و شرعی مقلد امام راحل بود و پیروی محض از فرامین امام خمینی داشت و تحت هیچ شرایطی حاضر نبود نسبت به اجرای دستورات بنیانگذار انقلاب اسلامی کوتاهی کند و حتی پس از ارتحال امام هم به وصیتنامه ایشان عمل می‌کرد.

وی در بخش دیگری از این گفتگو با اعلام این که حاج قاسم طرفدار هیچ گروه و جناح سیاسی نبود و هیچ زمانی جناحی عمل نکرد، اظهار می‌کند: در سال۷۶ و هنگام برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، در جلسات و سخنرانی‌های مختلف درباره انتخابات صحبت می‌شد و این که به چه کسی باید رأی داد، صحبت می‌شد. در پایان یکی از سخنرانی‌ها، حاجی پشت تریبون رفت و خطاب به حاضران گفت: من فرمانده شما هستم. ما به هیچ گروه و جناحی رأی نمی‌دهیم و براساس وصیتنامه امام، وارد مسائل جناحی نخواهیم شد. تا وقتی من فرمانده هستم، وارد هیچ جریان سیاسی نخواهیم شد و جناحی عمل نخواهیم کرد. افراد در اجلاس‌ها و مراودات نباید مورد سوء استفاده قرار بگیرند.

حضور حاج قاسم در نوک پیکان حمله

امیری با یادآوری این که حاج قاسم هنگام اجرای عملیات همیشه در نوک پیکان حمله حضور می‌یافت و از آنجا عملیات را فرماندهی و نیروهایش را هدایت می‌کرد، خاطره دیگری در این‌باره بیان می‌کند: در عملیات کربلای۵ من در لشکر ثارالله ۴۱ کرمان نبودم بلکه در قرارگاه نیروی زمینی سپاه حضور داشتم. یک روز در جریان این عملیات همراه چند نفر از دوستان به شرق بصره در کانال ماهی رفتیم تا موقعیت منطقه را برای عملیات بعدی بررسی کنیم. آنجا نوک جبهه و عملیات بود و چند متر بیشتر با نیروهای دشمن فاصله نداشتیم.

دقایقی از حضورمان نگذشته بود که متوجه حضور حاج قاسم در آنجا شدم. از حاجی پرسیدم اینجا چه کار می‌کنید؟ شما فرمانده لشکر هستید و جای شما اینجا نیست؛ تیراندازها باید اینجا باشند. حاج قاسم خطاب به من گفت: موحد! مگر من با بقیه بچه‌های لشکر چه فرقی دارم که پشت بچه‌ها حضور داشته باشم؟ من هم مانند بقیه هستم و تفاوتی بین ما وجود ندارد.

همین اعتقادات حاج قاسم سبب شده بود لشکر ۴۱ ثارالله کرمان قدرت ویژه و فزاینده‌ای پیدا کند. سردار برای همه نیروها مانند یک پدر بود و می‌دانستند اگر در حوزه نظامی به کسی تندی کند، مانند رفتار پدری است که فرزندش را تنبیه می‌کند؛ لذا هیچ‌کس از دستورات حاجی تخطی نمی‌کرد و همه بر اجرای صحیح دستورات سردار متمرکز بودند.

موحد تأکید می‌کند: حاج قاسم همه بچه‌های لشکر را دوست داشت و اگر احساس می‌کرد حتی یک سرباز از ایشان دلخور و ناراحت شده است، بلافاصله دلش را به دست می‌آورد. به خاطر دارم یک بار یکی از دوستان که شهید شده است، در عملیاتی در جنوب شرق کشور در قرارگاه قدس به فرماندهی سردار سلیمانی، در حوزه نظامی مرتکب خطایی شد و به همین دلیل به بازداشتگاه نظامی منتقل شد و پس از آزادی به حالت قهر، به خانه‌اش رفت.

سردار که در آن زمان به مأموریت رفته بود، پس از بازگشت و اطلاع از این ماجرا، از من خواست تا ایشان را به خانه آن نیرو ببرم. در آنجا حاج قاسم آن فرد را چنان در آغوش گرفت گویی فرزندش را بغل کرده است. همین مهربانی و رفتار سردار با نیرویش، سبب شد آن شخص همه مسائل را کنار بگذارد و بازگردد.

وی ادامه می‌دهد: من در طی سال‌هایی که افتخار داشتم در خدمت سردار باشم، هیچ برخورد تندی با نیروهایش ندیدم، چون هم نیروهایش را به معنای واقعی دوست داشت و هم نیروها عاشق سردار بودند.

محبوبیت استثنایی سردار در ایران

محبوبیت هیچ شخصی نزد مردم ایران به اندازه سردار سلیمانی نبود. ارتباط حاجی با خدا بود و همین امر سبب شد میلیون‌ها نفر برای تشییع پیکر او بیایند. حاج قاسم فقط برای رضای خداوند کار انجام می‌داد و هرکس کارش و هدف و مقصودش، خدایی باشد، نزد بنده خدا هم عزیز خواهد شد.

موحد در حالی که این نکات را بیان می‌کند و قطرات اشک تمامی صورتش را خیس کرده است، نگاهی به عکس سردار در گوشی تلفن همراهش می‌اندازد و تکرار می‌کند: هر مسؤولی اعم از نظامی یا غیرنظامی وقتی برای رضای خداوند نه خلق خدا، کار کند و هدفش خدمت به مردم باشد، محبتش در دل مردم می‌نشیند و آن زمان است که آن فرد به عرفان دست پیدا می‌کند. حاج قاسم در یک جمله: تجلی روح خدا در یک جسم انسانی بود.



نقش حاج‌قاسم در تحولات منطقه ای آینده

دکتر سعدالله زارعی، کارشناس روابط بین‌الملل

با نگاهی به نقشه دشمنان اسلام اعم از رژیم صهیونیستی و آمریکا در منطقه در خواهیم یافت که در دو دهه اخیر آن‌ها تلاش زیادی برای تسلط بر منطقه و تغییر شرایط منطقه به نفع خودشان کرده اند. به طور نمونه آمریکا از خاورمیانه جدید صحبت می‌کرد، منظورشان هم یک خاورمیانه تحت سیطره بود.

با فروپاشی نظام دو قطبی شرق و غرب، منطقه از تحت سیطره آمریکا تا حد زیادی خارج شده بود، به همین دلیل هم آمریکا دست به انواعی از جنگ‌ها و درگیری ها و اقدامات تروریستی زد تا این نقشه کثیف را در منطقه خاورمیانه پیاده کند. اما شاهد بودیم که سردار قاسم سلیمانی نقش بارزی در برهم زدن نقشه آمریکا و رژیم اسرائیل داشت.

حاج قاسم توانست پس از دو دهه مجاهدت پیگیرانه بخش بزرگی از منطقه را از سیطره آمریکا خارج کند و علاوه بر این، امروز تمام این کشورها دارای توانمندی‌های دفاعی شده‌اند. یعنی کشورهای منطقه می‌توانند در مقابل طرح های استکباری مقاومت کنند.

اینها تنها بخشی از نتایج کاری است که سردار سلیمانی در این دو دهه در منطقه انجام داده است، اما تبیین و تشریح مکتب فکری سردار سلیمانی مهم و برای ادامه این راه ضروری است.

این مکتب باید به نسل جوان منتقل شود و آن شیرینی‌هایی که سردار در طول دوران حیات خود ایجاد کرد، باید در ذائقه جوانان هم حس شود. باید کاری کنیم که جوانان باور کنند که راه سردار سلیمانی، راه سعادت آن‌هاست.

بخشی از این کار با وارد کردن این مباحث در کتاب‌های درسی میسر خواهد شد، اما مهم‌تر از آن استفاده از هنر و ظرفیت های رسانه‌ای برای جا انداختن تفکر سردار سلیمانی است.

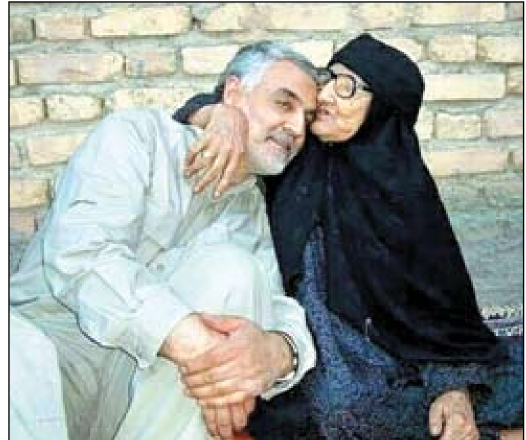
به طور مسلم نبود سردار سلیمانی ضایعه بسیار بزرگی برای ایران و جهان است و شاید به سادگی نتوان جای خالی او را پر کرد، اما در عین حال اگر مکتب فکری او در سطح جامعه و جهان تبیین شود، رویش‌های بزرگی در منطقه خواهیم دید. شاید سلیمانی ها به مفهوم یک شخص تکرار نشوند، اما راه سردار باید روشن بماند. بدون اینکه بخواهیم قیاسی میان سردار سلیمانی با ائمه داشته باشیم، اما باید بگویم همان‌طور که شهادت امیرالمومنین ضایعه بزرگی برای جامعه اسلامی بود، اما در عین حال تبیین تفکر امام علی در طول تاریخ به نهضت های بزرگ عدالت محورانه و خداطلبانه در جهان منجر شد و این کار کاری است که باید برای سرباز اسلام سردار سلیمانی هم انجام داد.







اطلاعات
پنجشنبه
۲۴بهمن ۱۳۹۸
سال نودوچهارم
شماره ۲۷۴۹۹





گفتگو با حجت‌الاسلام والمسلمین عسگری، امام جمعه رفسنجان

تکریم پدرو مادر در قاموس حاج قاسم

شیما فتح‌نجات- امیر طوسی‌نژاد

نیکی به پدر و مادر در دین مبین اسلام بیش از سایر ادیان مورد توجه قرار گرفته است و در این زمینه می‌توان به آیات متعدد قرآن کریم و احادیثی از پیامبر مکرم اسلام(ص) و ائمه اطهار(ع) اشاره کرد.

شهید سردار سپهبد قاسم سلیمانی چه در زمان حضور در زادگاهش و چه جبهه‌های جنگ و مقاومت، هرگز از یادکرد پدر و مادر غافل نشد و در کارزار با داعش هم، زمان خاصی را برای صحبت با والدینش اختصاص می‌داد و این گونه به بیان احساسات پاکش نسبت به آنها می‌پرداخت.

برای آشنایی بیشتر با خصایص اخلاقی حاج قاسم، با یکی از روحانیون پیشکسوت دفاع مقدس که سال‌های متمادی با سردار رابطه نزدیک داشته و رفیق دیرین این شهید بوده است، گفتگو کردیم.

حجت‌الاسلام والمسلمین اصغر عسگری، امام جمعه رفسنجان است که از ۴۰ سال قبل با آن شهید علاوه بر فعالیت کاری در لشکر ۴۱ ثارالله کرمان، رابطه دوستی هم داشته است.

این روحانی همچنین امام جمعه زرند، بم، دزفول و جیرفت و همچنین مسؤول حوزه نمایندگی ولی‌فقیه در لشکر ۴۱ ثارالله کرمان و سپاه منطقه بزرگ تهران بوده است.

امام جمعه رفسنجان هر سال در ایام فاطمیه بنا به درخواست سردار سلیمانی در بیت‌الزهرا(س) حضور می‌یافت و به سخنرانی می‌پرداخت، محلی که زمانی خانه سردار دل‌ها بود و پس از عزیمت ایشان به تهران، به مکانی برای برپایی مراسم روضه حضرت زهرا(س) تبدیل شد.

حجت‌الاسلام والمسلمین عسگری امسال هم در غیاب سردار، به کرمان رفت و در یکی از شب‌های دهه فاطمیه، در بیت‌الزهرا(س) سخنرانی کرد.

آشنایی با حاج قاسم

امام جمعه رفسنجان گفتگو را با تشریح سابقه آشنایی‌اش با حاج قاسم آغاز می‌کند و می‌گوید: او را از ۴۰ سال قبل می‌شناسم و علاوه بر رابطه و فعالیت کاری با ایشان، از ۲۰ سال قبل و به درخواست حاجی در مراسم روضه ائمه اطهار(ع) که توسط وی در روستای قنات ملک یا شهر کرمان برپا می‌شد، حضور می‌یافتم و به سخنرانی می‌پرداختم.

عسگری با تأکید بر این که شخصیت والای آقای سلیمانی در هیچ واژه‌ای نمی گنجد، ادامه می‌دهد: امروز در جامعه مردم و مسؤولان تعابیر «سردار دل‌ها» و «سردار سپهبد» را به کار می‌برند ولی از نظر من این تعابیر هم نمی‌توانند شخصیت ایشان را به درستی بازگو کنند. برخی انسان‌ها آنقدر بزرگ هستند که هیچ واژه‌ای نمی‌تواند آنها را در خودش جا دهد و سردار سلیمانی چنین انسانی بود.

ویژگی‌های شخصیتی حاج قاسم

دوست قدیمی و صمیمی شهید سردار سلیمانی یکی از ابعاد شخصیتی ایشان را ، بندگی خدا می‌داند و این که طی ۴۰ سال آشنایی با سردار، هرگز شاهد ترک واجبات و انجام فعل حرام از ایشان نبودم. همچنین وی اهل جهاد بود؛ جهاد نه به معنای جنگ، بلکه به معنای به کار گرفتن همه توان و آزاد کردن همه انرژی برای انجام یک کار. سردار برای انجام مأموریتی که به ایشان محول می‌شد، از همه توان و انرژی‌اش استفاده می‌کرد و خستگی‌ناپذیر بود و در حقیقت سردار، یک انسان مجاهد به معنای واقعی کلمه بود.

البته جهاد به معنای قتال هم از جلوه‌های جهاد ایشان بود، یعنی سردار از توانایی فوق‌العاده‌ای در میدان نبرد برخوردار بود، ولی در مجموع، جهاد ایشان بالاتر از قتالش بود.

از دیگر ویژگی‌های شخصیت این شهید عزیز، تواضع بود. اسم، عنوان و درجه هرگز ایشان را فریب نداد و تأثیری در شخصیت ایشان و نحوه برخورد با دیگران نداشت و هیچ‌وقت در جلسات روضه، کسی ایشان را با عنوان نظامی‌اش خطاب قرار نداد و با لباس نظامی و درجه سرتیپی یا سرلشکری ندید.

این روحانی پیشکسوت دوران دفاع مقدس سپس نمونه‌ای از تواضع و فروتنی شهید را چنین برمی‌شمارد: ایشان پارسال در بیت الزهرا(س)، لباسش را عوض کرد و «تی» برداشت و شروع کرد به تمیز کردن سرویس‌ها و راه‌پله‌ها. وقتی دوستان و همرزمان از ایشان خواستند انجام این کار را به آنها واگذار کند، تأکید کرد: هیچ‌کس نباید کمکم کند. من افتخار می‌کنم که به عنوان خادم در جلسه روضه حضرت زهرا(س) خدمت می‌کنم.

همچنین یک شب آقای شاکری- از علمای کرمان- دیداری در بیت‌الزهرا(س) با سردار داشت. در پایان دیدار، حاج قاسم از جا برخاست و پای برهنه این عالم را تا خیابان بدرقه کرد.

سردار حتی اجازه نمی‌داد کسی دستش را ببوسد اما دست برخی‌ها را در حضور دیگران می‌بوسید که البته اهدافی از این کار داشت و می‌خواست ارادت خود را نسبت به آنها و بزرگی‌شان را نشان دهد.

نیکی به پدر و مادر؛ ویژگی بارز حاج قاسم

احترام و نیکی به پدر و مادر خصیصه دیگر سردار سلیمانی است که امام جمعه رفسنجان به آن اشاره می‌کند و می‌گوید: پدر حاج قاسم بیش از ۸۰ سال سن داشت و حتی برای نشستن روی زمین هم با مشکل مواجه بود. حاجی دست ایشان را می‌گرفت و چند بالش در اطراف بستر قرار می‌داد تا مبادا سرو صورت ایشان به جایی بخورد.

سردار حتی وقتی در مناطق عملیاتی سوریه یا دیگر کشورها حضور داشت، به واسطه مسائل امنیتی، باید روزانه سیم‌کارت تلفن همراهش را عوض می‌کرد؛ با این وجود و به رغم همه سختی‌ها، حاجی هر روز با پدر و مادرش تماس تلفنی می‌گرفت و جویای احوال آنها می‌شد. سردار همانطور که مقید به برپا کردن نماز واجب بود، به تماس تلفنی روزانه با پدر و مادر و عرض ادب و احترام به آنها هم پایبند بود و امکان نداشت روزی سپری شود و حاج قاسم با آنها تماس تلفنی نگیرد.

حساسیت نسبت به بیت‌المال

وی در ادامه به حساسیت شهید سردار سپهبد قاسم سلیمانی نسبت به بیت‌المال اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد: ایشان نسبت به بیت‌المال که برخی‌ها خیلی راحت آن را می‌خورند و بی‌توجهند، حساسیت خیلی زیادی داشت. به خاطر دارم یک بار که همراه ایشان از مناطق شرق کشور سوار بر خودرو به کرمان بازمی‌گشتیم، سردار به من گفت: در مأموریت قبلی راننده‌مان از پول مأموریتی سپاه، چند شکلات گرفت که چند تکه از آن داخل خودرو باقی ماند و وقتی به کرمان رفتم، فرزندم از آن شکلات مصرف کرد، آیا این مسأله جایز است یا خیر؟





اطلاعات
پنجشنبه
۲۴بهمن ۱۳۹۸
سال نودوچهارم
شماره ۲۷۴۹۹

عسگری از ساده‌زیستی شهید حاج قاسم سلیمانی هم یاد می‌کند؛ این که حدود ۲۰ سال قبل و پیش از این‌که از کرمان به تهران عزیمت کند، خانه‌ای خرید و من هم به دیدار ایشان رفتم. قبل از این‌که به خانه جدیدشان بروم، تصمیم گرفتم به عنوان کادو، وسیله‌ای برای سردار بخرم. از راننده‌شان پرسیدم حاج قاسم چه وسیله‌ای در خانه‌اش ندارد تا آن را بخرم؟ پاسخ شنیدم: سردار در خانه تلویزیون ندارد! خیلی متعجب شدم. ایشان در آن زمان فرمانده لشکر بود و همه امکانات را دست داشت، ولی تلویزیون نداشت.

با نماینده فعلی سیرجان در مجلس که آن زمان مسؤول پشتیبانی لشکر بود، تماس گرفتم و از ایشان خواستم با هزینه من، تلویزیونی خریداری کند و آن را به عنوان هدیه به خانه سردار بردم.

سردار زیر علم هیچ جریانی نرفت

امام جمعه رفسنجان درباره روحیات سیاسی سردار می‌گوید: ایشان هیچ‌وقت زیر علم جریان‌های سیاسی سینه نزد و به آنها وابستگی هم نداشت. نه از جریانی حمایت و نه مخالفت می‌کرد. هر شخصی و جناحی که کار خوبی انجام می‌داد، آن را تأیید و تحسین و اگر با کار بد و ناشایستی هم مواجه می‌شد، آن را تقبیح می‌کرد و هیچ وقت نظراتش را در سطح گسترده علنی نمی‌کرد که مبادا جانبداری یا علیه جناحی تعبیر شود.

همچنین از هر دو جریان سیاسی، افرادی در تشکیلات حاجی حضور داشتند و سردار با همه این افراد کار می‌کرد و مشکلی هم نداشت، زیرا خط قرمز ایشان مسائل انقلاب بود و همیشه و در همه شرایط، به ولایتمداری توجه می‌کرد.

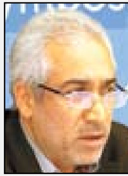
به خاطر دارم که ایشان بارها حتی از سوریه با من تماس می‌گرفت و یک مسأله شرعی را می‌پرسید و تأکید داشت با توجه به این‌که مقلد رهبر معظم انقلاب است، حکم معظم له را در آن مورد بیان کنم.

مواجهه با آسیب‌های اجتماعی

امام جمعه رفسنجان گفتگو را با بیان خاطره‌ای از سردار درباره نحوه مواجهه ایشان با آسیب‌های اجتماعی ادامه می‌دهد: حدود دو سال قبل وقتی همراه ایشان و سوار بر هواپیما از کرمان در حال عزیمت به تهران بودیم، با یکی از مهمانداران که حجاب مناسبی نداشت مواجه شدم. ایشان آهسته آن خانم را صدا کرد و چند دقیقه او را نصحیت کرد که لحظاتی بعد این مهماندار را با حجاب مناسبی دیدم. من متوجه جزئیات صحبت‌های حاجی با آن مهماندار نشدم ولی کاملاً از رفتار سردار و واکنش آن مهماندار مشخص بود که سردار چگونه با عطوفت از او درخواست کرده بود وضع حجابش را مناسب کند. همچنین ایشان همیشه تأکید داشت که همه دختران حتی آنهایی که حجاب مناسبی ندارند، دختران ما هستند و نباید با شیوه نامناسب، سبب طرد آنها شویم؛ بلکه باید با رفتار صحیح خودمان، سبب اصلاح وضع حجاب آنها شویم.

وی در پایان تأکید می‌کند: حاج قاسم هیچگاه از نام، محبوبیت و قدرتش برای پیشبرد منافع شخصی‌اش استفاده نکرد، بلکه فقط به دنبال تحقق اهداف انقلاب بود.

سپهبد شهید سلیمانی و راهبردهای امنیت‌ساز منطقه‌ای



داود عامری

دومین راهبرد امنیت ساز شهید سلیمانی، خنثی سازی عملیات روانی بزرگ و القای توطئه اختلاف تراشی بین شیعیان و اهل سنت و در نهایت جلوگیری از تبدیل شدن منازعات منطقه به اختلافات مذهبی و تبدیل شدن آن به جنگ شیعه و سنی بود.

بررسی نقش شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی در ابعاد مختلف به خصوص در سطح منطقه و جهان کاری است پر دامنه و محتاج زمان مناسب که در این یادداشت به یکی از هزار می پردازیم تا عظمت نقش آن در حال و آینده منطقه و مسلمانان روشن شود.

شاید بتوان گفت، از روزی که بوش با بهره‌گیری از نظریه برخورد تمدن های هانتینگتون،جهان اسلام را به عنوان یک دشمن آینده در ذهن خود و دولتمردانش ترسیم می کرد، اتاق‌های فکر استکبار جهانی، برنامه های طولانی مدت خود را برای نابودی این منطقه طراحی می‌کردند. آنها در معادلات خود، هسته اصلی شکل گیری تمدن نوین اسلامی را ایران اسلامی و بیشتر مناطق غرب آسیا محاسبه کرده بودند، چرا که اولاً رهبران جمهوری اسلامی ایران از بدو پیروزی انقلاب و با وجود حمایت های اکثریت کشورهای حوزه خلیج فارس از رژیم بعثی عراق، به هیچ عنوان آنها را دشمن انگاری نکردند، چرا که نگاه به افق آینده تمدنی اسلام داشته و مبنای عمل خود را به اتحاد جهان اسلام استوار کرده بودند.

با شروع بیداری اسلامی در منطقه، نظام استکباری فرصتی به دست آورد تا حضور خود را در قلب جهان اسلام تثبیت نماید، لذا پس از جنگ دوم خلیج فارس، تلاش فراوانی کرد تا در صورت امکان از طریق تجزیه عراق بتواند با بهره گیری از اختلافات قومی و منطقه‌ای، این منطقه را چند پاره کرده و از فضای آشوبی که خود به وجود آورده بود، سوء استفاده نماید. اما هوشیاری مرجعیت شیعه در عراق و حمایت مردم از رهبران سیاسی و مذهبی، ناکامی آمریکا را در پیاده کردن نقشه های خود در پی داشت، لذا با ایجاد داعش و سوق دادن نیروهای داعش به عراق و سوریه، تلاش کرد فضای آشوب زده را در منطقه گسترش دهد در چنین شرایطی از یک سو، با چند پاره کردن کشورهای اسلامی منطقه و کاشتن بذر نفاق در آنها، اتحاد و همبستگی اسلامی را از بین ببرد و از سوی دیگر، با القاء سیاست‌های خود، نقشه دلخواهش را در منطقه پیاده کند.

لذا ملاحظه می‌گردد که پس از ورود داعش به منطقه و حمایت های آشکار و پنهان بعضی از دولت های خودکامه منطقه و نظام سلطه از آن، بهانه لازم برای حضور آمریکا و همپیمانانش در منطقه ایجاد شد، که در نهایت با یک فضای آنارشی در درون عراق و سوریه که منجر به از بین رفتن مرزهای جغرافیایی آنها شد، و منطقه را دچار بحران امنیتی کرد، مواجه شدیم.

در چنین شرایطی، گروه تکفیری داعش که در اندک مدتی بر برخی مناطق مسلط شده بود، مرتکب جنایت هایی شد که واقعاً دل تمامی انسان های آزاده و منصف جهان را به درد آورد، لذا ترس و وحشت داعش نه تنها در منطقه بلکه بر کل جهان اثر گذاشته و امنیت روانی انسان های بی شماری را به خطر انداخته بود و با گستاخی و شعارهای ساختار شکنانه سودای جولان دادن در تهران را داده بودند و هدف اصلی را ایران معرفی می کردند.

در این اوضاع و احوال، پاسداران صلح و امنیت ایران به فرماندهی سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی، پای به میدان مبارزه با جنایتکاران داعش گذاشتند. تا زمان ورود جدی ایران به مبارزه با داعش، این گروهک توانسته بود با بهره گیری از پول و سلاح های پیشرفته حامیان خود، از جمله آمریکا، رعب و وحشت را در دل ملت‌های منطقه و جهان ایجاد نماید، به طوری که دولت های منطقه گمان می کردند شکست این گروهک امکان پذیر نیست، بنابراین آنچه که شهید سلیمانی در اولین گام در منطقه ایجاد کرد، تولید امنیت روانی درون زا بود.

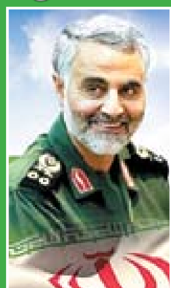
سردار دلها، اولین راهبرد خود را در تولید امنیت در سوریه و عراق، بر محور احیای اعتماد به نفس مردم و دولت های قانونی بنا نهاد. آن فرمانده بزرگ برای پیاده سازی این راهبرد، اول اعتماد مسئولان این کشورها را به نیروهای مردمی جلب کرد و پس از آن توانست با کمک خود آن کشورها، با جذب، ساماندهی و هدایت نیروهای مردمی، سپاه بزرگی از داوطلبان مردمی در قالب های مختلف با بهره گیری از تجارب بسیج در ایران اسلامی، آماده مبارزه با نیروهای داعش و تروریست‌ها نماید، لذا اولین راهبرد امنیت ساز حاج قاسم، راهبرد تولید امنیت بومی و درون زا در مناطق آشوب زده بود.

دومین راهبرد امنیت ساز شهید سلیمانی، خنثی سازی عملیات روانی بزرگ و القای توطئه اختلاف تراشی بین شیعیان و اهل سنت و در نهایت جلوگیری از تبدیل شدن منازعات منطقه به اختلافات مذهبی و تبدیل شدن آن به جنگ شیعه و سنی بود.

حاج قاسم در دفاع از مردم منطقه، تفاوتی بین اهل سنت و شیعیان قائل نشد و اتفاقاً مناطق شیعه نشین را برای دفاع از اهل سنت و پیروان سایر مذاهب، همانند ایزدیان بسیج کرد و در نهایت در میدان عمل اثبات کرد که این یک جنگ عدالت خواهانه و صلح ساز است نه نزاع شیعه و سنی که در منطقه به جریان افتاده است، یک توطئه شوم استکباری است که از طریق یک گروهک وحشی و تکفیری بنام داعش و با حمایت بعضی ازقدرت های بزرگ پیاده شده است، لذا از یکسو، توطئه تاریخی دشمنان جهان اسلام را در ایجاد اختلافات مذهبی بین مسلمانان خنثی کرد و از سوی دیگر با ایجاد اتحاد بین پیروان مذاهب مختلف اسلامی، آنها را به تجربه ارزشمند اتحاد و همبستگی و نتایج موفقیت آمیز آن متوجه ساخت.

سومین راهبرد هوشمندانه حاج قاسم، تغییر نگاه کشورهای منطقه به خصوص مسلمانان به شیعه بود که سال ها بود رژیم صهیونیستی و رسانه های غربی، آنها را به عنوان یک تهدید و طرح ایران اسلامی برای منطقه و مقابله با پیروان اهل سنت، تبلیغ کرده بودند. در واقع، منطقه مسلمانان با اتصال کشورهای ایران، عراق، سوریه و لبنان به همدیگر،یک تهدید بزرگ برای صهیونیست ها و به تبع آن آمریکای جنایتکار تبدیل شد، چرا که از یکسو در این راهبرد، منطقه وسیعی از امت اسلامی در کنار هم قرار گرفتند و از سوی دیگر، هسته مرکزی تمدن سازی برای مبارزه با رژیم غاصب صهیونیستی و نظام استکباری در قالب جبهه مقاومت شکل گرفت. پیروزی های درخشان جبهه مقاومت و تبدیل شدن آن به یک قدرت منطقه‌ای، نشان داد که این جبهه نه تنها برای امت اسلامی تهدید محسوب نمی شود، بلکه حافظ و حامی منافع تمامی امت اسلامی از مذاهب مختلف است، لذا این راهبردها، نه تنها سپهبد سلیمانی را تبدیل به یک قهرمان و اسطوره در منطقه بلکه کل جهان ساخت که در شهادت این فرمانده بزرگ، شاهد بازخورد احساسات ملت ایران، منطقه و جهان بودیم. او برخلاف چکمه پوشان نظامی که ترس و وحشت را در دل انسان ها ایجاد می کند، رأفت و مهربانی را به همه انسانهای مظلوم منطقه نثار کرد و نشان داد که همه انسانهای مظلوم در اندیشه او واجب الدفاع هستند و در دفاع از آنها هیچگونه تبعیضی روا نمی داشت، به این خاطر یک قهرمان و انسان برجسته برای تمامی انسان های آزاده شد که تا سال های متوالی در دل و یاد آنها باقی خواهد ماند و مردم منطقه نیز به حق نهایت قدردانی خود را از او نشان دادند. یاد و نامش جاویدان و راهش پر رهرو باد. ان شاءالله

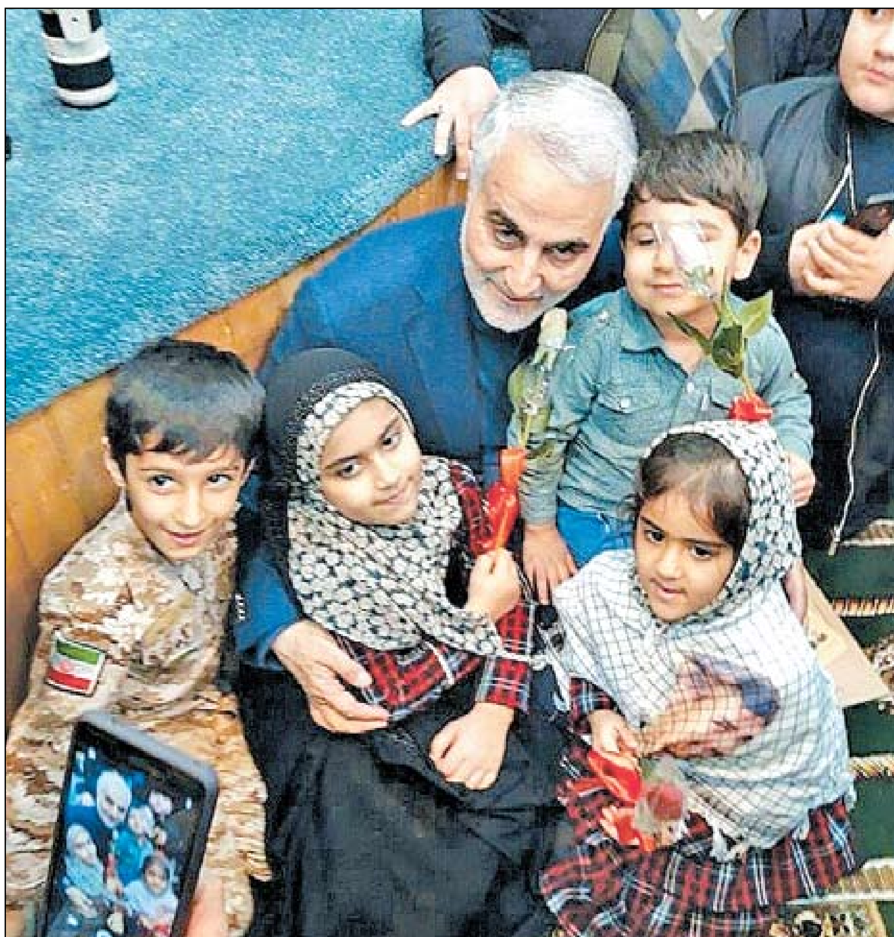
خبرگزاری تسنیم



اطلاعات
پنجشنبه
۲۴بهمن ۱۳۹۸
سال نودوچهارم
شماره ۲۷۴۹۹

فاتح قلوب و غایب حاضر

محمدمهدی رشادتی



سخن گفتن و مطلب نوشتن درباره مردی از تبار خمینی کبیر(ره)، برای امثال این حقیر،بس دشوار می‌نماید. اما از باب ادای وظیفه و جوشش قلبی، گوشه چشمی به دریای بی‌کران شخصیت عظیم و کم‌نظیر سردار دل‌ها، شهید بزرگوار، حاج قاسم سلیمانی می‌دوزیم.

۱ عاقبت به خیری

سردار ما، عاقبت به خیر شد؛ آن هم از نوع عالی‌اش که شهادت در راه خداست. خواست همه انبیاء و اولیاء الهی از خداوند متعال این بود که مسلمان بمیرند. (اعراف۱۲۶، بقره ۱۳۲، یوسف ۱۰۱) حاج آقا قرائتی نقل می‌کرد که از سه مرجع تقلید بزرگ در سه زمان و سه مکان جداگانه پرسیدم: اگر قرار باشد فقط یک خواسته از خدا داشته باشید، چه دعایی می‌کنید؟

هر سه پاسخ دادند که عاقبت به خیری را طلب می‌کنیم. حاج قاسم نیز در پاسخ به پرسش خبرنگار، همین درخواست را مطرح می‌کند.

نکته مهم این‌جاست که عاقبت به خیری به عنوان یک دستاورد ارزشمند، فقط در سایه «مراقبت دائمی و پیوسته» حاصل می‌شود.

شهید سلیمانی، چهل سال در طول دوران سخت انقلاب اسلامی، پیوسته در مبارزه و جهاد به سر برد. اما قبل از آن، اهتمام جدی به مبارزه با هوای نفس داشت و در پرتو همین جهاد اکبر و مراقبت دائمی از خود، در عرصه جهاد اصغر و سایر حوزه‌های اجتماعی، خوش درخشید.

حکم مستوری و مستی همه بر عاقبت است
کس ندانست که آخر به چه حالت برود
(حافظ)

۲ عشق واقعی

سردار ما پیش از شهادت مورد علاقه مردم بود، اما پس از شهادت، این علاقه و محبت شدت و گسترش فراوان یافت و شد «سردار دل‌ها». عشق به او، کوچک و بزرگ، پیر و جوان، زن و مرد، ایرانی و خارجی، مسلمان و غیرمسلمان، نمی‌شناسد. همه او را از عمق جان دوست دارند، درست مانند محبت پدر و مادر به فرزند خود. سردار شهید ما، عشق واقعی را معنا کرد. عشقی که از ژرفای جان و از معرفت و بینش عمیق نشأت می‌گیرد و نه عشق مجازی و مبتذل که ناشی از هوس‌های حیوانی است.

مردم، دلداده کمالات شهیدند. دلداده اخلاص، مهربانی، شجاعت، فداکاری، وفا، مردم‌داری، بی‌ادعایی و سایر ارزش‌هایی که شماره ندارند. عشق در کوچه و خیابان، در ظاهر افراد، در ادعاها و شعارها، در احزاب و گروه‌ها و... یافت نمی‌شود، عشق در یکرنگی و خلوص، پاک‌دامنی و ساده‌زیستی، صبوری و مجاهدت، تواضع و بی‌ادعایی، بندگی و اطاعت و خلاصه در ارزش‌های معنوی، جلوه می‌کند.

۳ پهلوان حقیقی

سردار ما پهلوان بود اما نه به زور و بازو و هیکلی درشت. او قهرمان بود اما نه از نوع قهرمانان خیالی و مجازی. شهید ما سوپرمن و هنرپیشه تخیلی و پوشالی نبود. او پهلوان بود نه این‌که تن‌ها را به زمین بزند. او پهلوان شد چون زمین‌خوردگان را بلند کرد. او پهلوان شد چون فاتح قلب‌ها گردید و جان‌ها را تسخیر کرد.

حاج قاسم ما شجاع‌ترین مرد بود، زیرا هواهای نفسانی و شیاطین درونی و بیرونی را بارها زمین زد. علی(ع) فرمود: «اقوی الناس اعظمهم سلطانا علی نفسه، قوی‌ترین مردم کسی است که بر نفس خویش، مسلط‌تر باشد» (میزان‌الحکمه ج ۱ ص ۵۲۶)

حاج قاسم فریاد و خشم خود را به روی دشمن فرود آورد و برای دوستان و مردم مظلوم منطقه و جهان، همراهی مهربان و یاوری متواضع و دوستی سر به زیر و برادری باوفا بود.

۴ غایب حاضر

سردار شهید ما، هم غایب است و هم حاضر. عجیب است، غایب از قاب دوربین‌ها و چشم‌ها و میزها و نیز غایب از خودنمایی‌ها، غایب از تعریف و تمجیدها، غایب از قیل و قال‌های سیاسی. اما او حاضر بود. حاضر در صحنه‌های نبرد با دشمن، حاضر در دل‌های مردم، حاضر در محضر خانواده‌های شهدای مدافع حرم، حاضر در دشت‌های سرسخت عراق و شامات و مرزهای لبنان و فلسطین.

مردم منطقه او را در سایه امنیت و آرامش و عزت خود می‌دیدند. اما نه جسم و تن او را بلکه نتیجه کارش را به عیان مشاهده می‌کردند.

او غایبی است که بیش از حاضرین خدمت می‌کند. غایب است که فراتر از حاضرین، حضور دارد. غایبی است که مردم منطقه و نه فقط ایران عزیز، بیش از دیگران، حضورش را احساس می‌کنند. گویا همه‌جا هست، گویا میان همه حضور دارد. هر فردی او را در کنار خود می‌یابد و احساس می‌کند که با نام و یاد او هیچ‌گاه تنها نیست. او یگانه غایب حاضر است.

۵ جمع اضداد

دوستی می‌گفت: سردار ما شبیه افسانه‌ها و اسطوره‌هاست. گفتم: افسانه و اسطوره واقعیت ندارد و در اصل قصه‌های خیالی و بازسازی ذهن‌ها هستند، گفت: می‌دانم؛ می‌خواهم بِگویم: این صفات برجسته و متضاد، بدون مسامحه واقعاً در وجود او نقش بسته‌اند. فرمانده ارشد نظامی، دیپلمات برجسته، مجاهد فی سبیل‌الله، متفکر، برنامه‌ریز، مدبر، طراح عملیات، مقبول جهانی و مشهور، صبور و باوقار و حلیم، مهربان و با عاطفه، مردمی و مخلص، عارف و صاحب معرفت، عاشق و دل‌سوز، عابد و زاهد و ساده‌زیست، اشک‌ریزان مصائب اهل‌بیت(ع)، شیر بیشه روزها، دل‌سوخته راز شب‌ها، پدری مهربان برای فرزندان شهیدان مدافع حرم؛ بله او به فرموده رهبر معظم انقلاب، شاگرد مکتب امام خمینی(ره) است و چه خوش درخشید در پرتو ارزش‌های متعالی اسلام.

۶ ولایت‌پذیری

سردار سپهبد شهید قاسم سلیمانی، خود را با این عناوین نمی‌پسندید، او خویش را فقط «سرباز ولایت» می‌شناخت. گاهی هم به نظر می‌رسد که از باب شکسته‌نفسی، سرباز شهید بزرگوار ابومهدی المهندس، می‌دانست.

هیچ‌گاه رفتاری و گفتاری بر خلاف نظر و عمل رهبری از او دیده و شنیده نشد. وی ذوالفقار سید علی بود. به هنگام احترام نظامی، برخلاف آداب نظامی، با هر دو دست، به رهبر خود احترام می‌گذاشت؛ دستی روی سینه و دستی در اطراف سر. شاخصه عاقبت به خیری را در میزان نسبت افراد به ولی فقیه تعریف می‌کرد. جلوتر از

رهبر اقدامی نمی‌کرد. نمی‌گذاشت فرامین امام خامنه‌ای در بستر زمان در زمین بمانند یا به فراموشی سپرده شوند.

اشارات و دستورات امام خود را با جان و دل می‌پذیرفت و با حداکثر توان، به آنها جامه عمل می‌پوشاند. در مواقع تردید و دودلی، ملاک رفتار او دیدگاه رهبری بود.

تأکید داشت که «شأن ما فقط تبعیت از امام خامنه‌ای است و بس.»

۷ مصداق آیه قرآن

سردار شهید ما، لبخند خویش را هدیه دوستان و یاران می‌کرد. خشم و غضب خویش را نثار دشمنان و مستکبران می‌نمود. به همان اندازه که دشمن از چهره عبوس او به وحشت می‌افتاد، دوستان و مردم منطقه از چهره زیبا و دلنشین او، از مرام پهلوانی او، از لطف و مرحمت او، از لبخندهای قشنگ او، احساس آرامش می‌کردند.

نام و یاد او لرزه بر پیکره دشمن و احساس امنیت و آسایش در جان و روح دلباختگان وی می‌انداخت.

پیامبر اکرم(ص) و یارانش در پرتو آموزه‌های قرآنی، چنین بودند و آن ادب والای اسلامی سینه به سینه به فرزندان غیور این مرز و بوم و سرداران رشیدش به ارث رسیده است.

«محمد رسول‌الله و الذین معه اشداء علی‌الکفار رحماء بینهم- فتح ۲۹»

۸ لسان صدق

حضرت ابراهیم خلیل(ع) از خدا درخواست می‌کند که برای من در میان آیندگان «نام نیکو و آوازه نیک» برجای بگذار. (و اجعل لسان صدق فی‌الاخرین- شعراء -۸۴)

در میان مردمان آینده، چنان کن که اعمال و رفتار و نیات و برنامه من برای نیکان جامعه، الگو و اسوه باشد.

سردار شهید ما نیز چنان شد. او مصداق عینی کلام زیبای قرآن است.

نام و یاد او، رسم و زبان او، عمل و کردار او، در همه جا و در میان مردمان به نیکی و خیر برده می‌شود.

شهید بزرگوار ما به تأسی از انبیاء و ائمه(ع) از خود در تمامی ابعاد انسانی، یاد نیک به یادگار گذاشت. او خورشیدی بود که بس روشنایی و حرارت داشت. با رفتنش نیز این خورشید همچنان می‌درخشد و نور می‌تاباند و گرمابخش جان‌های مردان و زنان است.

۹ وحدت بخش و امید آفرین

بخشی از مردم در پی بی‌تدبیری‌ها در امور اجرایی و مدیریت کشور، سرخورده گشته و از حل مشکلات خود توسط کارگزاران تاحدودی ناامید شدند. دشمن نیز از فرصت پیش آمده در اعتراضات واقعی مردم سوءاستفاده کرد و می‌رفت تا در انتخابات پیش رو برای مجلس، کسری از مردم را از رای دادن ناامید کند.

اما شهادت سردار رشید ما، این ورق را برگرداند. امید و انسجام ایجاد کرد. چقدر شهادت او شبیه دوران شهید بهشتی است. شهید بهشتی ترور شخصیت شد. اما با خون خود غبارها را از روی خویش و از ذهن مردم کنار زد.

سردار ما نیز غبار ناامیدی و تفرقه را از چهره زدود و طی چند روز، دشمن را مایوس کرده و سرمایه‌های امید و وحدت را در آحاد جامعه، بلکه در سراسر منطقه، ساری و جاری ساخت.

۱۰ قیامت و انقلاب

سردار سرافراز ما با شهادت خود، شور تازه‌ای در ایران و کشورهای منطقه ایجاد کرد. تشییع پیکر مطهر شهدا با شرکت میلیون‌ها انسان از اقشار گوناگون، همه را با درکی تازه و شوری دوباره به خط کرد و به تعبیر مقام رهبری«قیامت به پا کرد».

گویی انقلاب سوم و چهارم شکل گرفت. فصل تازه‌ای در روند انقلاب بوجود آمد.

نقطه عطف تاریخی در کل منطقه و احتمالا در سطح جهان شکل گرفت.

گرچه بدخواهان، بسیار تبلیغ می‌کردند که مردم از انقلاب خسته و دلزده‌اند، اما شهادت این مرد بزرگ، ثابت کرد که انقلاب زنده و پاینده است. باشد که قدر این نعمت بزرگ را بدانیم.

۱۱ معلم اخلاق

سردار ما، در اوج شهرت و مقام و جایگاه، خود را نباخت، جو گیر نشد، اسیر شعارهای این و آن نگردید، تعریف و تمجید دیگران خللی در تواضع و فروتنی او ایجاد نکرد و دوران دفاع مقدس را فراموش نکرد.

گویی معلمی توانا، نقش خود را به زیبایی ادا می‌کند.

یاد حدیث معروف می‌افتیم که «مردم را با عمل خود به اسلام و ارزش‌ها دعوت نمایید». او به ما خاکی بودن، مردمی بودن، مدارا و نرمی، صداقت در گفتار و عمل، پاک دامنی، ساده زیستی و دوری از اشرافیت، بی‌ادعایی و تواضع، توجه به تربیت خانواده، آخرت طلبی، شهادت طلبی، ولایت‌پذیری، لبخند با دوست، اخم با دشمن و در راس همه فضائل اخلاقی« اخلاص» را به ما آموخت.

امید است که حق شاگردی را به نیکی ادا نماییم.

۱۲ شهادت به دست شقی‌ترین انسان

سردار سرافراز ما، دشمن را عصبانی کرد. روزی گفت:« ای ترامپ قمار باز، حریف تو من هستم.»

عزیزما، سرزمین سوریه و عراق و فلسطین را از چنگ آمریکا و حلقوم اذناب او یعنی داعش، درآورد و آزاد کرد. گویی دشمنان حق داشتند، از غیرت و صلابت و تدبیر و حریت و مدیریت او به خشم آیند. در عظمت او همین بس که طراح قتل او، بزرگ مستکبر عالم، آمریکای جهان خوار و به فرمان رئیس جمهوری آن، بوده است.

رهبر معظم انقلاب فرمود: شقی‌ترین آحاد بشر او را شهید کردند. بزرگی شهید عزیزمان در محدوده سرزمین ایران اسلامی نمی‌گنجد. عظمت حیات او و بالاتر از آن، فروغ شهادتش، مرزهای جغرافیای عالم را درنوردیده است.

چه خوش حال ما، با داشتن چنین بزرگانی، چه افتخاری است برای ما وجود چنان شهدایی. خداوندا، ما را با او و یاران با وفایش محشور فرما.

۱۳ شهادت هدیه‌ای الهی

یادمان باشد که«مدال شهادت» گرفتنی نیست، بلکه دادنی و اعطایی و هدیه الهی است که به شایستگانی همچون سردار ما، تقدیم می‌شود. گر چه آماده‌سازی مقدمات آن با ماست، البته بازهم به توفیق الهی، اما نتیجه آن یعنی فیض شهادت، اعطاء خداوند است. رهبری فرمود: شهادت او پاداش الهی بود. عزیز دلمان، این عطیه زیبای الهی گوارای وجودت، نوش جانت. باشد که ما را نیز با دعای خود به سوی خویش بخوانی؛ انشاءالله.



فجر سلیمانی

حضور سردار حاج قاسم سلیمانی همراه با دختر و پسرش و همچنین شهید طارمی در راهپیمایی ۲۲ بهمن پارسال

امسال چقدر جایت خالی بود، سردار دل ها



۳۱

اطلاعات

پنجشنبه

۲۴بهمن ۱۳۹۸

سال نودوچهارم

شماره ۲۷۴۹۹



در کربلای عشق همیشه حبیب بود
اصلاً اگر شهید نمی‌شد عجیب بود

اهل زمین نبود، هوایی یار بود
پرواز کرد و رفت، دلش بی‌شکیب بود

سجاده شاهد است ، برای شهادتش
کارش دعا و گریه و أمن یجیب بود

با دشمنان چو صخره و با دوستان چو گل
لبخند او طراوت یک باغ سیب بود

با یک نگاه روشنش آرام می‌شدیم
در چشم او بشارت فتحی قریب بود

هرگز نمی‌شود که شهیدانه زیست و
از نعمت شهید شدن بی‌نصیب بود

ما پیرو توایم و اجازه نمی‌دهیم
تاریخ، بعد تو بنویسد: «غریب بود»

امیرحسن بزرگی‌متین







اطلاعات
پنجشنبه
۲۴بهمن ۱۳۹۸
سال نودوچهارم
شماره ۲۷۴۹۹

گفتگو با سید محمود دعایی درباره شهید حاج قاسم سلیمانی

حاج قاسم برای ما قدیس بود...

در آستانه چهلمین روز شهادت سردار سپهبد حاج قاسم سلیمانی هستیم. ایشان علاوه بر اینکه یک چهره ملی بودند، اهل استان کرمان بودند و به این اعتبار، بین حضرتعالی و ایشـــان شناخت متقابلی بوده است. لطفا در ابتدا آنچه را که در این سالهای متمادی از شخصیت این شـــهید بزرگوار دریافتید را برای ما شرح دهید؛ به خصوص اینکه مراسم عظیم و اعجاب‌آور تشییع پیکر پاک ایشان، تأمل در خصوص ابعاد مختلف شخصیتی آن بزرگوار را ضروری‌تر می‌سازد.

مرحوم حاج قاســـم ســـلیمانی یکی از افتخارات فوق‌العاده عزیز و ارجمند ایران است؛ و چون زادگاهش در استان کرمان بوده، کرمانی‌ها به وجود ایشان افتخار می‌کنند و می‌بالند. خود ایشان هم علاقه شدیدی به هموطنان و همشهریانش داشـــت و تقریبا در اوقات فراغت و یا اگر مجالی پیش می‌آمد که امکان داشت به جایی سر بزنند یا حضوری داشته باشد، در کرمان بود.

شهید سلیمانی اهل منطقه «رابر» کرمان است. رابر و راین کرمان منطقه‌ای نوعاً استعدادخیز است. یعنی ساکنین آنجا از استعداد و ضریب هوشی بالایی برخوردار هستند. علتش این است که رابر و راین و بافت مرتفع‌ترین نقطه ایران ازسطح دریا است. یعنی آب و هوای آنجا خیلی بکر و فارغ از هر آلودگی است. منطقه‌ای است که گردو زیاد دارد و جایی که گردو زیاد است مردمانش ضریب هوشی و قوت مغزی بالایی دارند.

ایشـــان از یک خانواده عشایری هم بودند و با کار دامداری و کشـــاورزی محلی زندگی می‌کردند و به دور از هیاهو و مشـــغولیت‌های شهری، زندگی آرامی در پناه طبیعت داشته‌اند. پدرش بیشترکار دامداری می‌کرد. حتی تعبیر می‌کنند که یـــک چوپان مورد اعتماد و علاقه همه ساکنین و آشنایان بوده‌اند.

حاج قاسم در آن خانواده رشد کرد و تحصیلاتش را هم در همان منطقه ادامه داد. ظاهراً دیپلم خود را همان جا گرفت و بعد روانه بازار کار شد. معروف هست که به کار ساختمان (بنّایی) علاقه داشت و در این شغل رشد کرده بود و حتی پروژه ساختمان سازمان آب منطقه‌ای آنجا را بر عهده گرفته بود.

قبل از انقلاب در دوران فعالیت‌های انقلابی حضرت امام و روشنگری‌هایی که می‌شد، شخصیت‌هایی برای تبلیغ به کرمان می‌آمدند. مرحوم آقای کامیاب یکی از روحانیون محترم و ارجمند خراسان و از شاگردان و دست پروردگان مقام معظم رهبری در آن منطقه بود. ایشان برای تبلیغ به کرمان آمده بود و خیلی روی جوانان تأثیرگذار بود. یکی از کسانی که جذب کرده بود، همین حاج قاسم بود و حاج قاسم تحت تأثیر منش و شیوه تبلیغی او، گرایش عمیقی به انقلاب و نهضت پیدا کرد و در این مسیر قرار گرفت.

> *شهید سلیمانی اهل منطقه استعدادخیز «رابر» کرمان است. ساکنین آنجا از استعداد و ضریب هوشی بالایی برخوردار هستند. علتش این است که آنجا از مرتفع‌ترین نقاط ایران است. آب و هوای آنجا خیلی بکر و فارغ از هر آلودگی است. منطقه‌ای است که گردو زیاد دارد و مردمانش ضریب هوشی و قوت مغزی بالایی دارند
>
> *هرچه موقعیت اجتماعی، نظامی و تأثیرگذاری در فرماندهی‌های مختلف در ایشان بیشتر می شد، ماهیت معنوی، فروتنی، خود را ندیدن و انقلاب و رهبری را دیدن، بیشتر بروز می کرد

با پیروزی انقلاب هم به عنوان جوان روشن، علاقمند، خوش‌طینت و خوش باوری که در منطقه درخشیده بود، خودش را در جریان امر انقلاب قرار داد و با تأسیس سپاه پاسداران و ضرورت حمایت از این نهاد انقلابی ایشان هم جذب شد و طبیعتاً در مسیر قرار گرفت.

با این پیشـــینه و خمیر مایه‌فکری، تربیتی و آرمانی، او در سپاه درخشـــید و به دلیل استعداد و هوش بالایی که داشت، رشد کرد و به مراحلی رسید که اول به عنوان جانشـــین فرمانده و بعد به عنوان فرمانده بخشی از سپاه ثارالله(ع) کرمان انتخاب شد و موقعیت‌های بالایی کسب کرد. مهم‌تر از همه، در مسیر حرکت به جلو و در مسیر نبرد، رزم، دلاوری و کوشش برای دستاوردهای بزرگ نظام خودش را نشان داد و در همین مسیر به عنوان یک چهره شـــاخص در جریان نهاد ارجمند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مطرح شـــد و به درجات عالی رسید. در نهایت فرمانده ســـپاه قدس شد که در آن حد از تأثیرگذاری در منطقه و جهان قرار گرفت.

در کنار این همه دســـتاوردی که نصیبش شده بود و فیوضاتی که به ایشان رسیده بود، ویژگی‌های آرمانی، اخلاقی و تربیتی بالایی داشت. هرچه موقعیت اجتماعی، نظامی و تأثیرگذاری در فرماندهی‌های مختلف در ایشان

بیشـــتر نمود پیدا می‌کرد، ماهیت معنوی، فروتنی، خود ندیدن و انقـــلاب و رهبری را دیدن، بروز کرد. به همین دلیل، علی‌رغم همه موقعیت‌هایی که پیدا می‌کرد، کسانی که شـــناختی از او نداشـــتند و یا او را به قیافه و چهره نمی‌شناختند، اگر با ایشان برخورد می‌کردند باور نمی‌کردند که این شخصیت همان کســـی است که آن موقعیت‌ها، دستاوردها و شهرت آنچنانی را دارد.

فوق‌العاده فروتن و ساده‌زیست بود و از تفاخر و نشان دادن یک زندگی متفاوت با دیگران پرهیز داشت. خودش، خانواده و بستگانش به عنوان الگوها و نمونه‌هایی بودند که در مسیر زندگی می‌توانستند برای همه سرمشق باشند. البته فراتر از همه این خصلت‌ها، ماهیت از خود گذشتگی، جان نثاری و آمادگی هر نوع فداکاری در ایشان مثال زدنی بود.

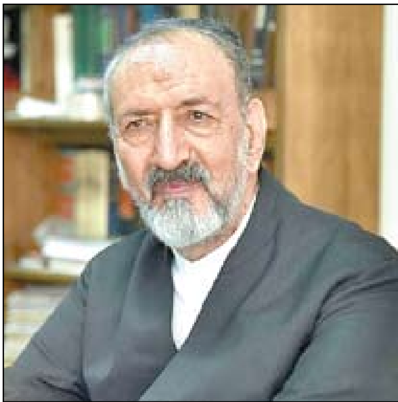
به دلیل همین موقعیت بود که گاهی خودش را در قلب دشمن قرار می‌داد و نفوذ می‌کرد. ریسک‌های خیلی بزرگی را انجام می‌داد. نمونه آن را اخیرا مقام معظم رهبری در یک سخنرانی ابراز فرمودند که عناصر خشن و بی‌رحم داعش منطقه‌ای را محاصره کرده بودند و بنا بود که همه را قتل‌عام کنند. این عنصر شبانه خودش را با هلی‌کوپتر در آن منطقه فرود می‌آورد و هدایت، رهبری و ساماندهی می‌کند و آن منطقه را نجات می‌دهد و محاصره را می‌شکند. نفس این حرکت خودش نشان دهنده توان بالای ریسک‌پذیری، از خود گذشتگی، از جان گذشتگی و آمادگی برای پذیرش هر نوع خطر در مسیر آرمان و هدفی است که تشخیص می‌دهد باید به سوی آن برود.

در کنار همه این‌ها، خصلت مردمی حاج قاسم زبانزد بود. گاهی که به شهرستان می‌رفت، کسانی که ایشان را می‌شناختند و به خصوص کسانی که در جریان هشت سال جنگ تحمیلی همرزم ایشان بودند و نیروهایی بودند که انتخاب شده بودند و زیر فرماندهی او کار می‌کردند و بعد از پایان جنگ هر کدام مسئولیتی داشتند و جایی بودند، باز هم به سراغ ایشان می‌آمدند و به دلیل درک درستی که از بینش و راهنمایی‌های او داشتند، سعی می‌کردند که باز هم از فیوضات ایشان بهره‌مند شوند.

یعنی حاج قاسم همیشه مورد مشاوره و توجه بود. نقطه نظراتش مقبول و پذیرفته شده بود. چون می‌دانستند که از روی هوای نفس حـــرف نمی‌زند؛ بلکه از روی واقع‌بینی و خدمت به نظام، انقلاب، رهبری و جامعه حرف می‌زند. این اعتماد باعث شـــده بود که همه با جان و دل خودشان را در خدمت ایشان قرار دهند.

در موقعیت‌های بسیار حساس و تعیین کننده‌ای سعی می‌کرد که گره‌ها را بگشاید. مثلاً برای حل اختلاف بین طیف‌های مختلف سیاسی در استان کرمان، سعی می‌کرد با حفظ احترام نسبت به همه تشکل‌ها و گرایش‌ها، همین که در مسیر انقلاب هستند و اهداف عالی انقلاب و رهبری را قبول دارند، آنها را بـــه هم نزدیک کند و به فرآیندی برساند که روی امری توافق کنند. بسیاری از استاندارانی که انتخاب می‌شدند با کوشش یا هدایت و درایت ایشان بود که انتخاب می‌شدند و آنها هم به دلیل اینکه حاج قاسم از آنها خواسته بود، با جان و دل همه امکانات خودشان را در اختیار می‌گذاشتند.

نمونه آخرش این اســـت که در استان کرمان برای انتخاب استاندار مشکلاتی ایجاد شده بود. کسی که برای آنجا انتخاب شد آقای مهندس رزم حسینی بود که جانشین حاج قاســـم در سپاه ثارالله(ع) بود؛ اما بعد از پایان جنگ به کارهای شخصی پرداخته بود و موقعیت‌های اقتصادی خوبی هم به او رسیده بود. وقتی حاج قاسم به او پیشنهاد داد به همه موفقیت‌های مالی و اقتصادی پشـــت پا زد و خودش را در اختیار حاج قاســـم و اهداف انقلاب در کرمان قرار داد و مسئولیت استانداری را پذیرفت. گرچه او به خاطر اینکه همسرش مریض شده بود و ناچار بود مدتی فراغت داشته باشد استعفا داد، اما به دلیل عملکرد صحیح و سوابق روشـــنش و به دلیل اعتمادی که طیف «حاج قاســـمی‌ها» به او داشتند، مطرح شده بود که وزیر صنایع شود و موقعیت‌های دیگری داشته باشد. به هر حال



***حاج قاسم برای ما قدیّس بود. یک سمبل مورد احترام و ارجمند بود که همه آنچه که ما علاقه داشتیم در ایشان می‌دیدیم؛ پاکی، صداقت دوری از ریا، تواضع، فروتنی از خودگذشتگی، و مهم‌تر از همه ذوب شدن در انقلاب، آرمان‌های انقلاب امام و رهبری و ولایت**

پذیرفت که استانداری خراسان رضوی را داشته باشد و الان در آنجا مشغول اســـت. حاج قاسمی‌ها سمبل‌های صداقت، بی‌طرفی و خیرخواهی در کشور بودند.

این‌ها نمونه‌های کارگشایی و راهگشایی حاج قاسم در منطقه است که برای حل مشکلات اجتماعی تأثیرگذاری خودش را نشان داده بود.

فراتر از این، در برخورد به مردم طوری بود که همه طیف‌ها و گروه‌هایی که مشکل داشتند راحت می‌توانستند مشکل خود را با ایشان درمیان بگذارند و ایشان با سعه‌صدر، تواضع و فروتنی گوش می‌کرد و وقتی تشخیص می‌داد که ضرورت دارد حمایت کند، سعی می‌کرد در حد توانش حمایت کند.

یک نمونه آن را من اخیراً شنیده‌ام که خیلی جالب هم هست. یکی از دوستان گفت که در فرودگاه کرمان پروازی بود که بنا بود مســـافران حرکت کنند و از سالن فرودگاه اعلام می‌شود که آماده پرواز باشید. مسافران سوار اتوبوسی می‌شوند که آنها را به کنار هواپیما برساند. حاج قاسم هم یکی از این مسافران بوده است.

آقای سروشـــیان از بزرگان زرتشتیان کرمان است. زرتشـــتیان در کرمان طایفه محبوب و نجیبی هســـتند. آدم‌هایی خوشـــنام، امین و مورد احترام هستند. آنها در عزاداری‌های حضرت اباعبدالله(ع) شرکت می‌کنند، نذر می‌دهند و شریک می‌شـــوند. آدم‌های خوش برخورد و خوش‌قلبی هســـتند. سروشیان وقتی می‌بیند حاج قاسم در اتوبوس نشســـته روی شانه ایشان دست می‌گذارد و می‌گوید «حاج آقا ما شـــما را دوست داریم». حاج قاسم وقتی او را می‌شناسد بلند می‌شود، بغلش می‌کند، می‌بوسد و کنار هم می‌نشینند. بعد می‌پرسد مشکل شما چیست؟ می‌گوید مشکل قضایی داریم و به تهران می‌رویم. ایشان می‌گوید شـــما تلفنتان را بدهید و من می‌گویم یکی از دوستان کمک کند تا مشکل شما حل شود. او هم تلفنش را می‌دهد. روز بعد از دفتر حاج قاسم به سراغش می‌روند، مدارکش را می‌گیرند، اظهاراتش را گوش می‌کنند، دنبال کارش را می‌گیرند و به نتیجه مطلوبی هم می‌رسد.

این را یکی از وکلای برجسته دادگستری کرمان، آقای دکتر انوشیروان منشی‌زاده، نقل می‌کرد. گفت، ایشان وقتی از حادثه شهادت حاج قاسم مطلع شد مثل ابر بهار اشک می‌ریخت. من گفتم، «شما که زرتشتی هستید»؛ آن وقت او (سروشیان) داستان را نقل کرد. گفت که این مرد علی‌رغم موقعیـــت و گرفتاری‌هایی که داشـــت، به درد دل یک همشهری زرتشتی‌اش به قدری صمیمانه گوش کرد و به قدری مسئولانه پیگیری کرد که من تا ابد فراموش نمی‌کنم.

این از نمونه‌هایی است که یک انسان در دل مردم نفوذ کرده و خیلی طبیعی، نرفته خودش را نشان دهد، وقتی تشخیص داد که این‌ها شایستگی کمک و یاری دارند، کمک کرد.

افراد دیگری در کرمان هستند که نسبت به هیچ جریان و گروهی ســـمپاتی و علاقه ندارند؛ فقط به امر انقلاب و توجه به مردم عنایت دارند. آنها کســـانی هستند که در فقدان و شهادت حاج قاسم سوختند. آنها اهمیت و ارزش فراجناحی بودن را درک می‌کردند. ارزش فقط خدا و مردم را دیدن را درک می‌کردند. یکی از آنها آقای عطاء احمدی، پهلوان معروف کرمان است. و دیگران هم فراوان هستند.

این طیف بیشتر در چه صنف و گروهی از کرمان هستند؟

مردم عادی دردمند و زخم دیده هســـتند. خیلی از این‌ها به دلیل موقعیت و جذابیتی که حاج قاسم داشته در جریان جنگ تحمیلی جذب ســـپاه می‌شدند و به عنوان نیروهای بسیج در جبهه‌ها حضور پیدا می‌کردند.

یکی از رسالت‌هایی که با خودش حس می‌کرد این بود که اینها را فراموش نکند. بعد از جنگ از کسانی که مجروح شده بودند عیادت می‌کرد و به خانواده شهدا سر می‌زد و دلداری می‌داد و اگر نیازی داشتند و در حد توانش بود، سعی می‌کرد که کمکشان کند، غم را از روی دل آنها بردارد و آنها در شرایط مناسب و خوبی قرارشان دهد.

اینها نمونه‌های اخلاقی ویژه‌ای بود که این انســـان داشـــت و در کنار این‌ها، موقعیت تأثیرگذار استراتژیک و بنیادی در جریان مقاومت در جهان داشت. همه زخم دیدگان جهان اسلام و جهان سوم که درصدد راه‌حلی برای پایان دادن این همه ســـتم و ظلم بودند و حرکت‌هایی را شروع کرده بودند، پناهشان حاج قاسم بود و از تجربیات، راهنمایی‌ها و حمایت‌های او بهره می‌بردند و به موقعیت‌ها و موفقیت‌های بالایی هم دســـت یافته بودند. نمونه آن، حزب‌الله لبنان است. نمونه دیگرش جریان حشدالشعبی عراق است. نمونه آن حرکتی است که در یمن و جاهای دیگر جهان اسلام دارد اتفاق می‌افتد. این‌ها از حاج قاسم به عنوان یک سمبل، نمود و شاخص در انتخاب راه استفاده می‌کردند و البته با راهنمایی‌ها و مساعدت‌های ایشان به دستاوردهایی هم می‌رسیدند.

همسر با کمالات و فهمیده‌ای دارد که از خانواده‌ای مانند خانواده حاج قاسم هستند. فرزندانش هم فروتن، مؤدب و شایسته فرزند حاج قاسم بودن هستند.

شما اولین بار چه زمانی اسم ایشان را شنیدید؟

در سمینار کرمان‌شناسی

چه سالی؟

دوران جنگ تحمیلی بود و ایشان هم به عنوان یکی از مهمانان آمده بود و سخنرانی کرد و ما هم استفاده کردیم.

آن موقع فرمانده لشکر ۳۱ ثارالله بود.

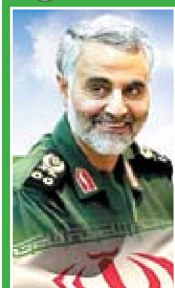
بله

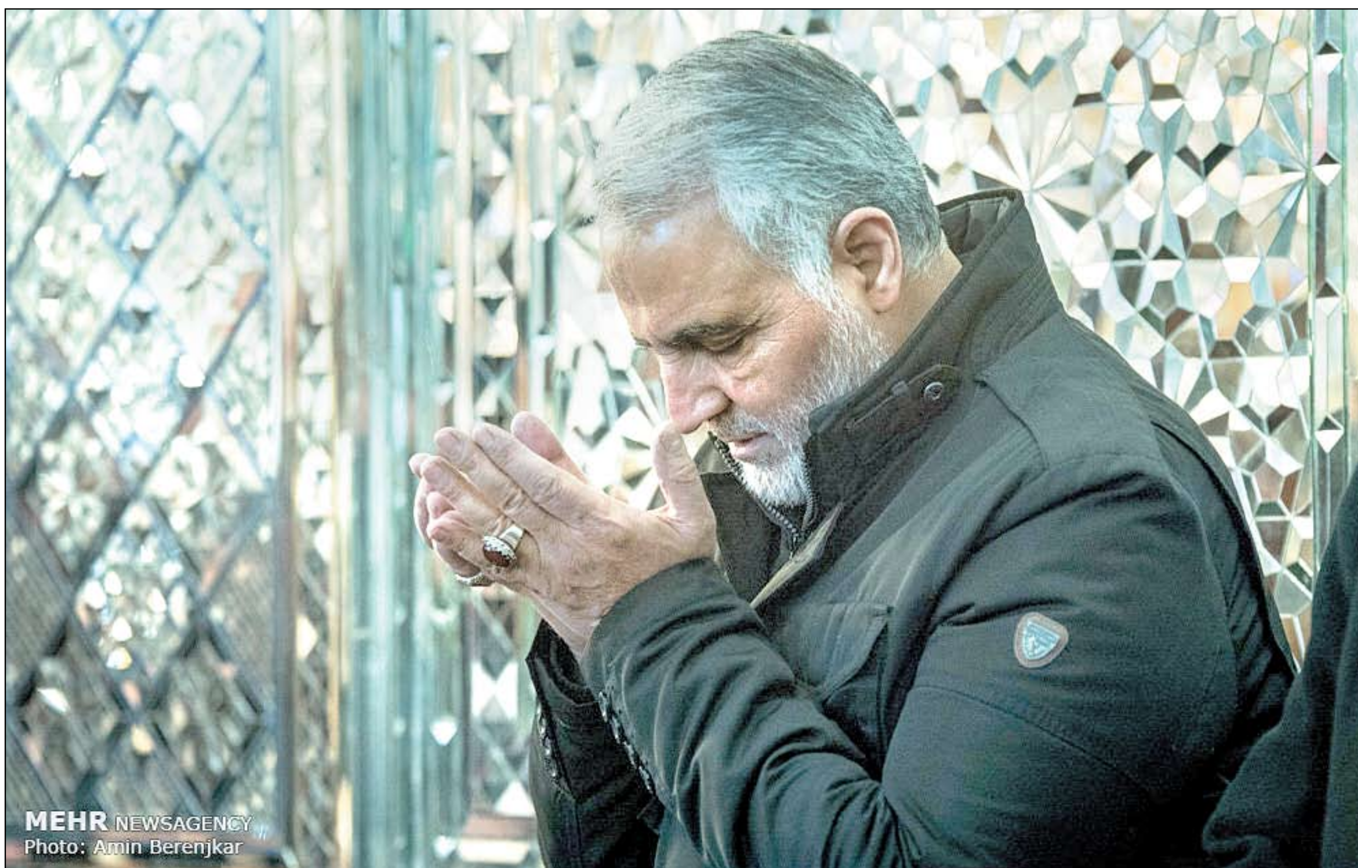
حاج آقا، یکی از چیزهایی که در مورد حاج قاسم گفته می‌شود این است که ایشان با طیف‌های مختلف اجتماعی، که شـــاید ما فکرش را هم نکنیم، ارتباط و رفاقت داشت...

اصلی که ایشـــان در نظر داشت، اعتقاد به انقلاب و احترام به ولایت و رهبری بود. اگر جریانی بود که امام را قبول داشت و یا رهبری فعلی را قبول دارد که در خط مشی سیاسی با جریانات دیگر متفاوت است، به دلیل اینکه اصل اصلی مورد اعتقاد حاج قاسم را پایبند است، مورد احترام قرار می‌داد.

شما نمونه‌هایی از این روابط گسترده ایشان با افراد و گروه‌های مختلف سراغ دارید؟

من دو جریانی که خود حاج قاســـم با من در میان گذاشت را شاهد می‌گیرم. یک دفعه در بیت مقام معظم رهبری مناسبتی بود که ما با هم برخورد کردیم. دو هفته بعد از مراسمی بود که به اســـم نکوداشت برای من در





کتابخانه ملی گذاشته بودند. البته دیر به من اطلاع دادند و علی‌رغم مخالفت من برنامه را گذاشتند و من هم به رغم میل باطنی و به احترام برگزار کنندگان، پذیرفتم. طیف‌های مختلفی آنجا آمدند و صحبت کردند و پیام دادند. حاج قاسم یک هفته بعد من را دید و با یک لحن بسیار صمیمی و انسانی گفت، «به ما خبر ندادید؛ من هم دلم می‌خواست آنجا بیایم و چیزهایی بگویم». من شرمنده شدم و سعی کردم دستش را ببوسم.

یک مورد دیگــــر اینکه، او می‌دانســـــت من برای بازگرداندن فضای ملاطفت و مهر فی‌مابین آقای خاتمی و مقام معظم رهبری و بیت ایشان، تلاش‌ها و حرکت‌هایی داشته‌ام، و می‌دانست که من نسبت به آقای خاتمی علاقه دارم و هنوز وفادار به عهدی هســــتم که نیم قرن پیش با یکدیگر داشـــــتیم. چون معتقدم که آقای خاتمی عوض نشــــد. آقای خاتمی سالم، معتقد و یکی از علاقمندان و خدمتگزاران جدی انقلاب، امام و مقام معظم رهبری است. حاج قاسم حتی می‌دانست که ما بعد از کنار رفتن آقای خاتمی و انزوای ایشان برای نوعی ادای احترام و نشان دادن یک وفای ویژه سالروز تولدشان را آنجا می‌رویم و تبریک می‌گوییم. ایشان یک بار به من گفت، «شما با ارتباطاتی که داشته‌اید سعی کنید مسأله بین آقا و اصلاح‌طلبان را حل کنید و پیگیری کنید». این یک خواسته خیلی خیرخواهانه بود. آقای جهانگیری گفت، «ما شـــــب قبل از اینکه حاج قاســـــم به منطقه برود با ایشان صحبت کرده بودیم که به دلیل اعتماد و علاقه‌ای که آقا به ایشان دارند برای وساطت ایشان خدمت آقا حرکتی صورت بگیرد و ایشان تلاشی کند که روابط بین دوستان تلطیف شود؛ به خصوص طیف مورد حصر». چون یک نگرانی وجود داشت که به دلیل سن بالای آنها و شاید افسردگی و بیماری اتفاقاتی بیفتد که خوشایند نباشد.

یعنی چند روز قبل از شهادت ایشان؟

بله

می‌گفت با حاج قاسم صحبت کردیم و حاج قاسم هم پذیرفت که مطرح کند و گفت، «من وقتی از ســـــفر برگشتم سعی می‌کنم که دنبال کنم». یعنی در این موقعیت بود که هم بشنود و هم بپذیرد.

نمونه دیگری که خیلی برای من جالب هست این است که حاج قاسم همه ساله یک روز در منزلش روضه می‌گرفت؛ یا محرم و یا شهادت بی‌بی حضرت زهرا(س) بود. سعی می‌کرد دوستان نزدیک و همشهریان را دعوت کند. من را هم دعوت می‌کرد. ما هم خوشحال بودیم و می‌رفتیم. البته سعی می‌کردند با همان شیوه سنتی محلی خودشان عزاداری و پذیرایی کنند.

در پذیرایی هم «آش حسینی» می‌دادند. آش حسینی معروف اســـــت به آبگوشــــــتی که با روش ویژه درست می‌کنند. حاج قاســـــم همیـــــن کار را انجام می‌داد. یعنی سفارش می‌داد چند گوسفند سالم از کرمان می‌فرستادند و اینجا ذبح می‌کردند و بساط را برپا می‌کرد.

مراســـــم این‌طور که اگر نماز جماعت بود اول نماز جماعت و اگر نماز را خوانده بودند سر وقت می‌آمدند و روضه شروع می‌شد و منبری‌های محلی کرمان را دعوت می‌کرد. یعنی یا امام جمعه بم و یا شهرهای اطراف بودند. آنها سخنرانی می‌کردند و بعد از سخنرانی چراغ‌ها خاموش می‌شد و مداحی می‌کردند. ما هم بلند می‌شدیم و سینه می‌زدیم. دو نفــــر در تاریکی آن جمعیت بیخ گوش من گفتند که «ســـــلام ما را به آقای خاتمی برسان». یعنی این طیف‌ها هم آنجا دعوت می‌شدند؛ در حالیٍ که در آن منطقه مسکونی یعنی شهرک شهید دقایقی نوعاً همرزمان سطح بالای ایشان در سپاه ساکن هستند.این به دلیل رواداری و یک نوع نظربلندی و نگاه فراجناحی است.

آنها همه می‌دانستند من شهره هستم به اینکه کاکایم (آقای خاتمی) را دوســـــت دارم. شاید هم بعضی از آنها گلایه می‌کردند که چرا این‌ها را دعوت کرده‌اید. ولی او هم دعوت می‌کرد و هم فضایی بود که همگنان این‌چنینی حضور داشـــــتند و در تاریکی در گوش من می‌گفتند که سلام ما را به آقای خاتمی برسان.

نفهمیدید چه کسانی هستند؟

من اصرار نداشتم بدانم.

آخرین باری هم که در مؤسســـــه اطلاعات خدمت ایشان رسیدیم جالب بود. شبی بود که عده‌ای از دوستان کرمانی بنا داشتند برای بررسی مسائل کرمان و منطقه جلسه ویژه‌ای اینجا داشته باشند. طبق معمول اگر تهران بودند و می‌خواستند جایی بنشینند به اینجا می‌آمدند. آقای مرعشی، آقای انصاری، آقای کریمی (استاندار سابق کرمان) و چند نفر دیگر هم بودند؛ فکر می‌کنم آقای باهنر هم بود. یک مرتبه من دیدم که حاج قاسم وارد شد. آنقدر خوشحال شدم. حاج قاســـــم برای ما قدیّس بود. یک سمبل مورد احترام و ارجمند بود که همه آنچه که ما علاقه داشـــــتیم در ایشان می‌دیدیم. پاکی، صداقت، دوری از ریا، تواضع، فروتنی، از خود گذشتگی، و مهم‌تر از همه، ذوب شدن در انقلاب، آرمان‌های انقلاب، امام و رهبری و ولایت بود.

من ســـــعی کردم دستش را ببوسم. البته من چند بار دستش را بوسیدم. گاهی پشت سرش قرار گرفتم و دزدکی دستش را بوسیدم. البته خیلی با بزرگواری برخورد کرد.

ما در جلسه نشستیم و در سالن غدیر آن جلسه برگزار شد. دوستی که در اتاق ما گاهی تلفن‌ها را جواب می‌داد به من گفت که آقای شفیعی آمده‌اند و با شما کار دارند. من متوجه نشدم کدام شفیعی است. گفتم بگویید باشند، من خدمتشان می‌آیم. لحظاتی بعد آمدم و دیدم که استاد شفیعی‌کدکنی است. خیلی خجالت کشیدم. عرض ادب کردم و توضیح دادم علت اینکه دیر خدمتشـــــان رسیدم جلسه‌ای بود که حاج قاسم هم حضور داشت. حاج قاسم را می‌شـــــناخت و به ایشان علاقه هم داشت. تأثیرگذاری ایشان در انقلاب و منطقه را شنیده بود و دعایشان می‌کرد.

***در جریان اقامه نماز برای ایشان تأثری که آقا داشتند دل همه را آب کرد. یعنی قلبی نبود که نلرزد و چشمی نبود که گریان نشود. ما همیشه در آقا یک نوع مقاومت و پذیرش درد و مصیبت را سراغ داشتیم. یعنی با یک صلابت و استقامت و تحمل فوق‌العاده و غیر قابل پیش‌بینی می‌دیدیم که ایشان نسبت به حوادث بسیار سهمگین مقاومت می‌کنند. در دو جا ایشان نتوانستند صبوری خودشان را نگه دارند؛ یکی وقتی که وصیت‌نامه امام(ره) را در مجلس می‌خواندند. یکی هم در نمازی که بر پیکر پاک حاج قاسم خواندند و اشک ریختند**

آقای شفیعی آن شب برای تفقدی از من آمده بودند و با لطفی که داشتند یکی از آثار جدیدشان را هم برای من آورده بودنـــد. تحقیقی بود که راجع به عطار کرده بودند. ایشان به من مرحمت کردند. من برای اینکه ثابت کنم چرا تأخیر کرده‌ام دستشان را گرفتم و جلوی سالن بردم و حاج قاسم را نشـــان دادم. گفت الآن چون وقت ندارم و جای دیگری باید بروم نمی‌آیم و وقت دیگری ایشان را می‌بینم.

آن کتاب را آن شـــب به حاج قاسم دادم. گفتم دلم می‌خواست هدیه‌ای خدمت شما تقدیم کنم. چه هدیه‌ای از این ارزشـــمندتر که اثر یکی از مفاخر علمی کشور را خدمت شما تقدیم کنم؟! حاج قاسم خیلی خوشش آمد. معلوم شد که اهل مطالعه است و مطالعات فراوان ادبی، سیاسی، انقلابی، اجتماعی و حقوقی دارند. دوستانی هم که به آنها گفتم این اتفاق افتاده گفتند که ما هرجایی می‌رفتیم اگر کتابخانه‌ای بود ســـراغ قفسه کتاب می‌رفت، انتخاب می‌کرد و اگر مجالی بود مطالعه می‌کرد.

به هر حال، یکی از ویژگی‌های خاصی که داشت، مثل همه پیشگامان امر انقلاب و نهضت، آرزوی شهادت داشت. علی رغم اینکه می‌دانست چه نقش تاثیرگذاری در جامعه و منطقه دارد و فقدانش چقدر فاجعه بار خواهد بود، آرمان و عشق واقعی‌اش را هیچ گاه فراموش نمی‌کرد؛ و آن امر شهادت بود. آماده شهادت بود.

علیرغم اینکه خسارت سنگینی در جریان شهادت ایشـــان اتفاق افتاد. اما برخوردی که جامعه ما و جامعه مقاومت با شهادت ایشان کرد یکی از دستاوردهای بسیار ارجمند و غیرقابل پیش‌بینی بود که جریان حاج قاسمی‌ها می‌توانند به جامعه نشـــان دهند و عرضه کنند. یعنی این هیجان و شوری که اتفاق افتاد؛ همه حمایت کردند و همه راه افتادند. همه طیف‌ها، حتی غیر مسلمان‌ها. زلزله‌ای در کشور اتفاق افتاد و رستاخیزی در کشور بود. سیل جمعیت همه چیز را شست و بُرد و به آرامش و وحدت رساند.ای کاش حوادث بعد اتفاق نمی‌افتاد و این جریان باز تداوم داشت و آرامش و وفاق تأثیر خود را می گذاشت.

چند بار در صحبت‌هایتان از «حاج قاســـمی‌ها» گفتید. این‌ها چه کسانی هستند؟ تفکر و مرام اینها چه هویت و مؤلفه‌هایی دارد؟

کسانی هستند که از خود گذشته باشند و خودشان، بستگان و قوم و خویششان را نبینند. هدف والا و نهایی که عهد کرده‌اند در مسیرش قرار بگیرند را ببینند؛ و آن رهبری، مردم، انقلاب، مقاومت، نهضت و مهمتر از همه دفع شرّ صهیونیسم و آمریکا است.

ما در کشور چقدر از این «حاج قاسمی‌ها» داریم؟

زیاد هستند. همین کسانی هستند که در مراسم تشییع حاج قاسم جان دادند، آسیب دیدند و به دور از هر ریا و خودنمایی، صادقانه اشک ریختند، حضور پیدا کردند و غم‌زده شدند. اینها نمونه‌ها هستند. البته در مسیر هدایت هر کدام از اینها عنصری وجود دارد. هر کدام از اینها در مسیری که می‌روند و گاهی این طوری خودشان را نشان می‌دهند یکی تأثیرگذار اســـت. البته ما در درون سپاه و ارتش و بخش‌های مختلف جامعه، حتی طیف‌های سیاسی مختلف، سراغ داریم که هستند کسانی که ریشه‌هایی از صداقت، ادب و احترام دارند. همه این‌ها کسانی هستند که ما می‌گوییم راه حاج قاسم را می‌روند.

شـــما وقتی صحبت آقای محمود دولت‌آبادی و یا حتی اردشیر زاهدی را در مورد حاج قاسم شنیدید تعجب نکردید؟ اینها را چطور تحلیل می‌کنید؟

تعجب من از این شد که چرا آنچه حاج قاسم در زمان حیاتش با این‌ها داشته را نمی‌دانستیم. مثلاً آقای مهاجرانی در ســـایتش خاطره‌ای را نقل کرد که مطلب جالبی بود: "یکـــی از هم‌دوره‌های مجلس اول به من زنگ زد". البته فهمیدم چه کســـی بود؛ چون تلفن آقای مهاجرانی را از من گرفته بود. "زنگ زد و ضمن حرف‌هایی که زد گفت آقای حاج قاسم سلیمانی از کتاب حاج آخوند شما خیلی تعریف کرده و از شما برای تنظیم این کتاب تشکر کرده اســـت". البته حاج قاسم توصیه‌های دیگری هم به آقای مهاجرانی داشتند که با ادب واحترام ویژه‌ای درسایت خود راجع به این ماجرا چیزی نوشته بود.

***سردار سلیمانی، مثل همه پیشگامان انقلاب و نهضت، آرزوی شهادت داشت. علی رغم اینکه می‌دانست چه نقش تاثیرگذاری در جامعه و منطقه دارد و فقدانش چقدر فاجعه بار خواهد بود، آرمان و عشق واقعی‌اش را هیچ گاه فراموش نمی‌کرد؛ او آماده شهادت بود**

***در برخورد به مردم طوری بود که همه طیف‌ها و گروه‌هایی که مشکل داشتند راحت می‌توانستند مشکل خود را با ایشان درمیان بگذارند و ایشان با سعه‌صدر، تواضع و فروتنی گوش می‌کرد و وقتی تشخیص می‌داد که ضرورت دارد حمایت کند، سعی می‌کرد حمایت کند**

سروش هم از کسانی است که در وضعیتی قرار گرفته که آدم متأثر می‌شود. مع ذلک، نوع ارتباطی که امثال حاج قاسم با آنها داشتند و تأثیراتی که گرفته بود را بیان کرده اســـت. آقای دولت‌آبادی هم در داخل آن حرف‌ها را زد. اینها را از خارج مثال زدم.

نقشی که حاج قاسم در خنثی کردن توطئه آمریکا در منطقه داشته نقشی بود که هر میهن‌دوست و ایران دوستی سعی می‌کند که این نقش را درک کند و آفتاب را ببیند؛ ولو اگر داماد شاه باشد، ولو اگر اردشیر زاهدی باشد.

نمونه‌های دیگری از این چیزهای متفاوت ســـراغ دارید؟ مثلاً از قول آقای محمدحسین کریمی‌پور خواندم که ایشـــان با رئیس انتشارات فرانکلین، آقای صنعتی، رفیق بود. یعنی با اینکه او در حکومت شاه بود و منتسب به آمریکا بود ولی حاج قاســـم تا همین آخر با او رفیق بود.

صنعتی(خداوند رحمتش کند) یک عنصر فوق‌العاده توانمند در برنامه‌ریزی و طراحی بود. تأســـیس مؤسسه «فرانکلین» و مهمتر از او تأسیس شرکت اُفست و کارهای خیلی بزرگ دیگر، یادگار او بود. البته او اول انقلاب زیر سؤال بود و بازجویی‌ها و برخوردهایی با او شد. ولی به واسطه پاسخ‌های منطقی و مستنداتی که ارائه کرده بود به این نتیجه رسیدند که نباید تحت تعقیب باشد.

بعد از آزادی هم خدمات بزرگی به منطقه کرده بود. مثلاً یکی از خدماتش این بود که منطقه‌ای را کشف کرده بود که در آن بهترین گل محمدی به دست می‌آید. از آن گل‌ها بهترین اسانس، عطر و گلاب را گرفته بود. طوری شده بود که حتی مهد تهیه و عرضه عطر جهانی فرانسه به سراغ او آمده بود و قراردادی بسته بودند و با آنها همکاری می‌کرد. او کسی بود که در سفری که مقام معظم رهبری به استان کرمان داشتند در جمع نخبگان و فرهیختگانی که با مقام معظم رهبری دیدار داشتند سخنرانی کرد و سخنرانی جالبی هم کرد که خیلی شیرین بود.

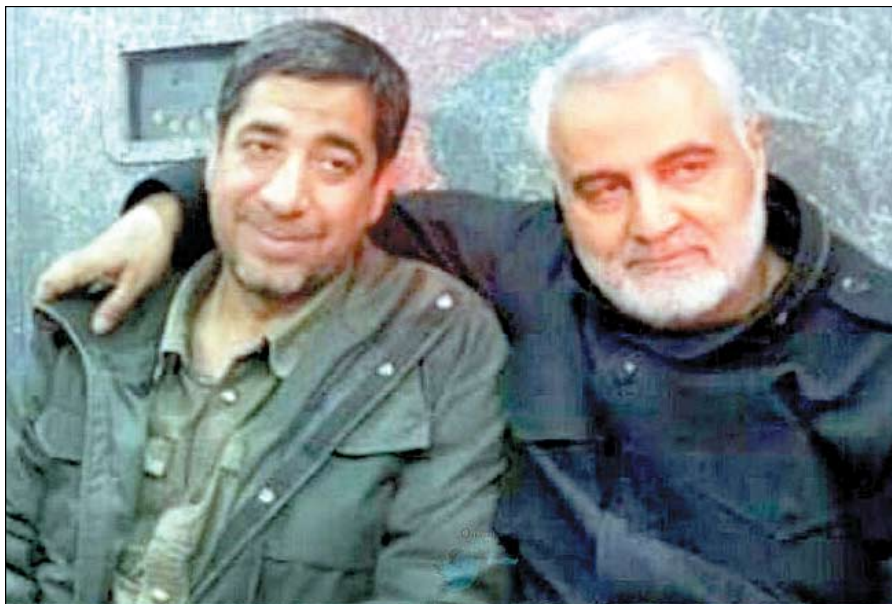
جالب اینجا است که به دلیل اینکه در آن سفر یکی از میزبانان آقا، سپاه و بسیج کرمان و حاج قاسم بود، آن سفر از طولانی‌ترین سفرهای مقام معظم رهبری بود. چون آقا هر جایی که می‌رفتند بین سه چهار روز آنجا بودند؛ ولی ۱۰ روز در کرمان ماندند. به ایشان هم خیلی خوش گذشته بود. طبیعتاً هم مهمان‌نوازی امثال حاج قاســـم‌ها خیلی ارزش داشته و هم صفای باطنی که بین این علاقمندان و فداکارانی که در کنار حاج قاســـم بودند باعث شد که آقا علقه ویژه‌ای را داشته باشند.

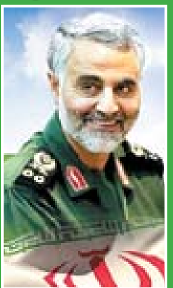
به همین دلیل در جریان اقامه نماز برای ایشان تأثری که آقا داشـــتند دل همه را آب کرد. یعنی قلبی نبود که نلرزد و چشمی نبود که گریان نشود. ما همیشه در آقا یک نوع مقاومت و پذیرش درد و مصیبت را ســـراغ داشتیم. یعنی با یک صلابت و استقامت و تحمل فوق‌العاده غیر قابل پیش‌بینی می‌دیدیم که ایشان نسبت به حوادث بسیار ســـهمگین مقاومت می‌کنند. در دو جا ایشان نتوانستند صبوری خودشان را نشان دهند. یکی وقتی که وصیت‌نامه امام را در مجلس می‌خواندند. یکی هم در نمازی که بر پیکر پاک حاج قاسم خواندند و به حق، اشک ریختند.

آقا در برخورد مناسب با هر جریان سخت و مصیبت شهره و بسیار خویشتندار هستند و برای تحمل به پیرامونیان روحیه می‌دهند. ولی گاهی و جایی هست که نمی‌شود گریه نکرد و حق مطلب این است که انسان تأثرش را به نوعی بیان کند.

حاج قاسم در همه سخنرانی‌ها از امام اسم می‌برد و در مورد اندیشه امام خیلی صحبت می‌کرد. من یادم هست هفت هشت ســـال پیش یکی از سخنرانی‌های ایشان را خواندم و بعداً هم بارها تکرار کردند که معتقد بودند امام شـــخصیتی بود که در تاریخ ایران ملیت و اسلامیت را در کنار هم گذاشت و از طریق اسلام کشور ایران را بیمه کرد. شما در خصوص این دیدگاه ایشان نکته‌ای دارید؟

یکی از فرهیختگان کرمانی تعبیر زیبایی داشت. گفت که اگر بخواهیم نمونه مجسّـــم و واقعی ملی ـ مذهبی را نشـــان دهیم، حاج قاسم بود. ملی به این دلیل که نسبت به مردم، میهن و تمامیت ارضی کشورش معتقد، وفادار و پایدار بود و از تمامیت ارضی کشور دفاع کرد. مذهبی بودنش هم که در اوج بود. آن ولایتی که ایشان معتقد بود و







اعتقادی که به امر رهبری دینی داشت و خلوصی که نسبت به ائمه اطهار(ع) داشت، منشأ بسیاری از خدماتی شد که بعد از فروپاشی رژیم صدام در عراق اتفاق افتاد.

توسعه‌ای که در مکان‌های مقدس آنجا انجام شد و آخرین عشـــق و علاقه‌ای که داشت و دائماً هم پیگیری می‌کرد تعویض گنبد حضرت اباعبدالله الحسین(ع) بود. کار بسیار سنگین و بزرگی است که کرمانی‌ها با نظارت یاران او و ستادی که تنظیم کرده بود دارند انجام می‌دهند. او نسبت به حضرت ابوالفضل العباس(ع) علاقه خاصی داشـــت. یعنی او فداکاری، گذشت، تحمل، ادب و همه ویژگی‌هـــای یک فرمانده یا یک ســـپاه در صحنه را از حضرت ابوالفضل العباس(ع) می‌گرفت و او را ســـمبل خودش می‌دانست.

گاهی که حالت زیارت به ایشان دست می‌داد، اشکی که می‌ریخت وحشتناک بود. به ضریح که می‌چسبید، سعی می‌کرد کسی دقت نکند که ایشان را ببیند و رازی با معبود و معشوقش داشته باشد. از صورت اشک‌آلود ایشان آدم پی می‌برد که چقدر این انسان شیفته و واله و شیدا است.

نسبت به پدر و مادر فوق‌العاده ادب داشت. مرتب سر می‌زد، صله رحم می‌کرد و دست مادر را می‌بوسید. روز آخری که ایشان برای عیادت مادرش در بیمارستان رفته بـــود، طبق معمول وقتی هر جایی می‌رفت یک نفر همراهش بود. به همراهش گفته بود که شما چند دقیقه‌ای از من فاصله بگیرید. مثل اینکه پرده را می‌کشد که کسی نبیند. اما این فرد حس مسئولیتش می‌گوید ببیند چیزی آنجا نباشد. دیده بود که حاج قاسم صورت و پای مادرش را بوسید و به پای مادرش افتاد و اشک ریخت. در آن حالش می‌گوید مادر ببخش که من به دلیل گرفتاری‌ها نتوانستم دائم در کنارت باشم.

به هر حال، یک عشـــق و حالت این‌چنینی داشت. همین‌ها عاقبتش را به این روز رساند که به عنوان یک چهره محبوب بین‌المللی که بزرگترین فرماندهان استراتژیست دشمن آرزو می‌کنند که مثل اویی را در اختیار داشته باشند. این چیز کمی نیست.

در مورد بحث ارادتش به امام...

او هرچه داشت از امام داشت. یعنی حاج قاسم «اوستا بنایی» بود که در مسیر آرمان‌های امام جذب شد و عنصر با اســـتعداد و هوشمندی بود که از ضریب بالای هوشی برخوردار بود. بیش از همه ما اهمیت و ارزش فرمایشات، حرکت و توصیه‌های امام را درک می‌کرد و هرچه داشت در آن مسیر بود. یکی از پیروان راستین بود؛ منتها به دلیل خودداری از تظاهر و تفاخر سعی نمی‌کرد که خودش را این طرف و آن طرف نزدیک کند و بشناساند.

سعی می‌کرد درست امام را درک کند و به همین دلیل هم چیزی که برای امام اهمیت داشت را با تمام وجود و از صمیم قلب انجام داد؛ و آن پیروزی در جبهه‌ها بود و حرکتی که بتواند دل امام را شاد کند. منطقه‌ای را آزاد کنند، اسیری بگیرند، دستاورد نظامی داشته باشند و مثال‌های از این دست زیاد است.

خیلی عجیب اســـت که ایشان به قول شما اوستا بنا بودند و احیانا تحصیلات دانشـــگاهی هم نداشتند. یک فرد عادی و بعد از انقلاب هم همیشـــه در جبهه و جنگ بودند. آدمی که در چنین محیطی هست چطور می‌شود که یک نگاه وسیع به تعبیر شما ملی و مذهبی پیدا می‌کند؟

به دلیل تعهدی که داشت در مسیر جبهه و جنگ قرار گرفت و سعی می‌کرد آنچه را که باید بیاموزد مطالعه و پیگیری کند و در سطح بالا هم پیگیری کند. مطالعات و تحقیقات وسیعی داشت و عمر را به بطالت نمی‌گذراند. ســـعی می‌کرد درباره حوادث بین‌المللی روز اطلاعات درست و دقیق داشته باشد. در برخوردها و اظهارنظرهایی که با بسیاری از فرماندهان رده‌بالا داشت همه به تیزهوشی، جامعیت و احاطه ایشان اذعان داشتند.

یکی از تعبیرات زیبایی که سیدحسن نصرالله نسبت به ایشان داشت این است که «هر موقع اظهارنظر می‌کرد ما از دقت نظر او لذت می‌بردیم و به اهمیت نقطه نظرات او پی می‌بردیم». خود مقام معظم رهبری بیش از همه ایشان را درک کرده بودند. در زمان حیات حضرت امام، حلقه وصل بین امام و حاج قاسم‌ها، آقا بودند. بعد هم آقا ایشان را درک و کشف کردند و در این بعضی مناسبت‌ها آقا تعبیر کردند که اگر حاج قاسم نظری را اظهار می‌کرد ما به پختگی و جامعیت نظری ایشان پی می‌بردیم.

*یکی از فرهیختگان کرمانی تعبیر زیبایی داشت. گفت که اگر بخواهیم نمونه مجسّم و واقعی ملی-مذهبی را نشان دهیم، حاج قاسم بود. ملی به این دلیل که نسبت به مردم، میهن و تمامیت ارضی کشورش معتقد، وفادار و پایدار بود و از تمامیت ارضی کشور دفاع کرد. مذهبی بودنش هم که در اوج بود. آن ولایتی که ایشان معتقد بود و اعتقادی که به امر رهبری دینی داشت و خلوصی که نسبت به ائمه اطهار(ع) داشت، منشأ بسیاری از خدماتی شد که بعد از فروپاشی رژیم صدام در عراق اتفاق افتاد

به هر حال این‌ها همان نسلی هستند که ابتدای قیام امام در گهواره بودند، در کنار امام به عنوان سربازان امام در پیروزی انقلاب حرکت کردند و در حوادث بعد از انقلاب هم یارانی بودند که در کنار امام برای حل آن مسائل و دفاع از انقلاب و آرمان کوشیدند.

در ســـال‌هایی که اختلافات سیاســـی در کشور جریان داشـــت، مثل ۸۸ و بعد از آن، مورد دیگری از نظر ایشـــان در مورد دعواهای سیاســـی و یا کارها و وساطت‌هایی که احیاناً کرده باشد، سراغ دارید؟

من شنیدم که در جریان خانه‌نشینی احمدی‌نژاد، ایشان یک برخورد خیلی منطقی و دقیقی با آن پدیده داشته است. طبیعتاً هم هشدار و هم‌انذار و نصیحت در آن بوده است. البته تأثیری روی او (احمدی نژاد) نداشت.

در مجموع، بعد از آن ماجراها ایشـــان (حاج قاسم) در کنار آقا بوده و سعی می‌کرده که همان مشی بی‌طرفی، فراجناحی و تأثیرگذاری بنیادی و آرمانی خودش را نسبت به همه طیف‌ها و گروه‌ها حفظ کند.

عکسی از آخرین ملاقاتتان با حاج قاسم به ما داده‌اید. این ملاقات چه زمانی و کجا بود و چه چیزی گفتید؟

استاندار کرمان به مناسبت فوت یکی از بستگانش مراسمی برای دوستان کرمانی مقیم تهران داشت و در یکی از باشگاه‌های وزارت صنایع در دارآباد مراسمی گرفت و عده‌ای را دعوت کرد. ما هم با خانواده به آنجا رفتیم و به ایشان و خانواده تسلیت گفتیم.

حاج قاسم هم آنجا بودند و محبت کردند و ما کنار حاج قاسم نشســـتیم و صفایی کردیم. عباس ما هم یک گوشی داشت و شـــکار لحظه‌ها می‌کرد و عکسی از ما گرفت. حاج قاســـم فروتنٍ بود ولی اجازه نمی‌داد که از ایشان سوءاستفاده شود. مثلاً خاطر من هست که عروسی صبیـــه‌اش در تالار طلائیه ما را دعوت کرده بود. مجلس آبرومند و خوبی بود و افراد از طیف‌های مختلفی هم آمده بودند. ایشان هم با بزرگواری پای هر میزی می‌نشست که نسبت به همه ادای احترام کند. آنجا هم فرصت‌هایی بود که دوستان می‌خواستند عکس بگیرند و ایشان با فروتنی سعی می‌کرد که مانع شود.

در جلسه‌ای که در مؤسسه اطلاعات داشتید ایشان چطور صحبت، اظهارنظر و در بحث‌ها شرکت می‌کرد؟

یک جلسه دیگر فراتر از این بود. من خاطرم هست که دعوت کرد ما در دفترش در تهران شرکت کردیم. آن هم باز همین کرمانی‌های تأثیرگذار بودند. مثلاً آقای رزم حسینی استاندار و چند نفر دیگر بودند. نمایندگان کرمان و دوستان دیگر آنجا بودند. من نمی‌دانستم دفتر ایشان آنجا است. در خیابان شهید آقایی نیاوران ایشان دفتری داشت و ملاقات‌های خاصی آنجا داشتند.

من به دلیل احترامی که برای ایشـــان قائل بودم و نگرانی که از ســـلامتی ایشان داشتم. به هیچ کس نگفتم که اینجا دفتر حاج قاسم بوده است؛ که یک وقت گوش نامحرمی چنین چیزی را کشف نکند.

در آن مجلس آنچه در کرمان باید به آن توجه داشت و اعتنا کرد را مطرح می‌کردند. مثلاً آبادانی و مشکل آب کرمان، مشکل صنایع و جریانات سیاسی کرمان و مسائلی از این قبیل بود. من خاطرم هســـت در آن جلسه گفتم البته کرمان یک سری مفاخر دارد که در خارج از کرمان هستند و جریانات تندرو حزب‌اللهی ما گاهی نسبت به این‌ها گاهی بی‌احترامی می‌کنند و خوب است که از اینها تفقد شود و حضور داشته باشند. مثلاً گفتم که در جریان کرمان‌شناسی آقای مرعشی جذب شدند.

کرمان‌شناسی عنوان یک همایش بود؟

یک ســـمینار بود که آقای مرعشی پایه‌گذاری کرد.



اما بعد که آقای احمدی‌نژاد بر سر کار آمد، این جریان به محاق رفت و نه تنها دیگر برگزار نشد، بلکه گاهی نسبت به دستاوردهای آن موضع‌گیری می‌شد. من این را مطرح کردم و ایشان هم اذعان داشت که آن جریان خوبی بوده و الان هم باید به آن توجه شود و نباید این طور باشد که ما نسبت به مفاخر کرمان در هر رشته و جریانی که هستند بی‌اعتنا باشیم. دو سه تا مثال هم زد که یکی از آنها باستانی پاریزی بود.

البته من آنجا از باستانی یاد کردم و گفتم که باستانی نسبت به شما احساس غرور می‌کند. چون باستانی تعصب ویژه‌ای روی کرمان و کرمانی‌ها داشت. هر افتخاری که یک کرمانی می‌آفرید او مباهات می‌کرد و می‌بالید. من جمله به حاج قاسم به عنوان یک فرمانده و شخصیت تأثیرگذاری که در تاریخ کرمان وجود دارد.

مسائل دیگری بود که هم نسبت به اقلیت‌های مذهبی کرمان بحث شد. زرتشتی‌های کرمان طیف تأثیرگذار و خوشنامی هستند. خانم توران شهریاری (شاعره کرمانی) هم از فامیل سروشیان است. این‌ها خانه‌ای داشتند که همیشه در بیرونی آن باز بود و همه کسانی که غریب بودند و در کرمان جایی نداشتند به آنجا می‌رفتند. سید بزرگواری به کرمان آمده و سراغ پیشوای مذهبی یا همان روحانی شهر رفته بود. در زده بود و گفته بود هوا سرد است و من از راه دور آمده‌ام. جوابش را نداده بودند. به او گفته بودند که بیرونی سروشیان جایی هست که شما می‌توانید آنجا استراحت کنید. او هم علی‌رغم اینکه نمی‌خواسته به غیر مسلمان مراجعه کند ناچار به آنجا می‌رود و می‌بیند جای آبرومند، اتاق و حتی وسیله پذیرایی هست و آنجا استراحت می‌کند.

آن روحانی که او را راه نداده بوده، شب حضرت رسول(ص) را خواب می‌بیند که از او گلایه می‌کند تو فرزند ما را راه نداده‌ای. بیدار می‌شود و می‌فهمد که ایشان به خانه سروشیان رفته است. در خانه سروشیان را می‌زند و می‌گوید چنین کسی اینجا آمده است. او می‌گوید همان کسی که در خواب به تو گفته، به من هم گفته است.

می‌خواهم بگویم این تبار تباری هستند که در آنها امثال پدر آقای حجتی پیدا می‌شود؛ میرزا عبدالحسین حجتی در آن حد از قداست، پاکی و صفا. معروف بوده در معاملاتی که این‌ها در تجارت‌خانه‌ها می‌کردند، اگر مثلا جنسی را فروخته و بخشی از قیمتش را گرفته بودند و آن جنس طبیعتاً مال خریدار بوده و دو روز بعد این جنس گرانتر می‌شد، دیگر پول اضافه از او نمی‌گرفتند و می‌گفتند همان قیمت قبلی را پرداخت کند.

باید به همه این‌ها توجه کرد و به عنوان واقعیت‌های نابی که در جامعه ما هست به آنها توجه کنیم.

اگر باز هم خاطره خاصی از ایشان دارید، از مواضع اجتماعی و رویکردهای فرهنگی و...

من همه این‌ها را در تواضع می‌بینم. یعنی ایشان خیلی پرهیز داشت از اینکه حالا که فرمانده سپاه قدس و یکی از چهره‌های شاخص نظامی و تأثیرگذار هست، در هر جمعی که وارد می‌شد سعی می‌کرد کنار یا آخر باشد و جلو نیاید.

اگر بخواهیم خلاصه بگوییم، چرا تشییع ایشان آنقدر شلوغ و گستره عزاداران ایشان آنقدر وسیع شد؟

چون خلوص داشت. خلوص و صفا و معنویت ایشان تأثیر خودش را گذاشت.

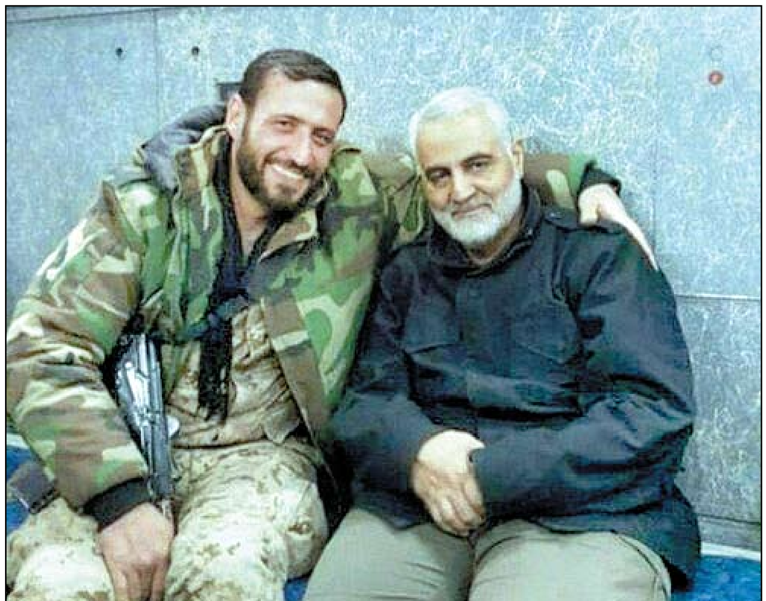
آینده بدون حاج قاسم را چطور می‌بینید؟

البته ایشان به دلیل هوشمندی و حرکت و راه رفتن اصولی سعی کرده پازل‌ها را درست انتخاب کند و بچیند. آن طور نباشد که متکی به خودش باشد و اگر نبود همه چیز فرو بریزد. ما نمی‌دانستیم ایشان قائم مقامی در این سطح داشته است. قائم‌مقامش هم معرفی شد. البته این‌ها کسانی هستند که در کنار او آموزش دیده و رشد کرده بودند. تقویت شده بودند و در کنار او در نقش‌هایی که ایفا شده بود سهم داشتند.

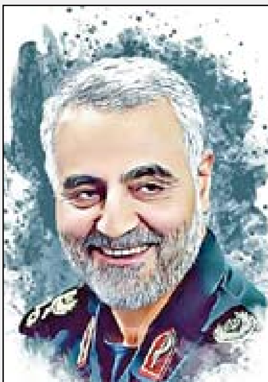
بدون تردید به دلیل همان حضورشان آثار و پدیده‌های قابل احترامی از راه او را می‌توانیم سراغ داشته باشیم. یعنی جای خوشبختی است که هستند و بوده‌اندکسانی در کنارش که رشد کنند، پرورش بیابند، تجربه کسب کنند و آب دیده شوند. طبیعتاً ماهیت امر نظامی که محرمانه است باعث می‌شود که ما پی به وجود خیلی از آنها نبریم ولی واقعیت این است که هستند. دستاوردهایشان را الان داریم می‌بینیم.

برای نمونه حرکات خیلی بزرگی در منطقه اتفاق افتاده است. یکی از آنها هواپیمایی است که در افغانستان سقوط کرد و آن حجم بالای دشمن و کسانی که مسبب خیلی از جنایات بودند در آن به درک رفتند. این‌ها نشان می‌دهد که بعد از ایشان هم عناصری تأثیرگذار هستند.

به نقل از «جماران»



حاج قاسمم آرزوست!



یحیی فتح نجات

از تشییع و بدرقه باشکوه و تکرار ناشدنی پیکر مطهر حاج قاسم که بگذریم، زیباترین صحنه‌ها را می‌شود به هنگام معاشقه مردم کرمان با آرامگاه ایرانی‌ترین ایرانی هزاره اخیر مشاهده کرد.

گلزار شهدای کرمان که از چهل سال پیش بر دامنه کوه‌های مسجد صاحب‌الزمان (عج) آرمیده است، اکنون به قطعه‌ای از بهشت بدل شده که هر روز توسط مردم قدرشناس کرمان گلباران می‌شود و عطر گل‌های نرگسی که دمادم سنگ مزار حاج‌قاسم را می‌پوشاند در فضای این بهشت زمینی، پراکنده می‌شود و دل‌های دردمند کرمانیان را برای مبارزه با جنایتکاران شرور آمریکا آماده می‌سازد. مردمی که در هوای سرد کویری، صبورانه در صف‌های طولانی می‌ایستند، مویه می‌کنند، اشک می‌ریزند و هنگامی که نوبت معاشقه فرا می‌رسد، گونه بر سنگ مزارش می‌سایند؛ چفیه، روسری، تکه‌های پارچه، کیسه شکلات و شیرینی‌های خود را متبرک کرده و به خانه‌هایشان می‌برند تا نسل انتقام بزرگ را در آغوش مادران شیردل این دیار پرورش دهند.

اینجانب رجاء واثق دارم که آرامگاه حاج قاسم به یکی از زیارتگاه‌هایی بدل می‌شود که اهل دل را از سراسر دنیا به خود جذب می‌کند و صدها سال فرزانگان جهان درباره سیره مبارکش خواهند نوشت و زلال شخصیت این فرزانه دوران را به تحلیل خواهند نشست و فرماندهان جهان به جستجوی شیوه‌های نبردهای جوانمردانه او در دانشکده‌های نظامی به بحث خواهند نشست.

به راستی این فرمانده بزرگ و فراسویی چه کرده است که به قله اسطوره‌های ایرانی صعود کرد و داغش هر روز در جانمان زبانه می‌کشد و دلمان را می‌سوزاند؟

دلمان حاج قاسم می‌خواهد

حاج قاسم واجد تمامی ارزش‌ها و فضیلت‌های انسانی بود که تا ابد بر دل‌های نسل‌های ایرانی حکومت خواهد کرد؛ فضیلت‌های شجاعت، میهن دوستی، مردمداری، اخلاص، فروتنی و پرهیز از فروتنی ریاکارانه، زندگی ساده و به دور از غوغای زراندوزان و رانت‌خواران، دلسوزی و شفقت به مردم ایران، ظلم‌ستیزی، فرهنگ‌پروری، صداقت، جوانمردی، وفای به عهد و تلاش برای حفاظت از وحدت ملی، فقط بخشی از صفات این ابر مرد تاریخ ایران است که مدارج عرفان را به سرعت طی کرد و به کمال انسانی نائل آمد و پیش از آنکه توسط تروریست‌های آمریکایی به شهادت برسد، به فراسوی زمان و مکان پرکشیده بود و خود به بهشتی تبدیل شده بود که مشام جان یارانش را از تازگی و طراوت لبریز می‌کرد تا ایران هرگز در مقابل غارتگران جهانخوار سرخم نکند.

اکنون حاج‌قاسم و روح بزرگش به الگویی بدل شده که ایرانیان صدها سال از داشتن او محروم بوده‌اند و امروز که حاج‌قاسم را به عنوان ایرانی‌ترین ایرانی هزاره در دل و ذهنمان داریم، برای اداره کشور به مسؤولانی کمتر از او رضایت نمی‌دهیم. نمایندگان ریاکار و مال‌پرست را بر نمی‌تابیم، مسؤولانی که برای تصاحب قدرت بر سر و روی یکدیگر می‌زنند و وقت کشور را هدر می‌دهند از خود نمی‌دانیم!

سخن روشن و آشکار است:

حاج قاسم شهیدی نیست که از یادها برود. چرا که او در جهان اسطوره‌ها سروری و سیادت می‌کند و روح نازنینش، نگهدار ایران خواهد بود و بی‌شک تشت رسوایی مسؤولان بی‌خاصیت و مال‌پرست را از بام فرو می‌اندازد تا جمهوری اسلامی بار دیگر از ناخالصی‌ها پاکیزه و مصفا شود. همچنانکه، سیاوش از ژرفای تاریخ هزاران ساله ایران، زنده و جاودانه، دنیا را به پاکی و صلح فرا می‌خواند و شهادت حاج قاسم، نشان داد که اسطوره‌های حماسه ملی ما، افسانه نیستند و حکیم فردوسی بزرگ افسانه‌سرا نبوده است.



۴۰
اطلاعات
پنجشنبه
۲۴بهمن ۱۳۹۸
سال نودوچهارم
شماره ۲۷۴۹۹



روایت دوستی ۴۰ساله با سردار سلیمانی از زبان محمدصادق امیرزاده

دانش آموختگی در مکتب حاج قاسم

شیما فتح‌نجات-امیر طوسی‌نژاد

ایجاد امنیت در سراسر کشورمان، موضوعی است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره مورد توجه بوده است و مسؤولان تلاش کرده‌اند با اقتدار با عوامل ناامنی، برخورد و امنیت را برقرار کنند.

شرق کشور از جمله مناطقی است که در پایان دفاع مقدس، نگاه‌ها را به خود جلب کرد و ایجاد امنیت پایدار در این خطه از کشورمان در دستور کار قرار گرفت. انجام این مهم، به فرماندهی نیاز داشت تا علاوه بر توانایی‌های نظامی، رابطه خوبی هم با مردم داشته باشد تا دوشادوش ساکنان این مناطق، به مقابله با اشرار بپردازد.

نگاه مسؤولان در آن زمان و به درستی، روی سردار قاسم سلیمانی معطوف شده بود؛ فرماندهی که توانسته بود در دوران دفاع مقدس با تأسیس لشکر ۴۱ ثارالله کرمان شکست‌های متعددی را به دشمن تحمیل کند.

به این ترتیب حاج قاسم به همراه جمعی از نیروهایش عازم این مأموریت شد تا با بهره‌گیری از تجربیات جنگ، امنیت پایدار را در شرق کشور حکمفرما کنند.

اما راز این موفقیت، فقط در توانایی رزمی و نظامی این فرمانده خلاصه نمی‌شود، بلکه در عطوفت و مهربانی سردار دل‌ها، نهفته است.

سردار سلیمانی در مدت این مأموریت، توانست دل شمار زیادی از ساکنان این منطقه را برای برقراری امنیت و احساس آرامش خشنود کند و عاشقان فراوانی در آنجا داشته باشند.

محمدصادق امیرزاده، همرزم و دوست قدیمی سردار سلیمانی است که خود شاهد دلاورمردی سردار رشید اسلام در دوران دفاع مقدس و همچنین تلاش وافر او برای تأمین امنیت شرق کشور بوده است. سابقه آشنایی و دوستی این دو رزمنده بسیجی به سال ۵۸ بازمی‌گردد که از آن زمان به بعد در جبهه‌های مختلف دفاع مقدس و برخورد با مخلان امنیت در شرق کشور همراه هم بودند.

امیرزاده در گفتگو با ما از رشادت‌های شهید قاسم سلیمانی در دوران دفاع مقدس و همچنین مبارزه با ناامن‌کنندگان شرق کشور می‌گوید؛ این که حاج قاسم توانست همراه جمعی از رزمندگان در سال‌های ۶۷ تا ۷۲، با اتخاذ تدابیر ویژه، امنیت را در شرق کشور برقرار کند اما فعالیت ایشان منحصر به برخوردهای نظامی نبود، بلکه در وهله نخست با عطوفت و مهربانی با ناامن‌کنندگان برخورد می‌کرد و ابتدا از آنها می‌خواست دست از ایجاد ناامنی بردارند و در کنار مردم قرار بگیرند که این رفتار و منش سردار، بسیار اثرگذار بود. حاج قاسم، سردار رأفت و مهربانی بود و کاری کرد که شمار زیادی از اعضای شبکه‌های ایجاد ناامنی در آن زمان خودشان را معرفی و سلاح خود را تحویل دادند و درکمتر از دو سال ۱۱۱ گروه مسلح منهدم شدند؛ گروه‌هایی که به سلاح‌های سنگین و نیم سنگین تجهیز شده بودند، ولی در مقابل حاج قاسم حرفی برای گفتن نداشتند و به راحتی تسلیم یا در مقابله، شکست سنگینی را متحمل می‌شدند.

> * حاج قاسم، سردار رأفت و مهربانی بود و کاری کرد که شمار زیادی از اعضای شبکه‌های ایجاد ناامنی در آن زمان خودشان را معرفی و سلاح خود را تحویل دادند و در کمتر از دو سال ۱۱۱ گروه مسلح منهدم شدند
>
> * ویژگی دیگر شهید سردار سلیمانی، اخلاص و تقوای او بود و مجموع ویژگی‌های اخلاقی و معنوی‌شان سبب شد مکتبی با عنوان این رزمنده شکل بگیرد که در این مکتب، صداقت حرف نخست را می‌زند و جایی برای ریا وجود ندارد

حضور در مراسم درگذشت پدر

در اواخر جنگ سوریه و مبارزه با داعش در این کشور، سردار با غم از دست دادن پدرش مواجه شد و دوست داشت در مراسم درگذشت پدر در روستای «قنات ملک» شرکت کند. حاج قاسم که در آن زمان در سوریه بود، شبانه با هواپیما از سوریه به فرودگاه کرمان آمد و ساعت ۴ بامداد در حالی که لباس رزم به تن داشت و گرد و خاک و آثار جنگ روی لباسش مشهود بود، از هواپیما پیاده شد.

امیرزاده در ادامه این توضیحات، خاطره‌اش را تکمیل می‌کند و می‌گوید: همانجا نماز صبح را اقامه کردیم. سپس حاجی قبل از این‌که فرودگاه را به مقصد زادگاه و خانه پدری‌اش در قنات ملک ترک کند، تأکید کرد ابتدا باید خدمه پرواز را اسکان دهیم و قبل از انجام این کار حاضر نشد فرودگاه را به مقصد قنات ملک ترک کند.

ویژگی دیگر شهید سردار سلیمانی، اخلاص و تقوای او بود و مجموع ویژگی‌های اخلاقی و معنوی او سبب شد مکتبی با عنوان این رزمنده شکل بگیرد که در این مکتب، صداقت حرف نخست را می‌زند و جایی برای ریا وجود ندارد. همانگونه که رهبر معظم انقلاب هم اشاره فرمودند، قاسم سلیمانی یک مکتب بود، مکتبی از اخلاص، تقوا

و صداقت که می‌تواند ما را به سعادت دنیوی و اخروی برساند.

برپایی روضه حضرت زهرا (س) در خانه سردار

خانه حاج قاسم، محل برگزاری مراسم مذهبی و روضه برای حضرت فاطمه(س) بود. بنابر اظهارات همرزمش، حاجی پس از این که از کرمان به تهران رفت، از دوستان خواست خانه‌اش محلی برای برپایی روضه حضرت زهرا(س) باشد. البته پیش از آن هم مراسم روضه‌خوانی حاج قاسم همیشه برقرار بود. به این ترتیب خانه سردار با تغییراتی، به بیت‌الزهرا(س) تبدیل شد و از آن زمان تاکنون هر سال در ایام فاطمیه، مراسم روضه در این محل برپاست و حاج قاسم هم شخصاً در مراسم حضور می‌یافت.

وی اهمیت فراوانی برای حاضران در جلسات روضه قائل بود و احترام زیادی به مردم می‌گذاشت و همیشه سعی می‌کرد کارها راخود به دست بگیرد.

امیرزاده این ویژگی سردار را با بیان خاطره‌ای، بیشتر توضیح می‌دهد:۴ سال قبل و در جریان برپایی جلسات روضه در بیت الزهرا(س)، باران شدیدی در کرمان بارید و آب روی چادر خیمه بیت الزهرا(س) جمع شد.

حاج قاسم که متوجه این موضوع شده بود، بدون این که از بچه‌ها درخواست کمک کند، به بالای داربست و چادر رفت و شخصاً آب روی چادر را با پارچ جمع کرد. عده زیادی آنجا حضور داشتند تا به ایشان در انجام امور کمک کنند، ولی عزت نفس ایشان سبب می‌شد هرگز به دنبال امر و نهی نباشد و خودش کارها را انجام دهد .سردار اصلاً به این موضوع فکر نمی‌کرد که انجام فلان کار در روضه برایش خوشایند نیست، بلکه انجام هر کاری را در جلسات روضه افتخارمی‌دانست، حتی نظافت سرویس‌ها.

نخستین مجروحیت سردار

پیشکسوت دوران دفاع مقدس در بخش دیگری از این گفتگو درباره نخستین مجروحیت سردار سلیمانی در دفاع مقدس توضیح می‌دهد: رزمندگان کرمانی دوران دفاع مقدس برای نخستین بار در سال ۵۹ به سوسنگرد اعزام شدند و من هم افتخار حضور در این جمع را داشتم که حاجی این گروه را به لشکر ۴۱ ثارالله تبدیل کرد. حاج قاسم برای نخستین بار در همین سال و در جبهه کرخه مجروح و به این ترتیب دوران جانبازی ایشان از همان سال نخست جنگ تحمیلی آغاز شد.

از جمله توانایی‌های سردار سلیمانی در حوزه نظامی، این بود که همان جمع ۷۰-۸۰ نفری کرمانی‌ها که در سوسنگرد حضور یافته بودند، با تدابیر حاج قاسم، لشکر ۴۱ ثارالله کرمان را تشکیل دادند و شمار نیروها به بیش از ۱۱۴ هزار رزمنده از استان‌های کرمان، هرمزگان و سیستان و بلوچستان رسید. حاج قاسم در حقیقت فرمانده نیروهای اعزامی این سه استان به جبهه‌ها بود.

امیرزاده می‌افزاید: من در آن زمان مسؤول آمار و اطلاعات لشکر ۴۱ ثارالله کرمان و در کنار حاجی بودم و شخصاً گزارش‌های سری اطلاعات و آمار حاج قاسم را تنظیم می‌کردم. در کنار ۱۱۴ هزار نفری که در این لشکر تحت امر حاجی به دفاع از کشور می‌پرداختند، ۸۵۰۰ شهید، خون پاک خود را نثار کردند که حاج قاسم پس از جنگ با خانواده این شهدا ارتباط داشت و همیشه جویای احوال آنها بود.

برقراری امنیت در شرق کشور

همرزم شهید سلیمانی تأکید می‌کند: حاج قاسم در پایان جنگ، سعی و تلاش زیادی برای برقراری امنیت در شرق کشور و استان‌های کرمان، جنوب فارس، سیستان و بلوچستان، هرمزگان و بخشی از خراسان انجام داد و توانست امنیت را به این مناطق بازگرداند. در همین شهر کرمان اشرار دست به گروگانگیری می‌زدند و در مسیرهای منتهی به شهر، مردم گرفتار ناامنی بودند، طوری که از ساعت ۴ و ۵ بعدازظهر به بعد، تردد در مسیرهای استان‌های کرمان، هرمزگان، سیستان و بلوچستان به دلیل فعالیت اشرار و گروه‌های مسلح ممنوع بود ولی حاجی توانست در کمتر از دو سال، گروه‌های مسلحی را که در خاک پاکستان و افغانستان لانه کرده بودند، زمینگیر کند.

سردار سلیمانی علاوه بر حضور فعال در دفاع مقدس و همچنین مبارزه با داعش و سلطه بیگانگان در منطقه، کار بزرگ دیگری هم انجام داد که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این کار بزرگ همان برقراری امنیت در مناطق مذکور بود که این موضوع باید تبیین شود.

حاج قاسم متعلق به هیچ گروه و جریانی نبود

امیرزاده، در ادامه گفتگو به نکته مهم دیگری درباره شخصیت سردار سلیمانی، اشاره می‌کند؛ این که حاج قاسم دلداده جای دیگری بود. حاجی متعلق به قشر پاسدار جماعت، بسیج و خانواده شهدا نبود؛ وی به هیچ حزب و گروه سیاسی تعلق نداشت. حاجی تندترین و ملایم‌ترین افراد جناح‌های سیاسی مختلف را در کنار خودش داشت و همیشه برای درد همه، مرهم بود.

شاید هیچ‌کس حاج قاسم را چه در دوران دفاع مقدس و چه پس از آن، به عنوان یک فرمانده فرمان بده، نشناسد. همه دوستان دوست داشتند نزدیک ایشان شوند تا از معنویت ایشان بهره ببرند. حاج قاسم هیچ وقت در مواجهه با نیروها در لشکر، خود را به عنوان فرمانده در نظر نمی‌گرفت و در مراحل آموزش، رزم و عملیات شخصاً حضور می‌یافت.

پیشکسوت دوران دفاع مقدس، ادامه می‌دهد: همه رزمندگانی که در دوران دفاع مقدس در خدمت حاج قاسم بودند، بر این موضوع صحه می‌گذارند که ایشان همیشه در عملیات جلوتر از بچه‌ها حضور داشت و هیچ وقت امکان نداشت از پشت خاکریزها، دستور بدهد؛ بلکه در نوک پیکان به مبارزه با دشمن می‌پرداخت و همین موضوع سبب شده بود بچه‌های لشکر همیشه شرمنده منش حاجی باشند. وی در پایان مهم‌ترین ویژگی سردار سلیمانی را در این می‌داند که ایشان چه قبل و چه بعد ازپیروزی انقلاب، سرباز ولایت بود، سرباز ولایت ماند و سرباز ولایت هم از دنیا رفت. او وصیت کرده بود روی سنگ مزارش عنوان «سرباز قاسم سلیمانی» نوشته شود و به این ترتیب این جمله ماندگار خواهد ماند.

* حاج قاسم در پایان جنگ سعی و تلاش زیادی برای برقراری امنیت در شرق کشور و استان‌های کرمان جنوب فارس، سیستان و بلوچستان هرمزگان و بخشی از خراسان انجام داد و توانست امنیت را به این مناطق بازگرداند
* حاجی متعلق به قشر پاسدار جماعت بسیج و خانواده شهدا نبود وی به هیچ حزب و گروه سیاسی تعلق نداشت. حاجی تندترین و ملایم‌ترین افراد جناح‌های سیاسی مختلف را در کنار خودش داشت







اطلاعات
پنجشنبه
۲۴بهمن ۱۳۹۸
سال نودوچهارم
شماره ۲۷۴۹۹

علی‌جان سلیمانی از گنجینه خاطرات همراهی با سردار می‌گوید

همیشه جلوتر از نیروهایش حرکت می‌کرد

امیر طوسی‌نژاد – شیما فتح‌نجات



شهید سردار سپهبد قاسم سلیمانی از جمله چهره‌های شاخص کشورمان است که به دلیل فرماندهی در جنگ و حضور ویژه در جبهه مقاومت و مبارزه با داعش و اشرار مسلح، همواره نزد افکار عمومی به عنوان یک چهره نظامی شناخته می‌شود اما این شهید بزرگوار قبل از آغاز دوران دفاع مقدس و پیروزی انقلاب اسلامی، نقش مؤثری در شکل‌گیری تظاهرات مردم در شهر کرمان و شهرستان رابُر داشته است.

نقطه بارز فعالیت‌های انقلابی حاج قاسم سلیمانی، روز ورود امام خمینی(ره) در ۱۲ بهمن ۵۷ به ثبت رسید. این شهید بزرگوار در این روز و در مسجد روستای «قنات ملک» شهرستان رابُر که زادگاهش بود، نخستین سخنرانی خود را در جمع مردم انجام داد و به این ترتیب نقش ایشان در مبارزات انقلابی و پیروزی از نهضت امام نمایان شد.

نقش حاج قاسم در مبارزات قبل از انقلاب موضوعی است که تاکنون کمتر مورد توجه رسانه‌ها و حتی مسؤولان قرار گرفته است که به طور حتم دلیل این مسأله را می‌توان در فروتنی و تواضع سردار رشید اسلام یافت.

علی‌جان سلیمانی، دوست دوران کودکی، نوجوانی و جوانی و از اقوام قاسم سلیمانی است که به دلیل نزدیکی با این شهید به‌طور کامل در جریان مبارزات انقلابی حاج قاسم قبل از پیروزی انقلاب اسلامی قرار دارد.

وی که سابقه مسؤولیت‌های بخشداری و فرمانداری شهرستان رابُر را در پرونده کاری‌اش دارد، در گفتگو با ما به تبیین نقش سردار در هدایتگری مردم منطقه زادگاهش در پیروی از نهضت امام(ره) می‌پردازد.

سلیمانی که به واسطه دوستی و رفاقت با آن شهید، با درخواست قاسم سلیمانی خاطرات ایشان را به رشته تحریر درمی‌آورده است، گنجینه خاطرات حاج قاسم به شمار می‌آید، خاطراتی که سردار دل‌ها شفاهی برای وی بازگو و این معلم آنها را ثبت می‌کرده است.

وی گفتگویش را چنین آغاز می‌کند: من و حاج قاسم از دوران کودکی با یکدیگر ارتباط و دوستی زیادی داشتیم، در یک منطقه بزرگ شدیم و دوران تحصیل را با هم در قنات ملک، رابر و شهر کرمان سپری کردیم.

دوران نوجوانی و جوانی ما با نهضت امام(ره) و پیروزی انقلاب اسلامی همزمان شد. به خاطر دارم که ایشان نقش بارز و ویژه‌ای در برپایی تظاهرات مردمی در شهر کرمان و زادگاهمان داشت که اکثر دوستان حاج قاسم که در مبارزات همراه ایشان بودند، شهید شدند و خود سردار هم همواره آرزویش شهادت بود.

نخستین سخنرانی سردار

سلیمانی درباره نخستین سخنرانی سردار در دوران حیاتش، توضیح می‌دهد: روز ۱۲ بهمن‌ماه ۵۷ اهالی قنات ملک در مسجد روستا جمع شدند و از طریق رادیو، پیگیر ورود امام خمینی به کشور بودند. پس از این که رادیو خبر ورود امام را اعلام کرد، همه به شکرانه این ورود، سجده شکر به جا آوردند. سپس آقای سلیمانی برای نخستین بار در این مسجد به سخنرانی پرداخت و به رغم جوانی، خیلی خوب صحبت کرد.

تبیین نهضت امام و زندگی و راه ایشان و پیوستگی این نهضت با مکتب ائمه و همچنین آینده انقلاب اسلامی از محورهای سخنرانی حاج قاسم بود که سبب آگاهی بیش از پیش مردم شد.

دوست دوران کودکی سردار سلیمانی، کلامش را به ذکر این خاطره از آرزوی حاج قاسم برای شهادت می‌آراید: در دوران دفاع مقدس یکی از دوستان و نزدیکان سردار به نام احمد سلیمانی شهید شد. با حاج قاسم به مراسم خاکسپاری این شهید رفتیم. وقتی در گلزار شهدا حضور یافتیم، حاج قاسم از من خواست همراه ایشان به داخل قبر برویم.

پس از برگزاری مراسم تدفین این شهید، حاج قاسم به من گفت: اخوی شما (شهید تاج‌علی سلیمانی) و شهید احمد سلیمانی و بنده سال‌ها قبل و پیش از ورود امام به ایران در ۱۲ بهمن ۵۷ و پس از پیروزی انقلاب اسلامی با یکدیگر عهد بستیم که در همه میدان‌ها و عرصه‌های مبارزاتی، در کنار هم باشیم تا شهید شویم. اکنون آن دو نفر شهید شده‌اند و من هم منتظرم بر اساس عهدی که با هم بستیم، شهید شوم.

گنجینه خاطرات سردار

حدود ۲۰ سال قبل خاطرات حاج قاسم از دوران دفاع مقدس را به خواست ایشان می‌نوشتم. هنگام نوشتن خاطرات ایشان، دو موضوع بسیار آشکار بود. نخست این که حاجی در فراغ یاران شهیدش بسیار ناراحت بود و به معنای واقعی کلمه مانند شمع می‌سوخت و دلتنگ دوستان شهیدش بود و فقط به دنبال این بود که این توفیق نصیبش شود. ایشان می‌گفت: هیچ چیز من را راضی نمی‌کند و فقط با شهادت راضی می‌شوم.

اشک به علی‌جان سلیمانی امان نمی‌دهد این فراز از صحبت‌هایش را ادامه دهد. صبر می‌کنیم تا آرام گیرد.

سپس می‌گوید: موضوع دوم قدرت تصمیم‌گیری و تدبیر ایشان در مراحل سخت جنگ بود. ایشان کارزاری از عملیات را بازگو می‌کرد که هر انسانی با شنیدن آن شرایط تصور می‌کرد راهی برای مقابله با دشمن و نجات در آن لحظات وجود نداشته است. اما در ادامه راهکاری که سردار در آن زمان اتخاذ کرده بود را می‌شنید و متوجه می‌شد آن گره‌ها چگونه با فکر و ایده حاجی، به راحتی باز می‌شدند.

وی که به دلیل شنیدن و نوشتن خاطرات سردار سلیمانی به گنجیه خاطرات این شهید تبدیل شده است، درباره فرمانبری نیروهای تحت امر حاجی از ایشان در دوران دفاع مقدس، اظهار می‌کند: برای مدتی در دوران دفاع مقدس به عنوان بسیجی در خدمت ایشان در جبهه بودم. درآن مدت هیچ‌وقت ندیدم حاجی داخل سنگر برود و از آنجا به هدایت عملیات بپردازد. او همیشه جلوتر از نیروهایش حرکت می‌کرد. سراسر وجود حاج قاسم اخلاص بود و همه نیروهای تحت امرش این را می‌دانستند و برای همین ویژگی‌اش، همگی حاضر بودیم کشته شویم ولی مویی از سر حاجی کم نشود.

دوست دوران کودکی سردار سلیمانی این مدعی را با بیان خاطره‌ای از علاقه وافر رزمندگان به حاج قاسم اشاره مستدل می‌کند و می‌گوید: یک بار در معیت حاجی به دیدار خانواده یکی از شهدای لشکر ۴۱ ثارالله رفتیم. در آن دیدار پدر شهید خطاب به سردار گفت: پسرم قبل از شهادتش یک گوسفند قربانی و تأکید کرد این گوسفند را نذر سلامتی حاج قاسم در جریان یک عملیات کرده ام؛ حاجی زیر آتش گلوله و خمپاره قرار گرفته بود و من از خدا خواستم که ایشان را نجات دهد و من هم گوسفندی را برای سلامتی ایشان قربانی کنم.

وی همچنین از قول این شهید خاطره‌ای از دیدارش با رهبر معظم انقلاب را بازگو می‌کند که: پس از پایان جنگ ۳۳ روزه، وقتی همراه شماری از بچه‌های مقاومت خدمت رهبر معظم انقلاب رسیدیم، ایشان در پایان دیدار به هر یک از حاضران در جلسه، یک انگشتر هدیه دادند ولی به من انگشتری ندادند. آن زمان در دلم گفتم هرچه ایشان صلاح می‌دانند، ولی دوست داشتم من هم

انگشتری از ایشان بگیرم! چندی بعد، پس از سخنرانی و تشریح جزئیاتی از جنگ ۳۳ روزه در حضور رهبر معظم انقلاب و مسؤولان، رهبر معظم انقلاب انگشتر خودشان را از دستشان بیرون آورند و در دست من گذاشتند.

شخصیت حاجی فقط نظامی نبود

دوست دوران کودکی، نوجوانی و جوانی سردار دل‌ها در ادامه گفتگو از وجوه فرهنگی، اخلاقی، معرفتی و اعتقادی حاج قاسم می‌گوید و در مصداق این ویژگی‌ها این خاطره را بیان می‌کند: یک روز وقتی در جلسه قرآن مسجد قنات ملک به همراه شماری از دوستان نشسته بودیم، حاج قاسم که به طور اتفاقی به زادگاهش آمده بود، وارد جلسه قرآن شد. من مدیریت آن جلسه را بر عهده داشتم. وقتی نوبت قرائت قرآن به حاج قاسم رسید، از حفظ شروع به تلاوت آیات قرآن کرد.

پس از اتمام قرائت ایشان، از حاجی پرسیدم: با وجود کار زیادتان چگونه قرآن را حفظ کردید؟ سردار پاسخ داد: فاصله میان شهرها را به صندلی عقب خودرو می‌روم و به تلاوت قرآن می‌پردازم و از این وقت برای این کار پسندیده استفاده می‌کنم.

شهید سردار سلیمانی همچنین در درک مفاهیم نهج‌البلاغه تبحر داشت و از هر فرصتی برای راهنمایی رزمندگان و دوستانش با بهره‌گیری از نهج‌البلاغه استفاده می‌کرد.

تواضع در کودکی و نوجوانی

تواضع و فروتنی حاج قاسم از همان دوران کودکی و نوجوانی، قابل توجه است. من و حاجی دوران کودکی و نوجوانی را به لحاظ ارتباط فامیلی، در کنار یکدیگر گذراندیم و در تمامی مراحل تحصیل در کنار هم بودیم.

*** هیچ‌وقت ندیدم حاجی داخل سنگر برود و از آنجا به هدایت عملیات بپردازد. او همیشه جلوتر از نیروهایش حرکت می‌کرد**

*** از حاجی پرسیدم: با وجود کار زیادتان چگونه قرآن را حفظ کردید؟ سردار پاسخ داد: فاصله میان شهرها را به صندلی عقب خودرو می‌روم و به تلاوت قرآن می‌پردازم و از این وقت برای این کار پسندیده استفاده می‌کنم**

*** حاج قاسم، پرورش یافته مکتب اهل بیت(ع) و نهضت امام خمینی (ره) و یکی از هزاران نفری بود که برای آسایش ایرانیان جان خود را فدا کرد**

علی‌جان سلیمانی، این مطلب را چنین تشریح می‌کند: ما عشایر فرهنگ خاص خود را داریم، به این صورت که سالانه یک گوسفند را پروار و آن را برای امام‌حسین(ع) قربانی می‌کنیم و به این ترتیب بچه‌های ایل از دوران کودکی با مکتب اهل‌بیت(ع) آشنا می‌شوند. حاج قاسم هم در همین مکتب پرورش یافت.

حاجی از همان دوران نوجوانی اهل عبادت بود و نمازش هیچگاه قطع نمی‌شد.

همچنین برای من هرگز این موضوع حل نشد که یک انسان تا چه اندازه می‌تواند حوصله داشته باشد، زیرا حاجی در دیدار با مردم، درد دل آنها به طور کامل را گوش می‌داد و مدام به فکر حل مشکل دیگران بود.

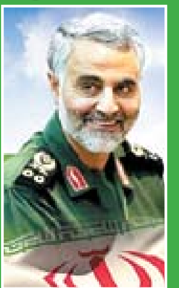
حاج قاسم یک بار خاطره‌ای را از عرفان بالای یک شهید برایم تعریف کرد و من هم آن را به رشته تحریر درآوردم.

دوست صمیمی سردار سلیمانی، کلامش را قطع می‌کند تا اشک چشمانش را پاک کند. سپس ادامه می‌دهد: حاجی هنگام بازگو کردن این خاطره چندین بار گریه کرد تا جایی که حتی برای دقایقی توانایی صحبت کردن هم نداشت. در خاطره او شب قبل از یک عملیات یکی از نیروها که از عرفان بالایی برخوردار بود، تک تک همرزمانش را خطاب قرار داد و به برخی گفت: شما در این عملیات شهید می‌شوید و به برخی دیگر گفت: شما مجروح خواهید شد. در همین هنگام یکی از بچه‌ها خطاب به این رزمنده گفت: خود شما چه وضعی پیدا خواهید کرد؟ پاسخ داد: همه شما از روی جنازه من عبور می کنید. پس از اتمام عملیات وقتی بچه‌های لشکر از رودخانه عبور می‌کردند با پیکر آن رزمنده در حالی که روی سیم‌های خاردار در گذرگاه عبور از رودخانه افتاده بود، مواجه شدند.

علی جان سلیمانی گفتگویش را چنین پایان می‌دهد: سردار، دغدغه اشتغال جوانان و معیشت مردم را داشت و در یک جمله حاج قاسم، پرورش یافته مکتب اهل بیت(ع) و نهضت امام خمینی (ره) و یکی از هزاران نفری بود که برای آسایش ایرانیان جان خود را فدا کرد.







اطلاعات
پنجشنبه
۲۴بهمن ۱۳۹۸
سال نودوچهارم
شماره ۲۷۴۹۹



پیام شهادت حاج قاسم چیست؟

«سردار بزرگ و پرافتخار اسلام، آسمانی شد.» خبری که هنوز باورش برای علاقه‌مندان شهید و دلبستگان مقاومت سخت است. اما آنچه مهم است، «پیامی» است که هر شهید با «خون» خود به همه انسان‌ها می‌دهد. «خون شهید» هم برای دشمنان پیام دارد و هم برای مؤمنان، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همواره در سخنانشان از مفاهیم والای قرآنی به‌عنوان راهبردهای الهی حرکت امت اسلام یاد می‌کنند. ایشان در پیام به ملت ایران در پی شهادت سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی نیز بر اساس مفاهیم قرآنی، پیروزی قطعی و نهایی را متعلق به مجاهدان جبهه مقاومت دانستند؛ و این یعنی اقتداری فراتر از آنچه امروز جبهه مقاومت صاحب آن است. اما «خون شهید» چگونه و بر اساس چه محاسباتی اقتداری مضاعف در پی دارد و چگونه فضا را متحول و دگرگون می‌کند؟

در ادامه بر اساس بیانات رهبر انقلاب اسلامی به این موضوع می‌پردازیم.

شهادت، پاداش الهی در برابر جان مؤمنان است

«شهادت، نعمت و هدیه خداست؛ این هدیه را آسان به کسی نمی‌دهند.» «شهادت مرگ تاجرانه است، مرگ پرسود است.» هر انسانی روزی از این دنیا می‌رود «کلّ نفس ذائقةالموت» اما سعادت این است که انسان با خدا تجارت کند و این «جان» را به خدا بفروشد و سود کند. «ان الله اشتری من المومنین انفسهم» خدا «جان» را از مؤمنان، می‌خرد. اما سؤال اینجاست: مؤمنان جان خود را در برابر چه چیزی با خدا معامله می‌کنند؟ و خدا، جان مؤمنان را با چه بهایی می‌خرد؟

خداوند جان مؤمنان را در برابر «اجر» می‌خرد و همین، تجارت پُرسود است که شهدا را به سمت شهادت می‌کشاند. شهید می‌داند که در مکتب اسلام نه تنها خونش هدررفتنی نیست؛ بلکه چنان «اجر» به او می‌دهند که بیشترین آثار را در هستی می‌گذارد.

به‌ویژه آنکه خود شهید از مقام بالایی برخوردار باشد. به‌همین دلیل «اَجر شهیدی مثل حسین‌بن‌علی (علیه‌السلام) که شهادت او قابل مقایسه با هیچ شهادتی نیست...، اصلاً قابل مقایسه نیست با اجر یک شهید معمولی.» «اجر» همان چیزی است که خداوند در برابر «خون شهید» به او می‌دهد. همان آثار و برکات دنیایی است که قرآن فرمود «أحیاءْ» و پاداش اخروی و مقام قرب الهی است که فرمود: عِندَ رَبّهِم یُرزَقُونَ».

«زنده بودن شهید» یعنی زندگی و رفتارها و باورهای او در این دنیا امتداد دارد و در زندگی ما تبلور دارد. اصولاً «خاصیت طبیعی شهادت، ایجاد برکت و تداوم و گشایش در حرکت به سمت تعالی و کمال است... خون شهید ضایع نخواهد شد؛ شخصیت شهید که تبلور همان آرمان‌های او و آرزوهای اوست، از میان مردم رخت برنخواهد بست.»

شهادت‌های بزرگ، جریان‌ساز است

وقتی به شهادت «مردان بزرگ تاریخ» می‌نگریم، می‌بینیم «اجر» شهادت آنها، غوغایی در عالم به پاکرده است. در اجر شهادت امام‌حسین (علیه‌السلام) همین بس که تمام خوبی‌ها، سعادت‌ها، شورها و شعورها و بیداری‌ها، از خون او سرچشمه می‌گیرد.

این همان باوری است که دلدادگان مکتب مقاومت را امید می‌دهد و حضرت زینب (سلام‌الله علیها) را به مقاومت در مکتب خود او می‌دارد. تبلور «مقاومت» آنجایی است که ابن‌زیاد قصد دارد با یادآوری شهادت امام حسین(علیه‌السلام)، غم و غصه را بر پیام‌آوران مکتب حسینی غلبه دهد، آنان را به سازش واداشته و از ادامه مسیر بازدارد و دوران آنها را تمام شدهِ بداند، حضرت زینب (سلام‌الله علیها) می‌فرماید «مَا رَأَیْتُ إلّا جَمیلا» من جز زِیبایی چیزی ندیدم «هَؤُلّاءِ قَوْمٌ کَتَبَ الله عَلَیهِمُ الْقَتَل فَبَرَزوا إلَی مَضَاجِعِهم» شهدا کسانی‌اند که خداونَد، سرنوشت شهادت راَ برای آنان رقم زده است و آنها خودشان به شهادتگاه خود شتافتند.

این پیام شهیدان است که شهادت را نه یک خسارت و زیان، بلکه بالاترین سود در دنیا می‌داند. سودی که آثار آن سراسر دنیا را فرا خواهد گرفت. در باور شهیدان، «شهادت مردان بزرگ» برای مردم جامعه اسلامی نه تنها خمودآور و سست‌کننده نیست، بلکه یک «نقش برانگیزاننده و زنده‌کننده برای نظام اجتماعی مسلمانان» دارد. شهیدان برای این شهید می‌شوند که «کشته‌شدن در راه خدا، ریختن خون مظلومان در راه خدا، این اثر قهری و طبیعی را دارد که با خود دستاوردهایی را به امت اسلامی، به ملت‌های مسلمان، به تاریخ اسلام تقدیم می‌کند.» و این همان «اجر» است که خداوند به شهید و خون او می‌دهد.

پیام شهیدان این است: نهراسید

بزرگ‌ترین «اجر» شهید، همان «پیام» شهادت است. پیام شهدا به ما این است: «فَرحینَ بما آتاهُمُ مِنْ فَضله» آنان از این شهادت خوشحالند. «وَ یَسْتَبَشِرونَ بالّذینَ لَمْ یَلحقوا به هم مِن خَلْفِهمْ» به همه مردمی که در مسیر مبارزه با دشمن هستند این بشارت را می‌دهد که «ألاّخَوف عَلَیهِم وَ لا هُمْ یَحزَنُونَ» «راه این است، راه را درست رفتند، صحیح رفتند، درست حرکت کردند.» و «در این راه نه بیم هست، نه اندوه هست؛ هر چه هست بهجت است، ابتهاج است، نشاط است، روحیّه است، امید است.»

بزرگ‌ترین اجر و برکت خون شهید، این است که آنانی که باقی مانده‌اند و در حال مبارزه و مقاومت هستند، از این مسیر خسته نمی‌شوند، مبارزه و مقاومت را ادامه می‌دهند و خون شهید را ضایع نمی‌کنند. «امروز، به‌فضل همین شهادت‌ها و به برکت خون شهدا، ملت ما، ملت سربلند و آبرومندی است و ملت‌ها آبرو عزت را اینگونه باید پیدا کنند.»

* شهیدان برای این شهید می‌شوند که «کشته‌شدن در راه خدا، ریختن خون مظلومان در راه خدا، این اثر قهری و طبیعی را دارد که با خود دستاوردهایی را به امت اسلامی، به ملت‌های مسلمان، به تاریخ اسلام تقدیم می‌کند.»

* بزرگ‌ترین اجر و برکت خون شهید، این است که آنانی که باقی مانده‌اند و در حال مبارزه و مقاومت هستند، از این مسیر خسته نمی‌شوند، مبارزه و مقاومت را ادامه می‌دهند و خون شهید را ضایع نمی‌کنند



اطلاعات
پنجشنبه
۲۴بهمن ۱۳۹۸
سال نودوچهارم
شماره ۲۷۴۹۹

ضایع‌نشدن خون شهید و حفظ آن به این است که باور کنیم شهدا زنده‌اند. باور کنیم «اعمال من و شما را می‌بینند. آن‌وقتی که پای ما به سنگی بخورد، آن وقتی که نتوانیم خودمان را درست هدایت کنیم، اداره کنیم، زمین بخوریم، آنها نگران می‌شوند. آن‌وقتی که می‌فهمیم، می‌بینیم، محکم قدم برمی‌داریم، راه را مستقیم حرکت می‌کنیم، به هدف نزدیک می‌شویم. آنها خوشحال می‌شوند. آن‌وقتی که ملت ایران در یک عرصه‌ای پیروز می‌شود، آن ارواح طیبه به احتظاظ درمی‌آیند. آن‌وقتی که خدای ناکرده بر اثر غفلت ما، کوتاهی ما، عقب بماند، مشکل اساسی و عمومی پیدا کند، آنها نگران می‌شوند.» در این صورت است که خون شهید مانند «کیمیا» و «اکسیر» جهان را متحول می‌کند، انسان‌ها را می‌دهد و به سعادت می‌رساند.

پیام شیاطین، ناامیدی و ترس است!

در مقابل پیام شهیدان، شیاطین پیام دیگری دارند، «إنّما ذلِکُم الشَّیطانِ» پیام شیاطین است: «یخَوفُ أوْلیاءَه» پیام «ناامیدی از ادامه راه، نااَمیدی از مقاومت.» این را همه باید بدانند «آن که شما را وادار می‌کند که بترسید، مأیوس بشوید، ناامید بشوید، او شیطان است. امروز این شیطان‌ها از طریق رادیو و تلویزیون و فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و امثال اینها مرتب مشغول کارند برای اینکه بترسید. نه، نترسید، «فَلاتَخافوهُم» از آنها نترسید؛ از انحراف از راه خدا نترسید «وَ خافُونِ» که اگر چنانچه از راه مستقیم انحراف پیدا کردیم، سرنوشت ما سرنوشت کشورهایی است که زیر بال آمریکایند.»

شیاطین می‌خواهند پیام «شهدا» را وارونه جلوه دهند. آنان، مردان بزرگ ما را به شهادت می‌رسانند تا به ما بگویند اندوهگین باشید، بترسید، ناامید شوید. ما را به ترک میدان و سازش وادار کنند، اما «پیام شهدا نقطه مقابل این است «الاخَوفُ عَلَیهِم وَلا هُم یَحزَنون» خوف و حزن برداشته است در میدان شهادتِ.»

دشمنان ما را از شهادت می‌ترسانند و می‌خواهند از آنها بترسیم. دائم می‌گویند «إنّ الناس قد جمعوالکم فاخشوهم» کشورها علیه ما اجماع جهانی کرده‌اند، از آنها بترسیم! اما پاسخ قرآن یک چیز است «فقالوا حسبنا الله و نعم الوکیل» خدا با ماست. وقتی باور داشتیم خدا با ما است، نتیجه این احساس، این درک، این حقیقت روحی و معنوی این است که «فاتقلبوا بنعمه من الله و فضل لم یمسسهم سوء» هیچ‌کدام از آن جامعه جهانی هیچ بدی و آسیبی به ما نمی‌توانند برسانند.

البته باور داشته باشیم که «کشته شدن در راه خدا، «سوء» نیست. معنای «لم یمسسهم سوء» این نیست که یک سیلی هم به نخواهد خورد، چرا، سیلی هم می‌خورد؛ بالاتر از سیلی هم می‌خورد، منتها این «سوء» نیست. با معیار الهی که نگاه کنید، «لم یمسسهم سوء» اما با معیارهای مادی بشری که نگاه کنید، همه‌اش «سوء» است. خدای متعال با معیارهای خودش حرف می‌زند، با معیار محدود ما مادی دل‌ها و مادی ذهن‌ها حرف نمی‌زند.»

بقای انقلاب به خاطر خون شهیدان است

کوتاه سخن اینکه «بقای این انقلاب به خاطر خون شهیدان است که پای ماندگاری و پایداری و بقاء ارزش‌ها را امضاء می‌کند. بزرگ‌ترین اجری که در این دنیا به شهید داده می‌شود، بقاء و استحکام آن حقیقتی است که شهید جان خود را برای آن حقیقت فدا کرده است. خدای متعال آن حقیقت را به برکت خون شهید حفظ می‌کند. سازوکار منطقی و عقلائی این هم معلوم است؛ وقتی یک جامعه‌ای از جان خود، از هستی خود، از راحتی خود، برای یک ارزشی، یک حقیقتی می‌گذرد، حقانیت خود را در دنیا به اثبات می‌رساند؛ و حقانیت است که می‌ماند، حق است که باقی می‌ماند؛ این سنت الهی است.» و «حقیقتی که ما باید بدان افتخار کنیم، این است که رسم شهادت سنت الهی قتل فی سبیل‌الله، با نظام اسلامی زنده شد.»

حرف آخر اینکه «ابهت و اقتدار معنوی امروز نظام اسلامی و ملت مسلمانان در دنیا در چشم قدرت‌های شیطانی، ناشی از همین شهادت‌ها است.» «توطئه‌ها از سوی دشمن و عزمِ راسخ از آن سوی ملت ما همچنان ادامه دارد.» «وَ العاقِبه لِلمُتَقین» پیروزی از آن متقین است.

وقتی یک جامعه‌ای از جان خود، از هستی خود، از راحتی خود، برای یک ارزشی، یک حقیقتی می‌گذرد، حقانیت خود را در دنیا به اثبات می‌رساند؛ و حقانیت است که می‌ماند، حق است که باقی می‌ماند؛ این سنت الهی است.

امیر بزرگ ایران

مهمترین خواسته‌ی سردار قاسم سلیمانی افزایش وحدت برای پیشبرد کشور بود



سید حسین مرعشی
رئیس شورای سیاستگذاری روزنامه سازندگی

سردار سلیمانی یکی از سرداران و امیران بزرگ ایران و منطقه خاورمیانه بود. او انسانی خودساخته بود یعنی یک تربیت‌یافته ابتدایی دانشگاه افسری نبود. جوانی بود که بعد از حمله عراق به ایران با جمعی از دوستانش از کرمان راهی اهواز شدند و گروه ثارالله را تشکیل دادند که بعد تبدیل شد به گردان و کم‌کم تیپ و لشکر ثارالله تشکیل شد؛ و ثارالله نامش میان یکی از لشکرهای خوب ایران برای دفاع از کشور قرار گرفت. خیلی از سرداران ما یا به شهادت رسیدند و یا بعد از پایان جنگ به نقش کلاسیک جنگ بسنده کردند و بخشی هم از مسائل نظامی و سپاه جدا شدند اما سردار سلیمانی از معدود سردارانی بود که این رشته را از دست نداد و این کار را نیمه‌تمام نگذاشت و در تمام این سال‌ها در خدمت نظام و انقلاب بود و به دلیل ابتکاراتی که داشت که هم شامل مدیریت راهبردی و هم مدیریت تاکتیکی می‌شد توانست به جریان مقاومت در خاورمیانه کمک بزرگی بکند. حاج قاسم، مورد اعتماد رهبری بود و مورد اعتماد و احترام همه جریان‌های سیاسی بود و از ورود به مسائل سیاسی داخلی کاملا پرهیز می‌کرد و توانست به عنوان یک شخصیت ملی و منطقه‌ای جایگاه خاصی پیدا کند. سردار سلیمانی دارای ویژگی‌های شخصی والایی بود که مسوولیت‌پذیری، شجاعت، افتادگی از جمله آنها بود. ایشان ارتباط خوبی با زیردستان و همرزمان خود و همچنین خانواده‌های شهدا داشت. نکته‌ای که نباید فراموش شود این است که ایشان از یک مدیریت چندبعدی در عرصه نظامی، فرهنگی و اجتماعی برخوردار بود و به جرات می‌توان گفت یکی از انسان‌های بی‌نظیر دوران ما بود و قطعا جایگزینی نخواهد داشت و قطعا به این زودی‌ها جایگزینی برای او وجود نخواهد داشت.

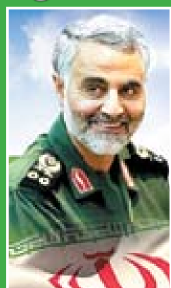
این حادثه حاصل یک شرارت بزرگ آمریکایی‌ها بود؛ آنها چون ناتوانی‌شان در خاورمیانه مسجل شده است و به قول معروف کم آورده‌اند چراکه بعد از استقرار نظام جمهوری در عراق تا امروز هیچ‌گاه نتوانسته‌اند از طریق انتخابات و پارلمان بر عراق مسلط شوند و این همواره مردم عراق بوده‌اند که توانسته‌اند اراده خود را در حاکمیت عراق ساری و جاری کنند و این موضوع موجبات عصبانیت آمریکایی‌ها را فراهم کرده است. آنها فکر می‌کردند با ظهور پدیده‌ای مانند داعش دولت‌های عراق به دامن آمریکا بغلتند درحالی‌که با وجود مستشاران سردار سلیمانی عراقی‌ها توانستند خودشان داعش را نابود کنند و نیازی نداشتند برای از بین بردن این گروه تروریستی به دامن آمریکایی‌ها بغلتند. به عبارت دیگر باید گفت مستشاری سردار سلیمانی در عراق ضامن استقلال عراق شده بود و آمریکایی‌ها یک عراق مستقل را نمی‌پسندند و به دنبال یک عراق وابسته به آمریکا هستند و این روزها که خشم مردم عراق هم ظاهر شده است به این فکر کردند که باید نقطه‌ای را بزنند که این نقطه کمک می‌کند به استقلال عراق.

امروز نه‌تنها ما یک سردار بزرگ را از دست دادیم بلکه ملت و دولت عراق نیز یک مستشار عالی‌رتبه‌ای که ضامن استقلال عراق بود را از دست دادند و همچنین سوریه نیز یک مستشاری که پشتوانه تمامیت ارضی سوریه در واپسین روزهای پایانی جنگ سوریه بود و همچنین یک یاور را از دست داد.

با توجه به شناختی که از ایشان دارم و صمیمیتی که با ایشان داشتم می‌دانم سال‌هاست که سردار سلیمانی در آرزوی شهادت است. لذا به لحاظ شخصی ایشان به آرزوی خودش رسید و دوستان و خانواده ایشان علاقه سردار سلیمانی به شهادت را می‌دانستند و استقبال ایشان از خطر روشن بود و از این جهت باید گفت این سردار بزرگ به آرزوی خودش رسید. اما به طور کلی باید گفت مسیر مسیر روشنی است و تعطیل‌بردار هم نیست؛ ما سال‌هاست با چنین حوادثی روبه‌رو بوده‌ایم و هیچ‌کدام نتوانسته است ما را از پا دربیاورد. مگر ترورهای سال‌های ۶۰ را فراموش می‌کنیم؟ مگر رئیس قوه قضائیه و نمایندگان مجلس را ترور نکردند؟ مگر آقای رجایی و باهنر رئیس‌جمهور و نخست وزیر را ترور نکردند؟ مگر آیت‌الله خامنه‌ای را ترور نکردند و ایشان مدتی در بیمارستان بستری نبودند؟ آیا کشور تعطیل شد یا حرکت متوقف شد؟ این مسیر مسیری نیست که ملت‌ها به دلیل شهادت شخصیت‌های بزرگی مانند سردار سلیمانی آن را رها کنند این مسیر مسیری است که همچنان ادامه دارد تا به یک نقطه روشن برسد و آن نقطه روشن این است که آمریکایی‌ها بفهمند در منطقه این مردم هستند که تصمیم می‌گیرند نه آنها. یعنی باید به نقطه‌ای برسیم که آمریکایی‌ها متوجه بشوند نمی‌توانند از فرسنگ‌ها فاصله برای مردم خاورمیانه تصمیم بگیرند. سرنوشت این منطقه را مردم مشخص می‌کنند و نیروهای خارجی لطف کنند و شرشان را از سر منطقه کم کنند و اجازه دهند مردم خودشان سرنوشت خودشان را به دست بگیرند.

ما تا آنجا که مردم خاورمیانه بتوانند سرنوشت منطقه را به دست بگیرند تا رسیدن به آن نقطه مبارزات ادامه خواهد داشت تا در نهایت با رفع مزاحم‌های منطقه، خاورمیانه روی صلح و آرامش را ببیند.

آمریکایی‌ها به اندازه کافی در منطقه آسیب‌پذیر هستند و لازم نیست ما اقدام خاصی انجام بدهیم. به هر حال سردار سلیمانی در جبهه مقاومت منطقه‌ای دارای جایگاهی بوده است که بدون نیاز داشتن به طراحی اقدامات خاصی از سوی ایران بدون شک مقاومت منطقه از آمریکایی‌ها انتقام سختی خواهد گرفت.من خاطرات زیادی از ایشان دارم که بیشتر مربوط به زمان جنگ است، همان زمانی که ایشان فرمانده لشکر کرمان بودند و من هم معاون استاندار کرمان بودم. من همیشه در عملیات‌های مختلفی که وجود داشت همراه بچه‌ها بودم لذا خاطرات فراوانی دارم اما درباره خاطرات اخیر باید بگویم سردار سلیمانی در همه این ادواری که با ایشان بودم یک ویژگی شاخص داشت و آن این بود که با همه گروه‌ها و جناح‌ها و نحله‌های فکری ایران با احترام برخورد می‌کرد و همواره خواسته‌اش گسترش و افزایش وحدت برای پیشبرد کشور بود.



۴۶
اطلاعات
پنجشنبه
۲۴بهمن ۱۳۹۸
سال نودوچهارم
شماره ۲۷۴۹۹



گفتگو با عباس انجم شعاع
همرزم سردار سلیمانی

تبحر شگرف یک فرمانده

امیر طوسی‌نژاد – شیما فتح‌نجات

توانایی نظامی بالا و اتخاذ تدابیر ویژه در میدان جنگ، ویژگی بارز شخصیتی بود که با جمیع ویژگی‌ها و خصایص نیک و پسندیده، توانست در همه میدان‌ها به پیروزی برسد و شکست‌های زیادی را به دشمن تحمیل کند.

سردار سپهبد حاج قاسم سلیمانی از همان ابتدای دوران دفاع مقدس بدون هیچگونه اطلاعی از فنون نظامی راهی صحنه جنگ شد، اما استعداد و هوش سرشار او، سبب شد در دوره آموزشی، توانایی‌اش را در این عرصه به نمایش بگذارد و در رده‌های مسؤولیتی نظامی قرار بگیرد.

او با تشکیل لشکر ۴۱ ثارالله کرمان، به یک نظامی و چهره اثرگذار در جبهه جنگ با متجاوزان عراقی تبدیل شد. این شهید بزرگوار علاوه بر موفقیت‌های نظامی‌اش در دوران دفاع مقدس، در حوزه مبارزه با داعش هم خوش درخشید و توانایی‌هایش را در آن سوی مرزهای کشور به نمایش گذاشت.

عباس انجم شعاع از جمله همرزمان حاج قاسم است که به واسطه حضورش در لشکر ۴۱ ثارالله،آشنایی زیادی با توانایی‌های سردار سلیمانی در حوزه نظامی دارد.

وی که به عنوان مربی در این لشکر فعالیت داشته است و با فنون نظامی آشنایی کاملی دارد، در گفتگو با «اطلاعات»، با تبیین شرایط چند عملیات، از تدابیر نظامی شهید سردار سلیمانی در دوران دفاع مقدس می‌گوید، تدابیری که فقط مخصوص حاج قاسم بود و دشمن را به شکست می‌کشاند.

انجم شعاع که در دوران دفاع مقدس به عنوان رزمنده و مربی سلاح‌شناسی و قایق‌سواری و ... در لشکر ۴۱ ثارالله کرمان فعالیت می‌کرده است، گفتگویش را چنین آغاز می‌کند: نظامیان معتقدند اگر در زمان آموزش، عرق ریخته شود، در جنگ هم خون کمتری ریخته می‌شود. بر همین اساس با تأکید شخص سردار سلیمانی که فرماندهی لشکر را عهده‌دار بود، آموزش ویژه نیروها اولویت ویژه‌ای داشت و بعضاً حاج قاسم با حضور در منطقه آموزشی، مسائل را نظارت می‌کرد.

وی با اشاره به توانایی‌های نظامی فوق‌العاده سردار سلیمانی، ادامه می‌دهد: حاج قاسم در حوزه نظامی، فردی مقتدر، مبتکر بود و فهم بالایی در دانش رزمی داشت. به خاطر دارم که در عملیات والفجر ۸ بخشی از عملیات به اصطلاح نظامی‌ها، کور شد. در آن زمان همه می‌دانستند که حاجی می‌تواند با بررسی جوانب، تدبیری اتخاذ کند و عملیات را از وضع فعلی‌اش بیرون بیاورد. سردار سلیمانی خودش همیشه در نوک پیکان حمله، عملیات را فرماندهی می‌کرد و در کمترین زمان ممکن و با صدور چند دستور و اجرای آنها توسط بچه‌های لشکر، توانست نقطه کور عملیات را رفع و از وارد شدن خسارت سنگین مالی و جانی به لشکر جلوگیری کند؛ در آن عملیات حتی توانستیم نیروهای متجاوز را شکست دهیم و از آنها غنایم به دست بیاوریم.

همرزم شهید سردار سپهبد قاسم سلیمانی با بیان این‌که حدود ۳۸ سال با حاج قاسم رابطه کاری و دوستی داشتم و هیچ فرماندهی را در حد توانایی ایشان ندیده‌ام، اظهار می‌کند: در جریان دفاع مقدس، وقتی دشمن مقابل ما متوجه فرماندهی حاج قاسم در آن عملیات می‌شد، چنان می‌ترسید که بنیان تصمیماتش متزلزل می‌شد.

حاج قاسم در نخستین اقدام در عملیات، نیروهای قوی و عمل‌کننده را مقابل متجاوزان به صف و سپس با اتخاذ چند راهکار نظامی، ضربات مهلک به آنها وارد می‌کرد.

وی در حوزه مبارزه با داعش هم این گونه بود و نام حاجی در منطقه، همه چیز را تغییر می‌داد و دلهره و ترس در دل داعش ایجاد می‌کرد.

> *نظامیان معتقدند اگر در زمان آموزش، عرق ریخته شود، در جنگ هم خون کمتری ریخته می‌شود. بر همین اساس با تأکید شخص سردار سلیمانی که فرماندهی لشکر را عهده‌دار بود، آموزش ویژه نیروها اولویت ویژه ای داشت
>
> *رابطه نیروهای حاجی با ایشان اصلاً رابطه سرباز با فرمانده نبود. همه نیروها با دل و جان به حاج قاسم عشق می‌ورزیدند و سردار هم در مقابل، عاشق بچه‌های لشکر بود

همچنین در عملیات والفجر ۸ لشکر ما در پایگاه موشکی مستقر بود. صدام که با مقاومت ما مواجه شده بود، به نیروهایش اعلام کرد که اگر ۱۰۰ متر را اشغال کنند، به آنها مدال شجاعت اهدا خواهد کرد.

همرزم و دوست قدیمی شهید سردار سلیمانی با تأکید بر این‌که حاج قاسم به رغم چهره نظامی‌اش، از روحیه عاطفی بسیار بالایی برخوردار بود، تأکید می‌کند: حاجی در دوران جنگ وقتی دستوری صادر می‌کرد، این فرمان به روح و جسم همه نیروهایش نفوذ می‌کرد و این گونه نبود که فقط جسم به دنبال اجرای آن فرمان باشد، بلکه بچه‌های لشکر دستورات حاجی را با دل و جان می‌پذیرفتند و آن را اجرا می‌کردند. حاج قاسم مانند بقیه همرزمانش و با همان امکاناتی که در اختیارمان قرار داشت، غذا می‌خورد و استراحت می‌کرد و هیچ امتیاز خاصی برای خود به عنوان فرمانده لشکر قائل نبود.

صمیمیت حاجی با بچه‌های لشکر

مربی پیشکسوت سلاح‌شناسی لشکر ۴۱ ثارالله کرمان در بخش دیگری از این گفتگو، درباره صمیمیت سردار با نیروهایش توضیح می‌دهد: رابطه نیروهای حاجی با ایشان اصلاً رابطه سرباز با فرمانده نبود. همه نیروها با دل و جان به حاج قاسم عشق می‌ورزیدند و سردار هم در مقابل، عاشق بچه‌های لشکر بود .

ایشان پس از دفاع مقدس سالانه همه نیروهایش را در یک شب در ماه مبارک رمضان در کرمان دور هم جمع می‌کرد و با آنها سخن می‌گفت. حاجی واقعاً از این کار و تجدید دیدار با همرزمانش لذت می‌برد و شعف را در آن جلسات در چهره حاجی می‌دیدیم.

خط قرمز حاج قاسم

سردار سلیمانی هیچ زمانی درباره احزاب و گروه‌های سیاسی اظهار نظر نکرد و هیچ‌کس متوجه نشد که آیا ایشان به جناحی علاقه‌مند است یا خیر؟ خط قرمز حاج قاسم، ولایت بود؛ یعنی اگر احساس می‌کرد فردی از هر جناحی قصد دارد کوچک‌ترین قدم منفی در این باره بردارد، در مقابل او می‌ایستاد و از ولایت دفاع می‌کرد.

انجم شعاع پس از بیان این مطالب، خاطره‌ای نقل می‌کند و می‌گوید: یک روز که چند نفر از فرماندهان گردان کنار هم نشسته بودیم، از ایشان پرسیدیم طرفدار چه حزبی هستید؟ حاجی پاسخ داد: چرا دنبال جناح هستید؟ کسی که این جناح‌ها را ایجاد کرده، قصد دارد شما را از یکدیگر جدا کند. شما گوش به فرمان ولایت باشید و دیگر کاری

به این مسائل حزبی و جناحی نداشته باشید.

علاقه سردار به کشاورزی

وی در ادامه خاطره‌ای درباره علاقه وافر شهید سردار سلیمانی به کشاورزی بیان می‌کند: چندی قبل که به همراه حاج قاسم به روستای «قنات ملک» رفته بودیم، ایشان هنگام قدم زدن، به بیان مسائلی درباره زندگی‌اش پرداخت و گفت: اگر روزی رهبر معظم انقلاب بر اساس صلاحدیدشان مسؤولیت فرماندهی سپاه قدس را از روی دوشم بردارد، روز بعدش به اینجا می‌آیم و کشاورزی می‌کنم، اما اکنون موظفم به دستورات ایشان عمل کنم.

همرزم حاج قاسم سلیمانی ادامه می‌دهد: حاجی همیشه به دوستان و همرزمانش می‌گفت: شما جانباز هستید و دوران دفاع مقدس را درک کرده‌اید. دنبال مسائل جناحی نباشید تا شما را به نردبانی برای تحقق مقاصد سیاسی‌شان تبدیل نکنند.

درخواست از حاجی برای همراهی در سوریه

انجم شعاع خاطره‌ای هم درباره اعزام همرزمان دوران دفاع مقدس به سوریه در معیت شهید سردار سلیمانی ، تعریف می‌کند: چند سال قبل در سفری که حاجی به کرمان داشت، به همراه چند نفر از دوستان سوار خودرو و در حال حرکت به سمت قنات ملک بودیم که از وی خواستیم ما را هم برای مبارزه با داعش به سوریه ببرد. حاجی نگاهی به ما کرد و گفت: در این باره موضوعی را بازگو می‌کنم، آیا حرفم را قبول می‌کنید؟ پاسخ دادیم: حتماً حرف شما را می‌پذیریم.

حاجی گفت: در موقعیت فعلی سعی کنید خودتان را حفظ کنید. در آینده نزدیک، اسلام به شما نیاز پیدا می‌کند و حتی شهدای دفاع مقدس به حال شما قبطه می‌خورند و می‌گویند ای کاش زنده بودیم و یک بار دیگر جان خود را فدا می‌کردیم؛ لذا مراقب خودتان و رفتارتان باشید و تحت هیچ شرایطی از خط ولایت جدا نشوید و همواره آمادگی خود را حفظ کنید.

زیارت پدر

همرزم حاج قاسم سلیمانی از رفتار نیکوی این شهید با پدر و مادرش برای خوانندگان چنین می‌گوید: چند سال قبل حاجی از سوریه مستقیم به کرمان آمد. ایشان با آن خستگی بسیار که در چهره‌شان مشهود بود، با شتاب سوار خودرو شد و گفت: به روستایمان برویم.

چند نفر از دوستان که ایشان را همراهی می‌کردیم، علت شتاب و عجله حاجی را جویا شدیم، که گفت: من آمده‌ام زیارت بابا. سپس عازم قنات ملک شدیم. حاجی پس از حضور در خانه پدری، وی را به حمام برد و سپس او را در آفتاب نشاند و بوسه‌ای بر پیشانی پدر زد و گفت: همه خستگی‌ها از تنم بیرون رفت و آن زیارتی که برایم دلچسب بود، فراهم شد.

علاقه حاج قاسم به شهید یوسف الهی

همرزم سردار سلیمانی همچنین به توصیه این شهید برای خاکسپاری‌اش در جوار مزار شهید حسین یوسف‌الهی اشاره و تأکید می‌کند: حسین مسؤول اطلاعات لشکر ۴۱ ثارالله بود و حاج قاسم به خاطر روحیات معنوی ایشان، ارادت خاصی به این شهید داشت.

وی درباره شهادت یوسف الهی توضیح می‌دهد: اواخر بهمن ماه سال ۶۴، یک راکت شیمیایی به ساختمان محل استقرار این شهید اصابت کرد. من و چند نفر از دوستان که نزدیک این محل بودیم، بلافاصله چفیه‌هایمان را روی صورتمان گرفتیم و به آن ساختمان رفتیم. براثر اصابت راکت، چند نفر از بچه‌ها زیر آوار شهید شده بودند و حسین هم به دلیل استنشاق گاز شیمیایی، به شدت مجروح شده بود. برای اعزام ایشان به پشت جبهه، سوار قایق شدیم تا پس از گذر از اروند، مجروحان را با خودرو منتقل کنیم. وقتی داخل قایق نشستیم، حسین به ما گفت: من بوی شهادت را استشمام می‌کنم.

حال عمومی حسین هر لحظه بدتر می‌شد. وی را ابتدا به اهواز و سپس به تهران منتقل کردند که سرانجام به فیض شهادت نائل آمد.

ارادت به خانواده شهدا

پایان این گفتگو، به موضوع سرکشی شهید سردار سلیمانی از خانواده معظم شهدا اشاره دارد.

انجم شعاع در این باره می‌گوید: یک تیم از دوستان و همرزمان حاج قاسم بودیم که هر وقت ایشان به کرمان می‌آمد، همراهی‌اش می‌کردیم. حاجی اصلاً تیم حفاظتی را نمی‌پذیرفت و همیشه تأکید می‌کرد هیچ‌کس نباید بین ایشان و مردم، فاصله ایجاد کند.

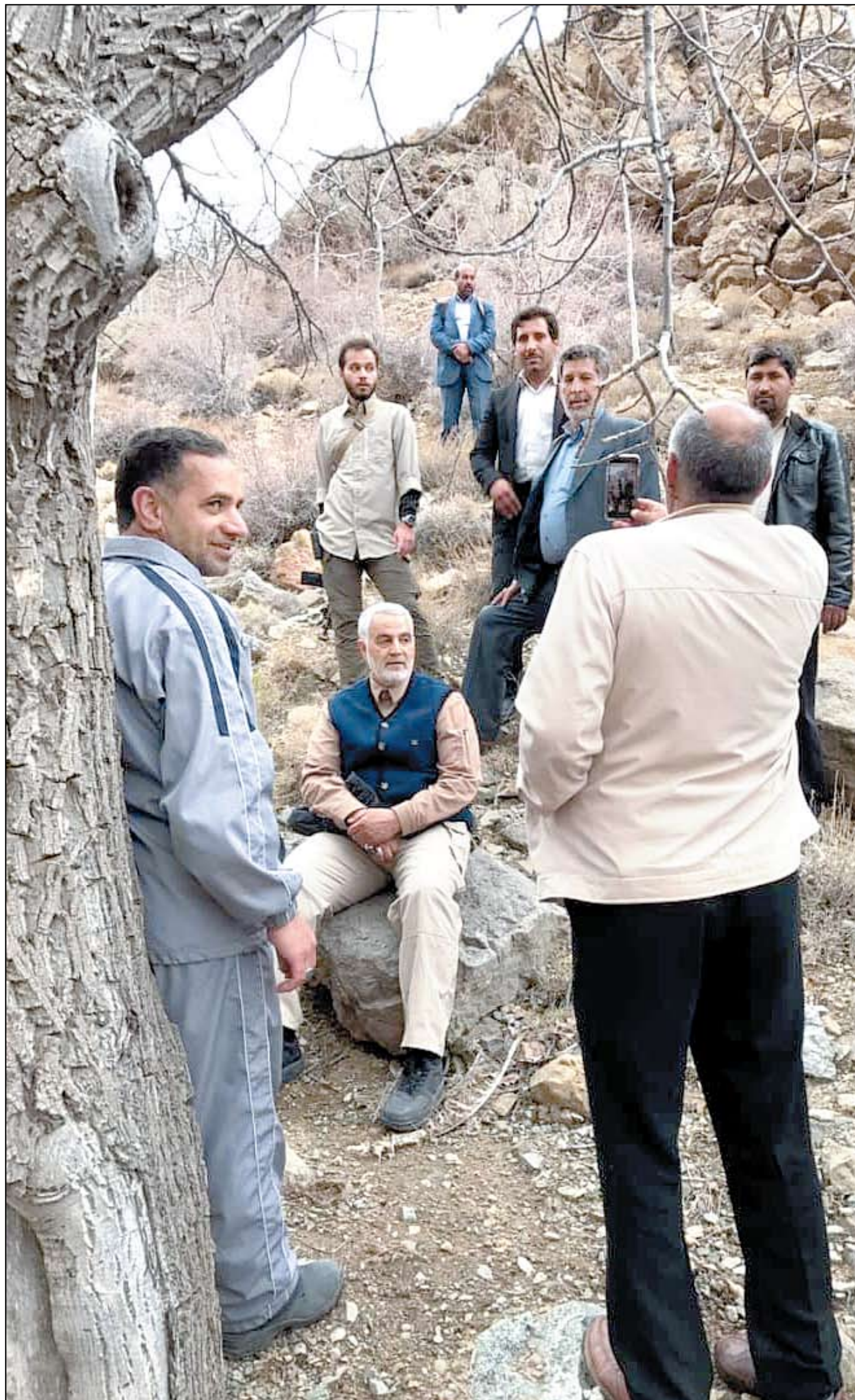
حاجی به دیدار و ملاقات با خانواده معظم شهدا، بسیار مقید بود و هر وقت که به کرمان می‌آمد، به خانه این عزیزان می‌رفت و مدام جویای احوال آنها بود.

به عنوان مثال سوار خودرو می‌شد و می‌گفت: برویم خانه شهید شفیعی که در میان راه هنگام عبور از محله سکونت خانواده دو شهید دیگر، به آنجا هم می‌رفت و این گونه نسبت به خانواده معظم شهدا و همرزمان شهیدش عرض ارادت می‌کرد.

***نام حاجی در منطقه همه چیز را تغییر می‌داد و دلهره و ترس در دل داعش ایجاد می‌کرد**

***خط قرمز حاج قاسم، ولایت بود؛ یعنی اگر احساس می‌کرد فردی از هر جناحی قصد دارد کوچک‌ترین قدم منفی در این باره بردارد در مقابل او می‌ایستاد و از ولایت دفاع می‌کرد**

***حاجی اصلاً تیم حفاظتی را نمی‌پذیرفت و همیشه تأکید می‌کرد هیچ‌کس نباید بین ایشان و مردم فاصله ایجاد کند**







گفتگو با دادخدا سالاری
دادستان استان کرمان

سردار سلیمانی راضی به اعدام طراح ترور خود نشد

شیما فتح‌نجات

نام و یاد حاج قاسم سلیمانی هر ایرانی را به یاد دلاورمردی این سردار در جبهه‌های دفاع مقدس و همچنین حضور ویژه در مناسبات خارجی می‌اندازد. این شهید توانست در دوران پربرکت حیاتش علاوه بر حضور اثرگذار در عرصه‌های نظامی، در حوزه دیپلماسی هم خوش بدرخشد که متقاعد کردن پوتین برای حضور در میدان مباره با داعش در سوریه از جمله این اقدامات بود.

دادخدا سالاری، دادستان استان کرمان و از دوستان و همرزمان شهید سردار سپهبد قاسم سلیمانی در گفتگو با «اطلاعات» درباره اقدامات این شهید بزرگوار در حوزه دیپلماتیک می گوید: مهم‌ترین تأثیرگذاری حاج قاسم برای ایران در مناسبات خارجی بود. قدرت انقلاب اسلامی اگر در سوریه، عراق، لبنان و بسیاری از کشورها تقویت شد، به دلیل توانایی سردار در جذب و ساماندهی نیرو ها بود. بسیار سخت است در کشوری که احزاب سیاسی مختلفی دارند، این هنر را داشته باشی که افغانستانی، پاکستانی، عرب، شیعه و سنی و غیره را در کنار هم به جبهه بیاورید؛ آن هم برای یک هدف واحد.

وی تأکید می‌کند: کدام دیپلمات در دنیا توانسته است ابر قدرتی مانند پوتین را که خود صاحب فکر است و استراتژی خود را دارد، متقاعد کند برای کمک به او دست یاری دهد؟ متقاعد کردن شخصی مانند رئیس جمهوری روسیه از هر کسی ساخته نبود اما سردار سلیمانی در این عرصه هم پیروز شد.

سالاری درباره بازتاب بین‌المللی طرح‌های شهید سردار سلیمانی که سبب خنثی شدن پروژه‌های استکبار در منطقه شد، توضیح می‌دهد: آمریکا با نیت تسلط، در کشورهای اطراف ایران پایگاه ایجاد کرد. از افغانستان آغاز کرد و تا سوریه و لبنان پیش رفت. آمریکا با بزرگنمایی این موضوع که ایران یک خطر بزرگ برای کشورهای منطقه است، پایگاه‌هایش را مستقر کرد. در این میان، انقلاب اسلامی به این حضور ریاکارانه آمریکا واکنش نشان داد و مقابل آن ایستاد که این پایداری خوشایند آمریکایی‌ها نبود، اما حاج قاسم با مجاهدت‌هایش سبب شد که آمریکایی‌ها نیروهایشان را در مرزهای ایران تعدیل کنند. در حقیقت، رفت و آمد راحت سردار در کشورهای سوریه و عراق نشان از آن داشت که میدان از آن ماست.

خط قرمز سردار

دادستان کرمان خط قرمز سردار در مباحث سیاسی را ولایت فقیه و انقلاب اسلامی می‌داند؛ تا جایی که در جلسه‌ای چندین بار به خدا سوگند خورد که سعادت دنیا و آخرت در این است که پیرو ولایت فقیه باشید، حتی در جمع رزمندگان هم بارها این سوگند را یاد کرده بود.

سالاری درباره درباره تعهد و وظیفه‌شناسی شهید سردار سلیمانی به تحقق اهداف نظام و تأثیر این نگاه در جامعه به‌ویژه در مراسم تشییع وی می گوید: مردم شعاری از سردار نشنیده بودند که برای آن در مراسم تشییع پیکر ایشان حضور یابند، بلکه بر اساس عمل ایشان در دوران حیاتش، از سردار تجلیل کردند. حاج قاسم اگر طرحی را می‌نوشت خودش نخستین رزمنده‌ای بود که آن را اجرا می‌کرد .

همچنین توانایی‌های نظامی او در کل دنیا بی‌سابقه است. او فرمانده‌ای بود درخط اول استقرار داشت. به خاطر دارم در کربلای ۵ در مکانی که نه راهی به عقب و نه راهی به جلو داشتیم و فاصله ما با تانک‌های دشمن بسیار کم بود، ناگهان سردار با موتور به یاری‌مان شتافت و در خط اول آر پی جی به دست گرفت. او عاشق رزمندگان بود و همیشه در صحنه دفاع حضور داشت. درهمه دنیا قرار بر این است که در عملیات‌ها از فرمانده محافظت شود، اما در مورد سردار سلیمانی این گونه نبود؛ در حقیقت حاج قاسم این گونه نمی‌خواست.

وی درباره رفتار شهید سردار سلیمانی با مردم توضیح می‌دهد: حاجی همیشه این موضوع را به همراهانش تأکید می‌کرد که با محافظت از من به مردم توهین می‌شود. به خاطر دارم در کنگره شهدای جواران، قرار بود ایشان سخنرانی کند ولی به محض این که متوجه شد در این مکان برای ورود مردم گیت گذاشته‌اند اعلام کرد اگر قرار است با گیت‌ها مردم را بازرسی کنید، به این سخنرانی نخواهم آمد. ایشان کنترل کرد که گیت‌ها حذف شده‌اند یا



خیر؟ و سپس سخنران جلسه شد.

دادستان کرمان در ادامه درباره مواجهه سردار با آسیب‌های اجتماعی، از تأکید سردار بر این که «دختران بدحجاب، دختران جامعه ما هستند، باید راهنمایی شوند و فرهنگ را باید به گونه‌ای بیان کرد که حجاب را مصونیت بدانند»، می‌گوید؛ این که حاج قاسم همیشه به پوشش زنان در زمان‌های قدیم در فرهنگ کهن ایران اشاره می‌کرد و می‌گفت: زنان و شاهزادگان حجاب داشتند و بی‌حجابی را بیشتر در برده‌ها در تاریخ نظاره‌گر هستیم. به بیان دیگر، منش سردار در جذب بود نه در دفع.

وی همچنین علاقه و وابستگی زیاد حاج قاسم به شهید حسین یوسف الهی را یادآوری می‌کند و می‌گوید: سردار همیشه خود را از مردم و همه رزمندگان و شهدا می‌دانست و مذهب، جناح و طرز فکر سبب تفاوت در نگاه ایشان به اطرافیانش نمی‌شد. بسیار مردمی بود و هیچگاه به کسی نمی‌گفت کارت اشتباه است و کارهای خود را هرگز ستایش نمی‌کرد، اما با عمل به اطرافیانش درس می‌داد و آنها را متوجه اشتباهشان می‌کرد و همین منش و اخلاق، ایشان را بسیار متمایز کرده بود.

سردار، احترام خاصی برای پدر و مادرش قائل بود و در بحرانی‌ترین زمان از لحاظ کمبود وقت، حتی وقتی پاسی از شب گذشته بود به دیدار آنها می‌شتافت و در جواب کسانی که متعجبانه می‌پرسیدند این وقت شب چرا ؟ می‌گفت: انجام وظیفه و تکلیف، شب و روز نمی‌شناسد.

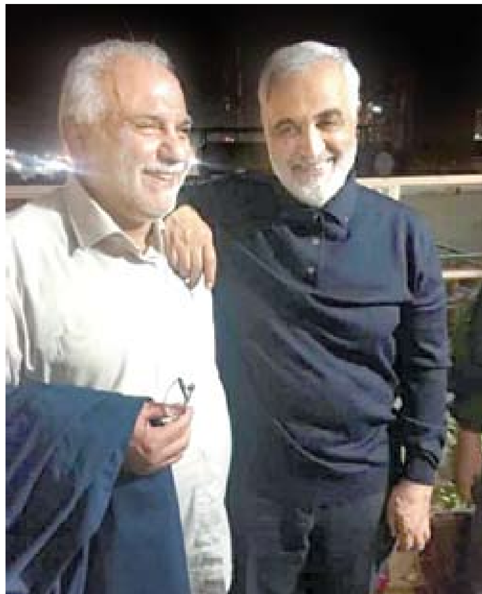
سالاری، گفتگو را با ذکر چند خاطره دیگر، پایان می‌دهد: سردار چندی قبل از شهادتش متوجه شد در ایام فاطمیه شخصی از اطرافیانش، قصد بمب‌گذاری و ترور ایشان را داشته است، ولی تأکید کرد هرگز نام ایشان را بر سر زبان‌ها نیندازید. وی خانواده دارد و پس از این اعضای خانواده‌اش نمی‌توانند در جامعه به راحتی زندگی کنند.

همچنین به یاد دارم در فرودگاه خانمی که حجاب مناسبی نداشت از ایشان درخواست کرد با یکدیگرعکس بگیرند که سردار پذیرفت. من بعدا به حاجی گفتم: اگر از من خواسته بود هرگز نمی‌پذیرفتم. اما سردار گفت: وقتی یک انسان و یک مسلمان خواسته شرعی دارد، نباید دست رد به سینه او زد. خداوند دستور داده است مردم را تکریم کنید و محترم بشمارید.

خاطره دیگر این که چندی قبل دو نفر را در رابطه با ترور حاج قاسم دستگیر کردیم که حکمشان محاربه اعلام شد. سردار پس از این که متوجه حکم شد، گفت: اقدامشان علیه من بوده است نه کشور. راضی نیستم به خاطر من هیچ انسانی از بین برود یا در بند شود. ایشان سپس خواست به نحو دیگری با آنها رفتار کنیم.

حسن پلارک دستیار ویژه سردار در گفتگو با «اطلاعات»:

انجام کارهای نشدنی رمز موفقیت حاج قاسم بود



حسن پلارک، مشاور و دستیار ویژه سردار شهید حاج قاسم سلیمانی که ۴۰ سال دوستی و رفاقت عمیقی با ایشان داشت، به عنوان یک بازوی اجرایی، سردار سلیمانی را در همه مراحل امور و مأموریت‌ها همراهی می‌کرد.

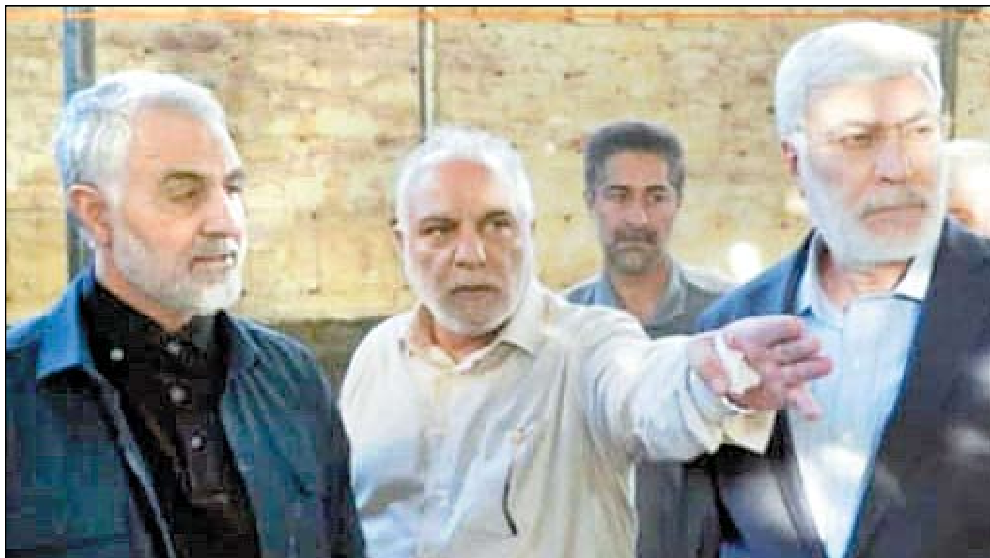
وی در گفتگو با «اطلاعات» دو خاطره از حاج قاسم سلیمانی بیان کرد که از نظر خوانندگان می‌گذرد:

* ۱۵ بهمن ۵۸ وارد پادگان آموزشی شدم. ایشان مربی آموزشی آنجا بود؛ البته چهار ماه قبل به عنوان نیروی داوطلب مردمی در کردستان جنگیده و کار با اسلحه را آموخته و معتقد بودم نیازی به حضور در دوره آموزشی ندارم، اما مسؤولان امر گفتند که باید سر کلاس بروم. اولین کلاس، اسلحه‌شناسی و اولین مربی، سردار سلیمانی بود. آمد و شروع کرد به آموزش باز و بسته کردن سلاح؛ من که از حضور در کلاس ناراحت بودم، بلند شدم و گفتم: برادر! اجازه بده من سلاح را باز کنم. گفت: شما کی هستید؟ من هم خودم را معرفی کردم و گفتم که چهار ماه در کردستان جنگیده‌ام. من را پای میز برد و گفت: اسلحه را باز و بسته کن. این کار را کردم. رو کرد به بقیه و گفت: همه یاد گرفتند؟ چند نفر سؤال داشتند و یک بار دیگر اسلحه را باز و بسته کردم. سردار بعد از کلاس من را صدا کرد و گفت: نباید وسط جمع بلند شوی و این‌طور رفتار کنی. خیلی جدی گفتم: می‌خواستم ثابت کنم که نیاز به آموزش ندارم. به این ترتیب جرقه آشنایی و دوستی عمیق و قلبی ما از همان جا زده شد. سردار بیرون کلاس با همه دوست و صمیمی بود و تا لحظه شهادت تواضع و محبتش را حفظ کرد.

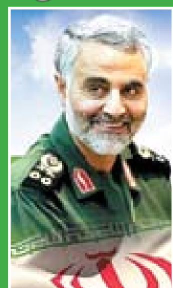
آن زمان مربیان زبده نیروهای داوطلب هر منطقه را جمع می‌کردند. من هم در حوزه ستادی لشکر ۴۱ ثارالله که پایه نیروهای کرمانی شکل گرفته بود، همراه آقای سلیمانی حضور داشتم. در زمان جنگ، شهید حسن باقری متوجه توانمندی سردار سلیمانی شد و نامه‌ای به آقای محسن رضایی نوشت و گفت: در بین بچه‌های کرمان فردی را به نام قاسم سلیمانی دیدم که توان مدیریت سطوح بالاتر را دارد. پس از آن، سردار را به عنوان فرمانده تیپ ثارالله که بعدها شد، انتخاب کردند. لشکر ثارالله، از لشکرهای خط‌شکن و محوری جنگ شد و ارتش عراق و صدام به شدت از آن وحشت داشتند. هرجا ارتش عراق متوجه می‌شد که با لشکر ثارالله مواجه است، روحیه خود را از دست می‌داد. رادیو عراق هم مدام اسم سردار سلیمانی را می‌گفت، تهمت می‌زد و درصدد بود جنگ روانی راه بیندازد.

*سال ۷۸ وقتی خبر رسید که طالبان حمله کردند و افغانستان به زودی سقوط می‌کند، ساعت هشت صبح به سمت افغانستان راه افتاد. به او گفتم یک نفره چه کار می‌توانی بکنی؟ با این حال رفت. آن زمان احمد شاه مسعود هم به دره پنج‌شیر عقب‌نشینی کرده بود و طالبان می‌خواستند با ورود به دره، پیروزی کامل خود را اعلام کنند. حاج قاسم ساعت ۲ بعدازظهر زنگ زد و گفت: حسن (پلارک)، امشب دو آتشبار توپخانه را به دره پنج‌شیر بفرست؛ دو آتشبار توپخانه یعنی ۱۲ قبضه توپ و هر قبضه ۵۰ گلوله، قطعات یدکی، نیرو و... . اما توپخانه در اختیار ما نبود و متعلق به نیروی زمینی بود و تهیه سلاح و انتقال آن بسیار سخت و در یک روز غیرممکن بود. اما خدا را گواه می‌گیرم که می‌دانستم چون حاج قاسم گفته، حتماً این توپخانه به موقع به دره پنج‌شیر که طالبان در نزدیکی دروازه‌های آن بودند، می‌رسد.

با افراد و نهادهای متعددی تماس گرفتم تا اینکه بالاخره در مشهد سلاح‌ها را تحویل گرفتم. جالب اینکه حتی نمی‌توانستم بگویم این توپ‌ها را برای کجا می‌خواهیم، چون امنیتی بود. سپس با یکی از دوستان، که در استفاده از توپخانه مهارت داشت، تماس گرفتم و گفتم که توپچی‌های قدیمی را جمع کنید و توپ‌ها را تحویل بگیرید. شب دو هواپیمای افغانی آنها را بردند و ساعت ۲ بامداد توپ‌ها در دره پنج‌شیر بود. صبح آن روز توپخانه‌ها، طالبان را زیر آتش گرفتند و همین موجب ترس و فرارشان شد و افغانستان سقوط نکرد. می‌توانم صدها مثال بزنم از چنین دستورهایی که در حالت عادی، نشدنی به نظر می‌آیند، اما برای حاج قاسم ممکن می‌شدند و همین کارهای به ظاهر نشدنی رمز، موفقیت حاج قاسم بودند.







۵۰
اطلاعات
پنجشنبه
۲۴بهمن ۱۳۹۸
سال نودوچهارم
شماره ۲۷۴۹۹



مجید آنتیکی، معاون اطلاعات سپاه ثارالله کرمان:

سردار اصالتی برای جناح‌بندی‌ها و سیاست‌بازی‌ها قائل نبود

روزی که قاسم سلیمانی جوان، به عنوان یک بسیجی وارد سپاه شد، شاید کمتر کسی فکر می‌کرد با نبوغ و پشتکار و درایتش به سرعت پله‌های ترقی را طی کند و به فرماندهی لشکر و بعدها فرماندهی سپاه برسد. سردار سلیمانی اما به جز این نبوغ و هوش و درایت، یک توانایی ویژه داشت که باعث می‌شد در هر عرصه‌ای بیشترین بازدهی را داشته باشد. او چنان در قلب رزمندگان نفوذ می‌کرد که در کمترین زمان، مؤثرترین هدایت را بر لشکر اعمال می‌کرد و وفادارترین همرزمان را برای سال‌های متمادی همراه خود داشت. مجید آنتیکی، بازنشسته وزارت دفاع و از رزمندگان لشکر ۴۱ ثارالله، در گفتگو با روزنامه اطلاعات از این نبوغ و درایت و نفوذ می‌گوید.

لطفا ازسابقه آشنایی‌تان با سردار سلیمانی بگویید.

شناختم از ایشان به ۴۰ سال قبل برمی‌گردد. سال ۱۳۵۹ با هم وارد مرکز آموزشی سپاه شدیم و روز فارغ‌التحصیلی‌مان مصادف بود با حمله رژیم عراق و بمباران فرودگاه مهرآباد. قبل از آن قرار بود گروه ما به دلیل تحرکات عراق به قصر شیرین و سومار اعزام شود ولی به دلیل اتفاقی که افتاد این موضوع منتفی شد. یادم هست اولین مأموریت ما با سردار، اعزام به فرودگاه کرمان بود. من به اتفاق سردار سلیمانی و آقای علیرضا رزم حسینی که اکنون استاندار خراسان رضوی است، تیربارچی پشتیبان فرودگاه بودیم. سردار سلیمانی از لحاظ روحیه، بسیار صریح بود و این صراحت دیدگاه و لهجه جزو مشخصات ذاتی ایشان بود؛ شاید عشایری بودن یکی از دلایل نهادینه شدن چنین خصوصیتی بود و همیشه در این زمینه با سردار شوخی می‌کردیم که ما شهری هستیم و شما روستایی.

وی همچنین مذهبی و شیعه دوازده امامی بود و اعتقاد به ولایتمداری داشت. روحیه و منش ایشان به خاستگاهشان از نژاد سلیمانی‌ها و عشایر بر می‌گردد و آنها به یکرنگی، صداقت و فداکاری معروف هستند. ترکیب این شاخصه‌ها در کنار دیدگاه و اعتقادات، روش و رویکرد ایشان را در مقابل جریانات و رویدادهای سیاسی مشخص می‌کند.

از سویی، به دلیل الزامات سازمانی که امام راحل گفته بودند که سپاه وارد هیچ کار و تشکیلات سیاسی نشود و هم به لحاظ روش و منشی که سردار داشتند، همیشه با آحاد جامعه و جناح‌ها و تفکرات مختلف ارتباط نزدیکی داشت؛ از جمله ارتباط با آقای همایون صنعتی‌زاده که انتشارات فرانکلین را به ایران آورد و منادی فرهنگ غرب بود، ولی وقتی آقای همایون به جبهه آمد، سردار او را هم قبول و از وجودش در نبرد استفاده کرد.

سردار بیشتر جناح‌ها را در قالب آدم‌ها می‌دید که با کرامت و سالم هستند. حتی وقتی در برخی مناسبت‌ها از افراد دعوت می‌کرد، از همه تفکرات از جمله ملی و جهادی دیده می‌شدند. یکی از مشخصات دیگر وی این بود که برای جهادی بودن افراد ارزش قائل می‌شد. مثلاً بچه‌های جنگ را فارغ از همه گروه‌بندی و جناح‌بندی می‌دید و بدون هیچ شائبه‌ای از آنها دستگیری می‌کرد.

> * سردار بیشتر جناح‌ها را در قالب آدم‌ها می‌دید که با کرامت و سالم هستند. حتی وقتی در برخی مناسبت‌ها از افراد دعوت می‌کرد، از همه تفکرات از جمله ملی و جهادی دیده می‌شدند
>
> * ایشان دنبال جریان‌سازی و یافتن خاستگاه اجتماعی و سیاسی به منظور بهره‌برداری در سلسله مراتب قدرت، نبود و از آن پرهیز داشت. وی علاوه برتوانمندسازی و به عرصه آوردن پتانسیل‌های رزمندگان در دفاع مقدس بعد از آن هم درصدد حمایت جنبی از بچه‌های جنگ بود

رویکرد ایشان نسبت به سیاست‌ها و سیاست‌بازی‌ها براساس رویکرد اصیل اسلامی بود و اصالت چندانی به جناح‌ها و سیاست‌ها نمی‌داد. ایشان دنبال جریان‌سازی و یافتن خاستگاه اجتماعی و سیاسی به منظور بهره‌برداری در سلسله مراتب قدرت، نبود و از آن پرهیز داشت. وی علاوه برتوانمندسازی و به عرصه آوردن پتانسیل‌های رزمندگان در دفاع مقدس، بعد از آن هم درصدد حمایت جنبی از بچه‌های جنگ بود.جمع فرهنگی و اجتماعی را جمع بچه‌های جنگ می‌دانست.

رویکرد سردار به دیپلماسی ایران در منطقه از طریق فعالیت‌های نظامی و مذاکره با مقامات مهم ناشی ازچه نگاهی بود؟

یک بار درباره مسائل لبنان و عربستان از ایشان پرسیدم: چرا در مقابل عربستان یا لبنان در موضع هستیم؟ سردار به راحتی پاسخ داد: برای ما محور مقاومت لبنان مهم است. این که در آنجا نخست وزیر، حریری یا دیگری باشد برای ما مهم نیست. پس نگاه ایشان اصیل بود. یعنی اصل را «محورمقاومت» در مقابل رژیم صهیونیستی می‌دانست. بنابراین ایشان چه از منظر تاکتیکی و چه استراتژیکی، در فکر مقابله با عربستان به عنوان یک کشور اسلامی نبود. در واقع دیدگاه ایشان و تفکرشان روی محور مقاومت بود. ضمن آنکه در حوزه مقاومت هم به اتحاد ملل اسلامی اهمیت می‌داد. حتی سردار سلیمانی در حاشیه یک جلسه افطاری، از رئیس جمهوری مصر که به ایران آمده و برخورد مناسبی نکرده و رفته بود، انتقاد کرد و گفت: شاید لازم باشد آسیب‌شناسی انجام شود که چرا اسرائیل



این فرصت را پیدا کرد که خودش را جایگزین ایران در نزدیکی به اعراب کند؛ بنابراین سردار روی اتحاد ملل مسلمان اعتقاد و تعصب جدی داشت.

از نظر شما خط قرمز سردار در مباحث سیاسی چه بود؟

خط قرمز ایشان به نظر من «منافع ملی» و «امنیت کشور» بود و این که سردار در این ۴۰ سال، پوتینش را در نیاورد، چیزی جز کاهش مخاطرات برای کشور نبود. ایشان در اجرای مأموریت هیچ کم نمی‌گذاشت و همه توان خود را به کار می‌گرفت. در عملیات‌های مختلف گاه ۲ تا ۳ ماه در منطقه در مأموریت بودیم و یادم هست از دو سه روز قبل از عملیات، ایشان نمی‌خوابیدو در اجرای مأموریت بسیار تقید داشت و از زیربار مسؤولیت شانه خالی نمی‌کرد و از فرماندهان زیرمجموعه اش هم، چنین درخواستی داشت. پس، انجام دقیق مأموریت، خط قرمز ایشان بود.

به عنوان خاطره یادم هست برای این که سردار می‌خواست چک نهایی را در عملیات‌ها انجام دهد، دو سه معبر را خودش تا نقطه نهایی می‌رفت و امتحان می‌کرد.

حتی در مرحله دوم عملیات بیت‌المقدس، سردار سلیمانی و مسؤول اطلاعات عملیات تیپ برای شناسایی به جلو رفتند و در همین حین پای مسؤول اطلاعات عملیات تیپ روی مین رفت و ترکش آن به پای سردار هم اصابت کرد. سردار حتی جلوتر از خط مقدم حضور داشت. ایشان بعضاً تا نقطه پایانی و تا سیم خاردارخطوط دشمن پیش می‌رفت تا ببیند آیا مثلا گردان می‌تواند به طور ایمن، اجرای عملیات کند. در واقع برای اجرای درست عملیات و حفظ جان رزمندگان، خودش را در مهلکه می‌انداخت.

رفتار سردار با همراهان و همرزمانش چگونه بود؟

وی در به کارگیری و شناخت و توانمندی‌های فرمانده‌ها و نیروهایش توانمندی عجیبی داشت. یکی از حساسیت‌هایش انتخاب فرماندهان شجاع، صادق، هوشمند، متخصص و قدرتمند در فرماندهی بود.

به نظر من، سردار درک درست و عجیبی از بچه‌های رزمنده به‌ویژه آنهایی که از مناطق محروم آمده بودند، داشت. ایشان به نحوی این بچه‌ها را با ابتکار و با روحیه بار آورده بود که می‌توانستند سخت‌ترین عملیات‌ها را انجام دهند. من از نزدیک شاهد بودم که سردار قدرت توانمندسازی، روحیه دادن و ابتکار عمل دادن عجیبی داشت.

یکی از رموز موفقیت ایشان هم همین نکته بود که باعث شد در سوریه و حشدالشعبی عراق، نیروها را چنان جمع و ساماندهی کند که بتوانند در مقابل داعش مقابله کنند و نهایت بتوانند جزوی از نیروهای مسلح عراق بشوند. وی با دادن خودباوری به بچه‌ها و جوانان امت اسلامی توانست از جوانان کشورهای منطقه برای مقابله با داعش استفاده کند. سردار سلیمانی، صداقت عجیبی در ارتباط دلی داشت و صرفاً به ارتباط سازمانی و فیزیکی بسنده نمی‌کرد.

تفسیرجنابعالی از اجتماع عظیم و میلیونی تشییع کنندگان سردار چیست؟

به نظر من اتفاقی که در تشییع افتاد، رابطه دلی بود که برقرار شد. در طول تاریخ هم همین‌گونه بوده است. مردم ایران برای سربازان و فرماندهانی که فداکاری کرده‌اند، ارزش و احترام زیادی قائل هستند.

در ایران کسانی که مقابل استکبار و استعمار قد علم کردند، جایگاه ویژه‌ای در جان و دل مردم دارند. سردار سلیمانی در ادامه آن سربازان و فرماندهان ملی بود، به‌ویژه با تهدیداتی که داعش داشت و به نزدیکی مرزها رسیده بود و سردار سلیمانی با فرماندهی خود این شر را از میهن اسلامی دور کرد. مردم هم با تمامی وجود احساس کردند و قدردان او شدند که البته از مردم فهیم ایران، جز این انتظار نمی‌رفت.

خاطره‌ای از شهید یوسف الهی و سردار برای ما بازگو کنید.

اتمام دوره سربازی‌ام، مصادف شد با پایان عملیات بیت‌المقدس و آغاز عملیات رمضان که شهیدیوسف الهی به جبهه آمد و در اطلاعات عملیات لشکر ثارالله مشغول شد. من با یوسف مأنوس بودم، گرچه زوایای پنهانی که سردار از ایشان سراغ داشت را درک نکرده بودم.

سردار سلیمانی به عرفان عملی ایشان اعتقاد پیدا کرده بود. وقتی دوتا از بچه‌ها برای شناسایی در عملیات رفتند و برنگشتند، یوسف الهی به سردار گفت اصلا نگران نباش اینها فردا می‌آیند و فردا جنازه‌های آنها یک به یک روی آب آمدند و پیدا شدند. بنابراین از این بابت سردار سلیمانی رابطه دلی زیادی با یوسف الهی داشت. حتی زمانی که یوسف در یک عملیات زخمی شد، تا سردار مرا دید، گفت مجید! یوسف طوری شده است؟ من هم گفتم: بله؛ مجروح شده، اما بحمدالله به بیمارستان منتقل شده است.

در نهایت بعد از شهادت یوسف الهی در والفجر۸ ، سردار سلیمانی در یک سخنرانی شورانگیز از شهید حسین یوسف‌الهی به عنوان «حسین آقای ما» یاد کرد. در طول این سال‌ها هم هر وقت جلساتی بود، ذکر نام ایشان از زبان سردار نمی‌افتاد.

از دیگرشاخصه‌های سردار سلیمانی در جنبه‌های تاکتیکی، هوشمندی و شناختش نسبت به زمین بود.

شناخت واقعی از سه مورد «زمین»، «دشمن» و «آب و هوا» در تدبیر فرماندهان خیلی اهمیت دارد و سردار سلیمانی نبوغ عجیبی در این سه مورد داشت. کافی بود با چند دقیقه بررسی، کل زمین منطقه و جنبه‌های تاکتیکی آن را تحلیل کند.

شاید بخشی از این نقطه قوت ایشان به عشایری بودنش مربوط شود. در دوران دانشگاه هم سردار سلیمانی با اینکه به دلیل مسؤولیت کاری در دانشگاه حضور نمی‌یافت، اما جزوات را می‌گرفت و در شب امتحان می‌خواند و بهترین نمره کلاس را هم می‌گرفت.

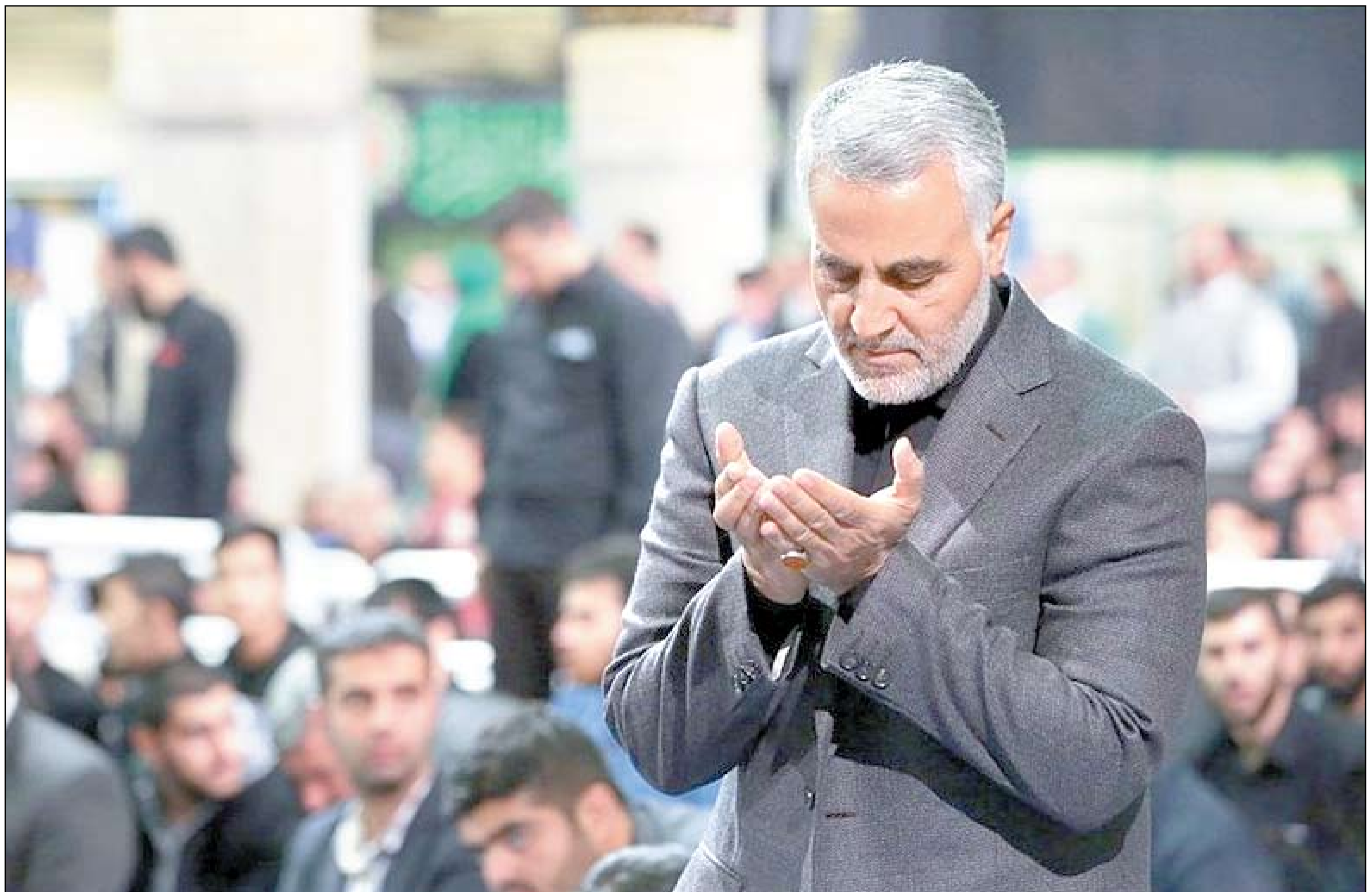
خلاصه این که پایانی جز شهادت، جفا به ایشان بود. در نهایت هم خون ایشان در داخل کشور، باعث انسجام ملی شد و در منطقه هم تأثیرات مثبتی داشت.

سردار در کدام عملیات زخمی شد؟

در عملیات کرخه نور در تابستان سال ۶۰ رخمی شد. در عملیات والفجر ۸ هم محاصره شد اما به طور معجزه آسا نجات یافت.

آیا سردار با فرماندهان ارتش هم تعامل داشت؟

در دو سه مورد از عملیات‌ها که به آن ادغامی می گفتند با ارتشی‌ها عملیات مشترک داشتیم. ولی اصولاً ایشان آدمی بود که با همه خیلی خوب ارتباط برقرار می‌کرد و قدرت بیان و اقناع بالایی داشت. خود سردار در خاطراتش ذکر کرده است که موردی را به یاد ندارم که یک مورد تمرد در لشکرم اتفاق افتاده باشد.





روایت فرمانده سابق گردان زرهی لشکر ۴۱ ثارالله از سردار سلیمانی:

جان حاج‌قاسم وجان سربازانش

هومان دوراندیش



شهادت سردار سلیمانی در اثر حمله تروریستی ارتش امریکا، موجی از اندوه را در فضای جامعه ایران برانگیخته است؛ اندوهی آمیخته به ناباوری. اما رهروندگان راه حاج قاسم، چون او به راهشان ادامه خواهند داد. متن زیر گفت‌وگویی است با یکی از همرزمان سردار سلیمانی در دوران دفاع مقدس. از اوایل دهه ۱۳۶۰ تا اواسط دهه ۱۳۷۰، حاج قاسم فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله کرمان بود و حسین امیرتیموری جزو فرماندهان تحت امر آن شهید زنده. این جانباز جنگ تحمیلی – که سابقه هشت سال رزم در جبهه‌های جنگ با رژیم بعث صدام را در کارنامه‌اش دارد – مفتخر است که مدت‌ها همرزم و هم‌رکاب سردار سلیمانی بوده. او به‌رغم حال روحی بسیار نامساعدش پس از شنیدن خبر شهادت سردار سلیمانی، پیشنهاد گفت‌وگو درباره فرمانده شهیدش را بزرگوارانه پذیرفت.

جناب امیرتیموری، شما از کی با سردار قاسم سلیمانی آشنا شدید و همکاری‌تان با ایشان چقدر طول کشید؟

من از تاریخ بیست خرداد ۱۳۶۰ در عملیات طریق‌القدس با سردار سلیمانی آشنا شدم. بعد از آن با ایشان همراه بودم تا زمانی که به شهادت رسیدند. بنده تا سال ۷۶ با ایشان همکاری مستقیم داشتم. سردار سلیمانی آن سال به تهران منتقل شدند. بعد از اینکه ایشان به تهران رفتند، بنده در کرمان ماندم. بنده با همکاری ایشان کارهای بچه‌های رزمنده در کرمان را بر عهده داشتم.

از لحاظ شخصیتی و سلوک فردی، منهای سلوک نظامی، ایشان چطور شخصیتی بودند؟

از زمانی که با ایشان آشنا شدم از همان زمان از لحاظ دینی و سیاسی، نه به معنای منفی، ایشان انسان بسیار آگاهی بودند. از لحاظ شجاعت نیز ایشان فردی بسیار قوی بودند.

در عملیات‌هایی که ما با ایشان همراه بودیم، هیچ چیز نمی‌توانست موجب هراس سردار سلیمانی شود. ایشان نه از مرگ می‌ترسید نه از گلوله. سردار سلیمانی شجاع‌ترین انسانی بود که در طول عمری که از خدا هدیه گرفتم، دیده‌ام. جدا از شجاعت، ویژگی اساسی دیگر شخصیت حاج قاسم، خدایی بودن او بود.

با اینکه گفتید حاج قاسم شجاع و نترس بود، ولی کلا شخصیت میانه‌رویی نشان می‌دادند. این میانه‌رویی از کجا نشات گرفته بود؟

دلیل این امر این بود که ایشان در بین گروه‌های سیاسی خودشان را به هیچ کدام نزدیک نمی‌کردند. یعنی به این شکل نبود که وارد جریانات سیاسی و حزبی شوند. حاج قاسم سعی می‌کرد با همه جناح‌های سیاسی رابطه مثبتی داشته باشد و آنها را به یکدیگر نزدیک کند نه اینکه جانب یک جناح را بگیرد و به گونه‌ای عمل کند که اختلاف بین جناح‌های سیاسی کشور بیشتر و آنها از هم دورتر شوند.

حاج قاسم در طول جنگ مجروح هم شد؟

بله، در همان عملیات طریق‌القدس در سال ۱۳۶۰، تیر خورد و از ناحیه دست راست مجروح شد ولی به‌رغم شجاعت و بی‌باکی‌اش که او را به قلب خطر می‌کشاند، فقط همان یک بار مجروح شد و در سایر سال‌های حضور تام و تمامش در جنگ، بدون اینکه زخمی شود به ایران و اسلام خدمت کرد. او جانش را کف دستش گرفته بود ولی خوشبختانه فقط همان یک بار مجروح شد و به همین دلیل رزمندگان همیشه از برکت وجودش بهره‌مند بودند.

چه شد که ایشان فرمانده سپاه قدس شدند؟

این نظر مقام معظم رهبری بود. به این خاطر که سردار سلیمانی نظامی قدرتمندی بودند و اشراف بالایی به مسائل داشتند، تصمیم بر این شد که در مقام بالاتری قرار بگیرند تا بتوانند خدمات بزرگ‌تری به کشور داشته باشند.

اشراف حاج قاسم سلیمانی به امور نظامی و توان وی برای جنگیدن خردمندانه و توام با سیاست و تدبیر، چشمگیر بود و به نظرم همین امتیازات موجب شد ایشان جایگاه ویژه‌ای بین تمام نظامیان جان برکف کشورمان پیدا کنند و به چنان مقام و منزلت و شهرت و محبوبیت ویژه‌ای برسند.

مردم استان کرمان سال‌هاست که حاج قاسم را بسیار دوست می‌دارند. آیا پیش از اینکه حاج قاسم فرمانده سپاه قدس شود و به تدریج همه ایرانیان با او آشنا شوند، در استان کرمان از چنین محبوبیتی برخوردار بود؟

بله؛ حاج قاسم قبل از سال ۷۶ هم نزد مردم استان کرمان محبوبیت ویژه‌ای داشت. مردم این استان می‌دانستند که او هشت سال دلاورانه در جبهه جنگیده است و برایش احترام ویژه‌ای قائل بودند. در واقع او را قهرمان خودشان می‌دانستند. البته علاوه بر مردم استان کرمان، عموم رزمندگان و مقامات سیاسی هم حاج قاسم را قبل از انتصاب وی به فرماندهی سپاه قدس می‌شناختند.

اما محبوبیت او در سراسر کشور بعد از آن انتصاب و به خصوص در دو دهه اخیر و بالأخص پس از شرح دلاوری‌هایش در جنگ با داعش در سوریه و عراق ایجاد شد و شدت گرفت.

استان کرمان نامداران زیادی در انقلاب اسلامی داشته است ولی احتمالا هاشمی‌رفسنجانی و حاج قاسم از این حیث متفاوت از سایر بزرگان این استان در تاریخ انقلاب اسلامی بوده‌اند.

حاج قاسم درباره مرحوم هاشمی چه نظری داشت، آیا انتقادی هم به آقای هاشمی داشت؟

سردار سلیمانی عمیقاً برای آقای هاشمی احترام قائل بود و جزو ارادتمندان وی بود. من هیچ وقت ندیدم او از آقای هاشمی انتقاد کند یا عناد و خصومتی با وی داشته باشد. او را جزو بزرگان و دلسوزان انقلاب می‌دانست و احترام عمیقی برای او قائل بود.

از حیث سلوک با زیردستان چطور بودند؟

در مدتی که با سردار سلیمانی همکاری داشتم، یادم نمی‌آید که ایشان با کسی تسویه حساب شخصی انجام دهد. یعنی ممکن نبود فرمانده گردان یا فرمانده گروهانی کاری برخلاف نظر سردار انجام دهد و ایشان بخواهد از قدرتش استفاده کند و آن شخص را بردارد. من خودم بارها در عملیات‌ها با ایشان حرف می‌زدم و شاید نظرات‌مان با هم موافق نبود اما هیچ وقت رفتار و گفتار تند و تیزی از ایشان نمی‌دیدم.

چهره ایشان بسیار آرام و متین بود. آیا این آرامش در رفتار ایشان نیز وجود داشت؟ هنگامی که ایشان عصبانی می‌شدند رفتارشان چگونه بود؟

نسبت به مسائل کلان و خلاف‌هایی که در سطح بالای کشوری و لشکری انجام می‌شد، قاطع بودند و عصبانیت‌شان را بروز می‌دادند اما معمولا بعدا می‌رفتند از آن اشخاص، دلجویی می‌کردند. یعنی حاج قاسم آنقدر رئوف بود که حتی در فضای مناسبات نظامی سعی می‌کرد از زیردستانش دلجویی کند. حتی اگر بحق از آنها عصبانی شده بود. البته عصبانیت حاج قاسم، فقط متوجه فرماندهان لشکر می‌شد و با مقامات رده‌پایین‌تر یا با سربازان چنین مواجهه‌ای نداشت.

در پایان خاطره ویژه‌ای از ایشان دارید که برای مردم روایت کنید؟

بله، بعد از عملیات والفجر ۸ بچه‌ها اکثرا خسته بودند؛ چون آن عملیات ۸۰ روز طول کشید. بسیاری از بچه‌ها هم مجروح یا شهید شده بودند و خلاصه در جبهه حضور نداشتند. یک روز حاج قاسم با من تماس گرفت و دستور داد که یک سری از بچه‌ها را جلوتر ببرم تا در آن نقطه‌ای که او حضور داشت، بچه‌ها یک سنگر بسازند. من بچه‌های گردانم را برداشتم و رفتیم سنگر را برای حاج قاسم ساختیم. بعد حاج قاسم بچه‌ها را مرخص کرد و گفت خودت پیش من بمان. آنجایی که سنگر ساختیم، سایت موشکی عراقی‌ها بود که ما آنجا را گرفته بودیم. وقتی بچه‌ها رفتند، حاج قاسم به من گفت برویم داخل خط. در طول مسیر، وقتی در سنگر در حرکت بودیم، از آسمان عین تگرگ گلوله می‌بارید.

گلوله‌های کاتیوشا و توپ‌های دوربرد و خمپاره ۱۶۰ بود که از بالای سر ما می‌گذشت. در آن شرایط حاج قاسم به قدری خونسرد بود که من به عینه دیدم ذره‌ای از مرگ نمی‌ترسد و به همین دلیل اهل فداکاری‌های چشمگیر بود. در مسیر داخل سنگر که به سمت خط مقدم می‌رفتیم، من کلاه‌آهنی بر سرم نگذاشته بودم و حاج قاسم به من گفت امام فتوا داده است موقع انجام عملیات، کلاه‌آهنی بگذارید روی سرتان تا آسیب نبینید.

من نگاهش کردم و گفتم شما هم که خودتان کلاه ندارید. یک کلاه برداشت و گذاشت سر من، یک کلاه هم برای خودش برداشت و مسیرمان را به سمت خط مقدم ادامه دادیم. دلش برای ما می‌سوخت. برای سربازانش. همیشه توصیه می‌کرد برای جان خودتان ارزش قائل باشید و حفظ جان کنید. نه فقط به فرماندهانش که به همه سربازانش توصیه می‌کرد حفظ جان کنند. جان سربازانش برایش مهم و عزیز بود.

ممکن نبود فرمانده گردان یا فرمانده گروهانی کاری برخلاف نظر سردار انجام دهد و ایشان بخواهد از قدرتش استفاده کند و آن شخص را بردارد.

نظر حاج قاسم درباره آقای هاشمی همانند نظر وی درباره رهبری بود. هر دو را جزو بزرگان و دلسوزان انقلاب می‌دانست.

مسؤولیت عراق در ترور سردار سلیمانی



سیدعلی خرم
استاد حقوق بین‌الملل

بعد از دوران اشغال عراق که از سال ۲۰۰۳ و سقوط صدام شروع و در نهایت دولت مستقل و آزاد در عراق تشکیل شد، آمریکا مجبور شد شکل اشغالگری خود را با یک قرارداد دوجانبه تعویض کند تا در جامعه بین‌المللی برخورنده نباشد. در این قرارداد آمریکا متعهد شده از تعرض به جان اتباع عراقی و اتباع خارجی خودداری کند و هرگونه عملیات نظامی در عراق با تصویب دولت این کشور انجام شود؛ همچنین آمریکا از خاک عراق برای تعرض یا حمله به دیگر کشورها استفاده نکند.

آمریکا در حادثه سوءقصد به جان شهید سلیمانی همه موارد یادشده را نقض کرد؛ بنابراین موجب عصبانیت و تصویب اخراج نیروهای ۱۷۶ کشور عضو ائتلاف در مجلس عراق شد. در صورتی که دولت عراق خروج نیروهای آمریکا را از عراق رسماً تقاضا و آمریکا از این امر امتناع کند، ادامه حضور نیروهایش در عراق می‌تواند عملی تجاوزکارانه محسوب شود و در این صورت دولت عراق از حق دفاع مشروع برخوردار است و نیروهای مردمی می‌توانند به‌طور مسلحانه متعرض نیروهای اشغالگر باشند که کاملاً توجیه حقوقی دارد. به هرحال عراق کاملاً حق دارد از نقض قول و عهد آمریکا درباره توافق دوجانبه به دادگاه‌های بین‌المللی شکایت کند. ایران نیز می‌تواند با هماهنگی قبلی، از نظر حقوقی مدعی دولت عراق شود که به جان یکی از مقامات عالی ایران در عراق سوءقصد شده و باید پاسخ مناسب داده شود که به معنای فشار بر دولت عراق برای پیگیری حقوقی جنایت جنگی انجام شده از سوی آمریکا است. ایران همچنین می‌تواند در یکی از دادگاه‌های مناسب در اروپا علیه جنایت و تروریسم دولتی آمریکا طرح شکایت کند. دادگاه‌های اروپا به موضوع تروریسم که خود درگیر با آن هستند حساس بوده و این موضوع می‌تواند راهکاری برای ایران باشد. چهارمین منظر، به خطر افتادن صلح و امنیت بین‌المللی است.

شورای امنیت سازمان ملل متحد به دلیل اینکه این ترورها و اعدام‌های خودسرانه و فراقضایی می‌توانند صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر جدی بیندازند و احتمال یک جنگ تمام عیار خارج از ذهن نیست، باید جلسه فوری تشکیل دهد. با توجه به اینکه اقدام تروریستی اخیر آمریکا موجبات افزایش تنش در منطقه را فراهم کرده و صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی را به مخاطره انداخته است، شورای امنیت سازمان ملل باید به مسؤولیت خود عمل کند و با توجه به پیامدهای وخیم این ماجراجویی نظامی و خطرناک آمریکا نسبت به صلح و امنیت بین‌المللی، این اقدام جنایتکارانه تروریستی دولتی دولت آمریکا را به صراحت محکوم کند.

تشکیل جلسه شورای امنیت و طرح شکایت ایران با رایزنی قبلی با اروپا، روسیه و چین می‌تواند آلترناتیوی برای بخشی از انتقام باشد که اجازه دهند شکایت مطرح و حتی اعضا، تعرض و عملکرد آمریکا را محکوم کنند. اگر چنین جلسه‌ای به قطع‌نامه اجرایی هم نینجامد، برای ایران مشروعیت لازم را ایجاد می‌کند. باید توجه داشت که آمریکا به عنوان یکی از سه امین منشور ملل متحد، به بزرگ‌ترین ناقض منشور تبدیل شده و به قول معروف «هرچه بگندد نمکش می‌زنند، وای به روزی که به‌گندد نمک!» این نقض آشکار تعهدات آمریکا، جایگاه این کشور را به عنوان امین منشور و نگهبان صلح در جهان کاملاً زیر سؤال برده است. مردم آمریکا باید بیش از این متوجه شوند که رئیس جمهورشان، جهان را به ورطه بی‌ثباتی و هرج و مرج کشانده است تا خود آستین بالا زده و از راه‌های دموکراتیک، چنین شخص نالایقی را از کار برکنار کنند.

برخی حقوق‌دان‌ها بنابر تعریف قطع‌نامه تجاوز، اعتقاد دارند عملیات مسلحانه نیروهای آمریکایی در خاک عراق «تجاوز» محسوب می‌شود و حق دفاع مشروع براساس ماده ۵۱ منشور را از آن عراق می‌دانند. به موجب ماده ۳ قطع‌نامه تعریف تجاوز مجمع عمومی (۳۳۱۴ دسامبر ۱۹۷۴) اگر دولتی که با توافق دولت پذیرنده در سرزمین آن دولت حاضر است، در مغایرت با شرایط مقرر در موافقت‌نامه، متوسل به نیروی مسلح شود، این عمل صرف‌نظر از اعلام کردن یا اعلام نکردن جنگ، از مصادیق تجاوز خواهد بود؛ اما چون اغلب نقاط عراق در سیطره آمریکا و نیروهای ائتلاف است، عراق در جایگاهی نیست که بخواهد به مقابله بپردازد، بلکه با مصوبه مجلس باید تلاش کند آمریکا را از عراق بیرون کند.

ترور سپهبد سلیمانی و نقض قوانین بین‌المللی

حمیدرضا ابراهیمی

قتل و نابودی مخالفان از دیرباز به عنوان ابزاری برای کسب قدرت و حفظ آن به کار رفته است. ترورها معمولاً از طرف اشخاص و سازمان‌های تروریستی مستقل و گاه توسط دولت‌ها انجام می‌شوند. در قرن گذشته به رغم کثرت ترورهای دولتی، به دلیل فرار از تبعات آن، کشورها به ندرت مسؤولیت اعمال تروریستی خود را می‌پذیرفتند. برای مثال سازمان سیا، به کرات برای ترور «فیدل کاسترو»، رهبر فقید را کوبا اعلام کرد، بدون آنکه مسؤولیت آن را برعهده بگیرد یا سازمان موساد در عملیات‌های فراوانی سران مبارز فلسطینی را به شهادت رساند، بدون آنکه انجام این ترورها را اعلام کند.

اما دوران جدید که می‌توان آغاز آن را از اواخر دهه ۸ میلادی دانست؛ دورانی است که در آن دولت‌ها، به صراحت مسؤولیت ترورها را قبول می‌کنند. آمریکا صراحتاً تلاش برای بمباران منزل قذافی، رهبر پیشین لیبی را پذیرفت و اسرائیل در موارد متعددی با توجیه حمله پیش دستانه، رهبران فلسطینی مانند شهیدان دکتر «عبدالعزیز رنتیسی» و «شیخ احمد یاسین» را به شهادت رساند و در آخرین نمونه آمریکا دست به ترور سردار سلیمانی در فرودگاه بغداد زد و در تمامی این موارد عوامل ترور به روشنی مسؤولیت خود را در انجام آن به عهده گرفتند.

ترور نوعی اعدام فراقضایی است که به شکل مشروع و خودسرانه توسط یک دولت انجام می‌شود و از نظر ماده۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، خلاف اصول حقوق بشری است. این ماده به صراحت به‌حق حیات و منع خودسرانه از نعمت زندگی تأکید می‌کند و ترور به عنوان مصداق بارزی از نقض این حق بشری به حساب می‌آید.

بسیاری از دولت‌های مجری عملیات ترور برای توجیه اعمال خود به عبارت «ترور هدفمند» اشاره می‌کنند. ترور هدفمند عبارت است از هدف قرار دادن نیروهای تروریست حتی خارج از موقعیت جنگی و تروریست‌ها نیروهایی هستند که خارج از سلسله مراتب سیاسی عمل می کنند. اینجا جزو نقاطی است که در تعریف ترور تروریسم چالش ایجاد می‌کند، چرا که بسیاری از موارد ترور هدفمند علیه شخصیت‌های سیاسی رسمی انجام شده است. در ترور هدفمند ادعایی، اشخاص تحت هدف قرار گرفته باید متهم رسمی به تروریسم باشند و طبیعتاً اعضای نهضت‌های آزادی بخش و پرسنل رسمی نیروهای مسلح یک کشور نمی‌توانند جزئی از اهداف مشروع ترور واقع بشوند، مگر آنکه در شرایط مخاصمه و جنگ باشند.نظریه ترور هدفمند حتی با فرض قتل تروریست‌های رسمی نیز مخالفان زیادی دارد. گزارشگر ویژه «اعدام‌های فراقضایی» معتقد است حتی در شرایط مخاصمات مسلحانه هم الزامات شایسته قانون باید رعایت شود و اوضاع تابع مقررات حقوق بشر است و امکان کشتن یک فرد خارج از معرکه و بدون محاکمه وجود ندارد.برخی نیز نظریه دفاع مشروع را برای توجیه ترورهای هدفمند مطرح می‌کنند. پس از حملات ۱۱ سپتامبر اعمال حق دفاع مشروع در برابر گروه‌های تروریستی غیردولتی مورد بحث و در قطعنامه‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۸۶ مورد تأکید قرار گرفت. در این زمینه باید دانست در دفاع مشروع وجود حالت تخاصم و ضرورت دفاع الزامی است و به صرف اختلافات سیاسی و اتهامات بی‌پایه نمی‌توان برای ترور طرف مقابل به زور متوسل شد؛ ضرورت گاهی معنای حمله قریب‌الوقوع را نیز متبادر می‌کند که این امر نیز نیازمند دلایلی است که اثبات کننده برنامه‌ریزی برای حمله حتمی باشد.

در زمینه توجیه ترور براساس نظریه حقوق بشردوستانه و مخاصمات مسلحانه باید درنظر داشت حق هدف قرار دادن طرف مقابل از لحظه آغاز تخاصم آغاز می‌شود و دولت ترور کننده نمی‌تواند صرفاً تنش‌های سیاسی و دیپلماتیک با طرف مقابل را به مثابه اقدام خصمانه و آغاز جنگ در نظر بگیرد.[1] در جریان ترور سردار سلیمانی چند نکته وجود دارد که قابل توجه است.

ایران و آمریکا در زمان ترور سردار سلیمانی هرگز در حالت مخاصمه نبوده‌اند. تعریف مخاصمه مسلحانه در ماده ۲ کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو از این قرار است. این قرارداد در صورت جنگ رسمی یا هرگونه مخاصمه مسلحانه که بین ۲ یا چند دولت از دولت‌های معظمه متعاهد روی دهد به مورد اجرا گذاشته می‌شود. دیوان کیفری بین‌المللی جنایات جنگی یوگسلاوی نیز منازعه مسلحانه را توسل به نیروی نظامی بین دولت‌ها توصیف می‌کند.[2]

حال این سؤال مطرح است: ایران و آمریکا در کدام جبهه دارای درگیری مسلحانه هستند که آمریکا مقام نظامی ایران در خارج از خاک ایران و در هنگام یک دعوت و بازدید رسمی هدف مشروع می‌پندارد و او را مورد هدف قرار می‌دهد؟ مورد دیگری که در جریان این ترور قابل توجه است توسل جستن آمریکا به «اقدامات تروریستی سپاه» است. در این زمینه باید اشاره کرد اقدام آمریکا در تروریستی دانستن سپاه کاملا غیرعقلانی و خلاف مقررات بین‌المللی است. سپاه جزئی از حاکمیت رسمی ایران به حساب می‌آید و براساس ماده ۲ معاهده سازمان ملل درباره مصونیت قضایی دولت‌ها و اموال آنها این امکان برای آمریکا وجود ندارد که به پیگرد کیفری دولت ایران از طریق محاکم داخلی بپردازد. از سوی دیگر براساس ماده ۵ همین کنوانسیون، محاکم داخلی آمریکا نمی‌توانند اقدامات قضایی علیه سپاه پاسداران که رکنی از حکومت جمهوری اسلامی ایران است، لحاظ کنند و این نهاد و اعضای آن را مورد پیگرد قضایی و قانونی قرار دهند، لذا فرض تروریستی دانستن سپاه در توجیه اقدامات خصمانه علیه آن خالی از وجه است و در حالی که هیچ نهاد بین‌المللی من جمله شورای امنیت، سپاه را دارای وصف تروریستی نمی‌داند، آمریکا نمی‌تواند به طور یکجانبه آن را تروریستی اعلام کرده و به نبرد با آن بپردازد. سپاه یک رکن نظامی اصلی ایران است و قوانین کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو بر نیروهای نظامی و روابط سازمانی آن حکمفرماست و امکان تروریستی تلقی کردن آن وجود ندارد.

ترور سردار شهید سلیمانی بدون تردید نقض صریح تمامی مقررات مربوط به مخاصمات مسلحانه و ساز و کارهای مشروع دفاعی در دنیاست و آمریکا با هیچ عنوان و استدلال قانونی قادر به توجیه عمل خلاف مقررات خود نیست.

پی‌نویس:

۱ـ بررسی و نقد ترور هدفمند
۲ـ حقوق مخاصمات مسلحانه



اطلاعات
پنجشنبه
۲۴ بهمن ۱۳۹۸
سال نودوچهارم
شماره ۲۷۴۹۹

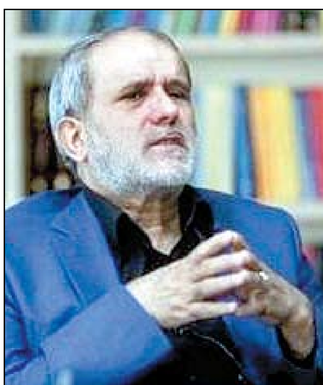




۵۴
اطلاعات
پنجشنبه
۲۴بهمن ۱۳۹۸
سال نودوچهارم
شماره ۲۷۴۹۹

سلطان شگرف

راز آوازه شهید سلیمانی



دکتر حسینعلی قبادی

به مناسبت اربعین شهادت سردار شهید سلیمانی

مقدمه:

این جستار از این جهت به نگارش در نمی‌آید که تکریمی دیگر بر جلالت و جمال توصیف قهرمانی‌گری و اخلاقی سردار شهید سلیمانی افزوده شود؛ بلکه می‌کوشد بکاود که از منظر تربیتی و فرهنگی در چه زمینه‌هایی می‌توانیم از ایشان الگو بگیریم و چه مقدمات، زمینه‌ها و عواملی موجب تکوین و تکمیل شخصیت این قهرمان نفس شکن شده است؟ سلیمانی چه مسیری را پیموده تا به اینجا رسیده است؟

نخست به این مساله پرداخته می‌شود که درس‌هایی که در موقعیت کنونی کشور، می‌توانیم در عالم واقع، برای زندگی هوشمندانه امروز از شهید سلیمانی به طور ملموس و عینی و دست یافتنی بیاموزیم کدامند و رمز موفقیت عملی او را چگونه می‌توانیم بهتر بشناسیم؟

به نظر می‌رسد دست کم در چهار زمینه می‌توان از او آموخت:

۱–تمرکز، استمرار و ممارست در یک حرفه و زمینه و به اوج رسیدن در همان مسیر؛ یعنی پرهیز از پراکنده‌کاری و خودداری از دل سپردن به جاذبه‌های دیگر و از متن خارج نشدن و به حاشیه نپرداختن.

بسیار ملموس و دیدنی است که او در حیطه و حریم کار نظامی خالصانه و با اخلاق حرفه‌ای عمل کرد و تا آخر در اوج ماند.

۲– وسعت مشرب، تعامل‌گرایی، کلان‌نگری، دراز مدت اندیشیدن و به دوردست ها فکر کردن، اهل گفتگو بودن، نرم خویی، گشاده نظری، نگاه جهانی و دور از تعصب قومی، مذهبی، گروهی و جناحی اندیشیدن و فراملی عمل کردن، شاید یکی از رمزهای مهم ظفر یافتن او بر انبوهِ لشکرِ مقدس مآبِ جاهلِ خشونت‌گرا و شبکه جهنمی داعش، همین قدرتِ فکرِ فراملی و اندیشه‌های ناب جهان‌نگری شهید سلیمانی بود که از افغانستان، عراق، سوریه، لبنان و یمن، ایران و... همه عاشقانه زیر پرچم او جمع شده بودند: این نیز درس مهمی برای ما و آیندگان خواهد بود.

> * شهید سلیمانی آموخت که جامعه ایران جامعه‌ای چند لایه و چند طیفی است و یک فرمانده محبوب چگونه باید پدرانه و فراگیر و فراگرایش‌ها به آن بنگرد و در عین حفظ حریم مقدسات در عرصه عمل با مخالفان چگونه عاقلانه و خردورزانه رفتار کند
>
> * آری! شهید سلیمانی، قبل از عروج و پیش از آنکه رفتنش قیامتی در قلب‌های جهانیان بر پا کند، قیامت را در درون خود تجربه کرده بود وجودش را در درون، به بهشت و بهشتیان تبدیل کرده بود و اینگونه شد که پس از شهادتش خودجوش‌ترین قیامت مردمی بپا خاست.

۳– جمع تفکر راهبردی اجتماعی، فرهنگی و قدرت فوق العاده فنی نظامی با یکدیگر و رسیدن به تراز کارآمدی فوق‌العاده و نایل شدن به دستاوردهای عظیم و فوق متعارف در جهان معاصر که نقشه ده‌ها ساله آمریکا و هم پیمانانش را در خلق و استقرار اسرائیلی اسلام نما به اسم داعش در قلب مناطق نفت خیز آسیای غربی همراه با اشباحی از جوانان فریب خورده اروپا و آسیا و اقصی نقاط جهان نقش بر آب کرد. اگر تصور کنیم تاکنون هم، داعش پا بر جا مانده بود، چه رخدادهایی در این منطقه به وقوع می‌پیوست؟ ما و دیگر کشورهای آسیای غربی، عراق، سوریه و ... حتی ترکیه، لبنان و بخش‌هایی از آسیای میانه و کشورهای حاشیه خلیج فارس به چه سرنوشتی دچار می‌شدیم؟ پس تلفیق قدرت اندیشیدن همه جانبه و توان نظامی درس دیگر شهید سلیمانی است.

۴–پیوند میان آرمان‌گرایی با واقع‌بینی و عملگرایی

درس مهم دیگری که می‌توانیم از آن بزرگمرد بیاموزیم، پیمودن این مسیر دشوار، ابهام‌آمیز و پرپیچ و خم است که چگونه از افراط و تفریط بپرهیزیم و قدرت تجمیع میان آرمانی و انقلابی ماندن با درک درست و جامع همهٔ واقعیتهای پنهان و آشکار، دور و نزدیک، ظاهر و باطن، سطحی و چند لایه‌ای اجتماع را داشته باشیم.

هم قدرت تصمیم به موقع و عملگرایانه داشته باشیم هم آرمانی، اخلاقی و انقلابی بمانیم. شهید سلیمانی آموخت که جامعه ایران جامعه‌ای چند لایه و چند طیفی است و یک فرمانده محبوب چگونه باید پدرانه و فراگیر و فراگرایش‌ها به آن بنگرد و در عین حفظ حریم مقدسات در عرصه عمل با مخالفان چگونه عاقلانه و خرد ورزانه رفتار کند. حتی چگونه باید دشمنان را نیز طبقه‌بندی کرد و برای آنان نیز مجال فکر و خودآگاهی فراهم نمود و تمام ظرفیتها و پشتوانه‌های آنان را شناخت و رفتار و کنش خود را تنظیم کند و سامان دهد.

اما این توفیقات بی‌نظیر یا کم نظیر، خود معلول عوامل عمیق‌تری است که در این جستار پی گرفته می‌شود. شاید این شخصیت پرورش یافته در مکتب انقلاب اسلامی را، شخصیتی معرفت اندیش باید بدانیم که عارفانه وارد میدان نبرد با خویشتن، سپس با خصم برون شده و آگاه بوده که دشمن درون، خطرناکتر از خصم برون است. زندگی او را ناظر به این شعر حکمی و معنوی و تربیتی مولوی می‌توان تعبیر کرد.

ای شهان کشتیم ما خصم برون
مانده خصمی زو بتر در اندرون

ادعای این جستار نیز همین است: قاسم سلیمانی از آن جهت «قاسم سلیمانی» شد که ابتدا و مقدم بر جنگ بیرونی دائماً با خصم درون و هواهای نفسانی و خواهش‌ها و وابستگی‌ها و تعلّقات دنیایی، اعم از مال، منال، جاه و مقام و اسیر شهوت بودن جنگیده بر پایه اصل تدرّج و با پشت سر گذاشتن تدریجی و طبیعی همه مراتب و مراحل و طی کردن آزمون‌های گوناگون به درجات عالی معنوی رسیده است و از همهٔ این امتحان‌ها سربلند بیرون آمده بود. وی پله پله مراتب اخلاقی و شئون اجتماعی و درجات نظامی طی کرده و برای هر مرحله خاک مخصوص خود را خورده بود؛ لذا بدون آنکه دنبال درجه باشد، درجه به سراغ وی می‌آمد. در پیمودن راه ترقی معنوی هم همین‌گونه بود. اول جهان درون خود را آراسته بود و به طور طبیعی و فطری مدارج معنوی کمالات نفسانی و روحانی به سراغش آمد. به قول مولوی

صد هزاران امتحانست ای پسر
هر که گوید من شدم سرهنگ در
تو مبین ز افسون عیسی حرف و صوت
این ببین کز وی گریزان گشت موت

سلیمانی در طول عمر پربرکت خویش همواره این مبارزه با نفس را پی گرفته و فضائل اخلاقی در وی؛ ملکه و نهادینه و ماندگار شده بود، از این جهت نفسش مسیحا دم و اثر گذار شده و شخصیتش تربیت کننده، مؤثر و تحوّل بخش بوده است. گویی شاعر متفکر درباره‌اش سروده است که

تو مبین ز افسون عیسی حرف و صوت
این ببین کز وی گریزان گشت موت

آری! شهید سلیمانی، قبل از عروج و پیش از آنکه رفتنش قیامتی در قلب‌های جهانیان بر پا کند، قیامت را در درون خود تجربه کرده بود وجودش را در درون، به بهشت و بهشتیان تبدیل کرده بود و اینگونه شد که پس از شهادتش خودجوش‌ترین قیامت مردمی بپا خاست.

درباره شهید والا مقام، سردار قاسم سلیمانی، از دیدگاه‌های گوناگون، فراوان گفته‌اند و نوشته‌اند و می‌گویند و می‌نویسند؛ حتی دربارهٔ راز و رمز محبوبیت جهانگیر وی نیز کم ننوشته‌اند؛ اما هم درباره جامعیت و کلیت شخصیت او و معرفت اندیشی، درک شهودی، ژرفای مردمی بودن، سطح فهم قرآنی، انس زیبایی‌شناسانه او با میراث ادبی، توانمندی و ظرفیت و تصاعد بی‌نظیر عشق مردم به وی، و ابعاد و لایه‌های عظمت وجود آن بزرگ مرد، سخن ناگفته بسیاری وجود دارد؛ اما وظیفه اصلی این جستار بیان برخی عوامل و دلایلی است که بیان می‌کند که چرا این آفتاب فروزان و خورشید نور افشان، پیش از شهادت به میزان امروز از آنچنان شهرت و آوازه برخوردار نبوده است و ما امروز چه درس تربیتی می‌توانیم از آن بزرگمرد بیاموزیم که به برخی از آنها در اینجا پرداخته می‌شود:

۱- مرد خود ساخته، باقی بالله، غیر تقلیدی و اصیل

اینکه او وصیت می‌کند روی قبرم فقط کلمه «سرباز» را بنویسید با عنایت به اینکه مسجّل بود که وی دائماً در مرز شهادت و در یک قدمی آن زیست می‌کند و بارها و مستمّر خود را در معرض خطر قرار داده و به جایی رسیده که فانی فی الله شده بود، نباید تردید کرد که بقای بالله را در درون جان خود مداوماً شهود کرده باشد. ده‌ها بار خود را در نبردهای هشت ساله دفاع مقدس و پس از آن، در مقابله با تروریسم داعش و خشونت گرایان آزموده و زندگی خود را نیز در رنج و زحمت آغازیده و در قوس صعودی تکامل نفس و عقل بدون آنکه اسیر الفاظ و عنوان باشد و علاقه‌ای به آنها نشان بدهد، از حضرات خمس ابن عربی و امثالهم عبور کرده بود. وی می‌خواست «سرباز» بماند بدون قید و شرط مستقیم سرباز خدا شد. به همین دلیل او شخصیتی تکراری و تقلیدی نداشت. بی مثال بود و هرچه تکامل معنوی خود را از اعماق جان یافته بود و با خود ساختگی به آن کیمیا دست یافت. تکرار تاریخ نبود.

***بسیار ملموس و دیدنی است که او در حیطه و حریم کار نظامی خالصانه و با اخلاق حرفه‌ای عمل کرد و تا آخر در اوج ماند**

***قاسم سلیمانی از آن جهت «قاسم سلیمانی» شد که ابتدا و مقدم بر جنگ بیرونی، دائماً با خصم درون و هواهای نفسانی و خواهش‌ها و وابستگی‌ها و تعلّقات دنیایی، اعم از مال، منال، جاه و مقام و اسیر شهوت بودن جنگیده بر پایه اصل تدرّج و با پشت سر گذاشتن تدریجی و طبیعی همه مراتب و مراحل و طی کردن آزمون‌های گوناگون به درجات عالی معنوی رسیده است و از همهٔ این امتحان‌ها سربلند بیرون آمده بود**

– چنانکه ملّت ما که اصیل بودن وجودی شهید رجایی را به عینه مشاهده کرده بودند–سلیمانی نمی‌خواست به دنبال تکرار تاریخ یا تاریخ‌سازی برود. ما تکرارسازی تراژیک شهید رجایی را فراموش نکرده‌ایم. به دلیل همین اخلاص و اصالت این شهید بود که در مسیر فطرت و محبت الهی تاریخ‌ساز شد.

حملهٔ دیگر بمیرم از بشر
تا بر آرم از ملایک پر و سر
پس عدم گردم عدم چون ارغنون
گویدم که انا الیه راجعون
وز ملک هم بایدم جستن ز جو
کل شیء هالک الا وجهه

و او خود مصداق این بیت از غزلیات شمس مولوی است که فرموده:

هین بیخ مرگ برکن زیرا که نفخ صوری
گردن بزن خزان را چون نوبهار گشتی

۲- ابعاد و لایه‌های به ظاهر جمع ناشدنی و متناقض در وجود یک فرد

جمع صورت با چنین معنای ژرف
نیست ممکن جز ز سلطان شگرف

شهید وارسته و عارف به حق پیوسته، سردار قاسم سلیمانی، انسانی یک بعدی و تک ساحتی نبود، او همزمان سرمایه‌ای جامع در عرصه ملّی، انسانی، مردمی،عرفانی، قرآنی، انقلابی، اخلاقی، نظامی، خردمندی را در خود جمع کرده بود.

با شهادت سلیمانی، در حقیقت سرنوشت یک روح در سیلان و اسیر نفس و جسم نشده آشکار شده و گویا در وجود او صدها سال میراث و سنت معنوی این سرزمین بازخوانی شده است.

انس شهید سلیمانی با مرگ، تجربه زیسته وی با شهادت، درک شهودی حسین‌وار، اوج تجربه اشراقی، گفتگوی عمیق دوستانه با حق تعالی، امضا گرفتن برای آمادگی‌اش برای ورود به عالم دیگر و محضر حضرت حق از آیت‌الله جوادی و بسیاری از مردم و یاران شهیدش و امثال اینها، شخصیتی رازناکانه از او به دست می‌دهد. رازهای





مکتوم که پیش از شهادتش یا اصلا کسی نمی‌دانست یا اندک بودند کسانی که درک آن را داشتند و از این جهت او را ولی ناشناخته خدا می‌توان خواند.

هر که خواهد همنشینی با خدا
گو نشیند در حضور اولیا
او با خودگویی این نجوا را داشت که
حرف گفتن بستن آن روزنست
عین اظهار سخن، پوشیدنست

۳- از سنخ و جنس مردم و «عقل عقل»:

شاید زندگی، مجاهدتها و سرانجام قاسم سلیمانی از نادر مفسران این سخن امام خمینی دربارهٔ شهید رجایی باشد که امام فرموده بودند: «عقل رجایی از علمش بیشتر است» اگر امام این سخن را دربارهٔ رجایی نگفته بودند امری کلی و غیر مؤثر بود. از منظر دانش نقد ادبی این اصل را باید در نظر داشته باشیم که فهم «متن» در درون منظومه و بافتار و لوازم متن، روشن‌تر می‌شود (TEXT همراه CONTEXO) معنی می‌دهد. یعنی، معنی این حرف امام را باید همراه با مصداق و موقعیت پیدایش متن (SIT-ATION) بیابیم و درک ویژگی اصلی رجایی که همانا مردمی بودن، اخلاص داشتن، ادعًا نکردن، در کار خود ماهر و توانا بودن است، بدانیم؛ پس «عقل» را می‌توانیم در اینجا، عقل رحمانی، عقل متعالی، عقل استکمالی و برگرفته از عقل کل و استفاضه‌ای از محضر حق و تعیّن حکمت عملی الهی و به تعبیر مولوی «عقل عقل» بدانیم، اما اگر صرفاً در عرصه نظر پیش برویم، تک بعدی خواهد بود در حالی که قاسم سلیمانی در عین داشتن درک شهودی، اهل عمل و با مردم یگانه بود، در عمل، ضربان قلب مردم عادی و ساده و بی‌ریای بدون سمت‌های مجازی ایرانی بود، سلیم، فطری، مؤمن، عارف، بی‌ریا و مخلص بود.

تظاهر به مردم‌دوستی نمی‌کرد و فاصله با آنان نداشت، دوستی‌اش با مردم و مهر، محبت، شفقت و مودّت او با آنان، بخشنامه‌ای و تکمیل کارنامه، ساختن پشتوانه نبود. اصلاً او چیزی جز مردم نبود. ارتعاش حیات روح عادی‌ترین و عامی‌ترین مردم ایران بود، این نیز یکی از رازهای قیامتی بود که مردم در حرکت تاریخی بی‌نظیر جهانی خود آفریدند و به احترام او به خیابانها آمدند و حتی جان خویش را فدا کردند. به قول شاعر مرحوم، نصراله مردانی که درباره امام خمینی سروده بود: «بوی گندم، بوی باران می‌دهی»

قاسم، عمقِ رایحه خوشِ طراوتِ مردم زحمت‌کش این سرزمین بود. گویی که گندم‌زارهای کرمان هم عزادار اویند. آری او از جنس کیهان بود و کیهانیان هم او را می‌شناسند.

سوی هر ابری که او منکر شود خورشید را
آفتابی زیر دامن بهر برهان می‌برم

۴- ناشناختگی آگاهانه

اگر چه تا پیش از شهادت، تا حدودی عمدتاً به عنوان یک فرمانده موفق باهوش، استراتژیست نظامی و فداکار شناخته شده بود؛ اما تعالی معنوی و والایی روحی وی را کمتر کسی می‌دانست و حقیقت آن است که هنوز هم جامعیت وجودی وی کاویده نشده است. شاید اکنون مشخص شده باشد که ابعاد وجودی سردار قاسم سلیمانی یکی از ناشناخته‌ترین پدیده‌ها در روزگار ما باشد. شخصیتی که تماماً وجود بود «اصالت» داشت، جمله «روح» بود و ندای فطرت را فرا یاد می‌آورد. انگار هیچ گرد و غباری از این دنیای تعلقات بر آیینه صافی وجودش ننشسته بود و عظمت ابعاد روحی و لایه‌های وجودی او پیش از شهادت شناخته نشده بود. گویی آن عظمت روحی در آن تن خاکی نمی‌گنجید اما همچنان در گمنامی مانده بود،

خانه خرابی گرفت ز آنک قنق زفت بود
هیچ نگنجد فلک در در و دهلیز من

در برخی متون این حدیث قدسی فراوان استناد شده است که «انّ اولیایی تحت قبابی لا یعرفهم غیری» در روزگار ما، گویی یکی از بارزترین مصداق‌های این سخن،



*شهید وارسته و عارف به حق پیوسته سردار قاسم سلیمانی، انسانی یک بعدی و تک ساحتی نبود، او همزمان سرمایه‌ای جامع در عرصه ملّی، انسانی مردمی، عرفانی، قرآنی، انقلابی، اخلاقی نظامی، خردمندی را در خود جمع کرده بود

*قاسم، عمقِ رایحهِ خوشِ طراوتِ مردمِ زحمت‌کشِ این سرزمین بود. گوییِ که گندم‌زارهای کرمان هم عزادار اویند. آری او از جنس کیهان بود و کیهانیان هم او را می‌شناسند

شهید قاسم سلیمانی باشد در این روزها، راز ابعاد گسترده وجودی و عمق و ارزش خدمات، توان و بینش راهبردی و قدرت ایجاد توازن میان نظر و عمل و ... اندکی شناخته شده است. این راز ناشناختگی پیش از شهادت چه بود؟ چرا شهادت آن بزرگ تا حدودی این رازهای شگفت را برملا کرد و بسیاری دریافتند که القابی مثل سردار و سپهبد و ... چیزی به آن روح بزرگ نمی‌افزاید. تقریباً همگان مبهوت، شوک و شرمنده اخلاص و ارزش معنوی او شدند. شاید یکی از بهترین تعبیرها در این خصوص از استاد دکتر شفیعی کدکنی باشد که به زیبایی سروده است:

«مرگ او،
زندگی دوم او بود که گردید آغاز
شیشه‌ی عطری سربسته
افتاد و شکست
همگان بو بردند
که چه چیزی را دادند از دست»

آری! رساترین تعبیر و تشبیه، یعنی «عطر» بودن سردار قاسم سلیمانی را این عالم‌ترین شاعر زمانه ما به کار برده است- البته همین تصویر زیبا را وی، مدیون وسعت مطالعه و عمق حافظه‌اش است که از ابن ابی الحدید وام گرفته است. ابن‌ابی‌الحدید، آن دانشمند منصف بزرگ اهل سنت و مفسّر کم بدیل نهج‌البلاغه است قبلاً دربارهٔ امام علی(ع) گفته بود: شخصیت علی(ع) مانند شیشه عطر بود «دشمن‌ها می‌خواستند شیشه عطر را بشکنند، نتوانستند، اما با ضربت ابن‌ملجم بر فرق علی(ع) شیشه عطر شکست و بوی عطر همه جا را فرا گرفت.

و این چنین است مردان خاص خدا در پوشش خود خدا مخفی‌اند و با مرگ آنان، معنویت و رایحه الهی و هنرشان آشکار می‌شود.

ژرفای این سخن است که مردان خدا، پیش همه کس شناخته شده نیستند، آری با شهادت سردار سلیمانی بود که فضائل پنهان وی از گمنامی به در آمد و آدمیان یکّه خوردند که کسی را از دست دادند که تا کنون گوهر وجودش را نمی‌شناختند و همین امر، یعنی «ناگهان شناخته شدن» پس از شهادت، از دلائل استقبال مردم از جنازه او و فداکاری در احترام‌گزاری به وی به شمار می‌آید.

اکنون مفهوم کامل‌تر این سخن امام خمینی روشن‌تر می‌شود: «شهادت، هنر مردانِ خداست.»

۵- هوشمندی شهودی و ممارست در کار

سلیمانی با اینکه تحصیلات رسمی چندان بالایی نداشت، ولی اهل مطالعه با درک بالا و فهم عمیق اشراقی بود. استشهاد به جان و گوهر آیات قرآن کریم، سیره و کلام معصوم (ع)، درک شهودی از محتوای دعاها و اشعار عرفانی فارسی عشق ناشی از معرفت و هم‌سنخی با شهیدان و شخصیت‌های اسوه، تقوای عمیق و خالص، عبارت همراه با معرفت، هوش طبیعی وی را نیز دو چندان کرده بود و وی را از خطاها باز می‌داشت و «من حیث لا یحتسب»، فعالیتهایش با توفیق‌ترین می‌شد.

تجربه زیسته دینی و عرفانی و مرد میدان شهادت و درک اشراقی و چشیدن مزه ملاقات با محبوب ازلی، یک دیپلمه را به جایی می‌رساند که هنگام تجزیه و تحلیل آیه قرآن مانند مفسری متوغّل و همزمان شاهد بروز توانایی تحلیل این بیت مولوی از زبان وی شاهد هستیم:

تو مکن تهدیدم از کشتن که من
تشنه زارم به خون خویشتن

وجه دیگر آموزندگی شهید سلیمانی درک دقیق لوازم طی کردن مراحل و مدارج معنوی است گویی او سالکی است که دریافتی ژرف همراه با تاریخ زیسته عمیق شهودی را تبیین می‌کند آری گویی، شهید سلیمانی بر بام آسمان رسیده بود که بر پایه درک دینی و شهودی همه القاب و عنوان دنیایی برایش به قول مولوی سرد و بی ارزش بود.

چون رسی بر بام‌های آسمان
سرد باشد جستجوی نردبان

آری! التوحید اسقاط الاضافات

درس بزرگ دیگر سلیمانی، تمرکز در یک مسیر و رسیدن به قلّه است: پیوستگی و استمرار و تمرکز در فعالیتها، عمق نگاه و تدّبر در آن و توکل عمیق و معرفت‌آمیز به خداوند و پرهیز از حاشیه‌روی و سرک کشیدن‌ها در عوالم دیگر، مانند اقتصاد و سیاست و ... منزه بودن از هرگونه آلایش اقتصادی و ... احساس شخصیت مستقل و فهم امروزی او از آیین الهی و همزمان اخلاص بی‌نظیر و ممارست وی در فن نظامی او را شخصیتی کارآمد، فنی، صاحب‌نظر و بسیار هوشمند ساخته بود. راهبرددان و استراتژیست بود، اولویتها را خوب می‌شناخت و بازی جریان‌ها و افراد مخالف و دشمنان را خوب ترسیم و دقیق تحلیل می‌کرد.

بسیاری از چهره‌های تراز اول جهانی، اعّم از دوستان و دشمنان، هوش سرشار، قدرت راهبردی فکری، توان و تراز تصمیم‌گیری، بزرگی اراده و تصمیم، ظرفیت فهم عمیق و کم‌نظیر نظامی و سیاسی او را می‌شناختند و همه اینان سلیمانی را به مثابه نماد ایران امروز می‌دانستند و اینگونه به وی می‌نگریستند.

۶- موقعیت نمادین تاریخی

او فردی فرانظامی، بینش‌مند بود و هوشمندانی که دغدغه آینده ملت‌ها را دارند، می‌دانند او جز انگیزه الهی و انسانی‌نگری چیز دیگری در سر نداشت و در چنین موقعیت تاریخی که آمریکا عمیقاً حرص و ولع دارد آسیای غربی را به عنوان کانون انتفاع از نفت و منابع عمده آن ببلعد و انرژی مورد نیاز خود را تامین کند و منابع و قدرت همه جانبه آسیای غربی را در چنگ خود داشته باشد، او عملا موفق شد این منطقه را از دست آمریکا در بیاورد.

ذهن ملتهای این منطقه، بویژه ایرانیان، خاطره خوبی از اقدام آمریکائیان با مردم ویتنام، آمریکای لاتین و بسیاری از کشورهای ضعیف ندارد. مخصوصاً در ایران سرنگون‌سازی دولت ملی و مردمی مصدق، دسیسه‌ها و نامردی‌های آمریکا را روشن‌تر می‌سازد ایرانیان از این جهت منتظر ظهور یک قهرمان تاریخ‌ساز بودند که قاسم سلیمانی از راه رسیده بود و کاری کارستان و ماندگار انجام داد. که بزرگترین قدرت طمّاع جهانی را دست خالی برگرداند. اگر مردم ستمدیده جهان از ضربه‌هایی که او به پیکر آمریکا و داعش بر ساخته آنان وارد شده خوشحال بودند، ایرانیان به طورِ خاص شاهد ظهور مردی بودند که چهره به چهره و رو در رو مقابل آمریکا ایستاده و ضمیر خودآگاه و روح تاریخی ایرانیان را در مقابل تحقیر قبلی آمریکا، نوازش می‌دهد و قدرت می‌بخشد. به دیگر سخن، قاسم سلیمانی، دست ایرانیان بود که شلیک می‌کرد و فرمان می‌داد.

سلیمانی سرمایه‌ای جامع و بی‌نظیر

از منظری دیگر نیز برای درس‌آموزی همه ما و نسل آینده می‌توان به این سلیمان روح و آیینه مجاهدتهای خالصانه نگریست و در پای او گریست، وی را به سرمایه‌ای جامع تبدیل کرده بود که معمولاً در کسی جمع نمی‌شود؛



الف: از دیدگاه سرمایه ملی

درس دیگری که سلیمانی به ما می دهد جامع‌نگری است: دست‌یابی به معرفت‌گرایی و رسیدن به ژرف‌نگری و به دور از سطحی‌نگری و شعارزدگی است و دائماً اهل تفکر، تدّبر هوشمندانه بودن و جمع خردورزی با قهرمانی آرمانی است. همین جامع‌نگری بود که سلیمانی را به شخصیتی ممتاز تبدیل کرد. از یک سو پهلوانی شهودمدار همراه درک و فهم زیبایی‌شناختی بود. درَ عین حال توان ویژه فرماندهی نظامی در عرصه عمل داشت و دائم در جنگ بود و از سوی دیگر با غزلیات شمس مأنوس بود دائم تمرین می‌کرد تا مزد عشق را دریابد.

بر مبنای توانایی‌های یاد شده او همزمان صفات زیر را نیز در خود جمع کرده بود.

- توجه به منابع و مصالح ملی فراتر از جناح‌ها و گروه‌ها
- حضور مؤثر در مســـائل فراملی و منطقه‌ای و جهانی
- داشتن درک قوی از ضرورت‌های زمانی و مکانی جهان امروز

ب- از دیدگاه سرمایه انقلابی و اسلامی

شهید سلیمانی، در عین حال بسیار انقلابی باقی‌مانده بود، قدر همه شخصیت‌های انقلاب را با روشن‌بینی‌های خود به خوبی می‌دانست او نادره ذخیره انقلاب، مرد خالص بی‌ادعا، بود که درعین حال انتزاعی اندیش نبود مرد عمل بودن، بود و پل میان اصالت ناب انقلاب، از نسل فرزندان انقلاب امام خمینی (ره) و یاوران رهبری و نسل امروز و واقعیتهای جوانان روزگار ما را بخوبی درک می‌کرد.

در این حوزه نیز می‌توان از چند محور سخن گفت:

- درک درست از ظرفیت‌های نیروهای اسلامی در منطقه و تلاش برای به فعلیت رساندن این ظرفیت‌ها
- مبارزه بی امان با انحرافات فکری و ایدئولوژیک خشونت‌گرایانه داعشی در جهان اسلام
- پرهیز از قهرمان نمایی (که گفتار او درباره شهید کاظمی) و این گفتار می‌تواند در نسل امروز موثر و ماندگار واقع شود.
- برخورداری از تراز معنوی در کنار صفات و توان نظامی، سیاسی و اجتماعی
- آگاهی و شناخت درست از تحولات و ظرفیت‌های منطقه‌ای و جهانی

ج: از حیث سرمایه انسانی بودن و داشتن قرائت ضدخشونت محوری از اسلام

محبت‌ورزی، با مرام بودن، با مسلک، زمان‌شناسی، جوان‌شناسی، او را به فردی صاحب مکتب تبدیل کرده بود.

از جمله برکات شهادت وی آشکار شدن پیوند ذاتی و ماهوی منافع آمریکا با داعشی‌ها و صهیونیست‌ها و ارتجاع منطقه و مناسبات عمیق این مثلث بود.

فرجام سخن

شهید قاسم سلیمانی، تکرار تاریخ و نسخه دوم هیچ فرد و مقلّد هیچ کس نبود، بلکه به دلیل انتهاناپذیری ابعاد وجودی، تاریخ‌ساز واقع شد. در این ارتباط کافی است اندکی به مشهورترین روزنامه‌ها، سایتها و مجلات جهان نظری افکنده شود: از جمله معتبرترین مجلات و روزنامه‌های جهان او را جزء ۱۰ چهره تأثیرگذار معرفی کرده‌اند.

اما در مجموع، او تنها ایرانی، شاید در کل آسیای غربی تنها فردی بود که توانسته سامان سیاسی، نظامی، ژئوپولتیک چند کشور را بنا بر مصالح و آرمان خویش تنظیم کند و تنها کسی بود که آمریکا را در تغییر سرنوشت چندین کشور ناکام گذاشته بود. چنین شخصیت تاریخی در آسیای معاصر بی‌نظیر و در جهان کم‌نظیر است. از سوی دیگر او این توفیق را داشت که همزمان نقطه التقا و تجمیع چندین وجه نمادین معاصر باشد که عبارتند از، ایرانی بودن، آرمان انسانی و صلح‌مدار و ضد خشونت داعشی و آمریکایی داشتن، انگیزه دینی داشتن، و از این حیث، بی‌رقیب و بی‌نظیر است، چرا که هم ایرانیان با تمام وجود او را همچو رستم و آرش، حافظ کیان و مرز این سرزمین می‌شناسند، هم طرفداران انسانیت او را فردی ضد خشونت و صلح دوست و غیر قدرت‌طلب و انسان‌مدار می‌دانند و قهرمانی‌ها و رفتار او در برابر آدم‌سوزی و وحشیگری داعش و حراج کردن زنان و ناموس مردم را می‌ستانند.

شخصیت متعادل و متوازن از جهت‌های گوناگون فرهنگی و مدیریت اجتماعی داشت، تسامح معقول نسبت به اقشار گوناگون اجتماع بروز می‌داد و از این جهت او معلّمی تمام عیار برای روزگار ما می‌تواند باشد.

به حدّی از وارستگی دست یافت که برای شهادت و لقاء حق کاملاً آماده بود که پایان عمر او حاصل جمع زندگی‌اش بود، آری

مرگ هر یک ای پسر همرنگ اوست
پیش دشمن دشمن و بر دوست دوست

که عموماً در انسانهای معمولی صفات متضادی مانند جنگندگی دائمی با عرفان و زهد و بی‌تعلقی و تواضع و فروتنی و خاکساری با هم جمع نمی‌شدند. در حالی که او زندگی کاملاً مردمی، بی تکبّر و بدون نازیدن به مقام و درجه و... را سپری کرد.

آن همه درجات و القاب و صفات در کنار وصیت‌نامه دستخطی او همه دستخطها را معنایی جدید بخشید.

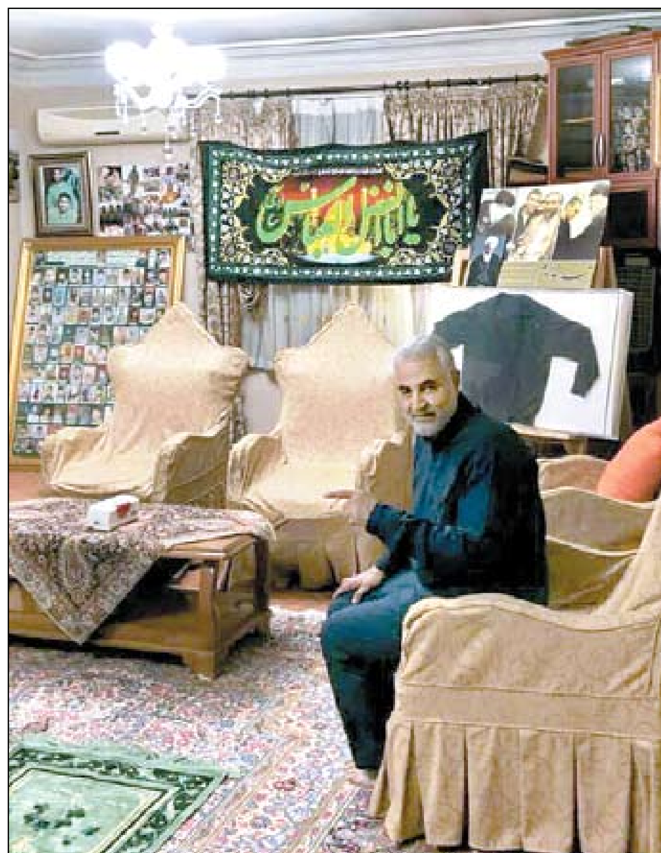
از همه مهم‌تر، جمع اضداد بودن او و شگرفی سلطنت بر نفس بوده است.

ای بی‌خبر بکوش که صاحب خبر شوی
تا راهرو نباشی کی راهبر شوی
دست از مس وجود چو مردان ره بشوی
تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی

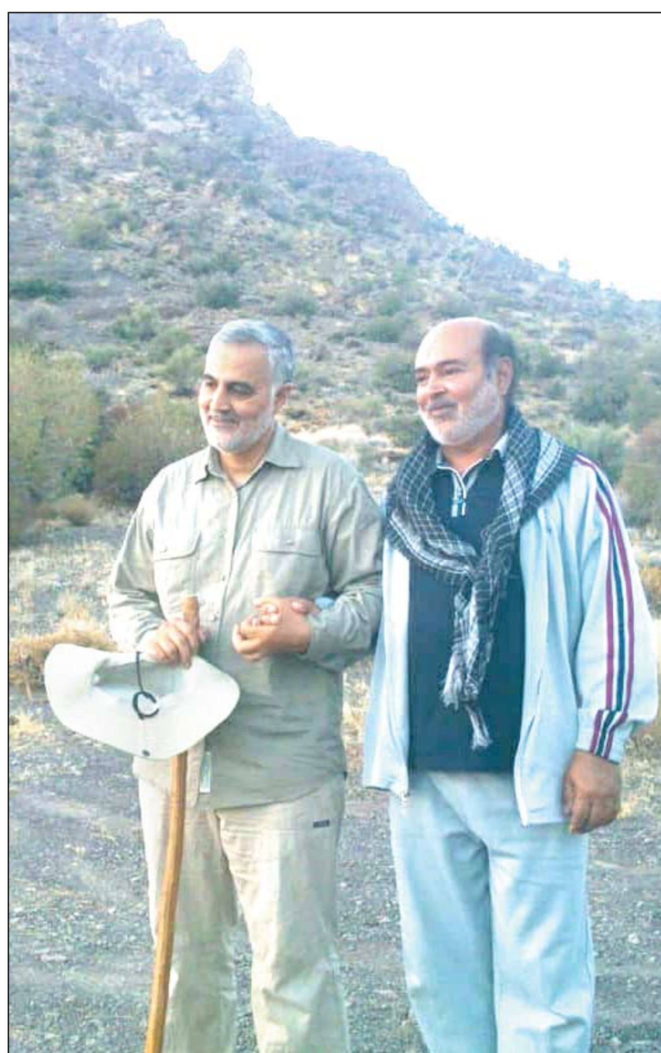
سردار دل ها







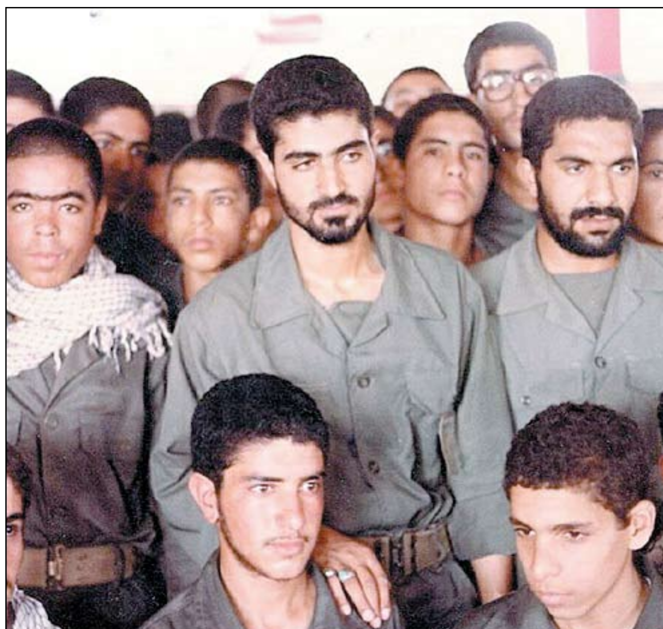
تصویر اتاقی در خانه سردارسلیمانی که عکس ها و یادگارهای دوران دفاع مقدس بر در و دیوار آن نقش بسته است. لباس مشکی شهید عمادمغنیه توسط این شهید نگهداری می شد.



شهیدسردار سلیمانی همراه یکی از دوستانش در حوالی کرمان



ابراز عاطفه سردار دل‌ها به پدر و مادرش در روستای «قنات ملک»



شهید سردارسلیمانی در جمع همرزمانش در سالهای نخستین دفاع مقدس



عیادت سردار مقاومت از پدر یکی از شهدای جنگ تحمیلی



شهیدسردار سلیمانی در جمع مبارزان عراقی


حاج قاسم سلیمانی هنگام زیارت قبور شهدا در کرمان


سردار سلیمانی در اوایل دوران دفاع مقدس در جمع همرزمانش







حاج قاسم سلیمانی در دیدار با آیت‌الله سید یحیی جعفری - امام جمعه سابق کرمان



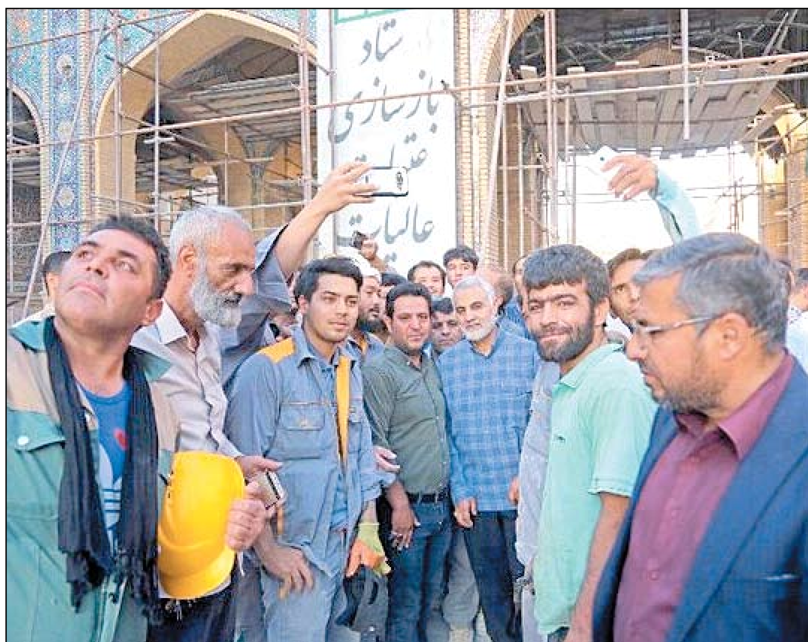
حاج قاسم در جمع صمیمی دوستان



دیدار صمیمانه سردار سلیمانی با خانواده شهدای مدافع حرم استان مازندران



رویش های انقلاب با تکیه بر مکتب «حاج قاسم»

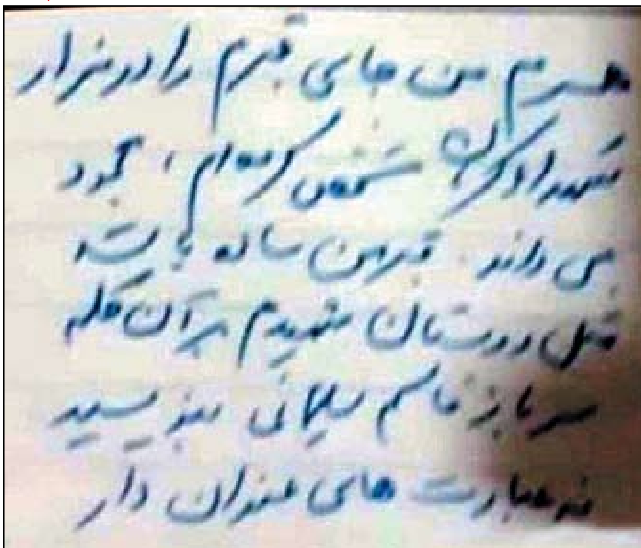


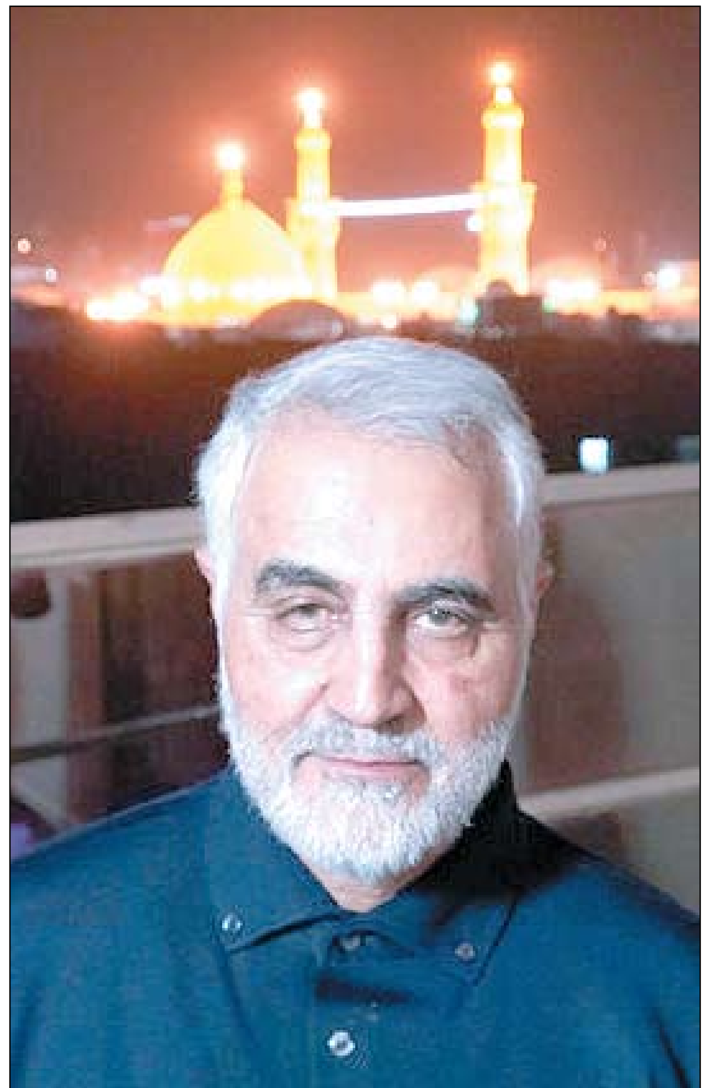
بازدید شهید سردار سلیمانی از روند بازسازی یکی از پروژه‌های عتبات در عراق



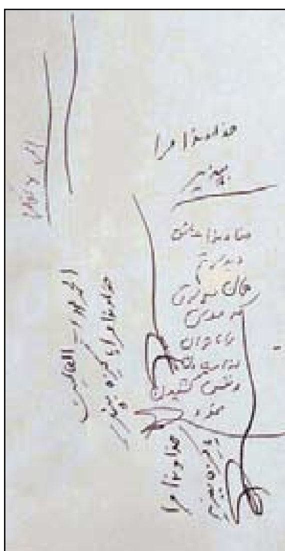


حاج قاسم سلیمانی بر اساس وصیت نامه اش در گلزار شهدا در جوار مزار شهید حسین یوسف الهی به خاک سپرده شد. در وصیت نامه این شهید آمده است:





عکس یادگاری سردار دل ها در کربلا

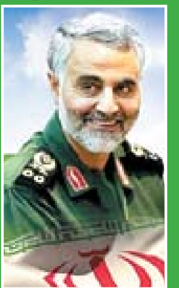


آخرین دست نوشته سردار دل ها ساعاتی قبل از شهادت

متنی که در سمت چپ تصویر دیده می‌شود توسط شهید سردار سپهبد قاسم سلیمانی، کمی قبل از پرواز شهادت از دمشق به بغداد در روز پنجشنبه ۱۲دی ماه نوشته شده و ایشان این متن را کنار آینه محل اقامت خود قرار داده و قلم را روی آن گذاشته بود.

در دست نوشته آمده است:

«الهی لا تکلنی
خداوندا مرا بپذیر
خداوندا عاشق دیدارتم
همان دیداری که موسی را ناتوان از ایستادن و نفس کشیدن نمود
خداوندا مرا پاکیزه بپذیر
الحمدلله رب العالمین
خداوندا مرا پاکیزه بپذیر»



۶۲
اطلاعات
پنجشنبه
۲۴بهمن ۱۳۹۸
سال نودوچهارم
شماره ۲۷۴۹۹



درس «سردار دل‌ها» به رنجدیدگان سیل‌زده

شـــهید سردار سپهبد قاسم سلیمانی یک الگوی کم‌نظیر برای گروه‌های جهادی بود. هنوز فراموش نکرده‌ایم که در ابتدای سال ۹۸و هنگام وقوع سیل‌های خانمان برانداز در مناطق وسیعی از کشورمان، او بی ریاوباتمامی وجود بی توجه به بزرگی نام ومقام ومنصب خویش ، به میان سیل‌زدگان رفت و به آنها یاری رساند.

سردار عارف هاشمی، برادر شهید علی هاشمی که در جریان سیل امسال در خوزستان، میزبان قاسم سلیمانی و در کنار او بود، خاطرات خواندنی از آن شهید دارد. باشگاه خبرنگاران جوان، گفتگویی با این فرمانده جهادی منتشر کرده است که ازنظر خوانندگان عزیز می گذرد:

سردار شهید قاسم سلیمانی در زمان حضور میان سیل‌زدگان خوزستانی، به خانه شما آمد و به محضر مادر شهید علی هاشمی رسید. گویا ارتباطی قدیمی میان خانواده شما و حاج قاسم سلیمانی وجود داشته است. لطفا دراین باره بیشتر توضیح دهید.

بســـم الله الرحمن الرحیم. شهادت سردار شجاع و افتخارآمیز و خوش سیمای جبهه مقاومت، حاج قاسم ســـلیمانی را به محضر حضرت ولی عصر (عج)، رهبر معظم انقلاب و ملت شریف ایران تسلیت عرض می‌کنم. بعد از آن که ارتش بعث عراق به ایران حمله کرد و جنگ تحمیلی آغاز شد، مردم از همه نقاط ایران برای کمک و یاری به مناطق جنگی حضور یافتند. جوانان کرمانی هم در یک گردان به فرماندهی قاسم سلیمانی به منطقه دشت آزادگان رفتند و ابتدای کارشـــان در سپاه حمیدیه بود و کارهای شناسایی را انجام می‌دادند که بعدها خودشان به تیپ و لشکر تبدیل شدند.

هر چند که حاج قاسم، زاده کرمان است، اما می‌توان او را فرزند خوزستان هم به حساب آورد، زیرا در اوج جوانی پا به عرصه دفاع مقدس در خوزســـتان گذاشت و جانانـــه در عملیات‌های متعدد مجاهدت کرد. چون فرمانده تیپ ۳۷ نور، برادر بنده سردار شهید علی هاشمی بود، از همان آغاز دوران جنگ تحمیلی با قاسم سلیمانی آشنا شد و یک رابطه دوستی عمیق بین آنها شکل گرفت.

*سردار عارف هاشمی:هر چند که حاج قاسم، زاده کرمان است، اما می‌توان او را فرزند خوزستان هم به حساب آورد، زیرا در اوج جوانی پا به عرصه دفاع مقدس در خوزستان گذاشت و جانانه در عملیات‌های متعدد مجاهدت کرد

*حاج قاسم هر زمان که به خوزستان تشریف می‌آورد، ابتدا از خانواده ما دیدار می‌کرد. به جرأت می‌توانم بگویم که سردار سلیمانی خلاء وجود شهید هاشمی را برای خانواده ما پر کرده بود

*قاسم سلیمانی در قلب‌های مردم ورود کرد و بر قلب‌های مردم حکومت می‌کرد

بعد از شهادت و جاویدالاثر شدن سردار هاشمی، سردار سلیمانی این ارتباط را همچنان با خانواده و پدرمان ادامه داد. بعد از این که حاج قاســـم فرماندهی نیروی قدس ســـپاه را عهده‌دار شد، به مرور زمان این نیرو که درابتدا مطرح نبود، جان گرفت و به روزتر شد و شهید سلیمانی توانست کارهای خارق العاده‌ای در بیرون مرزها انجام دهد که سبب شناخته‌تر شدن نیروی قدس شد.

پس از سقوط صدام و رفت و آمد حاجی به عراق، ارتباط سردار سلیمانی با خوزستانی‌ها به مراتب بیشتر شد و این ارتباط تا پایان عمر بابرکت ایشان ادامه داشت. هر زمان هم که به خوزستان تشریف می‌آورد، ابتدا از خانواده ما دیـــدار می‌کرد. به جرأت می‌توانم بگویم که حاج قاسم خلاء وجود شهید هاشمی را برای خانواده ما پر کرده بود. یعنی همان برخوردی که شهید هاشمی با ما داشت، حاج قاسم هم داشت. گویی برادر واقعی خودمان و فرزند واقعی پدر و مادرم بود.

تیرماه امسال که سالروز شهادت حاج علی هاشمی بود، ســـردار سلیمانی در مراسم حضور داشت و گفت این آخرین دیدار ماســـت و به زودی پیش حاج علی خواهد رفت. ما باور نمی‌کردیم و حرفش را شـــوخی می‌دانستیم!





حضور سردار سلیمانی در اتاق وضعیت سیل شادگان

اوائل سال که در استان خوزستان سیل اتفاق افتاد، شهید سردار سلیمانی هم برای کمک به مردم آن مناطق به این استان رفت. شما هم در کنار ایشان بودید؛ چه اتفاقاتی رخ داد؟

تصور مردم از ســـردار سلیمانی یک فرمانده ارشد جنگی و چهره نظامی بود، اما او با یک چهره فوق‌العاده مهربان و مردمی بین سیل‌زدگان حضور یافت. رفتار و منش خود حاج قاسم با مردم‌سیل‌زده آن قدر خوب بود که باعث شد بعد از شهادتش، کودک تا پیرمرد عشایری در تشییع پیکرش در اهواز شرکت کنند. حتی یک پیرمرد با تن رنجور و نابلد بودن راه، با پای پیاده از شادگان به اهواز آمد تا درمراسم تشییع حاضر باشد .

قاسم ســـلیمانی در قلب‌های مردم ورود کرد و بر قلب‌های مردم حکومت می‌کرد. او در روزهای ســـیل خوزستان، ســـلاح را روی زمین گذاشت و بیل دستش گرفت و برای مردم و سیل زدگان اشک می‌ریخت. حاج قاسم این گونه نبود که دستور بدهد و برود. نمی‌رفت؛ تا لحظه آخر و تا موقعی که مردم یک روستا یا منطقه نجات پیدا کنند و امکانات بگیرند، کنار مردم می‌ایستاد.

حضور حاج قاسم همچنین در زمان سیل خوزستان، یک انســـجام بین مدیران و نیروهای مسلح این استان به وجود آورد. در روزهای ســـیل، وجود حاج قاسم و ابومهدی المهندس ســـبب دلگرمی بین مردم خوزستان شـــد. برای مردمی که همه دارایی و زندگی خود را از دست رفته می‌دیدند، قاسم سلیمانی یک منجی بود.

ماجرای بوسیدن دست یک پیرمرد سیل‌زده توسط سردار چه بود؟

یک پیرمرد که همه زندگی‌اش را آب برده و خودش هـــم تا کمر در آب بود؛ فقط یک قاب عکس از تصویر امام خمینی (ره) دستش گرفته بود و می‌گفت هیچ چیزی نمی‌خواهم، اما عکس امام نباید خیس شود. این بود که حاج قاسم هم بر دستش بوسه زد.

انگیزه بالای قاسم سلیمانی برای حضور مداوم در جهاد را ناشی ازچه می‌دانید؟

به جـــرأت می‌توانم بگویم که ندای «هَلْ مِنْ ناصِرٍ یَنْصُرُنی» امام حسین (ع) در ۱۴۰۰سال قبل را حاج قاسمً لبیک گفت. او کســـی بود که خودش به دنبال شهادت می‌رفت. همیشـــه هم می‌گفت که دعا کنید من شهید شوم. در نیروهای مسلح، هیچ وقت فرماندهان عالی رتبه در صحنه نبرد جلـــو نمی‌روند، اما او فرماندهی بود که جلوتر از نیروهایش به دل خطر می‌رفت. معمولا وقتی یک منطقه پر از خطر اســـت، محافظان اجازه نمی‌دهند تا شـــخصیت‌های مهم نظامی، وارد آن منطقه شوند، اما نمی‌شد جلوی قاسم سلیمانی را گرفت!

به نظرم در بغداد اگر حاج قاســـم از فرودگاه بیرون می‌رفت از محالات بود که آمریکایی‌ها بتوانندبه او دست پیداکنند یا هدف قرار بدهند. آنها که اهل مسائل نظامی هستند می‌فهمند معنی این حرف چیست. باید بگردیم و ببینیم چه کسی آمار او را به دشمن داد، درغیر این صورت آمریکایی‌ها وغربی‌ها آنقدر جربزه ندارند که جرأت کنند دنبال شیری مثل قاسم سلیمانی باشند. اگر یادتان باشد، حاج قاســـم می‌گفت: ترامپ قمارباز! من سلیمانی فقط حریف تو و ارتش آمریکا هستم. یعنی می‌گفت بدون سپاه و نیروی قدس به تنهایی آنها را حریف است.

قاسم سلیمانی فقط یک نفر از بزرگان ایران است و هزاران بزرگ در ایران وجود دارند که کل ایالات متحده که هیچ، کل دنیا هنوز آنها را نشـــناخته‌اند. ما استادان بزرگی در جهاد داریم که هنوز شناخته شده نیستند، از جمله یار صدیق و همیشگی حاج قاسم، سردار شامی (سردار اسماعیل قاآنی). اگر صهیونیست‌ها اهل تحلیل باشند که نیستند، باید بدانند که «شهید قاسم سلیمانی» به مراتب خطرناک‌تر از قاسم سلیمانی است. چرا؟ چون اکنون سردار شـــامی به دنبال آنهاست. سردار قاآنی، به فضل الهی، اســـرائیل را به زانو در خواهد آورد. به این قضیه اصلا شک نداریم.

> *تیر ماه امسال که سالروز شهادت حاج علی هاشمی بود، سردار سلیمانی در مراسم حضور داشت و گفت این آخرین دیدار ماست و به زودی پیش حاج علی خواهد رفت. ما باور نمی‌کردیم و حرفش را شوخی می‌دانستیم!
>
> *تصور مردم از سردار سلیمانی یک فرمانده ارشد جنگی و چهره نظامی بود، اما او با یک چهره فوق‌العاده مهربان و مردمی بین سیل‌زدگان حضور یافت. رفتار و منش خود حاج قاسم با مردم‌سیل‌زده آن قدر خوب بود که باعث شد بعد از شهادتش، کودک تا پیرمرد عشایری در تشییع پیکرش در اهواز شرکت کنند

شهادت قاسم سلیمانی قطعا کمر آمریکا را خواهد شکست. آمریکا دیگر جایی در منطقه نخواهد داشت. اگر صدای من به مردم آمریکا می‌رسد به آنها می‌گویم که به داد بچه‌هایشان که در منطقه هستند برسند و آنها را از منطقه خارج کنند. اشتباه بزرگ محاسبه‌گران غربی این است که شیعه حضرت علی(ع)، ایران و مردم ایران را نشـــناخته‌اند. اینها اگر توانایی‌اش را داشتند زودتر از این حاج قاسم را می‌زدند، ولی تحت هیچ شرایطی این توانایی را نداشتند.

در حقیقت آمریکایی‌ها تجهیزات بالایی دارند، اما شکنندگی‌شان هم خیلی بالاســـت؛ چون آنها از مرگ می‌ترســـند و مرگ را برای خودشان یک بلا می‌دانند. اما قاسم ســـلیمانی، پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) را درک کرده بود. اگر برای حاج قاســـم، غیر از شهادت، مرگ دیگری رقم می‌خورد، در اخلاص و عبادت او باید شک می‌کردیم. حاج قاسم با خونش، جهان اسلام و گام دوم انقلاب را تضمین کرد. او نه فقط سبب خروش میلیونی مردم ایران شـــد بلکه کل جهان را به حرکت در جهت انقلاب اسلامی واداشت. تردیدی نداریم که با شهادت سردار سلیمانی، پیروزی از آن اسلام خواهد بود.

در پایان، اگر نکته‌ای مد نظر دارید بفرمایید .

حاج قاسم را ما زمینی‌ها نتوانستیم بشناسیم. ایشان را فقط خدا شناخت. در منش، رفتار و عشق به ولایت او هیچ ناخالصی وجود نداشت و ذوب در انقلاب بود. خط قرمز قاسم سلیمانی، ولایت و انقلاب بود. همه باید حاج قاسم شویم. حاج قاسم شهید شد، اما فرهنگ حاج قاســـم تا ظهور حضرت ولی عصر (عج) زنده خواهد ماند. فرهنگ حاج قاســـم خیلی مؤثر است و باید برای آن کار شود. نویسندگان، شاعران، فیلمسازان و مداحان خوب ما باید به موضوعات و ابعاد شخصیتی و نظامی حاج قاسم بپردازند. من هم دست شما روزنامه‌نگاران و قلم به دستانی که برای حفظ این فرهنگ تلاش می‌کنید را می‌بوسم.

مالک اشتر

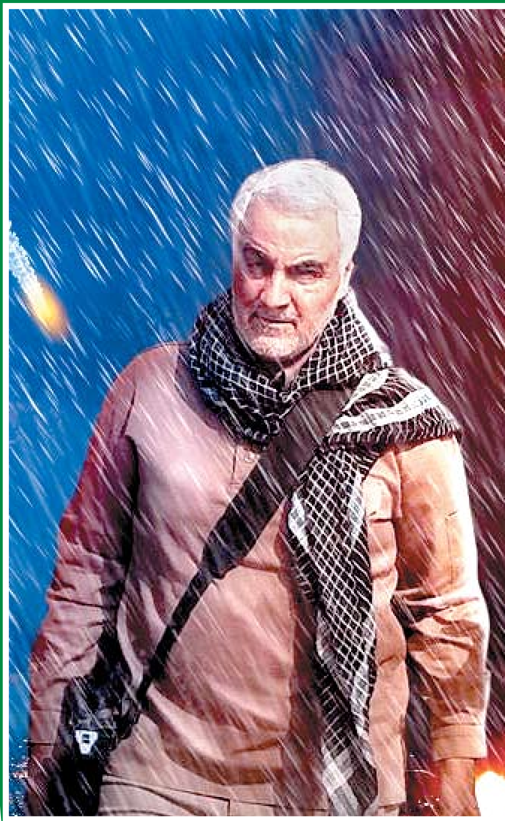
سعیدبیابانکی

آتش داغی به جان مؤمنین افتاده است
گوییا از اسب، کوهی بر زمین افتاده است
شانه‌های مرتضی لرزید از این داغ سترگ
مالک اشتر مگر از روی زین افتاده است
عطر جنت در فضا پیچیده از هر سو مگر
کاروان مشک در میدان مین افتاده است؟
چارسوی این کبوترهای پرپر را ببین
آیه‌های روشن زیتون و تین افتاده است
دست بر دامان شاه تشنه‌کامان یافتند
دست‌هایش را که دور از آستین افتاده است
زوزهٔ کفتارها از هر طرف برخاسته است
شک ندارم این که شیری در کمین افتاده‌است
کربلا در کربلا تکرار شد بار دگر
ماه زیر خنجر شمر لعین افتاده است
محشر کبراست در کرمان و در تهران و قم
در رگان شهر شور اربعین افتاده است
کوه آهن بر زمین افتاده یاران کاین چنین
لرزه بر اندام کاخ ظالمین افتاده است
سرجدا، پیکر جدا، این سرنوشت لاله‌هاست
خاتم ملک سلیمان، بی‌نگین افتاده است

آی نخل کرمانی!...

سیدحکیم‌بینش

شکسته‌باد دوپایی که رفت پاورچین
بریده باد دو دستی که کرده‌ات گلچین
پس از تو ما همگی آی نخل کرمانی!
بدل شدیم به یک قاسم سلیمانی
مبارک است تو را ای شهید پیش از پیش
که در رکابت اجل می‌دوید پیش از پیش
بیا بنوش گوارایت، آب کوثر را
خدا برای همین آفرید پیش از پیش
تمام عقدهٔ خود را به نهر ریخته‌اند
به حلق تشنهٔ ما آب زهر ریخته‌اند
دوباره سایه به قصد مصاف با خورشید
خزیده در پس دیوار مرگ بی‌تردید
رسیده است غم از راه و مقتدر شده‌است
درون سینهٔ ما بمب منفجر شده‌است
شکسته‌ایم ولی غم بغل نمی‌گیریم
جز از نگاه ولایت عسل نمی‌گیریم
مجال گریه نداریم، وقت ما تنگ است
دگر به خانه نشستن برای ما ننگ است
«علی»بگویدم امروز رقص شمشیرم
میان معرکه‌شان با کدام آهنگ است
عقاب‌های ستیغ و بلند پروازیم
بدا به حال شمایی که بالتان لنگ است
مباد وقت بیفتد به دست آنانی
که موقع حرکت سخت پایشان سنگ است
پس از تو ما همگی،آی نخل کرمانی!
بدل شدیم به یک قاسم سلیمانی



مرحبا ای شهید زندهٔ عشق!

عباس احمدی

باز هم موج‌های طوفان‌زاد
غیرت خلق را تکان دادند
تا به دریای معرفت برسیم
شهدا راه را نشان دادند
تسلیت واژهٔ قشنگی نیست
گرچه او قهرمان ملت بود
او که چون مرغ در قفس،عمری
در به در در پی شهادت بود
یا علی گفت و دل به دریا زد
چون شهادت کلید پرواز است
حاج قاسم دوباره ثابت کرد
در این باغ همچنان باز است
مرحبا ای شهید زندهٔ عشق
پیش ارباب، روسپید شدی
تلخ بود این خبر، جدید نبود
سال‌ها پیش از این شهید شدی!
موعد انتقام نزدیک است
تندبادیم و غیرتی شده‌ایم
دشمن از ما به وحشت افتاده
همگی بمب ساعتی شده‌ایم

آبروی همیشه کرمان

شهره انجم شعاع

در درندشت کوه پیچیده، ناله‌های مداوم بوران
شب، شب سوزی استخوان‌سوز است، مشت بر سینه می‌زند طوفان
مانده در گوش دشت انگاری رد سُم‌کوبه‌های شبدیزی
باز زین کرده رخش را رستم می‌رود تا حوالی توران
با کمانی به دوش می‌آید بر تنش زخم سالیان مانده
آرش است و کنایه‌های مسیر، آرش است و ستیغ کوهستان
از تب لهجهٔ کویری مرد، یخ دل‌های مرده می‌شکند
بوی آلاله می‌دهد دستش بس که گل کاشته در این گلدان
عطر بابونه‌های وحشی را با خودش از کویر آورده
می‌برد بوی لاله را از فاو تا گذرگاه مرزی لبنان
آشنای غم دهاتی‌هاست، دل صدها کَپَر به او قرص است
نام او جاری است از اروند، نام او جاری است تا جولان
او کتاب مصور جنگ است، شرح تاریخ جانفشانی‌هاست
بومی خاک عشق و ایثار است آبروی همیشهٔ کرمان
شعله‌های چراغ بغدادی با نفس‌های باد می‌میرد
شب، شب سوزی استخوان‌سوز است، مشت بر سینه می‌زند طوفان
تا که این سوز کارگر نشود پیکرش، دشت را بغل کرده
و زمین پر شد از تن مردی که از او خالی است دست زمان
در افق خون داغ پاشیده شرق آبستن است صبحی را
بوی بابونه می‌وزد با باد می‌پرد خواب از سر دوران

ونام یک‌یک سربازها سلیمان است

سعید تاج‌محمدی

شهید کن که شهادت حیات مردان است
ولی برای شما مرگ، خط پایان است
شهید کن که شهیدان بریده از جسم اند
شهید کن که شهید از ازل همه جان است
ببار تیر بلا لحظه لحظه بر سر ما
که سرو، مست همین قطره‌های باران است
به مورها برسانید از سپاه علی
که نام یک‌یک سربازها سلیمان است
شهید قاسم ما زنده‌تر شد و امشب
خوشا که بر سر خوان حسین مهمان است
خوشا به او که پس از این همه جهاد و جنون
به خون خویش ابوالفضل‌وار غلطان است
به خون تپیده و بر خاک قطعه‌قطعه شده
شبیه یار شدن، آرزوی یاران است
ز کوچ مالک اگر خون نشسته در دل ما
ولی ببین که سپاه علی رجزخوان است
به دیدهٔ تر ما رنگ یأس و رخوت نیست
سپاه عشق کماکان میان میدان است
نه...حزن و سستی از این داغ‌ها به ما نرسد
که «انتم الاعلون» از اصول قرآن است
حرام می‌شود از این به بعد خواب شما
که خشم حیدری شیعه سخت و سوزان است
که امر رهبر ما گر رسد همین فردا
به یا علی مددی کاخ ظلم ویران است
در انتظار ظهوریم و خوب می‌دانیم
کنار مهدی ما لشگر شهیدان است

مانده انگشتر اگر دست سلیمانی نیست

محمدرضا بازرگانی

فکر کردی که نمانده دل و دلسوزی نیست؟
یا در این قوم به جز دغدغهٔ روزی نیست؟
به خیالت که زمستان شده و یخبندان؟
در نفس‌های نسیمی دَم نوروزی نیست؟
خواستی پیرهن فتح بپوشی اما
هرگز اندازه‌ات این جامه که می‌دوزی، نیست
شعله بر دامن دریا زده‌ای، بیچاره!
کشتن موج که با شعله برافروزی نیست
آل مروان! بشنو، مکتب ما کرب‌وبلاست
کشتن قاسم ما قصهٔ امروزی نیست
مانده انگشتر، اگر دست«سلیمانی» نیست
که «سلیمان» فقط آن نعش که می‌سوزی، نیست
شیر نر رفته و این قهقههٔ کفتاران
بانگ عجز است، بلی، خندهٔ پیروزی نیست
گفتی این جبهه، دگر جبههٔ دیروزی نیست
آری، این جبهه دگر جبههٔ دیروزی نیست

حاج قاسم به رفیقان شهیدش پیوست

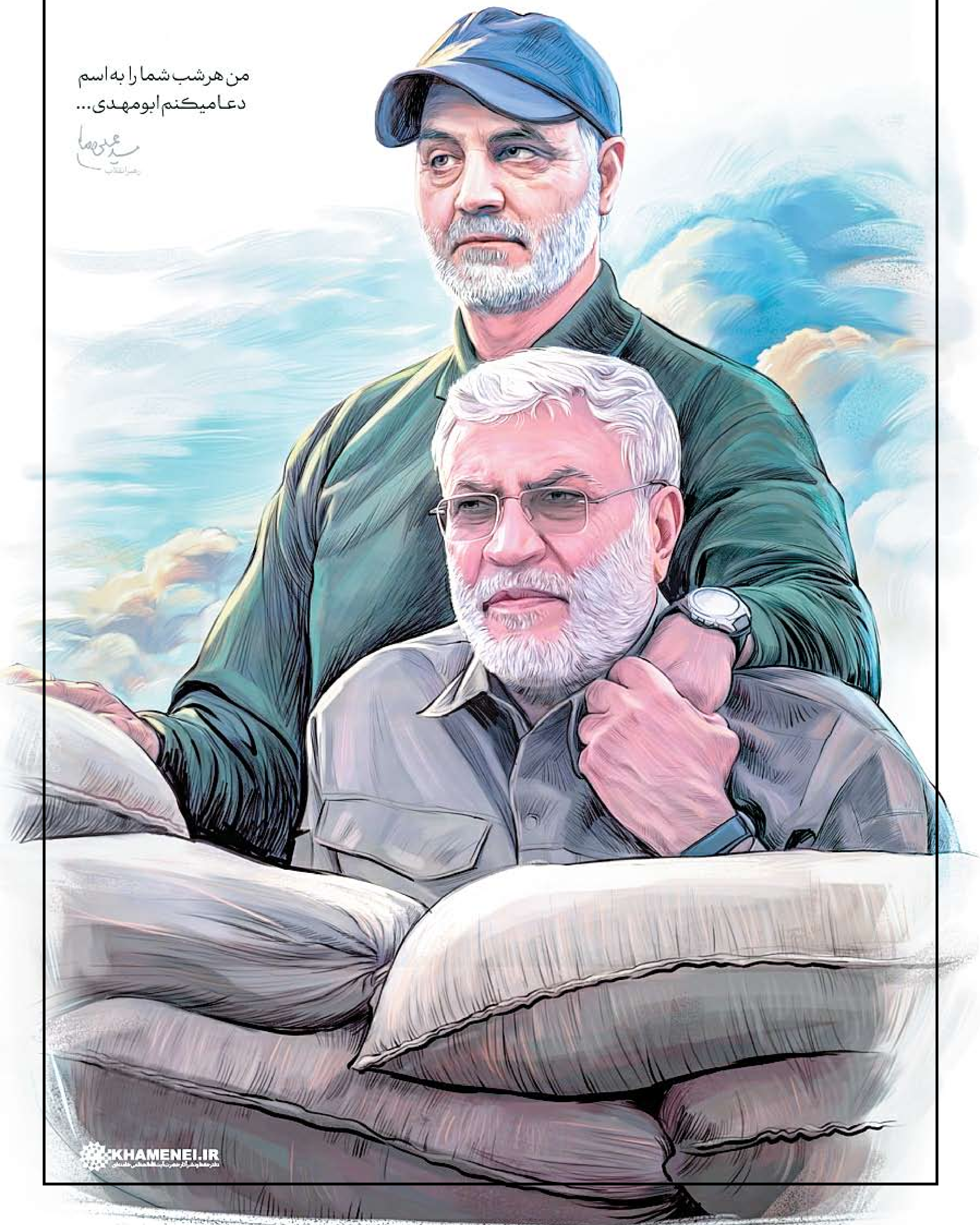
مهدی جهاندار

بال پرسوختگان تاول خود را برداشت
روضه‌خوان گریه‌کنان مقتل خود را برداشت
شهر می‌رفت که در ظلمت خود غرق شود
کشتی راه خدا مشعل خود را برداشت
خوش به حال لب شمشیر شهادت‌طلبی
که در این آمد و شد، صیقل خود را برداشت
کربلا قصهٔ امروز من و توست رفیق
کربلا ماضی و مستقبل خود را برداشت
نوعروسی است شهادت که شب حجله فقط
یک نظر چارقد مخمل خود را برداشت
حاج قاسم به رفیقان شهیدش پیوست
گام دوم، قدم اول خود را برداشت





سردار سپهبد شهید قاسم سلیمانی
الله اکبر
مجاهد شهید ابومهدی المهندس



من هر شب شما را به اسم
دعا میکنم ابومهدی...
KHAMENEI.IR